

منتخب صحیفہ مہدیہ

تألیف

سید مرتضیٰ مجتہدی سیستانی



## منتخب صحيفه مهديه

مؤلف: سيد مرتضى مجتهدى سيستانى

مترجم: مؤسسه اسلامى ترجمه

ناشر: نشر حاذق

چاپ: جعفرى

نوبت چاپ: چهارم

تاريخ انتشار: مرداد ۱۳۸۴

قطع و صفحه: نيم جيبى / ۶۰۰ صفحه

تيراژ: ۱۰۰۰۰ جلد

قيمت: ۱۰۰۰ تومان

شابک: X-۸۹-۵۹۷۰-۹۶۴-۹۷۸-ISBN

نشرالماس: ۰۹۱۲۲۵۱۰۳۵۸(۰۲۵۱)۲۶۱۳۸۲۱

سایت مؤلف: WWW.ALMONJI.COM

Email: info@almonji.com

## فهرست مطالب

## مقدمه

۱۳	امامان معصوم <small>علیهم السلام</small> و بیان اسرار الهی .....
۱۷	اهمیت مداومت بر دعا .....
۱۸	دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء لازم و ضروری است ...
۲۲	مظلوم‌ترین فرد عالم .....
۲۵	نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی خنّاط .....
۲۷	تجربه مهشی از مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی .....
۳۰	تشکیل مجالس دعا برای تعجیل ظهور امام زمان <small>عجل الله فرجه</small> .
۳۲	توجه به وظایف دوران غیبت .....
۳۴	اعتیاد به عصر غیبت امام عصر ارواحنا فداء! .....
۳۷	روش فکری خود را تغییر دهید! .....
۴۰	به سوی امیر عالم هستی .....
۴۴	توجه به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء لازم است .....
۵۳	انتظار ظهور یا اعتقاد به ظهور؟! .....
۵۵	عظمت امام عصر ارواحنا فداء در کلمات اهل بیت <small>علیهم السلام</small> .....

## بخش اول

## نمازها

۷۵	نماز امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> .....
----	---

قسمتی از زیارت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه :

أنتم الذرّیة المختارة والأنفس المجرّدة والأرواح المطهّرة  
یا محمّد، یا علیّ، یا فاطمة الزّهراء، یا حسن، یا حسین،  
سیّدي شباب أهل الجنّة، یا موالی الطّاهرين،  
یا ذوی النّهی والتّقی، یا أنوار الله فی أرضه الّتی لا تطفئ،  
یا عیون الله فی خلقه، أنا منتظر لأمرکم، مترقّب لدولتکم،  
معکم لا مع غیرکم، إلیکم لا إلی عدوّکم،  
آمنت بکم وبما أنزل إلیکم، وأبرء إلی الله من عدوّکم

ای رهبران پاک

ای نورهای جاویدان الهی

ای دیدگان خداوند در میان آفریدگان

من در انتظار امر شما و فرا رسیدن حکومت شما هستم

من با شما هستم نه با غیر شما

من به شما ایمان دارم و از دشمنانتان بیزارم

بحار الأنوار: ۳۴۵/۱۰۰، الصحیفة المبارکة المهدیة: ۵۸۴

- نماز مسجد مقدس جمکران ..... ۷۷  
 پنماز توجه به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه ..... ۷۸  
 نماز و دعای فرج برای رفع مشکلات مهم ..... ۸۱  
 نماز استغاثه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه ..... ۸۶  
 اهداء نماز به امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روز پنجشنبه ..... ۹۱  
 نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه در شب جمعه ..... ۹۲

بخش دوم

دعاهای قنوت

- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء در قنوت هر نماز ..... ۹۷  
 دعای قنوت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ..... ۹۹  
 دعای دوّم حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در قنوت ..... ۱۰۱  
 دعای سوّم آن حضرت در قنوت ..... ۱۰۸  
 دعا در قنوت نماز جمعه برای ظهور آن بزرگوار ..... ۱۰۹

بخش سوّم

ادعیه بعد از نمازها

- دعا برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء بعد از هر نماز واجب ..... ۱۱۱  
 دعای دیگر برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء بعد از نمازهای واجب ..... ۱۱۲  
 دعا برای تشرّف خدمت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ..... ۱۱۴

- دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداء ..... ۱۱۶  
 دعای بعد از نماز صبح ..... ۱۱۹  
 دعا برای حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه بعد از نماز صبح ..... ۱۲۲  
 دعاهایی که حضرت بقیة الله ارواحنا فداء برای برطرف شدن مشکلات شدید ..... ۱۲۳  
 دعا برای ظهور آن حضرت پس از نماز صبح و ظهر در هر روز ..... ۱۲۹  
 دعا برای ظهور آن بزرگوار ﷺ پس از نماز ظهر در هر روز ..... ۱۲۹  
 دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه پس از نماز عصر ..... ۱۳۳  
 دعا برای ظهور امام زمان ﷺ بعد از دو رکعت اول نماز شب ..... ۱۳۷

بخش چهارم

دعاهای ایام هفته

- دعا برای ظهور امام زمان عجل الله فرجه در روزهای پنجشنبه ..... ۱۴۱  
 صلوات برای ظهور آن حضرت از عصر روز پنجشنبه ..... ۱۴۲  
 دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء در شب جمعه ..... ۱۴۳  
 دعای علوی مصری از امام زمان ﷺ که در گرفتاری های شدید ..... ۱۴۴  
 اهمیّت دعای ندبه ..... ۱۹۸  
 دعای ندبه ..... ۱۹۹  
 دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء در روز جمعه ..... ۲۲۶  
 صلوات ضراب اصفهانی ..... ۲۲۷  
 فضیلت خواندن سوره بنی اسرائیل در شب های جمعه ..... ۲۳۸

## بخش پنجم

## دعاهای هر ماه

دعای ایام ماه رجب .....	۲۳۹
دعای دیگر در ایام ماه رجب .....	۲۴۵
دعای سوّم در ایام ماه رجب .....	۲۴۷
دعای روز سوّم ماه شعبان .....	۲۵۲
فضیلت شب نیمه شعبان .....	۲۵۶
دعای شب نیمه شعبان .....	۲۵۸
دعای افتتاح .....	۲۶۱
دعا برای ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small> در روز سیزدهم ماه رمضان .....	۲۷۷
دعا برای ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small> در شب بیست و سوّم ماه رمضان .....	۲۸۰
دعای دیگر برای ظهور آن حضرت در شب بیست و سوّم .....	۲۸۲
دعای سوّم برای ظهور آن حضرت در شب بیست و سوّم .....	۲۸۵
دعای روز عید غدیر .....	۲۸۶
تسبیح امام زمان <small>علیه السلام</small> از روز هیجدهم تا آخر هر ماه .....	۲۹۵

## بخش ششم

## دعاهایی که مخصوص روز معینی

## از ایام هفته نیست

دعای عهد .....	۲۹۷
----------------	-----

دعای عهد دیگر .....	۳۰۴
دعای زمان غیبت .....	۳۱۰
دعای معرفت در زمان غیبت .....	۳۱۹
دعای دیگر در زمان غیبت .....	۳۳۵
دعای دیگری نیز در زمان غیبت .....	۳۳۶
دعای غریق در زمان غیبت .....	۳۳۸
دعای نجات از فتنه‌های آخرالزمان .....	۳۳۹
دعای فرج (إلهی عظم البلاء) .....	۳۴۲
دعا در ساعت مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداء .....	۳۴۴
دعای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه .....	۳۴۸
دعای سهم اللیل از امام زمان ارواحنا فداء .....	۳۴۹
دعای دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه .....	۳۵۳
دعای «یا نور التّور» از امام زمان عجل الله تعالی فرجه .....	۳۵۶
دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداء برای رفع مشکلات .....	۳۵۷
دعای مهم‌دیگر از امام زمان <small>علیه السلام</small> برای برآورده شدن حاجتها .....	۳۵۹
دعای امام عصر عجل الله تعالی فرجه برای شفاء از بیماری‌ها .....	۳۶۱
دعای دیگری از امام زمان <small>علیه السلام</small> برای رهایی از سختیها و مشکلات .....	۳۶۲
حرز امام زمان عجل الله تعالی فرجه .....	۳۶۶
دعای شیعیه در هنگام خروج حضرت قائم ارواحنا فداء .....	۳۶۷

صلوات بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ..... ۳۶۸  
 فضیلت سوره های «مسبحات» ..... ۳۷۰

### بخش هفتم

#### توسل به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء

دعای توسل معروف به دعای توسل خواجه نصیر رحمته الله علیه ..... ۳۷۱  
 دعای توسل به حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه ..... ۳۹۸  
 توسل به حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه در مشکلات ..... ۴۰۰  
 توسل دیگر به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء (یا صاحب الزمان) ..... ۴۰۱  
 توسل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه ..... ۴۰۱

### بخش هشتم

#### عریضه و نوشتن نامه به امام عصر ارواحنا فداء

کیفیت نوشتن نامه به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه ..... ۴۰۳

### بخش نهم

#### استخاره

استخاره اول ..... ۴۱۱  
 استخاره دوم ..... ۴۱۲

### بخش دهم

#### درباره حرز یمانی و جریان آن

جریان حرز یمانی ..... ۴۱۵  
 حرز یمانی ..... ۴۱۶

### بخش یازدهم

#### زیارتها

استحباب زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ..... ۴۳۷  
 زیارت حضرات معصومین علیهم السلام و هدیه ثواب آن ..... ۴۳۸  
 زیارت آل یس ..... ۴۳۹  
 زیارت ندبه ..... ۴۵۰  
 زیارت امام زمان ارواحنا فداء در روز جمعه ..... ۴۶۶  
 زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ..... ۴۷۰  
 زیارت ناحیه مقدسه ..... ۴۷۳  
 زیارت رجبیه که در حریمهای مطهر اهل بیت علیهم السلام در ماه رجب ..... ۵۱۸  
 زیارت حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء در سرداب مقدس ..... ۵۲۲  
 زیارت دوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء ..... ۵۲۲  
 زیارت سوّم حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه ..... ۵۲۳  
 ذکر صلوات بر امام زمان ارواحنا فداء ..... ۵۲۸

## بخش دوازدهم

زیارات نَوَابِ امام عصر ارواحنا فداه  
و بعضی از دعاهایی که اصحاب آن حضرت  
نقل نموده‌اند

- زیارت نَوَابِ امام زمان ارواحنا فداه ..... ۵۳۱  
دعای سمات به نقل از نایب دوّم جناب محمّد بن عثمان رضی الله عنه .. ۵۳۵  
دعای حضرت خضر رضی الله عنه معروف به دعای کمیل ..... ۵۵۱

## خاتمه کتاب یا ملحقات

بعضی از عباداتی که مورد توجّه  
حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه می‌باشند

- زیارت عاشورا ..... ۵۷۳  
دعای علقمه ..... ۵۸۴



## مقدمه

امامان معصوم علیهم السلام و بیان اسرار الهی

امامان ما عليهم الصلاة والسلام در فضای سیاسی خاصی قرار داشتند که حکومت ملعون و غاصب «حبتری»<sup>۱</sup> آن را تأسیس کرده بود تا حکومت عدل علوی، پا نگیرد.

لذا به دلیل وجود طاغوت‌های اموی و عباسی، فرصتی برای بیان اسرار الهی توسط امامان علیهم السلام نبود. از این رو حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه - اولین شخصی که حقش غصب شد، فرمان‌روای فرمان‌روایان راستین - فرمودند:

كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ سِرٌّ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا قَلِيلٌ ... وَوَلَا  
طُعَاةُ هَذِهِ الْأُمَّةِ كَبِتُّ هَذَا السِّرَّ.<sup>۲</sup>

۱. حبتری، کنایه از اسم اولین غاصب حق خلفای الهی است؛ رجوع کنید به «بحار الأنوار»: ۳۳۶/۳۵.  
۲. بحار الأنوار: ۳۰۶/۹۵.

برای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سزای بود که جز اندکی، آن را نمی‌دانستند ... و اگر طغوت‌های این امت نبودند این سز را فلش و منتشر می‌کردم.

بدین ترتیب درمی‌یابیم که این اسرار را برای مردم بیان نکردند و جز برای تعداد کمی از بزرگان و برترین اولیائشان فاش نساختند، و از آنجایی که مردم توان پذیرش و نگاه‌داری اسرار و حقایق معنوی را نداشتند، برای ایشان فاش کردن اسرار و حقایق ممکن نبود؛ زیرا مردم در دولت حبتی قرار داشتند که آن هم تا ظهور حکومت الهی حضرت قائم ارواحنا فداء ادامه می‌یابد.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر آیه **﴿ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسَّر ﴾**<sup>۱</sup> می‌فرماید:

**هي دولة حبتير، فهي تسري إلى قيام القائم عَلَيْهِ السَّلَام.**

مراد از «شب»، دولت حبتیر است که تا قیام قائم (صلوات الله علیه) ادامه می‌یابد.

به این جهت، امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام بسیاری از آن حقایق را تحت عنوان دعا و مناجات بیان فرموده‌اند که باید آن حقایق معنوی را در میان دعاها جستجو کنید. البته اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام که اسرار و حقایق را در دعاها و زیارت‌ها به دلیل جوّ سیاسی در آن عصر گنجاندند، منحصر به بیان آن‌ها نکردند؛ بلکه مسایل مهمّ اعتقادی و معارف

۱. سورة فجر، آیه ۴.

۲. بحار الأنوار: ۷۸/۲۴.

عالیه‌ای را در دعاها و مناجات‌ها و زیارت‌ها بیان نموده‌اند و این حقیقت با مراجعه به آن‌ها، آشکار می‌گردد. اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به بیان بسیاری از مسایلی که تأثیر اساسی در حیات بشر دارد نیز پرداخته‌اند و به جامعه بشری بهترین درس‌های زندگی را داده‌اند.

در «صحیفه کامله سجّادیه» که امام عصر ارواحنا فداء درستی آن را تأیید کرده‌اند، دقّت کنید تا مشاهده نمایید که امام زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَام چه حقایق بزرگی را در الفاظ کوتاه به عنوان دعا و مناجات، بیان فرموده است. همچنین در دعاهای دیگر از آن حضرت و امامان دیگر عَلَيْهِمُ السَّلَام این حقیقت، ظاهر و آشکار است. اکنون به یک درس از درسهای زندگی که در ادعیه به ما آموخته‌اند، اشاره می‌کنیم:

در مناجات انجیلیّه امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَام از خداوند می‌خواهیم:

**أَسْأَلُكَ مِنَ الْهَمِّ أَعْلَاهَا .<sup>۱</sup>**

**پروردگارا! از همت‌ها، برترین آن‌را! از تو درخواست می‌کنم.**

این سخن، هشدار از امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَام است برای هر کسی که دعا می‌کند و خدا را می‌خواند.

یعنی دعا کننده، هر کس که می‌خواهد باشد - گرچه خود را

۱. بحار الأنوار: ۱۵۵/۹۴.



جداً حقیر و پست می‌شمارد - بایستی از خداوند بخواهد که به او برترین همت‌ها را عنایت کند تا در سایه آن، تحوّل در زندگی خود، ایجاد نماید تا وجود او در جامعه، دارای تأثیر اساسی و مهمی باشد و این حقیقتی است که با تابش نور امام علیه السلام در قلب انسان تحقق پیدا می‌کند.

آنچه از اهل بیت علیهم السلام از دعاها به ما رسیده است طور سسینای ولایت هستند. هر کس می‌خواهد به وادی ایمن برود، و بر فراز طور سسینای هدایت بالا رود، باید کشف‌هایش را بیرون آورده، لباس‌هایش را پاک نماید و آداب دعا و مناجات را بیاموزد تا آثار عنایت و اجابت را مشاهده نماید.

آنچه بیان شد، از قرآن و روایات به دست ما رسیده است. آن‌ها را بپذیرید و فرصت را غنیمت دانسته و از رحمت الهی ناامید نباشید که «إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»<sup>۱</sup>؛ «همانا جز قوم کافر از رحمت خدا ناامید نمی‌شود».

و بر این امر یقین داشته باشید تا آن نور را ببینید و آن سز را بشناسید؛ چراکه ائمه طاهرین علیهم السلام مردم را با دعاها و مناجات خود، به آن اسرار و حقایق هدایت و راهنمایی می‌کنند.

۱. سوره یوسف، آیه ۸۷.

### اهمیت مداومت بر دعا

مداومت بر دعا و اصرار ورزیدن در ادامه آن دارای نقش بسیار مهمی در رسیدن به مقصود و بدست آوردن حاجت می‌باشد. و این نکته بسیار مهمی است که همه کسانی که با دعا سر و کار دارند، باید به آن توجه داشته باشند؛ زیرا بیشتر افراد قدرت و توانائی آن را ندارند که با خواندن یک دعا و یا یک زیارت، و یا گفتن یک ذکر، حاجت خود را بگیرند و به مقصودشان نایل شوند.

به عنوان مثال: در بسیاری از امراض جسمانی اگر مرض سطحی باشد، یا تازه شروع شده و کهنه و مزمن نشده باشد می‌توان آن را با یک نسخه مداوا و معالجه نمود؛ ولی اگر مدت بیماری طولانی و مرض کهنه گردیده باشد، بدیهی است که محتاج به تکرار معالجه و ادامه مصرف دارو است.

در امراض روحی نیز جریان از همین قرار است، اگر شخصی گرفتاری روحی شدیدی داشته باشد و یا در اصل شدید نبوده، ولی بر اثر گذشت زمان و طولانی شدن آن، در روح جایگزین و به آن معتاد شده، در این صورت بدیهی است که مشکل این گونه گرفتاری‌ها را با خواندن یک بار دعا نمی‌توان برطرف نمود، بلکه نیاز به تکرار دعا دارد؛ همان گونه که در بسیاری از امراض جسمانی انسان محتاج تکرار و تداوم استفاده از دارو است.

بنابراین، همان گونه که در امراض جسمی مداوا را ادامه می‌دهیم تا دارو کاملاً اثر خود را ببخشد، در مواردی که نیاز به دعا می‌باشد نیز باید خواندن دعا را همچنان ادامه دهیم تا اثر آن ظاهر شود.

البته ممکن است افرادی با خواندن یک دعا، یا ذکر یک اسم از اسماء الله، به نتیجه برسند ولی این گونه افراد در مجتمع بشری نادر الوجود و کمیاب‌اند و عموم افراد نباید توقع داشته باشند که مانند آنان با خواندن یک بار دعا، نتیجه‌ای که آن‌ها می‌گیرند، بگیرند. این یکی از جهاتی است که در روایات درباره الحاح و اصرار در دعا تأکید شده است.

#### دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء لازم و ضروری است

لازم‌ترین دعا در زمان غیبت، دعا برای ظهور مولایمان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء است؛ زیرا او صاحب ما، و صاحب عصر و زمان بلکه صاحب امر و سرپرست تمام جهان‌ها است.

آخر چگونه نسبت به آن حضرت - که پیشوا و امام ماست - غفلت و بی‌توجهی کنیم؟! در حالی که این غفلت، در حقیقت بی‌توجهی به یکی از اصول و پایه‌های دین است. بدین سان، دعا برای آن حضرت باید پیش از دعا برای خویشتن، خانواده و برادران صورت گیرد.

جناب سید بن طاووس رحمته الله در «جمال الأسبوع» می‌فرماید: پیش‌تر بیان شد که بزرگان و رهبران دینی ما، توجه و اهمیت خاصی نسبت به دعا برای حضرت مهدی ارواحنا فداء در هر شب و روز داشته‌اند و این در زمان‌های گذشته مرسوم بوده است.

از این مطلب برمی‌آید که دعا برای آن بزرگوار، از مسائل و شیوه‌های مورد اهتمام مسلمانان و مؤمنان بوده است، چنان که در تعقیب نماز ظهر روایت کردیم که امام صادق علیه السلام، بیشتر و بهتر از آنچه در مورد خویش دعا کنند، در مورد حضرت مهدی ارواحنا فداء دعا نموده‌اند.

و نیز، در بخش اعمال شب و روز در تعقیباتی که برای نماز عصر بیان کردیم، بخش زیبایی را آوردیم که امام کاظم علیه السلام برای حضرت مهدی صلوات الله علیه به گونه‌ای شیوا و بهتر از دعا برای خویش، دعا فرموده‌اند.

اگر کسی بخواهد دلیلی برای این کار بیاورد در صورتی که جایگاه امام صادق و امام کاظم علیه السلام را در اسلام و مسلمین بداند؛ همین کار آن دو بزرگوار، دلیلی بسیار خوب برایش خواهد بود.<sup>۱</sup>

نیز سید بن طاووس رحمته الله پس از بیان ثواب دعا کردن برای برادران دینی، می‌گوید: در جایی که دعا کردن برای برادران دینی این قدر

۱. جمال الأسبوع؛ ۳۰۷.

ارزش و ثواب داشته باشد؛ پس دعا کردن برای سلطانی که سبب خلقت تو است، و اعتقاد داری که اگر او نبود خداوند نیز تو را نمی آفرید؛ بسیار بالاتر و به مراتب باارزش تر است.

بدین سان، رحمت و بزرگواری و توجه خداوند نیز به تو تعلق می گیرد، به این جهت که در دعا، به ریسمان و دستاویز خداوند، آویخته و دعا کرده ای.

ممکن است بگویند: فلان شخص و فلان شخصی را می شناسم که جزو اساتید دینی تو هستند و این کار را نیز انجام نمی دهند، ولی من به خوبی آگاهم که این افراد در بی توجهی و غفلت نسبت به مولای ما ارواحنا فداه به سر می برند! و نسبت به او کوتاهی نموده اند.

در پاسخ این اشکال به شما عرض می کنم: کاری را که گفتیم شما انجام بده؛ زیرا، این حقیقتی آشکار و روشن است، هر کسی مولای ما را واگذارد و به او بی توجهی روا دارد به خدا سوگند در اشتباهی رسواگر به سر می برد!

سید بن طاووس رحمته الله علیه در ادامه می گوید: فکر می کنی نظر امامان علیهم السلام در این مورد چیست؟ آیا ایشان همانند تو نسبت به اهمیّت دعا برای آن حضرت، بی توجهی نموده و آن را سبک می شمارند؟! بنابراین از زیاد دعانمودن در نمازهای واجب

برای آن حضرت صلوات الله علیه و برای کسی که دعا برای او جایز است، خودداری نکن.

(سید رحمته الله علیه می افزاید): در چنین شرایطی، دیگر هیچ بهانه ای برای ترک دعا برای آن حضرت نداری.<sup>۱</sup>

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: بر اساس آیات قرآن و نیز احادیث، دعا از جمله بزرگ ترین عبادت هاست.

از طرفی شکی نیست که یکی از بهترین، بزرگ ترین و ارزش مندترین دعاها برای انسان، دعا برای کسی است که خداوند حق او را و دعا کردن برای او را بر تمام انسانها واجب فرموده است، و نعمت های الهی به برکت آن حضرت بر تمام آفریدگانش سرازیر می شود.

پس لازم است تمام مؤمنان نسبت به این مسأله مهم همیشه و در همه جا توجه خاصی مبذول داشته و اهتمام ورزند.

از جریاناتی که درستی گفتار ما را تأیید می کند، آن است که برادر عزیز ایمانی ام، فاضل وارسته - که مؤید به تأییدات ربّانی است - جناب میرزا محمّد باقر اصفهانی که خدا ساهش را مستدام بدارد و او را به آرزوهایش در این ایام برساند می گوید: در خواب، یا در حالتی بین خواب و بیداری، در یکی از همین شبها دیدم که امام بزرگوارمان، آن

۱. فلاح السائل: ۴۴.

مولای همه آفریدگان و حجت الهی بر همه موجودات، حضرت امام حسن مجتبی علیه الصلاة والسلام سخنانی (به این مضمون) فرمودند:

بر منبرها به مردم بگویند و دستور بدهید که توبه کنند و برای فرج و تعجیل ظهور امام زمان علیه السلام دعا کنند. این دعا، مانند نماز میت واجب کفایی نیست که اگر یک یا چند نفر از مردم آن را انجام دهند، تکلیف از دیگران برداشته شود؛ بلکه، همانند نمازهای واجب روزانه، بر هر یک از مکلفان واجب است که انجام دهند ...<sup>۱</sup>

با توجه به مطالب یاد شده، لزوم دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء روشن شد.

#### مظلوم‌ترین فرد عالم

پس از آن که ضرورت دعا برای مولایمان امام زمان ارواحنا فداء را ذکر کردیم می‌گوییم: متأسفانه در بیشتر مجالس مذهبی از یاد امام زمان ارواحنا فداء و دعا برای تعجیل ظهور آن حضرت غفلت می‌شود. و اگر بدانیم که تاکنون چقدر از آن حضرت غافل بوده‌ایم، متوجه می‌شویم که آن حضرت **مظلوم‌ترین فرد عالم** هستند. اکنون جریاناتی را درباره مظلومیت آن بزرگوار ذکر می‌کنیم:

۱. مکالمات المکارم: ۱/۴۳۸.

۱ - حجة الإسلام والمسلمین مرحوم آقای حاج سید اسماعیل شرفی رحمته الله نقل نمودند:

به عتبات مقدسه مشرف شده بودم و در حرم مطهر حضرت سیدالشهداء علیه السلام مشغول زیارت بودم. چون دعای زائرین در قسمت بالای سر امام حسین علیه السلام مستجاب است، در آنجا از خداوند خواستم مرا به محضر مبارک مولایم حضرت مهدی ارواحنا فداء مشرف گرداند و دیدگانم را به جمال بی‌مثال آن بزرگوار روشن نماید. ناگهان هنگامی که مشغول زیارت بودم خورشید جهان تاب جمالش ظاهر شد، گرچه در آن هنگام حضرتش را نشناختم؛ ولی شدیداً مجذوب آن بزرگوار شدم، پس به او سلام کردم و از ایشان سؤال کردم: آقا؛ شما کیستید؟

فرمودند: من **مظلوم‌ترین فرد عالم هستم**.

من مقصود آن حضرت را متوجه نشدم و با خود گفتم: شاید ایشان از علمای بزرگ نجف هستند و چون مردم به ایشان گرایش پیدا نکرده‌اند خود را مظلوم‌ترین فرد عالم می‌داند، در این هنگام ناگهان متوجه شدم که کسی در کنارم نیست.

اینجا بود که فهمیدم خداوند دعایم را مستجاب فرموده و مرا به لقای حضرتش شرفیاب نموده، و او **مظلوم‌ترین فرد عالم و امام زمان من بود**، و نعمت حضور آن بزرگوار را زود از دست دادم.

۲ - حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید احمد موسوی - که از شیفتگان حضرت امام عصر عجل الله تعالی له الفرج می باشند - از حجة الاسلام والمسلمین عالم ربانی مرحوم آقای حاج شیخ محمد جعفر جوادی نقل نمودند که ایشان در عالم کشف ، یا شهود خدمت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه مشرف شده و ایشان را بسیار غمگین می بیند ، از حال آن بزرگوار سنوآل می کند ، حضرت می فرمایند :

دلم خون است ، دلم خون است .

۳ - حضرت امام حسین علیه السلام در عالم مکاشفه به یکی از علمای قم فرمودند :

«... مهدی ما در عصر خودش مظلوم است ، تا می توانید درباره آن حضرت سخن بگویید و قلم فرسایی کنید ؛ آنچه درباره شخصیت این معصوم بگویید درباره همه معصومین (علیهم السلام) گفته اید ؛ چون حضرات معصومین همه در عصمت ، ولایت و امامت یکی هستند و چون این زمان ، دوران مهدی ما است سزاوار است درباره او بیشتر گفتگو شود .

و در خاتمه فرمودند :

باز تأکید می کنم درباره مهدی ما (علیه السلام) زیاد سخن

بگویید و بنویسید ، مهدی ما (علیه السلام) مظلوم است ، بیش از آنچه نوشته و گفته شده باید درباره اش نوشت و گفت»<sup>۱</sup>.

### نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیات

اکنون که از مظلومیت آن حضرت آگاه شدیم باید توجه داشته باشیم که هدف ما از دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه رسیدن به حالات و مقامات نباشد ؛ بلکه خشنودی پروردگار و تقرب به خداوند و امام زمان ارواحنا فداه را ملاک عمل قرار دهیم . اینک به این جریان مهم توجه کنید :

مرحوم آقای شرفی که از منتظران ظهور امام عصر ارواحنا فداه بودند ، نقل می کردند : در زمانی که برای تبلیغ ، از مشهد مقدس به شهرستانها می رفتم در یکی از مسافرتها چند روزی قبل از ایام ماه مبارک رمضان با یکی از دوستان در تهران به محضر مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیات - که از سابقین و ثابتین در راه انتظار بودند و مردم را به این راه تشویق می نمودند - مشرف شدیم و از ایشان تقاضای راهنمایی کردیم ، و خواستیم که چیزی به ما بیاموزد . آن بزرگوار طریقه ختم آیه شریفه ﴿ وَمَنْ يُقِ الله... ﴾ را به ما

۱. بوستان ولایت: ۱۸/۲.

آموختند<sup>۱</sup> و فرمودند: اول صدقه بدهید و چهل روز، روزه بگیرید و این ختم را در حال روزه انجام دهید.

نکته مهمتی که مرحوم حاج شیخ رجبعلی ختباط فرمودند این بود که: مقصودتان از انجام این ختم تقرب به حضرت رضا علیه السلام باشد و حاجت‌های مادی را در نظر نگیرید.

مرحوم آقای شرفی فرمودند: من ختم را شروع کردم ولی نتوانستم آن را ادامه دهم و ترک نمودم، ولی دوست من موفق شد و آن را به پایان رساند. پس از آن که به مشهد مقدس برگشت، وقتی ایشان به حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام مشرف گردید، آن حضرت را به صورت نور زیارت کرد. کم کم این حالت در ایشان تقویت شد تا توانست آن حضرت را ببیند و با آن بزرگوار صحبت نماید.

هدف ما از نقل این جریان، نکته مهمتی است که در دعاها و توسلات باید رعایت شود و آن این است که انسان علاوه بر آنکه در انجام نمازها، دعاها و توسلات باید اخلاص را رعایت کند هدف او هم باید از انجام آن‌ها، تقرب به خداوند باشد تا به رسول

۱. دستور این ختم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده و مرحوم آیه الله حاج شیخ علی اکبر نهایندی آن روایت را در کتاب «گلزار اکبری» نقل کرده است.

خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام نیز نزدیک شود، یعنی اعمالش را به نیت عبودیت و بندگی خدا انجام دهد، نه برای رسیدن به حالات و مقامات.

یکی از افراد مشهور و صاحب نفس که دعایش اثر داشت و با آن، گره از کار افراد می‌گشود، از شخصی که او را صاحب بصیرت می‌دانست، سؤال کرده بود: به نظر شما من چه موقعیت و منزلتی نزد خدا دارم؟

ایشان پس از تأمل در جواب گفته بودند: شما در کارهای خداوند زیاد دخالت کرده‌ای.

پس دعاکننده نباید هیچ‌گونه سوء استفاده‌ای از دعاهايش بنماید، بلکه آن‌ها را باید به قصد بندگی پروردگار انجام دهد، نه این که به وسیله آن‌ها دخالت در کارهای خداوند نموده و یا مردم را به سوی خود جلب نماید.

### تجربه مهمتی از مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی

اکنون جریان مهمتی را از مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی که دلیل بر اهمیت مسأله انتظار است نقل می‌کنیم:

ایشان از دوران کودکی به عبادات و ریاضت‌های شرعی اشتغال

داشته و زحمات فراوان و طاقت فرسایی را برای رسیدن به اهداف بلند روحی و معنوی متحمل شده بودند.

ایشان هر چه از اذکار و اوراد و ختومات و همچنین نمازها و آیات قرآنی را که در مدت عمر خود از کودکی انجام داده بودند، یادداشت کرده و به خاطر متضمن بودن آن نوشته بر اسرار و نکات مهم، صلاح نمی‌دانستند که آن را در اختیار همگان قرار دهند. و به این جهت آن را مخفی نگه داشته و پنهان می‌نمودند.

مرحوم والد معظم در ارتباط با آن نوشته‌ها می‌فرمودند: مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی در اواخر حیات خود آن نوشته‌ها را به مرحوم آیه الله حاج سید علی رضوی دادند.<sup>۱</sup>

مقصود از نقل این جریان، نکته مهمی است که آن را مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی در آخر آن کتاب مرقوم فرموده بودند و باید درس مهمی برای همه کسانی که در راه معنویات و سیر و سلوک شرعی گام برمی‌دارند، باشد.

آنچه ایشان در آخر کتاب خود نوشته بودند این نکته بود که:

**ای کاش این اذکار و اوراد و ختومات را در راه نزدیک شدن**

۱. مرحوم آیه الله حاج سید علی رضوی، از علمای ربّانی مشهد مقدّس بودند و مرحوم والد معظم اینجانب با ایشان دوستی و رفاقت خالصانه‌ای داشتند.

و تقرّب به مولایم امام زمان عجل الله تعالی له الفرج انجام می‌دادم. ببینید یک شخصیت مهم که نام ایشان زبان زد خاص و عام بوده و هست چگونه در آخر عمر اظهار تأسّف می‌نماید و آرزو می‌کند که ای کاش هدف خود را از انجام آن اعمال، تقرّب به حضرت بقیّة الله اراخا نداء، قرار داده بود.

هیچ گونه تردیدی وجود ندارد که مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی دارای قدرت مهمّ روحی بوده و از نیرو و قدرتی بسیار کم نظیر در میان افراد و چهره‌های شناخته شده، بهره‌مند بوده است؛ با این همه، آرزو می‌کند که کاش سعی و تلاش خود را در راه تقرّب به امیر عالم هستی به کار می‌برد، و بدست آوردن قدرت تصرف در افراد و بازگرداندن صحت و سلامتی را به افراد مریض و کارهایی دیگر از این قبیل را هدف خود قرار نمی‌داد.

بزرگ‌ترین درس برای انسان‌ها این است که در هر مسیری که می‌پیمایند از تجربه‌های مردان بزرگ در آن راه، تجربه آموخته و از یک عمر تلاش و کوشش آن‌ها استفاده کرده و از معارفی که آنان پس از سال‌های سال به دست آورده‌اند بهره‌مند شوند و به آخرین تجربه‌ها و نتیجه‌هایی که آنان در مسیر طولانی حیات خود به آن رسیده‌اند، کاملاً توجه نموده و به آن عمل نمایند.

به این نکته توجه کنید:

استفاده از تجربه‌های مهم مردان بزرگ، ارزش حیات و نتیجه زندگی را صدها برابر افزایش می‌دهد. پس سعی کنید به آنچه مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی تجربه نموده و در نوشته خود متذکر شده‌اند، عمل نمایید و دعاها، زیارات و سایر عباداتی را که انجام می‌دهید برای تقرب به پروردگار باشد تا به این وسیله به ساحت مقدس امام عصر ارواحنا فداه تقرب پیدا کنید و مقاصد کوچک و کم‌ارزش را ترک کنید. این حقیقتی است که اگر به آن عمل کنید از حیات و زندگی خود کاملاً نتیجه می‌گیرید.

### تشکیل مجالس دعا

#### برای تعجیل ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

همان طور که می‌توان به تنهایی دعا کرد، می‌توان به طور گروهی به دعا پرداخت.

بدین شکل که مجالسی تشکیل شود و در آن‌ها از امام عصر یاد ارواحنا فداه شود؛ چرا که با این کار، افزون بر این که برای امام عجل الله تعالی فرجه دعا شده است، کارهای نیک دیگری مانند زنده کردن امر (امامت) امامان عجل الله تعالی فرجه؛ بیان و بازگو کردن حدیث‌هایی که از اهل بیت عجل الله تعالی فرجه

رسیده است؛ و... صورت می‌گیرد.

نویسنده کتاب «مکیال المکارم» می‌گوید: یکی از تکلیف‌ها و وظایف مردم در زمان غیبت حضرت مهدی ارواحنا فداه، آن است که مجالسی برپا کنند که در آن از امام زمان عجل الله تعالی فرجه یاد شود، و خوبی‌ها، فضیلت‌ها و مقامات شکوهمندش گفتگو گردد و به اطلاع همگان برسد، و برای آن وجود شریف در آن مجالس دعا شود و از بذل و بخشش جان و مال در این راه خودداری نگردد.

چراکه این کارها، رواج دادن و گسترش آیین خدا، بزرگ‌داشت و بالابردن کلام خدا، و کمک کردن به یکدیگر برای انجام نیکی و تقوا، و گرامی‌داشت مراسم و شعائر الهی، و یاری نسبت به ولی پروردگار است.

**هشدار و آگاهی:** می‌توان گفت: در برخی از زمان‌ها، واجب است چنین مجالسی تشکیل شود، همانند وقتی که مردم در حال کشیده شدن به انحراف و گمراهی باشند، و بتوان با تشکیل این‌گونه مجالس، آنان را از هلاکت و تباهی و انحراف بازداشت و به شاهراه هدایت ارشاد و راهنمایی نمود.<sup>۱</sup>

۱. مکیال المکارم: ۱۶۹/۲.



### توجه به وظایف دوران غیبت

گرچه ما این کتاب را - با توفیق خداوند و لطف حضرت بقیة الله ارواحنا فداء - درباره آشنایی با یکی از وظایف زمان غیبت یعنی دعا برای تعجیل ظهور امام زمان صلوات الله علیه، تألیف نموده‌ایم؛ ولی سزاوار است در مقدمه آن، بعضی از وظایفها و برنامه‌های دیگر دوران تاریک غیبت را نیز بیان کنیم؛ گرچه امیدواریم ان شاء الله فرج آن حضرت را به زودی شاهد بوده و در پایان دوران غیبت باشیم؛ زیرا بنا بر روایاتی که از ائمه اطهار علیهم السلام وارد شده، لازم است که هر صبح و شام متوقع واقع شدن ظهور آن امام همام و چشم به راه آمدن او باشیم.

متأسفانه در این زمینه تاکنون مردم نوعاً از تمام وظایفی که در دوران غیبت به عهده دارند بی‌اطلاعند، و کتاب‌های ارزنده‌ای که در این باب نوشته شده مشتمل بر بعضی از وظایف‌های زمان تاریک غیبت می‌باشد. و چنانچه مردم از اولین روزهای سیاه غیبت با حال تپاه خود آشنا می‌شدند، عصر غیبت این گونه طولانی نمی‌شد.

به هر حال همه مردم بالأخص کسانی که دارای وظیفه بیان این گونه مسائل بوده‌اند و از گفتن آن غفلت یا تغافل ورزیده‌اند، باید از عمل خود سخت غمگین و شرمسار باشند.

آیا سزاوار است امیر عالم هستی که عالم به همه نیازمندی‌ها در این منظومه و همه منظومه‌ها و کهکشان‌هاست در میان ما باشند و ما از آن حضرت غافل باشیم؟

آیا سزاوار است قوای مغزی میلیاردها انسان بر اثر پنهان بودن نور خدا همچنان در پرده ظلمت قرار داشته باشد؟

آیا سزاوار است میلیاردها انسان هر یک جام جهان‌نمایی به نام قلب با خود همراه داشته باشند و از عظمت آن بی‌خبر باشند؟

آیا در چه زمانی قلب‌ها به حیات اصلی خویش بازمی‌گردند و با زندگی عالی انسانی به معنای واقعی آشنا می‌شوند؟

آیا در چه دورانی انسان‌ها به عظمت قلب خویش و آن آئینه‌ای که با آن می‌توانند جهانی را مشاهده کنند آگاه می‌شوند؟

آیا در کدامین زمان تحرکی در عقل و خرد و اندیشه انسان‌ها پدید می‌آید و جامعه بشریت با گسترش دانش به مقامات عالی و والای علمی راه پیدا می‌کند؟

آیا در کدامین روزگار انسان‌ها بر اثر آشنا شدن با نور خدا، تسیرگی‌ها و تاریکی‌ها، زورگویی‌ها و تزویرها را کنار نهاده و به حکومت عادلانه الهی که جهانی خواهد بود می‌رسند؟ آیا چه زمانی... و آیا چه زمانی...

آیا این‌ها همه، جز در حکومت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء میسر

است؟ پس چرا شکوه آن زمان را احساس نمی‌کنیم؟ و چرا از تیرگی این زمان شکوه نمی‌نمائیم؟ چرا از وضع جهان در آینده<sup>۱</sup> آگاهی نداریم؟ و چرا به وظیفه‌های دوران غیبت عمل نمی‌نماییم؟!

#### اعتیاد به عصر غیبت امام عصر ارواحنا فدا!

پاسخ همه این سئوالات این است که ما به عصر غیبت و تاریکی و ظلم و ستم در آن خو گرفته‌ایم! به حدی که مجذوب ظلم و ظلمت گشته و به آن معتاد شده‌ایم! و اعتیاد یک قدرت بسیار قوی برای کشاندن انسان‌ها به طور ناخودآگاه به سوی خوبی‌ها و یا بدی‌هاست!

اعتیاد و خو گرفتن انسان به هر چیزی همچون فطرت و طبیعت او، آدمی را به سوی آن می‌کشاند به طوری که گویی اراده و اختیار را از انسان در مقابل آن و عمل کردن برخلاف آن گرفته است! این قدرت را خداوند در اعتیاد قرار داده است تا آدمی با خو گرفتن به خوبی‌ها بدون زحمت و ناخودآگاه به سوی آن‌ها جذب شوند و از بدی‌ها و زشتی‌ها کناره گیرند.

به این جهت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عادت را طبیعت دوم انسان برشمرده و فرموده‌اند:

۱. رجوع کنید به اثر دیگر مؤلف: «دولت کریمه آل‌عبدالله».

#### العاده طبع ثانٍ<sup>۱</sup>.

عادت، طبیعت دوم است.

این کلام کوتاه حقایق مهمتی را دربردارد. بنابراین فرمایش همان‌گونه که انسان به سوی آنچه فطرت و طبیعت او اقتضا دارد به راه می‌افتد، به سوی آنچه به آن خو گرفته و عادت نموده نیز حرکت می‌کند.

انسان باید از این قدرت بزرگ، در راه صحیح و هدف‌های ارزنده استفاده کند، و از آلوده ساختن خویش به عادت‌های زشت و ناپسند خودداری نماید.

متأسفانه جامعه بشری بر اثر نداشتن رهبری صحیح و نبود قدرتی که بتواند اجتماع را به سوی فضیلت‌های اخلاقی و صفات برجسته انسانی سوق داده و هدایت نماید، به عادت‌های اشتباه فردی و اجتماعی گرفتار شده است.

اعتیادهای اجتماعی قدرتی بسیار بیشتر از اعتیادهای فردی دارند و آسان‌تر می‌توانند انسان را به سوی چیزی که اجتماع به آن خو گرفته است، بکشانند.

یکی از عادت‌های شوم اجتماعی که جامعه ما را به خود

۱. شرح غرر الحکم: ۱/۱۸۵.

گرفتار نموده و در بند اسارت خویش کشیده است، خو گرفتن به وضع موجود و سازش با آن است به گونه‌ای که هرگز درباره آینده‌ای حیاتبخش و نجات دهنده فکر و اندیشه‌ای نکنند.

با آن که رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام با بیان مسأله «انتظار» و تشویق انسان‌ها به سوی آن، مردم را به اشتباه بودن سوختن و ساختن آگاه نموده و با بیان مسئله انتظار آنان را به امید و حرکت به سوی آینده روشن فرا خوانده‌اند.

متأسفانه کسانی که وظیفه داشته‌اند این مسأله مهم حیاتی را برای مردم بیان کنند، در این وظیفه کوتاهی ورزیده‌اند. به این جهت مردمان همچنان به سوختن و ساختن عادت کرده‌اند و درباره رسیدن به آینده درخشان، تلاش نکرده‌اند؛ و با کمال تأسف مسأله غیبت امام عصر ارواحنا فداء هنوز ادامه یافته است!

هنوز اکثریت جامعه ما به یک نوع اعتیاد که غفلت از مسأله ظهور امام عصر ارواحنا فداء می‌باشد، گرفتار است؛ و آن را به دلیل قانون وراثت از نسل‌های گذشته به ارث برده است! و در نتیجه هنوز جامعه ما در حال رکود به سر می‌برد و حرکتی در جهت ترقی و رسیدن به مراتب عالی و ارزنده ننموده است! در حالی که اگر کسی بتواند عادت‌های اشتباه را کنار زده و خود را به خصلت‌های ارزنده انسانی زینت دهد به بهترین مقامات عالی دست می‌یابد.

حضرت امیرالمؤمنین علیؑ می‌فرمایند:

### بغلبة العادات الوصول إلى أشرف المقامات<sup>۱</sup>.

رسیدن به ارزنده‌ترین مقامات، با غلبه بر عادات به دست می‌آید.

جامعه ما باید با ایجاد حالت انتظار و دعا برای ظهور منجی جهان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء عادت دیرینه غفلت از وجود تاریکی عصر غیبت را کنار بگذارد و به وسیله دعا از اعماق دل و جان، خواهان فرارسیدن حکومت عدل امام عصر صلوات الله علیه از خداوند باشد.

### روش فکری خود را تغییر دهید!

با یک جهش روحی و با یک تغییر سبک و روش فکری، تحوّل مهمی در خود ایجاد کنید و راه خود را از افرادی که برای‌شان غیبت و ظهور تفاوت چندانی ندارد جدا کنید. یقین داشته باشید همانگونه که بی تفاوتی و غفلت نسبت به پدر جسمانی گناهی بزرگ است؛ بی تفاوتی و غفلت از پدر معنوی گناهی بزرگ‌تر است؛ و سرانجامی تاریک و شوم برای انسان خواهد داشت.

اگر تاکنون نسبت به امام عصر ارواحنا فداء بی تفاوت بوده‌اید و فرق میان ظهور و غیبت آن حضرت را درک نکرده‌اید و در اندیشه ظهور

۱. شرح غرر الحکم: ۲۲۹/۳.

حیاتبخش آن حضرت نبوده‌اید؛ اگر تاکنون اهل دعا و نیایش برای فرا رسیدن روزگار پرشکوه عصر ظهور نبوده‌اید، و نمی‌دانستید که نسبت به امام زمان و رهبر و مولای خویش وظیفه‌ای ویژه بر عهده دارید، اکنون که این حقیقت را دریافتید و درک نمودید که در زمان غیبت وظیفه‌ای سنگین بر عهده مردم است، خود را از غفلت نجات بخشیده و با یک اراده قوی و با یک تصمیم جدی، گذشته خود را جبران کنید. و با تلاش و کوشش در مسیر انتظار حضرت بقیة الله ارواحنا فداه گام بردارید و بدانید رأفت و مهربانی شدید آن حضرت نسبت به دوستداران مقام ولایت، سبب می‌شود که غفلت‌های گذشته آن‌ها مورد عفو و بخشش قرار گیرد و قلب مهربان آن بزرگوار اشتباهات ایشان را نادیده خواهد گرفت.

مگر حضرت یوسف علی نبینا و آله و علیه السلام به برادران خود با آن همه ظلم و ستمی که بر ایشان روا داشتند، فرمود:

﴿لَا تَثْرِبَ عَلَيْنِكُمُ الْيَوْمَ يَقُولُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾<sup>۱</sup>

امروز سرزنشی بر شما نیست، خداوند شما را می‌آمرزد و او رحیم‌کننده‌ترین رحیم‌کنندگان است.

یقین داشته باشید روح عظیم انسان، آفریده نشده است که

۱. سوره یوسف، آیه ۹۲.

وابسته به مادیات و مسائل بی‌ارزش دیگر گردد، بلکه برای آن خلق شده است که با آشنائی با مسائل معنوی و شناخت خداوند و جانشینان او به سوی مسائل الهی کشیده شود.

آیا سزاوار است انسانی که می‌تواند همچون سید بحر العلوم و مرحوم شیخ انصاری با امام عصر ارواحنا فداه ارتباط داشته باشد، روح خود را غرق در اندیشه‌های مادی نموده و وجود خویش را گرفتار قید و بندهای غفلت‌زا نماید؟!!

آیا سزاوار است انسانی که می‌تواند بر فراز فضای آشنایی با خاندان وحی به پرواز درآید، پر و بال خود را بشکند و در زندان دنیا خود را باز پیچه و اسیر شیاطین گرداند؟!!

آیا سزاوار است در میان هفت میلیارد جمعیت انسان در سراسر جهان تعدادی بس اندک با مفاسد عصر غیبت آشنایی داشته باشند؟! چرا نباید همه انسان‌ها از ارزش انسانی خویش باخبر باشند و بدانند در صورتی دارای قدر و بها هستند که بتوانند به خداوند و جانشین او در این روزگار توجه داشته باشند؟

اگر همه انسان‌ها لیاقت چنین مقامی را ندارند و این مقام از آن گروهی خاص است، چرا ما و شما از آنان نباشیم؟

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش

کی روی؟ ره ز که پرسی؟ چه کنی؟ چون باشی؟

### به سوی امیر عالم هستی

یقین داشته باشید کسی که صادقانه در جستجوی امام عصر ارواحنا فداء باشد و در راه آن حضرت خدمت نماید و درباره تعجیل ظهور آن بزرگوار دعا و تلاش نماید، سرانجام راه به جایی می‌برد و روزنه‌ای به سوی گشوده می‌شود.

بنابراین از کمک و فداکاری نسبت به آن حضرت که دوران غیبت - همچون ریسمانی که دشمنان به گردن اول مظلوم عالم هستی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام افکندند، و دستان آن بزرگوار را بستند - دستان آن حضرت را بسته است؛ دست برندارید. و با تلاش در راه ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء و فراهم کردن مقدمان آن، تاری از ریسمان غیبت را پاره کنید.

اطمینان داشته باشید اگر کسی از خورشید تابناک وجود او در زندگی بهره‌مند شود و شکی به خود راه ندهد، منظور نظر حضرتش قرار می‌گیرد و آن بزرگوار با کلامی یا پیامی یا نگاهی خاطر او را خشنود و قلبش را شاد می‌نماید؛ زیرا ممکن نیست کسی در جستجوی حقیقتی باشد و در راه آن قدم بردارد، مگر آنکه سرانجام به همه مقصود خویش و یا به مقداری از آن دست می‌یابد.

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

### من طلب شیئاً ناله أو بعضه ۱.

کسی که در جستجوی چیزی باشد به تمام آن یا مقداری از آن می‌رسد.

شما با قاطعیت و یقین معتقد باشید که اینک گرچه دوران تاریک غیبت است و هنگام اظهار ولایت و قدرت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء نرسیده؛ ولی با این وجود، آن حضرت قطب دایره امکان و امیر عالم هستی هستند و ولایت مطلقه آن بزرگوار سراسر جهان را فرا گرفته است. در زیارت آن حضرت می‌خوانیم:

### السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُطْبَ الْعَالَمِ ۲.

سلام بر شما ای محور عالم هستی.

همه موجودات عالم هستی در عصر تاریک غیبت و همچنین در دوران نورانی ظهور در پرتو آن وجود مقدس به زندگی ادامه می‌دهند و مدیون امامت و رهبری آن بزرگوار می‌باشند. نه تنها ذرات مادی جهان بلکه بزرگان عالم که مسیحا نفسند تابع و پیرو فرمان آن بزرگوارند؛ بلکه شخص حضرت عیسی علیه السلام دم مسیحائی و مقام ارزشمند خود را به یمن وجود آن حضرت و آباء گرامی آن بزرگوار بدست آورده است. و نه تنها در عصر ظهور که اکنون نیز در تحت لواء امامت و رهبری آن بزرگوار به انجام وظیفه مشغول است.

۱. شرح غرر الحکم: ۲۰۵/۵. ۲. همین کتاب: ۴۷۲.

در زیارت امام زمان ارواحنا فداء می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمَسِيحِ ١.  
سلام بر شما ای پیشوای مسیح.

این ولایت و رهبری، مخصوص روزگار پرشکوه ظهور نیست؛ بلکه اکنون نیز حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ در جایگاه عظیم خود افتخار پیروی از مقام امامت و رهبری آن بزرگوار را دارا می‌باشد. همه نجباء، نقباء و اولیاء خدا که پا بر هوای نفس خود گذاشته و قصد و نیت خویش را خالص نموده‌اند، به قدر ارزشی که در پیشگاه خداوند دارند، راه و یا روزنه‌ای به سوی مقام نورانیت آن حضرت که نور عالم هستی در این عصر و زمان است بدست آورده‌اند، و امام عصر ارواحنا فداء تنهایی و غربت خویش را با این گونه اشخاص که به مقامات عالی راه یافته‌اند برطرف می‌نماید. در روایت می‌خوانیم:

وما بثلاثين من وحشة ٢.

با وجود سی نفر (از یاوران خالص) احساس تنهایی برای آن حضرت نیست.

مقصود از بیان مطالب گذشته این است که دوران غیبت به این معنی نیست که امداد‌های غیبی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء از

۱. همین کتاب: ۴۷۲.

۲. بحار الأنوار: ۱۵۳/۵۲.

موجودات قطع گردیده و آن بزرگوار از کسی دستگیری نمی‌کنند و کسی در عصر تیره غیبت راهی به نور و روزنه‌ای به روشنایی نمی‌یابد؛ بلکه همان گونه که گفتیم کسانی که با صداقت به سوی آن بزرگوار می‌شتابند و در پرتو بهره‌مند شدن از دریای بیکران معارف امام عصر ارواحنا فداء روزگار پرشکوه ظهور را در زندگی خود لحظه‌شماری می‌کنند، با پیامی یا نگاهی از سوی حضرتش قلب‌های استوار خود را استوارتر می‌کنند.

و اگر گوش جان باز کنیم و ندای این افراد باخلاص را بشنویم، پیام‌شان به ما این گونه است: ﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِي الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾<sup>۱</sup>. کفش خود را درآورید و ببینید چگونه پای خود را آورده‌اید که تاکنون از رفتن به سوی امیر عالم هستی و قطب عالم امکان باز مانده‌اید!

متأسفانه عده‌ای از افراد نه تنها خود را خالص نمی‌گردانند و ریگ از کفش خود خارج نمی‌کنند که در کفش دیگران نیز ریگ می‌اندازند و آنان را می‌آزارند. این گونه افراد با نیش زبان، نیشتر به قلب دوستان واقعی می‌زنند؛ زیرا بر اثر القانات شیطانی مایلند همگان از راه رفتن در طریق امام عصر ارواحنا فداء باز مانند. گویی که نمی‌دانند دشمنی با مسیر امام زمان ارواحنا فداء و مخالفت با دوستان

۱. سوره طه، آیه ۱۲.

واقعی آن حضرت، دشمنی با شخص آن بزرگوار است.

مگر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در «نهج البلاغه» فرموده‌اند:

أَصْدِقَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ وَأَعْدَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ، فَأَصْدِقَاؤُكَ :  
صَدِيقُكَ، وَصَدِيقُ صَدِيقِكَ، وَعَدُوُّ عَدُوِّكَ، وَأَعْدَاؤُكَ  
عَدُوُّكَ، وَعَدُوُّ صَدِيقِكَ، وَصَدِيقُ عَدُوِّكَ.<sup>۱</sup>

دوستان تو سه گروهند و دشمنان تو نیز سه گروه می‌باشند.

اما دوستان عبارتند از: ۱- دوست خودت، ۲- دوست دوستت، ۳- دشمن دشمنت.

و دشمنان عبارتند از: ۱- دشمن خودت، ۲- دشمن دوستت، ۳- دوست دشمنت.

بنابراین، آیا دشمنی کردن با دوستان امام عصر ارواحنا فداء، مخالفت با آن بزرگوار نیست؟!

### توجه به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء لازم است

باید بدانیم که توجه به حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا فداء، توجه به خداوند کریم است؛ همان گونه که توجه به بقیة ائمة طاهرين علیهم السلام توجه به خداوند می‌باشد.

پس زیارت و توسل به ائمة اطهار علیهم السلام، مایة توجه به خداوند تبارک

۱. نهج البلاغه: کلمات قصار: ۲۹۵.

و تعالی است. به این جهت، کسی که قصد تقرب به خداوند بزرگ بنماید، به ائمة اطهار علیهم السلام روی می‌آورد. در زیارت جامعه می‌خوانیم:

وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ.

کسی که او (خداوند) را قصد نماید به سوی شما روی می‌آورد.

انسان با توجه به پیشوایان معصوم علیهم السلام نه تنها عوامل موفقیت و پیشرفت را به سوی خود جلب می‌کند؛ بلکه موانعی را که مانع رسیدن به مقامات عالی هستند نیز برطرف می‌نماید؛ زیرا به وسیله توجه به امام زمان ارواحنا فداء و همچنین بقیة ائمة اطهار علیهم السلام درهای رحمت و مغفرت الهی به سوی انسان گشوده می‌شود و تاریکی‌ها از باطن او برطرف می‌گردد.

حضرت باقرالعلوم علیه السلام در شرح کلام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمودند: «أنا باب الله»، می‌فرمایند:

يَعْنِي مَنْ تَوَجَّهَ بِي إِلَى اللَّهِ عَفَرَ لَهُ.<sup>۱</sup>

یعنی کسی که به وسیله من به خداوند توجه نماید آمرزیده می‌شود.

بنابراین با توجه به باب الله، خداوند گناهان او را آمرزیده و موانع پیشرفت روحی او را برطرف می‌کند.

۱. بحار الأنوار: ۳۴۹/۳۹.

گرچه همه چهارده معصوم علیهم السلام به دلیل دارا بودن «مقام نورانیّت» محیط بر هر عصر و زمانی هستند و انسان‌ها در هر عصر و زمان باید توجه به همه آن بزرگواران بنمایند ولی بر اساس مقامات تنزیلیّه زمانیّه، هر انسانی باید به امام عصر و زمان خودش بیشتر از بقیّه ائمه علیهم السلام توجه داشته باشد.

اینک به روایت عبدالله بن قدامه ترمذی از حضرت ابا الحسن علیه السلام توجه نمایید که فرمودند:

مَنْ شَكَّ فِي أَرْبَعَةٍ فَمَقْدُ كَفَرٍ بِجَمِيعِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ  
عَزَّوَجَلَّ؛ أَحَدَهَا مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ فِي كُلِّ زَمَانٍ وَأَوَانٍ  
بِشَخْصِيهِ وَنَعْتِهِ.<sup>۱</sup>

کسی که درباره چهار چیز شک کند به تمامی آنچه که خداوند نازل فرموده، کافر شده است؛ یکی از آنها شناختن امام در هر عصر و زمان است که شخص امام و صفاتی را که داراست بشناسد.

پس در هر زمان معرفت و شناخت نسبت به امام آن زمان واجب است و چگونه ممکن است کسی معرفت به امام زمان خویش داشته باشد و از عظمت آن بزرگوار آگاه باشد، ولی به او توجه نداشته باشد؟!

۱. بحر الأنوار: ۱۳۵/۲۲.

بنابراین، توجه نداشتن به امام عصر ارواحنا فداه و نشناختن اوصاف و خصوصیات مقام رفیع آن بزرگوار، اگر چه انسان به امامان دیگر توجه داشته باشد صحیح نیست. پس وظیفه ما در این عصر و زمان اینست که به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه که در دوران امامت آن بزرگوار هستیم توجه خاص داشته باشیم.

یکی از اولیاء خدا به یکی از علمای معروف گذشته به نام مرحوم ملاً قاسم رشتی دعایی تعلیم نمودند و فرمودند: آن را به دیگران یاد بده تا اگر مؤمنی در بلایی گرفتار شد آن را بخواند که تأثیر آن مجرب است، و دعا چنین است:

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا فَاطِمَةُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَذْرِكُنِي  
وَلَا تُهْلِكُنِي.

چون دعا را این گونه به ایشان تعلیم نمود، می‌گوید: اندکی تأمل کردم و به فکر فرو رفتم.

فرمودند: این عبارت را غلط می‌دانی؟ عرض کردم: آری؛ چون خطاب به چهار نفر است و فعل بعد از آن‌ها باید جمع باشد.

فرمودند: اشتباه می‌کنی؛ زیرا در این زمان نظم دهندة جهان حضرت بقیة الله علیه السلام است، ما در این دعا حضرات محمد و علی و فاطمه علیهم السلام را برای شفاعت نزد آن بزرگوار می‌خوانیم و از آن



حضرت به تنهایی استمداد می‌کنیم.<sup>۱</sup>

لازم است به این نکته توجه داشته باشیم: همان گونه که در زمان پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در زمان حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام جناب سلمان و ابوذر و مقداد و سایر اولیاء خدا متوجه آن بزرگواران بودند و در گرد شمع وجود ایشان می‌گشتند و همچنین اولیاء الهی در زمان امام حسن مجتبی و حضرت سید الشهداء عَلَيْهِمَا السَّلَام و ... متوجه آن بزرگواران بودند و از یاد آنان غفلت نمی‌ورزیدند، در این زمان نیز آنان که به تکامل معنوی و درجات عالی راه یافته‌اند، یاد و توجه به مولای خود حضرت بقیة الله ارواحنا فداء را فراموش نمی‌نمایند.

در دعای شریف ندبه می‌خوانیم:

أَيُّنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ ؟

کجاست آن آئینه تمام‌نمای الهی که اولیای خدا به سوی او توجه می‌نمایند؟

پس در این زمان نیز اولیاء بزرگ خداوند به امام عصر خویش توجه دارند، گرچه آنان در میان مردم ناشناخته‌اند ولی با آن بزرگوار در ارتباط هستند و از فرمایشات آن بزرگوار بهره‌مند می‌شوند، در زیارت «آل یس» می‌خوانیم:

۱. دار السلام مرحوم عراقی: ۳۱۷. جریان کامل آن در کتاب «صحیفه مهدیه ص ۴۳۸» نقل شده است.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ .

سلام بر شما در آن هنگام که (قرآن را) تلاوت می‌کنید و (اسرار آن را) بیان می‌فرمایید.

بنابراین، لازم است انسان در هر عصر و زمانی که زندگی می‌کند به امام زمان خویش توجه خاصی داشته باشد. اکنون به این روایت که از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است توجه کنید:

عن مولانا الرضا، عن آبائه عَلَيْهِمُ السَّلَام قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ في قول الله تبارك وتعالى: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ﴾<sup>۱</sup> قال: يُدْعَى كُلُّ قَوْمٍ بِإِمامِ زَمَانِهِمْ، وَكِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِمْ.<sup>۲</sup>

حضرت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام از پدران گرامی خود نقل فرمودند که پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره فرمایش خداوند: «روزی که همه انسانها را با امامشان فرا می‌خوانیم» فرمودند: هر گروهی با امام زمانش و کتاب خداوند و سنت پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خوانده می‌شود.

و معنی روایت این است که: هر انسانی در روز قیامت درباره این سه مسأله حیاتی مورد پرس و جو و بازرسی قرار می‌گیرد که آیا

۱. سورة اِسْرَاء، آیه ۷۱.

۲. بحر الأنوار: ۱۰/۸.

وظیفه‌اش را نسبت به امام زمان خود و همچنین کتاب خدا و سنت پیغمبر اکرم ﷺ انجام داده است یا نه؟

پس در روز قیامت از مسأله امامت سؤال می‌شود و بررسی می‌کنند که آیا انسان به امام زمانش معرفت و شناخت داشته است یا نه؟

یکی از راه‌های مهم توجه به امام عصر ارواحنا فداء خواندن نمازها، دعاها و زیاراتی است که از ائمه اطهار علیهم السلام درباره آن حضرت وارد شده است و یا از ناحیه مقدسه آن بزرگوار صادر گردیده است. سفارش جناب محمد بن عثمان، دوّمین نایب خاص امام عصر ارواحنا فداء به احمد بن ابراهیم در برابر درخواستی که از ایشان کرده بود، این است:

تَوَجَّهْ إِلَيْهِ بِالزُّيَارَةِ<sup>۱</sup>

به سوی آن حضرت، به وسیله این زیارت توجه نما.<sup>۲</sup>

از این کلام می‌توان استفاده نمود که به وسیله زیارات یا دعاهایی که در ارتباط با آن حضرت است، انسان می‌تواند به سوی آن بزرگوار توجه نموده و قلب و روح خود را مجذوب آن وجود مقدس نماید.

۱. بحار الأنوار: ۱۷۴/۵۳.

۲. مقصود «زیارت ندبه» است که آن را در این کتاب در بخش «زیارت‌ها» می‌آوریم.

مسأله توجه داشتن به مقام و شخصیت امام عصر ارواحنا فداء و اظهار اندوه و غم در هجران و فراق آن بزرگوار نه تنها در زمان غیبت، بلکه در زمان حضور ائمه اطهار علیهم السلام نیز مطرح بوده و اهل بیت علیهم السلام عظمت مقام و شخصیت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء را بیان کرده‌اند و از غیبت و فراق آن سرور عالم امکان اظهار تأسف نموده‌اند.

در واقع اهل بیت علیهم السلام نه تنها با بیانات خود مردم را موظف نموده‌اند که به یاد سرور عالم هستی باشند و در غیبت و فراق آن بزرگوار اندوهگین و غمناک باشند؛ بلکه عملاً نیز با ریختن اشک و کشیدن آه از دل پر درد خود، نسبت به غیبت طولانی حضرتش، همه را درس سوز و انتظار آموخته‌اند؛ ولی متأسفانه شیعیان این مسأله حیاتی را که در تمام ابعاد زندگی دنیوی و اخروی آنها دارای مهم‌ترین اثر است، به دست غفلت و فراموشی سپرده‌اند.

بزرگانی که وظیفه داشته و دارند مردم را با این موضوع بسیار مهم که در عالم هستی تأثیر عظیم دارد آشنا نمایند، سهل انگاری کردند؛ و با غفلت و بی‌توجهی جامعه شیعه در گذشته و حال از این مسئله مهم و حیاتی، جهان همچنان از نعمت ظهور حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا فداء بی‌بهره است و بر اثر دوری و غیبت آن سرور

عالم هستی به نعمت تکامل در تمام ابعاد علمی و معنوی، دست نیافته و همچنان زور و زر و تزویر بر جهان و جهانیان حکومت می‌کند و ادامه حکومت لعنت شده حیتری میلیاردها انسان مسلمان و غیر مسلمان را در چنگال خونبار خود گرفتار نموده است.

جامعه ما آنگونه در مسائل دنیوی غرق شده و آنچنان چشم به اسباب دوخته که مسبب الاسباب را فراموش کرده است، درست است که دنیا سرای اسباب می‌باشد و ما باید برای کارهای خود در پی اسباب و وسیله باشیم، ولی این نباید تا به آن حد باشد که سبب‌آفرین را فراموش کنیم.

جامعه ما، هم به خداوند که مسبب الاسباب است کم‌توجه می‌باشد و هم از ولی و جانشین او غفلت می‌ورزد.

یکی از علل مهمی که باعث غفلت و یا کم توجهی بسیاری از مردم نسبت به امام عصر ارواحنا فداء شده است، عدم آگاهی و شناخت آنان از مقام و شخصیت آن بزرگوار است که در روایات خاندان وحی کاملاً به عظمت آن بزرگوار تصریح شده است.

متأسفانه کسانی که وظیفه داشته‌اند این حقایق را به مردم برسانند و آنان را به سوی سرور عالم وجود و رهبر جهان هستی متوجه سازند، موفق به انجام این وظیفه مهم شرعی نشدند.

اکنون آنچه را که برادران حضرت یوسف به حضرت یعقوب گفتند، به امام زمان خویش ارواحنا فداء عرض می‌کنیم و به این وسیله از پیشگاه امام رؤوف طلب عفو و بخشش می‌نمائیم:

﴿ يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ﴾<sup>۱</sup>

ای پدر ما، برای گناهان ما استغفار نما؛ به راستی که ما خطاکار بودیم.

امید است که با عفو و بخشش آن حضرت از گذشته ما، آینده را جبران نموده و به یاد آن بزرگوار باشیم و تا توان داریم دیگران را به سوی ساحت مقدس آن حضرت متوجه سازیم.

### انتظار ظهور یا اعتقاد به ظهور؟!

انتظار، تنها به معنای آمادگی برای پذیرش ظهور نیست؛ بلکه علاوه بر آن، در اندیشه آن بودن و آرزو داشتن آن را نیز می‌طلبد. ممکن است بسیاری از افراد آمادگی و امکانات برای پذیرایی از میهمان را داشته باشند ولی از کسی دعوت نکرده و در انتظار آمدن میهمان نباشند. این گونه افراد را تنها به خاطر آمادگی داشتن برای پذیرایی، نمی‌توان منتظر میهمان دانست؛ زیرا نه منتظر آمدن میهمان هستند و نه از نیامدن آن، ناراحت می‌شوند.

۱. سوره یوسف، آیه ۹۷.

با این بیان روشن می‌شود که در خودسازی و تهذیب نفس، بدون توجه به مسأله انتظار و فرا رسیدن روزگاری که سراسر جهان از وجود ظلم و ستم پاکسازی می‌شود، کمبود وجود دارد؛ زیرا کسی که این گونه است یکی از وظایف بزرگ خود را که انتظار داشتن برای پاکسازی جهانی و حرکت به سوی آن مقصد است، به دست فراموشی سپرده است.

به عبارت دیگر؛ اصلاح نفس و پاکسازی در صورتی به تکامل و اوج خود می‌رسد که انسان در آرزو و اندیشه پاکسازی سراسر جهان باشد و تنها به تهذیب نفس خویش نیندیشد. پس کسی که برای اصلاح حال خویش تلاش می‌کند باید در انتظار ظهور مصلح جهان باشد و تنها به اعتقاد داشتن به این موضوع بسنده نکند.

بنابراین، نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که: میان انتظار ظهور و اعتقاد به آن تفاوت بسیاری وجود دارد. زیرا همه شیعیان بلکه بسیاری از ملت‌های دیگر جهان به ظهور مصلحی که سرانجام سراسر جهان را پر از عدل و داد کند اعتقاد دارند؛ ولی همه آنانی که اعتقاد به این حقیقت دارند در انتظار تحقق آن نیستند!

کسی منتظر ظهور امام زمان ارواحنا فداء می‌باشد که علاوه بر

اعتقاد، امید و انتظار درک آن زمان را داشته باشد و بر اساس انتظار و امید، عمل نماید.

تمام روایاتی که مسأله انتظار در آن‌ها ستوده شده است، بر لزوم امیدواری و امکان وقوع و درک ظهور امام عصر ارواحنا فداء دلالت می‌کنند؛ زیرا اگر انتظار و امید نباشد و انسان مأیوس از درک زمان ظهور باشد، چگونه به روایات انتظار که درس امید و آرزو را به انسان‌ها می‌آموزند، عمل کرده است؟!

بنابراین، علاوه بر اعتقاد به مسأله ظهور و آمادگی برای درک آن روزگار - به دلیل روایاتی که درس انتظار را به ما می‌آموزند - هرانسانی وظیفه دارد در اندیشه ظهور بوده و امیدوار به درک آن، و معتقد به امکان فرا رسیدن آن در زمان خود باشد، و برای آن که با عافیت زمان ظهور را درک کند دعا نماید و بداند که خداوند آنچه بخواهد انجام می‌دهد.

### عظمت امام عصر ارواحنا فداء

#### در کلمات اهل بیت علیهم‌السلام

آشنایی با عظمت امام عصر ارواحنا فداء وسیله‌ای بسیار مؤثر برای وارد شدن در صراط انتظار می‌باشد.

در توضیح کلام می‌گوییم: روایاتی که از اهل بیت علیهم‌السلام درباره شخصیت و عظمت امام عصر ارواحنا فداء به ما رسیده است، آنچنان مهیج و تکان دهنده است که آدمی را شگفت زده می‌سازد! چگونه

می‌شود با آن همه سخنانی که در اعماق وجود انسان تأثیر می‌گذارد، جامعه ما نسبت به آن بزرگوار آن گونه که باید دل نبسته است و زاغ و زغن را به جای «طاووس بهشت»<sup>۱</sup> برگزیده است؟ این همه غفلت چرا؟ و این همه فراموشی از چه جهت است؟ آیا عالمان و بزرگان دین در این راه کاری که شایسته باشد انجام داده‌اند؟ آیا مہتران و پیشوایان قوم و قدرتمندانی که خود را به آن حضرت نسبت می‌دهند خدمتی نموده‌اند؟ آیا ثروتمندان و توانمندان شیعه در راه کمک به این مسأله که اساسی‌ترین مسأله حیاتی دین است، کوشش کرده‌اند؟ آیا توده مردم با توجه به امام زمان صلوات الله علیه، سرنوشت غمبار خویش را تغییر داده‌اند؟ حقیقت این است که همه افشار مردم در این غفلت‌زدگی، کم و بیش سهیم هستند، (اگر چه افرادی بوده‌اند و هستند از عالمان و غیر عالمان، که همچون شقایق داغ بر دل داشته و روزگاری با غم و حسرت می‌گذرانند و به قدر توفیق و توان خویش به احیاء این امر پرداخته و می‌پردازند.) بگذریم که حقیقت تلخ است و دل خودپسندان را می‌آزارد.

اکنون کلماتی را از خاندان وحی می‌آوریم تا ببینید آنان با چه

۱. بحر الأنوار: ۹۱/۵۱.

عباراتی از آخرین حجّت الهی حضرت صاحب الأمر صلوات الله علیه یاد نموده‌اند و چگونه کوشش کرده‌اند تا مردم را به سوی آن حضرت متوجه سازند و چگونه درس بزرگداشت آن حضرت را به ما آموخته‌اند:

۱ - پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

پدرم و مادرم فدای او باد، او هم نام من و شبیه من است.

این کلام را پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام پس از شرح دوران غم‌انگیز و تأسف بار غیبت امام عصر ارواحنا فداه بیان نموده‌اند. اینک به فرمایش آن حضرت توجه کنید:

... سَبِكُونُ بَعْدِي فِتْنَةً صَمَاءَ صَيَلَمَ يَسْقُطُ فِيهَا كَلٌّ  
وَلِيَجَةَ وَبَطَانَةَ، وَذَلِكَ عِنْدَ فُقْدَانِ شِيعَتِكَ الْخَامِسِ مِنَ  
السَّابِعِ مِنْ وُلْدِكَ، يَخْرُجُ لِنَقْدِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ،  
فَكَمَّ مُؤْمِنٌ وَمُؤْمِنَةٌ مَتَأَسَّفَ مُتَلَهِّفَ حِيرَانَ عِنْدَ فَقْدِهِ .  
ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ: يَا أَبِي وَأُمِّي سَمِيَّتِي  
وَسَبِيهِي وَسَبِيهِي مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، عَلَيهِ جَلَابِيبُ  
النُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ الْقُدْسِ ۱.

بعد از من فتنه‌ای ایجاد می‌شود بسیار سخت و دشوار و از پا

۱. کفایة الأثر: ۱۵۸، بحر الأنوار: ۳۳۷/۳۶ و ۱۰۹/۵۱.

دراورنده، که در آن هر شخص مورد اعتماد و رازداری سقوط می‌کند و این در هنگامی است که شیعیان تو پنجمین نفر از فرزندان تو از هفتمین امام را گم کنند، برای فقدان او اهل آسمان و زمین غمگین می‌شوند، پس چه بسیارند مردان و زنان بالیمانی که در هنگام غیبت او، متأسف و حسرت‌زده و حیرانند.

سپس آن حضرت سر خود را به آرامی پائین برده و آن گاه سر بلند نموده و فرمودند: پدر و مادرم فدای او باد، هم نام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است، بر او پیراهن‌هایی از نور است که از شعاع قدس برافروخته است.

۲ - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آن حضرت فرمودند:  
جانم فدای او باد ...

این کلام را علامه مجلسی رحمته الله علیه به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت داده و فرموده است: در دیوان شعری که منسوب به آن حضرت می‌باشد، از آن بزرگوار نقل شده که فرمودند:

فَمَمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ الْحَقُّ مِنْكُمْ  
وَبِالْحَقِّ يَا تَيْكُمُ وَبِالْحَقِّ يَعْمَلُ  
سَمِيَّ نَسِيَّ اللَّهِ نَفْسِي فِدَاؤُهُ  
فَلَا تَخَذُلُوهُ يَا بَنِي وَعَجَلُوا<sup>۱</sup>

۱. بحار الأنوار: ۱۳۱/۵۱.

پس در آن هنگام (بعد از حکومت‌های ناشایسته) از شما کسی که حق را به پا می‌دارد قیام می‌کند، و حق را برای شما می‌آورد و به آن عمل می‌کند.

هم‌نام رسول خداوند است، جانم فدای او باد، پس ای فرزندان من؛ مددسانی به او را ترک نکنید و برای یاریش شتاب کنید.

۳ - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام:

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.<sup>۱</sup>

اول مظلوم عالم، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از بیان اوصاف جسمانی امام عصر ارواحنا فداء با بیان جمله‌ای که آوردیم، اشتیاق عظیم قلبی خویش را اظهار نموده‌اند.

این روایت را جناب جابر جعفی که از نقباء و از اصحاب سرّ امام باقر و امام صادق علیهما السلام بوده نقل نموده است.

در این روایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به بیان صفات نیکوی جسمانی امام عصر ارواحنا فداء اکتفا کرده‌اند و از تشریح خصلت‌های معنوی و ملکوتی آن حضرت خودداری فرموده‌اند؛ زیرا با کسی

۱. حضرت نرجس خاتون رضی الله عنها شاهزاده بزرگ روم، برای پیوستن به خاندان وحی صلی الله علیه و آله، لباس کنیزان را پوشید و در میان آنان رفت و افتخار جاودانه مادر شدن برای حضرت بقیة الله ارواحنا فداء را نصیب خود ساخت. به جهت پوشیدن لباس کنیزان و اسارت، از ایشان به عنوان بهترین کنیزان در روایات یاد شده است.

سخن می‌گفته‌اند که او علت اصلی همه تباهی‌ها و فسادها در عالم خلقت است.

اکنون به این روایت توجه کنید: جناب جابر جعفی می‌گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

سایر عمر بن الخطاب امیر المؤمنین علیه السلام فقال: أخبرني عن المهدی ما اسمه؟

فقال: أمّا اسمه فإنّ حسیبی عهد إليّ أن لا احدث باسمه حتّى یبعثه الله.

قال: فأخبرني عن صفته.

قال: هو شابٌّ مَرْبُوع حَسَنَ الوَجْهِ حَسَنَ الشَّعْرِ، یَسِیلُ شَعْرُهُ عَلَی مَنْكَبِیْهِ، وَتُورُ وَجْهِهِ یَعْلُو سِوَادَ لِحِیَّتِهِ وَرَأْسِیْهِ، بِأَبِی ابْنِ خَیْرَةَ الْإِمَاءِ.<sup>۱</sup>

عمر بن خطاب در خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام راه می‌رفت به آن بزرگوار عرض کرد: مرا از نام مهدی خبر ده.

حضرت فرمودند: اما درباره اسم او، حیب من از من پیمان گرفته که از نام او سخن نگویم، تا آن زمان که خداوند او را برانگیزد. عرض کرد: از اوصاف و شمایل او به من خبر ده.

۱. بحار الأنوار: ۲۶/۵۱.

حضرت فرمودند: او جوانی است چهار شانه، نیکو روی و زیبا موی که مویش بر شانه‌اش ریخته و نور صورتش بر سیاهی موی سر و صورتش برتری دارد. پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

۴ - حضرت امیر المؤمنین علیه السلام:

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

این کلام را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دیگر بار تکرار نموده‌اند و حارث همدانی آن را از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده است. آن بزرگوار در این روایت بیان فرموده‌اند که پایان ظلم و ستمگری ستمگران با شمشیر انتقامی است که در دست توانای حضرت بقیة الله ارواحنا فداء می‌باشد، و فرموده‌اند: جام تلخ زهر را به کام همه ستمگران جهان فرو خواهد ریخت. اکنون در دنباله مطلب، به کلام آن بزرگوار که دل غمزدگان را شاد می‌کند توجه کنید:

بأبي ابن خيرة الإمام - يعني القائم من وُأُده علیه السلام -  
یسوئهم حَسَفًا، وَ يُشَقِّقِهِمْ بِكَأْسِ مُضْبِرَةٍ،  
وَلَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ هَرَجًا.<sup>۱</sup>

۱. الغيبة نعمانی علیه السلام: ۲۲۹.

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد - یعنی حضرت قائم که از فرزندان آن حضرت است - خواری و پستی و فرومایگی را بر آنان وارد می‌سازد و با ظرفی که از صبر (دوایی بسیار تلخ) پر است به آنان (ستمگران) می‌خوراند و به آنان چیزی حواله نمی‌کند مگر شمشیر خون‌ریز را.

آری، در آن روز است که حکومت سقیفه نشینان و وارثان آنان به پایان می‌رسد و جام تلخ زهر را همه آنها سر خواهند کشید! ۵ - حضرت امیر المؤمنین علیه السلام:

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این گفتار را دیگر بار در یکی از خطبه‌های خود ایراد فرموده‌اند:

فَانظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَمَا لَبَدُوا فَالْبِدْوَا، وَ إِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فَاَنْصَرُوهُمْ، لِيَفْرَجَنَّ اللَّهُ بِرَجْلِ مَنْتَأ أَهْلِ الْبَيْتِ، بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةِ الْإِمَاءِ؛ لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ هَرَجاً هَرَجاً، مَوْضِعاً عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةً.<sup>۱</sup>

به اهل بیت پیامبران بنگرید؛ اگر آرام گرفتند شما نیز آرام بگیرید و اگر شما را به یاری طلبیدند آنان را یاری کنید، خداوند به طور حتم

۱. بحار الأنوار: ۱۲۱/۵۱.

مردی از ما اهل بیت را (برای نابودی ستمگران) خارج می‌سازد. پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد، به آنان نمی‌دهد مگر شمشیر را چه آشوبی؛ چه آشوبی؛ هشت ماه شمشیر را بر شانه خود می‌نهد.

در این خطبه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اصلاح جهان و پاکسازی دنیا را از وجود پلیدان لعنت‌شده نوید می‌دهند، که مدت هشت ماه جنگ با ستمگران در صحنه گیتی ادامه می‌یابد و آنگاه صلح و صفا در سراسر جهان حاکم می‌شود.

۶ - حضرت امیر المؤمنین علیه السلام:

آه، چه قدر مشتاقم او را ببینم!

این کلام را حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از بیان فتنه‌ها و آشوب‌های آینده و یاد از خصلت‌های امام عصر ارواحنا فداه بیان نمودند:

هاه - وأوماً بیده إلی صدره - شوقاً إلی رؤیته.<sup>۱</sup>

آه - و اشاره به سینه مبارک خود نمودند - چه قدر مشتاقم او را ببینم!

زیرا آن بزرگوار با احاطه علمی که بر همه چیز داشتند، می‌دانستند فتنه‌هایی که سقیفه‌نشینان در سقیفه بذر آن را افشاندند، همچنان ادامه خواهد یافت و آتش آن سراسر گیتی

۱. بحار الأنوار: ۱۱۵/۵۱.



را تا زمان‌های دور، سیاه خواهد نمود و سیه‌روزی و بدبختی را نصیب همه مردمان جهان خواهد کرد و این ظلم و جنایت همچنان ادامه می‌یابد تا آن روز که منتقم آل محمد علیهم‌السلام حضرت امام عصر ارواحنا فداه همراه با سیصد و سیزده تن از شخصیت‌های خودساخته، که امر ولایت در جان و دل آنان ریشه دوانده است با تعدادی دیگر از مؤمنان از کنار خانه خدا قیام نمایند، و انتقام همه مظلومین جهان را از همه ستمگران بگیرند.

اگر در روز تاریخ سقیفه یاورانی از جان گذشته در کنار وجود مقدس اول مظلوم عالم حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌بودند، دشمنان نمی‌توانستند خانه وحی را به آتش کشیده و ریسمان به گردن امیر عالم هستی افکنده و چهره ماه را کبود کنند. حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در یکی از خطبه‌های خود می‌فرمایند:

فَتَطَّرْتُ فَإِذَا لَيْسَ لِي مُعِينٌ إِلَّا أَهْلُ بَيْتِي فَضَنَنْتُ بِهِمْ  
عَنِ الْمَوْتِ ، وَأَغْضَيْتُ عَلَيَّ الْقَدَى ، وَشَرِبْتُ عَلَيَّ  
الشَّجِي ، وَصَبَّزْتُ عَلَيَّ أَخْذَ الْكُظْمِ ، وَعَلَى أَمْرٍ مِنْ  
طَعْمِ الْعُلُقَمِ .

چون مخالفین، خلافت را که حق من بود غصب کردند، (در کار خویش) اندیشه کردم؛ دیدم در آن هنگام به غیر از اهل بیت خود

یاوری ندارم، راضی نشدم که آنها کشته شوند، و چشمی که خاشاک در آن رفته بود بر هم نهادم؛ با این که استخوان گلویم را گرفته بود، جام تلخ را آشامیدم؛ و خشم خود فرو خوردم و بر چیزهای تلخ‌تر از طعم علقم (که گیاهی است بسیار تلخ) شکیبایی نمودم.<sup>۱</sup>

آری، مظلوم‌ترین فرد جهان هستی پس از بیان همه ستم‌هایی که بر او روا شده، آنگاه که از فتنه‌های آینده یاد می‌کند و نام پایان دهنده همه ظلم‌ها و ستم‌ها را به زبان جاری می‌سازد می‌فرماید:

آه، چقدر مشتاقم او را ببینم!

۷ - امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

اگر در آن زمان باشم، جان خود را برای صاحب این امر نگه می‌دارم.

این کلام از کسی صادر شده است که شکافنده همه علوم و دانش‌ها در سراسر هستی و آگاه از همه اسرار خلقت می‌باشد، آن کسی که آینده و آیندگان، گذشته و گذشتگان، برای ایشان همچون افرادی هستند که در محضرش حاضر می‌باشند.

آن حضرت وقتی که سخن از آینده و آیندگان به میان می‌آورد، و یکی از قیام‌هایی را که قبل از ظهور امام عصر ارواحنا فداه واقع

۱. نهج البلاغه فیض الإسلام: خطبة ۲۶ ص ۹۲.

می شود بیان می کنند، می فرمایند:

... أما إني لو أدركت ذلك، لا شتبت نفسي  
بصاحب هذا الأمر<sup>۱</sup>.

آگاه باشید؛ اگر من آن زمان را درک نمایم، جان خود را  
برای صاحب این امر حفظ می کنم.

مرحوم آیه الله شیخ محمد جواد خراسانی در کتاب خود نوشته  
است: مقصود حضرت از آن زمان، وقتی است که گروهی از «شیلا»  
برای گرفتن حق قیام می کنند.

۸ - امام باقر علیه السلام:

پدر و مادرم فدای او باد؛ او همان من و دارای کُنیه من  
است.

پدرم فدای کسی باد که سراسر گیتی را سرشار از عدل و  
داد می کند همان گونه که پر از ظلم و ستم شده باشد.

این روایت را ابو حمزه ثمالی - که از بزرگان اصحاب آن حضرت  
است - نقل نموده؛ او می گوید: روزی در محضر امام باقر علیه السلام بودم،  
آنگاه که مردم از خدمت آن بزرگوار مرخص شدند به من فرمودند:

۱. الغيبة مرحوم نعمانی: ۲۷۳.

یا ابا حمزة؛ من المحتوم الذي حتمه الله قیام قائمنا،  
فمن شك فيما أقول لقي الله وهو به كافر.

ثم قال: بأبي وأمي المسمي باسمي والمكثي  
بكنيتي، السابغ من ولدي، بأبي من يمثلاً الأرض  
عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً.

یا ابا حمزة؛ من أذركه فیسلم له ما سلم لمحمد وعلي  
عليهما السلام فقد وجبت له الجنة، ومن لم يسلم فقد حرم الله  
عليه الجنة وماواه النار وبئس مئوى الظالمين<sup>۱</sup>.

ای ابا حمزه؛ از چیزهایی که خداوند آن ها را حتمی قرار داده است  
قیام قائم ما است و کسی که در آنچه می گویم شک کند خداوند را در  
حالی که به او کافر است ملاقات می کند.

پدر و مادرم فدای کسی باد که به نام من نامیده شده و به  
کُنیه اش کُنیه من است و هفتمین فرد از نسل من است.

پدرم فدای کسی باد که سراسر زمین را پر از عدل و داد  
می نماید همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد.

ای اباحمزه؛ هر کس در زمان او بوده و تسلیم او گردد، همان گونه که  
تسلیم محمد و علی علیهما السلام بوده، بهشت بر او واجب است، و کسی

۱. بحار الأنوار: ۱۳۹/۵۱/۲۴/۲۴۱/۳۶/۳۹۴.

که تسلیم او نباشد خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند و جایگاه او آتش می‌باشد و بد منزلی است جایگاه ستم‌کاران.

۹ - امام صادق علیه السلام:

اگر او را درک کنم ، تا زنده باشم به او خدمت می‌کنم .

این کلام را امام صادق علیه السلام هنگامی فرمودند که درباره حضرت بقیة الله ارواحنا فداء از آن بزرگوار سؤال شد:

هَلْ وُلِدَ الْقَائِمُ ؟

قال : لا ، وَلَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتَهُ أَيَّامَ حَيَاتِي .<sup>۱</sup>

آیا (حضرت) قائم متولد شده است؟

حضرت فرمودند: نه، و اگر من او را درک نمایم در تمام دوران زندگی و حیاتم به او خدمت می‌کنم.

۱۰ - امام صادق علیه السلام:

برای نور آل محمد (علیهم السلام) دعا نمودم .

۱ . الغيبة مرحوم نعمانی : ۲۷۳ ، بحر الأنوار : ۱۴۸/۵۱ .

صاحب کتاب «عقد الدرر» این روایت و روایات دیگری را به امام حسین علیه السلام نسبت داده و به دلیل سند آن اشتباه است و علت اشتباهش این است که کتبه «ابو عبدالله» را که مشترک است میان امام حسین و امام صادق علیه السلام ، به امام حسین علیه السلام نسبت داده است . رجوع کنید به کتاب «الصحيفة المباركة المهدية» .

عباد بن محمد مدائنی می‌گوید: امام صادق علیه السلام پس از نماز ظهر ، دست‌ها را بلند نموده و دعا کردند .

گفتم : جانم به فدایتان ؛ برای خودتان دعا نمودید ؟ فرمودند :

دَعَوْتُ نُورَ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام وَسَائِقِهِمْ وَالْمُنْتَقِمَ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ .<sup>۱</sup>

برای نور آل محمد علیهم السلام و پیشرو آنان و کسی که به امر خدا از دشمنان آنان انتقام می‌گیرد ، دعا نمودم .

البته خاندان وحی علیهم السلام همه آنها نور هستند و معرفت آنان به نورانیت معرفت الله است ، ولی بنا به فرمایش امام صادق علیه السلام در این روایت آن حضرت ، نور الأنوار می‌باشند .

۱۱ - امام موسی کاظم علیه السلام:

پدرم فدای کسی باد که در راه خدا ، سرزنش ملامتگران در او تأثیر نمی‌گذارد .

پدرم فدایش باد که به امر خداوند قیام می‌کند .

یحیی بن فضل نوفلی می‌گوید : حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بعد از نماز عصر دست‌ها را به دعا بلند نموده و دعایی را قرائت کردند .

۱ . فلاح السائل : ۱۷۰ .

به آن حضرت عرض کردم: برای چه کسی دعا نمودید؟

قال: ذَلِكَ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

قال: يَا أَبِي الْأَسْمَدِ الْبَسَطَنَ، الْمَسْفُورَ الْحَاجِبِينَ،  
أَحْمَشَ السَّاقِينَ، يَعِيدُ مَا بَيْنَ الْمَنْكِبَيْنِ، أَسْمَرَ اللَّوْنَ.

يعتاده مع سمرته صفرة من سهر الليل.

يَأْبِي مَنْ لَيْلَهُ يَرْعَى النَّجُومَ سَاجِدًا وَ رَاكِعًا، يَا أَبِي مَنْ  
لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، مِصْبَاحُ الدُّجَى، يَا بَيْ  
الْقَائِمِ يَا مَرَّ اللَّهِ.<sup>۱</sup>

حضرت فرمودند: برای مهدی آل محمد علیه السلام.

آن گاه فرمودند: پدرم فدای آن وجودی باد که دلی برجسته و  
ابروانی پیوسته و ساق‌های باریک دارد، و چهار شانه و قوی هیکل  
و گندم‌گون است، و بر اثر تهجد و شب زنده‌داری رنگش زرد است.  
پدرم فدای کسی باد که شب‌ها در حال سجده و رکوع، بسر  
می‌برد و به ستارگان می‌نگرد و آن‌ها را زیر نظر دارد.

پدرم فدای کسی باد که در راه خدا سرزنش ملامتگران در او  
تأثیر نمی‌گذارد، او چراغ هدایت در تاریکی‌های شدید است.

پدرم فدای او که به امر خدا قیام می‌کند.

۱. بحر الأنوار: ۸۱/۸۶.

## ۱۲ - حضرت امام رضا علیه السلام:

پدرم و مادرم فدایش باد، او همانم جدم رسول  
خدا صلی الله علیه و آله و سلم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران علیه السلام است.

این کلام را حضرت امام رضا علیه السلام پس از ذکر فتنه‌های بسیار سختی  
که از اول زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه واقع شد، بیان نموده‌اند.  
این فتنه‌ها آن چنان سخت و ویرانگر است که افراد بسیار زیرک و  
فهمیده را نیز به دام خود گرفتار می‌نماید.

گرچه آنان مدعی دین و دینداری هستند، و بر اثر گمراهی آنان،  
آنچنان غربت و تنهایی امام عصر ارواحنا فداه را فرا می‌گیرد که اهل  
آسمان و زمین بر او می‌گریزند و هر انسان آزاده و دل آگاه برای آن  
حضرت به گریه می‌نشیند.

اکنون به کلام حضرت امام رضا علیه السلام توجه کنید:

لَا يَدُّ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَاءَ صَيْلَمٍ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ  
وَوَلِيحَةٍ وَذَلِكَ عِنْدَ فَقْدَانِ الشَّيْعَةِ الثَّالِثِ مِنْ وُلْدِي،  
يَبْكِي عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَأَهْلُ الْأَرْضِ وَكُلُّ حَرِيٍّ  
وَخَزَانٍ وَكُلُّ حَزِينٍ وَكُهْفَانٍ.

ثُمَّ قَالَ علیه السلام: يَا أَبِي وَأُمِّي سَمِيَّ جَدِّي صلی الله علیه و آله و سلم وَشَبِيهِي  
وَشَبِيهَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ علیه السلام، عَلَيْهِ جُيُوبُ النَّوْرِ،

يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ<sup>۱</sup>.

ناگزیر فتنه‌ای بسیار سخت و از یادآورنده واقع می‌شود که در آن هر فرد راز دار و مورد اعتمادی سقوط می‌کند و این در زمانی است که شیعیان سومی نفر از فرزندان مرا از دست می‌دهند، بر او اهل آسمان و زمین می‌گیرند و هر مرد و زنی که تشنهٔ دیدار او باشند و هر غمگین و حسرت زده‌ای بر او می‌گیرد.

سپس فرمودند: پدر و مادرم فدای او باد، او همتام جدم عَلَيْهِ السَّلَامُ و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است، بر او پیراهن‌های نور می‌باشد که از شعاع نور قداست و پاکی فروغ می‌گیرد.

شبیه این روایت را از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل نمودیم.

«از حضرت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده که آن حضرت در مجلسی که در خراسان داشتند، هنگام ذکر لفظ «قائم» ایستادند و دو دست خود را بر سر مبارک نهادند و گفتند:

أَللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ.

آن‌گاه از خصوصیات حکومت آن حضرت صحبت می‌فرمودند. مرحوم محدث نوری در کتاب «نجم الثاقب» می‌فرماید: قیام و تعظیم نمودن مردم به هنگام شنیدن نام امام زمان ارواحنا فداء

۱. الغيبة نعمانی رحمته الله: ۱۸۰، کمال الدین: ۲۷۰، بحار الأنوار: ۱۵۲/۵۱، الزام الناصب: ۲۲۱/۱.

مخصوصاً لقب مخصوص آن حضرت، سیره و روش همهٔ شیعیان از عرب و عجم و ترک و هند و دیلم و غیر آن در همهٔ بلاد است بلکه اهل سنت نیز به آن عمل می‌کنند»<sup>۱</sup>.

مرحوم علامه امینی در «الغدیر» می‌نویسد: روایت شده که وقتی دعبل قصیدهٔ خود را برای امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ خواند و از حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه یاد نمود:

فلولا الَّذِي أَرْجُوهُ فِي الْيَوْمِ أَوْ غَدٍ

تَقَطَّعَ نَفْسِي إِثْرَهُمْ حَسْرَاتِي

خروج إمام لا محالة خارج

يقوم على اسم الله والبركات

اگر نبود آنچه برای امروز یا فردا به آن امیدوارم، نفس من از روی حسرت قطع می‌گشت.

و آن خروج امامی است که ناگزیر خروج خواهد کرد و با نام نامی پروردگار و برکات الهی قیام می‌نماید.

حضرت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ دست خود را بر سر نهادند و تواضع نمودند در حالی که برای فرج آن حضرت دعا می‌نمودند.<sup>۲</sup>

۱. الزام الناصب: ۲۷۱/۱.

۲. الغدیر: ۳۶۱/۲. شبیه این روایت را علامه مجلسی در «بحار الأنوار»: ۱۵۴/۵۱ نقل نموده است.

مقدمه کتاب را با نقل روایتی که در کتاب «تنزیه الخاطر» آورده است پایان می‌دهیم:

از امام صادق علیه السلام از علت ایستادن در وقتی که لفظ «قائم» - که از القاب حضرت حجت صلوات الله علیه است - برده می‌شود، سؤال شد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

به این جهت که زیرا برای ایشان غیبتی است طولانی و از شدت رأفت، آن حضرت به دوستانش نظر می‌کند به هر کسی که او را به این لقب - که دلالت بر دولت او و حسرت به غربت او دارد - یاد نماید، و از تعظیم نمودن بنده‌ای که برای صاحب خود خضوع می‌نماید این است که به هنگامی که مولای باجلالت او یا دیدگان شریفش به سوی او می‌نگرد، در برابر او بایستد. پس هر کس این نام را به زبان می‌آورد باید بایستد و باید از خداوند بزرگ تعجیل فرج او را طلب نماید.<sup>۱</sup>

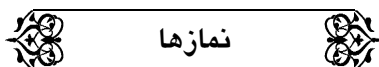
از خداوند بزرگ می‌خواهیم که ما را از منتظران ظهور آن حضرت صلوات الله علیه قرار دهد و ستایش مخصوص خداوند است که پروردگار جهانیان است.

و ما توفیقی إلا بالله

مرتضی مجتهدی سیستانی

۱. الزام الناصب: ۲۷۱/۱.

## بخش اول



در این بخش بعضی از نمازهایی را که از امام زمان ارواحنا فداء روایت شده، یا برای آن حضرت نقل گردیده، می‌آوریم:



### نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید بن طاووس رحمته الله می‌فرماید: نماز حضرت حجت ارواحنا فداء دو رکعت است که در هر رکعت سوره «حمد» را تا ﴿إِنَّا نَعْبُدُ وَإِنَّا كُنَّا لَمُسْتَعِينُونَ﴾ می‌خوانی، و چون به این آیه رسیدی صد مرتبه آن را تکرار می‌کنی، و بعد بقیه سوره «حمد» را خوانده و بعد از آن، سوره «اخلاص» را یک مرتبه می‌خوانی و پس از نماز، این دعا را می‌خوانی:

اللَّهُمَّ عَظَمَ السَّبْلَاءُ، وَبَرِحَ الْخِفَاءُ، وَانْكَشَفَ

خداوندا! بلا و مصیبت بزرگ شد، و پنهانی برطرف گشت (آنچه پنهان بود آشکار گشت)، و پرده

الْغِطَاءِ، وَضَاقَتِ الْأَرْضُ بِمَا وَسِعَتِ السَّمَاءُ،

کنار زده شد، و زمین (بر ما) تنگ آمد با وجود وسعت آسمان،

وَإِلَيْكَ يَا رَبُّ الْمُشْتَكَى، وَعَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي

و شکایت ما تنها به سوی توست، و اعتماد و تکیه ما در

الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

هر سختی و سستی بر توست. خداوندا! درود بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، الَّذِينَ أَمَرْنَا بِطَاعَتِهِمْ . وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ

محمد، کسانی که ما را به اطاعتشان امر کردی. خداوندا!

فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ، وَأَظْهِرْ إِعْزَاؤَهُ، يَا مُحَمَّدُ يَا

فرج آل محمد را به وسیله قائم ایشان تعجیل فرما، و عزت و بزرگی او را ظاهر کن. ای محمد! ای

عَلِيٍّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ، يَا

علی! ای علی! ای محمد! مرا کفایت کنید که شما کفایت‌کنندگان من هستید. ای

مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا

محمد! ای علی! ای علی! ای محمد! مرا یاری کنید، که شما

نَاصِرَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ

یاری‌کنندگان من هستید. ای محمد! ای علی! ای علی! ای محمد!

إِحْفَظَانِي فَإِنَّكُمَا حَافِظَايَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ

مرا حفاظت کنید که شما حافظ و نگهدار من هستید. ای مولای من ای صاحب

الرَّزْمَانِ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الرِّزْمَانِ، يَا مَوْلَايَ يَا

الزمان! ای مولای من ای صاحب الزمان! ای مولای من ای

صَاحِبَ الرِّزْمَانِ، اَللَّغُوثَ اَللَّغُوثَ اَللَّغُوثَ، أَذْرِكُنِي

صاحب الزمان! به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس، مرا دریاب

أَذْرِكُنِي أَذْرِكُنِي، اَلْأَمَانَ اَلْأَمَانَ اَلْأَمَانَ .<sup>۱</sup>

مرا دریاب، مرا دریاب، امانم ده، امانم ده، امانم ده.



### نماز مسجد مقدس جمکران

حسن بن مثله علیه السلام می‌گوید: مولایمان امام زمان صلوات الله علیه به

من فرمودند:

به مردم بگو: باید به این مکان رغبت کنند (بیابند)، و آن

را عزیز و بزرگ دارند و در اینجا چهار رکعت نماز

گذارند: دو رکعت برای تحیت و احترام مسجد، که در هر

رکعت یک مرتبه سوره حمد و هفت مرتبه سوره اخلاص،

و در هر رکوع و سجده، ذکر آن را هفت مرتبه بگویند.

و پس از آن دو رکعت برای امام زمان صلوات الله علیه به

گونه‌ای که ذکر می‌شود انجام دهد: سوره «حمد» را

۱. جمال الأسبوع: ۱۸۱، بحار الأنوار: ۱۹۱/۹۱.

شروع کند، به آیه ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ که رسید آن را صد مرتبه تکرار کند، سپس سوره «حمد» را تمام کرده، سوره «اخلاص» را بعد از آن بخواند و در هر رکوع و سجده ذکر آن را هفت مرتبه بگوید و رکعت دوم را نیز همین گونه بخواند.

و چون نماز را به پایان برد تهلیل<sup>۱</sup> گفته و تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگوید و چون از آن فارغ شد به سجده رفته بر محمد و آل محمد صد مرتبه صلوات فرستد.

سپس حضرت این کلمات را فرمودند:

فَمَنْ صَلَّى فَكَأَنَّمَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ .

هر کس این نماز را بخواند گویا در بیت عتیق (کعبه) خوانده است.<sup>۲</sup>



### نماز توجّه

به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه

احمد بن ابراهیم گوید: به ابی جعفر محمد بن عثمان علاقم را

۱. «لا إله إلا الله» یا «لا إله إلا الله وحده».

۲. جنة المأوى: ۲۳۱. درباره مسجد مقدس جمکران، مطالب مهمتی را در کتاب

«صحیفه مهدیه» نقل کردیم به آن کتاب رجوع شود.

برای دیدن مولایمان صاحب الزمان ارواحنا فداء عرض کردم.

به من گفت: آیا با اشتیاق فراوان دوست داری امام را ببینی؟

گفتم: آری.

به من گفت: خدا به این اشتیاق پاداش دهد و جمال حضرت را به آسانی و عافیت به تو نشان دهد. اما ای اباعبدالله! التماس نکن که او را ببینی؛ زیرا در ایام غیبت شوق دیدار آن حضرت وجود دارد ولی دیدار او درخواست نمی شود<sup>۱</sup>، چرا که این اراده خداست و تسلیم

۱. گفتنی است که برای احمد بن ابراهیم این گونه تقدیر شده است نه برای تمام شیعه؛ چون برخی دیگر از شیعیان چنین حاجتی از شیخ عمری داشته‌اند و اجابت شده است. زهری می‌گوید: خیلی می‌خواستم امام زمان ارواحنا فداء را ببینم حتی در این راه مال زیادی هم خرج کردم تا به شیخ عمری رسیدم و او را خدمت کردم و با اصرار از او خواستم امام زمان ارواحنا فداء را به من نشان بدهد.

گفت: این کار ممکن نیست؛ به او اصرار کردم تا آن که گفت: فردا صبح بیا. صبح فردا که رفتم شیخ به استقبال آمد در حالی که جوانی در نهایت زیبایی و خوشبویی همراه او بود و در آستینش چیزی داشت که او را به شکل تجار نشان می‌داد. چون آن جوان را دیدم به سوی شیخ عمری رفتم، شیخ اشاره کرد که به سوی آن جوان روم، و من هم به سوی جوان رفتم و از او سئوالاتی پرسیدم که هر چه پرسیدم جواب داد سپس خواست داخل خانه‌ای شود که به آن اعتنایی نمی‌شد. شیخ عمری گفت: اگر می‌خواهی از او سئوال کنی بپرس که بعد از این او را نخواهی دید. (الاحتجاج: ۲/۲۹۷)



در برابر اراده او بهتر است اما با خواندن زیارت به آن حضرت توجه کن .  
 اما کیفیت عمل : آنچه به محمد بن علی املا کرده و دیگران از او  
 نسخه برداری کرده اند آن توجه به صاحب الزمان ارواحنا فداء است با  
 خواندن زیارت بعد از دوازده رکعت نماز که به صورت دو رکعتی  
 انجام می دهی و « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » را در تمام این رکعت ها  
 می خوانی ، بر محمد و آل محمد صلوات فرستاده و می گوئی سخن  
 خداوند عز و جل را :

**سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ ، ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ مِنْ**  
 سلام بر آل یاسین ، این همان فضل آشکار است از

**عِنْدِ اللَّهِ ، وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ، إِمَامُهُ مَنْ يَهْدِيهِ**  
 جانب خداوند ، و خدا صاحب فضل بزرگ است ، پیشوای او کسی است که او را به

**صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ ، قَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ خِلَافَتَهُ يَا آلَ**  
 راه مستقیم خداوند هدایت کنده ، به تحقیق خداوند به شما جانشینی اش را داده است ای

**يَاسِينَ ... ۱**

آل یاسین .

۱ . بحار الأنوار : ۱۷۴/۵۳ . و زیارت را به طور کامل - این شاه الله - در بخش «زیارت ها»  
 نقل خواهیم کرد .



### نماز و دعای فرج برای رفع مشکلات مهم

ابو جعفر محمد بن جریر طبری در کتاب «مسند فاطمه عليها السلام»  
 می گوید : ابو حسین کاتب گفت : کاری را از ابی منصور صالحان به  
 عهده گرفتم و چیزی میان من و او پیش آمد کرد که لازم شد مخفی  
 شوم و او در جستجوی من بود و تهدیدم می کرد .

مدتی از ترس او مخفی شدم و در شب جمعه ای که باد و باران  
 می وزید به قبرستان قریش رفتم . آنجا برای دعا در حجره ای نشستم  
 و از ابن جعفر قیّم خواستم که درها را ببندد و کوشش کند تا آن محل  
 خلوت باشد و من برای دعا و نیایش با خدا خلوت کنم ، و ایمن باشم  
 از وارد شدن شخصی که نسبت به او ایمن نیستم و از دیدارش  
 بیمناکم . ابن جعفر درها را قفل کرد و شب به نیمه رسید و آن قدر باد  
 وزید و باران بارید که دیگر کسی به آنجا نمی توانست بیاید .

من دعا و زیارت و نماز می خواندم تا این که در این بین صدای  
 پایی از کنار قبر مولای مان حضرت موسی بن جعفر عليه السلام به گوشم  
 رسید ، در این هنگام مردی را دیدم که زیارت می خواند . در زیارتش  
 به حضرت آدم و پیامبران اولوالعزم عليهم السلام و هر یک از ائمه عليهم السلام

درود فرستاد تا به امام زمان صلوات الله علیه رسید ولی آن حضرت را یاد نکرد. از این کار او تعجب کردم و با خود گفتم: شاید فراموش کرد یا نمی‌داند یا مذهب این مرد این گونه است.

وقتی زیارتش به پایان رسید دو رکعت نماز خواند و رو کرد به طرف قبر مولای‌مان ابی جعفر امام جواد علیه السلام و مثل همان زیارت و سلام را خواند و دو رکعت نماز گزارد. در حالی که من از او بیمناک بودم چون او را نمی‌شناختم. و او را جوانی از بزرگان دیدم که لباس‌های سفیدی بر تن داشت و عمامه‌ای که دارای تحت‌الحنک بود و ردایی که بر دوش داشت.

به من گفت: ای ابا الحسین پسر ابی العلاء! چرا دعای فرج نمی‌خوانی؟

گفتم: چگونه است ای سرور من؟ فرمود:

دو رکعت نماز می‌خوانی و می‌گویی:

**يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ**

ای کسی که زیبایی را آشکار کرد و زشتی را بپوشاند، ای آن که به گناه مؤاخذه

**بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ ، يَا عَظِيمَ الْمَنْ ، يَا كَرِيمَ**

نکرده و برده را ندرد، ای آن که احسانش بر بندگان بزرگ و عفو و گذشت او

**الصَّنْفِ ، يَا مُبْتَدِئُ النِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا ، يَا حَسَنَ**

بزرگوارانه است، ای آغازگر نعمت‌ها قبل از استحقاق آن، ای صاحب

**التَّجَاوُزِ ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ**

گذشت نیکو و آمرزش فراگیر. ای آن که دستان رحمتش باز است

**بِالرَّحْمَةِ ، يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى ، وَيَا غَايَةَ كُلِّ شَكْوَى ،**

ای نهایت هر نجوا و رازگوشی، و ای پایان هر شکوه و شکایت،

**وَيَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ ، يَا مُسْتَبَدِّئًا بِالنِّعَمِ قَبْلَ**

ای یار هر یاری‌طلب، ای آغازگر نعمت‌ها قبل

**اسْتِحْقَاقِهَا ، « يَا رَبَّاهُ »** ده مرتبه، **« يَا سَيِّدَاهُ »** ده مرتبه،

از استحقاق آن، ای پروردگارم؛ ای آقا و سرورم؛

**« يَا مَوْلَاهُ »** ده مرتبه، **« يَا غَايَتَاهُ »** ده مرتبه، **« يَا مُنْتَهَى**

ای مولایم، ای نهایت مقصودم؛ ای نهایت

**رَعْبَتَاهُ »** ده مرتبه. **أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ ، وَبِحَقِّ**

اشتیاقم؛ از تو می‌خواهم به حق این نام‌ها و به حق

**مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا مَا كَشَفْتَ**

محمد و آل پاکش - که بر آنان درود باد - که بلا و سختی را از من برطرف کنی،

**كَرْبِي ، وَنَفْسَتَ هَمِّي ، وَفَرَجَتَ عَنِّي ، وَأَصْلَحَتَ حَالِي .**

واندوهم را بزدایی، و گشایش در کارم دهی، و حالم را اصلاح نمایی.

بعد از آن هر چه می‌خواهی دعا کن ، و حاجت را بطلب ؛ سپس گونه راست صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه در آن حال می‌گویی :

**يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ ، اِكْفِيَانِي**  
 ای محمد ای علی؛ ای علی ای محمد؛ مرا کفایت کنید  
**فَانَكُمَا كَافِيَانِي ، وَاَنْصُرَانِي فَاِنَّكُمَا نَاصِرَانِي .**  
 که همانا شما مرا کفایت‌کننده‌اید و یارم کنید که شما مرا یاری‌کننده‌اید.

سپس گونه چپ صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه می‌گویی : «أَدْرِكُنِي» «مرا درباب» و آن را بسیار تکرار کن . و سپس به اندازه یک نفس می‌گویی : «الْعَوْتُ [ الْعَوْتُ ]» «به فریادم برس، به فریادم برس، به فریادم برس» ؛ بعد سر از زمین بردار که خداوند با بزرگواریش حاجتت را برآورده می‌کند إن شاء الله .

وقتی به نماز و دعا مشغول شدم او خارج شد . بعد از نماز به سراغ ابن جعفر رفتم تا از او درباره آن مرد و چگونگی ورودش بپرسم . دیدم درها بسته و قفل هستند .

تعجب کردم و با خود گفتم : شاید او از ابتدای شب این جا بوده و

من نمی‌دانستم . ابن جعفر قیّم را صدا زدم . ابن جعفر از اطاقی که روغن چراغ‌های حرم در آنجا بود آمد . از او درباره این مرد و چگونگی ورودش سؤال کردم .

گفت : همان طور که می‌بینی درها بسته است و من آن را باز نکرده‌ام . دوباره جریان را از او جویا شدم ، گفت :

آن مرد مولای مان امام زمان صلوات الله علیه بود و من بارها ایشان را در مثل امشب و هنگامی که این جا خالی از مردم است دیده‌ام .

با شنیدن این حرف ، تأسف و حسرت فراوان خوردم که چرا ندانستم . نزدیک طلوع فجر از آنجا خارج شدم تا به محلی که در آن مخفی شده بودم روانه شوم . آفتاب هنوز بالا نیامده بود که کسانی از سوی ابن صالحان با امان‌نامه‌ای از وزیر و نامه‌ای به خط خودش سراغ مرا از دوستانم می‌گرفتند و به دنبال من می‌گشتند .

با یکی از دوستان مطمئن خود نزد او رفتم ، برایم برخاست و مرا چنان احترام کرد که هرگز مانند آن را به یاد نداشتم .

رو کرد به من و گفت: حالت آن گونه شد که به امام زمان ارواحنا فداه شکایت مرا نمودی؟

گفتم: من تنها دعا و درخواست کردم . گفت : وای بر تو ، دیشب ( شب جمعه ) مولایم امام زمان صلوات الله علیه را در خواب دیدم که

مرا به نیکی کردن درباره تو امر فرمود و در این مورد چنان به من تندی نمود که ترسیدم.

پس گفتم: لا اله الا الله؛ شهادت می دهم که ائمه علیهم السلام بر حق اند و حق به آنان ختم می شود؛ من دیشب آقایم را در بیداری دیدم و به من چنین و چنان فرمودند. و آنچه با چشم خود دیده بودم شرح دادم. ابی منصور از آن تعجب کرد و کارهای بزرگ نیکی انجام داد. و به برکت مولایمان صاحب الزمان ارواحنا فداء آنچه فکر آن را هم نمی کردم، از سوی امیر درباره من انجام شد.<sup>۱</sup>



### نماز استغاثه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید علی خان در «الکلم الطیب» می گوید: این استغاثه به امام زمان ارواحنا فداء است، هر جا باشی دو رکعت نماز با حمد و سوره بجای آور، آن گاه رو به قبله زیر آسمان بایست و بگو:

**سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ، وَصَلَوَاتُهُ**

سلام کامل و تمام و شامل و عام خداوند، و دروهای

۱. تبصرة الولی: ۱۹۲، بحار الأنوار: ۳۴۹/۹۱، دلائل الإمامة: ۵۵۱.

**الدَّائِمَةُ وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ التَّامَّةُ، عَلِي حُجَّةِ اللَّهِ**

همیشگی و برکات پاینده و کامل خدا، بر حجت خدا

**وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلِي خَلْقِهِ**

و ولی او بر روی زمین و شهرهای او، و جانشین او بر آفریدگان

**وَعِبَادِهِ، وَسُلَالَةِ النُّبُوَّةِ، وَبَقِيَّةِ الْعُرَّةِ وَالصَّفْوَةِ،**

و بندگانش و بر نسل پاک نبوت، و باقی مانده عترت و برگزیدگان (خدا)،

**صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَمُظْهِرِ الْإِيمَانِ، وَمُلَقِّنِ أَحْكَامِ**

حضرت صاحب الزمان، و آشکار کننده ایمان، و آموزنده و تعلیم گر احکام

**الْقُرْآنِ، وَمُظْهِرِ الْأَرْضِ، وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ**

قرآن، و پاک کننده زمین، و نشر دهنده عدل در طول

**وَالْعَرْضِ، وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ، الْأَمَامِ الْمُنْتَظَرِ**

و عرض (جهان)، و حجت قائم مهدی، امام منتظر

**الْمَرَضِيِّ، وَابْنِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، الْوَصِيِّ بْنِ**

پسندیده، و فرزند پیشوایان پاک، و وصی که فرزند

**الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، الْهَادِي الْمَعْصُومِ بْنِ الْأَيْمَةِ**

اوصیاء پسندیده است، راهنمای معصومی که فرزند امامان

الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ

هدایتگر معصوم است. سلام بر تو ای عزتبخش مؤمنان که آنها را

الْمُسْتَضْعَفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُذِلَّ الْكَافِرِينَ

ضعیف شمرده و به ناتوانی واداشته‌اند؛ سلام بر تو ای خوار کننده کافران

الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا

متکبر ستمگر؛ سلام بر تو ای مولای من ای

صَاحِبَ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ،

صاحب الزمان؛ سلام بر تو ای فرزند رسول خدا؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان؛ سلام بر تو

يَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ

ای فرزند فاطمه زهرا سرور زنان جهانیان؛ سلام

عَلَيْكَ يَا بْنَ الْأَيْمَةِ الْحُجَّجِ الْمَعْصُومِينَ وَالْإِمَامِ

بر تو ای فرزند امامان که حجّت‌های معصوم بودند و ای رهبر و پیشوای

عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ

تمام خلایق؛ سلام بر تو ای مولای من؛ سلام کسی که

مُخْلِصٍ لَكَ فِي الْوَلَايَةِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمُهْدِيُّ

در ولایت برای تو اخلاص دارد (تنها ولایت و محبت تو را دارد). شهادت می‌دهم که همانا تو

قَوْلًا وَفِعْلًا، وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا،

پیشوای هدایت‌شده و هدایتگری از جهت گفتار و کردار؛ و تو همان کسی هستی که زمین را از عدل و

بَعْدَ مَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ،

داد بر خواهی کرد بعد از آن که از جور و ستم پر شده باشد؛ پس خدا در ظهورت تعجیل کند،

وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ، وَقَرَّبَ زَمَانَكَ، وَكَثَّرَ أَنْصَارَكَ

و خروجت را آسان و زمان ظهورت را نزدیک نماید، و یاران و یاوران تو را زیاد گرداند،

وَأَعْوَانِكَ، وَأَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ، فَهُوَ أَصْدَقُ

و به آنچه به تو وعده داده است وفا کند، که او راستگوترین سخنگویان است

الْقَائِلِينَ ﴿ وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي

(آنجا که می‌فرماید: «می‌خواهیم بر اهل ایمانی که در زمین ضعیف شمرده شده‌اند

الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾<sup>۱</sup>. يَا

مَتَّ كَذَاشْتَهُ وَ إِشَان رَا پِيشوایان خلق و وارثان زمین قرار دهیم؟ ای

مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، حَاجَتِي

مولای من ای صاحب الزمان، ای فرزند رسول خدا؛ حاجتم

۱. سوره قصص، آیه ۵.

**كَذًا وَكَذًا** ، و به جای «کذا و کذا» حاجت خود را ذکر نماید،

جنین و جنان است؛

**فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا ، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي ،**

تو در مورد برآورده شدن آن برای من (در پیشگاه خدا) شفاعت کن، که من به شما برای رفع

**لِعَلْمِي أَنْ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً ، وَمَقَاماً**

حاجتم روی آورده‌ام؛ چون می‌دانم که شفاعت تو در پیشگاه خدا پذیرفته شده و برای شما مقام

**مَحْمُوداً ، فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ ، وَأَنْ تَضَاكُمُ**

ستوده است؛ پس به حق آن کسی که شما را به امر خودش اختصاص داد و برای

**لِسِرِّهِ ، وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ ،**

اسرار خود برگزید، و به آن شأن و مقامی که نزد خدا برای شما است و ارتباطی که میان شما

**سَلِّ اللَّهُ تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي ، وَاجَابَةِ دَعْوَتِي ،**

و اوست از خدا بخواهید که خواسته‌هایم را برآورده ساخته و دعایم را مستجاب گرداند،

**وَكَشَفِ كُرْبَتِي .** و هر چه دوست داری دعا کن و بخواه که ان شاء

و اندوهم را برطرف سازد.

الله برآورده می‌شود.

۱. مفتاح الجنان: ۲۴۳، به نقل از الکلم الطیب: ۸۳.



**اهداء نماز به امام زمان عجل الله تعالی فرجه**

**در روز پنجشنبه**

شیخ طوسی رحمته الله در کتاب «مصباح کبیر» خود می‌گوید: روایت

شده که برای هدیه کردن نماز به معصومین علیهم السلام به این طریق باید

عمل کرد:

روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند؛ چهار رکعت هدیه به رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم و چهار رکعت هدیه به فاطمه زهرا علیها السلام.

روز شنبه چهار رکعت هدیه به امیرالمؤمنین علیه السلام و هر روز چهار

رکعت هدیه برای یکی از ائمه علیهم السلام تا روز پنج شنبه که چهار رکعت

به امام جعفر صادق علیه السلام هدیه می‌کند.

سپس دوباره روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند؛ چهار رکعت هدیه

به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و چهار رکعت هدیه به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.

سپس روز شنبه، چهار رکعت هدیه به امام کاظم علیه السلام و همین

کار را ادامه دهد تا روز پنجشنبه، چهار رکعت به امام زمان ارواحنا فداه

هدیه کرده و بین دو رکعت نماز این دعا را بخواند:

**اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ ، وَمِنْكَ السَّلَامُ ، وَإِلَيْكَ يَسْعُدُ**

بار خداوندان؛ تو سلامی و سلام از جانب توست، و به سوی تو بازمی‌گردد.

السَّلَامُ، حَيَّنَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ . اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ

پروردگارا، سلامی از سوی خودت بر ما هدیه کن. خداوندا، این

الرَّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ<sup>۱</sup>، فَصَلِّ

چند رکعت نماز هدیه‌ای است از من به حجت بن الحسن. پس بر

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُ إِسَاقَا، وَأَعْظِني

محمد و آل محمد درود بفرست و این هدیه را به او برسان و به من

أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ، وَفِي رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ

فزون‌تر از آرزو و آمیدی که در مورد تو و رسولت که رحمت و درود تو بر او و آل او باد.

عَلَيْهِ وَآلِهِ [ وَفِيهِ ] . و هر چه دوست داری طلب کن و دعا کن.<sup>۲</sup>

[ او در مورد حجت ] دارم عطا فرما.



### نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه در شب جمعه

سید بن طاووس رحمته الله علیه می‌فرماید: در کتاب «کنوز النجاح» نوشته

ابو علی فضل بن حسن طبرسی رحمته الله علیه آمده است: احمد بن دربی از

۱. نام امامی را که نماز را به او هدیه می‌کنی بگو.

۲. جمال الأسبوع: ۳۴، دعوات راوندی: ۱۰۸، مصباح المتهجد: ۲۲۲.

خزانه و او از ابی عبدالله حسین بن محمد بزوفری روایت کرده است که از ناحیه مقدسه وارد شده است:

هر کس از درگاه ربوبی حاجتی دارد شب جمعه بعد از

نصف شب غسل کرده و به جایگاه نماز خود رفته و دو

رکعت نماز بخواند. در رکعت اول سوره حمد را

بخواند تا برسد به آیه ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ و

آن را صد مرتبه تکرار کند و سپس سوره حمد را تا آخر

و سوره توحید را یک مرتبه بخواند. سپس به رکوع و

سجده رفته و در هر کدام، ذکر آن را هفت مرتبه بگوید.

رکعت دوم را نیز به همین صورت بجا آورد، سپس

دعائی را که ذکر می‌شود بخواند که خدای تعالی به طور

قطع حاجتش را هر چه باشد بر آورده می‌کند؛ مگر آن که

قطع صله رحم را خواسته باشد.

و دعا (چنین است):

اللَّهُمَّ إِنَّ أَطْعَمَكَ فَأَلْمَحَمْدَةَ لَكَ، وَإِنْ عَصَيْتَكَ

خداوندا؛ اگر تو را اطاعت کردم حمد و سپاس شایسته توست، و اگر تو را نافرمانی کردم

فَالْحُجَّةُ لَكَ، مِنْكَ الرُّوحُ وَمِنْكَ الْفَرْجُ، سُبْحَانَ مَنْ

حجت و دلیل تو بر من تمام است، آسایش و راحتی و حل مشکلات از ناحیه توست، پاک و منزّه

أَنْعَمَ وَشَكَرَ، سُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ وَعَفَرَ. اللَّهُمَّ إِن كُنْتُ

است کسی که نعمت داد و شکر گزار، پاک و منزّه است کسی که قدرت داشت و بخشید. خداوند! اگر

قَدْ عَصَيْتُكَ، فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ

معصیت و نافرمانی تو را کردم؛ به راستی که در محبوب‌ترین چیزها

إِلَيْكَ وَهُوَ الْإِيْمَانُ بِكَ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَادًا، وَلَمْ أَدْعُ

نزد تو که ایمان به توست، تو را اطاعت کرده‌ام؛ فرزندی برای تو نگرفتم؛ و شریکی

لَكَ شَرِيكًا، مَتَّأ مِّنْكَ بِهٖ عَلَيَّ لَا مَتَّأ مِنِّي بِهٖ عَلَيْكَ،

برایت نخواندم؛ و این‌ها ممتنی از تو بر من است نه ممتنی باشد از من بر تو؛

وَقَدْ عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَىٰ غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ، وَلَا

خدای من؛ تو را نافرمانی کردم نه از روی گردنکشی، و نه برای

الْخُرُوجِ عَنْ عِبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ،

خارج شدن از مرتبه بندگی تو، و نه برای انکار ربوبیت تو؛

وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ، وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ، فَلَكَ

بلکه از هوای نفسم پیروی کردم و شیطان مرا دچار لغزش ساخت؛ پس

الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ، فَإِن تَعَذَّبْنِي فَيَذْنُوبِي غَيْرِ

حجت و بیان تو بر من تمام است، پس اگر عذاب کنی به خاطر گناهانم می‌باشد و تو

ظَالِمٍ، وَإِن تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي، فَإِنَّكَ جَوَادُ كَرِيمٍ،

ستمگر نیستی و اگر مرا بیامری و ترخم نمایی همانا تو بخشنده بزرگواری.

يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ، (این کلمه را به قدر یک نفس تکرار کند)،

ای بزرگوار ای بزرگوار

سپس بگوید: يَا آمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَكُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ

ای آن که از هر چیزی در ایمن هستی و همه از تو

خَائِفٌ حَذِرٌ، أَسْأَلُكَ يَا مَنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَخَوْفِ

ترسان و بیمناکند؛ از تو می‌خواهم به امنیت و امان تو از هر چیز و ترس

كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

هر چیز از تو، که بر محمد و آل محمد درود بفرستی

وَأَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي، وَسَائِرِ

و به من در مورد خودم و خانواده و فرزندانم و دیگر نعمت‌هایی که به من داده‌ای

مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، حَتَّى لَا أَخَافَ أَحَدًا، وَلَا أَخْذَرَ

امنیت و آسودگی عطا کنی، تا هرگز از کسی نترسم و از چیزی بیمناک

مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَحَسْبُنَا

نیاشم؛ همانا تو بر هر کاری قادر و توانایی، و خداوند، ما را بس است



اللَّهُ وَيَنْعَمَ الْوَكِيلُ، يَا كَافِي إِبْرَاهِيمَ نَمْرُودَ، يَا كَافِي

و او خوب و کیلی است. ای کفایت کننده ابراهیم از شتر نمرود، و ای کفایت کننده

مُوسَى فِرْعَوْنَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

موسی از شتر فرعون، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانٍ بَيْنَ فُلَانٍ.

محمد درود بفرستی و مرا از شر فلانی فرزند فلانی کفایت کنی.

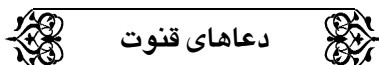
پس به خواست خدا، دعا کننده از شر کسی که از او می‌ترسد در امان خواهد بود.

آن‌گاه سجده کرده و حاجتش را می‌طلبد و به سوی خدا تصریح و ناله می‌کند.

هیچ زن و مرد مؤمنی نیست که این نماز را بخواند و با خلوص نیت دعا کند مگر این که برای او درهای آسمان برای اجابت باز شده و در همان وقت و همان شب هر که باشد دعایش اجابت می‌شود و این از فضل خداوند بر ما و مردم است.<sup>۱</sup>

۱. مهج الدعوات: ۳۵۱، المصباح: ۵۲۲ با اندکی تفاوت.

### بخش دوم



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

#### در قنوت هر نماز

شهادت اول بِأَنَّكَ در کتاب «ذکر» می‌گوید: این ابی عقیل، این دعا را که از امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده برای خواندن در قنوت انتخاب کرده است:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ شَخَّصَتِ الْأَبْصَارُ، وَتُسْقِلَتِ الْأَقْدَامُ،

بارالها! چشم‌ها، به تو دوخته شده است، گام‌ها به سوی تو برداشته شده،

وَرُفِعَتِ الْأَيْدِي، وَمُدَّتِ الْأَعْنَاقُ، وَأَنْتَ دُعِيتَ

دست‌ها به سوی تو بالا آمده، گردن‌ها به سوی تو کشیده شده است. تویی که با

بِالْأَسْنِ، وَإِلَيْكَ سِرُّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ فِي الْأَعْمَالِ،

زبان‌ها، فراخوانده می‌شوی؛ و کارهای پنهانی و رازهای (مردم) به طرف توست؛

رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ

پروردگارا! بین ما و قوم ما به حق حکم کن، که تو بهترین حکم کننده و

الْفَاتِحِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنَا، وَقِلَّةَ

قضاوت کننده هستی، بارالها! از عدم حضور پیامبرمان، کمی نفرت‌مان، فراوانی دشمنان‌مان،

عَدَدِنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا،

و پستی‌مانی دشمنان‌مان از یکدیگر علیه ما و وجود فتنه‌های فراوان برای ما؛ به تو شکایت می‌کنیم.

وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، فَفَرِّجْ ذَلِكَ اللَّهُمَّ بَعْدَلِ تَظْهَرُهُ،

بارالها! با عدالتی که آشکارش می‌کنی، و امام و پیشوای راستینی که به همگان معرفی می‌کنی،

وَإِمَامَ حَقٍّ تَعْرِفُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

این گرفتاری‌ها را برطرف کن و گشایشی فرما؛ ای معبود به حق، اجابت کن؛ ای پروردگار جهانیان.

وی می‌افزاید: روایتی به من رسیده است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ

همواره به شیعیان خود دستور می‌فرمودند پس از کلمات فرج، در قنوت این دعا را بخوانند.<sup>۱</sup>

۱. بحار الأنوار: ۲۰۷/۸۵.



### دعای قنوت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء

این قنوت را سید بن طاووس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ در «مهج الدعوات» و کفعمی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ در «البلد الامین» از حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء نقل نموده‌اند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَكْرِمْ أَوْلِيَانِكَ

بارالها! بر محمد و آل محمد درود فرست؛ و اولیا و دوستانت را با عمل به وعدهات

بِإِنِّجَارِ وَعَدِكَ، وَبَلِّغْهُمْ ذِكْرَكَ مَا يَأْمُلُونَ مِنْ نَصْرِكَ،

گرامی بدار و آنان را به دستیابی آنچه آرزو دارند از یاری تو برسان؛

وَإِكْفُفْ عَنْهُمْ بِأَسْمَنِ نَصَبِ الْخِلَافِ عَلَيْكَ، وَتَمَرِّدِ

و باز بدار از ایشان سختی و شکنجه و عذاب کسی را که بنای مخالفت با تو را دارد،

بِمَنْعِكَ عَلَيَّ رُكُوبِ مُخَالَفَتِكَ، وَاسْتِعَانِ بِرِفْدِكَ عَلَيَّ

و از منع تو نسبت به ارتکاب گناه و مخالفت سرپیچی نموده، و به کمک و عطای تو باری هسته بر

فَلَّ حَدِّكَ، وَقَصَدَ لِكَيْدِكَ بِأَيْدِكَ، وَوَسَّعَتْهُ حِلْمًا

شکستن حرمت؛ و به وسیله خوبی‌ها و نعمت‌هایی که از توست، قصد مکر و فریب‌اندن تو را دارد. البته تو

لِتَأْخُذَهُ عَلَيَّ جَهْرَةً، وَتَسْتَأْصِلَهُ عَلَيَّ عِزَّةً. فَإِنَّكَ

نسبت به این مخالف خود برداری کرده‌ای تا ناگهان و آشکارا او را گرفتار کنی، و با وجود قدرتی که یافته. او را به

اللَّهُمَّ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ﴿ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ

سختی مستأصل و بیچاره کنی. خداونداه تو در قرآن فرموده‌ای و گفته‌ی تو حقیقت دارد؛ تا آن که زمین

زُخْرُفَهَا وَازَّيَّتَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا

آراسته و دارای زر و برق شد، و اهلیش گمان کردند که قدرت و توانایی بر آن را دارند؛

أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا كَأَن لَّمْ

- در این حال - دستور ما، شبانه یا به هنگام روز در رسید، و آن‌ها را درو شده ساختیم؛ به گونه‌ای که

تَغْنَ بِالْأُمْسِ كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿ ۱

گویا دیروز هیچ نداشته است؛ این گونه نشانه‌ها را برای کسانی که اهل تفکر و اندیشه باشند، به تفصیل

وَقُلْتَ ﴿ فَلَمَّا آسَفُونَا انتَقَمْنَا مِنْهُمْ ﴿ ۲ ، وَإِنَّ الْعَايَةَ

بیان می‌کنیم؛ و نیز فرموده‌ای: «وقتی ما را به خشم آورده و ناراحت کردند، از ایشان انتقام گرفتیم».

عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ ، وَإِنَّا لِعَظِيمِكَ غَاضِبُونَ ، وَإِنَّا

(خدا یا!) واقعیت آن است که ما به آخر خط رسیده‌ایم و تحمل نداریم، ما با خشم تو به خشم می‌اییم،

عَلَى نَصْرِ الْحَقِّ مُتَعَاصِبُونَ ، وَإِلَى وُرُودِ أَمْرِكَ

و برای یاری حق و حقیقت به هم پیوسته‌ایم، و مشتاقی رسیدن دستورت

مُشْتَنَافُونَ ، وَلَا نَجَازَ وَعْدِكَ مُسْرَتِيبُونَ ، وَلِحُلُولِ

هستیم، و انتظار محقق شدن وعدهات را می‌کشیم، و انجام

۱ .سوره یونس، آیه ۲۴ . ۲ .سوره زخرف، آیه ۵۵ .

وَعِبْدِكَ بِأَعْدَانِكَ مُتَوَقِّعُونَ . اللَّهُمَّ قَادِنُ بِذَلِكَ ،

تهدیدهایت علیه دشمنانت را متوقع هستیم، بارالها! اجازه این کار را صادر کن.

وَافْتَحَ طُرُقَاتِهِ ، وَسَهَّلَ خُرُوجَهُ ، وَوَطَّأَ مَسَالِكَهُ ،

و راه‌های آن را بگشا، و قیام او را آسان گردان، و محل پیمودنش را آماده و هموار ساز،

وَأَشْرَعَ شَرَائِعَهُ ، وَأَيَّدَ جُنُودَهُ وَأَعْوَانَهُ ، وَبَادِرِ

و راه‌های او را آشکار ساز، و سپاهیان و یارانش را نیرومند و قوی گردان، و

بِأَسَاكِ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ، وَابْسُطْ سَيْفَ نَقِمَتِكَ عَلَيَّ

ستم‌کاران را به سرعت گرفتار شکنجه و عذابت کن، و شمشیر انتقامت را بر

أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ ، وَخَذْ بِالنَّارِ ، إِنَّكَ جَوَادُّ مَكَارٍ . ۱

دشمنانت که آگاهانه مخالفت و سرپیچی می‌کنند مسلط ساز و انتقام را بگیر، که تو بخشنده چاره‌جوی هستی.



دعای دوّم حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه

#### در قنوت

این قنوت را سیّد بن طاووس رحمته الله در «مهج الدعوات» و کفعمی رحمته الله

در «البلد الامین» از حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه نقل نموده‌اند :

۱ .مهج الدعوات: ۹۰، البلد الامین: ۶۶۴ .

**[قُلْ] اللَّهُمَّ مَا لِكَ الْمَلِكِ الْمُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ ،**

(بگو): خدایا، مالک و اختیاردار جهانی؛ فرمان‌فرمایی را به هر کسی که بخواهی می‌دهی؛

**وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ ، وَتُذِلُّ**

و از هر که بخواهی می‌گیری؛ هر کسی را که بخواهی عزیز می‌گردانی؛ و هر که را بخواهی

**مَنْ تَشَاءُ ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ ، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ،**

خوار می‌کنی؛ خیر و خوبی تنها در دست توست؛ به راستی که تو بر هر چیز توانایی.

**يَا مَاجِدُ يَا جَوَادُ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، يَا بَطَّاشُ**

ای شکوه‌مند؛ ای سخاوت‌مند؛ ای دارندهٔ قدر و عظمت و بخشش و بزرگواری؛ ای بسیار سخت‌گیر؛

**يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ ، يَا فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ ، يَا ذَا الْقُوَّةِ**

ای صاحب سخت‌گیری شدید؛ ای انجام‌دهندهٔ هر چه می‌خواهد؛ ای صاحب نیروی

**الْمَتِينِ ، يَا رَوْفُ يَا رَحِيمُ ، يَا لَطِيفُ يَا حَيُّ حِينَ لَا**

قوی و محکم؛ ای رؤوف؛ ای مهربان؛ ای لطف‌کننده؛ ای زنده، در زمانی که هیچ

**حَيٍّ . أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ**

زنده‌ای نبود؛ از تو می‌خواهم به واسطهٔ اسمت که ذخیره‌شده، پنهان، زنده

**الْقَيُّومِ ، الَّذِي اسْتَأْتَرْتُ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ لَمْ**

و بایدار است؛ که در دانش پنهان خود، مخفی‌ش کرده‌ای

دعای دوّم حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه ...

**يَطَّلِعُ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي**

و هیچ‌کس از آفریدگانت بدان آگاهی ندارد؛ و از تو درخواست می‌کنم به واسطهٔ آن اسمت که

**تُصَوِّرُ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ تَشَاءُ ، وَبِهِ**

آفریدگانت را با آن در رحم مادران، هر گونه بخواهی صورت می‌بخشی؛

**تَسْوِقُ إِلَيْهِمْ أَرْزَاقَهُمْ فِي أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ ، مِنْ بَيْنِ**

و روزی ایشان را در طبقه‌های تاریک، از بین

**الْعُرُوقِ وَالْعِظَامِ ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَلْفَتَ بِهِ**

رگها و استخوان‌ها به ایشان می‌رسانی؛ و از تو درخواست می‌کنم به واسطهٔ آن اسمت که با آن

**بَيْنَ قُلُوبِ أَوْلِيَانِكَ ، وَأَلْفَتَ بَيْنَ التَّلَجِ وَالنَّارِ ، لَا**

بین دل‌های دوستانت پیوند و الفت برقرار کردی؛ و برف و آتش را باهم گرد آوردی.

**هَذَا يُذِيبُ هَذَا ، وَلَا هَذَا يُطْفِئُ هَذَا . وَأَسْأَلُكَ**

به گونه‌ای که نه آتش برف را آب کند، و نه برف آتش را خاموش نماید؛ از تو درخواست

**بِاسْمِكَ الَّذِي كَوْنَتْ بِهِ طَعْمَ الْمِيَاهِ ، وَأَسْأَلُكَ**

می‌کنم به واسطهٔ آن اسمت که با آن به آب‌ها طعم بخشیدی، و از تو درخواست می‌کنم

**بِاسْمِكَ الَّذِي أَجْرَيْتَ بِهِ الْمَاءَ فِي عُرُوقِ النَّبَاتِ**

به آن اسمت که با آن آب را در بین لایه‌های زمین در ریشه‌های گیاه جاری ساختی،

**بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى** ، **وَسُقْتَ الْمَاءَ إِلَى عُرُوقِ**

و از میان سنگ‌های سخت، آب را به سوی ریشهٔ

**الْأَشْجَارِ بَيْنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ** ، **وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ**

درختان روان نمودی، و از تو درخواست می‌کنم به آن اسمت که به وسیلهٔ آن

**الَّذِي كَوْنَتْ بِهِ طَعْمَ الثَّمَارِ وَالْوَأْنَهَا** . **وَأَسْأَلُكَ**

طعم و رنگ‌های مختلف به میوه‌ها دادی؛ و از تو درخواست می‌کنم

**بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تُبَدِّئُ وَتُعِيدُ** ، **وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ**

با آن نامی که با آن، آغاز می‌کنی و باز می‌گردانی؛ و از تو درخواست می‌کنم

**الْفَرْدِ الْوَاحِدِ** ، **الْمُتَفَرِّدِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ** ، **الْمُتَوَحِّدِ**

با آن اسم یکتای یگانه‌ات، اسمی که به یکتائی اشاره دارد،

**بِالصَّمْدَانِيَّةِ** ، **وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَجَّرْتَ بِهِ**

و برای بی‌نیازی، یگانه است؛ و از تو می‌خواهم به واسطهٔ نامی که با آن، آب را با نیرو و

**الْمَاءَ مِنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ** ، **وَسُقْتَهُ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ** .

فشار از تکه‌سنگ‌های سفت و محکم بیرون آوردی، و از هر جایی که خواستی روان ساختی.

**وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَكَ** ، **وَرَزَقْتَهُمْ**

و از تو می‌خواهم به واسطهٔ اسمی که با آن، آفریدگانت را آفریدی و هر گونه‌که خواستی و

**كَيْفَ شِئْتَ وَكَيْفَ شَأُؤُ وَا** ، **يَا مَنْ لَا يُعَيِّرُهُ الْإَيَّامُ**

هر گونه‌که خواستند، آنان را روزی دادی؛ ای کسی که روزها و شبها، در او دگرگونی

**وَاللَّيَالِي** ، **أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ حَسِبَ نَادَاكَ**

ایجاد نمی‌کنند؛ می‌خوانم تو را با همان دعایی که نوح هنگامی که تو را ندا داد خواند،

**فَأَنْجَيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ** ، **وَأَهْلَكَتَ قَوْمَهُ** ، **وَأَدْعُوكَ بِمَا**

پس او را با همراهمش نجات بخشیدی، و قوم (ستمگر)ش را نابود کردی؛ و تو را می‌خوانم

**دَعَاكَ بِهِ إِبْرَاهِيمَ حَلِيبُكَ حَسِبَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ**

با همان دعایی که ابراهیم - دوست - هنگامی که تو را ندا داد دعا کرد، پس او را نجات دادی،

**وَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا** ، **وَأَدْعُوكَ بِمَا**

و آتش را برایش سرد و سلامت گردانیدی، و تو را می‌خوانم با همان دعایی که

**دَعَاكَ بِهِ مُوسَىٰ كَلِيمُكَ حَسِبَ نَادَاكَ فَفَلَقْتَ لَهُ الْبَحْرَ**

موسی - هم‌سخنت - هنگامی که تو را ندا داد با آن دعا تو را خواند، پس دریا را برایش شکافتی

**فَأَنْجَيْتَهُ وَبَنِي إِسْرَائِيلَ** ، **وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ**

و او را با بنی‌اسرائیل نجات دادی، و فرعون و سپاهش را در آب غرق فرمودی؛

**فِي الْيَمِّ** . **وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عِيسَىٰ رُوحُكَ حَسِبَ**

و تو را می‌خوانم با دعایی که عیسی - روح تو - هنگامی که تو را ندا داد با آن دعا تو را خواند، و در

نَادَاكَ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَإِلَيْكَ رَفَعْتَهُ، وَأَدْعُوكَ

نتیجه او را از دست دشمنانش نجات دادی، و به سوی خودت بالا بردی؛ و تو را می‌خوانم با

بِمَا دَعَاكَ بِهِ حَبِيبُكَ وَصَفِيُّكَ وَنَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى

همان دعایی که حضرت محمد ﷺ همان دوست، برگزیده و پیامبرت، که درود خدا بر

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَمِنَ الْأَحْزَابِ نَجَّيْتَهُ،

او و آل او باد. با آن دعا تو را خواند، پس به او پاسخ مثبت دادی، و از گروه‌های متشکّل نجاتش

وَعَلَى أَعْدَائِكَ نَصْرَتَهُ. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا

بخشیدی، و بر دشمنانت یاری‌اش نمودی؛ و از تو می‌خواهم با آن نامت که هر گاه

دُعِيتَ بِهِ أَجَبْتَ، يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، يَا مَنْ

با آن خوانده شوی به طور حتم پاسخ می‌دهی. ای کسی که

أَخَاطُ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ

آفرینش و دستور و حکم‌فرمایی، از آن اوست؛ ای کسی که دانشش همه چیز را فرا گرفته است؛

عَدَدًا، يَا مَنْ لَا تُعَبِّرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي، وَلَا تَتَشَابَهُهُ

ای کسی که تعداد همه چیز را می‌داند؛ ای کسی که روزها و شب‌ها در او دگرگونی ایجاد نمی‌کند؛ و

عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ اللُّغَاتُ، وَلَا يُبْرِمُهُ

صداهای مختلف او را به اشتباه نمی‌اندازد؛ و لغت‌ها بر او پنهان نیست؛ اصرار و پافشاری

الْحَاحُ الْمُلِحِّينَ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

اصرارکنندگان او را به ستوه نمی‌آورد؛ از تو درخواست می‌کنم بر حضرت محمّد و آل محمّد که

مُحَمَّدٍ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ

برگزیدگان از آفریدگالت هستند درود بفرستی. پس بر آنان به برترین درودهایت درود بفرست.

صَلَوَاتِكَ، وَصَلِّ عَلَيَّ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ،

و بر تمام پیامبران و فرستادگان خود که راهنمایی‌های تو را به درستی و به طور کامل به

الَّذِينَ بَلَغُوا عَنكَ الْهُدَى، وَأَعْقَدُوا لَكَ الْمَوَاطِقَ

بندگان رسانده و پیمان‌های محکم برای فرمان‌برداری با تو بستند؛ درود بفرست،

بِالطَّاعَةِ، وَصَلِّ عَلَيَّ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ. يَا مَنْ

و بر تمام بندگان شایسته و نیکوکارِ درود فرست. ای کسی که

لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَاجْمَعْ لِي

خلاف وعده‌اش رفتار نمی‌کند؛ وعده‌ای را که به من دادی، وفا کن؛ و تمام یارانم را

أَصْحَابِي وَصَبِّرْهُمْ، وَأَنْصُرْني عَلَيَّ أَعْدَائِكَ

برایم گرد آور، و به ایشان صبر و استقامت عطا کن، و مرا بر دشمنان خودت و

وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ، وَلَا تُخَيِّبْ دَعْوَتِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ،

دشمنان پیامبرت -حضرت محمدﷺ - پیروز فرما؛ و دعایم را بی‌بهره مگردان؛ که من

إِبْنُ عَبْدِكَ، إِبْنُ أُمِّكَ، أَسِيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، سَيِّدِي أَنْتَ

بنده تو و فرزند بنده تو، و فرزند کنیز تو هستم، در پیشگاه تو اسیرم. سرور و آقای من؛ تویی

الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا الْمَقَامِ وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ دُونَ

که چنین مقام و منزلتی را بر من ممت نهاده‌ای و مرا به وسیله آن از

كثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

بسیاری از آفریدگانت برتری دادهای، از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الصَّادِقُ

محمد درود فرستی، و به وعده‌ای که به من دادی وفا کنی، که به راستی تو راست‌گو هستی،

وَلَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۱.

و خلاف وعده‌ات رفتار نمی‌کنی؛ و تو بر هر چیزی توانایی داری.



### دعای سوّم آن حضرت در قنوت

آیه الله سید نصر الله مستنبط رحمته الله، در حرم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به دیدار امام زمان ارواحنا فداه شرفیاب شد، در حالی که آن حضرت نماز می‌خواند؛ به آنچه آن حضرت می‌خواندند گوش

۱. مهج الدعوات: ۹۱، البلد الأمين: ۶۶۵.

فرا داد و شنید که آن حضرت در قنوتش این گونه دعا می‌کرد:

اللَّهُمَّ إِنَّ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ قَدْ غَادَى عَلَيَّ بِنِ

بارها؛ به راستی که معاویه پسر ابوسفیان، با علی بن

أَبِي طَالِبٍ، فَأَلْعَنَهُ لَعْنًا وَبِيلاً ۱.

ابی طالب علیه السلام دشمنی سرسختانه‌ای کرد؛ پس او را به شدت لعنت کن.



### دعا در قنوت نماز جمعه

#### برای ظهور آن بزرگوار

پسر مقاتل روایت نموده که امام رضا علیه السلام فرمود:

در قنوت نماز جمعه چه می‌گوئید و چه دعایی می‌کنید؟

گفتم: همان دعاهایی که مردم می‌خوانند.

فرمود: آن طور که آنها دعا می‌کنند، دعا مکن؛ بلکه

بگو:

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَخَلِيفَتَكَ بِنَا أَصْلَحْتَ بِهِ

بارها؛ به وسیله آنچه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح فرمودی، امور بنده و جانشینت (امام

۱. معجم رجال الفكر والأدب في النجف خلال ألف عام: ۱۱۹۹/۳.

أَنْبِيَاءَكَ وَرُسُلَكَ، وَحَقَّهُ بِمَلَأَتِكَ، وَأَيَّدَهُ بِرُوحِ

عصر<sup>(ع)</sup> را نیز اصلاح فرما؛ با فرشتگانت گرداگردش را فراگیر؛ و او را با روح القدس

الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ

از جانب خودت، تأییدش گردان؛ و مراقب و نگهبانانی در پیش رو و از

خَلْفِهِ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَأَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ

پشت سرش بگمار، تا نگذارند هیچ بدی به او برسد؛ و پس از شرایط

خَوْفِهِ أَمْنًا، يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا، وَلَا تَجْعَلْ

ترسناکی که دارد، محیطی سراسر آرامش برایش فراهم کن، تا تو را بپرستد و چیزی را شریک تو نگرداند؛ و

لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَىٰ وَلِيِّكَ سُلْطَانًا، وَأُذِّنْ لَهُ فِي

چیرگی و قدرت برای هیچ یک از آفریدگانت بر ولیّت قرار مده؛ و به او اجازه بده

جِهَادٍ عَدُوِّكَ وَعَدُوَّهُ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ، إِنَّكَ

تا با دشمن تو و دشمن خودش به نبرد برخیزد؛ و مرا نیز از یاران آن حضرت قرار ده؛ همانا، تو

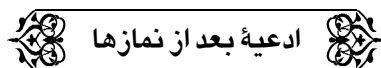
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ۱

بر هر چیزی توانا هستی.

۱. مصباح المنتهجد: ۲۶۶، جمال الأسبوع: ۲۵۶، بحار الأنوار: ۲۵۱/۸۹، ابواب

الجنات: ۱۸۳.

### بخش سوّم



۱۳

دعا برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

بعد از هر نماز واجب

در کتاب «جمال الصالحین» از مولایمان امام صادق علیه السلام نقل

شده است که حضرت فرمودند:

همانا از حقوق ما بر شیعیان ما این است که بعد از هر نماز

واجب دست‌هایشان را بر چانه گذاشته و سه مرتبه بگویند:

يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ عَجَلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ

ای پروردگار محمد؛ فرج و گشایش امور آل محمد را تعجیل فرما؛ ای پروردگار محمد؛

احْفَظْ غَيْبَةَ مُحَمَّدٍ، يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ انْتَقِمِ لَابْنَةِ مُحَمَّدٍ علیه السلام. ۱

محافظت کن (دین را در) غیبت محمد علیه السلام؛ ای پروردگار محمد؛ انتقام دختر محمد علیه السلام را بگیر.

۱. مکمال المکارم: ۷/۲.





دعای دیگر برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء  
بعد از نمازهای واجب

امام جواد علیه السلام فرمودند:

وقتی از نماز واجب فارغ شدی بگو:

رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا،

خشنودم که خداوند پروردگار من اسلام دین من، قرآن کتابم،

وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَبِيًّا، وَبِعَلِيِّ وَلِيِّ وَلِيًّا، وَبِالْحَسَنِ

حضرت محمد صلی الله علیه و سلم پیامبرم، حضرت علی علیه السلام سرپرست و صاحب اختیارم، حسن

وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ،

و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی

وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيِّ بْنِ

و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن

مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ،

موسی و محمد بن علی و علی بن محمد

وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَالْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

و حسن بن علی و حجت بن الحسن بن علی

أَيُّمَةً. اللَّهُمَّ وَلِيُّكَ الْحُجَّةَ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ،

امامان و پیشوایان من باشند. خداوندا! ولی تو حضرت حجت است، پس او را از رو به رو

وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ

و پشت سرش و از طرف راست و چپش، و از بالا

وَمِنْ تَحْتِهِ، وَامْدُدْ لَهُ فِي عُمُرِهِ، وَاجْعَلْهُ الْقَائِمَ

و پایین حفظ فرما، و عمرش را طولانی کن، و او را قیام‌کننده

بِأَمْرِكَ، الْمُنْتَصِرَ لِدِينِكَ، وَأَرِهْ مَا يُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ

به امرت قرار بده، تا یاری‌گر دینت باشد و آنچه دوست می‌دارد و باعث

عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَفِي ذُرِّيَّتِهِ، وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ، وَفِي

چشم‌روشنی‌اش می‌شود در مورد خودش و فرزندانش و خانواده‌اش و مالش و

شِبَعَتِهِ وَفِي عَدُوِّهِ، وَأَرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ، وَأَرِهْ

پیروان و دشمنانش، به او نشان ده؛ و آنچه دشمنانش در مورد او بrehیز دارند به آنان نشان ده،

فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَأَشْفِ بِهِ صُدُورَنَا

و آنچه آن حضرت در مورد دشمنانش دوست دارد و چشمش به آن روشن می‌شود به او نشان ده،

**وَصُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ .**

و سینه‌های ما را و سینه‌های مؤمنان را به وسیله او شفا بخش .

این حدیث، دعا کردن برای فرج مولایمان حضرت حجت ارواحنا فداه را بعد از هر نماز واجب مورد تأکید قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>



**دعا برای تشرف خدمت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه  
که بعد از نمازهای واجب خوانده می‌شود**

روایت شده است:

هر کس بعد از نمازهای واجب این دعا را بخواند و بر آن مواظبت کند، آن قدر عمرش طولانی شود و زندگی‌اش ادامه یابد که از زندگی دلتنگ شود و به سبب این دعا به دیدار حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه مشرف گردد .

آن دعا چنین است:

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، اللَّهُمَّ إِنَّ**

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود بفرست. خدای من؛ همانا

۱ . مکالم المکارم: ۳/۲، و مانند آن در «نزّهة الزاهد»: ۹۱، وارد شده است.

**رَسُولِكَ الصَّادِقِ الْمُصَدِّقِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالٍ**

رسول راستگو و تأیید شده‌ات - که درودهای تو بر او و آل او باد - گفته است:

**إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي**

که همانا تو فرموده‌ای: در مورد هیچ کدام از کارهایی که انجام می‌دهم مثل

**قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُهُ**

قبض روح بنده مؤمنم، دچار تردید نشده‌ام؛ زیرا او مرگ را خوش نمی‌دارد و من ناراحتی او

**مَسَاءَتَهُ . اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،**

را نمی‌پسندم. خداوندا! پس بر محمد و آل محمد درود بفرست

**وَعَجِّلْ لِسَوْلِيكَ الْفَرَجَ ، وَالنَّصْرَ وَالْعَافِيَةَ ،**

و فرج و گشایش کار ولایت و پیروزی و عافیتش را تعجیل فرما

**وَلَا تَسُونِي فِي نَفْسِي ، وَلَا فِي فُلَانٍ .**

و موجبات ناراحتی مرا در مورد خودم و فلانی فراهم مساز.

فرمود: و هر که را که می‌خواهی به جای «فلانی» نام ببر.<sup>۱</sup>

۱ . مکارم الأخلاق: ۳۵/۲، و در مصباح المتهجد: ۵۸ و الصحیفه الصادقیة: ۱۷۸ با

اندکی تفاوت.



### دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداه

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

هر کس بعد از هر نماز واجب، این دعا را بخواند، همانا او حضرت حجّت علیه السلام را در بیداری یا خواب می بیند:

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

به نام خداوند بخشنده مهربان

**اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، أَيُّنَمَا كَانَ وَحَيْثُمَا**

خداوندا؛ به مولایمان صاحب الزمان هر کجا و هر گونه که باشد

**كَانَ، مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا**

در شرق و غرب زمین، بیابان

**وَجِبَلِهَا، عَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ، وَعَنْ وُلْدِي وَإِخْوَانِي**

و کوه آن، درود و تحتی از طرف من و والدینم و از سوی فرزندانم و برادرانم

**التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ، وَزِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ،**

به تعداد آفریدگان خدا و سنگینی عرش الهی،

**وَمَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ، وَأَخَاطَ عِلْمُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ**

و آنچه کتابش دربردارد و دانشش به آن احاطه دارد؛ برسان. خداوندا؛ همانا من

**لَهُ فِي صَبِيحَةِ هَذَا الْيَوْمِ، وَمَا عِشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامٍ**

در بامداد امروز و دیگر روزهای زندگیم، با او

**حَيَاتِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَيَبِعَةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ**

عهد و پیمان و بیعتی را که از او بر گردنم است تجدید می کنم و هرگز از این بیعت دگرگون

**عَنْهَا وَلَا أَرْوُلُ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَتَصَارِهِ**

نمی شوم. و کنار هم نمی زنم. خداوندا؛ مرا از یارانش و جان نثارانی که از او

**الذَّابِّينَ عَنْهُ، وَالْمُؤْمِتِّينَ لِأَمْرِهِ وَتَوَاهِبِهِ فِي**

دفاع می کنند قرار بده. و از آنان که دستورات و نهی هایش را در دوران

**أَيَّامِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ. اللَّهُمَّ فَإِنْ خَالَ**

حکومتش فرمان می برند و نیز از شهادت جوان در رکابش قرار بده. خداوندا؛

**بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا**

اگر بین من و او مرگ فاصله انداخت؛ - مرگی که برای بندگانت حتمی و قطعی

**مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي، شَاهِرًا**

قرار داده ای - پس مرا از قبرم خارج کن در حالی که کفنم را به کمر بسته،

سَیْنِی، مُجَرِّدًا فَنَاتِی، مُلَبِّیًّا دَعْوَةَ الدَّاعِی فِی

شمشیرم کشیده، نیزه‌ام آماده و بیرون کشیده شده و دعوت دعوت‌کننده را در

الحَاضِرِ وَالبَادِی. اَللّٰهُمَّ اَرِنِی الطَّلَعَ الرَّشِیدَةَ

شهر باشم یا صحرا لبتیک گویم. خداوندا! به من طلعت راه‌گشا

وَالعُرَّةَ الحَمِیدَةَ، وَاكْحُلْ بَصْرِی بِنَظْرَةِ مِنِّی اِلَیْهِ،

و چهره ستوده‌شده را نشان بده، و با نگاهی از من به سوی او چشمم را سرمه کن،

وَعَجَلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ. اَللّٰهُمَّ اَشْدُدْ اَزْرَهُ،

و فرجش را تعجیل فرما، و خروجش را آسان گردان. خداوندا! پششش را محکم،

وَقَوِّ ظَهْرَهُ، وَطَوِّلْ عُمُرَهُ، وَاَعْمِرِ اللّٰهُمَّ بِهٖ بِلَادَكَ،

و کمرش را قوی و نیرومند گردان و عمرش را طولانی کن و - خداوندا - به وسیله او سرزمین‌هایت را آباد گردان

وَأَحِی بِهٖ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ﴿ظَهَرَ

و به واسطه او بندگانت را زنده گردان؛ زیرا تو گفتی در حالی که سخن تو حق است:

الْفَسَادُ فِی الْبَرِّ وَالبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أیدی النَّاسِ ﴿۱﴾،

«فساد در خشکی و دریا ظاهر شده به واسطه آنچه مردم با دست خود انجام دادند».

فَأَظْهَرَ اللّٰهُمَّ لَنَا وَلِیِّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِیِّكَ، اَلْمَسْمِی

پس خداوندا! ولی خود و فرزند دختر پیامبرت را - که همنام است با رسولت

بِاسْمِ رَسُوْلِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَیْهِ وَآلِهِ، حَتَّى لَا یَطْفُرَ

که دروذهای تو بر او و آل او باد - برای ما ظاهر کن تا بر

بِشَیْءٍ مِّنَ البَاطِلِ الاَّ مَرَقَهُ، وَیُحِقَّ اللهُ الْحَقَّ

چیزی از باطل دست نیابد مگر آن‌که آن را پاره کند، و خدا به کلماتش، حق را ثابت کند

بِكَلِمَاتِهِ وَیُحَقِّقُهُ. اَللّٰهُمَّ اَكْشِفْ هَذِهِ الْعَمَّةَ عَن هَذِهِ

و آن را محقق سازد. خداوندا! این گرفتاری و اندوه را از این

الْاُمَّةِ بِظُهُورِهِ، اِنَّهُمْ یَرَوْنَهُ بَعِیدًا، وَتَرَاهُ قَرِیبًا،

آمت با ظهورش برطرف ساز که همانا آنان (مخالفان) آن را دور می‌بینند و ما نزدیک می‌بینیم؛

وَصَلِّ اللهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. ۱

و خدا بر محمد و آل محمد درود بفرستد.



### دعای بعد از نماز صبح

سَیِّد بزرگوار علی بن طاووس علیه السلام در کتاب «مصباح الزائر»

می‌نویسد: این دعایی است که هر روز پس از نماز صبح مولایمان

امام زمان ارواحنا فداء با آن زیارت می‌شود:

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ

خداوندا؛ برسان به مولایم صاحب الزمان -که درودهای خدا بر او باد-

عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، فِي مَشَارِقِ

از سوی تمام مردان و زنان مؤمن در شرق و غرب

الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا ، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا ، وَسَهْلِهَا

زمین و در خشکی و دریا و بیابان

وَجِبَلِهَا ، حَيْثُمْ وَمَيْتِهِمْ ، وَعَنْ الْوَادِيَّ وَوُئْدِي ،

و کوه، زنده و مردهٔ آنها، و از سوی پدر و مادر و فرزندانم و

وَعَنِّي مِنَ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ ، زِنَةَ عَرْشِ اللهِ ،

خودم درود و تحیتی هم‌سنگ عرش الهی،

وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، وَمُنْتَهَى رِضَاهُ ، وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ

و گستردگی کلمات او و نهایت رضایتش، و آن مقدار که کتابش گردآورده

كِتَابُهُ ، وَأَخَاطَ بِهِ عِلْمُهُ . اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اُجِدُّدُ لَهُ فِي هَذَا

و علمش به آن احاطه دارد. بلالها؛ در

الْيَوْمِ ، وَفِي كُلِّ يَوْمٍ ، عَهْدًا وَعَقْدًا وَيَبِيعَةً [لَهُ] فِي

امروز و در هر روز، عهد (زبانی) و پیمان (قلبی) و بیعت (عملی) که نسبت به او بر

رَقَبَتِي . اَللّٰهُمَّ كَمَا شَرَفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ ،

گردنم است تجدید می‌کنم. خداوندا؛ همان گونه که مرا به این شرافت سرافراز کردی،

وَفَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ ، وَخَصَصْتَنِي بِهَذِهِ النِّعْمَةِ ،

و به این فضیلت برتری دادی، و به این نعمت مخصوص گرداندی،

فَصَلِّ عَلَيَّ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ ،

پس بر مولایم و آقایم صاحب الزمان درود فرست

وَاَجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ ، وَالذَّابِّينَ عَنْهُ ،

و مرا از یاوران و پیروان و مدافعانش قرار بده،

وَاَجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ ، طَائِعًا غَيْرَ

و مرا از شهادت‌طلبان در پیشگاه و رکاب همایونی او قرار بده که با تمام شوق آرزوی شهادت

مُكْرَهٍ ، فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَّ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ ،

می‌کنند نه با اجبار؛ در صفی که اهل آن را در قرآنت وصف کرده‌ای

فَقُلْتُ ﴿ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانُ مَرْصُوصٌ ﴾ اَعْلَى

و گفتم: «صف بسته‌اند، گویی اینان بنیانی آهنین هستند» در

طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

فرمان‌برداری تو و رسولت و آل او -که بر ایشان درود باد - خداوندا؛

اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَكَ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۱.

این بیعتی است برای او در گردنم تا روز قیامت.



دعا برای حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه

بعد از نماز صبح

علامه مجلسی رحمته الله در کتاب «مقباس» در تعقیب نماز صبح روایت می‌کند: پیش از آن که کلامی بر زبان بیاورد، صد مرتبه بگوید:

يَا رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ

ای پروردگار من؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج و راحتی

آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ ۲.

آل محمد شتاب فرما، و مرا از آتشی رها و آزاد کن.

۱. زاد المعاد: ۴۸۷، مصباح الزائر: ۴۵۴.

بعضی از بزرگان این دعا را در باب زیارت ذکر کرده‌اند؛ زیرا این دعا به منزله بیعت با امام زمان صلوات الله علیه است.

۲. مکالم المکالم: ۱۳/۲.



دعاهایی که حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

برای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند

محدث نوری رحمته الله در «دار السلام» می‌گوید: عالم عامل ملاً فتحعلی سلطان آبادی رحمته الله به من گفت که: فاضل مقدس پرهیزگار ملاً محمد صادق عراقی رحمته الله در نهایت فقر و تنگدستی و در سختی و بلا بود و گرفتاری و بدبختی از هر سو به او رو آورده بود.

روزگاری به همین ترتیب گذشت و گشایش در کارش حاصل نشد و تنگدستی او برطرف نشد تا این که شبی در خواب دید که گویا در بیابانی است و در آن بیابان خیمه بزرگی برپا می‌باشد و قبه‌ای بر بالای آن است.

شیخ از صاحب آن خیمه پرسش نمود. به او گفته شد: در این خیمه، پناهگاه محکم و استوار، فریادرس گرفتار بیچاره، حجّت قائم، حضرت مهدی و امام منتظر مرضی - که خداوند تعالی در راحتی و فرجش شتاب کند و خروجش را آسان فرماید - حضور دارند. شیخ به سرعت به سمت خیمه رفت؛ زیرا برطرف شدن گرفتاریش را در آن یافته بود.

وقتی به حضور حضرت رسید، از پریشانی و فشار زمان و سختی

حال خانواده‌اش شکایت کرد و از حضرت دعایی خواست که با آن غم و اندوه از او برداشته شده و گرفتاریش برطرف شود.

حضرت او را به سیدی از فرزندان حواله کرد و به خیمه‌اش اشاره کرد. شیخ از حضور حضرت مرخص شده و به آن خیمه رفت. در آنجا سید سند دانشمند مورد اعتماد، عالم والا مقام و مورد تأیید جناب سید محمد سلطان آبادی را دید که بر سجاده‌اش نشسته و در حال نیایش است.

بعد از سلام، آنچه حاجت پروردگار حواله کرده بود عرض کرد و سید دعایی که رفع تنگدستی و سختی کند و موجب افزایش روزی باشد به او آموخت.

در این هنگام شیخ از خواب بیدار شد، در حالی که دعا در ذهنش مانده بود. سپس به سوی خانه سید محمد روانه شد با آن که قبل از آن خواب به دلیلی که ذکر نمی‌کرد از سید کناره می‌گرفت و نمی‌خواست او را ببیند.

وقتی به خانه سید رسید و داخل شد سید را دید که بر روی سجاده نمازش - همان گونه که در خواب دیده بود - نشسته و ذکر خدا می‌گوید و استغفار می‌کند.

به سید سلام کرد و او جواب داد در حالی که خنده‌ای بر لب داشت، گویا قضیه را می‌داند و از اسرار پنهانی آگاه است. شیخ آنچه در

خواب پرسیده بود از سید پرسید و سید همان دعا را به او آموخت. شیخ مدت کمی آن دعا را خواند و دنیا از هر طرف به او روی آورد. همیشه استاد ما دام ظله آن سید را با احترام تعریف می‌نمود، در حالی که او را در اواخر عمرش درک کرده و زمان کوتاهی شاگردی ایشان نموده بود.

آنچه سید علیه السلام در خواب و بیداری به شیخ آموخت، سه چیز است:

۱ - بعد از نماز صبح در حالی که دستش را بر روی سینه گذاشته هفتاد مرتبه «یا فَتَّاحُ» بگوید.

کفعمی علیه السلام نیز در کتاب «مصباح» می‌گوید: هر کس به این شکل این ذکر را بگوید خداوند تعالی حجاب را از قلبش برطرف کند.

۲ - آنچه کلینی در کتاب کافی آن را روایت کرده است که: یکی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چند روزی به خدمت ایشان نرسید و هنگامی که حضور حضرت رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمودند:

چه چیزی تو را از دیدار ما در این چند روز باز داشت؟  
مرد گفت: بیماری و فقر.

حضرت فرمود: آیا نمی‌خواهی به تو دعایی بیاموزم که خدا فقر و بیماری را به وسیله آن از تو دور کند؟

مرد گفت: البتّه، ای رسول خدا.

حضرت فرمودند: بگو:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ [الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ]، تَوَكَّلْتُ

هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به سبب خداوند [بلندمرتبه بزرگ]، توکل کردم

عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ

بر (خدای) زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، و حمد و ستایش مخصوص خدایی است که

يَتَّخِذُ [صَاحِبَةً وَلَا] وَكِدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي

[همسر و] فرزندی ندارد، و در فرمان‌روایی شریکی برایش نیست،

الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ، وَكِبْرَهُ تَكْبِيرًا.

و برای او از روی خواری و ذلت ولی و سرپرستی نیست؛ و به بزرگی از او یاد کن.

راوی گوید: زمان اندکی گذشت که آن مرد صحابی نزد رسول خدا ﷺ بازگشت و گفت: ای رسول خدا؛ خداوند بیماری و فقر را از من برطرف کرد.

۳ - آنچه ابن فهد حلی در کتاب «عدّة الداعی» از رسول خدا ﷺ روایت کرده است:

هر کس این دعا را هر روز بعد از نماز صبح بخواند ، هیچ حاجتی از خدای تعالی نخواهد مگر آن که به آسانی برآورده شود و خداوند کارهای مهم او را کفایت نماید :

بِسْمِ اللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَقْوَضُ

به نام خدا و خداوند بر محمد و آل محمد درود فرستد، و

أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ، فَوَقِيَهُ اللَّهُ

کارم را به خدا واگذار می‌کنم؛ همانا خدا نسبت به بندگان بیناست. پس خدا او را از

سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي

بدی‌های آنچه مکر و حيله کرده‌اند محفوظ داشت ؛ هیچ خدایی جز تو نیست ؛ پاک و منزهی تو، همانا

كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ

من از گروه ستمگران بودم؛ پس دعای او را اجابت کردیم و او را از غم و اندوه رهانیدیم

وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ

و این گونه مؤمنان را نیز نجات می‌بخشیم و خدا ما را کفایت می‌کند و او خوب

الْوَكِيلُ، فَاتَّقَلَّبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ، وَفَضَّلْ لَمْ

وکیلی است. پس با نعمتی از سوی خدا و فضل و احسان در حالی که هیچ بدی به آنان

يَمَسُّهُمْ سُوءٌ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ،

نرسید دگرگون شدند. آنچه خدا بخواهد همان شود و هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به سبب خدا!

مَا شَاءَ اللَّهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ، مَا شَاءَ اللَّهُ وَإِنْ كَرِهَ

هر چه خدا بخواهد همان شود نه آنچه مردم بخواهند؛ هر چه خدا بخواهد همان شود؛ هر



النَّاسِ . حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ ، حَسْبِيَ

چند مردم خوش نداشتند باشند. پرورش دهنده، مرا از پرورش یافتگان کفایت می‌کند؛

الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ ، حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ

آفریننده، مرا از آفریدگان کفایت می‌کند؛ روزی‌دهنده مرا از

الْمَرْزُوقِينَ ، حَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ، حَسْبِيَ مَنْ

روزی‌خوران کفایت می‌کند؛ خدایی که پروردگار جهانیان است مرا کفایت می‌کند. کفایت می‌کند

هُوَ حَسْبِي ، حَسْبِي مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي ، حَسْبِي مَنْ

مرا آن کسی که برایم کافی است؛ کفایت می‌کند مرا آنکه همیشه کفایت می‌کند؛ کفایت می‌کند مرا

كَانَ مُذْكَرْتُ [ لَمْ يَزَلْ ] حَسْبِي ، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

آنکه از ابتدایی که بودم پیوسته مرا کفایت می‌کند؛ خدایی مرا کفایت می‌کند که جز او خدایی

هُوَ ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ .

نیست؛ تنها بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.

مواظبت در مداومت این اوراد شایسته است؛ زیرا که فهم و

درایت و خبر، این اذکار و دعاها را تصدیق کرده است.<sup>۱</sup>

۲۲

دعا برای ظهور آن حضرت

پس از نماز صبح و ظهر در هر روز

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: هر کس بعد از نماز صبح و ظهر، در

روز جمعه و دیگر روزها بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج و راحتی ایشان تعجیل بفرما،

نمی‌میرد تا این‌که حضرت مهدی (صلوات الله علیه) را درک کند.<sup>۱</sup>

۲۳

دعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداه

پس از نماز ظهر در هر روز

در کتاب «فلاح السائل» آمده است: از اذکار مهم در تعقیب نماز

ظهر، اقتدا کردن به امام صادق علیه السلام در دعا کردن برای حضرت

مهدی صلوات الله علیه است.

۱. مصباح‌المتجهّد: ۳۶۸، بحار الأنوار: ۷۷/۸۶ و ۳۶۲/۸۹. و در «الصحيفة

الصادقية»: ۱۶۹، نقل کرده است که این صلوات را صد مرتبه بگوید.

امامی که رسول خدا حضرت محمد ﷺ در روایات صحیح به امتش بشارت او را داده است و به آن‌ها وعده داده که آن حضرت در آخرالزمان ظهور می‌کند.

محمد بن رهبان دیبلی روایت کرده است: ابو علی محمد بن حسن بن محمد بن جمهور قمی گفت: پدرم از پدرش محمد بن جمهور و او از احمد بن حسین سگری و او از عباد بن محمد مدائنی نقل کرد که: در مدینه بر امام صادق علیه السلام وارد شدم هنگامی که از نماز ظهر فارغ شده بود، آن حضرت دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده بود و می‌گفت:

**يَا سَامِعُ كُلِّ صَوْتٍ ، يَا جَامِعَ (كُلِّ فَوْتٍ) ، يَا بَارِيَّ**

ای شنونده هر صدا؛ ای گرد آورنده (هر ناپود)؛ ای آفریننده

**كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ ، يَا بَاعِثُ ، يَا وَارِثُ ، يَا سَيِّدَ**

هر جان و روان بعد از مرگ؛ ای برانگیزاننده؛ ای وارث؛ ای آقا و سرور

**السَّادَةِ ، يَا إِلَهَ الْآلِهَةِ ، يَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ ، يَا مَلِكَ**

آقایان؛ ای معبود معبودها؛ ای چیره و متسلط بر چیره‌شوندگان؛ ای پادشاه

**الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ ، يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ ،**

دنیا و آخرت؛ ای پرورش‌دهنده پرورش دهندگان؛ ای پادشاه پادشاهان؛

**يَا بَطَّاشُ ، يَا ذَا الْبَطُّشِ الشَّدِيدِ ، يَا فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ ،**

ای بسیار سخت‌گیر؛ ای صاحب سخت‌گیری شدید؛ ای انجام‌دهنده هر چه می‌خواهد؛

**يَا مُحْصِيَ عَدَدِ الْأَنْفَاسِ وَنَقْلِ الْأَقْدَامِ ، يَا مَنِ السَّرُّ**

ای شمارشگر تعداد نفس‌ها و حرکت و جابجایی قدم‌ها؛ ای کسی که پنهان در

**عِنْدَهُ عَلَانِيَةٌ ، يَا مُبْدِي ، يَا مُعِيدُ . أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ**

نزد او آشکار است؛ ای آغازگر آفرینش؛ ای بازگرداننده؛ از تو می‌خواهم به حق خودت

**عَلَى خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ**

بر بندگان برگزیده‌ات از میان آفریدگانت، و به حقی که برای ایشان

**عَلَى نَفْسِكَ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ**

بر خودت لازم کردی؛ که بر محمد و اهل بیتش درود بفرستی، که

**وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَأَنْ تَمَنَّيَ عَلَيَّ السَّاعَةَ السَّاعَةَ ،**

سلام بر او و بر آنان باد، و در همین ساعت، در همین ساعت بر من ممت گذاشته

**بِفِكَائِكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ ، وَأَنْجِرْ لَوْلِيَّتِكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ**

و مرا از آتش، رها کنی؛ و برای ولی خودت و فرزند پیامبر خودت

**الدَّاعِي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ ، وَأَمِينِكَ فِي خَلْقِكَ ، وَعَيْنِكَ**

که دعوت‌کننده به سوی تو به اجازه تو و امانت‌دارت در میان خلق تو و چشم تو

فِي عِبَادِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، عَلَيْهِ صَلَوَاتُكَ

در میان بندگان تو، و حجت تو بر آفریدگان تو است - که درودها و

ویرکات تو بر او باد - وعده‌ات را انجام بده . خداوندا! با باری خودت او را تأیید کن، و

بنده‌ات را باری نما، و اصحابش را قوت بخش و آنان را صبر و شکیبایی عنایت کن؛ و برای ایشان از

عَبْدِكَ، وَقُوَّةِ أَصْحَابِهِ وَصَبْرِهِمْ، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ

لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَأَمْكِنَهُ مِنْ

نزد خودت قدرت باری‌کننده‌ای را قرار ده؛ و در راحتی و فرجش تعجیل کن، و او را بر

دشمنات و دشمنان رسالت مکتب و قدرت ببخش، ای مهربان‌ترین مهربانان.

أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

گفتم: فدایت شوم؛ آیا این طور نیست که برای خویش دعا نمودید؟

حضرت فرمود:

حضرت فرمود:

برای نور آل محمد ﷺ و پیش رو و جلودار و انتقام

گیرنده از دشمنان آل محمد به امر خدا، دعا کردم .

گفتم: فدایت شوم؛ کی خروج می‌کند؟

حضرت فرمود: هرگاه آن که آفرینش و امور عالم در

دست اوست، بخواهد .

گفتم: آیا برای خروج او علامتی هست؟

حضرت فرمود: آری؛ نشانه‌های مختلفی هست .

گفتم: مانند چه چیزی؟

حضرت فرمود: خروج علامت و پرچمی از شرق و

پرچمی از غرب و فتنه‌ای که بر اهل «زوراء» سایه

می‌افکند، و خروج مردی از فرزندان عمویم زید در

یمن، و به تاراج رفتن پردهٔ بیت الحرام<sup>۱</sup>، و خداوند هر

چه بخواهد، انجام می‌دهد.<sup>۲</sup>



دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

پس از نماز عصر

سید بن طاووس رحمته الله در کتاب «فلاح السائل» می‌نویسد: از اذکار مهم

بعد از نماز عصر، اقتدا کردن به مولایمان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام

در دعا نمودن برای مولایمان حضرت مهدی صلوات الله علیه است .

چنان که یحیی بن فضل نوفلی روایت کرده است که گفت: در

بغداد بر ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام - وقتی از نماز عصر فارغ

۱. بحار الأنوار: ۶۲/۸۶، فلاح السائل: ۱۷۰، المصباح: ۴۸، البلد الامین: ۲۷.

۲. مکمال المکارم: ۱۱/۲.

شده بود ـ وارد شدم ـ دیدم دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده و شنیدم که می‌گوید:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ  
تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، اول و آخر و ظاهر  
وَالْبَاطِنُ ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، إِلَهِكْ زِيَادَةٌ  
و باطن تویی؛ خدایی هستی که معبودی جز تو نیست؛ فرونی و کاستی  
الْأَشْيَاءِ وَتَقْضَائِهَا ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، خَلَقْتَ  
چیزها در اختیار توست؛ تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست؛ آفرینش را

الْخَلْقَ بِغَيْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ ، وَلَا حَاجَةَ إِلَيْهِمْ ، أَنْتَ  
بدون کمک دیگران و بدون نیاز به آنان آفریدی؛ تو  
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، مِنْكَ الْمَشِيئَةُ وَالْإِيكُ الْبِدْءُ . أَنْتَ  
خدایی هستی که معبودی جز تو نیست ، مشیت از توست و آغاز کردن بستگی به تو دارد . تو  
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، قَبْلَ الْقَبْلِ وَخَالِقُ الْقَبْلِ ، أَنْتَ اللَّهُ  
خدایی هستی که معبودی جز تو نیست ، قبل از هر قبلی بوده‌ای و تو آفریدگار قبل هستی ؛ تو خدایی

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، بَعْدَ الْبَعْدِ وَخَالِقُ الْبَعْدِ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ  
هستی که معبودی جز تو نیست ، بعد از هر بعدی هستی و آفریدگار بعد تویی ، تو خدایی هستی که

دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه ... ۱۳۵

إِلَّا أَنْتَ ، تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتُثَبِتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ ،  
معبودی جز تو نیست، هر چه را بخواهی محو یا اثبات می‌کنی و امّ‌الکتاب نزد توست ،  
أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، غَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ ، أَنْتَ  
تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست ، نهایت و وارث هر چیزی؛ تو  
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، لَا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَلَا  
خدایی هستی که معبودی جر تو نیست، هیچ چیز کوچک و بزرگ از نظرت پنهان نمی‌ماند؛

الْجَلِيلُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، لَا يَخْفَى عَلَيْكَ  
تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست ، هیچ لغتی بر تو پوشیده نمی‌ماند  
اللُّغَاتُ ، وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ . كُلُّ يَوْمٍ أَنْتَ  
و صداهای مختلف تو را به اشتباه نمی‌اندازد . هر روز تو  
فِي شَأْنٍ ، لَا يَشْعَلُكَ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ ، عَالِمُ السَّغِيْبِ  
در شأن و کاری هستی که هیچ شأنی تو را از شأن دیگر باز نمی‌دارد . دانای غیب

وَأَخْفَى ، دَبَّانُ الدِّينِ ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ ، بَاعَثَ مَنْ فِي  
و پنهانی‌ها ، پاداش‌دهندهٔ کار ، تدبیرگر امور، برانگیزانندهٔ افرادی که در  
الْقُبُورِ ، مُحْيِي الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ  
قبر‌هایند، زنده‌کنندهٔ استخوان‌ها در حالی که پودر و خاکستر شده‌اند تو هستی؛ از تو می‌خواهم به

الْمَكْنُونِ الْمَخْرُوفِ، الْحَيِّ الْقَيُّومِ، الَّذِي لَا يَخِيبُ

اسم پنهان ذخیره‌شده‌ات، که زنده و پاینده است، که هر کس تو را به آن نام بخواند ناامید

مَنْ سَأَلَكَ بِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ

نمی‌شود؛ که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و فرج

تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُنتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ، وَأَنْجِزَ لَهُ مَا

و گشایش در کار انتقام گیرنده‌ات از دشمنانت را تعجیل فرمایی و آنچه به او وعده داده‌ای

وَعَدْتَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

به جای اوری؛ ای صاحب جلالت و کرامت.

یحیی بن فضل می‌گوید: گفتیم: برای چه کسی دعا کردید؟

حضرت فرمود: برای مهدی آل محمد عجل الله فرجه.

آنگاه فرمودند: پدرم فدای آن که دارای شکم ستبر،

ابروهای به هم پیوسته است؛ ساق باریک؛ شانه‌های پهن

و رنگ گندمگون دارد که به خاطر شب زنده‌داری کمی

مایل به رنگ زرد است.

پدرم فدای آن کسی که با رکوع و سجده شب را به صبح

مسی‌رساند؛ پدرم فدای آن کسی که در راه خدا از

سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسد؛ چراغ فروزنده در

تاریکی‌ها است؛ پدرم فدای قیام‌کننده به امر خدا باد.

گفتم: چه وقت خروج می‌کند؟ حضرت فرمود:

هنگامی که دیدی لشکریان به ساحل فرات و صرات و

دجله آمده‌اند و پل کوفه ویران شد و بعضی از خانه‌های

کوفه سوزانده شد، هنگامی که این نشانه‌ها را مشاهده

کردی، بدان که خداوند آنچه بخواهد انجام می‌دهد و

کسی نیست که بر امر خدا غلبه کند و یا حکمش را به

تأخیر بیندازد.<sup>۱</sup>



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

بعد از دو رکعت اول نماز شب

شیخ طوسی اعلی الله مقامه می‌گوید: مستحب است در تعقیب این

دو رکعت نماز، این دعا خوانده شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسْأَلْ مِثْلُكَ، أَنْتَ مَوْضِعُ

خداوندا؛ همانا من از تو می‌خواهم، در حالی که کسی مانند تو نیست که سؤال شود. تو محل

مَسْأَلَةِ السَّالِبِينَ وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ، أَدْعُوكَ

خواستۀ در خواست‌کنندگانی و نهایت شوق مشتاقانی؛ تو را صدا می‌زنم در حالی

۱. فلاح السائل: ۱۹۹، و در المصباح: ۵۱ و البلد الأمين: ۳۵ با تفاوتی.

وَلَمْ يُدْعَ مِثْلَكَ ، وَأَرْعَبُ إِلَيْكَ وَكَمْ يُرْعَبُ إِلَيَّ

که مثل تو کسی نیست که خوانده شود، و به سوی تو مشتاقم در حالی که کسی چون تو نیست

مِثْلِكَ ، أَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَأَرْحَمُ

که به او میل شود؛ تو اجابت‌گر دعای بیچارگانی و مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ . أَسْأَلُكَ بِأَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَأَنْجِحِهَا

مهربانانی. از تو می‌خواهم به برترین خواسته‌ها و کامیاب‌ترین

وَأَعْظَمِهَا ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ وَيَا سَمَائِكَ

و بزرگ‌ترین خواسته‌ها. ای خدا؛ ای بخشنده؛ ای مهربان؛ و به نام‌های

الْحُسْنَى ، وَأَمْثَالِكَ الْعُلْيَا ، وَيَعْمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى .

نیکویت و مثل‌های بلندمرتبه‌ات و نعمت‌هایت که به شمارش نیاید،

وَيَا أَكْرَمَ أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ ، وَأَحَبِّهَا إِلَيْكَ ، وَأَقْرَبِهَا

و به گرامی‌ترین نام‌هایت، و محبوب‌ترین آن‌ها نزد تو و نزدیک‌ترین آن‌ها

مِنْكَ وَسِبْطَةَ ، وَأَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَةً ، وَأَجْزَلِهَا

از نظر وسیله‌بودن به سوی تو، و باشرف‌ترین آن‌ها نزد تو از نظر قدر و منزلت،

لَدَيْكَ ثَوَابًا ، وَأَسْرَعِهَا فِي الْأُمُورِ اجَابَةً ، وَيَا سَمِكَ

و فراوان‌ترین آن‌ها از نظر پاداش، و سریع‌ترین آن‌ها در امور از نظر اجابت، و به نام

الْمَكْنُونِ الْأَكْبَرِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَعْظَمِ الْأَكْرَمِ ، الَّذِي

پنهان بزرگ‌تر، عزیزتر، بزرگوارتر، عظیم‌تر و گرامی‌ترت که آن را دوست

تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ ، وَتَرْضَى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ ، فَاسْتَجَبْتَ

می‌داری و می‌خواهی و به واسطهٔ آن از کسی که با آن نام، تو را بخواند راضی و خشنود می‌شوی

لَهُ دُعَاؤُهُ ، وَحَقُّ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَحْرِمَ سَائِلَكَ وَلَا تَرُدَّهُ .

و دعایش را اجابت می‌کنی، و بر تو سزاوار است که خوانندهٔ خود را محروم نساخته و او را رد نکنی.

وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ

و به هر اسمی که برای توست در تورات، انجیل، زبور

وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ ، وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةٌ عَزَّ شَيْكَ

و قرآن عظیم؛ و به هر اسمی که حاملان عرش

وَمَلَائِكَتِكَ ، وَأَنْبِيَاؤُكَ وَرُسُلُكَ ، وَأَهْلُ طَاعَتِكَ مِنْ

و فرشتگان و پیامبران و فرستادگانت و و مخلوقات فرمانبردارت تو را به

خَلْقِكَ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ

آن اسم می‌خوانند؛ که بر محمد و آل محمد درود فرستی و

تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَأَبْنِ وَلِيِّكَ ، وَتُعَجِّلَ حَزَنِي أَعْدَائِهِ .

در فرج و گشایش کار ولی و فرزند ولی خود تعجیل کنی و در خواری و ذلت دشمنانش شتاب نمایی.

در این جا هر چه دوست داری دعا کن.<sup>۱</sup>

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: در کتاب «جمال الصالحین» اضافه‌ای برای این دعا یافتم که چنین است:

وَتَجْعَلُنَا مِنْ أَصْحَابِهِ وَأَنْصَارِهِ، وَتَرْزُقْنَا بِهِ  
و ما را از اصحاب و یارانش قرار بدهی و به واسطه او امید ما را برآورده

رَجَاءُنَا، وَتَسْتَجِيبَ بِهِ دُعَاءَنَا.<sup>۲</sup>  
و ارزانی داری، و دعای ما را اجابت کنی.

مرحوم کفعمی گوید: مستحب است که این دعا بعد از هر دو رکعت از نمازهای شب خوانده شود.<sup>۳</sup>

۱. مصباح المتبهج: ۱۳۹.

۲. مکیال المکارم: ۱۴/۲.

۳. المصباح: ۷۵.

### بخش چهارم

## دعاهای ایام هفته

۲۶

دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

در روزهای پنجشنبه

سید بن طاووس رحمته الله می‌نویسد:

از جمله وظایف روز پنجشنبه آن است که مستحب است انسان هزار بار بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات بفرستد، و مستحب است که بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.<sup>۱</sup>

خداوندا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و فرج ایشان را تعجیل فرما.

۱. جمال الأسبوع: ۱۲۱.



صلوات برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداء

از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه

شیخ طوسی رحمته الله علیه می نویسد: مستحب است بعد از نماز عصر روز پنجشنبه تا آخر روز جمعه بسیار صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به این گونه:

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ،**

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را تعجیل فرما

**وَأَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنْ الْأَوْلِيَانِ**

و دشمنان آنان را از جن و انس از اولین

**وَالْآخِرِينَ.** و اگر آن را صد مرتبه بگوید فضیلت بسیاری دارد.<sup>۱</sup> و آخرین هلاک گردان.

کفعمی رحمته الله علیه نیز می گوید: مستحب است که انسان در روز پنجشنبه هزار مرتبه سوره قدر را بخواند و هزار مرتبه بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او

۱. مصباح المنتهجد: ۲۶۵، و ص ۲۵۷ با کمی تفاوت.

صلوات بفرستد؛ بعد دعایی که ذکر کردیم بخواند.<sup>۱</sup>



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء

در شب جمعه

شیخ ابو جعفر طوسی رحمته الله علیه در کتاب «مختصر المصباح» وقتی وظایف شب جمعه را نقل می کند می فرماید: صد مرتبه یا هر اندازه که می توانی این گونه بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات می فرستی:

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ،**

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را

**وَأَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنْ الْأَوْلِيَانِ**

تعجیل فرما و دشمنان آنان را از جن و انس از اولین

**وَالْآخِرِينَ.**

و آخرین هلاک گردان.

۱. المصباح: ۱۷۷.

۲. مکالم المکارم: ۳۱/۲.





دعای علوی مصری از امام زمان ارواحنا فداه

که در گرفتاری های شدید خوانده می شود

دعایی است شریف که امام زمان ارواحنا فداه به علوی مصری تعلیم فرمودند<sup>۱</sup>، و آن دعا چنین است:

رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ، وَمَنْ ذَا الَّذِي

پروردگارا! چه کسی است که تو را خوانده و تو او را جواب ندادی؟ و چه کسی است که از تو

سَأَلَكَ فَلَمْ تُعْطِهِ، وَمَنْ ذَا الَّذِي نَاجَاكَ فَحَبَيْبَهُ، أَوْ

درخواست کرد و به او عطا نکردی؟ و چه کسی است که با تو مناجات کرده و او را ناامید ساختی یا

تَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَبْعَدْتَهُ. وَرَبِّ هَذَا فِرْعَوْنَ دُؤَا

به تو نزدیک شده پس او را دور گردانیدی؟ ای پروردگار من! این فرعون، صاحب

الْأَوْثَادِ، مَعَ عُنَادِهِ وَكُفْرِهِ وَعُتُوِّهِ وَإِدْعَانِهِ

قَوْتِهَاست که با وجود انحرافش از حق و کفرش و سرکشی اش و آذاعی

الرُّبُوبِيَّةَ لِنَفْسِهِ، وَعَلِمِكَ بِأَنَّهُ لَا يَتُوبُ، وَلَا يَرْجِعُ

ربوبیت برای خودش و با آگاهی تو به این که توبه نمی کند و باز نمی گردد

۱. گفتنی است این دعا قصه شگفت انگیزی دارد که ما آن را در «صحیفه مهدیه» نقل کرده ایم.

وَلَا يَتُوبُ، وَلَا يُؤْمِنُ وَلَا يَخْشَعُ، اسْتَجَبْتَ لَهُ

و نمی آید و ایمان نمی آورد و خشوع نمی کند، دعایش را اجابت کردی

دُعَاءَهُ، وَأَعْطَيْتَهُ سُؤْلَهُ، كَرَمًا مِنْكَ وَجُودًا، وَقِلَّةَ

و خواسته اش را عطا نمودی، به جهت بزرگواری و بخششی که داشته ای و کم

مِقْدَارٍ لِمَا سَأَلَكَ عِنْدَكَ، مَعَ عَظَمِهِ عِنْدَهُ، أَخْذًا

مقدار بودن آنچه خواسته بود در نزد تو، با وجود بزرگیش در نزد او؛

بِحُجَّتِكَ عَلَيْهِ، وَتَأْكِدًا لَهَا حِينَ فَجَرَ وَكَفَرَ،

تا حجّتت را بر او تمام ساخته و تأکید کرده باشی وقتی که تباهی و فساد کرد و کفر ورزید

وَاسْتِطَالَ عَلَى قَوْمِهِ وَتَجَبَّرَ، وَبِكُفْرِهِ عَلَيْهِمْ

و بر قومش زورگویی کرد و سرکشی نمود و به کفر خود برایشان

أَفْتَحَرَ، وَيَظْلُمُهُ لِنَفْسِهِ تَكْبَرًا، وَيَحْلِمُكَ عَنْهُ

فخر کرد و به ظلمش بر نفس خود، تکبر و ورزید و به سبب بردباری تو درباره اش

اسْتَكْبَرَ، فَكَتَبَ وَحَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ جُزَاءً مِنْهُ، أَنْ

سریبچی و گردنکشی نمود، پس مقرر کرد و بر خود با جرأت حکم کرد که همانا

جَزَاءً مِثْلَهُ أَنْ يُغْرَقَ فِي الْبَحْرِ، فَجَزَيْتَهُ بِمَا حَكَمَ بِهِ

کیفر مثل او (در کفر و تکبر) این است که در دریا غرق شود؛ پس او را کیفر دادی به آنچه خود

**عَلَىٰ نَفْسِهِ . إِلَهِی وَأَنَا عَبْدُكَ ، إِبْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ**

بر خودش حکم کرد. خدای من! و من بندهٔ تو هستم؛ فرزند بنده و فرزند

**أَمَّتِكَ ، مُعْتَرِفٌ لَكَ بِالْعُبُودِيَّةِ ، مُقِرٌّ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ**

کنیز تو؛ به بندگی تو اعتراف می‌کنم؛ اقرار دارم به این که تو خدای آفرینندهٔ من

**خَالِقِي ، لَا إِلَهَ لِي غَيْرُكَ ، وَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ ، مُوقِنٌ**

هستی؛ هیچ معبودی برایم جز تو نیست؛ و هیچ پروردگاری برایم غیر از تو نیست؛ یقین دارم

**بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ رَبِّي ، وَإِلَيْكَ مَرَدِّي وَإِيَابِي ، عَالِمٌ**

که همانا تو خداوندی و پروردگار من هستی و بازگشت و رجوعم به سوی توست؛ می‌دانم

**بِأَنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ**

که بر هر چیزی توانایی و هر چه بخواهی انجام می‌دهی و هر چه اراده کنی حکم

**مَا تُرِيدُ ، لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِكَ ، وَلَا زَادًا لِقَضَائِكَ ،**

می‌نمایی؛ به تأخیر اندازنده‌ای نیست حکم تو را و ردکننده‌ای نیست فرمان تو را؛

**وَأَنَّكَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ، لَمْ تَكُنْ مِنْ**

و می‌دانم همانا تو اول و آخر و ظاهر و باطن هستی؛ از چیزی به وجود نیامدی

**شَيْءٍ ، وَلَمْ تَبْنِ عَنْ شَيْءٍ ، كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ ،**

و از چیزی ساخته نشدی؛ پیش از هر چیزی بودی

**وَأَنْتَ الْكَائِنُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَالْمُكُونُ لِكُلِّ شَيْءٍ ،**

و تو بعد از هر چیز خواهی بود؛ و ایجادکنندهٔ هر چیزی هستی؛

**خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِتَقْدِيرٍ ، وَأَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ .**

هر چیزی را به اندازه و مقدار آفریدی و تو شنوای بینایی.

**وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كَذَلِكَ كُنْتَ وَتَكُونُ ، وَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ ،**

و گواهی می‌دهم که تو این‌گونه بودی و خواهی بود؛ و تو زندهٔ پاینده‌ای؛

**لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ، وَلَا تُوصَفُ بِالْأَوْهَامِ ، وَلَا**

چرت و خواب تو را فرا نمی‌گیرد؛ و با خیالات و توهم‌ها وصف نمی‌گردد؛

**تُدْرِكُ بِالْحَوَاسِّ ، وَلَا تُقَاسُ بِالْمَقْيَاسِ ، وَلَا تُشَبَّهُ**

و با حواس درک نمی‌شوی؛ و با مقیاسی قیاس نمی‌شوی؛ و به مردم تشبیه نمی‌گردد؛

**بِالنَّاسِ ، وَأَنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ عِبِيدُكَ وَإِمَاؤُكَ ، أَنْتَ**

و این که تمام آفریدگان، بندگان و کنیزان تو هستند؛ تو

**الرَّبُّ وَنَحْنُ الْمَرْبُوبُونَ ، وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَنَحْنُ**

پروردگاری و ما پرورش‌یافتگان تو، و تو آفریننده‌ای و ما

**الْمَخْلُوقُونَ ، وَأَنْتَ الرَّازِقُ وَنَحْنُ الْمَرْزُوقُونَ .**

آفریده‌شده؛ و تو روزی دهنده‌ای و ما روزی خوار.

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي ، إِذْ خَلَقْتَنِي بِشَرٍّ سَوِيًّا ،

پس حمد و ستایش تو راست ای خدای من؛ چون مرا بشری درست و بی‌عیب آفریدی

وَجَعَلْتَنِي غَنِيًّا مَكْفِيًّا ، بَعْدَ مَا كُنْتُ طِفْلاً صَبِيًّا ،

و مرا بی‌نیاز و کفایت شده قرار دادی بعد از آن که کودکی کوچک بودم،

تَقَوُّتُنِي مِنَ الثَّدْيِ لَبَنًا مَرِيًّا ، وَعَدَّتُّنِي غَدَاءً طَيِّبًا

شیر گوارا را از پستان مادر خوراک من قرار دادی، و با غذای پاک لذیذ گوارا مرا تغذیه کردی

هَنِيئًا ، وَجَعَلْتَنِي ذَكَرًا مِثْلًا سَوِيًّا . فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا

و مرا مردی به شکلی متناسب و هماهنگ قرار دادی . پس حمد مخصوص توست؛ حمدی‌که

إِنْ عُدَّ لَمْ يُحْصَ ، وَإِنْ وُضِعَ لَمْ يَتَّسِعْ لَهُ شَيْءٌ ،

اگر شمرده شود به شمارش نیاید و اگر (در محلی) گذاشته شود چیزی گنجایش آن را

حَمْدًا يَفُوقُ عَلَى جَمِيعِ حَمْدِ الْخَامِدِينَ ، وَيَعْلُو

ندارد؛ ستایشی که بالاتر از تمام ستایشهای ستایشگران باشد و

عَلَى حَمْدِ كُلِّ شَيْءٍ ، وَيَفْخَمُ وَيَعْظُمُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ ،

بر ستایش هر چیزی برتری یابد و بر تمام آن‌ها بلندمرتبه‌گی و بزرگی کند؛

وَكَلَّمَا حَمِدَ اللَّهُ شَيْءٌ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ

و هرگاه چیزی خدا را ستایش کند، و حمد و ستایش خدا راست آن طور که خدا دوست می‌دارد که

يُحْمَدَ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ ، وَزِنَةَ مَا خَلَقَ ،

حمد شود، و حمد و ستایش مخصوص خداست به تعداد مخلوقات او و هم وزن آنچه آفرید

وَزِنَةَ أَجَلِّ مَا خَلَقَ ، وَبِوزْنِ أَحَفِّ مَا خَلَقَ ، وَبَعْدَ

و هم‌وزن بزرگ‌ترین چیزی که خلق کرد و به وزن سبک‌ترین چیزی که آفرید و به تعداد

أَصْغَرَ مَا خَلَقَ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَتَّى يَرْضَى رَبُّنَا وَبَعْدَ

کوچک‌ترین مخلوقاتش. و حمد و ستایش خدا راست به قدری که پروردگلمان راضی شود و پس از

الرِّضَا ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،

رضایت و خشنودیش؛ و از خدا می‌خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستد

وَأَنْ يَغْفِرَ لِي ذَنْبِي ، وَأَنْ يَحْمَدَ لِي أَمْرِي ، وَيَتُوبَ

و گناهم را ببخشد و کرم را سپاس گزارد، و توبه‌ام را بپذیرد؛

عَلَيَّ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ . إِلَهِي وَإِنِّي أَنَا أَدْعُوكَ

همانا او توبه‌پذیر مهربان است. خدای من؛ همانا من تو را می‌خوانم

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ صَفْوَتُكَ أَبُوْنَا آدَمُ

و از تو می‌خواهم - به آن نامت که (بندهٔ) برگزیده‌ات پدرمان آدم

عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَهُوَ مُسِيٌّ ظَالِمٌ حَسِبَ أَصَابَ

-که بر او درود باد- تو را به آن نام خواند و در حالی که گناهکار و ستم‌کننده بر نفس شد وقتی

الْخَطِيئَةَ ، فَغَفَرْتَ لَهُ خَطِيئَتَهُ ، وَتُسِبْتَ عَلَيْهِ ،

که خطا از او سرزد پس خطایش را بخشیدی و توبه‌اش را پذیرفتی

وَاسْتَجِبْتَ لَهُ دَعْوَتَهُ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ ،

و دعایش را اجابت نمودی و به او نزدیک بودی. ای نزدیک!

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُغْفِرَ لِي

-که بر محمد و آل محمد درود فرستی و خطایم را ببخشی

خَطِيئَتِي وَتَرْضَى عَنِّي ، فَإِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فَاعْفُ

و از من راضی و خشنود شوی؛ و اگر از من راضی نمی‌شوی، پس مرا مورد عفو

عَنِّي ، فَإِنِّي مُسِيءٌ ظَالِمٌ خَاطِئٌ عَاصٍ ، وَقَدْ يَعْتَمِدُ

خود فراردهی که همانا من گنهگار ظالم، خطاکار سرکش هستم؛

السَّيِّدُ عَنْ عِبْدِهِ ، وَلَيْسَ بِرَاضٍ عَنْهُ ، وَأَنْ تُرْضِيَ

و اقا بنده‌اش را عفو می‌کند در حالی که از او راضی نیست؛ و (می‌خواهم) که

عَنِّي خَلْقَكَ ، وَتُمِيطَ عَنِّي حَقَّكَ . إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ

آفریدگانت را از من راضی گردانی و حقت را از من برداری. خدای من؛ و از تو می‌خواهم

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِدْرِيسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ،

به آن نامت که به وسیلهٔ آن، ادریس - که بر او درود باد - تو را خواند؛

فَجَعَلْتَهُ صِدْقًا نَسِيًّا ، وَرَفَعْتَهُ مَكَانًا عَلِيًّا ،

پس او را تصدیق‌کننده و پیامبر قرار دادی، و در مرتبهٔ بلندی بالا بردی؛

وَاسْتَجِبْتَ دُعَاءَهُ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ ، أَنْ

و دعایش را اجابت نمودی و تو به او نزدیک بودی. ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَجْعَلَ مَا بِي

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و محلّ بلزگشتم را به سوی

إِلَى جَنَّتِكَ ، وَمَحَلِّي فِي رَحْمَتِكَ ، وَتَسْكِنَنِي فِيهَا

بهشت خویش قرار دهی، و جایگاهم را در رحمت خود قرار داده و در آن مرا با گذشت

بِعَمَلِي ، وَتُزَوِّجَنِي مِنْ حُورِهَا ، بِقُدْرَتِكَ يَا قَدِيرٌ .

خویش ساکن گردانی، و از حوریه‌اش برایم تزویج کنی، با توانایی‌ات ای خدای توانا.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ ، إِذْ نَادَى

خدای من؛ و از تو می‌خواهم به واسطهٔ آن نامت که نوح به آن نام تو را خواند؛ آن هنگام که

رَبَّهُ ﴿ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ ﴾ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ

پروردگارش را ندا داد: «من شکست خورده‌ام پس یاری برسان» \* در این هنگام درهای آسمان

بِمَاءٍ مِنْهُمْ ﴿ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ

را با آبی فراوان و ریزان گشودیم \* و زمین را شکافتیم و چشمه‌های زیادی بیرون فرستادیم و این

عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ ﴿١﴾ ، وَنَجَّيْتَهُ عَلٰى ذَاتِ الْأَوَاحِ

آب‌ها به اندازهٔ مقدر باهم آمیختند، و سوار بر چیزی که دارای تخته‌گا

و دُسرٍ ، فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا

و میخ‌ها بود (کشتی) نجاتش دادی، پس دعایش را اجابت نمودی و تو پیوسته به او نزدیک بودی، ای

قَرِيبٌ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ

نزدیک؛ (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی و

تُنَجِّبَنِي مِنْ ظُلْمٍ مَنْ يُرِيدُ ظُلْمِي ، وَتَكْفَ عَنِّي

مرا از ستم آن که می‌خواهد به من ستم کند نجات دهی، و مرا از شرّ و

بَأْسٍ مَنْ يُرِيدُ هَضْمِي ، وَتَكْفِيَنِي شَرَّ كُلِّ سُلْطَانٍ

عذاب آن‌که شکستم را می‌خواهد، نگه داری، و مرا کفایت کنی از شرّ هر سلطان

جَائِرٍ ، وَعَدُوِّ فَاهِرٍ ، وَمُسْتَخِفِّ قَادِرٍ ، وَجَبَّارٍ عَنِيدٍ ،

ستم‌پیشه و منحرف، و دشمن چیره‌شونده، و خوارکنندهٔ پرتوان، و زورگوی ستیزه‌گر،

وَكُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ، وَإِنْسِيٍّ شَدِيدٍ ، وَكَيْدِ كُلِّ

و هر شیطان سرکش و نافرمان، و هر انسان سخت‌گیر، و مکر هر

مَكِيدٍ ، يَا حَلِيمٍ يَا وَدُودٌ . اَللّٰهُمَّ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ

حیله‌گر، ای بردبار؛ ای بسیار مهربان؛ خدای من؛ از تو می‌خواهم به واسطهٔ آن نامت

۱. سورهٔ قمر، آیهٔ ۱۰- ۱۲.

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ صَالِحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ

که به آن نام بنده و پیامبر تو حضرت صالح-که بر او درود باد- تو را خواند؛

فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْخَسْفِ ، وَأَعْلَيْتَهُ عَلٰى عَدُوِّهِ ،

پس او را از فرو رفتن (خواری و نقصان) نجات دادی، و بر دشمنانش برتری بخشیدی،

وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبٌ ، أَنْ

و دعایش را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که

تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُخَلِّصَنِي مِنَ

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا از

شَرِّ مَا يُرِيدُنِي أَعْدَائِي بِهِ ، وَسَعَىٰ بِي حُسَّادِي ،

شرّ آنچه دشمنانم نسبت به من می‌خواهند و حسودانم تلاش می‌کنند رها گردانی،

وَ تَكْفِيَنِيهِمْ بِكَفَايَتِكَ ، وَتَتَوَلَّانِي بِوَلَايَتِكَ ،

و به کفایت خود مرا از آنان کفایت کنی، و به ولایت خود مرا سرپرستی نمایی،

وَتَهْدِي قَلْبِي بِهِدَاكَ ، وَتُوَيِّدُنِي بِتَقْوَاكَ ،

و قلبم را به هدایت خود هدایت سازی، و به تقوای خود مرا نیرو بخشی،

و تُبَيِّصِرَنِي (وَتُبَيِّصِرَنِي) بِمَا فِيهِ رِضَاكَ ، وَتُعِينَنِي بِغِنَاكَ

و مرا در آنچه رضای توست بینا و آگاه گردانی، و به بی‌نیازی خود مرا بی‌نیاز سازی،

يَا حَلِيمُ . إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

ای بردبار؛ خدای من؛ از تو می‌خواهم به واسطهٔ آن اسمت که به آن اسم، بنده

عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ وَحَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، حِينَ

و پیامبر و دوستت حضرت ابراهیم -که بر او درود باد - تو را خواند، هنگامی که

أَرَادَ نُمُودُ الْقَائِمُ فِي النَّارِ ، فَجَعَلْتَ لَهُ النَّارَ بَرْدًا

نمرد خوست او را در آتش بیندازد؛ پس، آتش را بر او سرد

وَسَلَامًا ، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا

و سلامت قرار دادی، و دعایش را اجابت کردی، و تو به او نزدیک بودی ای

قَرِيبُ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ

نزدیک، (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و

تُبَرِّدَ عَنِّي حَرَّ نَارِكَ ، وَتُطْفِئَ عَنِّي لَهَبَهَا ،

حرارت آتشت را بر من سرد گردانی، و شعلهٔ آن را از من خاموش کنی

وَتَكْفِيَنِي حَرَّهَا ، وَتَجْعَلَ نَائِرَةَ أَعْدَائِي فِي

و از حرارتش مرا کفایت کنی، و آتش فتنه‌انگیز دشمنانم را در لباس‌های

شِعَارِهِمْ وَدِثَارِهِمْ ، وَتَرُدَّ كَيْدَهُمْ فِي نُحُورِهِمْ ،

زیر و رویشان (ظاهر و باطن ایشان) قرار دهی، و نیزنگشان را به خودشان بازگردانی،

وَتُبَارِكْ لِي فِيمَا أُعْطَيْتَنِيهِ ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَيْهِ وَعَلَى

و در آنچه به من عطا فرمودی برکت دهی؛ همچنان که بر او و بر

آلِهِ ، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ . إِلَهِي

دودمانش برکت دادی؛ همانا تو بسیار بخشنده، ستوده شده و باشکوه و عظمی. خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ

از تو می‌خواهم به آن نامی که به واسطهٔ آن، اسماعیل - که بر او

السَّلَامُ ، فَجَعَلْتَهُ نَبِيًّا وَرَسُولًا ، وَجَعَلْتَ لَهُ حَرَمَكَ

درود باد - تو را خواند؛ پس او را پیامبر و رسول قرار دادی، و حرمت را برایش

مَنْسَكًا وَمَسْكَنًا وَمَأْوَىً ، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ ،

محلّ عبادت و منزلگاه و پناهگاه قرار دادی، و دعایش را اجابت نمودی،

وَنَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ ۱ ، وَقَرَّبْتَهُ رَحْمَةً مِنْكَ ، وَكُنْتَ

و او را از قربانی‌شدن نجات بخشیدی، و از رحمت و لطف خود وی را مقرب ساختی، و تو

مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَفْسَحَ لِي فِي قَبْرِي ، وَتَحُطَّ عَنِّي

محمد درود فرستی و قبرم را وسعت دهی و بار سنگین‌گناه را از من برداری

۱ . الذَّبْح - به فتح ذال - یعنی کشته‌شدن، و به کسر ذال: یعنی چیزی که کشته می‌شود.

وَزْرِي، وَتَشُدُّ لِي أَرْزِي، وَتَعْفِرْ لِي ذَنْبِي،

و پشتم را محکم سازی، و گناهم را ببخشی

وَتَزُوقَنِي السَّوْبَةَ بِحَطِّ السَّيِّئَاتِ، وَتَضَاعِفِ

و توبه را روزیم کنی با فروریختن زشتی‌ها و بدی‌ها و افزودن خوبی‌ها و

الْحَسَنَاتِ، وَكُشِفِ الْبَلِيَّاتِ، وَرِيحِ التَّجَارَاتِ،

نیکی‌ها و برطرف کردن بلاها، و سود تجارت‌ها،

وَدَفْعِ مَعْرَةِ السَّعَايَاتِ، إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ،

و دور کردن بدی‌ها و اندیشه‌های سخن‌چینی‌ها؛ همانا تو اجابتگر دعاها

وَمُنْزِلُ الْبَرَكَاتِ، وَقَاضِي الْحَاجَاتِ، وَمُعْطِي

و فرو فرستنده برکت‌ها، و برآورنده حاجت‌ها، و بخشنده

الْخَيْرَاتِ، وَجِبَارُ السَّمَاوَاتِ . إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِمَا

خیرات و خوبی‌ها، و جبار و حاکم آسمان‌هایی . خدای من؛ از تو می‌خواهم به آنچه که

سَأَلْتُكَ بِهِ ابْنُ خَلْبَلِكِ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، الَّذِي

به واسطهٔ آن از تو خواست فرزند دوست اسماعیل - که بر او درود باد - آن کسی که

تَجَّيَّبَتْهُ مِنَ الذَّبْحِ، وَقَدَّيْتَهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ، وَقَلَّبْتَ لَهُ

او را از کشته‌شدن نجات بخشیدی، و قربانی بزرگ را از کُتُوف او فدیه قرار دادی و برای او

الْمِشْتَقَّصَ حِينَ نَاجَاكَ مُوقِنًا بِذَبْحِهِ، رَاضِيًا

کاردار را برگرداندی؛ هنگامی که با تو مناجات‌کرد در حالی که یقین به کشته شدن خود داشت

بِأَمْرِ وَالِدِهِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا

و راضی به امر پدرش بود؛ پس دعایش را برای او اجابت نمودی و تو به او نزدیک بودی،

يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

ای نزدیک؛ (می‌خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی و

تُنَجِّنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَبَلِيَّةٍ، وَتَصْرِفَ عَنِّي كُلَّ

مرا از هر بدی و بلایی نجات دهی و هر

ظُلْمَةٍ وَخِيمَةٍ، وَتَكْفِيَنِي مَا أَهَمَّتَنِي مِنْ أُمُورِ دُنْيَايَ

تاریکی شدید را از من بازگردانی، و کفایتم کنی آنچه را از امور دنیا

وَأَخْرَتِي، وَمَا أَحَازِرُهُ وَأَخْشَاهُ، وَمِنْ شَرِّ خَلْقِكَ

و آخرتم که مرا اندوهگین ساخته است، و آنچه از آن برهیز می‌کنم و می‌ترسم، و از شر

أَجْمَعِينَ، بِحَقِّ آلِ يَسٍ . إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

همهٔ آفریدگانت به حق آل محمد ﷺ . خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن نامت

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لُوطٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَتَجِيبَنَّهُ وَأَهْلَهُ

که به واسطهٔ آن، لوط - که بر او درود باد - تو را خواند، پس او و اهلس را

مِنَ الْخَسْفِ وَالْهَدْمِ وَالْمُتْلَاتِ وَالشَّدَّةِ وَالْجُهْدِ ،

از فرورفتن (در زمین) و ویران شدن (خانه‌ها) و شکنجه‌ها و سختی و مشقت نجات دادی

وَأَخْرَجْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ

و او و اهلس را از گرفتاری بزرگ رهانیدی، و دعایش را اجابت نمودی،

دُعَاءَهُ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَأْذَنَ لِي بِجَمِيعِ مَا سُئِنْتُ

محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا اجازه دهی به جمع نمودن تمام کارهای

مِنْ شَمْلِي ، وَتُقَرَّ عَيْنِي بِوَلَدِي وَأَهْلِي وَمَالِي ،

پراکنده‌ام، و دیدهام را به فرزندم و خانواده‌ام و مالم روشن گردانی،

وَتُصْلِحَ لِي أُمُورِي ، وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ

و امورم را اصلاح کنی، و تمام حالاتم را مبارک گردانی،

أَحْوَالِي ، وَتُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي آمَالِي ، وَأَنْ تُجِيرَنِي

و مرا به آرزوهایم در مورد خودم برسانی، و از آتش پناهم دهی،

مِنَ النَّارِ ، وَتَكْفِينِي شَرَّ الْأَشْرَارِ بِالْمُصْطَفَيْنِ

و مرا کفایت کنی از بدی بدکاران، به واسطه برگزیدگان

الْأَخْيَارِ ، الْأَيَّامَةِ الْأَبْرَارِ ، وَنُورِ الْأَنْوَارِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

نیکان، (یعنی) امامان نیکوکار، و روشنی‌بخش روشنی‌ها، محمد و آل او

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ ، الْأَيْمَةَ الْمَهْدِيِّينَ ،

که پاکان و پاکیزگان و نیکان‌اند، پیشوایان هدایت‌گر،

وَالصَّفْوَةَ الْمُنتَجِبِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ،

و برگزیدگان نجیبان - که دروهای خدا بر تماشان یاد - هستند.

وَتَرزُقَنِي مُجَالَسَتَهُمْ ، وَتَمَنَّ عَلَيَّ بِسْمُرِ اقْتِهِمْ ،

و همنشینی آنان را روزی من گردانی، و بر من به رفاقت و همراهی آنان ممت گذاری،

وَتُوفِّقَ لِي صُحْبَتَهُمْ ، مَعَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ ،

و مرا موفق به همدمی و همنشینی ایشان نمایی، با پیامبران رسالت داده شده،

وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ، وَأَهْلِي

و فرشتگان مقربت، و بندگان نیکوکار و صالحت، و تمام

طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ ، وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَالْكَرُّوْبِيِّينَ .

فرمانبرداران تو و حاملان عرشت و فرشتگان کزوبیان.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ يَعْقُوبُ ، وَقَدْ

خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن نامت که به واسطه آن، یعقوب از تو درخواست کرد، در حالی



كُفَّ بَصْرُهُ، وَشَتَّتَ شَمْلُهُ (جَمْعُهُ)، وَقَفِدَ قُرَّةَ عَيْنِهِ

که چشمش کور شده و اجتماعش پراکنده شده، و نور چشمش (یعنی) پسرش گم شده بود؛

ابْنُهُ، فَاسْتَجَبَتْ لَهُ دُعَاءُهُ، وَجَمَعَتْ شَمْلَهُ،

پس دعایش را اجابت نمودی و پراکندگی او را جمع نمودی،

وَأَقْرَرْتَ عَيْنَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا

و چشمش را روشن کردی، و گرفتاریش را برطرف نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای

قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

نزدیک؛ (می‌خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی و

تَأْذَنَ لِي بِجَمِيعِ مَا تَبَدَّدَ مِنْ أَمْرِي، وَتَقِرَّ عَيْنِي

مرا در جمع نمودن آنچه از امرم پراکنده شده اذن دهی و چشمم را

يُوَلِّدِي وَأَهْلِي وَمَالِي، وَتُصَلِّحَ شَأْنِي كُلَّهُ، وَتُبَارِكَ

به فرزندانم و خانواده‌ام و مالم روشن نمایی، و تمام کارهایم را اصلاح کنی، و

لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي، وَتُبَلِّغْنِي فِي نَفْسِي أَمَالِي،

همه حالات و تحولات زندگی را برابرم مبارک گردانی، و مرا به تمام آرزوهایم در مورد خودم برسانی،

وَتُصَلِّحَ لِي أَعْمَالِي، وَتَمَنَّ عَلَيَّ يَا كَرِيمُ، يَا ذَا

و کارهایم را اصلاح کنی، و بر من ممت گذاری ای بزرگوار؛ ای صاحب

الْمُعَالِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . إِلَهِي

بزرگی‌ها و برتری‌ها؛ به رحمت تو ای مهربان‌ترین مهربانان، خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَسِيئِكَ

از تو می‌خواهم به آن اسمت که به واسطه آن نام، بنده و پیامبرت

يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاسْتَجِبْتَ لَهُ، وَنَسِيئَتَهُ مِنْ

یوسف - که بر او درود باد - تو را خواند پس دعایش را اجابت کردی، و او را از

عِيَابَتِ الْجُبِّ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَكَفَيْتَهُ كَيْدَ إِخْوَتِهِ،

اعمالی چاه نجات دادی، و گرفتاریش را برطرف نمودی، و او را از مکر برادرانش کفایت

وَجَعَلْتَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، وَاسْتَجِبْتَ دُعَاءَهُ،

کرده و بعد از بندگی و بردگی او را پادشاه قرار دادی، و دعایش را اجابت نمودی.

وَكَنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (می‌خواهم) بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَدْفَعَ عَنِّي كَيْدَ كُلِّ كَائِدٍ، وَشَرَّ كُلِّ

و آل محمد درود فرستی، و نیرنگ هر حيله‌گر، و شر هر

خَاسِدٍ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ

حسود را از من دور کنی، همانا تو بر هر چیزی توانایی. خدای من؛ از تو می‌خواهم

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَتَبَيْتُكَ مُوسَى بْنِ

به آن نامت که به آن نام، بنده و پیامبرت موسی بن

عِمْرَانَ إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ ﴿وَنَادَيْنَاهُ مِنْ

عمران تو را خواند آن هنگام که گفتی - ای پاک و بلندمرتبه - : «ما او را از

جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا﴾<sup>۱</sup>، وَصَرَبْتَ لَهُ

طرف راست کوه طور فرا خواندیم و او را برای رازگویی، به خود نزدیک ساختیم؛ و

طَّرِبْقاً فِي الْبَحْرِ يَبَساً، وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ مِنْ بَنِي

راهی خشک در دریا پرایش گشودی، و او و همراهانش از بنی‌اسرائیل را نجات دادی،

إِسْرَائِيلَ، وَأَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجَسُودَهُمَا،

و فرعون و هامان و سپاهیانشان را غرق کردی،

وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ،

و دعای موسی را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

(می‌خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی، و

تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ، وَتُقَرِّبَنِي مِنْ عَفْوِكَ،

مرا از شر آفریدگانت در پناه خود نگه داری، و مرا با گذشتت مقرب خود گردانی،

۱ . سورة مريم، آية ۵۲.

وَتَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ مَا تُعْطِينِي بِهِ عَنْ جَمِيعِ

و از فضل خود بر من گسترش دهی آن قدر که مرا از تمام خلق بی‌نیاز کنی.

خَلْقِكَ، وَيَكُونُ لِي بَلَاغاً أَنْالُ بِهِ مَغْفِرَتَكَ

و برایم به قدر کفایت باشد که به واسطهٔ آن به امرزش

وَرِضْوَانِكَ، يَا وَلِيَّI

و رضوان تو برسم، ای صاحب اختیار من و صاحب اختیار مؤمنان. خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِالْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَتَبَيْتُكَ

از تو می‌خواهم به آن نامی که به واسطهٔ آن، بنده و پیامبرت

دَاوُودُ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤَهُ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْجِبَالَ،

داود تو را خواندی، پس دعایش را اجابت کردی، و کوه‌ها را مستخر و تحت فرمان او ساختی.

يَسْبِخُنَ مَعَهُ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً

که با او در شام‌گاهان و صبح‌گاهان تسبیح گویند، و پرندگانی که پیرامون او بودند

كُلُّهُ لَهٗ أَوَابٌ، وَشَدَدْتَ مُلْكَهُ، وَآتَيْتَهُ الْحِكْمَةَ

همگی را فرمانبردار او گرداندی، و سلطنتش را محکم نمودی، و حکمت

وَفَضَلَ الْخُطَابِ، وَأَلْتَمْتُ لَهُ الْحَدِيدَ، وَعَلَّمْتَهُ صَنْعَةَ

و فضل‌الخطاب (حکم قاطعی که باعث تمام‌شدن اختلاف گردد) را به او عطا کردی، و آهن را برایش نرم گردانیدی،

لُبُوسٍ لَهُمْ، وَعَفَّرْتَ ذَنْبَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا

وصعت زره‌سازی را به او آموختی، و گناهش را بخشودی، و تو به او نزدیک بودی، ای

قَرِيبٌ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

نزدیک. از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی،

وَأَنْ تُسَخِّرَ لِي جَمِيعَ أُمُورِي، وَتَسَهِّلَ لِي تَقْدِيرِي،

و تمام امورم را تحت فرمانم قرار دهی، و تقدیرم را برای من آسان سازی،

وَتَرزُقْنِي مَعْفِرَتَكَ وَعِبَادَتَكَ، وَتَدْفَعَ عَنِّي ظُلْمَ

و آمرزش و عبادت خود را روزیم کنی، و از من دور کنی ستم

الظَّالِمِينَ، وَكَيْدَ الْكَاذِبِينَ، وَمَكْرَ الْمَاكِرِينَ،

ستمگران، و نیرنگ حيله‌گران، و مکر مکاران،

وَسَطَوَاتِ الْفِرَاعِنَةِ الْجَبَّارِينَ، وَحَسَدِ الْخَاسِدِينَ،

و بورش‌های فرعون‌های زورگو، و حسد حسودان را.

يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ، وَجَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ، وَثِقَةَ

ای ایمنی‌بخش بیمناکان، و امان دهنده پناه‌جویان، و محل اطمینان

الْوَاتِقِينَ، وَدَرِيعَةَ الْمُؤْمِنِينَ، وَرَجَاءَ الْمُتَوَكِّلِينَ،

اعتمادکنندگان، و دستاويز مؤمنان، و امید توکل‌کنندگان،

وَمُعْتَمَدِ الصَّالِحِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. السَّهِي

و محل اعتماد نیکوکاران، ای مهربان‌ترین مهربانان. خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْإِسْمِ الَّذِي سَمَّيْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَنَبِيَّكَ

از تو می‌خواهم بار پروردگارا! به آن اسمی که بنده و پیامبرت

سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُودَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، إِذْ قَالَ ﴿رَبِّ

سلیمان فرزند داوود - که بر هر دو درود باد - تو را خواند هنگامی که گفت: «بارالها!

اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي

مرا ببخش و مرا سلطنتی عطا فرما که پس از من کسی سزاوار آن نباشد

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾<sup>۱</sup>، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَأَطَعْتَ

که همانا تو بسیار بخشنده‌ای؛ پس دعایش را اجابت نمودی، و

لَهُ الْخُلُقَ، وَحَمَلْتَهُ عَلَى الرِّيحِ، وَعَلَّمْتَهُ مَسْنِقَ

آفریدگان را مطیع او ساختی، و او را سوار بر باد کردی، و زبان پرندگان را به او آموختی،

الطَّيْرِ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الشَّيَاطِينَ مِنْ كُلِّ بَسَاءٍ

و شیاطین - بناکننده و فرورونده در آب - را مسخر او ساختی،

وَعَوَاصِ، وَآخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ، هَذَا

و دیگران را در بند و زنجیر او کشیدی؛ این،

۱.سوره ص، آیه ۳۵.

عَطَاؤُكَ لَا عَطَاءَ غَيْرِكَ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ ،

بخشش توست نه بخشش غیر تو؛ و توبه او نزدیک بودی، ای نزدیک.

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَهْدِيَ لِي

(می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و قلم را برایم هدایت کنی،

قَلْبِي ، وَتَجْمَعَ لِي لُبِّي ، وَتَكْفِينِي هَمِّي ، وَتَسْؤِمِنَ

و عقلم را برایم متمرکز گردانی، و اندوهم را کفایت کنی، و

خَوْفِي ، وَتَفُكَّ أَسْرِي ، وَتَشُدَّ أَرْزِي ، وَتُمَهِّلَنِي

ترسم را ایمن گردانی، و از بند اسارتم رها کنی، و پشتم را محکم گردانی، و مرا مهلت دهی،

وَتُنَفِّسَنِي ، وَتَسْتَجِيبَ دُعَائِي ، وَتَسْمَعَ نِدَائِي ،

و آسوده خاطر سازی، و دعایم را اجابت کنی، و ندایم را بشنوی،

وَلَا تَجْعَلَ فِي النَّارِ مَأْوَايَ ، وَلَا الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّي ،

و جایگاهم را در آتش قرار ندهی، و دنیا را بزرگ‌ترین مقصود من قرار ندهی،

وَأَنْ تُوَسِّعَ عَلَيَّ رِزْقِي ، وَتُحَسِّنَ خُلُقِي ، وَتُعْتِقَ

و روزی‌ام را برایم وسعت دهی، و اخلاقم را نیکو گردانی، و

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ ، فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَوْمِلِي .

مرا از آتش آزاد کنی؛ همانا تو آقای من و مولای من و نهایت آرزوی من هستی.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ ،

خدای من؛ از تو می‌خواهم، پروردگارا؛ به آن اسمت که به آن اسم، ایوب تو را خواند،

لَمَّا حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ بَعْدَ الصَّحَّةِ ، وَنَزَلَ السَّسَمُ مِنْهُ

هنگامی که بلا بعد از صحت به او رسید، و بیماری جای

مَنْزِلِ الْعَافِيَةِ ، وَالضَّيْقُ بَعْدَ السَّعَةِ وَالسَّقْدَرَةَ ،

عافیت او نشست و تنگی و شدت بعد از فراخی و توانایی بر او روی آورد؛ پس

فَكَشَفَتْ ضُرَّهُ ، وَرَدَدَتْ عَلَيْهِ أَهْلَهُ ، وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ ،

گرفتاریش را برطرف کردی، و خانواده‌اش و مثل ایشان را که با ایشان بودند به او بازگرداندی، هنگامی

حِينَ نَادَاكَ، ذَاعِباً لَكَ، زَاعِباً إِلَيْكَ، زَاجِئاً لِفَضْلِكَ،

که تو را ندا داد، در حالی که دعاکنندهٔ برای تو و روی آورنده به سوی تو، و امیدوار به بخشش تو،

شَاكِئاً إِلَيْكَ رَبِّ ۞ إِنِّي مَسْنِي الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ

و شکوه‌کننده به سوی تو بود (وگفت): ای پروردگار من؛ همانا بیچارگی بر من رسیده و تو مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ ۞<sup>۱</sup> ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ ،

مهربانانی؛ پس، دعایش را اجابت کردی و بیچارگی او را برطرف نمودی

وَكَنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ . أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و توبه او نزدیک بودی، ای نزدیک. (می‌خواهم) که بر محمد

<sup>[1]</sup> سورة انبياء ، آیه ۸۳.

وَأَلِّ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَكْشِفَ ضُرِّي ، وَتُعَافِيَنِي فِي

وَأَلِّ مُحَمَّدٍ درود فرستی، و بیچارگی مرا برطرف کنی. و در

نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي فِيكَ ،

جان و خانواده و مال و فرزند و برادران دینی‌ام عافیت دهی،

عَافِيَةً بَاقِيَةً شَافِيَةً كَافِيَةً ، وَافِرَةً هَادِيَةً نَامِيَةً ،

عافیت پایدار، شفابخش، کفایتگر، فراوان و فراگیر، هدایتگر، رشد دهنده،

مُسْتَعْنِيَةً عَنِ الْأَطْبَاءِ وَالْأَدْوِيَةِ ، وَتَجْعَلْهَا شِعَارِي

بی‌نیازکننده از پزشکان و دواها؛ و آن را لباس زیر

وَدِرْتَارِي ، وَتُمَتِّعَنِي بِسَمْعِي وَبَصْرِي ، وَتَجْعَلْهُمَا

و رویم قرار دهی (کنایه از اینکه همواره با من همراه باشد)، و مرا به چشم و گوشم بهره‌مند سازی.

الْوَارِثِينَ مِنِّي ، إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . إِلَهِي

و آن دو را وارثان من قرار دهی؛ که همانا تو بر هر چیزی توانایی. خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُونُسُ بْنُ مَتَّى فِي

از تو می‌خواهم به آن اسمت که به واسطهٔ آن اسم، یونس پسر متی در

بَطْنِ الْحَوْتِ حِينَ نَادَاكَ فِي ظُلُمَاتِ ثَلَاثٍ ۖ أَنْ لَا

شکم ماهی تو را خواند، هنگامی که تو را در تاریکی‌های سه‌گانه خواند (و گفت:) «هیچ

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۱﴾

معبودی نیست غیر از تو، تو پاک و منزهی؛ همانا من از ستمگران -بر خویش -هستم؛

وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ، فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ ، وَأَنْبَتَتْ

و (حال آن‌که) تو مهربان‌ترین مهربانانی؛ پس دعایش را اجابت نمودی، و

عَلَيْهِ شَجَرَةٌ مِنْ يَقْطِينٍ ، وَأَرْسَلْتَهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ

بوته‌ای از کدو برایش رواندی؛ و او را به سوی صد هزار نفر یا

يَزِيدُونَ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ ، أَنْ تُصَلِّيَ

بیشتر فرستادی، و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (می‌خواهم) که

عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَلِّ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي ،

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و دعایم را اجابت کنی،

وَتُدَارِكَنِي بِعَفْوِكَ ، فَقَدْ عَرَفْتُ فِي بَحْرِ الظُّلْمِ

و باگذشت خود گذشتنام را جبران کنی؛ زیرا، در دریایی از ستم بر خویش، غرق شده‌ام؛

لِنَفْسِي ، وَرَزَقْتَنِي مَظَالِمَ كَثِيرَةً لِحَلْفِكَ عَلَيَّ ، صَلِّ

و حقّ و حقوق بسیاری برای بندگانت به دوش من است،

عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَلِّ مُحَمَّدٍ ، وَاسْتُرْنِي مِنْهُمْ ، وَأَعِثْنِي

بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا از آنان پنهان دار، و مرا

۱. سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۸۷.

مِنَ النَّارِ ، وَاجْعَلْنِي مِنْ عُسْتَأْيِكَ وَطُلُقَانِكَ مِنْ

از آتش رهایی بخش، و مرا از آزادشدگان و رهایی‌یافتگان از

النَّارِ ، فِي مَقَامِي هَذَا ، بِمَنِّكَ يَا مَنَّانُ . إِلَهِي

آتش در همین مقام و موقعیتم قرار بده به خاطر لطف و احسانت ـ ای بسیار احسان کننده ـ . خدای

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ

من؛ از تو می‌خواهم به آن اسمت که به واسطهٔ آن اسم بنده و پیامبرت

عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذْ أَيْدَتْهُ بِرُوحِ

عیسی پسر مریم تو را خواند ـ که بر هر دو درود باد ـ در آن هنگام که او را با روح القدس نیرو

الْقُدُّسِ ، وَأَنْطَقْتَهُ فِي الْمَهْدِ ، فَأَحْيَيْ بِهِ الْمَوْتَى ،

بخشیدی، و در گهواره گویا نمودی، و به وسیلهٔ او، مردگان زنده شدند،

وَأَبْرَأَ بِهِ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ ، وَخَلَقَ مِنَ الطِّينِ

به وسیلهٔ او با اجازهٔ تو کور مادرزاد و بیمار پیسی‌گرفته شفا یافت، و از گِل،

كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَصَارَ طَائِراً بِإِذْنِكَ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً

شکل پرنده‌ای را درست کرد پس به اذن تو پرنده و پروازکننده گردید؛ و تو به او نزدیک بودی،

يَا قَرِيبُ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ

ای نزدیک، (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی و

تُعَرِّعَنِي لِمَا خُلِقْتُ لَهُ ، وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا قَدْ تَكَلَّفْتَهُ

مرا برای آنچه آفریده شده‌ام (از مشغولیات) فارغ بداری، و مرا مشغول نکنی به آنچه برایم عهده‌دار

لِي ، وَتَجْعَلْنِي مِنْ عِبَادِكَ وَرُحَادِكَ فِي الدُّنْيَا ،

گشته‌ای، و مرا از عبادت پیشه‌گان و زاهدان خود در دنیا قرار دهی،

وَمِمَّنْ خَلَقْتَهُ لِلْغَافِيَةِ ، وَهَاتَتْهُ بِهَا مَعَ كِرَامَتِكَ يَا

و از آنان که برای عاقبت و سلامت آنها را آفریده‌ای، و به بزرگواری‌ات، زندگی را با داشتن عاقبت برایشان گویا

كَرِيمٍ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمٍ . إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

گرداندی؛ ای بخشنده؛ ای بلندمرتبه؛ ای بزرگ، خدای من؛ از تو می‌خواهم به خاطر آن اسمت که

دَعَاكَ بِهِ أَصَفُ بْنُ بَرْخِيَا عَلِيُّ عَرْشِ مَلَكَهٖ سَبَا ،

به واسطهٔ آن، آصف پسر برخیا بر (احضار) تخت ملکهٔ سبا تو را خواند؛

فَكَانَ أَقْلٌ مِنْ لِحْظَةِ الطَّرْفِ ، حَتَّى كَانَ مُصَوَّراً بَيْنَ

پس در کمتر از چشم برهم گذاشتنی در پیش چشمش حاضر شد، به گونه‌ای که وقتی ملکه،

يَدَيْهِ ، فَلَمَّا رَأَتْهُ ﴿ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ

آن را دید »به او گفته شد: آیا تخت تو چنین است؟ (بلقیس) گفت: گویا

هُوَ ﴿ فَاسْتَجَبَتْ دُعَاءَهُ ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ ،

همین است» پس دعایش را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک،

<sup>[1]</sup> سورة نمل، آیه ۴۲

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَتُكْفِرَ عَنِّي

(می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و گناهان و

سینئاتی، و تقبل مینی حسناتی، و تقبل توبتی،

بدی‌هایم را ببوشانی، و کارهای نیکویم را از من قبول کنی، و توبه‌ام را بپذیری،

و توب علیّ، و تغنی فقری، و تجبر کسری،

و بر من روی آوری، و فقرم را برطرف سازی، و شکست مرا را جبران کنی،

و تحیی فوادی پذیرک، و تحیینی فی عافیة،

و قلمم را با یاد خود زنده کنی، و مرا در عافیت زنده بداری

و تمپنتی فی عافیة. الٰهی و اسألک بِالْإِسْمِ الَّذِي

و در عافیت بمیرانی. خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن اسمی که

دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ حَسِينِ

به واسطهٔ آن اسم، بنده و پیامبرت زکریّا - که بر او درود باد - تو را خواند؛ هنگامی که از

سَلَّتْكَ، دَاعِيًا لَكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ، رَاغِبًا لِفَضْلِكَ، فَقَامَ

تو درخواست نمود در حالیکه دعاکننده بود، و اشنیائی به سوی تو و امیدواری به بخشش تو داشت،

فِي الْمِحْرَابِ يُنَادِي نِدَاءً خَفِيًّا، فَقَالَ رَبِّ ﴿ هَبْ لِي

پس در محراب عبادت ایستاد در حالی که با ندای پنهانی که می‌داد گفت: پروردگارا؛

مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ﴿ يَرْتْنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ

'از نزد خود، جانشین (و فرزندی) به من عطا کن؛ که از من و آل یعقوب ارث ببرد،

وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ﴿ اَفْوَهْبْتَ لَهُ يَحْيَى، وَاسْتَجَبْتَ

و او را وارثی صالح و پسندیده قرار ده، پس یحیی را به او بخشیدی، و دعایش

لَهُ دُعَاءُهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ

را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُسَبِّحَ لِي أَوْلَادِي،

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و فرزندانم را برابم نگو داری،

وَأَنْ تُمَسِّعَنِي بِهِمْ، وَتَجْعَلَنِي وَإِيَّاهُمْ مُؤْمِنِينَ لَكَ،

و مرا از وجود ایشان بهره‌مند سازی، و من و آنان را از ایمان‌آوردنگان به خودت؛

رَاغِبِينَ فِي ثَوَابِكَ، خَائِفِينَ مِنْ عِقَابِكَ، رَاغِبِينَ لِمَا

و از مشتاقان ثوابت، بیمناکان از کیفرت، امیدواران به آنچه

عِنْدَكَ، آيِسِينَ مِمَّا عِنْدَ غَيْرِكَ حَتَّى تُحْيِيَنَا حَيَوَةً

نزد توست، ناامیدان از آنچه نزد غیر توست قرار دهی؛ تا ما را به زندگی پاک و پاکیزه

طَيِّبَةً، وَتُمَيِّنَنَا مِيبَةً طَيِّبَةً، إِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ.

زنده داری و به مرگ پاک و پاکیزه بمیرانی؛ همانا تو هر چه خواهی انجام می‌دهی.

<sup>[1]</sup> سورة مريم، آیه ۵ و ۶

**إِلَهِیْ وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِیْ سَأَلْتَكِ بِهِ امْرَأَةٌ**

خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن اسمی که به واسطهٔ آن، همسر

**فِرْعَوْنَ، ﴿۱﴾ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ**

فرعون تو را خواند «وقتی گفتم: بارالها؛ برایم در نزد خود خانه‌ای در بهشت بنا کن

**وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ**

و مرا از فرعون و کارگزارانش نجات ده و مرا از گروه ستمکاران رهایی بخش؛

**الظَّالِمِينَ ﴿۱﴾ ، فَاسْتَجَبَتْ لَهَا دُعَائُهَا ، وَكُنْتَ مِنْهَا**

پس دعایش را اجابت نمودی، در حالی که تو به او نزدیک بودی،

**قَرِيبًا يَا قَرِيبُ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،**

ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی،

**وَأَنْ تُقَرَّ عَيْنِي بِالنَّظَرِ إِلَيَّ جَنَّتِكَ ، وَوَجْهَكَ الْكَرِيمِ**

و دیده‌ام را با نظر به بهشت خود، و به دیدن لطف کریمانهٔ خود

**وَأَوْلِيَائِكَ ، وَتُقَرَّجَنِي بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَتُوْنَسَنِي بِهِ**

و اولیای خودت روشن کنی، و به واسطهٔ محمد و آل محمد مرا به گشایش و راحتی

**وَيَآلِهِ ، وَيَمْصَاحِبَتِهِمْ وَمُرَافِقَتِهِمْ ، وَتَسْمَكْنَ لِي**

برسانی، و مرا با او و آل او، و هم‌صحبتی و همراهی ایشان مأنوس گردانی؛ و مرا در بهشت

۱. سورهٔ تحریم، آیهٔ ۱۱.

**فِيهَا ، وَتُنَجِّنِي مِنَ النَّارِ ، وَمَا أَعِدَّ لِأَهْلِهَا مِنْ**

جای دهی و متمکن سازی؛ و از آتش نجاتم بخشی، و از آنچه که برای اهل آتش آماده شده است از

**السَّلَاسِلِ وَالْأَغْلَالِ ، وَالشَّدَائِدِ وَالْأَنْكَالِ ، وَأَنْوَاعِ**

زنجیرها و غل‌ها، و نیز سختی‌ها و فشارها، و انواع عذاب‌ها رهایی بخشی؛

**الْعَذَابِ ، بِعَفْوِكَ يَا كَرِيمُ . إِلَهِیْ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ**

با گذشت خودت، ای بخشندهٔ بزرگوار؛ خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن اسمی که

**الَّذِي دَعَيْتَكَ بِهِ عَبْدَتُكَ وَصِدِّيقَتُكَ مَرْيَمُ السَّبْوُولُ**

به واسطهٔ آن اسم، بنده و تصدیق‌کننده‌ات مریم پاکدامن

**وَأُمُّ الْمَسِيحِ الرَّسُولِ عَلَيَّهِمَا السَّلَامُ ، إِذْ قُلْتُ**

و مادر مسیح رسول - که بر هر دو درود یاد - تو را خواند؛ هنگامی که گفتم:

**﴿وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا**

۱ - یاد آر - حال مریم دختر عمران را که عورت خود را حفظ کرد؛ پس آن‌گاه

**فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَهِ**

در آن از روح قدسی خویش بدمیدیم؛ و مریم نیز کلمات و کتاب‌های پروردگارش را

**وَكَانَتْ مِنَ الْقَائِمِينَ ﴿۱﴾ فَاسْتَجَبَتْ لَهَا دُعَائُهَا ،**

با کمال ایمان تصدیق کرد، و از فرمانبرداران خدا بود؛ پس دعای او را اجابت نمودی

۱. سورهٔ تحریم، آیهٔ ۱۲.



وَكُنْتَ مِنْهَا قَرِيبًا يَا قَرِيبُ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

در حالی که تو به او نزدیک بودی ای نزدیک. (می‌خواهم) که بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُحْصِنَنِي بِحِصْنِكَ الْحَصِينِ ،

و آل محمد درود فرستی و مرا با حصار محکم خودت نگهداری کنی،

وَتُحْجِبَنِي بِحِجَابِكَ الْمَنِيْعِ ، وَتُحْرِزَنِي بِحِرْزِكَ

و با پوشش بازدارنده‌ات مرا ببوشانی، و به حرز محکم‌ت مرا حفظ و حراست نمایی،

الْوَثِيقِ ، وَتَكْفِيَنِي بِكَفَايَتِكَ الْكَافِيَةِ ، مِنْ شَرِّ كُلِّ

و مرا به کفایت کافی خودت کفایت کنی؛ از شرّ هر

طَاعِ ، وَظَلَمِ كُلِّ بَاغٍ ، وَمَكْرِكِ كُلِّ مَأْكِرٍ ، وَعَدْرِ كُلِّ

سرکش. و ستم هر تجاوزگر، و مکر و نیرنگ هر حيله‌گر، و خیانت هر

غَادِرٍ ، وَسِحْرِ كُلِّ سَاحِرٍ ، وَجَوْرِ كُلِّ سُلْطَانٍ جَائِرٍ ،

خیانت‌کار، و جادوی هر جادوگر، و ستم هر سلطان ستمگر؛

بِمَنْعِكَ يَا مَنْبِعُ . إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ

با بلزادندگی و نگهداری خودت، ای بلزادنده. خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن اسمی که

بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ ، وَصَفِيُّكَ وَخَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ ،

با آن اسم، بنده و پیامبر و برگزیده و منتخب از میان مخلوقات،

وَأَمْسِينَا عَلَيَّ وَحَيْكَ ، وَبَعِثْنَا إِلَيَّ بِرَيْتِكَ ،

و امین بر وحیت، و برانگیخته شده به سوی افریدگانت.

وَرَسُولُكَ إِلَيَّ خَلْقِكَ مُحَمَّدٌ خَاصَّتْكَ وَخَالِصَتُكَ ،

و فرستاده‌ات به سوی خلقت، محمد، بندهٔ خاص و خالص تو

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ ،

- که درود و سلام خدا بر او و آل او باد - تو را خواند؛ پس دعایش را اجابت نمودی

وَأَيَّدْتَهُ بِجُنُودٍ لَمْ يَرَوْهَا ، وَجَعَلْتَ كَلِمَتَكَ الْعُلْيَا ،

و با سپاهینی که آنها را نمی‌دیدند، او را تأیید کرده و یاری رساندی، و کلمهٔ خود را برتر قرار دادی،

وَكَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا

و کلمهٔ آنان را که کفر ورزیدند پست و پایین قرار دادی؛ در حالی که تو به او نزدیک بودی، ای

قَرِيبُ . أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، صَلَاةً

نزدیک. (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی؛ درودهای

زَاكِيَةً طَيِّبَةً ، نَامِيَةً بَاقِيَةً مُبَارَكَةً ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ

پاک و پاکیزه، رشدکنندهٔ پایدار، مبارک؛ چنان که بر

أَبِيهِمْ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ ، وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ كَمَا

بدرشان ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی؛ و بر آنان مبارک گردان همچنان که بر

بَارَكْتَ عَلَيْهِمْ، وَسَلَّمْتَ عَلَيْهِمْ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَيْهِمْ،

آل ابراهیم مبارک گرداندی؛ و بر آل محمد سلام برسان چنان که بر آل ابراهیم سلام رساندی؛

وَرَدَهُمْ فَوْقَ ذَلِكَ كُلِّهِ زِيَادَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَاخْلَطْنِي

و بهرهٔ ایشان را از جانب خودت فوق آنچه گفته شد زیاد کن؛ و مرا آمیخته با

بِهِمْ، وَاجْعَلْنِي مِنْهُمْ، وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ، وَفِي

ایشان و از آنان قرار بده، و با ایشان محشور کن، و در

رُؤْمَرْتِهِمْ حَتَّى تَسْقِيَنِي مِنْ حَوْضِهِمْ، وَتُدْخِلْنِي فِي

زمرهٔ ایشان قرار بده، تا از حوض (کوثر) آنان مرا سیراب کنی، و در گروه آنان وارد کنی،

جَمَلَتِهِمْ، وَتَجَمِّعَنِي وَإِيَّاهُمْ، وَتَقَرَّ عَيْنِي بِهِمْ،

و مرا با آنان در یکجا جمع نمایی، و چشم مرا به ایشان روشن سازی،

وَتُعْطِيَنِي سُؤْلِي، وَتُبَلِّغَنِي آمَالِي فِي دِينِي

و خواسته‌ام را عطا کنی، و مرا به آرزوهایم در دین

وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَمَحَبَّائِي وَمَمَاتِي، وَتُبَلِّغَهُمْ

و دنیا و آخرتم و در زندگی و مرگم برسانی؛ و سلام مرا به ایشان برسانی،

سَلَامِي، وَتَرُدَّ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

و پاسخ از آنان به من برگردانی؛ سلام

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. إِلَهِي وَأَنْتَ الَّذِي تُنَادِي فِي

و رحمت و برکات خدا بر ایشان باد. خدای من؛ تو همانی که در

أَنْصَافٍ كُلِّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيَهُ، أَمْ هَلْ مِنْ

نیمه‌های هر شب ندا می‌دهی؛ آیا درخواست‌کننده‌ای هست تا به او عطا کنم؟ آیا

دَاعٍ فَأُجِيبَهُ، أَمْ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ، أَمْ هَلْ مِنْ

دعاکننده‌ای هست تا او را اجابت نمایم؟ آیا استغفارکننده‌ای هست تا او را ببامرزم؟ آیا

رَاجٍ فَأَبْلِغَهُ رَجَاهُ، أَمْ هَلْ مِنْ مُؤَمِّلٍ فَأَبْلِغَهُ أَمَلَهُ، هَا

امیدواری هست تا او را به امیدش برسانم؟ آیا آرزومندی هست تا او را به آرزویش برسانم؟ اینک

أَنَا سَائِلُكَ بِقِنَاتِكَ، وَمِسْكِينُكَ بِبِنَايِكَ، وَصَعِيقُكَ

من در درگاهت درخواست‌کننده از تو هستم، و بیچارهٔ توأم در درب خانهٔ تو، و ناتوان توأم

بِنَايِكَ، وَقَقِيرُكَ بِبِنَايِكَ، وَمُؤَمِّلُكَ بِقِنَاتِكَ، أَسْأَلُكَ

به درب خانه‌ات، و بی‌نواي توأم به درب خانه‌ات، و آرزومند در درگاه تو هستم؛ از تو

نَائِلُكَ، وَأَرْجُو رَحْمَتَكَ، وَأُوْمِّلُ عَفْوَكَ، وَالْتَمِسُ

عطا و بخشش تو را می‌خواهم؛ و امیدوار رحمت تو؛ و آرزومند گذشت تو هستم؛ و

عُفْرَاتِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَأَعْطِنِي

امرزش تو را تمنا می‌نمایم؛ پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و

**سُوْلِي** ، **وَبَلَّغْنِي أَمَلِي** ، **وَاجْبِرْ فَتَقْرِي** ، **وَازْحَمْ**

خواستهام را عطا کن؛ و مرا به آرزویم برسان؛ و فقرم را جبران کن، و به

**عِصْيَانِي** ، **وَاعْفُ عَن ذُنُوبِي** ، **وَفُكِّ رَقَبَتِي مِّنَ**

عصیان و سرکشی‌ام رحم کن؛ و از گناهانم درگذر؛ و حقّ و حقوقی که از

**الْمَظَالِمِ لِعِبَادِكَ رَكِبْتَنِي** ، **وَقَوِّ ضَعْفِي** ، **وَأَعِزِّ**

بندگانت بر عهدهٔ من است، مرا از آن رها کن؛ و ناتوانیم را قوّت بخش؛ و

**مَسْكَتَنِي** ، **وَتَبَّتْ وَطْأَتِي** ، **وَاعْفِرْ جُرْمِي** ، **وَأَنْعِمْ**

بیچارگی‌ام را عزّت بخش؛ و گام‌هایم را محکم و استوار گردان؛ و جرمم را ببخش؛ و

**بَالِي** ، **وَأَكْثِرْ مِنَ الْحَلَالِ مَالِي** ، **وَخِرْ لِي فِي جَمِيعِ**

فکر و ذهنم را رشد بده؛ و مالم را از حلال زیاد کن؛ و در تمام امور و کارهایم برایم خیر

**أُمُورِي وَأَفْعَالِي** ، **وَرَضَّنِي بِهَا** ، **وَازْحَمْنِي وَوَالِدَيَّ**

و خوبی مقدر فرما؛ و مرا به آن‌ها راضی و خشنود گردان؛ و رحم کن بر من و پدر و مادرم

**وَمَا وَلَدًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ** ، **وَالْمُسْلِمِينَ**

و فرزندان آنان از مردان و زنان مؤمن، و مردان

**وَالْمُسْلِمَاتِ** ، **الْأَخْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ** ، **إِنَّكَ سَمِيعٌ**

و زنان مسلمان، زندگان از آن‌ها و مردگان از آن‌ها؛ همانا تو شنوندهٔ

**الدَّعَوَاتِ** ، **وَأَلْهَمْنِي مِّنْ بَرِّهِمَا مَا أَسْتَحِقُّ بِهِ تَوَابَكَ**

دعاهایی. به من الهام کن از نیکی کردن نسبت به آن دو (پدر و مادرم) آنچه با آن شایستگی توآب

**وَالْجَنَّةَ** ، **وَتَقَبَّلْ حَسَنَاتِنَاهُمَا** ، **وَاعْفِرْ سَيِّئَاتِنَاهُمَا** ،

و بهشت تو را پیدا کنم، و کارهای نیک آنها را قبول فرما، و بدی‌های آنها را ببخش،

**وَاجْزِهِمَا بِأَحْسَنِ مَا فَعَلَا بِي تَوَابَكَ وَالْجَنَّةَ . إِلَهِي**

و به خاطر خوبی‌هایی که آن دو دربارهٔ من کرده‌اند پاداشت و بهشتت را نصیب آن دو فرما. خدای

**وَقَدْ عَلِمْتُ يَقِينًا أَنَّكَ لَا تَأْمُرُ بِالظُّلْمِ وَلَا تَرْضَاهُ** ،

من؛ به یقین می‌دانم تو دستور به ستم نمی‌دهی، و به آن راضی نیستی،

**وَلَا تَمِيلُ إِلَيْهِ وَلَا تَهْوَاهُ وَلَا تُحِبُّهُ وَلَا تَعْشَاهُ** ، **وَتَعْلَمُ**

و میل به آن نمی‌نمایی، و آن را نمی‌خواهی و دوستش نمی‌داری، و نمی‌پوشانی آن را؛ و می‌دانی

**مَا فِيهِ هُوَ لَا يَأْتِي الْقَوْمَ مِّنْ ظُلْمٍ عِبَادِكَ وَبِعِبِهِمْ عَلَيْنَا** ،

آنچه را که این قوم از ظلم به بندگانت و تجاوزگری آن‌ها بر علیه ما،

**وَتَعَدَّ بِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ وَلَا مَعْرُوفٍ** ، **بَلْ ظُلْمًا وَعَدْوَانًا**

و تعدّی و تجاوز ناحقّ و نامعروفشان که از روی ظلم و دشمنی

**وَزُورًا وَيُهْتَانًا** ، **فَإِنْ كُنْتَ جَعَلْتَ لَهُمْ مُدَّةً لَا بُدَّ مِنْ**

و زور و تهمت آن را انجام می‌دهند؛ پس اگر بر ایشان مدتی قرار دادی که باید آن مدت

**بُلُوْغِهَا ، أَوْ كَتَبْتَ لَهُمْ آجَالًا يَنَالُوْنَهَا ، فَقَدْ قُلْتَ**

بسر آید؛ یا مهلت‌هایی بر ایشان نوشتی و معین کردی که باید به پایان برسد، پس تو گفتی

**وَقَوْلِكَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الصِّدْقُ ﴿۱﴾ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ**

- و سخنت حقی و وعده‌ات راست است - : آنچه را خدا بخواهد محو و نابود می‌کند

**وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ﴿۱﴾ . فَأَنَا أَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَا**

و آنچه را بخواهد ثابت می‌دارد؛ و امّ‌الکتاب نزد اوست، پس من از تو می‌خواهم، به واسطهٔ تمام

**سَأَلْتُكَ بِهِ أَنْبِيَاءِكَ الْمُرْسَلُونَ وَرُسُلِكَ ، وَأَسْأَلُكَ بِمَا**

آنچه به آن، پیامبران مرسل که رسالت تبلیغ داشتند - و رسولانت از تو خواستند، و از تو می‌خواهم

**سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادِكَ الصَّالِحُونَ ، وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبُونَ ،**

به واسطهٔ آنچه بندگان صالح و شایسته‌ات و فرشتگان مقربت با آن از تو خواستند؛ که

**أَنْ تَمْحُوَ مِنْ أُمَّ الْكِتَابِ ذَلِكَ ، وَتَكْتُبَ لَهُمْ**

از امّ‌الکتاب (لوح محفوظ)، آن مدّت و مهلت را محو کنی و

**الْإِضْمِحَالِ وَالْمَحَقِّ ، حَتَّى تُقَرِّبَ آجَالَهُمْ ،**

نابودی و پراکندگی و از هم‌پاشیدگی را برایشان بنویسی تا اجل‌هایشان را نزدیک سازی،

**وَتَقْضِيَ مَدَّتَهُمْ ، وَتُدْهِبَ أَيَّامَهُمْ ، وَتُسَبِّرَ**

و مدّت‌شان را پایان دهی، و روزهایشان را سپری سازی، و رشّتهٔ

۱ . سورة رعد، آیه ۳۹.

**أَعْمَارَهُمْ ، وَتُهْلِكَ فُجَارَهُمْ ، وَتَسْلُطَ بَعْضُهُمْ عَلَى**

عمرشان را پاره کنی، و فاسقانشان را هلاک سازی، و بعضی از آنها را بر بعضی دیگر مسلط سازی؛

**بَعْضٍ ، حَتَّى لَا تَبْقِيَ مِنْهُمْ أَحَدًا ، وَلَا تُنَجِّيَ مِنْهُمْ**

تا آن که یک نفر از آنان را باقی نگذاری، و احدی از آنان را نجات ندهی،

**أَحَدًا ، وَتُفَرِّقَ جُمُوعَهُمْ ، وَتَكِلَ سِلَاحَهُمْ ، وَتَبْدُدَ**

و اجتماع‌شان را متفرّق سازی؛ و سلاح‌شان را ناتوان و بی‌اثر، و

**شَمْلَهُمْ ، وَتَقْطَعَ آجَالَهُمْ ، وَتَقْصِرَ أَعْمَارَهُمْ ،**

جمع آنان را پراکنده کنی، و مهلت ایشان را قطع، و عمرشان را کوتاه،

**وَتُرْزِلَ أَقْدَامَهُمْ ، وَتُظَهِّرَ بِلَادَكَ مِنْهُمْ ، وَتُظَهِّرَ**

و قدم‌های‌شان را متزلزل کنی؛ و سرزمین‌هایت را از وجودشان پاک، و

**عِبَادَكَ عَلَيْهِمْ ، فَقَدْ غَيَّرُوا سُنَّتَكَ ، وَنَقَضُوا عَهْدَكَ ،**

بندگانت را بر آنان مسلط سازی؛ چراکه آنان سنّت تو را تغییر دادند، و عهدت را شکستند،

**وَهَتَكُوا حَرِيْمَكَ ، وَأَتَوْا عَلَيَّ مَا نَهَيْتَهُمْ عَنْهُ ،**

و حریمت را هتک کردند، و آنچه نهی کردی انجام دادند

**وَعَتَوْا عُنُوًّا كَبِيرًا كَبِيرًا ، وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا ،**

و (از فرمان‌های تو) سرپیچی نمودند؛ سرپیچی و نافرمانی بزرگ بزرگ، و گمراه شدند.گمراهی عمیق،

**فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ** ، **وَأَذِّنْ لِجَمْعِهِمْ**

پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و بر جمع و اجتماع آنان

**بِالشَّاتَاتِ** ، **وَلِحَيِّهِمْ بِالْمَمَاتِ** ، **وَلِإِزْوَاجِهِمْ**

پراکندگی را، و برای زندهٔ آنان مرگ را، و برای زوج‌هایشان

**بِالْتَّهَبَاتِ** ، **وَخَلِّصْ عِبَادَكَ مِنْ ظُلْمِهِمْ** ، **وَاقْبِضْ**

غارت و چپاول را اراده کن و فرمان بده؛ و بندگانت را از ستم آنان رهایی ده، و با

**أَيْدِيَهُمْ عَنْ هَضْمِهِمْ** ، **وَظَهِّرْ أَرْضَكَ مِنْهُمْ** ، **وَأَذِّنْ**

شگسستان دست‌های‌شان را ببند، و زمینت را از آنان پاک گردان، و فرمان بده به

**بِحَصَدِ نَبَاتِهِمْ** ، **وَاسْتِطْصَالِ شُفَاتِهِمْ** ، **وَشَسَاتِ**

درو شدن و نابودی زراعت‌شان و به از بین رفتن اموال‌شان و پراکندگی

**شَمْلِهِمْ** ، **وَهْدَمْ بُنْيَانِهِمْ** ، **يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ** .

امورشان و نابودی اصل و اساس‌شان؛ ای صاحب شکوه و بزرگواری.

**وَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَإِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ** ، **وَرَبِّي وَرَبَّ كُلِّ**

و از تو می‌خواهم ای معبود من؛ و ای معبود هر چیز؛ و ای پروردگار من و پروردگار هر

**شَيْءٍ** ، **وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ** ،

چیزی؛ تو را می‌خوانم با آنچه دو بنده و دو فرستاده

**وَنَبِيِّكَ وَصَفِيَّكَ مُوسَى وَهَارُونَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ** ،

و دو پیامبر و برگزیده‌ات موسی و هارون - که بر آنان درود باد - تو را خوانند؛

**حِينَ قَالَا، دَاعِيَيْنَ لَكَ، رَاجِعِيْنَ لِفَضْلِكَ** ، ﴿ **رَبَّنَا إِنَّكَ**

آن هنگام‌که گفتند - در حالت دعاگویی به درگاهت و امیدواری به فضلت - : پروردگارا! تو، به

**آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا**

فرعون و گروهش در زندگی دنیا زیور و اموال بسیار بخشیدی که با آن

**رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلٰی أَمْوَالِهِمْ**

بندگانت را از راه تو گمراه کنند؛ پروردگارا! اموال آنان را نابود گردان،

**وَاشْدُدْ عَلٰی قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ**

و دل‌هایشان را سخت گردان، که اینان ایمان نیاورند، تا هنگامی‌که عذاب دردناک تو را مشاهده

**الْأَلِيمِ** ﴿ **۱** ، **فَمَنْنْتَ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِمَا بِالْإِجَابَةِ لَهُمَا**

کنند؛ پس بر آنان با اجابت دعایشان مَنّت گذارده و نعمت دادی؛

**إِلٰى أَنْ قَرَعْتَ سَمْعَهُمَا بِأَمْرِكَ** ، **فَقُلْتَ اللَّهُمَّ رَبِّ**

تا این‌که فرمانت را به گوش آنان رساندی، پس گفتی : -ای خدا و ای پروردگار من؛ -

﴿ **قَدْ أَجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ**

دعای شما را مستجاب کردم؛ پس هر دو استقامت بورزید، و پیروی از راه

<sup>[1]</sup> سورة يونس، آية ۸۸.

الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١﴾ . أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

مردم جاهل نکنیده. (می‌خواهم) که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَطْمِئِنَّ عَلَيَّ أَمْوَالِ هَؤُلَاءِ الظَّالِمَةِ ،

محمد درود فرستی، و اموال این ستمگران را محو و نابود کنی،

وَأَنْ تَشُدَّدَ عَلَيَّ قُلُوبِهِمْ ، وَأَنْ تَخْسِفَ بِهِمْ بَرَكَ ،

و بر قلوبشان سخت گردانی، و آنان را به بیابان خود فرو بری،

وَأَنْ تُغْرِقَهُمْ فِي بَحْرِكَ ، فَإِنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

و در دریای خودت آنان را غرق کنی؛ همانا آسمان‌ها و زمین

وَمَا فِيهِنَّمَا لَكَ ، وَأَرَأَيْتَ خَلْقَ قُدْرَتِكَ فِيهِمْ ، وَبَطْشَتَكَ

و آنچه در آنهاست در اختیار توست، و قدرت خود را در مورد آنان، و سخت‌گیریت را

عَلَيْهِمْ ، فَاَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِمْ ، وَعَجِّلْ لَهُمْ ذَلِكَ ، يَا خَيْرَ

بر ایشان به مردم نشان بده؛ این کار را دربارهٔ آنان انجام ده و برای آنان در این کار شتاب کن؛ ای بهترین

مَنْ سئِلَ ، وَخَيْرَ مَنْ دُعِيَ ، وَخَيْرَ مَنْ تَدَلَّلَتْ لَهُ

کسی که از او چیزی درخواست شده؛ و بهترین کسی که خوانده شده؛ و بهترین کسی که برای او

الْوُجُوهُ ، وَرَفِعَتْ إِلَيْهِ الْأَيْدِي ، وَدُعِيَ بِاللَّسَنِ ،

چهره‌ها به خاک مندلّت افتاده ؛ و دست‌ها به سوی او بالا رفته؛ و با زبان‌ها خوانده شده؛

<sup>[1]</sup> سورة يونس، آية ۸۹.

وَسَخَّصَتْ إِلَيْهِ الْأَبْصَارُ ، وَأَمَّتْ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ ،

و نگاه‌ها به سوی او دوخته شده؛ و قلب‌ها به سوی او روی آورده؛

وَتَقَلَّتْ إِلَيْهِ الْأَقْدَامُ ، وَتُحَوِّمَ إِلَيْهِ فِي الْأَعْمَالِ .

و قدم‌ها به سوی او برداشته شده؛ و داوری در کارها به سوی او برده شده است.

إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَبْهَائِهَا ، وَكُلُّ

خدای من؛ من بندهات هستم که از تو می‌خواهم با شکوه‌مندترین نام‌هایت؛ البته تمام

أَسْمَائِكَ بِيَهِّي ، بَلْ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا، أَنْ تُصَلِّيَ

نام‌های تو باشکوه و زیباست بلکه از تو به واسطهٔ تمام نام‌هایت می‌خواهم که

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُرَكِّسَهُمْ عَلَيَّ أُمَّ

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و اهل ستم را با مغز

رُؤْسِهِمْ فِي زُبَيْتِهِمْ ، وَتُرَدِّيَهُمْ فِي مَهْوَى حُفْرِ تَيْهِمْ ،

سرشان در حفره و گودالی که روی آن را پوشیده‌اند واژگون کنی، و آنان را در عمق حفره‌های‌شان

وَأَزْمِيَهُمْ بِحَجَرِهِمْ ، وَذَكِّيَهُمْ بِمَشَاقِصِهِمْ ، وَاكْتَبِيَهُمْ

بیندازی، و با سنگ‌شان آنان را بزنی، و آنان را بگشای با تیرهایشان، و با

عَلَيَّ مَنَآخِرِهِمْ ، وَاحْتُقِّهِمْ بِوَتَرِهِمْ ، وَأَرُدُّدُ كَيْدَهُمْ

بینی‌شان بر زمین بگویی، و با زه کمان‌هاشان آنان را خفه کنی، و نیرنگ‌شان را به

فِي نُحُورِهِمْ ، وَأَوْيَهُمْ بِبَدَائِمَتِهِمْ ، حَتَّى يَسْتَخْدِلُوا

خودشان باز گردانی، و با پشیمانی‌شان آن‌ها را هلاک سازی، تا بعد از غرورشان خوار و ذلیل

وَيَتَضَاءُ لَوْا بَعْدَ نِحْوَتِهِمْ ، وَيَنْقَمِعُوا بَعْدَ اسْتِطَاعَتِهِمْ ،

شوند، و پس از این همه خودبرتری‌بی‌خُرد و کوچک شوند و بعد از گردن‌کشی خوار شوند،

أَذِلَّاءَ مَا سُورِبْنَ فِي رِبْقِ حَبَائِلِهِمْ ، الَّتِي كَانُوا

در حالی که ذلیل‌های اسیر شده در بند طناب‌هایشان باشند ـ همان طناب‌هایی که

يُؤْمَلُونَ أَنْ يَرَوْنَا فِيهَا ، وَتَرِينَا قُدْرَتَكَ فِيهِمْ ،

آرزو داشتند ما را در آن ببینند ـ و به ما قدرت خود را در مورد آنان،

وَسُلْطَانَكَ عَلَيْهِمْ ، وَتَأْخُذَهُمْ أَخْذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ

و سلطنت خود بر آنان را نشان بده، و آنان را مجازات کن همانند مجازات بلدهایی

ظَالِمَةٌ ، إِنَّ أَخْذَكَ الْأَلِيمَ الشَّدِيدُ ، وَتَأْخُذَهُمْ يَا رَبِّ

که اهل آن ظالم بودند؛ همانا مجازات دردناک و شدید است؛ ای پروردگار من؛ آنان را مجازات کن

أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ ، فَإِنَّكَ عَزِيزٌ مُّقْتَدِرٌ ، شَدِيدٌ

مانند مجازات فرد باعزت و مقتدر، زیرا تو نیرومند غالب و بااقتداری،

الْعُقَابِ ، شَدِيدُ الْمِحَالِ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

کیفر تو سخت، و توانایی تو شدید است. خدای من؛ بر محمد و

وَأَلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَجِّلْ إِيرَادَهُمْ عَذَابَكَ الَّذِي أَعَدَدْتَهُ

آل محمد درود فرست، و در وارد کردن (ظالمان) به عذابت که

لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَمْثَالِهِمْ ، وَالطَّاعِينَ مِنْ نَظَرِائِهِمْ ،

برای ستمکارانی مثل آن‌ها، و سرکشانی نظیر آنان آماده کرده‌ای تعجیل کن؛

وَأَرْفَعْ حِلْمَكَ عَنْهُمْ ، وَاحْلُلْ عَلَيْهِمْ غَضَبَكَ الَّذِي

و می‌خواهم که بردباری خود را از آنان برداری و بر آنان غضبت را روا داری؛ غضبی که

لَا يَقُومُ لَهُ شَيْءٌ ، وَأَمُرُ فِي تَسْعِجِلِ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ

چیزی در برابر آن مقاومت و ایستادگی ندارد؛ و در تعجیل غضبت بر آنان دستور بده،

بِأَمْرِكَ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُؤَخَّرُ ، فَإِنَّكَ شَاهِدٌ كُلُّ

دستوری که بر نمی‌گردد و به تأخیر نمی‌افتد؛ همانا تو شاهد هر

نَجْوَىٰ ، وَعَالِمٌ كُلِّ فَحْوَىٰ ، وَلَا تَخْفَىٰ عَلَيْكَ مِنْ

گفتگو و رازی، و آگاه از معنا و مفهوم هر کلامی، و پنهان‌کاری آنان در کارهایشان بر تو

أَعْمَالِهِمْ خَافِيَةٌ ، وَلَا تَذْهَبُ عَنْكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ

مخفی نمی‌ماند؛ و هیچ یک از اعمال خائنهٔ آنان دور از نظرت نمی‌ماند؛

خَائِيَةٌ ، وَأَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ ، عَالِمٌ بِمَا فِي الضَّمَائِرِ

و تو نسبت به آنچه پنهان است بسیار دانایی، و به آنچه در خاطرها و نهادها

وَالْقُلُوبِ . وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ وَأُنَادِيكَ بِمَا نَادَاكَ بِهِ

و دل‌ها است آگاهی. و خدای من؛ از تو می‌خواهم و ندا می‌دهم به آنچه که سرور من؛ تو را به آن ندا

سَيِّدِي ، وَسَأَلْتُكَ بِهِ نُوحٌ ، إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ

داد؛ و به واسطهٔ آن نوح از تو درخواست نمود آن هنگام که گفتی: ای که پاک و منزّه و بلندمرتبه‌ای:

﴿وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ﴾<sup>۱</sup> ، أَجَلِ اللَّهُمَّ يَا

«و به راستی نوح ما را ندا داد پس ما چه خوب اجابت‌کنندگان هستیم»، آری؛ خدای من؛ ای

رَبِّ أَنْتَ نِعْمَ الْمُجِيبُ ، وَنِعْمَ الْمَدْعُوُّ ، وَنِعْمَ

پروردگار من؛ تو بهترین اجابت‌کننده‌ای، و بهترین خواننده شده‌ای، و بهترین

الْمَسْتَوِلُّ ، وَنِعْمَ الْمُعْطَى ، أَنْتَ الَّذِي لَا تُخَيِّبُ

درخواست شده هستی و بهترین عطاکننده‌ای؛ تو همان کسی هستی که

سَائِلِكَ ، وَلَا تَرُدُّ رَاجِيَكَ ، وَلَا تَطْرُدُ الْمُلِحَّ عَن

درخواست‌کننده‌ات را ناامید نمی‌کنی، و امیدوار به خودت را رد نمی‌کنی، و اصرارکننده را از

بَابِكَ ، وَلَا تَرُدُّ دُعَاءَ سَائِلِكَ ، وَلَا تَمَلُّ دُعَاءَ مَنْ

دربارت نمی‌رانی، و دعای ستوال کننده‌ات را رد نمی‌کنی، و از دعای آرزومندت، گرفته و دلگیر

أَمَلَّكَ ، وَلَا تَتَّبِرُّمْ بِكَثْرَةِ حَوَائِجِهِمُ إِلَيْكَ ، وَلَا

نمی‌شوی، و از زیادی خواسته‌هایشان، و به خاطر برآوردن

بِقَضَائِهَا لَهُمْ ، فَإِنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِ جَمِيعِ خَلْقِكَ إِلَيْكَ

خواسته‌هایشان به ستوه نمی‌آید؛ همانا برآوردن حاجات تمام آفریدگانت در نزد تو

فِي أَسْرَعٍ لِحَظٍ مِنْ لَمَحِ الطَّرْفِ ، وَأَخَفُ عَلَيْكَ ،

سرّیع‌تر است از چشم بر هم زدن، و سبک‌تر و

وَأَهْوَنُ عِنْدَكَ مِنْ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ . وَحَاجَتِي يَا

و آسان‌تر است بر تو از بال پشه. و حاجت من ای

سَيِّدِي وَمَوْلَايَ ، وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي ، أَنْ تُصَلِّيَ

آقا و مولای من، و تکیه‌گاه و امید من؛ این است که می‌خواهم

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي ، فَقَدْ

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و گناهم را ببخشی؛ زیرا به درگاهت

جِئْتُكَ تَقِيلَ الظَّهْرَ بِعَظِيمِ مَا بَارَزْتُكَ بِهِ مِنْ

آمدم در حالی که بستم از بار گناهانم سنگین شده گناهان بزرگی که به واسطهٔ آنها با تو به مبارزه

سَبِّئَاتِي ، وَرَكَبْتِي مِنْ مَظَالِمِ عِبَادِكَ مَا لَا يَكْفِينِي ،

برخواستم، و حقوق زیادی از بندگانت بر عهدهٔ من است که جز تو کفایت نمی‌کند،

وَلَا يُسَخِّلُنِي مِنْهَا غَيْرُكَ ، وَلَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ ،

و جز تو مرا از آن‌ها رهایی نمی‌دهد، و بر آن توان ندارد،



وَلَا يَمْلِكُ سِوَاكَ ، فَاْمَحُ يَا سَيِّدِي كَثْرَةَ سَيِّئَاتِي

و در اختیار کسی جز تو نیست، پس از بین ببر ای آقای من؛ زیادی گناهانم را

بِيسِبِرٍ عِبْرَاتِي ، بَلْ بِسَاوَةِ قَلْبِي ، وَجُمُودِ عَيْنِي ،

با کمی اشک‌هایم؛ بلکه با سنگدلی و خشکی چشمم؛

لَا بَلَّ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ، وَأَنَا شَيْءٌ ،

نه، بلکه به خاطر رحمت خودت که هر موجودی را فرا گرفته است، و من نیز یکی از آن موجودات

فَلْتَسْعِنِي رَحْمَتَكَ ، يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمٌ ، يَا أَرْحَمَ

هستم، پس رحمتت شامل من نیز هست، ای بخشنده؛ ای مهربان؛ ای مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ ، لَا تَمْتَحِنِّي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِشَيْءٍ مِّنَ

مهربانان؛ در این دنیا با محنت‌ها و دشواری‌ها مرا امتحان مکن،

الْمِحَنِ ، وَلَا تَسْلُطْ عَلَيَّ مِنْ لَّا يَرِحْمَنِي ، وَلَا تُهْلِكْنِي

و کسی را که بر من رحم نمی‌کند بر من مسلط مکن، و به وسیله گناهانم هلاکم مساز،

بِذُنُوبِي ، وَعَجِّلْ خَلَاصِي مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ ، وَادْفَعْ

و در رهاییم از هر ناپسند و ناخوش‌آیند تعجیل فرما،

عَنِّي كُلَّ ظُلْمٍ ، وَلَا تَهْتِكْ سِتْرِي ، وَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ

و هر ستمی را از من دور کن و بپردهام را مبر، و در روزی که

جَمْعِكَ الْخَلَائِقَ لِلْحِسَابِ ، يَا جَزِيلَ الْعَطَاءِ

آفریدگانت را برای حساب گرد می‌آوری مرا رسوا مکن، ای بسیار عطا کننده

وَالشَّوَابِ ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و پاداش دهنده؛ از تو می‌خواهم بر محمد و آل محمد درود فرستی،

مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُحْيِيَنِي حَيَاةَ السُّعْدَاءِ ، وَتُمِيتَنِي مِيتَةَ

و مرا به زندگانی سعادت‌مندان زنده بداری، و به مرگ

الشُّهَدَاءِ ، وَتَقْبَلَنِي قَبُولَ الْأِدَاءِ ، وَتَحْفَظَنِي فِي

شهدان بگیری، و مانند پذیرش دوستداران مرا بپذیری، و در

هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّيْنِيَّةِ ، مِنْ شَرِّ سَلَاطِينِهَا وَفُجَّارِهَا ،

این دنیای پست، مرا از شر پادشاهان دنیا و بدکاران آن

وَشِرَارِهَا وَمُحِبِّبِهَا ، وَالْعَامِلِينَ لَهَا وَمَا فِيهَا ، وَقِنِي

و شروران و دوستداران آن، و عمل‌کنندگان برای دنیا و آنچه در آن است؛ حفظ کنی، و مرا از

شَرِّ طُغَايَتِهَا وَحُسَادِهَا ، وَبَاغِي الشَّرِّكَ فِيهَا ، حَتَّى

شر شرکشان دنیا و حسودان آن، و طالب شرک در آن، ننگه داری، تا

تَكْفِيَنِي مَكْرَ الْمَكْرَةِ ، وَتَقْفَأَ عَنِّي أَعْيُنَ الْكُفْرَةِ ،

مرا از مکر مکران کفایت کنی، و چشم‌های کفار را نسبت به من کور نمایی،

وَتُفْجِمَ عَنِّي أَلْسِنَ الْفَجْرَةِ ، وَتَقْبِضَ لِي عَلَى أَيْدِي

و زبان بدکاران را از من کوتاه و لال گردانی، و دست‌های ستمگران را بر ایمن ببندی،

الظَّلْمَةِ ، وَتُوهِنَ عَنِّي كَيْدَهُمْ ، وَتُمِيطَهُمْ بِعَيْظِهِمْ ،

و نقشه‌ها و مکر ایشان را بر من سست و بی‌پایه کنی، و آنان را با خشم درونی‌شان بمیرانی،

وَتَشْغَلَهُمْ بِأَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأَفْسِدَتِهِمْ ،

و آنان را به گوش‌ها و چشم‌ها و دل‌های‌شان مشغول سازی؛

وَتَجْعَلَنِي مِنْ ذَلِكَ كَلِّهِ فِي أَمْنِكَ وَأَمَانِكَ ، وَحِرْزِكَ

و مرا از تمام آن‌ها در امن و امان خودت، و حفظ

وَسُلْطَانِكَ ، وَحِجَابِكَ وَكَتْفِكَ ، وَعِيَاذِكَ وَجَارِكَ ،

و سلطنتت، و پوشش و حمایتت، و پناه و جوارت قرار دهی؛

وَمِنْ جَارِ السُّوءِ وَجَلِيسِ السُّوءِ ، إِنَّكَ عَلَيَّ كَلٌّ

و از همسایهٔ بد و همنشین بد نیز در امان داری؛ همانا تو بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ ، ﴿إِنَّ وَلِيِّ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ

چیزی توانایی؛ «همانا سرپرست من خدایی است که کتاب را فرستاد و او

يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ﴾ ۱. اَللّٰهُمَّ بِكَ اَعُوذُ ، وَبِكَ الْوُدُّ ،

سرپرست صالحان است». خدای من؛ به تو پناه آورده‌ام و به تو پناهنده‌ام

۱. سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۹۶.

وَلَكَ اَعْبُدُ ، وَإِلَيْكَ اَرْجُو ، وَبِكَ اَسْتَعِينُ ، وَبِكَ

و برای تو عبادت می‌کنم و امیدوار به لطف تو هستم و از تو کمک می‌جویم و از تو

اَسْتَكْفِي ، وَبِكَ اَسْتَعِيْثُ ، وَبِكَ اَسْتَتَّقِدُ ، وَمِنْكَ

درخواست کفایت می‌کنم و از تو دادخواهی می‌نمایم و به وسیلهٔ تو رهایی می‌طلبم؛ و از تو

اَسْئَلُ ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ ،

می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی،

وَلَا تُرْذَنِي اِلَّا بِذَنْبِ مَغْفُوْرٍ ، وَسَعْيِ مَشْكُوْرٍ ،

و مرا باز نگردانی مگر با گناه بخشوده شده و تلاشِ سپاسگزاری شده

وَتِجَارَةِ لَنْ تَبُوْرٍ ، وَاَنْ تَفْعَلَ بِيْ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ ،

و تجارتی که هرگز کساد نشود؛ و یا من آنچه تو اهلش هستی انجام دهی.

وَلَا تَفْعَلَ بِيْ مَا اَنَا اَهْلُهُ ، فَاِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوَى وَاَهْلُ

و یا من آنچه اهلش هستم انجام مدهی که همانا تو اهل تقوا و اهل

الْمَغْفِرَةِ ، وَاَهْلُ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ . اِلٰهِي وَقَدْ اَطَلْتُ

امرزش و اهل فضل و رحمت هستی ، خدای من؛ به راستی که دعایم را طول دادم

دُعَائِي ، وَاَكْثَرْتُ خِطَابِي ، وَضَبِقْتُ صَدْرِي حِدَانِي

و خطایم را زیاد کردم، که تنگی و فشار سینهام

عَلَىٰ ذَٰلِكَ كُلِّهِ ، وَحَمَلَنِي عَلَيْهِ ، عَلِمًا مِّنِّي بِأَنَّهُ

بر تمام این‌ها مرا کشاند، و مرا بر آنها وادار کرد، با این که می‌دانم از تمام این‌ها

يُجْزِيكَ مِنْهُ قَدْرُ الْمَلْحِ فِي الْعَجِينِ ، بَلْ يَكْفِيكَ

فقط به اندازهٔ نمک خمیر، تو را کفایت می‌کند؛ بلکه

عَزْمٌ إِزَادَةٌ وَأَنْ يَقُولَ الْعَبْدُ بِنَيْتِهِ صَادِقَةً وَلِسَانِ

قصد خواستن و این که بنده با نیت راست و زبان

صَادِقٍ يَا رَبِّ ، فَتَكُونَ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِكَ بِكَ ، وَقَدْ

صادق بگوید: ای پروردگار من! کافی است که تو نزد گمان بنده‌ات به تو حضور داری . به راستی

نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ قَلْبِي ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

که قلبم به قصد خواستن با تو مناجات کرده؛ پس از تو می‌خواهم بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُقِرَّنَ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ

محمد و آل محمد درود فرستی و دعایم را قرین اجابت خود سازی،

مِنْكَ ، وَتُبَلِّغَنِي مَا أَمَلْتُهُ فِيكَ ، مِنْتَهُ مِنْكَ وَطَوْلًا ،

و مرا به آرزوهایی که نسبت به تو دارم از جهت لطف و احسانی که به من داری

وَقُوَّةً وَحَوْلًا ، لِأَتَقِيمَنِي مِنْ مَقَامِي هَذَا إِلَّا بِقَضَائِكَ

و قدرت و توانی که در تو هست برسانی، از جایم برمخیزان مگر به برآوردن تمام آنچه از تو

جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ ، فَإِنَّهُ عَلَيْكَ يَسِيرٌ ، وَخَطَرُهُ عِنْدِي

خواستم؛ همانا این کار بر تو آسان است و قهر و ارزش آن در نزد من

جَلِيلٌ كَثِيرٌ ، وَأَنْتَ عَلَيْهِ قَدِيرٌ ، يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرٌ .

شکوهمند و زیاد است؛ و در حالی که تو بر این کار توانایی ای شنوا! ای بینا!

إِلَهِي وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ ، وَالسَّهَابِ

خدای من؛ این جایگاه پناهندهٔ به تو از آتش و گریزنده

مِنْكَ إِلَيْكَ ، مِنْ ذُنُوبٍ تَهَجَّمَتْهُ ، وَعُيُوبٍ فَصَحَّتْهُ ،

از (غضب) تو به (رحمت) تو است؛ از گناهانی که بر او هجوم آورده، و عیوبی که او را رسوا کردند؛

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً

پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و بر من نظر کن نظری از روی

رَحِيمَةً أَفُوزُ بِهَا إِلَىٰ جَنَّتِكَ ، وَاعْظِفْ عَلَيَّ عَطْفَةً

لطف و رحمت که به وسیلهٔ آن به سوی بهشت تو کامیاب گردم؛ و به من مهربانی کن، نوعی مهربانی

أَنْجُو بِهَا مِنْ عِقَابِكَ ، فَإِنَّ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ لَكَ وَبِيَدِكَ ،

که با آن از کیفر تو نجات یابم، همانا بهشت و آتش از آن تو و به دست توست

وَمَفَاتِيحَهُمَا وَمَعَالِيْقَهُمَا إِلَيْكَ ، وَأَنْتَ عَلَيَّ ذَلِكَ

و کلیدها و قفل‌های‌شان به سوی توست، و تو بر آن

قَادِرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ هَيِّنٌ يَسِيرٌ، فَافْعَلْ بِي مَا سَأَلْتُكَ

توانایی، و آن امر بر تو سهل و آسان است، پس آنچه از تو خواستم برای من انجام بده؛

يَا قَدِيرٌ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،

ای توانا؛ و هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به توان خداوند بلندمرتبه بزرگ؛

وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ

و خدا ما را کافی است، و خوب پشتیبانی است؛ خوب سرور، و خوب

التَّصَبُّرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى

یاری کننده‌های است. و حمد و ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهان است. و خداوند بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.<sup>۱</sup>

سرورمان محمد و آل پاکش درود فرستد.

### فضیلت دعای ندبه

صدرالاسلام همدانی اعلی الله مقامه در کتاب «تکالیف الأنام» می‌گوید:

از خواص دعای ندبه این است که هرگاه در جایی با حضور قلب و اخلاص تمام و توجه به مضامین عالی آن خوانده شود عنایت

۱. مهج الدعوات: ۳۳۶.

و توجه امام زمان ارواحنا فداء را به آن مکان جلب می‌کند بلکه باعث حضور حضرت ارواحنا فداء در آنجا می‌گردد؛ چنان که در بعضی جاها اتفاق افتاده است.<sup>۱</sup>



### دعای ندبه

علامه مجلسی رحمته الله در کتاب «زاد المعاد» با سند معتبر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: خواندن دعای ندبه در اعیاد چهارگانه یعنی روز جمعه، عید فطر، عید قربان و عید غدیر مستحب است.<sup>۲</sup> علامه مجلسی رحمته الله در «مزار بحار» از سید بن طاووس رحمته الله از بعضی از اصحاب امامیه نقل نموده است: محمد بن علی بن ابی قره گفت: من دعای ندبه را از کتاب «محمد بن حسین بن سقیان بزوفری» نقل می‌کنم و می‌افزاید: آن، دعای امام زمان صلوات الله علیه است که خواندنش در اعیاد چهارگانه استحباب دارد.

و نیز، این دعا را عالم بزرگوار محدث نوری رحمته الله در «تحیة الزائر» از «مصباح الزائر» سید بن طاووس رحمته الله و «مزار» محمد بن مشهدی با همان سند روایت نموده است.

۱. تکالیف الأنام فی غیبة الإمام: ۱۹۷.

۲. زاد المعاد: ۴۹۱.

و همچنین از کتاب «مزار قدیم» هم نقل کرده و اضافه نموده است که خواندن آن در شب جمعه مستحب است همان گونه که در اعیاد اربعه استحباب دارد.<sup>۱</sup> و دعا این است:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا

حمد و سپاس سزاوار پروردگار عالمیان است و درود خدا بر سید و سرور ما

مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ ، وَسَلَّم تَسْلِيْمًا . اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

(حضرت) محمد، پیامبر خدا و بر آل او سلام و تحیتی کامل، بار پروردگارا؛ سپاس از

علی ما جری به قضاؤک فی اولیائک ، الذّٰی

آن توست در مورد آنچه که از قضا و قدرت در مورد دوستانت، جاری گشت؛ آنهایی

اسْتَخَلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ ، اِذْ اَخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيْلًا

که وجودشان را برای حضرتت، و برای دینت خالص گردانیدی؛ زیرا که برگزیدی برای

مَا عِنْدَكَ ، مِنْ النَّعِيْمِ الْمُقِيْمِ ، الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا

آن‌ها چیزهای باارزشی که نزد تو است، از نعمت‌های پایدار که نابودی

اضْمِحْلَالَ ، بَعْدَ اَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي

و زوال برای آن‌ها نیست. البته پس از آن که زهد ورزیدن و بی‌رغبتی را در

۱. مکمال المکارم: ۹۳۲.

دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّيْنِيَّةِ ، وَرُخْرِفُهَا وَزَبْرُجَهَا ،

مورد این دنیای پست و زر و زیور آن با آن‌ها شرط نمودی؛

فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ .

آنان نیز متعهد شدند و تو نیز وفاداری ایشان را دانستی.

فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ ،

پس آنان را قبول کردی و به درگاه خویش نزدیکشان ساختی و نامی بلند

وَالشَّانَءَ الْجَلِيِّ ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ ،

و ستایشی ارجمند به آنها دادی. و فرشتگانت را بر آنان فرو فرستادی

وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ ، وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ ، وَجَعَلْتَهُمْ

و آن‌ها را با وحی خود گرامی داشتی و از علم خود بهره‌مند ساختی. و آنان را

الذَّرِيْعَةَ اِلَيْكَ ، وَالْوَسِيْلَةَ اِلَى رِضْوَانِكَ . فَبَعْضُ

وسیله به سوی درگاهت ساختی و واسطه‌ای برای جلب رضایت و خشنودیت قرار دادی. پس بعضی

أَسْكَنْتَهُ جَنَّتِكَ ، اِلَى اَنْ اَخْرَجْتَهُ مِنْهَا ، وَبَعْضُ

از آن‌ها را در بهشت خود جای دادی تا زمانی که او را از آن بیرون آوردی، و برخی دیگر را

حَمَلْتَهُ فِي فُلْكَكَ وَنَجَيْتَهُ وَمَنْ اَمَّنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ

در کشتی‌ات سوار نمودی و با رحمت خود او و مؤمنین همراهش را از هلاکت رهایی بخشیدی.

بِرَحْمَتِكَ، وَبَعْضُ ۚ اتَّخَذَتْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلاً، وَسَأَلَكَ

و بعضی دیگر را برای خودت دوست قرار دادی و هنگامی که از تو

لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْأَخْرِبِ فَأَجَبْتَهُ، وَجَعَلْتَ ذَلِكَ

لسان صدق و خوش‌نامی بین دیگران را درخواست کرد، اجابتش نمودی و او را بلندآوازه

عَلِيًّا، وَبَعْضُ كَلِمَتِهِ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا، وَجَعَلْتَ لَهُ

قرار دادی، و با بعضی دیگر از طریق درخت هم‌کلام شدی و

مِنْ أَخِيهِ رِذَاءً وَوَزِيرًا، وَبَعْضُ أَوْلَادَتِهِ مِنْ غَيْرِ آبٍ

برادرش را وزیر و یاورش قرار دادی. و برخی دیگر را بدون پدر به وجود آوردی

وَأَتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ، وَأَيَّدَتْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ. وَكُلُّ

و به او معجزات و دلایل آشکار عنایت نمودی و با روح‌القدس تأییدش کردی. و برای هر کدام

شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَاً، وَتَحَيَّرْتَ

(از پیامبران) شریعتی را عنایت کردی و طریقه و راه روشنی معین فرمودی و

لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى

برای هر یک جانشینانی برگزیدی تا یکی پس از دیگری حافظ شریعت باشد؛ در زمان‌های

مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ، وَلِسَالًا

معین برای برپا داشتن دین تو و حجت بودن بر بندگان تو تا این که

يُرْزَلِ الْحَقُّ عَنِ مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبُ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ،

حق از مدار خود زایل نگردد و باطل بر اهل آن زمان چیره نشود.

وَلَا يَقُولُ أَحَدٌ لَوْلَا أُرْسِلَتْ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا،

و تا این که کسی نگوید: (خدایا!) اگر به سوی ما رسولی می‌فرستادی تا ما را بیم دهد

وَأَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا، فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ

و برای ما رهبری هدایت‌کننده می‌گماشتی ما پیش از خذلان

نَذِلَّ وَنَخْزَى. إِلَيَّ أَنْ ائْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَيَّ حَسْبِيكَ

و رسوایی‌مان، از آیات پیروی می‌کردیم. تا این که امر رسالت به حیبت و رسول

وَنَجِيْبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ كَمَا

برگزیده‌ات، محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - منتهی گردید؛ پس او همچنان که او را

اَنْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مَن خَلَقْتَهُ، وَصَفْوَةً مِّنْ اضْطَفَيْتَهُ،

انتخاب کردی، سرور بندگانت و زبدهٔ زبندگان

وَأَفْضَلَ مَن اجْتَبَيْتَهُ، وَأَكْرَمَ مَن اعْتَمَدْتَهُ، قَدِّمْتَهُ

و برتر از همهٔ برگزیدگانت و گرامی‌تر از همهٔ معتمدان تو بود. او را

عَلَى أَنْبِيَائِكَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَيَّ التَّقْلِينَ مِنْ عِبَادِكَ،

بر تمام پیامبرانت مقدم داشتی و بر جنّ و انس از بندگانت مبعوثش نمودی

۲۰۴

منتخب صحیفهٔ مهدیه

وَأَوْطَأْتُهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ،

و شرق و غرب را زیرپای او و فرمان او قرار دادی، و بُراق را برایش مستخر کردی

وَعَرَجْتَ بِهِ إِلَى سَمَائِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا

و او را به آسمانت بالا بردی و دانش آنچه بوده و خواهد بود را

يَكُونُ، إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالسَّارِعِ،

تا سرانجام خلقت، به او سپردی. سپس با تریسی که از او بر دل دشمنانش انداختی، یاریش کردی

وَحَقَّقْتَهُ بِجَبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمُسَوِّمِينَ مِنْ

و گرداگرد او را به جبرئیل، میکائیل و فرشتگان دیگر ـ که هر یک دارای علامت و اسمی هستند ـ

مَلَائِكَتِكَ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تَظْهَرَ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ،

احاطه کردی، و بدو وعدهٔ پیروزی دینش را بر تمامی ادیان دادی؛

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ يَوَّأْتَهُ مُبِوَأَ صِدْقِ

گرچه مشرکان را خوش نیاید. و این پیروزی بعد از آن بود که پیامبر را به جایگاه

مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ ﴿أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ

صدقی از خاندانش جای دادی و برای او و آنان «اولین خانه‌ای را که برای (عبادت) مردم قرار

لِلَّذِي بِيكَّةَ مُبَارَكاً وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ ﴿فِيهِ آيَاتٌ

داده شده که در مکه است بابرکت قرار دادی و باعث هدایت جهانیان گرداندی، و نیز در

دعای ندبه

۲۰۵

بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ﴿١، وَقُلْتَ

آن است نشانه‌های آشکار مانند مقام ابراهیم و هر که داخل آن خانه شد، در امان

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ

خواهد بود، و گفتی: «خداوند اراده فرموده که هر بلیدی و ناپاکی را از شما اهل بیت پیامبر،

وَيُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً ﴿٢. ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ

ببرد و شما را کاملاً پاک و پاکیزه گردانده، آن گاه پاداش رسالت حضرت محمد را ـ که

عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ

درودهای تو بر او و آل او باد ـ دوستی آنان مقَرَّر نموده و در کتابت فرمودی: «بگو

عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ﴿٣، وَقُلْتَ ﴿مَا

من از شما پاداش نمی‌طلبم مگر دوستی خویشاوندان نزدیکم را». و فرمودی: (بگو)

سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ﴿٤، وَقُلْتَ ﴿مَا أَسْأَلُكُمْ

«پاداشی که از شما خواستم آن هم برای خودتان و به نفع شما است» و فرمودی: (بگو) «من از

عَلَيْهِ مِنْ أَجْرِ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٥،

شما مزد رسالت نمی‌خواهم مگر آن که هر کدام از شما که بخواهد راه خدا را در پیش

١. سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۹۶، ۹۷. ٢. سورهٔ احزاب، آیهٔ ۳۳.

٣. سورهٔ شوری، آیهٔ ۲۳. ٤. سورهٔ سبأ، آیهٔ ۴۷.

٥. سورهٔ فرقان، آیهٔ ٥٧.

فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ ، وَالْمَسْلَكَ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ .

گیرده، پس آن‌ها همان راه به سوی تو هستند و طریق برای خشنودی تو

فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيِّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

می‌باشند. پس وقتی مدّت عمر پیامبر سپری شد، وصیّ و جانشین خود علیّ بن

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا ، إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرَ

ابی‌طالب. دروذهای تو بر آن دو و آل آن دو باد. را برای هدایت امت برگزید؛ زیراکه خود او

وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ، فَقَالَ وَالسَّمَاءُ أَمَامَهُ مَسْنُ كُنْتُ

بیم‌دهنده بود، و برای هر قومی هدایتگری است. پس در حالی‌که همه در حضور او بودند

مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ ، وَعَادِ

چنین گفت: هر آن‌که من مولای اویم، پس علی مولای اوست. پروردگارا؛ دوستش را دوست بدر و

مَنْ عَادَاهُ ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ ، وَاحْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ .

دشمنش را دشمن؛ یاری نما هر‌که او را یاری نماید و خار گردان هر‌که او را مخذول نماید.

وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ . وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ

وگفت: هر‌که را من پیامبر او هستم، پس علی امیر و فرمانروای اوست. و فرمود: من و علی

مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرِ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى ،

از یک درختیم و دیگر انسان‌ها از درختان مختلفند.

وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى ، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي

و او را قرار داد در جایگاه هارون نسبت به موسی، پس به او فرمود: تو نسبت به من.

بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَسَبِيَّ بَعْدِي ،

همانند هارون برای موسی هستی، جز این‌که پس از من پیامبری نیست.

وَرَوْجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ

و دخترش را -که سرور و بانوی زنان عالم است- به او تزویج فرمود. و حلال کرد از

مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ ، وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ . ثُمَّ

مسجدش برای او، آنچه برای خودش حلال بود، و همهٔ درهای مسجد را نیز جز در خانهٔ علی

أَوْدَعَهُ عِلْمُهُ وَحِكْمَتَهُ فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ

بست. آن گاه علم و حکمتش را نزد او ودیعه نهاد و فرمود: من شهر علمم و علی

بَابُهَا ، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ

درب آن، پس هر‌که می‌خواهد به شهر علم و حکمت قدم نهد، باید از

بَابِهَا ، ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي ، لِحْمِكَ

دروازهٔ آن داخل‌گردد. سپس فرمود: تو برادر من، وصیّ من و وارث من هستی، گوشت تو

مِنْ لَحْمِي ، وَدَمِكَ مِنْ دَمِي ، وَسِلْمُكَ سِلْمِي ،

از گوشت من است و خون تو از خون من؛ سازش و آشتی تو، سازش و آشتی من است



وَحَرْبُكَ حَرْبِي ، وَالْإِيمَانُ مُخَالِطُ لِحِمِّكَ وَدَمِّكَ ،

و جنگ تو جنگ من است، و ایمان با گوشت و خون تو آمیخته است

كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَدَمِي ، وَأَنْتَ عَدَاً عَلَى الْحَوْضِ

همان‌گونه‌که با گوشت و خون من آمیخته است؛ و فدای(ی قیامت) تو خلیفهٔ من بر حوض

خَلِيقَتِي ، وَأَنْتَ تَقْضِي دِينِي ، وَتُنَجِّرُ عِدَاتِي ،

(کوثر) هستی و پس از من، تو هستی که فرض مرا می‌پردازی و به وعده‌های من وفا می‌کنی

وَشِبَعَتُكَ عَلَى مَنَايِرٍ مِنْ نُورٍ مُبْيَضَةٍ وَجُوهُهُمْ

و پیروان تو بر منبرهایی از نور با چهره‌های سفید

حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيرَانِي . وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ

در اطراف من در بهشتند و آنان همسایهٔ من می‌باشند. ای علی؛ اگر تو نبودی،

لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي ، وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنْ

مؤمنان پس از من شناخته نمی‌شدند؛ و به راستی که پس از پیامبر، او اَمت را از

الضَّلَالِ ، وَنُوراً مِنَ الْعَمَى ، وَحَبْلَ اللَّهِ السَّمِينِ ،

گمراهی به هدایت و از نابینایی به بصیرت رساند و اوست رشتهٔ محکم الهی و راه

وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ ، لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةِ فِي رَحِمِ ، وَلَا

مستقیم او؛ هیچ‌کس در خویشاوندی و نزدیکی با رسول خداﷺ به او نمی‌رسد و هیچ‌کس در

بِسَابِقَةٍ فِي دِينِ ، وَلَا يُلْحَقُ فِي مَقْبَرَةٍ مِنْ مَسَاقِبِهِ

دین بر او پیشی نگرفته است؛ و کسی نیست که در یکی از اوصاف نیکویش با او برابری کند؛

يَخْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا .

زیرا او گام می‌نهد جای پای رسول خدا که درود خدا بر آن دو و بر اهل بیت آن دو بزرگوار باد.

وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّوْبِيلِ ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ ،

و بیکار می‌نمود بر اساس تاویل حقایق و مقاصد قرآن؛ و در راه رضای خدا هیچ ملامتی او را

قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ ، وَقَتَلَ أَبْطَالَهُمْ ،

باز نمی‌داشت؛ به راستی که بزرگان عرب را ترسانید و شجاعان آن‌ها را به خاک و خون

وَنَآوَشَ دُوبَانَهُمْ ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَاداً بَدْرِيَّةً

کشید و باگرگ صفتان آن‌ها مقلبله کرد؛ به همین جهت دل‌های آنها بر از کینه شد از جنگ‌های بدر،

وَخَيْبِرِيَّةً وَحُسَيْنِيَّةً وَعَغِيرُهُنَّ ، فَأَضَبَّتْ عَلِيٌّ

خیبر، حنین و دیگر جنگ‌ها. پس دشمنی او را در دل پنهان کردند

عَدَاوَتِهِ ، وَأَكْبَتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ

و به اختلاف و درگیری روی آوردند تا این که پیمان‌شکنان،

وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ . وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَقَتَلَهُ

ستمگران و از دین بیرون‌رفتگان را به درک واصل کرد. وقتی آجلش به سر آمد و

أَشَقَى الْأَخْرِبِينَ، يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ، لَمْ يُمَسَّلْ أَمْرُ

شقی‌ترین‌ترین‌ترین (انت) که از شقی‌ترین اولین، پیروی کرد، آن حضرت را شهید کرد؛ فرمان

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِيْنَ بَعْدَ

رسول خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - دربارهٔ هدایتگران امت، یکی

الْهَادِيْنَ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَي مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَي

پس از دیگری اطاعت نشد. مردم بر دشمنی با وی اصرار ورزیدند؛ جمع شدند

فَطَبِيعَةَ رَحِمِهِ، وَإِقْضَاءِ وُلْدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفِي

تا نسل او را قطع کنند و اولاد او را تبعید و آواره نمایند؛ جز اندکی که در رعایت حق

لِرِغَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ. فَقَتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَسَبِي مَنْ

فرزندان رسول خدا، وفا نمودند. پس (بر اثر ظلم و بیداد) گروهی کشته شدند و گروه دیگری

سُبَيِّ، وَأَقْصَى مَنْ أَقْصَى، وَجَرَى الْقَضَاءِ لَهُمْ بِمَا

اسیر، جمعی دور از وطن و حکم قضا و قدر الهی، بر آن‌ها جاری شد

يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ

به چیزی که امید بهترین ثواب و پاداش از آن، می‌رود. زیرا زمین از آن خداست

يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَالْعَاقِبَةُ لِسَلْمَتَيْنَ،

و آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد، ارث می‌دهد؛ و البته پایان نیکو از آن پرهیزکاران است.

وَسُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا، وَكُنْ

و منزّه است پروردگار ما؛ به راستی که وعدهٔ او انجام‌شده است و هرگز

يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. فَعَلَى

خلف وعده نمی‌کند، و او عزّت‌مند حکیم است. پس بر

الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ صَلَّى اللَّهُ

پاکیزگان از آل محمد و علی - درود خدا

عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ فَلْيَبْدُبِ

بر آن‌ها و اهل بیت آن‌ها - بایستی گریه‌کنندگان اشک بریزند و بر آنان زاری‌کنندگان زاری نمایند

النَّادِبُونَ، وَلِمَثَلِهِمْ فَلْتَدْرِفِ الدُّمُوعُ، وَلْيَصْرُخِ

و برای امثال آن بزرگواران، باید سرشک از دیدگان جاری شود و شیون‌کنندگان شیون از

الضَّارِّحُونَ، وَيَضِحِ الضَّاجُّونَ، وَيَعِجُ الْعَاجُّونَ.

دل برکشند و ضجه‌کنندگان فریاد بزنند و ناله‌کنندگان نالهٔ جانسوز سر دهند

أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ، أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ،

که حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجا هستند؟

صَالِحٍ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٍ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ

که هر یک شایسته‌ای پس از شایستهٔ دیگر، و راستگویی بعد از راستگویی دیگر بودند؛ کجاست

السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ ، أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ ، أَيْنَ

راه راست پس از راه راست دیگر؟ کجايند برگزیدگان یکی پس از دیگری؟

الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ ، أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُبِيرَةُ ، أَيْنَ

خورشیدهای تابان کجا هستند؟ ماه‌های فروزان کجايند؟

الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ ، أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ ،

ستارگان درخشان کجايند؟ نشانه‌ها و راهنمایان دین و پایه‌های دانش کجايند؟

أَيْنَ بَيْتَةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِزَّةِ الْهَادِيَةِ ، أَيْنَ

باقی مانده حجج الهی کجاست؟ کسی که (جهان) از عترت هدایتگر خالی نخواهد بود. کجاست

الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ ، أَيْنَ الْمُنْتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ

آنکه برای قطع دنبالهٔ ستمکاران آماده گشته است؟ کجاست آنکه انتظارش را می‌کشند که کج‌روی‌ها

وَالْعِوَجَ ، أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ ،

و انحرافات را از بین ببرد؟ کجاست کسی که برای براندازی ظلم و بیدادگری به او امید است؟

أَيْنَ الْمُدْخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسَّنَنِ ، أَيْنَ

کجاست آن ذخیره الهی برای تازه کردن واجبات و سنت‌های الهی؟ کجاست

الْمُنْخَيَّرُ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ ، أَيْنَ الْمَوْمَلُ

آن منتخب برای بازگرداندن کیش و آیین؟ کجاست آن که آرزو می‌رود بیاید

لَا حِيَاءَ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ ، أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ

و قرآن و حدودش را زنده کند؟ کجاست زنده کننده نشانه‌های دین و اهل آن؟

وَأَهْلِهِ . أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ ، أَيْنَ هَادِمُ أَنْبِيَةِ

کجاست او که شوکت ستمکاران را درهم می‌شکند؟ کجاست آن که بنیادهای

الشَّرِكِ وَالنَّفَاقِ ، أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ

شرک و نفاق را ویران می‌کند؟ کجاست او که فاسقان، نافرمانان

وَالطُّغْيَانِ ، أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغِيِّ وَالشَّقَاقِ ، أَيْنَ

و طغیانگران را به هلاکت می‌کشاند؟ کجاست آن که شاخه‌های گمراهی و بدبختی را درو می‌کند؟

طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ . أَيْنَ قَاطِعُ حَسَابِلِ

کجاست آن که آثار انحراف و هواپرستی را محو می‌نماید؟ کجاست آن که رشته‌های

الْكَذِبِ وَالْإِفْتِرَاءِ ، أَيْنَ مُبِيدُ الْعُنَاةِ وَالْمَرَدَةِ ، أَيْنَ

دروغ و افترا را قطع می‌کند؟ کجاست نابودکننده سرکشان و تمردکنندگان؟ کجاست

مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضَلِيلِ وَالْإِلْحَادِ ، أَيْنَ مُعِزُّ

آن که ریشهٔ معاندان، گمراهان و کافران را بزرکند؟ کجاست آن که دوستان را عزیز

الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ ، أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَيَّ

نماید و دشمنان را خوار و ذلیل؟ کجاست او که اتحاد کلمه بر اساس تقوا و

التَّقْوَى، أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى، أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ

پرهیزگاری فراهم آورد؟ کجاست درب ورودی به درگاه الهی که از آن در وارد شوند؟ کجاست آن

الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ

(چهره و) آئینه تمام‌نمای خداوند که دوستان به سوی او توجه نمایند؟ کجاست آن که وسیله پیوند

الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرُ

بین زمین و آسمان است؟ کجاست صاحب روز ظفر و برافرازنده

رَايَةَ الْهُدَى، أَيْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا.

پرچم هدایت؟ کجاست گردآورنده پراکنده‌های درست‌کاری و مصلحت و خشنودی؟

أَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ

کجاست آن که برای خون پیامبران و فرزندان آن‌ها خونخواهی می‌کند؟ کجاست آن که

الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ أَيْنَ الْمَنْصُورِ عَلَى

به دنبال انتقام خون شهید کربلا است؟ کجاست آن که بر هر

مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى، أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي

ظالم تجاوزگر دروغگو، پیروزمند است؟ کجاست آن آقای گرفتاری که اگر

يُجَابُ إِذَا دَعَا، أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ

دعا کند اجابت می‌شود؟ کجاست آن صدرتشنین عالم و صاحب

والتَّقْوَى، أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَابْنُ عَلِيٍّ

تقوا و نیکوکاری؟ کجاست آن فرزند پیامبر مصطفی و فرزند علی

الْمُرْتَضَى وَابْنُ خَدِيجَةَ الْعَرَاءِ وَابْنُ فَاطِمَةَ

مرتضی و فرزند خدیجه آن صاحب سیمای نورانی و فرزند فاطمه

الْكُبْرَى. يَا أَبِي أَنْتَ وَآمِي وَنَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ

کبری؟ پدر و مادرم فدای تو باد و جانم بلاگردان و سپهر

وَالْحِمَى، يَا بَنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا بَنَ النَّسَبَاءِ

و حامی تو باشد ای فرزند سروران مقرب؛ ای فرزند انسان‌های اصیل و نجیب و

الْأَكْرَمِينَ، يَا بَنَ الْهُدَاةِ الْمُهْدِيِّينَ، يَا بَنَ الْخَيْرَةِ

بزرگوار؛ ای فرزند هدایت‌گران هدایت‌شده؛ ای فرزند برگزیدگان

الْمُهْدِيِّينَ، يَا بَنَ الْعَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَا بَنَ

مهدب (خودساخته)؛ ای فرزند سروران شرافتمند، ای فرزند

الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ، يَا بَنَ الْخَضَارِمَةِ الْمُنتَجِبِينَ،

نیکوترین پاکان؛ ای فرزند آقایان بسیار بخشنده، همانند دریاهاى پرخود؛

يَا بَنَ الْقَمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ. يَا بَنَ الْبُدُورِ السُّنْبِرَةِ،

ای فرزند مهتران سخاوتمند گرامی؛ ای فرزند ماه‌های تابان؛

يَابْنَ السُّرُجِ الْمُضِيَّةِ، يَابْنَ الشَّهْبِ الثَّاقِبَةِ، يَابْنَ

ای فرزند چراغ‌های تابان؛ ای فرزند شهاب‌های تابنده؛ ای فرزند

الْأَنْجَمِ الزَّاهِرَةِ، يَابْنَ السَّبِيلِ الْوَاضِحَةِ، يَابْنَ

اختران فروزان؛ ای فرزند راه‌های روشن؛ ای فرزند

الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، يَابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يَابْنَ السَّنَنِ

نشانه‌های آشکار؛ ای فرزند دانش‌های کامل خداوندی؛ ای فرزند سَنَنِ و روش‌های

السَّمَشُورَةِ، يَابْنَ الْمَعَالِمِ السَّمَاوِيَّةِ، يَابْنَ

پسندیده مشهور (آسمانی)؛ ای فرزند نشانه‌های برجای مانده؛ ای فرزند

الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَابْنَ الدَّلَائِلِ السَّمَشُودَةِ،

معجزات پایان نیافته و موجود، ای فرزند دلیل‌های دیده شده؛

يَابْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَابْنَ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، يَابْنَ

ای فرزند راه راست؛ ای فرزند خیر بزرگ؛ ای فرزند

مَنْ هُوَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَالِمٌ حَكِيمٌ، يَابْنَ

کسی که در امّ الکتاب، نزد خداوند، بلندمرتبه و حکیم است. ای فرزند

الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ، يَابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَابْنَ

نشانه‌ها و بینات (حجّت‌های آشکار خداوند)؛ ای فرزند دلایل آشکارا؛ ای فرزند

الْبُرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ، يَابْنَ الْحُجَجِ

برهان‌های نمایان و روشن؛ ای فرزند حجّت‌های

الْبَالِغَاتِ، يَابْنَ النَّعْمِ السَّابِغَاتِ، يَابْنَ طَه

رسا؛ ای فرزند نعمت‌های فراوان و فراخ؛ ای فرزند طه

وَالْمُحْكَمَاتِ، يَابْنَ يَسِّ وَالذَّرِّيَّاتِ، يَابْنَ الطُّورِ

و آیات محکم قرآن؛ ای فرزند یاسین و ذاریات؛ ای فرزند طور

وَالْعَادِيَّاتِ، يَابْنَ مَنْ دَنَسِي فَسَدَلِي فَكَانَ قَابِ

و عادیات؛ ای فرزند آن‌که در شب معراج نزدیک شد و درآویخت (به مقام قرب حق تعالی)

قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى،

به اندازه فاصله دو سر کمان و یا نزدیک‌تر، نزدیک به خدای علیّ اعلیّ.

لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، بَلْ أَيُّ أَرْضِ

ای کاش می‌دانستم کجا اقامت گزیده‌ای؛ بلکه کدام سرزمین یا منطقه‌ای

تُقَلِّكُ أَوْ تَرِي، أَبْرَضُوْى أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طُوْى،

اقامت داری؛ آیا در کوه رضوی هستی یا غیر آن؟ یا در ذی طوی هستی؟

عَزِيْزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى، وَلَا أَسْمَعُ لَكَ

بسیار بر من سخت است که همه را می‌بینم و تو دیده نمی‌شوی؛ و از تو هیچ

**حَسْبِسَاءٌ وَلَا نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي**

صدا و هیچ رازی را نشنوم؛ بر من گران است که تو تنها در بلا گرفتار باشی

**الْبَلْوَى وَلَا يَنَالُكَ مِنِّي ضَجِيحٌ وَلَا شَكْوَى . بِنَفْسِي**

و از من هیچ ناله و شکایتی به تو نرسد. جانم فدایت

**أَنْتَ مِنْ مُعَيَّبٍ لَمْ يَخُلْ مِنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ**

تو حقیقت پنهانی هستی که از میان ما بیرون نیستی؛ جانم فدایت گرچه از نظرم دوری

**مَا نَزَحَ عَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ أُمِّيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَتُّي، مِنْ**

ولی از ما جدا نیستی؛ جانم فدایت، تو آرمان و آرزوی هر مرد و زن مشتاق

**مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقْبِدٍ**

مؤمن هستی که آرزویت کنند و به یادت ناله سر دهند. جانم فدایت، تو آن سرشتهٔ عزتی هستی که

**عَزًّا لَا يُسَامِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يُجَارِي،**

هم‌طرز از برایت نتوان یافت؛ جانم فدایت، تو از ارکانِ مجد و شرف و بزرگواری هستی که

**بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نَعَمَ لَا تُضَاهِي، بِنَفْسِي أَنْتَ**

هم‌قطاری نداری؛ جانم فدایت، تو از نعمت‌های دیرینِ خدایی هستی که مانند‌ی نخواهد داشت؛

**مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي . إِلَيَّ مَتَى أَحَارُ فَبِكَ يَا**

جانم فدایت، تو از خاندانِ شرافتی هستی که کسی با تو برابری ندارد. تا کی سرگردان تو باشم ای

**مَوْلَايَ، وَإِلَيَّ مَتَى وَأَيَّ خِطَابٍ أَصِفُ فَبِكَ وَأَيَّ**

مولای من؟ و تا کی و با چه گفتاری به ستایش تو بپردازم؟ و چگونه

**نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أُجَابَ دُونَكَ وَأُنَاغَى، عَزِيزٌ**

راز دل بگویم؟ بر من بسی گران است که غیر تو پاسخم را بدهد؛ و سخنان فریبنده و خوش‌آیند برآیم

**عَلَيَّ أَنْ أُبْكِيكَ وَيَخْذُلَكَ الْوَرَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ**

بگویند بسی مشکل است بر من که بر دوری تو بگریم و مردم تو را واگذارند؛ گران است بر من که آنچه

**يَجْرِي عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى . هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَاطِيلٍ**

(ز مشکلات) می‌گذرد، بر تو بگذرد و بر غیر تو نگذرد. آیا کسی هست که مرا کمک کند تا

**مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ، هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَاسَاعِدْ جَزَعَهُ**

همراه با او ناله و شیون طولانی سر دهم؟ آیا کسی هست که بسپارِ جزع و زاری کند و من هم در

**إِذَا خَلَا، هَلْ قَدِيتَ عَيْنٌ فَسَاعِدْتَهَا عَيْنِي عَلَيَّ**

تنهایی او با زاری و گریه باریش نمایم؟ آیا چشمی خار و خاشاک رفته است تا چشم من در اشک

**الْقَدَى، هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتَلْقَى، هَلْ**

ریختن با او همدم شود؟ ای زادهٔ احمد! آیا به سوی تو راهی است که بتوان تو را ملاقات نمود؟ آیا

**يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بِعَدِهِ بِعَدَةٍ فَسَخَطُنِي . مَتَى نَسِرُدُّ**

روز جدایی ما به فردایی می‌رسد که روز وصال و بهره‌مندی از جمال مقدّست باشد؟ کی می‌شود

**مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَتَرَوِي ، مَتَى نَنْتَفِعُ مِنْ عَذَابِ مَا نِكَ**

که بر چشمه‌های سیراب کننده‌ات درآییم و سیراب گردیم؟ کی می‌شود که از آب زلال

**فَقَدْ طَالَ الصَّدَى ، مَتَى تُغَادِيكَ وَتُرَاوِحَكَ فَتُنْقِرَ**

و گوارایت بنوشیم که به راستی تشنگی طولانی شد؟ کی می‌شود که با تو صبح و شام کنیم

**عَيْنًا ، مَتَى تَرَانَا وَتَرَآكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِي وَاءَ النَّصْرِ**

و چشم‌مان روشن گردد؟ کی رسد آن وقت که تو ما را ببینی و ما تو را؛ در حالی که پرچم نصر و

**تُرَى . أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تَأُمُّ الْمَلَأَ وَقَدْ مَلَأْتَ**

ظفرت را گسترده باشی؟ آیا خواهی دید ما را که بر گرد تو حلقه زده‌ایم و تو بر مردم امامت کنی

**الْأَرْضَ عَدْلًا ، وَأَذَقْتَ أَعْدَائِكَ هَوَانًا وَعِقَابًا ،**

در حالی که زمین را بر از عدل و داد کرده‌ای، و به دشمنانت خواری و عقوبت را چشانده باشی

**وَأَبْرَتِ الْعُنَاةَ وَجَحَدَةَ الْحَقِّ ، وَقَطَّعْتَ دَابِرَ**

و سرکشان و منکران حق را هلاک کرده باشی، و ریشهٔ متکبران را قطع نموده

**الْمُتَكَبِّرِينَ ، وَاجْتَشَّتْ أَصُولَ الظَّالِمِينَ ، وَنَحْنُ**

و اساس ستم‌کاران را از بیخ و بن برکنده باشی و ما

**نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . اَللّهُمَّ اَنْتَ كَشَّافُ**

آن موقع می‌گوییم:سیاس مخصوص پروردگار جهانیان است؟ بار خدایا ؛ تو برطرف‌کنندهٔ

**الْكُزْبِ وَالْبَلْوَى ، وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعُدْوَى ،**

غم و اندوه و بلاها هستی و به درگاه تو درد دل و تو را به فریاد می‌طلبم که یاری‌رساندن برای انتقام

**وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالْدُّنْيَا ، فَأَعِثْ يَا غِيَاثَ**

گرفتن از ظالم نزد توست، و تو پروردگار دنیا و آخرت هستی ؛ پس دریاب ، ای فریادرس

**الْمُسْتَغِيثِينَ عُمَّيْدِكَ الْمُتَبَلِّئِ ، وَأَرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ**

فریاد خواهان؛ بندهٔ کوچک گرفتار خود را، و آقایش را نشانش ده ای نیرومند

**الْقَوَى ، وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى ، وَبِرِّدْ عَلَيْهِ**

سیار مقتدر؛ و به این وسیله غم و اندوه و درد سینه‌اش را از بین ببر و سوز عشقش را آرام کن؛

**يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ، وَمَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعَى**

ای کسی که بر عرش مسلط هستی و بازگشت و پایان کارها به سوی اوست.

**وَالْمُنْتَهَى . اَللّهُمَّ وَنَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِقُونَ اِلَى وِلْيَتِكَ**

خدایا؛ ما بندگان توئیم که شیفتهٔ ولیّ تو هستیم؛ او که

**الْمُدْكِرِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا ،**

یادآور تو و پیامبرت است، و تو او را برای حفظ و نگه‌داری ما و پناه ما آفریدی،

**وَأَقَمْتَهُ لَنَا قَوَامًا وَمَعَاذًا ، وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مَسَا**

و او را برپا داشتی تا پشتیبان و پناهگاه ما باشد و او را برای مؤمنان از ما،

**إِمَامًا، فَبَلَّغَهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ**

پیشوا قرار دادی؛ پس سلام و تحیت ما را به او برسان، و به وسیلهٔ آن، بر کرامت ما بیفز؛ ای

**كِرَامًا، وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا، وَأَتَمِّمْ**

پروردگار ما؛ و جایگاه او را جایگاه و منزلگاه ما قرار ده، و با

**نِعْمَتِكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا، حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ**

مقصدداشتن او را پیشاپیش ما، نعمتت را بر ما کامل گردان؛ تا ما را به بهشت خود وارد نمایی

**وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى**

و هم‌نشین شهیدان مخلصت قرار دهی. خدایا؛ بر

**حُبَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَصَلِّ عَلٰى جَدِّهِ مُحَمَّدٍ**

حجت و ولیّ امرت درود فرست؛ و درود بفرست بر محمّد جدّ او،

**رَسُوْلِكَ السَّيِّدِ الْاَكْبَرِ، وَصَلِّ عَلٰى اَبِيهِ السَّيِّدِ**

پیامبرت، آن بزرگوارترین آقا؛ و بر پدرش علی، آقای

**الْقُسُوْرِ، وَحَامِلِ اللُّوَاءِ فِي الْمَحْشَرِ، وَسَاقِي**

دلیز و سلحشور و شجاع و برپا دارندهٔ پرچم در صحرای محشر؛ و سیراب کنندهٔ

**اَوْلِيَائِهِ مِنْ نَهْرِ الْكَوْثَرِ، وَالْاَمِيْرِ عَلٰى سَائِرِ الْبَشَرِ،**

دوستدارانش از نهر کوثر؛ و فرمانروا بر تمام بشر؛

**الَّذِي مَنْ آمَنَ بِهِ فَقَدْ طَفَّرَ وَشَكَرَ، وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ**

که هر کس بدو ایمان آورد، پیروزمند و سرفراز گشته است و آن‌که ایمان نیاورد،

**فَقَدْ خَطَرَ وَكَفَرَ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ أُخِيهِ وَعَلَىٰ**

به خطر بزرگ و کفر افتد. درود خدا بر او و بر برادرش و بر

**نَجْلِهِمَا الْمَيَامِينِ الْغُرِّ، مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمَا أَضَاءَ**

فرزندان‌شان‌که نیکبختان و بزرگوارند. مادامی‌که خورشید می‌تابد و ماه نور می‌افشاند.

**قَمَرٌ. ۱ وَعَلَىٰ جَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةِ الْكُبْرَىٰ، فَاطِمَةَ**

و درود بر مادربزرگ او، صدیقهٔ کبری، فاطمهٔ

**الرَّهْرَاءِ بِسُنَّتِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَىٰ، وَعَلَىٰ مَنْ**

زهرا دختر محمّد مصطفی؛ و بر آنان‌که تو برگزیدی از

- ↑ این فقره از دعا در بسیاری از کتب موجود می‌باشد؛ مانند: «اقبال الأعمال» سید بن طاووس (ص ۶۰۸)، «تحفة الزائر» (چاپ سنگی بدون شماره صفحه)، «زاد المعاد» علامة مجلسی ؒ (ص ۵۰۲)، «الصحيفة الهادية» عالم بزرگوار شیخ ابراهیم بن محسن کاشانی (ص ۸۷)، «مفتاح الجنّات» عالم بزرگوار سید محسن امین (۲۵۵/۳)، «تکالیف الأنام» صدر الإسلام همدانی (ص ۱۹۵)، «عمدة الزائر» آية الله سید حیدر کاظمی (ص ۳۵۸)، «فوز اکبر» علامه میرزا محمّد باقر فقیه ایمانی (ص ۱۲۴)، «مکیال المکارم» علامه سید محمّد تقی موسوی اصفهانی (۹۹/۲)، «منهاج العارفين» علامة سمنانی (ص ۱۵۹)، ضیاء الصالحین (ص ۵۴۲)، «الصحيفة الصادقية» (ص ۷۲۸)، «هدية الزائرین» محدث قمی ؒ (ص ۶۴۸)، و ملحقات «جمال الأسبوع» نشر دار الذخائر.



اِصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةَ ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ

یدران نیکوکارش؛ و بر او بهترین، کامل‌ترین.

وَأْتَمَّ وَأَدْوَمَ وَأَكْثَرَ وَأَوْفَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ

تمام‌ترین، بادوام‌ترین، بیشترین، وفراوان‌ترین درود و رحمتی که بر هر یک از

أَصْفِيَاءِكَ ، وَخَيْرِ تِكٍ مِنْ خَلْقِكَ ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً

برگزینگان و نیکان از بندگانت فرستادی نثار باد. و بر او درود فرست؛ درودی که

لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا ، وَلَا نِهَآيَةَ لِمَدَدِهَا ، وَلَا نَفَادَ

بی‌شمار و پایان ناپذیر و بی انتهایست و مدتش پایان

لِأَمْدِهَا . اَللّٰهُمَّ وَاَقِمِ بِهِ الْحَقَّ ، وَادْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ ،

ندارد. خدایا؛ حق را به وسیلهٔ او برپا دار و باطل را به وسیلهٔ او نابود کن

وَأَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءِكَ ، وَأَذِلِّلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ ، وَصَلِّ اللّٰهُمَّ

و دوستانات را توشط او چیره گردان و دشمنانت را به وسیلهٔ او خوار و ذلیل نما. خدای من؛

بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلَّةٌ تُؤَدِّي إِلَيَّ مُرَافَقَةَ سَلْفِيهِ ، وَاجْعَلْنَا

بین ما و او بیوندی برقرار کن که به همنشینی یا پیشینیان پاک او منتهی گردد و ما را از

مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ ، وَيَمَكْتُ فِي ظِلِّهِمْ ، وَأَعْتَا

کسانی قرار بده که به دامان آنان جنگ زده‌اند و در سایهٔ آنان زندگی می‌کنند. و ما را باری کن

عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ ، وَالْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ ،

در ادا کردن حقوقش به او، و کوشش کردن در اطاعت از او.

وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ ، وَامْتِنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ ، وَهَبْ لَنَا

و دوری کردن از نافرمانی او. و بر ما ممت بگذار به خشنودی او و

رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ ، وَدُعَاةَهُ وَخَيْرَهُ ، مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً

مهر و رحمت و دعا و خیرش را بر ما ارزانی دار تا بدین وسیله به

مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَفَوْزاً عِنْدَكَ ، وَاجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ

رحمت واسعةٔ تو دست یابیم و نزد تو به کامیابی نایل شویم، و قرار بده نماز ما را به واسطهٔ او

مَقْبُولَةً ، وَذُنُوبِنَا بِهِ مَغْفُورَةً ، وَدُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَاباً ،

قبول شده، و گناهان‌مان را به سبب او آمرزیده‌شده و دعا‌های ما را به وسیلهٔ او مستجاب شده،

وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً ، وَهَمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً ،

و روزی‌های ما را به وسیلهٔ او وسعت داده شده، و اندوه‌های ما را به واسطهٔ او برطرف‌شده؛

وَحوَائِجِنَا بِهِ مَقْضِيَةً ، وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ،

و حوایج ما را توشط او برآورده شده، و با چهرهٔ کریمانهات به ما توجه کن و روی آور.

وَاقْبِلْ تَقَرُّبُنَا إِلَيْكَ ، وَأَنْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً

و تقرب و توشل ما را به درگاهت پذیرا باش، و به ما نظر رحمتی بفرما که

سَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفُهَا عَنَّا

به واسطه آن، کرامت نزد تو را به کمال رسانیم. سپس با بخشش و بزرگواریت، نظر لطف خود را از

بِجُودِكَ، وَأَسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

ما باز مگیر، و از حوض جدش - که درود خدا بر او و آل او باد - سیرابمان ساز

وَأَلِيهِ، بِكَأْسِيهِ وَيَبِيدِهِ زَيَّاً رَوِيَّاً، هَنِيئاً سَائِعاً، لَا ظَمَأً

با جام و کاسه او و به دست او؛ سیراب کردنی کامل و گوارا و خوش که پس از آن تشنگی

بَعْدَهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱.

نیاشد؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

در روز جمعه

شیخ طوسی رحمته الله در «مصباح المنتهجد» فرموده است: هرگاه کسی

خواست روز جمعه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات فرستد، چنین بگوید:

۱. تحفة الزائر: چاپ سنگی بدون شماره صفحه، زاد المعاد: ۴۹۱، و مصباح الزائر: ۴۴۶ (با تفاوت اندک).

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتِكَ، وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ،

خدایا؛ درود و رحمت خود را و درود فرشتگان و رسولان خود را

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، يَا بَگُويِد:

بر محمد و آل محمد نثار کن و در گشایش کارشان شتاب فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. ۱.

بار الها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

وی در جای دیگر می‌گوید: روایت شده است که صد بار بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. ۲.

بار الها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.



صلوات ضرب اصفهانی

سید جلیل‌القدر، علی بن طاووس رحمته الله می‌فرماید: صلوات ضرب

اصفهانی صلواتی است بر پیغمبر و آل او صلوات الله علیهم که از ناحیه مقدسه مولای

۱. مصباح المنتهجد: ۲۸۴.

۲. مصباح المنتهجد: ۲۸۷.

ما، حضرت صاحب العصر و الزمان ارواحنا فداه روایت شده است...<sup>۱</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ

خدايا؛ بر محمد سید رسولان و خاتم

النَّبِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْمُنْتَجَبِ فِي

پیامبران و حجت پروردگار جهانیان درود فرست، او که در روز بیمان الهی،

الْمِيثَاقِ، الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ، الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ

پسندیده شد و در عالم اظله اختیار شد، از هر آفتی پاکیزه

آفَةٍ، الْبَرِيِّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُوْتَلِّ لِلسَّلْجَةِ،

است، و از هر عیبی مبرا؛ همگی برای نجات خود چشم امید به او دارند،

الْمُرْتَجَى لِلسَّلْفَاعَةِ، الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ. اللَّهُمَّ

و امیدوار به شفاعت او هستند؛ دین خداوند بدو واگذار شده است. خداوندا؛

شَرِّفْ بُنْيَانَهُ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَأَفْلِحْ حُجَّتَهُ، وَارْفَعْ

بنای هستی او را شرافت ده، و برهانش را بزرگ نما، و حجتش را پیروز فرما، و

۱. گفتنی است که این صلوات، جریان مفضل و خولنی دارد که ما آن را در «صحیفه مهدیه» نقل کرده‌ایم.

دَرَجَتَهُ، وَأَضِي نُورَهُ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ، وَأَعْطِهِ

مقامش را بالا ببر؛ و نورش را تابنده کن، و رویش را سفید نما، و به او

الْفُضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالْمَنْزِلَةَ وَالْوَسِيلَةَ، وَالذَّرَجَةَ

فضیلت و برتری و فزونی و مقام و وسیله شفاعت و درجه

الرَّفِيعَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَعْطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ

بلند عنایت کن، و او را به مقام پسندیده‌ای مبعوث نما که همگان از اولین

وَالْآخِرُونَ. وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ

و آخرین بر او غبطه خورند. و درود فرست بر امیر مؤمنان و وارث

الْمُرْسَلِينَ، وَقَائِدِ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَسَيِّدِ

رسولان و پیشوای سفید رویان و سرور همه

الْوَصِيِّينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى

جانشینان و حجت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر

الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ

حسن بن علی پیشوای مؤمنان و وارث

الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى

رسولان و حجت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ

حسين بن علي پيشواي مؤمنان و وارث

الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيٍّ

رسولان و حجت خداوند جهانيان. و درود فرست بر علي

بْنِ الْحُسَيْنِ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ،

بن الحسين پيشواي مؤمنان و وارث رسولان

وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ،

و حجت پروردگار جهانيان. و درود فرست بر محمد بن علي

إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

پيشواي مؤمنان و وارث پيامبران و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، إِمَامِ

جهانيان. و درود فرست بر جعفر بن محمد پيشواي

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، إِمَامِ

جهانيان. و درود فرست بر موسي بن جعفر پيشواي

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى، إِمَامِ

جهانيان. و درود فرست بر علي بن موسي پيشواي

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ

جهانيان. و درود فرست بر محمد بن علي پيشواي

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ، إِمَامِ

جهانيان. و درود فرست بر علي بن محمد، پيشواي

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

مؤمنان، و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ

جهانيان. و درود فرست بر حسن بن علي، پيشواي

السُّمُّونِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ  
مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلَّ عَلَى الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ،  
جهانیان و درود فرست بر بازمانده هدایتگر هدایت شده،

إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ  
پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيِّمَةِ  
جهانیان. خداوندا؛ بر محمد و اهل بیتش درود فرست که پیشوایان

الْهَادِيْنَ، الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ، الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ،  
هدایتگر، دانایان راستگو، نیکوکاران پرهیزکار؛

دَعَائِمِ دِينِكَ، وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ، وَتَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ،  
ستون‌های دینت و ارکان توحیدت و مفسران وحیت،

وَحُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ،  
و حجت‌های تو بر آفریدگانت و جانشینانت در زمین تو هستند؛

الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ،  
آنان که برای خودت ایشان را اختیار کردی و بر تمام بندگانت برگزیدی

وَأَرْ تَضِيَّتَهُمْ لِدِينِكَ، وَخَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ،  
و آن‌ها را برای دینت پسندیدی و به شناخت خودت آن‌ها را مخصوص گرداندی، و با

وَجَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ، وَعَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَرَبَّيْتَهُمْ  
کرامت خودت بر آنان شکوه و بزرگی بخشیدی و غرق دریای رحمت خود کردی، و آن‌ها را با نعمت

بِنِعْمَتِكَ، وَعَدَّدْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَاللَّبَسْتَهُمْ نُورَكَ،  
خود پرورش دادی، و با حکمت خود به آنان غذای روحی دادی، و به نور خویش ایشان را پوشانیدی،

وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ، وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ،  
و در ملکوتت بالا بردی، و گرداگرد وجود ایشان را به فرشتگانت احاطه نمودی،

وَسَرَفْتَهُمْ بِبَنِيكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ  
و به واسطه پیامبرت - که درود تو بر او و آل او باد - به آن‌ها شرافت بخشیدی. خدایا؛

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ، صَلَوَةً زَاكِيَةً نَامِيَةً كَثِيرَةً  
بر محمد و بر ایشان درود فرست؛ درودی پاک و فزاینده و فراوان

دَائِمَةً طَيِّبَةً لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَلَا يَسْعُهَا إِلَّا  
و دایمی و پاکیزه که جز خودت کسی بر آن احاطه پیدا نکند، و جز در

عِلْمِكَ، وَلَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى  
دانش تو نگنجد و غیر تو نتواند آن را به شماره درآورد. خداوندا؛ بر

وَلِيكَ، اَلْمُحْيِي سُنَّتِكَ، اَلْقَائِم بِأَمْرِكَ، اَلدَّاعِي

ولیت درود فرست؛ او که زنده کننده سنت توست و قیام‌کننده به امر تو، و دعوت کننده

إِلَيْكَ، اَلدَّلِيل عَلَيكَ، حُجَّتِكَ عَلٰى خَلْقِكَ، وَحَلِيقَتِكَ

به سوی تو، و دلالت کننده بر تو، و حجت تو بر بندگانت و جانشین تو

فِي اَرْضِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلٰى عِبَادِكَ. اَللّٰهُمَّ اَعِزَّ

در زمینت و گواه تو بر بندگان توست. خدایا؛ یاری او را تقویت نما

نَصْرَهُ، وَمُدِّ فِي عُمُرِهِ، وَزَيِّنِ اَلْاَرْضَ بِطُولِ بَقَائِهِ .

و عمرش را طولانی فرما، و با طولانی‌شدن ماندنش زمین را زینت بخش.

اَللّٰهُمَّ اكْفِهِ بَعْغِي الْحَاسِدِينَ، وَأَعِدْهُ مِنْ شَرِّ

خدایا؛ از ستم حسودان او را کفایت کن، و از شرّ

اَلْكَائِدِينَ، وَازْجُرْ عَنْهُ اِرَادَةَ الظَّالِمِينَ، وَخَلِّصْهُ

حیله‌گران پناهِش ده و ارادهٔ ستمکاران را از او دور کن، و او را

مِنْ اَيْدِي السَّجَّارِينَ. اَللّٰهُمَّ اَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ

از دست زورگویان رهایی ده. خداوندا؛ دربارهٔ خودش،

وَدُرِّيَّتِهِ، وَشِبَعِيَّتِهِ وَرَعِيَّتِهِ، وَخَاصَّتِيهِ وَعَامَّتِيهِ

ذریه‌اش، پیروانش، رعیتش، یاران ویژه‌اش، عموم پیروانش،

وَعَدُوِّهِ وَجَمِيعِ اَهْلِ الدُّنْيَا، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتَسْرُرُ

دشمنانش و تمام اهل دنیا، آنچه که چشمش را به آن روشن نمایی و رولش را به

بِهِ نَفْسُهُ، وَبَلَّغُهُ اَفْضَلَ مَا اَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ،

آن شادگردانی، به او عنایت فرما، و او را به برتر از آن چه آرزو دارد در دنیا و آخرت برسان؛

اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. اَللّٰهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا اَمْتَحٰى

زیرا تو بر هر چیز توانایی. خدایا؛ آنچه از دینت محو شده به وسیلهٔ او تازه کن،

مِنْ دِيْنِكَ، وَاٰحِي بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ كِتَابِكَ، وَاطَّهَّرْ بِهِ

و آنچه از کتابت عوض شده به واسطهٔ او زنده کن و آنچه از

مَا غُيِّرَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتّٰى يَعودَ دِيْنُكَ بِسِهِ وَعَلٰى

احکامت تغییر داده شده به وسیلهٔ او ظاهر کن؛ تا این که دینت به وسیلهٔ او و با

يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيْدًا خَالِصًا مُخْلِصًا لَا شَكَّ فِيْهِ، وَلَا

دست او نو و تر و تازه‌گردد؛ آن‌گونه که خالص و بی‌لایش بوده که نه شکّی در آن باشد

شُبُهَةٌ مَعَهُ، وَلَا باطِلَ عِنْدَهُ، وَلَا بَدْعَةَ لَدَيْهِ. اَللّٰهُمَّ

و نه شبهه‌ای به آن راه یابد، و نه باطل و بدعتی کنار آن و نزد آن باشد. خدایا؛

نَوِّرْ بِنُوْرِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَهْدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بَدْعَةٍ، وَاهْدِمْ

هر تاریکی را به نور او روشن کن، و هر بدعتی را به واسطهٔ قدرت و قوتش ویران نما، و

بِعِزِّهِ كُلِّ ضَلَالَةٍ، وَاقْصِمِ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ، وَأَخْمِدْ

با عزت او هر گونه گمراهی را منهدم فرما و هر فرد زورگوی گردنگش را به واسطهٔ او هلاک گردان، و

بِسَيِّفِهِ كُلِّ نَارٍ، وَأَهْلِكَ بِعَدْلِهِ جَوْرَ كُلِّ جَائِرٍ، وَأَجْرِ

با شمشیرش هر آتشی را خاموش کن و ظلم هر ستمگری را به واسطهٔ عدلش نابود کن، و

حُكْمَهُ عَلَىٰ كُلِّ حُكْمٍ، وَأَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ.

دستور و حکمش را بر هر حکمی جاری ساز و با سلطنتش هر قدرتمندی را ذلیل و خوار ساز.

اللَّهُمَّ أَذِلْ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ، وَأَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ،

خدایا؛ هر که قصد بدی به او کند ذلیل و خوار کن و هر که را که با او دشمنی نماید به هلاکت انداز

وَأَمَكُرْ بِمَنْ كَادَهُ، وَاسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَهُ حَقَّهُ،

و هر که را با او نیرنگ کند دچار نیرنگ گردان و هر که را منکر حقش باشد

وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَسَعَىٰ فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ، وَأَزَادَ

و امرش را سبک شمارد، و در خاموشی نورش بکوشد و بخواهد

إِحْمَادَ ذِكْرِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَىٰ،

نامش و یادش را گهرنگ سازد از ریشه برکن. خدایا؛ درود فرست بر محمد مصطفی،

وَعَلَيَّْ الْمُرْتَضَىٰ، وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَالْحَسَنَ

و بر علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن صاحب

الرِّضَا، وَالْحُسَيْنَ الْمُصْطَىٰ، وَجَمِيعَ الْأَوْصِيَاءِ،

مقام رضا و حسین صاحب مقام برگزیده و خالص و بی‌آلایش و همهٔ اوصیا و جانشینان آن حضرت

مَصَابِيحِ الدُّجَىٰ، وَأَعْلَامِ الْهُدَىٰ، وَمَنَارِ التُّسْقَىٰ،

که چراغ‌های روشن در تاریکی و نشانه‌های هدایت و جلوه‌گاه پرهیزکاری

وَالْعُرْوَةَ الْوُثْقَىٰ، وَالْحَبْلَ السَّمْتَيْنِ، وَالصِّرَاطِ

و دستاویز مورد اطمینان و ریسمان محکم و راه

الْمُسْتَقِيمِ. وَصَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّكَ وَوَلَاةِ عَهْدِكَ،

راست هستند. و درود فرست بر ولی خود و عهده‌داران پیمانت

وَالْإِيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ، وَمُدِّ فِي أَعْمَارِهِمْ، وَرَزْدَ فِي

و امامان از فرزندانش؛ و بر عمرشان بیفزای و مدت

أَجَالِهِمْ. وَيَلْغَهُمْ أَقْصَىٰ آمَالِهِمْ، دِينًا وَدُنْيَاً وَآخِرَةً،

آن‌ها را زیاد فرما، و ایشان را به نهایت آرزوهای دینی و دنیوی و آخروی‌شان برسان؛

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.۱

چرا که تو بر هر کاری توانا هستی.

<sup>[1]</sup> مصباح‌المنتهج: ۴۰۶، البلد‌الأمین: ۱۲۰، المصباح: ۷۲۵، دلائل‌الإمامة: ۵۴۹

<sup>[2]</sup> مانند آن در جمال‌الأسبوع: ۳۰۱ وارد شده است



### فضیلت خواندن سوره بنی اسرائیل (اسراء)

#### در هر شب جمعه

در پایان این بخش، روایتی را که در «تفسیر برهان» از کتاب «تفسیر عیاشی» و «ثواب الأعمال»، از امام صادق علیه السلام نقل شده است می‌آوریم، آن حضرت فرمود:

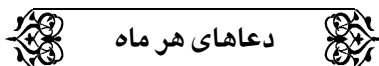
هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند، نمی‌میرد تا امام قائم (حضرت مهدی صلوات الله علیه) را درک کند، و از اصحاب آن بزرگوار باشد.<sup>۱</sup>

۱. مکیال المکارم: ۲/۳۷۸، المصباح: ۵۸۵، ثواب الأعمال: ۱۰۷، تفسیر برهان:

۱/۶۷ ح ۱ و ۲، تفسیر عیاشی: ۲/۲۷۶ ح ۱.



بخش پنجم



۳۴

دعای ایام ماه رجب

که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداه صادر شده است

ابن عیاش می گوید: از دعایی که از ناحیه مقدسه امام عصر ارواحنا فداه به دست شیخ ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید رسیده ، دعایی است که هر روز از ماه رجب خوانده می شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعٍ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وُلاةُ

پروردگارا! از تو درخواست می کنم به معانی تمام آنچه را که اولیاء امورت، تو را به آن می خوانند؛

أَمْرِكَ ، أَلْمَامُونَ عَلَي سِرِّكَ ، أَلْمُسْتَبْشِرُونَ

آنان که بر سر تو امین و به امر تو خشنود و مفتخرند،

بِأَمْرِكَ ، أَلْوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ ، أَلْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ ،

آنها که قدرت تو را توصیف و عظمت تو را نشان می دهند؛

أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيئَتِكَ ، فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ

درخواست می‌کنم به آنچه مشیت تو دربارهٔ آن‌ها ناطق است، پس آن‌ها را معدن

لِكَلِمَاتِكَ ، وَأَرْكَانًا لِنَوْحِيْدِكَ وَآيَاتِكَ وَمَقَامَاتِكَ

کلمات، و ارکان توحید خود ساختی و نشانه‌ها و مقامات خویشتن قرارشان دادی؛ نشانه‌ها و مقاماتی

الَّتِي لَا تَعْطِيلُ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ

که تعطیلی برای آن‌ها در هیچ مکانی نیست، هر که تو را شناخت به آن آیات و

عَرَفَكَ ، لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ

نشانه‌ها شناخته است؛ میان تو و آنان تفاوتی نیست جز آن‌که آن‌ها بندگان تو

وَخَلْقِكَ ، فَتَقُّهَا وَرَتَّقُهَا بِيَدِكَ ، بَدُوْهَا مِنْكَ وَعَوْدُهَا

و آفریده تو هستند. باز و بسته‌شدن امور آنها در دست تو است، ابتدا و انتهای آنها از تو و برگشت

إِلَيْكَ ، أَعْضَادُ وَأَشْهَادُ وَمُنَاةٌ وَأَدْوَادٌ وَحَفَظَةٌ

ایشان به سوی توست. (آنان) پشتیبان و یاور تو و گواهان (بر خلق) و حامیان و مدافعان و نگهبانان

وَرُوَادٌ ، فِيهِمْ مَلَائَتَ سَمَاءِكَ وَأَرْضَكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنَّ

و پیشوایان تو هستند. پس از وجود ایشان آسمان و زمین را پر کردی تا آشکار شود که:

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، فَبِذَلِكَ أَسْأَلُكَ وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مَنْ

معبودی جز تو نیست. پس به واسطهٔ آن و به جایگاه والای عزت از

رَحْمَتِكَ ، وَبِمَقَامَاتِكَ وَعَلَامَاتِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

مهربانی تو، و به واسطهٔ مقامات و نشانه‌هایت از تو درخواست می‌کنم که بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَنْ تَزِيْدَنِي إِيمَانًا وَتَثْبِيْتًا ، يَا بَاطِنًا

محمد و آل او درود فرستی، و ایمان و استواری مرا فزونی بخشی؛ ای نهانی

فِي ظُهُورِهِ وَظَاهِرًا فِي بَطْنِهِ وَمَكْنُونِهِ ، يَا مُفْرَقًا

که در عین پنهان بودن آشکاری، و ای آشکاری که در عین آشکار بودن پنهانی؛ ای جداکنندهٔ

بَيْنَ النُّورِ وَالدِّيْجُورِ ، يَا مَوْصُوفًا بِغَيْرِ كُنْهِهِ ،

میان نور و تاریکی؛ ای آن که وصف شده‌ای ولی نه با کُنه ذاتت؛

وَمَعْرُوفًا بِغَيْرِ شَبْهِهِ ، حَادِكُ كُلِّ مَحْدُوْدٍ ، وَشَاهِدُ كُلِّ

و ای آن‌که شناخته‌شده‌ای اما نه به وسیلهٔ تشبیه و همانند؛ ای تعیین‌کنندهٔ حدّ و اندازهٔ هر محدوده‌ی ای

مَشْهُوْدٍ ، وَمَوْجِدُ كُلِّ مَوْجُوْدٍ ، وَمُحْصِيْ كُلِّ

گواه هر مشهود؛ و ای ایجاد کنندهٔ هر موجود؛ و ای شمارشگر هر

مَعْدُوْدٍ ، وَفَاقِدُ كُلِّ مَفْقُوْدٍ ، لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُوْدٍ

شمرده‌شده؛ و ای ناپودکنندهٔ هر ناپودشده؛ جز تو معبودی نیست؛ و تو

أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُوْدِ ، يَا مَنْ لَا يُكَيِّفُ بِكَيْفٍ ،

اهل کبریا و بزرگواری و بخشش هستی. ای خدایی که به چگونگی و کیفیت توصیف نگردد،

وَلَا يُؤَيِّنُ بَأَيْنَ، يَا مُحْتَجِبًا عَنْ كُلِّ عَيْنٍ، يَا دَيْمُومٌ

و از جا و مکان او پرسش نشود؛ ای آن که از چشم‌ها پنهانی؛ ای وجود دایم،

يَا قَيُّوْمٌ، وَعَالِمٌ كُلِّ مَعْلُومٍ، صَلَّى عَلَيَّ عِبَادِكَ

ای پاینده، ای دانای هر معلوم، درود فرست بر بندگان

الْمُتَّحِبِينَ، وَيَسِّرْكَ السُّمُّحْتَجِبِينَ، وَمَلَائِكَتِكَ

پرگزیده‌ات؛ و انسان‌های پرده‌دارت؛ و بر فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ، وَالْبُهْمَ الصَّافِينَ الْحَافِينَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي

مقرّبت؛ و آن خاموشان به صف ایستاده و احاطه‌کنندگان. و

شَهْرِنَا هَذَا الْمَرْجَبِ الْمُكْرَمِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ

این ماه گرامی رجب و نیز ماه‌های حرام بعد از آن را بر ما مبارک گردان؛

الْحُرْمِ، وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهِ النِّعَمَ، وَأَجْزِلْ لَنَا فِيهِ

و در آن، نعمت‌هایت را بر ما فرو ریز، و بهره‌های ما را در این ماه بسیار گردان،

الْقِسَمَ، وَأَبْرِزْ لَنَا فِيهِ الْقِسَمَ، يَا سَمِيكَ الْأَعْظَمَ

و سوگند ما را در آن صادق قرار بده، به خاطر بزرگ‌ترین،

الْأَعْظَمَ الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَيَّ النَّهَارِ

بزرگ‌ترین، باشکوه‌ترین و گرامی‌ترین نامت؛ نامی که چون بر روز نهادی

فَأَضَاءَ، وَعَلَى اللَّيْلِ فَأَطْلَمَ، وَاعْفِرْ لَنَا مَا تَعَلَّمُ مِنَّا

روشن شد و وقتی بر شب قرار دادی، تاریک گشت. خداوندا؛ آنچه از گناهان ما را که تو می‌دانی

وَمَا لَا نَعْلَمُ، وَاعْصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعِصْمِ،

و ما نمی‌دانیم بر ما ببخش؛ و ما را به بهترین وجه از گناهان نگهداری کن و حفظ فرما؛

وَإَكْفِنَا كَوَافِي قَدْرِكَ، وَآمِنُنْ عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ،

و ما را با تقدیر کفایت‌کنندهٔ خود بسنده باش؛ و با نگاه نیکویت بر ما ممت بگذار.

وَلَا تَكِلْنَا إِلَىٰ غَيْرِكَ، وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ، وَبَارِكْ

و به غیر خودت وامگذار، و از خیر و خوبیت محروم‌مان مفرما؛

لَنَا فِيمَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا، وَأَصْلِحْ لَنَا خَسِيئَةَ

و به عمری که برای ما مقّر داشته‌ای برکت عنایت کن، و درون و باطن‌مان را اصلاح فرما،

أَسْرَارِنَا، وَأَعْطِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ، وَاسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ

و برای ما از سوی خود امان بده، و ما را با ایمان نیکو و

الْإِيمَانِ، وَبَلِّغْنَا شَهْرَ الصِّيَامِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ

کردار نیک به کار گیر، و ما را به ماه مبارک رمضان و روزها و سال‌های پس از آن، برسان؛

وَالْأَعْوَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ۱.

ای دارای شکوه و بزرگواری.

۱. المصباح: ۷۰۱، مصباح‌المتجهّد: ۸۰۳، بحار الأنوار: ۳۹۲/۹۸، إقبال الأعمال: ۱۴۵.

نگارنده کتاب «عمدة الزائر» در مورد دعای فوق، چنین توضیح می‌دهد:

صاحبان امر و حکومت الهی، محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام هستید که بدین صفات زیبا، موصوف گشته‌اند؛ آنان، دارای مقاماتی هستند که در هیچ مکانی تعطیل نخواهد گشت؛ هر گاه با آن معانی و حقایقی که نزدشان ذخیره و پنهان است، خدا را بخوانند یا هر دعاکننده دیگری به وسیله آنها خدا را بخواند، و یا خدا را به آن دعاهایی که آن بزرگواران در جایی و بر هر چیزی خوانده‌اند بخواند، خداوند دعایشان را اجابت می‌کند بدون این که دعای آنها رد شود. زیرا خداوند فیض‌رسان است، و آن عزیزان قابلیت دارند؛ لذا به برکت آن‌هاست که بر هر دعاکننده‌ای بلکه بر همه مخلوقات فیض نازل می‌شود.

این است راز این مطلب که باید در هر حاجت و نیازی بر آن‌ها صلوات فرستاد و به خداوند از طریق آنان توسل جست. چراکه هر کس بر آنان درود فرستد، درخواستش رد نخواهد شد.<sup>۱</sup>

۱. عمدة الزائر: ۱۷۴.



### دعای دیگر در ایام ماه رجب که از ناحیه مقدسه رسیده است

ابن عیاش می‌گوید: این دعا نیز از ناحیه مقدسه به دست حسین بن روح رضی الله عنه رسیده است که در هر روز از ماه رجب خوانده می‌شود:

**اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِالمَوْلُوْدَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ خَدَايَا؛** از تو درخواست می‌کنم به حقّ دو تولد یافته در ماه رجب، یعنی محمّد بن

**عَلِيِّ الثَّانِي، وَاِبْنِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْمُتَتَجِبِ،**  
علی دوّم (حضرت جواد علیه‌السلام) و فرزندش علی بن محمّد که برگزیده شده است؛

**وَأَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقَرَبِ، يَا مَنْ إِلَيْهِ**  
و به وسیله آن دو به سوی تو به بهترین وجهی تقرب می‌جویم. ای کسی که هر

**المَعْرُوفُ طَلِبَ، وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغِبَ. اَسْأَلُكَ سُؤَالَ**  
نیکی از او درخواست می‌شود، و به آنچه نزد اوست رغبت می‌شود. از تو درخواست می‌کنم

**مُعْتَرِفٍ مُّذْنِبٍ قَدْ أَوْبَقْتَهُ ذُنُوبَهُ، وَأَوْتَيْتَهُ عِيُوبَهُ،**  
همانند گناهکاری که به جرمش اعتراف می‌کند، و گناهانش او را به هلاکت و عیب‌هایش او را در بند

فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُؤُوبُهُ، وَمِنْ الرَّزَايَا خُطُوبُهُ،

کشیده؛ دیر زمانی است که بر اشتباه‌گری‌ها عادت کرده و کارش با مصیبت‌های بزرگ می‌گذرد؛

يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ، وَحُسْنَ الْأُوبَةِ، وَالنُّزُوعَ عَنِ

از تو درخواست توبه و بازگشت نیکو و بیرون آمدن از

الْحَوْبَةِ، وَمِنْ النَّارِ فَكَأَنَّكَ رَقَبْتَهُ، وَالْعَمُوَ عَمَّا فِي

گناه می‌کند و می‌خواهد آزادی از آتش جهنم و بخشش از آنچه در بند اوست را

رَقَبْتَهُ، فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَتَقَبْتَهُ. اَللّٰهُمَّ

نصیبش سازی. ای مولای من؛ تو بزرگ‌ترین آرزو و مایه اطمینان او هستی. بار خدایا؛

وَأَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ، وَوَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ، أَنْ

از تو به حق درخواست‌های شرافتمندانه‌ات، و دستاویزهای والايت؛ درخواست می‌کنم که

تَتَعَمَّدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ،

مرا در این ماه در رحمت بی‌کرانت غرق گردانی، و بر من نعمت‌های

وَنِعْمَةٍ وَازِعَةٍ، وَتَقْسِ بِمَا رَزَقْتَهَا فَانِعَةٍ إِلَيَّ نُزُولِ

فراوان عطا کنی، و به من نفسی عطا کنی که تا روزی که در قبر فرود آیم و در منزل آخرت

الْحَافِرَةِ، وَمَحَلِّ الْأَخِرَةِ، وَمَا هِيَ إِلَيْهِ صَائِرَةٌ ۱.

سکونت گزینم و آنجا که روانم به سوی آن می‌شنابد، نسبت به آنچه نصیب آن نمودی قانع باشد.

۱. المصباح: ۷۰۳، مصباح‌المتجهّد: ۸۰۵، بحر الأنوار: ۳۹۳/۹۸، إقبال الأعمال: ۱۴۶.



### دعای سوّم در ایّام ماه رجب

از محمّد بن عبدالرحمان (شوشتری) روایت شده است که گفت: روزی از بنی‌رواس گذشتم، یکی از دوستانم به من گفت: اگر دوست داری همراه ما به سوی مسجد صعصعه بیا، تا در آنجا نماز بخوانیم، زیرا این ماه، ماه رجب است و زیارت این مکان‌های شریف که اولیاء ما قدم گذاشته‌اند، و آن بزرگواران در آنجا نماز گزارده‌اند ثواب دارد؛ و مسجد صعصعه یکی از آن اماکن می‌باشد.

محمّد بن عبدالرحمان می‌گوید: باهم به سوی مسجد صعصعه رفتیم و در این هنگام شستری را دیدیم که جلوی درب مسجد خوابانده شده بود؛ داخل مسجد شدیم و به مردی برخورد کردیم که پیراهن حجازی بر تن و عمامه‌ای شبیه عمامه آن‌ها به سر داشت و در حالی که نشستته بود این دعا را می‌خواند؛ من و همراهم نیز آن را حفظ کردیم. آن دعا این است:

(شیخ طوسی اعلی الله مقامه می‌فرماید: در هر روز از ماه رجب

مستحبّ است این دعا خوانده شود:)

اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغَةِ، وَالْاَلَاءِ الْوَازِعَةِ،

خدایا؛ ای کسی که دارای لطف و احسان فراوان، و نعمت‌های گسترده،

وَالرَّحْمَةَ الوَاسِعَةَ ، وَالقُدْرَةَ الْجَامِعَةَ ، وَالنَّعَمَ

و رحمت فراگیر، و قدرت جامع و کامل، و نعمت‌های

الْجَسِيمَةَ،والمَوَاهِبِ الْعَظِيمَةِ ، وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةَ،

عظیم، و بخشش‌های بزرگ، و هدیه‌های زیبا،

وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةَ . يَا مَنْ لَا يُنْعَتُ بِتَمَثِيلٍ ، وَلَا يُمَثَّلُ

و عطایای فراوان هستی‌ای کسی که به وسیلهٔ تمثیل وصف نمی‌شود، و به هیچ موجودی به عنوان نظیر مثال‌زده

بِنَظِيرٍ ، وَلَا يُعْلَبُ بِظَهِيرٍ ، يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ ، وَاللَّهْمَ

نمی‌شود، و به کمک پشتیبان، مغلوب نمی‌شود؛ای کسی که موجودات را خلق کرد سپس به آنان رزق و روزی داد؛

فَأَنْطَقَ ، وَابْتَدَعَ فَشْرَعَ ، وَعَلَا فَارْتَفَعَ ، وَقَدَّرَ

و به آنان الهام کرد پس به سخن درآورد؛ و نوآوری نمود، سپس تشریع کرد؛ و برتری یافت، پس رفیع و بلندمرتبه

فَأَحْسَنَ ، وَصَوَّرَ فَأَتَقَنَ ، وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ ، وَأَنْعَمَ

گردید؛ و تقدیر کرد، پس نیکو گردانید؛ و تصویر کرد، پس محکم نمود؛ و با دلیل استدلال کرد، پس رسا گردانید

فَأَسْبَغَ ، وَأَعْطَى فَأَجْزَلَ ، وَمَنَحَ فَأَفْضَلَ . يَا مَنْ سَمَا

و نعمت داد، پس آن را کامل کرد؛ و عطا نمود، پس آن را بیشتر کرد؛ و بخشش نمود، و آن را فروزنی داد.

فِي الْعِزِّ فَفَاتَ نَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ ، وَدَنَا فِي اللُّطْفِ

ای کسی که اوج گرفت در عزّت و توانمندی، و به همین خاطر دیدگاه‌های چشمان نتوانست به سوی او راه

فَجَازَ هُوَ اجْسَ الْاَفْكَارِ ، يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نِدَّ

یابد؛ و آن قدر به لطافت نزدیک شده که از هر آنچه به ذهن خطور می‌کند می‌گذرد؛ ای کسی

لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ ، وَتَفَرَّدَ بِالْاِلَآءِ وَالْكِبْرِيَاءِ ،

که در پادشاهی، تنها هستی؛ پس همتایی برای او در قدرت و سلطنت بر هستی نیست؛ و در نعمت‌ها

فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ شَأْنِهِ ، يَا مَنْ حَارَتْ فِي

و شکوه و عظمت، یگانه و بی‌مانند هستی؛ پس در مقام جبروت و استیلاء ضدّی برای او نیست؛ ای کسی که

كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ ذَفَاتِقُ لَطَائِفِ الْاَوْهَامِ ، وَأَنْحَسَرَتْ

لطایف و دقت‌ها و ریزبینی‌های افکار و تصوّرات و نیروی خیال در هیبت و شکوه او حیران و سرگردان، و در

دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْاِنْسَامِ . يَا مَنْ

ادراک کمترین مرتبهٔ بزرگی او دیدگان جستجوگر مردم ناتوان شده. ای کسی که

عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ ، وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ لِعَظَمَتِهِ ،

صورت‌ها به خاطر عظمت و جلال او خوار و ذلیل گردید و از بین رفت، و گردن‌ها به خاطر عظمت او خم شد

وَوَجَلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خَيْفَتِهِ ، أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْمِدْحَةِ

و خاشع گشت، و قلب‌ها از ترس او لرزان و هراسان شد؛ به خاطر این، مدح و ثنایی

الَّتِي لَا تُنْبِغِي إِلَّا لَكَ ، وَبِمَا وَأَبَّتْ بِهِ عَلَيَّ نَفْسِكَ

که هیچ کس به غیر تو سزاوار و شایستهٔ آن نیست؛ و به خاطر آنچه

**لِدَاعِبِكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ**

برای مؤمنانی که تو را می‌خوانند، بر خودت وعده داده‌ای؛ و به خاطر آنچه برای

**عَلَى نَفْسِكَ لِلدَّاعِينَ . يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ ، وَأَبْصَرَ**

دعاکنندگان، اجابت کردن را ضامن شده‌ای؛ از تو طلب می‌کنم. ای شنواترین شنوندگان، و بیناترین

**التَّاطِرِينَ ، وَأَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ ،**

بینندگان، و سریع‌ترین محاسبه‌کنندگان؛ ای صاحب نیرو و توان محکم؛

**صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ**

بر پایان‌بخش پیامبران حضرت محمدﷺ و اهل بیت او

**[الْأَيِّمَةِ الصَّادِقِينَ] ، وَأَقْسِمُ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرٌ**

- که پیشوایان راستگو هستند - درود بفرست؛ و در این ماه، بهترین

**مَا قَسَمْتُ ، وَأَخْتِمُ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتُ ،**

قسمت‌ها را برای من قرار بده؛ و بهترین حکم را در قضا و قدر خودت برای من حتمی گردان.

**وَأَخْتِمُ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ حَتَمْتَ ، وَأُحْسِنِي مَا**

و پایان کار مرا به سعادت ختم کن، در میان کسانی که کارشان را به پایان رسانیدی، و تا مادامی

**أُحْيِيْتَنِي مَوْفُوراً ، وَأَمْسِنِي مَسْرُوراً وَمَغْفُوراً ،**

که مرا زنده نگه می‌داری نعمتت را بر من زیاد و فراوان بگردان؛ و مرا در حالی که شادان و بخشیده

**وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مُسَائِلَةِ الْبُرْزَخِ ، وَادْرَأْ عَنِّي**

شده‌ام، بمیران؛ و خودت نجات از پرسش‌های برزخ مرا بر عهده بگیر؛ و

**مُنْكَرًا وَنَكِيرًا ، وَأَرِ عَيْنِي مُبَشِّرًا وَبَشِيرًا ، وَاجْعَلْ**

تکبر و منکر را از من دور کن؛ و مبشّر و بشیر را به من نشان بده؛ و

**لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ مَصْبِرًا وَعَيْشًا قَرِيبًا ،**

بازگشت مرا به سوی بهشت و رضوان خودت قرار بده؛ و زندگی خوش و کامیاب،

**وَمُلْكًا كَبِيرًا ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيرًا .**

و دارایی بزرگ برایم قرار بده؛ و بر محمد و آل او درود فراوان بفرست.

سپس آن مرد سجده‌ای طولانی کرد، و از جایش برخاست و

شترش را سوار شد و از آنجا رفت .

دوستم به من گفت: به نظر ما او حضرت خضر عليه السلام بود؛ چه شد که

با او صحبت نکردیم؟ گویا زبان ما را از صحبت‌کردن باز داشته بودند!

از مسجد خارج شدیم و در راه پسر ابی رواد رواسی را دیدیم؛ او

به ما گفت: از کجا می‌آیید؟

گفتیم: از مسجد صعصعه؛ و جریان را نیز برایش بازگو کردیم .

او گفت: این سوار دو سه روز یک بار به مسجد صعصعه می‌آید، و

هیچ حرف نمی‌زند؛ به او گفتیم که: او کیست؟

گفت: شما فکر می‌کنید چه کسی باشد؟  
گفتیم: گمان می‌کنیم حضرت خضر علیه السلام باشد.  
گفت: به خدا سوگند، فکر می‌کنم او کسی است که حضرت  
خضر علیه السلام هم محتاج دیدار اوست. بروید که سعادت‌مند شدید.  
دوستم به من گفت: به خدا سوگند، آن شخص امام زمان ارواحنا  
فداء بود.<sup>۱</sup>

نگارنده می‌گوید: سید بزرگوار جناب علی بن طاووس  
می‌فرماید: این دعا از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده  
است، ولی به خاطر این که در ایام ماه مبارک رجب خوانده می‌شود  
آن را در این جا (بخش ادعیه ماه‌ها) نقل کردیم.



### دعای روز سوّم ماه شعبان

علامه مجلسی رحمته الله در کتاب «بحار الأنوار» می‌فرماید: وکیل امام  
حسن عسکری علیه السلام - قاسم بن علاء همدانی - نامه‌ای از ناحیه  
مقدسه دریافت کرد که در آن فرموده بودند:

۱. المصباح: ۶۹۹، مزار شهید: ۲۷۷، بحار الأنوار: ۴۴۶/۱۰۰، اقبال الأعمال: ۱۴۳.

همانا مولای ما امام حسین علیه السلام در روز پنج‌شنبه سوّم شعبان به  
دنیا آمدند: آن روز را روزه بگیر، و این دعا را بخوان.<sup>۱</sup>

و در کتاب «زاد المعاد» می‌فرماید: امام زمان صلوات الله علیه این  
دستور را صادر فرمودند:

روز سوّم ماه شعبان را روزه بگیر و این دعا را بخوان؛ زیرا این روز،  
روز ولادت امام حسین علیه السلام است:

**اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُوْدِ فِیْ هَذَا الْیَوْمِ ،**

ای خدا! از تو درخواست می‌کنم به حق مولود در این روز که

**الْمَوْعُوْدِ بِشَهِادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ وَوَلَادَتِهِ ، بِكَتْمِهِ**

پیش از آنکه چهره‌اش ظاهر شود و متولد گردد به شهادت او وعده داده شده، کسی که

**السَّمَاءِ وَمَنْ فِیْهَا ، وَالْأَرْضِ وَمَنْ عَلَیْهَا ، وَلَنَا یَطَأُ**

بر او آسمان و هر که در آن است و زمین و هر که بر روی آن است بر (مظلومیت) او گریستند، در

**لَا بَتَّیْهَا قَتِیلِ الْعَبْرَةِ وَسَیِّدِ الْأَسْرَةِ ، الْمَمْدُوْدِ**

حالی که هنوز قدم به این دنیا نگذاشته بود؛ او کشته گریه و سرور خاندان است؛

**بِالنُّصْرَةِ یَوْمَ الْكُرَّةِ ، الْمَعْوِضِ مِنْ قَتْلِهِ اَنَّ الْاِئِمَّةَ**

که با انتقام خون پاکش در رجعت آل محمد نصرت و ظفر پایدار خواهد یافت، و در عوض

۱. بحار الأنوار: ۳۴۷/۱۰۱.



مِنْ نَسْلِهِ ، وَالشُّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ ، وَالْقَوْرَ مَعَهُ فِي

شهادتش امامان و پیشوایان دین از نسل پاک آن حضرت، و شفای هر درد و مرضی در تربت

أُوتِيهِ ، وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ عِتْرَتِهِ ، بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَ عَيْبَتِهِ ،

اوست، و رستگاری و پیروزی همراه اوست به هنگام رجعتش، و اوصیا از عترت او هستند، پس از

حَتَّى يُدْرِكُوا الْأَوْتَارَ ، وَيَثَارُوا الشَّارَ ، وَيَرْضُوا

حضرت مهدیؑ و بعد از غیبت آن حضرت تا اینکه به خونخواهی آن حضرت برخیزند و انتقام

الْجَبَّارِ ، وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ ، مَعَ

گیرند، و خداوند ختار را از خودشان خشنود کنند، و از بهترین یاوران (دین خدا) باشند. درود خدا بر

اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ . اللَّهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ ،

آنان تا زمانی که روز و شب در رفت و آمد هستند. بارخدايا؛ به حق آنان به درگاه تو توسل می‌جویم.

وَأَسْتَلُّ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ [ وَ ] مُعْتَرِفٍ ، مُسِيءٍ إِلَى

و از تو در خواست می‌کنم مانند گنه‌کاری که اعتراف به گناهان خود می‌کند، به خود بدی نموده

نَفْسِهِ ، مِمَّا فَرَطَ فِي يَوْمِهِ وَأَمْسِيهِ ، يَسْأَلُكَ الْعِصْمَةَ

به خاطر این که در روز و شب خود کوتاهی کرده است ، از تو در خواست می‌کند که او را تا

إِلَى مَحَلِّ رَمْسِهِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ ،

هنگام مرگ از گناه محفوظ بدارى . خدايا؛ بر حضرت محمدؐ و عترت پاکش درود فرست ،

وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ ، وَيَوِّثْنَا مَعَهُ دَارَ الْكَرَامَةِ ،

و ما را در زمرهٔ آن بزرگوار محشور فرما، و در سرای کرامت یعنی بهشت

وَمَحَلِّ الْأَقَامَةِ . اللَّهُمَّ وَكَمَا أَكْرَمْتَنَا بِسَمْعَرَتِهِ ،

و محل اقامت ابدی، مرا با او همشین گردان. خدايا؛ همانطور که ما را با معرفت و شناخت او گرامی

فَأَكْرِمْنَا بِزُلْفَتِهِ ، وَارْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُ وَسَابِقَتَهُ ، وَاجْعَلْنَا

داشتنی، پس با تقرب به او نیز گرامی دار؛ و دوستی، همراهی و شتافتن به سوی او را روزی ما

مِمَّنْ يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ ، وَيُكْثِرُ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ ،

بگردان، و ما را از کسانی قرار ده که در برابر امر او تسلیم است و در هنگام یاد نمودن از او درود

وَعَلَى جَمِيعِ أَوْصِيَائِهِ وَأَهْلِ اصْطِفَائِهِ ، الْمَمْدُودِينَ

بسیار بر او و تمامی اوصیا و برگزیدگان او می‌فرستد ، آنان که از طرف تو پیوسته آمده‌اند.

مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْأَثْنِي عَشَرَ ، النَّجْمِ الزُّهْرِ ، وَالْحَجَجِ

و تعدادشان دوازده تن می‌باشد؛ همهٔ آن‌ها ستارگان درخشان، و

عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ . اللَّهُمَّ وَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ

برای تمامی انسان‌ها حجت می‌باشند. خدايا؛ در این روز، بهترین بخشش خود را به ما ببخش؛

مَوْهَبَةٍ ، وَانْجِحْ لَنَا فِيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ ، كَمَا وَهَبْتَ

و در این روز، تمامی حاجات ما را برآورده کن ، همان طور که امام حسین ؑ را

الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَعَاذَ

به جدش حضرت محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - هدیه دادی و

فُطْرُسٍ بِمَهْدِهِ ، فَتَخْنُ عَائِدُونَ يَقْبِرِهِ مِنْ بَعْدِهِ ،

فطرس - فرشتهٔ الهی - به گهواره‌اش پناه برده ما نیز پس از شهادتش به قبر او پناه می‌بریم و در نزد

تَشْهَدُ تُرَيْتَهُ ، وَنَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .۱

تربت او حاضر می‌شویم و منتظر بازگشتش می‌باشیم. ای پروردگار هستی! دعای ما را مستجاب کن.

### فضیلت شب نیمهٔ شعبان

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمته الله علیه می‌فرماید:

سزاوار است تعظیم این شب به خاطر ولادت حضرت مهدی

ارواحنا فداه نزد مسلمانان و کسانی که اعتراف به حقوق امامت ایشان

دارند - به مقداری که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را ذکر فرموده‌اند - و

سعادت‌مندان از امت پیامبر صلی الله علیه و آله آن را بشارت داده‌اند؛ باشد .

همان طور که روزگار و زندگانی برای مسلمانان تنگ و تاریک شد

و لشکریان دشمن بر آنان مسلط شدند و بدیمنی و شومی گناهان‌شان

آنان را احاطه کرد؛ پس خداوند مولودی را به دنیا آورد که آنان را از

اسارت و بردگی آزاد کند و آنان را بر حقوق از دست رفتهٔ ایشان قدرت

۱. زاد المعاد: ۵۷، مصباح‌المنتهجد: ۸۲۶، المصباح: ۷۲۰، إقبال الأعمال: ۲۰۲.

و توانایی می‌دهد و به تمامی افراد بشر آنچه را که مستحق آن هستند،

اعطا می‌کند؛ سفرهٔ رحمت خود را در شرق و غرب عالم می‌گستراند؛

سفره‌ای که همگان به طور یکسان از آن بهره‌مند می‌شوند .

کامل‌کنندهٔ الطاف خداوند با اوصافی نیکو است . او بر آن سفره

مانند پدری دلسوز نسبت به فرزندان عزیزش یا مانند حاکمی

مهربان و بزرگوار نسبت به رعیت و زیردستانش می‌نشیند و آن

حضرت از مقدمات نشانه‌های سرور و بشارت‌های خیر و نیکی نسبت

به جهان پایدار را به آن‌ها نشان می‌دهد؛ آنچه را که حاضر آن گواهی

بر غایب آن می‌دهد و دل‌ها را به سوی اطاعت پروردگار می‌کشاند .

سید بن طاووس رحمته الله علیه در ادامه می‌افزاید: تمامی انسان‌ها باید

برای شکرگزاری از آنچه خداوند به وسیلهٔ آن حضرت بر آنان منت

گذاشته و به آنان عطا کرده، و به خاطر این که خداوند آنان را از رعیت

و سربازان آن حضرت قرار داده تا برای یاری اسلام و ایمان، و

ریشه‌کن کردن کفر و سرکشی و دشمنان اسلام، و برپا کردن

خیمه‌های سعادت در تمامی عالم از شرق تا غرب و در

دورترین نقاط جهان، او را یاری دهند، این شب را گرامی بدارند و

به عبادت بپردازند.

و آن‌ها را در خدمت خداوندی که کسی به ذات او پی نمی‌برد قرار

خواهد داد و نیز در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله - که سبب این ولادت

و سعادت و شرافت دادن به ریاست آن حضرت است - و نیز تشکری و خدمتی برای پدران پاک آن حضرت؛ آنان که اصل و ریشه این ولادت مبارک و یاوران آن حضرت در برپا داشتن حرمت و حفظ احترامش می باشند، و نیز تشکری و خدمتی به خود آن حضرت نماید.

همان گونه که واجب است هر بنده‌ای در برابر زمامدار خود که باعث استواری و پایداری او گردیده و سعادت او را تأمین نموده خدمت کند و گمان نمی‌کنم که قوت بشری قادر بر قیام به این حقوق عظیم و پسندیده باشد مگر با نیروی الهی.

پس هر بنده‌ای از بندگان سعادت‌مند به خاطر نعمت‌هایی که به وسیله آن حضرت و به خاطر طفیل وجود ایشان به او می‌رسد، باید با قدرت و جدّیت به شکرگزاری قیام کند.

از جمله دعاها و سوگندهایی که در شب نیمه شعبان به واسطه این مولود عالی‌مقام و ارزشمند، به خدای تعالی می‌دهیم؛ این دعاست:



#### دعای شب نیمه شعبان

اللَّهُمَّ بِحَقِّ آيَاتِنَا هَذِهِ وَمَوْلُودِهَا، وَحُجَّتِكَ

خدایا؛ به حقّ امشب ما و مولود آن، و حجت تو

وَمَوْلُودِهَا، الَّتِي قَرَنْتَ إِلَيَّ فَضْلَهَا فَضْلاً فَتَمَّتْ

و وعده داده شده آن، که برتری دیگری بر برتری آن مقرون ساختی و پیوسته نمودی؛ پس کامل

كَلِمَتِكَ صِدْقاً وَعَدَلاً، لَا مُسَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ، وَلَا

گردید کلمه تو به راستی و عدالت، که دگرگون کننده‌ای برای کلمات تو نیست، و نه

مُعَقَّبَ لِآيَاتِكَ، نُورُكَ الْمَتَأَلَّقُ، وَضِيَاؤُكَ الْمُشْرِقُ،

پس‌زنده‌ای بر آیات نیست؛ او نور درخشان تو و روشنایی تابان تو

وَالْعَلَمُ النُّورُ فِي طَخْيَاءِ الدِّيَجُورِ، الْغَائِبُ

و پرچم نور در تاریکی شب سیاه، (که جمالش) پنهان و

الْمُسْتُورُ. جَلَّ مَوْلِدُهُ، وَكَرَّمَ مَحْتِدُهُ، وَالْمَلَائِكَةُ

پوشیده است. ولادتش شکوه‌مند، و نژادش شریف است، و فرشتگان

شَاهِدَةٌ، وَاللَّهُ نَاصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ، إِذَا أَنْ مَسْبَعَادُهُ،

شاهدان اویند، و خداوند یاری‌کننده و تأییدکننده اوست؛ هنگامی که زمان وعده‌اش فرا رسد،

وَالْمَلَائِكَةُ أُمْدَادُهُ، سَيِّفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُو، وَنُورُهُ

و فرشتگان مددکاران اویند. او شمشیر خداوندی است که کند نشود، و نور خداوندی

الَّذِي لَا يَخْبُو، وَذُو الْجَلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُو، مَدَارُ

است که هرگز خاموش نگردد، و صاحب بردباری است که از جا در نرود. محور و مرکز

الدَّهْرِ، وَتَوَامِسُ الْعَصْرِ، وَوَلَاةُ الْأَمْرِ، وَالْمَنْزَلُ

چرخش روزگار، و ناموس‌های زمانه، و کارداران فرمان الهی؛ و کسانی که نازل گشته

عَلَيْهِمُ الذِّكْرُ، وَمَا يَنْزِلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَأَصْحَابُ

بر ایشان ذکر یعنی قرآن و آنچه در شب قدر نازل گردد، و صاحبان

الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، تَرَاجِمُهُ وَحَبِيه، وَوَلَاةُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ .

گردآوری و پراکندگی، بیان‌کننده پیام آسمانی او؛ و عهده‌داران امر و نهی او می‌باشند.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى خَاتِمِهِمْ وَقَائِمِهِمْ، الْمَسْتُورِ عَنِ

بار خدایا؛ بر آخرین، و قیام‌کننده ایشان درود بفرست که از عوالم ایشان پوشیده است؛

عَوَالِمِهِمْ (عَوَالِمِهِمْ)، وَأَدْرِكْ بِنَاءَ يَأْمَهُ وَظُهُورَهُ وَقِيَامَهُ،

و ما را موفق به درک روزگار و دوران ظهور و قیامش بگردان؛

وَأَجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ، وَأَقْرِنُ ثَارَنَا بِثَارِهِ، وَاكْتُبْنَا

و ما را از یاران آن حضرت قرار بده؛ و خونخواهی ما را به خونخواهی او پیوسته گردان؛ و ما را در

فِي أَعْوَانِهِ وَخُلَصَائِهِ، وَأَحِينَا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ،

گروه یاران و مخلصان بی‌الایشانش بنویس؛ و ما را در دولت آن حضرت، برخوردار از نعمت زنده بدار

وَبُضْحِيَّتِهِ غَانِمِينَ، وَبِحَقِّهِ قَائِمِينَ، وَمِنَ السُّوءِ سَالِمِينَ

و به همراهی او بهره‌مند، و به ادای حقش پایرجا، و از بدی نیز برکنار بدار؛

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى

ای مهربان‌ترین مهربانان؛ و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است؛ و درود

اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَعَلَى

خدا بر حضرت محمد خاتم پیامبران و رسولان و بر

أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَعِتْرَتِهِ النَّاطِقِينَ، وَالْعَنَ جَمِيعَ

اهل بیت راستگو و عترت سخن‌گوی اندیشمند او باد. خدایا؛ به همه

الظَّالِمِينَ، وَأَحْكُمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ. ۱

ستم‌کاران لعنت کن، و خودت بین ما و آن‌ها داوری کن؛ ای بهترین داوران.

نگارنده می‌گوید: سزاوار است صلوات ضراب اصفهانی که آن را

در صفحه ۲۲۷ این کتاب نقل کردیم، در شب نیمه شعبان و

روزش، خوانده شود.



### دعای افتتاح

علامه مجلسی رحمته الله می‌گوید: با سند معتبر روایت شده که: امام

عصر ارواحنا فداء، خطاب به شیعیان مرقوم فرمودند:

۱. اقبال الأعمال: ۲۱۸، زاد المعاد: ۶۳، المصباح: ۷۲۴، مصباح الزائر: ۳۱۵.

این دعا را در تمام شب‌های ماه مبارک رمضان بخوانید؛ زیرا فرشتگان به آن گوش فرا می‌دهند و برای خواننده آن، طلب بخشش می‌کنند.

دعا این است:

**اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتِثِحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ، وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ**

بارالها؛ من ثناگویی تو را با ستایش و حمدت آغاز می‌کنم؛ و تو به لطف و

**لِلصَّوَابِ بِمَنِّكَ، وَأَيَّقِنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ**

احسانت هر کار راست و درستی را استوارکننده‌ای؛ و یقین دارم که تو در جایگاه بخشش و

**فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي**

مهربانی، مهربان‌ترین مهربانان هستی؛ و در جایگاه انتقام و عقوبت نیز

**مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنَّقْمَةِ، وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي**

سخت‌ترین کیفرکننده‌ای؛ و در جایگاه بزرگی و عظمت، بزرگ‌ترین

**مَوْضِعِ الْكِبْرِ يَا وَ الْعَظْمَةِ. اللَّهُمَّ اذْنَتَ لِي فِي**

قدرت و شوکت را دارا هستی. بارالها؛ به من اجازه دادی تو را دعا کنم

**دُعَائِكَ وَمَسْأَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ مِدْحَتِي،**

و از تو درخواست نمایم؛ بنابراین، ای شنونده؛ به ثناگویی من گوش بده،

**وَأَجِبْ يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي، وَأَقِلْ يَا عَفُورُ عَثْرَتِي،**

و ای مهربان؛ دعایم را اجابت کن. و ای آمرزنده؛ از لغزشم درگذر.

**فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَهَا، وَهَمُومٍ قَدْ**

خدای من؛ چه اندوه جانکاه بسیاری که تو برطرف نمودی؛ و چه مصیبت‌هایی که

**كَشَفْتَهَا، وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقْلْتَهَا، وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا،**

تو کنار زدی؛ و چه لغزش‌هایی که درگذشتی؛ و چه رحمت و لطفی که تو گسترانیدی؛

**وَحَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتَهَا. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ**

و چه حلقه‌های بلایی که از هم گسستی. ستایش ویژه خدایی است که

**صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ،**

همسر و فرزندی ندارد، و در فرمان‌فرمایی او نیز شریکی نیست.

**وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكِبْرُهُ تَكْبِيرًا. الْحَمْدُ لِلَّهِ**

و هیچ ولی و سرپرستی از روی ذلت و ناتوانی اختیار نکرده است، و خدای را در نهایت بزرگی یاد کن. ستایش

**بِجَمِيعِ مَخَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا. الْحَمْدُ**

به تمام انواع آن در مورد تمام نعمت‌هایش، مخصوص خداست. ستایش ویژه

**لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ، وَلَا مُنَازِعَ لَهُ فِي**

خدایی است که در فرمان‌فرمایی او هیچ کس نمی‌تواند با او ضدیت کند، و در فرمانش کسمش

**أَمْرِهِ . اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ ، وَلَا**

کننده‌ای برای او نیست. ستایش ویژهٔ خدایی است که در خلقت و آفرینش شریکی ندارد، و در

شَبِيهَهُ لَهُ فِي عَظَمَتِهِ . اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ

عظمت و بزرگیش مانند‌ی ندارد. ستایش ویژهٔ خدایی است که فرمان او و ستایش او در بین

**أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ ، الظَّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ ، وَالْبَاسِطِ**

آفریدگان ، آشکار و شکوهِش به واسطهٔ کرامت و بزرگواریش هویدا است ، و دستش یا

**بِالْجُودِ يَدُهُ ، الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ ، وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةٌ**

سخاوت‌مندی همواره گشوده است؛ همان خدایی که گنجینه‌هایش کم نمی‌شود، و بخشش زیادش تنها

**الْعَطَاءِ إِلَّا جُودًا وَكَرَمًا ، إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ .**

باعث افزایش بخشش و کرم و بزرگواری او می‌شود؛ همانا او، تنها عزتمند بسیار بخشنده است.

**اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ قَلِيْلًا مِّنْ كَثِيْرٍ مَّعْ حَاجَةٍ بِيْ اِلَيْهِ**

بارالها؛ از تو می‌خواهم اندکی از بسیار را به طوری که به این اندک بسیار نیازمندم؛

**عَظِيْمَةٍ ، وَغِنَاكَ عَنْهُ قَدِيْمٌ ، وَهُوَ عِنْدِيْ كَثِيْرٌ ، وَهُوَ**

و تو از قدیم بی‌نیاز از این‌ها بوده‌ای ، و این اندک نزد من بسیار زیاد و ارزشمند است و برای تو

**عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيْرٌ . اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَفْوَكَ عَن ذَنْبِيْ ،**

(راوردنش) هیچ کاری ندارد و کم و آسان می‌باشد. بارالها، واقعتاً آن است که بخشش تو نسبت به گناه

**وَ تَجَاوَزَكَ عَنِ خَطِيْئَتِيْ ، وَصَفَحَكَ عَنِ ظُلْمِيْ ،**

من، و گذشت تو از اشتباه من، و چشم‌پوشی تو از ستم من.

**وَ سَتَرَكَ عَلَيَّ قَبِيْحَ عَمَلِيْ ، وَحِلْمَكَ عَنِ كَثِيْرٍ**

و پوشش تو بر رفتار زشت من، و بردباری تو نسبت به جرم سنگین

**جُرْمِيْ ، عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطِيْئِيْ وَعَمْدِيْ ، اَطْمَعَنِيْ**

و بسیار من چه از روی عمد انجام داده‌ام ، و چه به طور اشتباهی مرتکب شده‌ام؛ باعث شده است

**فِيْ اَنْ اَسْئَلَكَ مَا لَا اَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ ، الَّذِي رَزَقْتَنِيْ**

باز هم طمع کنم و اقدام به درخواست چیزی از تو نمایم که سزاوار آن نیستم؛ همان

**مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَارِيْتَنِيْ مِنْ قُدْرَتِكَ ، وَعَرَفْتَنِيْ مِنْ**

چیزی که از رحمتت نصیبم ساختی ، و از قدرتت نشانم دادی ، و از پاسخ‌گوییت که به من

**اِجَابَتِكَ ، فَصِرْتُ اَدْعُوكَ اَمِيْنًا . وَ اَسْئَلُكَ مُسْتَأْنِسًا لَا**

شناسانندی؛ بدین‌سان، با آرامش تو را می‌خوانم . و نیز از تو می‌خواهم، در حالت آس با تو، نه

**خَائِفًا وَلَا وَجَلًا ، مُدِلًّا عَلَيْكَ فَيَمَا قَصَدْتُ فِيْهِ**

با ترس و هراس ، و با اطمینان خاطر به سوی تو در آنچه به خاطر آن اهنگ تو کردم ،

**اِلَيْكَ ، فَاِنْ اَبْطَأَ عَنِّيْ عَتَبْتُ بِجَهْلِيْ عَلَيْكَ ، وَ لَعَلَّ**

بس اگر دیر پاسخم را دادی ، با نادانیم بر تو عتاب و سرزنش کنم؛ با آن که احتمال قوی

الَّذِي أَبْطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي ، لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ ،

می‌رفت چیزی که در دانشش به من تأخیر کردی برایم بهتر باشد؛ زیرا، تو پایان همهٔ کارها را

فَلَمْ أَرَ مَوْلَىٰ كَرِيمًا أَصْبِرَ عَلَىٰ عَبْدٍ لَتَيْمٍ مِنْكَ عَلَيَّ

می‌دانی؛ پروردگارا! هیچ مولای کریم و بزرگواری را بر بندهٔ بستی شکیماتر از تو بر خود ندیدم.

يَا رَبِّ ، إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأَوْلِيَّ عَنْكَ ، وَتَتَحَيَّبُ إِلَيَّ

تو مرا دعوت می‌کنی، ولی من روی می‌گردانم؛ تو به من محتبت می‌کنی

فَأَتَبَغَّضُ إِلَيْكَ ، وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ ، كَأَنَّ لِي

ولی من با تو دشمنی می‌کنم، تو به من مهر می‌ورزی ولی من از تو نمی‌پذیرم؛ گویا من از تو

التَّطَوَّلَ عَلَيْكَ ، فَلَمْ يَمْنَعَكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي ،

طلب‌کارم و نسبت به تو حق نعمت دارم؛ ولی این هم باعث نمی‌شود تو از مهریانی

وَالْإِحْسَانَ إِلَيَّ ، وَالتَّفَضُّلَ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ ،

و احسان و فروز‌بخشیدن با سخاوتمندی و بزرگواریت نسبت به من، دست برداری.

فَارْحَمَ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ ، وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ ،

بنابراین (خدایا!) به این بندهٔ نادان‌ت رحم کن؛ و با فروزی احسانت بر او بخشش فرما؛

إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ .
الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ ، مُجْرِي

راستی که تو بخشنده و بزرگواری. ستایش ویژهٔ خداست که صاحب فرمانروایی است،

الْقُلُوكِ ، مُسَخَّرِ الرِّيَّاحِ ، فَالِقِ الْأُصْبَاحِ ، دَيَّانِ

کشتی را در دریا روان می‌سازد، پادها را در اختیار دارد، شکافندهٔ صبح است، پاداش دهندهٔ

الَّذِينَ ، رَبِّ الْعَالَمِينَ .
الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ حِلْمِهِ بَعْدَ

روز جزا است، پروردگار جهانیان است؛ ستایش ویژهٔ خداست که با وجود آگاهیش بردباری

عِلْمِهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ ، وَالْحَمْدُ

می‌کند، و ستایش ویژهٔ خداست که با وجود قدرت و تواناییش عفو و بخشش می‌کند. و ستایش ویژهٔ

لِلَّهِ عَلَىٰ طُولِ أَنْاتِهِ فِي غَضَبِهِ ، وَهُوَ قَادِرٌ عَلَىٰ مَا

خداست که در حال خشم نیز مهلت طولانی می‌دهد، با این که می‌تواند هر کاری که اراده کند انجام

يُرِيدُ .
الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ ، بَاسِطِ الرِّزْقِ ، فَالِقِ

بدهد. ستایش ویژهٔ خداست که آفرینندهٔ مخلوقات است؛ گسترانندهٔ روزی است؛ شکافندهٔ

الْأُصْبَاحِ ، ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، وَالْفَضْلِ

صبح است؛ شگوه‌مند و ارجمند است؛ دارای فضل و احسان

وَالْإِنْعَامِ ، الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَىٰ ، وَقَرَبَ فَشْهَدَ

و نعمت‌بخشی است؛ همان خدای که دور است پس به چشم نمی‌آید، و نزدیک است که

النَّجْوَىٰ ، تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ .
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ

صحبت‌های درگوشی را نیز می‌شنود؛ پاک و بلندمرتبه است. ستایش ویژهٔ خدایی است که

**مُنَازِعُ يُعَادِلُهُ** ، **وَلَا شَبِيهَهُ يُشَاكِلُهُ** ، **وَلَا ظَهِيرُهُ**

برایش ستیزه‌جویی نیست که با او برابری کند؛ و شبیهی ندارد که با او همانندی نماید؛ و کمک‌کاری

**يُعَاضِدُهُ** ، **فَهَرَ بَعْرَتِهِ الْأَعْرَاءَ** ، **وَتَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ**

ندارد که او را یاری برساند، با اقتدار خودش بر قدرتمندان چیره‌گشته؛ و بزرگان، در برابر عظمت او

**الْعُظْمَاءَ** ، **فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ** . **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي**

فروتنی و کوچکی‌کنند؛ و بدین‌سان دستِ قدرتش بر آنچه بخواهد رسا است. ستایش ویژهٔ خداست

**يُجِيبُنِي حِينَ أَنْادِيهِ** ، **وَيَسِّرُ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَأَنَا**

که وقتی او را صدا می‌زنم پاسخم را می‌دهد؛ و در حالی که من او را ناقوامی می‌کنم تمام عیوب و زشتی‌هایم را

**أَعْصِيهِ** ، **وَيُعْظِمُ النِّعْمَةَ عَلَيَّ فَلَا أَجَازِيهِ** ، **فَكَمْ مِنْ**

پنهان می‌دارد؛ و نعمت‌هایش را برلم زیاد می‌کند ولی من جواب خوبی به این نعمتبخشی‌ها نمی‌دهم، چه

**مَوْهَبَةٍ هَنِيئَةٍ قَدْ أَعْطَانِي** ، **وَعَظِيمَةٍ مَسْخُوفَةٍ قَدْ**

بخشش گوارایی که به من نمود، و چه امور بزرگ ترسناکی که مرا از آن‌ها

**كَفَانِي** ، **وَبَهْجَةٍ مُونِقَةٍ قَدْ أَرَانِي** ، **فَأَثْنِي عَلَيْهِ**

کفایت کرد، و چه بسیار خوشی‌های دوست‌داشتنی که به من نشان داد، به این جهات پیوسته او را

**حَامِداً** ، **وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحاً** . **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ**

با ستایش خود نناگویی می‌کنم، و همیشه با تسبیح‌کردن او به یادش می‌یاشم. ستایش ویژهٔ خدایی است

**حِجَابُهُ** ، **وَلَا يُعَلِّقُ بَابَهُ** ، **وَلَا يَرُدُّ سَائِلَهُ** ، **وَلَا يُخَيِّبُ**

که پرده و حجاب از او دریده نمی‌شود؛ درگاهش بسته نمی‌شود؛ گدایش رد نمی‌شود؛ آرزومندش،

**أَمَلُهُ** . **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ** ، **وَيَسْجِي**

ناامید برنمی‌گردد. ستایش ویژهٔ خدایی است که بیمناکان را اِمنی می‌بخشد، صالحان و

**الصَّالِحِينَ** ، **وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ** ، **وَيَضَعُ**

شایستگان را رها می‌سازد، ناتوان‌شمرده‌شدگان را والا و بالا می‌برد، و

**الْمُسْتَكْبِرِينَ** ، **وَيُهْلِكُ مُلُوكًا** ، **وَيَسْتَخْلِفُ آخِرِينَ** .

تکبرکنندگان را بر زمین می‌زند، و پادشاهانی را نابود می‌کند و به جای ایشان افراد دیگری را می‌نشانند.

**وَالْحَمْدُ لِلَّهِ فَاصِمِ الْجَبَّارِينَ** ، **مُبِيرِ الظَّالِمِينَ** ، **مُدْرِكِ**

و ستایش ویژهٔ خدایی است که درهم‌شکنندهٔ زورگویان، نابودکنندهٔ ستمگران، به جنگ آورندهٔ

**الْهَارِبِينَ** ، **نَكَالِ الظَّالِمِينَ** ، **صَرِيخِ الْمُسْتَضْرَّحِينَ** ،

فراریان، کیفر دهندهٔ ستمگران، فریادرس دادخواهان،

**مَوْضِعِ حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ** ، **مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ** . **الْحَمْدُ**

پاسخ‌گوی حاجت‌خواهان و مورد اعتماد مؤمنان است. ستایش

**لِلَّهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا** ،

ویژهٔ خدایی است که آسمان و ساکنانش از ترس و هراس او می‌غزند،



وَتَرْجُفُ الْأَرْضُ وَعُمَارُهَا، وَتَمُوجُ الْبِحَارُ وَمَنْ

و زمین و آبادگانش به لرزه درمی آیند، و دریاها و هر که در اعماق آن شناور است

يَسْبِغُ فِي غَمَرَاتِهَا. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا ،

دچار موج گردند. ستایش ویژه‌ی خدایی است که ما را به این (راه خودش) هدایت فرمود،

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

و اگر او هدایت‌مان نمی‌کرد به هیچ وجه هدایت نمی‌شدیم. ستایش ویژه‌ی خدایی است که

يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ، وَيَرْزُقْ وَلَا يُرْزَقْ، وَيُطْعَمُ

می‌آفریند و آفریده نشده است، و روزی می‌دهد و خود روزی داده نمی‌شود و طعام می‌دهد

وَلَا يُطْعَمُ، وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى، وَهُوَ

و خود طعام نمی‌خورد، و زنده‌ها را می‌میراند و مردگان را زنده می‌کند، و او

حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

زنده‌ای است که نخواهد مرد، خیر و خوبی، تنها در دست اوست؛ و او بر هر چیزی

قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ ،

توانایی دارد. بار الها؛ بر حضرت محمد - که بنده، فرستاده،

وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ، وَحَبِيبِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،

امانت‌دار، برگزیده، دوست، منتخب تو از آفریدگانت،

وَخَافِظِ سِرِّكَ، وَمُبَلِّغِ رِسَالَاتِكَ، أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ

نگهدارنده اسرار، و رساننده رسالت‌های توست - درودی پیوسته نثار کن؛ برترین، نیکوترین،

وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ

زیباترین، کامل‌ترین، خوب‌ترین، رشدکننده‌ترین، پاکترین و پاکیزه‌ترین،

وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَسَرَّحْتُمْ،

والاثرین و بیشترین از درودها، برکت‌ها، رحمت‌ها

وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ، عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ

و مهربانی‌ها، و سلامت‌بخشی‌هایی باشد که بر هر یک از بندگان خاص خود، پیامبران،

وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ، وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ

رسولان، برگزیدگان، و گرامی داشته شدگان در بین مخلوقات تو؛ نثار فرموده باشی.

خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

بار الها؛ بر حضرت علی عليه السلام فرمانروای مؤمنان،

وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ،

و وصی و جانشین فرستاده پروردگار جهانیان، بنده تو، ولی تو،

وَأَخِي رَسُولِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَأَيْتِكَ

برادر رسول تو، حجّت تو بر آفریدگانت، و بزرگ‌ترین آیت و نشانه‌ات،

الْكُبْرَى، وَالتَّبَا الْعَظِيمِ، وَصَلِّ عَلَي الصِّدِّيقَةِ

و آن خیر بزرگ؛ درود پیوسته نثار کن. و بر حضرت صدیقه

الطَّاهِرَةِ، فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَي

طاهره فاطمه زهراعلیها السلام، سرور زنان جهانبان، درود فرست. و بر دو

سِبْطَي الرَّحْمَةِ، وَإِمَامَي الْهُدَى، الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ

نواده ارجمند پیامبر رحمت، دو امام و پیشوای هدایت؛ یعنی امام حسن و امام حسینعلیهما السلام

سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. وَصَلِّ عَلَي أَسْمَةَ

که سرور جوانان بهشتی هستند؛ درود فرست. و بر پیشوایان

الْمُسْلِمِينَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ،

مسلمانان، یعنی: علی بن الحسین (سجاد)، محمد بن علی (باقر)،

وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَعَلِيَّ بْنَ

جعفر بن محمد (صادق)، موسی بن جعفر (کاظم)، علی بن

مُوسَى، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ،

موسی (رضا)، محمد بن علی (جواد)، علی بن محمد (هادی)

وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، وَالْخَلْفَ الْهُدَايَ الْمَهْدِيَّ،

حسن بن علی (عسکری) و بلازمانده او که راهنما و راه‌یافته است (مهدی)؛

حُجِّجَكَ عَلَي عِبَادِكَ، وَأُمْنَائِكَ فِي بِلَادِكَ، صَلَوَةً

که همگی حجت‌های تو بر بندگانت، و امانت‌داران تو در شهرهایت می‌باشند؛ صلوات

كَثِيرَةً دَائِمَةً. اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَي وَلِيِّ أَمْرِكَ، الْقَائِمِ

و درودی فراوان و دائمی نثار کن. خدایا؛ درود فرست بر ولی امرت، قیام‌کننده

الْمُؤَمَّلِ، وَالْعَدْلِ السُّمْتَنِّظِرِ، وَحُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ

مورد آرزو، و عدالت محض که همه در انتظارش بوده و هستند؛ و با فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ، وَأَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

مقربت او را در بگیر؛ و با روح‌القدس تأییدش کن؛ ای پروردگار جهانبان.

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَي كِتَابِكَ، وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ،

بار الها؛ او را فراخوانندهٔ مردم به سوی قرآن، و برپاکنندهٔ دین و آیینت قرار ده؛

اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ،

او را همانند دیگران که در زمین خلافت بخشیدی و جانشین خودت کردی، جانشین ساز؛

مَكَّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ، أَبَدْلُهُ مِنْ بَعْدِ

دینی را که برای او پسندیده‌ای قدرتمند و ارزشمند ساز؛ پس از شرایط ترسناکی که دارد،

خَوْفِهِ أَمْنًا، يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا. اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ

او را به آرامش و ایمنی برسان، تا در نتیجه تو را بپرستند و چیزی را با تو شریک نگیرد. خدایا؛ او را

**وَأَعِزُّهُ بِهٖ ، وَانصُرُهُ وَانْتَصِرْ بِهٖ ، وَانصُرْهُ نَصْرًا**

عزیز کن، و به وسیلهٔ او (مؤمنان را) عزت ببخش؛ او را یاری و پیروز کن، و (مؤمنان را) به واسطهٔ او پیروز

**عَزِيزًا ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيْرًا ، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ**

فرما؛ و یاری عزتمندت را بدو برسان، و برایش گشایش و پیروزی شایان و آسانی فراهم کن، و از جانب خودت

**سُلْطٰنًا نَصِيْرًا . اَللّٰهُمَّ اَظْهِرْ بِهٖ دِيْنَكَ وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ**

برایش قدرت و سلطنتی پیروز مقرر دار. بارالها؛ آیین خودت، و سنت پیامبرت را به وسیلهٔ او آشکار

**حَتّٰى لَا يَسْتَحْفِيْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْحَقِّ مَخَافَةً اَحَدٍ مِّنَ**

ساز؛ به گونه‌ای که از ترس یکی از آفریدگانت، هیچ بخشی از حقّ و حقیقت را پنهان نکند.

**الْخَلْقِ . اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَرْعُبُ اِيْنِكَ فِيْ دَوْلَةِ كَرِيْمَةٍ ، تُعِزُّ**

بارالها؛ واقعیت آن است که ما مشتاق دولت کریمهٔ آن حضرت هستیم که (در سایهٔ حضور پیشوای

**بِهَا الْاِسْلَامَ وَاَهْلَهُ ، وَتُذِلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَاَهْلَهُ ،**

معصومان) اسلام و اسلامیان را عزیز و نیرومند گردانی، و نفاق و منافقین را خوار و ذلیل نمایی؛

**وَ تَجْعَلُنَا فِيْهَا مِنَ الدُّعَاةِ اِلَى طَاعَتِكَ ، وَ الْقَادَةِ اِلَى**

و در آن حکومت و دولت، ما را از کسانی قرار دهی که مردم را به فرمان‌برداری از تو فرابخوانیم، و همه را به

**سَبِيْلِكَ ، وَ تَرِزُقْنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا وَاْلآخِرَةِ . اَللّٰهُمَّ**

راه تو رهبری کنیم، و به واسطهٔ این دولت شوکومند، کرامت دنیا و آخرت را به ما ارزانی داری. بارالها؛

**مَا عَرَفْتُنَا مِنْ الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ ، وَمَا قَصْرْنَا عَنْهُ**

حقیقت‌هایی را که به ما شناساندی، توان تحملش را نیز بده تا آن‌ها را بپوشیم؛ و هر چه را به آن دست نیافته‌ایم

**فَبَلَّغْنَاهُ . اَللّٰهُمَّ الْمُمْ بِهٖ شَعْتْنَا ، وَاشْعَبْ بِهٖ صَدْعَنَا ،**

خودت ما را بدان‌ها برسان. خدا یا؛ به واسطهٔ آن حضرت پراکندگی ما را سامان بخش؛ اختلاف میان ما را

**وَ اَرْتُقْ بِهٖ فَتَقْنَا ، وَ كَثُرْ بِهٖ قَلْتْنَا ، وَاَعِزُّ بِهٖ ذِلَّتْنَا ،**

اصلاح کن؛ گسستگی ما را تبدیل به پیوستگی فرما؛ کمی تعداد ما را تبدیل به بسیاری گردان؛ خوری و دلت ما

**وَ اَغْنِ بِهٖ عَائِلَنَا ، وَاَقْضِ بِهٖ عَن مَّعْرَمِنَا ، وَاَجْبِرْ بِهٖ**

ما را تبدیل به عزت کن؛ فقیران ما را بی‌نیاز و ثروتمند ساز؛ بدهی ورشکستگان و بدهکاران ما

**فَقْرَنَا ، وَ سُدِّ بِهٖ حَلَّتْنَا ، وَ يَسِّرْ بِهٖ عُسْرَنَا ، وَ بَيِّضْ بِهٖ**

را ادا کن؛ فقر و نیازمندی ما را جبران فرما؛ نقص و خلل‌های ما را بپر کن؛ سختی ما را تبدیل به

**وُجُوْهَنَا ، وَفُكْ بِهٖ اَسْرَنَا ، وَاَنْجِحْ بِهٖ طَلِبَتْنَا ، وَاَنْجِزْ**

راحتی کن؛ رخسارمان را سپید و نیکو گردان؛ اسیران‌مان را آزاد ساز؛ خواسته‌های ما را برآور؛

**بِهٖ مَوَاعِيْدَنَا ، وَاَسْتَجِبْ بِهٖ دَعْوَتْنَا ، وَاَعْطِنَا بِهٖ**

وعده‌های‌مان را محقق کن؛ دعای ما را پاسخگو باش؛ خواسته‌های ما را عطا کن؛

**سُؤْلَنَا ، وَ بَلِّغْنَا بِهٖ مِنَ الدُّنْيَا وَاْلآخِرَةِ اَمَانَنَا ، وَاَعْطِنَا**

ما را به ارمان‌ها و آرزوهای دنیوی و آخروی برسان؛ و برتر از آنچه بدان مایلیم

بِهِ فَوْقَ رَعْبَيْنَا . يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ

به ما عطا کن . ای بهترین کسی که از او درخواست می‌شود؛ ای دارای فراگیرترین

الْمُعْطِينَ ، اِشْفِ بِهِ صُدُورَنَا ، وَأَذْهِبْ بِهِ غَيْظَ

بخشش و عطا؛ سینه‌های ما را به وسیله او شفا بخش؛ خشم قلبمان را به وسیله او برطرف کن؛ به کمک او

قُلُوبِنَا ، وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَا ذِيكَ ،

و به واسطه حضور او، با اذن و خواست خودت ما را در مورد حقیقت‌هایی که در آن اختلاف شده، راهنمایی

إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ، وَأَنْصُرْنَا

و هدایت فرما؛ به راستی، تو هر که را خودت بخواهی به راه راست رهنمون می‌شوی، ما را به واسطه او بر

بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوَّنَا ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ . اللَّهُمَّ إِنَّا

دشمن خودت و دشمن ما، یاری فرما! ای معبود به حق؛ دعايمان را مستجاب گردان. بارالها! واقعیت آن

نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَعَيبَةَ

است که ما به تو شکایت می‌کنیم به خاطر فقدان و عدم حضور پیامبران . که درودت بر او و آل او باد . و از

وَأَلْبِنَا ، وَكَثْرَةَ عَدُوَّنَا ، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا ، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ

پنهان بودن سرپرست مهربانان، و از بسیاری دشمنان، و کمی تعداد خودمان، و از فتنه‌ها و آشوب‌های سختی

بِنَا ، وَتَظَاهُرِ الزَّمَانِ عَلَيْنَا ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ،

که دچارشان هستیم؛ و به خاطر ظاهر شدن روزگار بر علیه ما . پس بر محمد و آل او درودی بیوسته نثار کن،

وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحِ مِنْكَ تَعْجَلُهُ ، وَبِضُرِّ تَكْشِفُهُ ،

و ما را در این گرفتاری‌ها کمک کن توسط پیروزی و گشایشی که در آن شتاب می‌کنی؛ و ضرر و زبانی که برطرف

وَنْصُرِ تَعْزُهُ ، وَسُلْطَانِ حَقِّ تَطْهِرُهُ ، وَرَحْمَةِ مِسْنِكَ

می‌سازی؛ و یاری‌کردنی که با آن عزت می‌بخشی و قدرتمند حقی که آشکارش می‌نمایی؛ و رحمتی که با آن

تُجَلِّلُنَاها ، وَعَافِيَةِ مِنْكَ تُلْبِسُنَاها ، بِرَحْمَتِكَ يَا

به ما بزرگی و شکوه می‌دهی؛ و لباس عافیتی که بر ما می‌پوشانی؛ به حق رحمتت ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .<sup>۱</sup>

مهربان‌ترین مهربانان .



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته‌الله برای این روز، این دعا را نقل

کرده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ ، وَوَلَايَةِ

بار خدایا؛ همانا من گردن می‌نهم به اطاعت و ولایت تو، و ولایت

۱. زاد المعاد: ۱۱۰، المصباح: ۷۷۰، مصباح المتعبد: ۵۷۷، اقبال الأعمال: ۳۲۲.

مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ ، وَوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَبِيبِ نَبِيِّكَ ،

حضرت محمدﷺ پیامبر تو، و ولایت امیر مؤمنان (حضرت علیؑ) دوست پیامبرت،

وَوَلَايَةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ، سِبْطَيْ نَبِيِّكَ وَوَسَيْدَيْ

و ولایت امام حسن و امام حسین دو نوهٔ پیامبرت و دو سرور

شَبَابِ أَهْلِ جَنَّتِكَ . وَأَدِينِكَ يَا رَبِّ بِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ

جوانان اهل بهشت. و گردن می‌نهم (ای پروردگارا!) به ولایت علی بن

الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

حسین (سجاد) و محمد بن علی (باقر) و جعفر بن محمد (صادق)

وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ

و موسی بن جعفر (کاظم) و علی بن موسی (رضا) و محمد بن

عَلِيِّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، وَسَيْدِي

علی (جواد) و علی بن محمد (هادی) و حسن بن علی (عسکری) و آقایم

وَمَوْلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ . أَدِينِكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِهِمْ

و مولایم صاحب زمان (عج). گردن می‌نهم ای پروردگار جهان؛ به اطاعت و

وَوَلَايَتِهِمْ ، وَيَا تَسْلِيمٍ بِمَا فَضَّلْتَهُمْ ، رَاضِيًا غَيْرِ

ولایت آنان و تسلیم‌شدن نسبت به آنچه فضیلت و برتری داده‌ای ایشان را؛ در حالی‌که راضی و خشنود

مُنْكَرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ ، عَلِيٍّ مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ .

هستم. و انکار نمی‌کنم، و استکبار نمی‌ورزم بر آنچه که در قرآن نازل کردی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَادْفَعْ عَنِّي

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ و دور کن (هر شَرِّی) را از

وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَلسَانِكَ وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ ، وَالْمُعْظَمِ

ولیت و جانشین و زبان گویای خودت و قیام‌کنندهٔ به عدلت، و بزرگ دارندهٔ

لِحُرْمَتِكَ ، وَالْمُعَبَّرِ عَنكَ ، وَالنَّاطِقِ بِحُكْمِكَ ،

حرمتت و بیان کنندهٔ از جانب خودت، و گویندهٔ احکامت،

وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ ، وَأُذُنِكَ السَّمِيعَةِ ، وَشَاهِدِ عِبَادِكَ ،

و چشم بینایت، و گوش‌های شنوایت، و گواه بندگانت،

وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ ، وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ ،

و حجت تو بر آفریدگانت، و جهادکنندهٔ در راهت،

وَالْمُجْتَهِدِ فِي طَاعَتِكَ . وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي

و کوشش کنندهٔ در اطاعت و پیرویت. او را در جملهٔ امانت‌های خودت که

لَا تَضِيعُ ، وَأَيُّدُهُ يَجُنِّدُكَ الْغَالِبِ ، وَأَعْنُهُ وَأَعِنُّ عَنَّهُ ،

ضایع نمی‌شود قرار بده، و او را به وسیلهٔ سپاهیان پیروز خودت یاری برسان؛ و او را یاری کن و از او

وَاجْعَلْنِي وَوَالِدِيَّ وَمَا وَكَلَدَا وَوُلْدِي مِّنَ الَّذِينَ

حمایت کن؛ و من و پدر و مادر و فرزندان شان و فرزندان مرا از کسانی قرار بده

يَنْصُرُونَهُ، وَيَنْتَصِرُونَ بِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

که آن حضرت را یاری می‌کنند، و به وسیله او در دنیا و آخرت یاری می‌شوند؛

إِشْعَبَ بِهِ صَدَعْنَا، وَارْتُقَ بِهِ فَتَقْنَا. اللَّهُمَّ أَمِّتْ بِهِ

و پراکنده کن ما را به وسیله او اصلاح کن، و گسستگی ما را به وسیله او تبدیل به پیوستگی فرما. بارخدا یا؛ به

الْجَوْرَ، وَدَمْدِمَ بِمَنْ نَصَبَ لَهُ، وَأَقْصِمَ رُؤُوسَ

وسیله آن حضرت، ستم و جور را بمیران؛ و غضب کن بر کسانی که علیه ایشان هستند، و سران

الصَّلَاةِ حَتَّى لَا تَدَعَ عَلَى الْأَرْضِ مِنْهُمْ دِيَّارًا. ۱.

گمراهی را درهم بشکن تا هیچ کسی از آنان بر روی زمین باقی نماند.



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

این دعا ضمن اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، در

بعضی از کتاب‌ها وارد شده است:

۱. اقبال الأعمال: ۴۲۶، بحر الأنوار: ۳۷/۹۸، باب السعادة: ۸۵.

دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه ...

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَجْدِ الشَّامِخِ وَالسُّلْطَانِ الْبَازِخِ، صَلِّ

بار خدایا؛ ای صاحب شکوه و عظمت رفیع و سلطنت والا؛

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَكُنْ لَوْلِيَّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ

بر محمد و آل محمد درود فرست، و برای ولی و فرزند ولی خود

مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَلِيًّا

محمد بن حسن حضرت مهدی علیه السلام در این ساعت سرپرست

وَخَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا، وَدَكِيلًا وَعَوْنًا، وَعَيْنًا

و محافظ و پیشوا و یاور و راهنما و مددکار و دیده‌بان

وَمُعِينًا، حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا

و کمکرسان باش؛ تا او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی و بهره‌مندی او را

طَوِيلًا. يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، يَا

طولانی گردانی. ای تدبیرکننده کارها؛ ای برانگیزاننده هر که در قبرهاست؛ ای

مُجْرِي الْبُحُورِ، يَا مُلَيِّنَ الْحَدِيدِ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

جاری کننده دریاها؛ ای نرم کننده آهن برای حضرت داوود - که درود بر او باد - ؛

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَفْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا.

بر محمد و آل محمد درود بفرست، و برای من انجام بده چنین و چنان.

و بجای « کذا و کذا» خواسته و حاجت خود را از خدا بخواه. <sup>۱</sup>



### دعای دیگر برای ظهور آن حضرت در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

علامه مجلسی رحمته الله فرموده است که محمد بن عیسی بن عبید با سند خود از یکی از معصومین علیهم السلام نقل کرده که فرمود:

در شب بیست و سوم از ماه مبارک رمضان؛ این دعا را در حالت ایستاده یا نشسته و در هر حالی، و در تمام ماه مبارک رمضان، و هر طور که برایت ممکن و مقدور است، و در تمام دوران عمرت تکرار کن؛ و بعد از تکریم و بزرگداشت خداوند متعال، و درود بر پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام بگو:

**اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ**

بارخدايا؛ برای ولی خودت - او که برای اجرای اوامر تو قیام می‌کند - حضرت محمد بن الحسن

**الْمُهْدِيِّ ، عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ ،**

المهدی که بر او و بر پدرانش بهترین سلامها و درودها باد،

۱. منهاج العارفين: ۲۷۴.

دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ...

**فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ ، وَلَيْسَ وَحَافِظًا**

در این ساعت و در هر ساعت، سرپرست و محافظ

**وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَكِيلًا وَمُؤَيِّدًا ، حَتَّى تُسْكِنَهُ**

و پیشوا و یاور و راهنما و تأیید کننده باش؛ تا او را از روی میل و رغبت

**أَرْضَكَ طَوْعًا ، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوْلًا وَعَرْضًا ، وَتَجْعَلَهُ**

بر روی زمینت ساکن گردانی، و او را در طول و عرض زمین بهره‌مند گردانی؛ و او و

**وَدَّرِيَّتَهُ مِنَ الْأَيِّمَةِ الْوَارِثِينَ . اللَّهُمَّ أَنْصِرْهُ وَأَنْتَصِرْ**

فرزندانش او را از پیشوایانی که وارثان اصلی خلافت و امامت هستند، قرار دهی. بارخدايا؛ او

**بِهِ ، وَاجْعَلِ النَّصْرَ مِنْكَ عَلَيَّ يَدِهِ ، وَاجْعَلِ النَّصْرَ لَهُ**

را یاری کن و ما را به وسیله او یاری ده، و نصرت و پیروزی خود را به دست او قرار بده؛

**وَالْفَتْحَ عَلَيَّ وَجْهِهِ ، وَلَا تُوجِّهِ الْأَمْرَ إِلَيَّ غَيْرِهِ .**

و پیروزی را برای او و گشایش را در راه او قرار بده؛ و کار را به غیر او حواله نکن.

**اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ**

خدايا؛ دین خودت و سنت پیامبرت را به وسیله آن حضرت نمودار کن؛ تا این که

**بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ . اللَّهُمَّ إِنِّي**

هیچ حقی را به خاطر ترس از فردی از مردم پنهان نسازد. بارخدايا؛ همانا من

أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزِّزُ بِهَا الْأَسْلَامَ

مشتاق دولت کریمه آن حضرت هستم که اسلام و اهلس را به واسطه آن عزیز کنی.

وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنِّ

و نفاق و اهلس را ذلیل و خوار گردانی، و ما را در آن از

الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةَ إِلَى سَبِيلِكَ، وَآتِنَا فِي

فراخوانان به طاعت خویش و رهبرانی به سوی راه خودت قرار دهی؛ و در

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ،

دنیا و آخرت به ما خیر و خوبی عطا فرما، و ما را از عذاب جهنم محفوظ بدار،

وَاجْمَعْ لَنَا خَيْرَ الدَّارَيْنِ، وَأَقْضِ عَنَّا جَمِيعَ مَا تَحِبُّ

و برای ما خوبی‌های هر دو جهان را گرد آور؛ و برای ما تمامی آنچه را که در دو جهان دوست داری

فِيهِمَا، وَاجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةَ بِرَحْمَتِكَ وَمَنَّكَ

از طرف ما انجام بده؛ و برای ما در این چیزها، آنچه خیر است به واسطه مهربانی و ممت دیرینهات

فِي عَافِيَةٍ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ

در عافیت قرار بده، اجابت کن ای پروردگار جهانیان؛ و از فضل و فزون بخشی خودت

وَيُدِّكَ الْمَلَأُ، فَإِنَّ كُلَّ مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِهِ،

و دست بر خیر و برکت بر ما افزون گردان؛ پس همانا هر بخشنده‌ای، دارایی و تواناییش، در اثر بخشیدن به

وَعَطَاؤُكَ يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ ۱.

تدریج کم می‌شود، ولی بخشش تو، توانایی و داراییت را زیاد می‌کند.



دعای سوّم برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه

در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان

شیخ بزرگوار کفعمی رحمته الله می‌نویسد: از ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است که:

در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان، این دعا را در حال سجده

یا ایستاده یا نشسته، و در هر حالی و در تمامی ماه مبارک، و هر طور

که برایت امکان دارد و در تمام دوران عمرت، تکرار کن؛ و بعد از

بزرگداشت و ادای احترام به خداوند متعال، و درود بر پیامبرش بگو:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ، (صَلُّوا تَكَ عَلَيْهِ

بار خدایا؛ برای ولایت حضرت حجّت بن الحسن، (درود تو بر او

وَعَلَى آبَائِهِ)، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا

و بر پدران او باد)، در این ساعت و در هر ساعت، سرپرست



وَحَافِظًا ، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا ، وَدَلِيلًا وَعَيْنًا ، حَسْبِي

و محافظ و پیشوا و یاور و راهنما و دیده بان باش، تا او

تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا ، وَتَمَتَّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا . ۱

را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی، و بهره‌مندی او را در زمین طولانی فرما.



#### دعای روز عید غدیر

کسی که آن را بخواند مانند کسی است که زیر پرچم

حضرت قائم صلوات الله علیه و در خیمه آن حضرت باشد

علامه مجلسی رحمته الله می‌فرماید: ابوهارون عبیدی گفت: در روز هیجدهم ذی الحجه خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم در حالی که آن حضرت روزه‌دار بود، به من فرمودند:

همانا این روز، روزی است که خدا حرمش را بین مؤمنان زیاد کرده است؛ چون خداوند در این روز دین آن‌ها را کامل کرده و نعمتش را بر آنان تمام نموده است، و عهد و پیمانی که از ایشان در عالم ذر گرفته، برای آنان تجدید کرده است؛ زیرا آن موقف را از یاد آن‌ها

۱. مصباح‌المتجهّد: ۶۳۰، المصباح: ۷۷۹.

برده بود و خداوند آنان را توفیق داده که آن عهد و پیمان را از او قبول کنند، و خداوند آنان را از کسانی که این امر را انکار می‌کردند، قبرار نداد.

من به آن حضرت عرض کردم: جانم فدای شما باد؛ ثواب روزه گرفتن در این روز چیست؟ حضرت فرمودند:

همانا این روز، روز عید، شادی، سرور و روزه گرفتن به خاطر سپاسگزاری از خداوند می‌باشد. روزه گرفتن در این روز معادل شصت ماه روزه گرفتن در ماه‌های حرام می‌باشد.

در این روز هر موقع که خواست، (گرچه بهترین وقت آن نزدیک ظهر می‌باشد؛ و آن ساعتی است که حضرت علی علیه السلام در غدیر خم برای جانشینی پیامبر معین شد و مردم در آن وقت به منزل نزدیک شده بودند) دو رکعت نماز بخواند، سپس سجده کند و صد مرتبه خدا را شکر کند (و شُکْرًا لِلَّهِ بگویند) و بعد از سجده این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ يَا نَبِيَّكَ الْحَمْدَ ، وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ

یا خدایا! من از تو درخواست می‌کنم (با گواهی این) که حمد و ستایش مخصوص تو می‌باشد

لَكَ ، وَ اَنْتَكَ وَاِحْدُ اَحَدٍ صَمَدٌ ، لَمْ تَلِدْ وَّلَمْ تُوَلَدْ ، وَ لَمْ

که تنها و بی‌شریک می‌باشی، و همانا تو یگانه، تنها و بی‌نیاز هستی؛ نه فرزند کسی هستی و نه کسی

يَكُنْ لَكَ كُفْوًا أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ

فرزند توست، و نه هیچ کس همتای توست و همانا حضرت محمد بنده و فرستاده توست؛

صَلِّوْا تَكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ،

که سلام و درود تو بر او و آل او باد؛ ای کسی که هر روز برای او شأنی و امری است،

كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تَفْضَلْتَ عَلَيَّ، بَأْنُ جَعَلْتَنِي

همچنان که از شأن توست که بر من تفضل فرموده و مرا از

مِنْ أَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَأَهْلِ دِينِكَ وَأَهْلِ دَعْوَتِكَ،

پاسخ دهندگان به تو، و اهل دین و دعوت خویش قرار دادی؛

وَوَقَّعْتَنِي لِذَلِكَ فِي مَبْتَدَءِ خَلْقِي، تَفْضُلًا مِمَّنْكَ

و مرا در آفرینش اولیام (عالم ذر) بر این کار از روی فضل

وَكْرَمًا وَجُودًا. ثُمَّ أَرَدْتُ الْفَضْلَ فَضْلًا، وَالْجُودَ

و جود و کرم موفق کردی. سپس فضلی در پی فضل دیگر، و جود و بخششی در پی

جُودًا، وَالْكَرَمَ كَرَمًا، رَأْفَةً مِنْكَ وَرَحْمَةً إِلَيَّ أَنْ

جود و بخشش دیگر، و کرامتی در پی کرامت دیگر از رأفت و رحمت خود تفضل فرمودی تا آن که

جَدَّدْتَ ذَلِكَ الْعَهْدَ لِي تَجْدِيدًا بَعْدَ تَجْدِيدِكَ خَلْقِي

این عهد را بر من تازه کردی، و بعد از آن که مرا آفرینش جدیدی فرمودی؛

وَكُنْتُ نَسِيًا مَنْسِيًا نَاسِيًا سَاهِيًا غَافِلًا، فَأَتَمَمْتَ

و با آن که من به کلی فراموش شده و در سهو و نسیان و غفلت بودم، پس نعمتت را بر من

نِعْمَتَكَ بِأَنْ دَكَّرْتَنِي ذَلِكَ، وَمَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ،

کامل کردی به اینکه مرا یادآور آن عهد و پیمان کردی؛ و با آن بر من ممت گذاشتی،

وَهَدَيْتَنِي لَهُ. فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي

و به سوی آن هدایت فرمودی. پس باید از شأن تو این باشد ای خدای من؛ و سرور من؛

وَمَوْلَايَ، أَنْ تُسَمِّئَنِي ذَلِكَ، وَلَا تُسَلِّبْنِيهِ، حَتَّى

و مولای من؛ که آن نعمت را بر من کامل گردانی و از من زایل نگردانی تا آن که

تَتَوَقَّأَنِي عَلَى ذَلِكَ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، فَإِنَّكَ أَحَقُّ

مرا با آن عقیده و پیمان بمیرانی، و تو از من خوشنود باشی؛ همانا تو سزاوارترین

الْمُنْعَمِينَ أَنْ تُتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا،

نعمتبخشان هستی که نعمتت را بر من کامل گردانی. خدایا! (عهد تو را) شنیدیم و اطاعت کردیم؛

وَأَجَبْنَا دَاعِيكَ بِمَنِّكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرَانُكَ رَبَّنَا

و همچنین دعوتکنندهات را که بر ما فرستادی، به لطف و کرم تو اجابت کردیم، پس حمد و سپاس بر تو باد

وَالْإِيكَ الْمَصْبِرُ، آمَنَّا بِاللَّهِ، وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،

آمرزش تو را خواهیم ای پرورنگار ما؛ و بازگشت همه به سوی توست؛ ما به خدای یکتا و بی‌شریک

وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَصَدَقْنَا

و به فرستاده او حضرت محمد - که سلام و درود خدا بر او و آل او باد - ایمان آوردیم و

وَأَجَبْنَا دَاعِيَ اللَّهِ ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فِي مَوَاقِفِ مَوْلَانَا

دعوت‌کننده خدای را تصدیق و اجابت کردیم و اوامر فرستاده او را در مورد دوستی و اطاعت از مولا ایمان

وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي

و مولای مؤمنان، امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام پیروی کردیم؛

طَالِبٍ ، عَبْدِ اللَّهِ وَأَخِي رَسُولِهِ ، وَالصَّادِقِ الْأَكْبَرِ ،

او که بنده خدا، و برادر فرستاده او، و راست‌گویی بزرگ،

وَالْحُجَّجَةِ عَلَى بَرِيَّتِهِ ، أَلْمُؤَيَّدِ بِهِ نَبِيِّهِ وَدِينَهُ الْحَقِّ

و حجت خدا بر خلق اوست؛ او تأییدکننده پیامبر خدا و دین اوست که حقیقت آن آشکار

الْمُبِينِ ، عَلِمًا لِدِينِ اللَّهِ ، وَخَازِنًا لِعِلْمِهِ ، وَعَسِيَّةَ

و واضح است، او علم و نشانه دین خدا و گنجینه دانش خدا، و صندوق

غَيْبِ اللَّهِ ، وَمَوْضِعِ سِرِّ اللَّهِ ، وَأَمِينِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ،

رازهای خدا، و محل سز خدا و امین خدا بر آفریدگان او،

وَشَاهِدَهُ فِي بَرِيَّتِهِ . اَللّٰهُمَّ ﴿ رَبَّنَا اِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا

و گواه او بر بندگانش می‌باشد . بار خدایا؛ ای پروردگار ما؛ همانا ما صدای ندا دهنده‌ای

يُنَادِي لِإِيْمَانٍ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَأَمَّنَّا رَبَّنَا

که ندا سر داد که به پروردگارتان ایمان آورید را شنیدیم و به پروردگارتان ایمان آوردیم؛

فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ

پس گناهان ما را ببخش و بدی‌های ما را ببوشان و ما را همراه با نیکان عالم بمیران.

الْأَبْرَارِ ﴿ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ

پروردگار ما؛ بر ما آنچه را که بر رسولانت وعده داده‌ای عطا فرما،

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١

و ما را در روز قیامت خوار و ذلیل نفرما؛ که همانا تو از وعده‌های خود تخلف نمی‌کنی.۱

فَأَمَّنَّا رَبَّنَا بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ ، أَجَبْنَا دَاعِيكَ ، وَاتَّبَعْنَا

پس ای پروردگار ما؛ ما به لطف و کرم تو ایمان آوردیم، و دعوت‌کننده به سوی تو را اجابت کردیم، و

الرَّسُولَ وَصَدَقْنَاهُ وَصَدَقْنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ ،

از فرستادجات تبعیت کردیم و او و مولای مؤمنان را تصدیق کردیم،

وَكَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ ، فَوَلَّنا مَا تَوَلَّيْنَا ،

و به جبت و طاغوت کفر ورزیدیم . پس تو ولی و سرپرست ما کن آن را که ما به ولایت برگزیدیم؛

وَاحْشُرْنَا مَعَ أَيْمَتِنَا ، فَإِنَّا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ ،

و ما را با پیشوایان‌مان محشور فرما؛ زیرا ما به آنان ایمان آوردیم و به امامت آنان یقین داریم،

۱ .سوره آل عمران ، آیه ۱۹۳ و ۱۹۴ .

وَلَهُمْ مُسْلِمُونَ، آمَنَّا بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ، وَشَاهِدِهِمْ

و تسلیم آنان هستیم. ما به نهان و آشکار آن‌ها، شاهد

و غایبِ آنها، و زنده و مردهٔ آن‌ها ایمان آورده‌ایم؛ و به پیشوایی و رهبری و سروری آنان راضی

و قَادَةَ وَ سَادَةً، وَ حَيِّهِمْ وَ مَيِّتِهِمْ، وَ رَضِينَا بِهِمْ أَسْمَةً،

و خشنود هستیم؛ و برای وساطت بین ما و خدای ما، آنان کفایت می‌کنند؛ و نیازی به غیر ایشان

و فَادَةً وَ سَادَةً، وَ حَسْبُنَا بِهِمْ بَيِّنَاتٌ وَ بَيِّنَ اللَّهُ دُونَ

و خشنود هستیم؛ و برای وساطت بین ما و خدای ما، آنان کفایت می‌کنند؛ و نیازی به غیر ایشان

خَلْقِهِ، لَأَتَّبِعَنِي بِهِمْ بَدَلًا، وَ لَأَسْتَحْذُ مِنْ دُونِهِمْ

از آفریدگانش نیست؛ و به جای آن‌ها جایگزین نمی‌جوییم؛ و غیر آنان را تکیه‌گاه خود نمی‌گیریم.

و لِيَجِدَنَّ، وَ بَرَّئْنَا إِلَى اللَّهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْبًا،

و به درگاه خدا از هر کسی که با آنان به مبارزه و جنگ می‌پردازند، بی‌زاری می‌جوییم؛

مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ، وَ كَفَرْنَا

چه آن افراد از جنّ باشند؛ یا از انسان‌ها، از پیشینیان باشند یا از افراد آخر الزمان؛ و به

بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ، وَالْأَوْثَانِ الْأَرْبَعَةِ، وَأَشْيَاعِهِمْ

جبت و طاغوت کفر می‌ورزیم؛ و همچنین به بت‌های چهارگانه و دنیالهروها و پیروانشان؛

وَأَتَّبَاعِهِمْ، وَ كُلِّ مَنْ وَالَاهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، مِنْ

و هر کسی که آنان را دوست دارند؛ چه از حنّیان باشند و چه از انسان‌ها؛ از

أَوَّلِ الذَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ. اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْهَدُكَ اَنَّا نَدِيْنُ بِمَا

اوّل خلقت تا آخر آن ، کفر می‌ورزیم . بار خدایا، ما تو را گواه می‌گیریم که ما به دینی که

دَانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ عَلَیْهِمْ،

حضرت محمّد و آل محمّد - که درود خدا بر او و آنان باد - به آن متدین هستیم ، گرویدیم؛

وَ قَوْلُنَا مَا قَالُوا، وَ دِيْنُنَا مَا دَانُوا بِهِ، مَا قَالُوا بِهِ قُلْنَا،

و گفتار ما گفتار آنان؛ و دین ما دین آنان می‌باشد؛ آنچه آنان گفتند، ما می‌گوییم؛ و به آنچه آنان

وَ مَا دَانُوا بِهِ دِيْنَا، وَ مَا أَنْكَرُوا أَنْكَرْنَا، وَ مَنْ وَالُوا

عقیده دارند، ما هم معتقدیم؛ و آنچه را که آنان منکر شدند، ما هم منکر آن هستیم؛ و هر کسی را آنان دوست

وَ الْيَتِيْنَا، وَ مَنْ عَادُوا عَادِيْنَا، وَ مَنْ لَعَنُوا لَعَنَّا وَ مَنْ

داشتند، ما هم دوست داریم؛ و با هر کسی آنان دشمنی کردند، ما هم با آنان دشمنی می‌کنیم؛ و هر کسی را لعن و نفرین

تَبَرَّءُوا مِنْهُ تَبَرَّأْنَا مِنْهُ، وَ مَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنَا

کردند، ما هم لعن و نفرین می‌کنیم؛ و از هر کسی بی‌زاری جستند، ما هم بی‌زاری می‌جوییم؛ و هر کسی را مورد رحمت قرار

عَلَيْهِ، آمَنَّا وَ سَلَّمْنَا وَ رَضِينَا، وَ اتَّسَعْنَا مَوَالِيَنَا

دادند ما هم مورد رحمت قرار می‌دهیم؛ به امانان خودمان ایمان آوردیم، و در برابر آنها تسلیم هستیم؛ و راضی و خشنود

صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ. اَللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ لَنَا ذٰلِكَ وَ لَا تَسْلُبْنَاهُ،

می‌باشیم؛ و از ایشان پیروی می‌کنیم؛ که سلام خدا بر آنان باد . بار خدایا؛ این ایمان و عقیدهٔ ما را کامل گردان، و آن را

وَأَجْعَلُهُ مُسْتَقَرًّا تَابِتًا عِنْدَنَا ، وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا ،

از ما مگیر، و آن را برای ما مستقر و ثابت گردان، و آن را به صورت عاریه بر ایمان قرار مده؛

وَأَخِينَا مَا أَخْيَبْتَنَا عَلَيْهِ ، وَأَمِثْنَا إِذَا أَمَّتْنَا عَلَيْهِ ، آلُ

و ما را بر این عقیده زنده بدار، و بر آن بمیران هر گاه ما را بمیرانی؛ آل

مُحَمَّدٍ أَيْمَتُنَا ، فِيهِمْ تَأْتَمُّ ، وَإِيَّاهُمْ نُؤَالِي ، وَعَدْوُهُمْ

محمد ﷺ پیشوایان ما هستند؛ پس به آنان اقتنا می‌کنیم و فقط آنان را به سرپرستی می‌پذیریم و دشمنانمان

عَدُوٌّ لِلَّهِ نُعَادِي ، فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

را - که دشمنان خداوند هستند - دشمن می‌داریم. پس ما را در دنیا و آخرت با آنان

وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ، فَإِنَّا بِذَلِكَ رَاضُونَ ، يَا أَرْحَمَ

و از مقربان و نزدیکان درگاه خودت قرار بده زیرا ما به این کار راضی و خشنود هستیم؛ ای مهربان‌ترین

### الرَّاحِمِينَ .

مهربانان .

سپس سجده نموده و صد مرتبه «الحمد لله» بگوید، و در حالت

سجده صد مرتبه خدا را شکر نموده بگوید: «شكراً لله» .

همانا هر کسی این عمل را انجام دهد مانند کسی است که در آن روز

(غدیر) حاضر بوده و با حضرت پیامبر ﷺ بر آن امر بیعت کرده

است.

مقام آن شخص ، مقام صادقان - کسانی که با دوست داشتن دوست

خدا و رسولش در آن روز، خدا و رسولش را تصدیق کردند -

می‌باشند.

و مانند کسی است که با رسول خدا ﷺ و حضرت علی ﷺ و

امام حسن و امام حسین ﷺ حاضر بوده و ایشان را درک نموده

است. و مانند کسی است که زیر پرچم امام زمان ارواحنا

فداه و در خیمه او، در بین نجباء و نقباء می‌باشد.<sup>۱</sup>



### تسبیح حضرت امام زمان ارواحنا فداه

#### از روز هجدهم تا آخر هر ماه

علامه مجلسی رحمته الله در «بحار الأنوار» ضمن نقل تسبیح چهارده

معصوم عليهم السلام از «دعوات راوندی» تسبیح مولایمان امام زمان ارواحنا

فداه را چنین نقل می‌نماید:

سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَى نَفْسِيهِ ،

پاک و منزّه است خداوند، به تعداد موجوداتی که آفریده است؛ پاک و منزّه است خداوند، به مقدار رضایت خودش؛

۱. بحار الأنوار: ۲۹۸/۹۸، زاد المعاد: ۳۴۱.

سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ [اللَّهُ] زِينَةَ عَرْشِهِ،

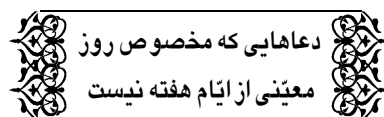
پاک و منزّه است خداوند، به گستردگی و پهنای کلماتش! پاک و منزّه است خداوند، به بزرگی عرش او!

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ .<sup>۱</sup>

حمد و سپاس مخصوص خداوند است، همانند آن چه گفته شد.

این دعا از روز هجدهم تا آخر هر ماه خوانده می شود.

### بخش ششم



۴۶

#### دعای عهد

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

هر کس با این عهد، چهل روز به درگاه خداوند دعا کند از یاران قائم ما خواهد بود، و اگر هم پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند (در وقت ظهور) او را از قبرش خارج خواهد ساخت. و به ازای هر کلمه، هزار حسنه به او عطا می کند و هزار گناه را (از کارنامه اعمالش) محو می کند؛ آن عهد چنین است:<sup>۱</sup>

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ،

خدایا! ای پروردگار روشنی بزرگ؛ ای پروردگار جایگاه بلندمرتبه؛

۱. بحار الأنوار: ۴۱/۹۴.

۱. دعوات راوندی: ۹۴، بحار الأنوار: ۲۰۷/۹۴.

وَرَبِّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلِ التَّوْرِيَةِ وَالْإِنْجِيلِ

ای پروردگار دریای متلاطم؛ و ای فرو فرستنده تورات و انجیل

وَالرَّبُّورِ، وَرَبِّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ، وَمُنْزِلِ الْقُرْآنِ

و زبور؛ و ای پروردگار سایه و گرمی آفتاب؛ و ای فرو فرستنده قرآن

الْعَظِيمِ، وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَالْأَنْبِيَاءِ

بزرگ؛ و ای پروردگار فرشتگان مقرب؛ و ای پروردگار پیامبران

وَالْمُرْسَلِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ،

و رسولان. بار خدایا؛ من از تو درخواست می‌کنم به ذات کریمت،

وَيُنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا

و به روشنی رخ روشنی‌بخشت، و فرمانروایی بی‌آغازت؛ ای زنده؛ ای

قَيُّوْمٌ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ

یادار؛ درخواست می‌کنم به واسطه نامت، همان نامی که آسمان‌ها

وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوْلُونَ

و زمین‌ها به سبب آن روشن گردید؛ همان نامی که پیشینیان

وَالْآخِرُونَ، يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيُّ بَعْدَ كُلِّ

و آیندگان با آن اصلاح می‌شوند. ای زنده پیش از هر زنده؛ و ای زنده پس از هر

حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى وَمُمِيتَ

زنده؛ و ای زنده‌ای که زنده بودی در حالی که هیچ زنده نبود؛ ای زنده‌کننده مردگان؛ ای میراننده

الْأَحْيَاءِ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَسْئَلَنَا

زندگان؛ ای زنده‌ای که جز تو معبودی نیست. بار خدایا؛ به مولای ما، یعنی

الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيِّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ

پیشوای هدایت‌گر هدایت‌شده‌ای که قیام‌کننده است به امر تو - که درود خدا

عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

بر او و بر تمام نیاکان پاکیزه‌اش باد - سلام برسان؛ سلام و درودی از طرف همهٔ مردان

وَالْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا

و زنان بالیمان که در شرق و غرب زمین، بیابان

وَجِبَلِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَيْ، مِنْ

و کوهسار، دریا و یا خشکی زمین هستند؛ سلامی از طرف من و پدر و مادرم؛

الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمَا

سلام‌ها و درودهایی که هم‌سنگ عرش الهی و به قدر گستردگی کلمات او باشد. آن قدر که

أَخْصَاهُ عِلْمُهُ، وَأَخَاطَ بِهِ كِتَابَهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ

علم خدا آن را شماره کند، و کتاب الهی به آن احاطه دارد. بار خدایا؛ من در این

**فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا ، وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي ،**

صبحدم و در ابتدای این روز نو، و تمامی ایام زندگانیم،

**عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي ، لَا أَحُولُ عَنْهَا ،**

عهد (زبانی) و پیمان (قلبی) و بیعت (عملی) را با آن عزیز تجدید می‌کنم که هیچگاه و به هیچ وجه از آن

**وَلَا أَرْوُلُ أَبَدًا . اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ ،**

برخواهم گشت و هرگز آن را از بین نمی‌برم. خداوندا؛ مرا از یاران و کمک‌رسانان و حمایت‌کنندگان و مدافعان آن

**وَالذَّابِّينَ عَنْهُ ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ**

بزرگوار قرار ده؛ جزو گروهی که به سرعت برای انجام خواسته‌های او به سویش می‌شایند؛ جزو دسته‌ای

**وَالْمُمْتَلِبِينَ لِأَوَامِرِهِ ، وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ ، وَالسَّابِقِينَ**

که دستورات او را بدون کم و زیاد انجام می‌دهند؛ جزو حمایت‌کنندگان از او و پیشی‌گیرندگان برای

**إِلَى إِزَادَتِهِ ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ . اللَّهُمَّ إِن**

انجام امور دلخواه او و شهادت‌طلبان در پیش‌روی او قرار ده.
بلر خدایا؛ از

**حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ**

تو می‌خواهم که اگر مرگ - که آن را یک امر حتمی و قطعی برای بندگانت قرار

**حَتْمًا مَقْضِيًّا ، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي ، مُؤْتِرًا كَفْنِي ،**

داده‌ای ـ بین من و آن عزیز حایل شد، مرا از قبرم در حالی خارج کن که کفنم را به کمر بسته‌ام،

**شَاهِرًا سَيِّفِي ، مُجَرِّدًا قَنَاتِي ، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي ،**

شمشیرم را کشیده و پلا برده‌ام. نیزام را آماده کرده‌ام و فراخوانی شخصی‌را که دعوت‌کننده به سوی ایست لَبَّیک گفته

**فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي . اللَّهُمَّ ارْنِي الطَّلَعَ الرَّشِيدَةَ ،**

و پاسخ مثبت می‌دهم؛ فراخوانی همان کسی که در شهرها و صحراها ندا می‌دهد.
بلر خدایا؛ آن رخسار زیبایی

**وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ ، وَاکْحُلْ نَاظِرِي بِنَظْرَةِ مِنِّي إِلَيْهِ ،**

جذاب، و روی نورانی دوست‌داشتنی را به من نشان بده؛ و سرمهٔ دیده‌ام را نکاهی بر آن عزیز قرار ده.

**وَعَجَّلْ فَرَجَهُ ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ ، وَأَوْسِعْ مَسْهَجَهُ ،**

و در فرج و گشایش آموزش شتاب کن ، و شرایط قیام او را آسان گردان، و راهش را برای دستیابی به مقاصدش

**وَاسْأَلْكَ بِي مَحَجَّتَهُ ، وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ ، وَاشْدُدْ أَرْزَهُ .**

گسترش ده، و مرا در راه روشن او راه‌بر، و فرمان او را مطاع و قابل اجرا گردان، و پشتش را محکم کن.

**وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ ، وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ ، فَاتَّكَ**

خدایا؛ با حضور او سرزمین‌ها و شهرهایت را آباد گردان. و بندگانت را زنده گردان؛ زیرا، تو

**قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ﴿ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ**

فرموده‌ای ـ به خوبی نیز می‌دانم که گفته‌های تو حق است ـ: که ـ پیش از آنکه آن بزرگوار ظهور فرماید ـ فساد در

**بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ ﴿ ۱ ، فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ ،**

خشکی و دریا آشکار شده که به دست مردمان به بار آمده است؛ پس، ای خدا، ولی و نمایندهٔ خودت را

<sup>[1]</sup> . سورة روم ، آیه ۴۱



وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ ، اَلْمَسْمُومِ بِاسْمِ رَسُوْلِكَ ، حَتَّى

که پسر دختر پیامبرت می‌باشد و هم‌نام فرستادهٔ تو - مُحَمَّدٌﷺ - است؛ برای ما آشکار کن تا

لَا يَطْفُرَ بِشَيْءٍ مِّنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَهُ ، وَيُحَقِّقَ الْحَقَّ

هر باطل و نادروستی را نابود کند و بر آن پیروز گردد، و حق را پایدار

وَيُحَقِّقَهُ . وَاَجْعَلُهُ اللّٰهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ ،

و محقق فرماید. بار خدایا؛ او را پناه بندگان ستم‌بید‌هات،

وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ ، وَمُجَدِّدًا لِمَا

و یار و یاور کسانی قرار ده که جز تو یآوری برای خود نمی‌یابند، و خدایا؛ او را تجدیدکنندهٔ

عُظْلٍ مِّنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ ، وَمُشَيِّدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ

آن دستورات کتابت (قرآن) قرار ده که تعطیل شده است؛ و محکم‌کنندهٔ

أَعْلَامِ دِينِكَ ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ،

نشانه‌های آشکار دینت، و روش‌های نیکوی پیامبرت -که درود بر او و آل او باد- قرار ده.

وَأَجْعَلُهُ اللّٰهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنَتْهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ .

خدای من؛ او را جزو کسانی قرار ده که از بدی و عذاب تجاوزکاران در امان می‌داری.

اَللّٰهُمَّ وَسِّرْ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

خدایا؛ پیامبرت حضرت محمد -که درود بر او و آل او باد- را با بدین این فرزند شایسته‌اش

بِرُّوْءِيَّتِهِ ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَي دَعْوَتِهِ ، وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا

و کسانی که از دعوت او پیروی نموده‌اند، شاد و خوشحال فرما؛ و به بیچارگی ما که با غیبت او به

بَعْدَهُ . اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ

وجود آمده است، رحم کن. خدایا؛ این اندوه و آسردگی را با حضور آن عزیز پنهان‌شده، از این امت برطرف

بِحُضُورِهِ ، وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ،

کن؛ و در ظهور و آشکار شدن او شتاب کن؛ چراکه آن‌ها(دشمنان تو) زمان ظهور او را دیر وقت می‌پندارند،

وَتَرِيهِ قَرِيبًا ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

ولی ما آن را نزدیک می‌دانیم؛ البته، به امید رحمت و مهربانی تو؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.

آن گاه سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی و در هر مرتبه

می‌گویی:

اَلْعَجَلْ ، اَلْعَجَلْ ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ .۱

بشتاب؛ بشتاب؛ ای مولای من؛ ای صاحب اختیار زمان.

<sup>[1]</sup> مفاتیح الجنان: ۱۰۶۱، زاد المعاد: ۴۸۸، البلد الأمين: ۱۲۴، مصباح الزائر:

<sup>[2]</sup> ۴۵۵، المصباح: ۷۲۹، الصحيفة الصادقة: ۲۰۴، باب السعادة: ۲۱۴.



### دعای عهد دیگر

جابر بن یزید جعفی گوید: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

هر کس در همه عمرش یک بار این دعا را بخواند، در زمره بندگان نوشته می شود و در دفتر حضرت قائم (صلوات الله علیه) بالا برده می شود؛ وقتی قائم ما، خروج کرد آن شخص را به اسم خودش و پدرش می خواند، و این نامه را به او می دهد و می گوید: بگیر؛ این نامه عهدی است که در دنیا با ما بسته ای. این سخن خداوند عزوجل نیز به همین اشاره دارد: ﴿إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾<sup>۱</sup>، «جز آن کسی که نزد خدای بخشنده پیمانی فراهم کرده باشد».

با طهارت، این دعا را بخوانید:

**اللَّهُمَّ يَا إِلَهَ الْأَلْهَةِ، يَا وَاحِدٌ، يَا أَحَدٌ، يَا آخِرَ**

خدایا؛ ای معبود معبودان؛ ای خدای یگانه؛ و ای خدای یکتا؛ ای از همه پیشینیان

**الْآخِرِينَ، يَا فَاهِرَ الْفَاهِرِينَ، يَا عَلِيٌّ يَا عَظِيمٌ، أَنْتَ**

پیشین تر؛ ای چیره شونده و غالب بر همه قدرتمندان؛ ای برتر و ای بزرگ؛ تو

۱. سوره مریم، آیه ۸۷.

**الْعَلِيُّ الْأَعْلَى، عَلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ عُلُوٍّ، هَذَا يَا سَيِّدِي**

خدای برتر و بلندمرتبه هستی، و برتری یافتی بر هر برتری؛ این است عهد من، ای سرور من؛

**عَهْدِي وَأَنْتَ مُنْجِزٌ وَعَدِي، فَصِلْ يَا مَوْلَايَ**

و تو وفاکننده وعده من هستی؛ پس مولای من؛ این عهد مرا به مقصد برسان،

**عَهْدِي، وَأَنْجِزْ وَعَدِي، آمَنْتُ بِكَ. وَأَسْأَلُكَ**

و به وعدهام وفا فرما که من به تو ایمان دارم. و از تو مسألت می کنم

**بِحِجَابِكَ الْعَرَبِيِّ، وَبِحِجَابِكَ الْعَجَمِيِّ، وَبِحِجَابِكَ**

به حجاب عربیت، و به حجاب عجمیت، و به حجاب

**الْعَبْرَانِيِّ، وَبِحِجَابِكَ السَّرْيَانِيِّ، وَبِحِجَابِكَ**

عبرانیت، و به حجاب سریانیت، و به حجاب

**الرُّومِيِّ، وَبِحِجَابِكَ الْهِنْدِيِّ، وَأَنْسِبْتَ مَعْرِفَتَكَ**

رومیت، و به حجاب هندیت؛ و با عنایات اولیّهات، معرفتت را در

**بِالْعِنَايَةِ الْأُولَى، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا تُرَى، وَأَنْتَ**

وجود من ثابت گردان؛ زیرا تو خدایی هستی که دیده نمی شوی، و تو

**بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى. وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِرَسُولِكَ الْمُنْذِرِ**

در چشم انداز برتری هستی. به تو تقرب می جویم به وسیله رسول و فرستاده بیم دهنده تو

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَيَعْلِيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ

- که درود خدا بر او و آل او باد - ؛ و به حضرت علی امیر مؤمنان - درود

اللَّهُ عَلَيْهِ الْهَادِي، وَبِالْحَسَنِ السَّيِّدِ وَبِالْحُسَيْنِ

خدا بر او باد - که هدایت‌کننده بود؛ و به حسن، آقا و سرور؛ و به حسین،

الشَّهِيدِ سِبْطِي نَبِيِّكَ، وَبِفَاطِمَةَ الْبَتُولِ، وَيَعْلِيَّ بْنِ

شهید؛ دو سبط پیامبرت و به فاطمهٔ بتول؛ و به علی بن

الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ذِي الثَّقَنَاتِ، وَ[بِ]مُحَمَّدِ بْنِ

الحسین، زینت عبادت پیشه‌گان، و صاحب پینه‌هایی که بر اثر عبادت بر بدنش عارض شده بود؛ و به محمد

عَلِيِّ السَّابِقِ عَنِ عِلْمِكَ، وَيَجْعَفِرِ بْنِ مُحَمَّدِ

بن علی، شکافندهٔ علم تو؛ و به جعفر بن محمد

الصَّادِقِ، الَّذِي صَدَّقَ بِمِيثَاقِكَ وَيَمِيعَادِكَ،

صادق، که میثاق و میعاد تو را تصدیق نمود؛

وَيَمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْخَصُورِ الْقَائِمِ بِعَهْدِكَ، وَيَعْلِيَّ

و به موسی بن جعفر، که پارسا بود و به پیمان تو قیام کرد؛ و به علی

بْنَ مُوسَى الرِّضَا الرَّاضِي بِحُكْمِكَ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ

بن موسی، حضرت رضا که راضی به حکم تو بود؛ و به محمد بن

عَلِيِّ الْحَبْرِ الْفَاضِلِ، أَلْمُرْتَضَى فِي الْمُؤْمِنِينَ،

علی، دانشمند بافضیلت، و مورد پسند در میان مؤمنان؛

وَيَعْلِيَّ بْنِ مُحَمَّدِ الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ، هَادِي

و به علی بن محمد، امین و امانت‌دار، هدایت‌کننده

الْمُسْتَرَشِدِينَ، وَيَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ،

هدایت‌جویان؛ و به حسن بن علی، پاک و پاکیزه،

خَزَانَةِ الْوَصِيِّينَ. وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْأَمَامِ الْقَائِمِ

گنجینهٔ رازهای اوصیا. و به تو تقرب می‌جویم (ای خدا)؛ به وسیلهٔ امام قیام‌کننده

الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ الْمَهْدِيِّ، إِمَامِنَا وَإِبْنِ إِمَامِنَا

عدل‌گستر؛ همان هدایت‌شده‌ای که مورد انتظار است؛ که او امام ما و فرزند امام ماست؛

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. يَا مَنْ جَلَّ فَعَظَمَ

درودهای خدا بر همهٔ آنان باد، ای آن‌که باشکوه و بزرگ است، پس شایستهٔ این جلالت و عظمت است؛

و [هُوَ] أَهْلُ ذَلِكَ فَعَنَى وَرَجِمَ، يَا مَنْ قَدَرَ فَلَطَفَ،

در عین حال به بندگانش ترحم می‌کند و آنان را عفو می‌نماید؛ ای آن‌که تقدیر می‌نماید و تقدیرش دقیق است؛

أَشْكُو إِلَيْكَ ضَعْفِي، وَمَا قَصُرَ عَنْهُ عَمَلِي مِنْ

از ضعف خود، و از کوتاهی عملم نسبت به

**تَوْحِيدِكَ** ، وَكُنْهِ مَعْرِفَتِكَ ، وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالتَّسْمِيَةِ

توحید و کنه شناخت تو، به تو شکایت می‌برم؛ و به تو رو می‌کنم به وسیلهٔ نامیدن

الْبَيْضَاءِ ، وَبِالْوَحْدَانِيَّةِ الْكُبْرَى ، الَّتِي قَصُرَ عَنْهَا

سپید، و به یگانگی بزرگ؛ که کسی که بدان

مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى . وَآمَنْتُ بِحُجَابِكَ الْأَعْظَمِ ،

پشت کند نمی‌تواند بدان دست یازد. ایمان آوردم به بزرگترین حجابت،

وَكَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الْعُلْيَا ، الَّتِي خَلَقْتَ مِنْهَا دَارَ

و به کلمات کامل عالی‌رتبهات؛ که از آن‌ها این دار دنیا و بلا را خلق نمودی،

الْبَلَاءِ ، وَأَحَلَلْتَ مَنْ أَحْبَبْتَ جَنَّةَ الْمَأْوَى ، وَآمَنْتُ

و آن که را دوست داشتی به منزل بهشتی وارد گردانیدی. ایمان آوردم

بِالسَّابِقِينَ وَالصَّادِّقِينَ ، أَصْحَابِ السِّمِينِ مِنْ

به سبقت‌جویان و راست‌گویان؛ آنان که از میان مؤمنان، اصحاب یمین و سعادت‌یافتگان‌اند؛

الْمُؤْمِنِينَ ، [و] الَّذِينَ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ

و نیز به آن‌ها که عمل شایسته و صالح را با عمل ناشایسته مخلوط کرده‌اند،

سَيِّئًا إِلَّا تَوَلَّيْنِي غَيْرَهُمْ ، وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ عَدَاً

این که سرپرست مرا غیر آن‌ها قرار نده، و بین من و آن‌ها جدایی میفکن؛ در فردایی

إِذَا قَدَّمْتَ الرِّضَا بِفَضْلِ الْقَضَاءِ . آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ

که رضا و خشنودی را مقدم داری با تمام شدن حکم و داوری. من به نهان

وَعَلَانِيَتِهِمْ وَخَوَاتِيمِ أَعْمَالِهِمْ ، فَإِنَّكَ تَخْتِمُ عَلَيْهَا

و آشکار و پایان اعمال‌شان، ایمان آوردم. پس همانا تو کار آن‌ها را ختم خواهی کرد

إِذَا شِئْتَ ، يَا مَنْ أَتَحَفَّنِي بِالْأَقْرَارِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ ،

هرگاه که خواستی؛ ای آن‌که بر من ممت نهادی و به یکنایی خویش، مقرّ و معترفم نمودی؛

وَحَبَانِي بِمَعْرِفَةِ الرَّبُّوبِيَّةِ ، وَخَلَّصَنِي مِنَ الشُّكِّ

و با شناخت مقام ربوبی خودت بر من لطف کردی؛ و مرا از شکّ و کوردلی رهانیدی؛

وَالْعَمَى ، رَضِيتُ بِكَ رَبًّا ، وَبِالْأَصْفِيَاءِ حُجْبًا ،

راضی گشتم به این‌که تو پروردگارم باشی؛ و برگزیدگانت، حجت‌های من باشنده؛

وَبِالْمُحْجُوبِينَ أَنْبِيَاءَ ، وَبِالرُّسُلِ أَدْلَاءَ ، وَبِالْمُتَّقِينَ

و افراد محجوب، پیامبران من باشنده؛ و رسولان تو راهنمایان من گردنده؛ و پرهیزگاران نیز

أُمْرَاءَ ، وَسَامِعاً لَكَ مُطِيعاً . ۱

فرمانروایان من باشنده؛ که آگاهانه، حرف‌شنو و مطیع تو هستم.

<sup>[1]</sup> مهج الدعوات: ۳۹۸، بحار الأنوار: ۳۳۷/۹۵، نجم الناقب: ۷۸۲.



### دعای زمان غیبت

سید بزرگوار جناب رضی الدین علی بن طاووس رحمته الله در کتاب «جمال الأسبوع» چنین می‌گوید:  
... حضرت امام رضا علیه السلام پیوسته به دعا کردن برای امام زمان ارواحنا فداه به وسیله خواندن این دعا امر می‌فرمود:

**اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ**

خدایا! (هر بلائی را) دفع بفرما از ولایت؛ و خلیفه‌ها و حجتت بر

**خَلْقِكَ، وَلِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنكَ بِإِذْنِكَ، أَلْتَسَاطِقِ**

بندگان؛ و زبان گویای تو که با اجازه تو، از طرف تو مطالب را بیان می‌کند؛ آن که زبانش

**بِحُكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ عَلَيَّ بِرَبِّيَّتِكَ، وَشَاهِدِكَ**

به حکمت تو گویا است؛ و چشم بینای تو است که بر بندگان نظارت دارد؛ او که شاهد تو

**عَلَيَّ خَلْقِكَ، أَلْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ، أَلْعَائِدِ بِكَ**

بر آفریده‌های تو و از مهران مجاهد در راه توست؛ او که نزد تو به تو پناه می‌برد.

**عِنْدَكَ. وَأَعِدَّهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ،**

او را در پناه خود قرار ده از شر هر آنچه آفریده و پدید آوردی،

**وَأَنْشَأَتْ وَصَوَّرَتْ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ**

و ایجاد کردی، و صورت و شکل بخشیدی؛ او را از رو به رو،

**خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ**

پشت سر، طرف راست و طرف چپ، و از بالای سرش و

**تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ**

زیر پایش، حفظ کن به نگهداری و حفظی که وقتی کسی را به آن حفظ کنی ضایع و تباہ نمی‌شود، و حفظ

**فِيهِ رَسُولَكَ وَأَبَاءَهُ، أَمَّتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ. وَاجْعَلْهُ**

کن در وجود او رسول خود و پدران او را؛ که امامان تو و ستون‌های دین تو هستند، و قرار ده او را

**فِي وَدَيْعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي**

در ودیعه خودت که از بین‌رفتنی نیست، و در همسایگی خود که

**لَا يُخْفَرُ، وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُفْهَرُ، وَأَمِنَهُ**

مورد خیانت قرار نگیرد، و در حمایت و سایه عزت خودت که مقهور نگردد. و او را

**بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ، الَّذِي لَا يُخَذَلُ مَنْ أَمَنَتْهُ بِهِ،**

در امان محکم خود ایمن بدار؛ که هرگز آن که در سایه امن تو باشد ذلیل و خوار نگردد.

**وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ، وَأَيِّدْهُ**

و او را در کنف حمایت خویش قرار ده زیرا حمایت‌شده تو هرگز مورد سوء قصد کسی قرار نخواهد گرفت؛ و او را

**بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ ، وَأَيَّدَهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ ، وَقَوَّهٖ**

با یاری شکستناپذیرت کمک فرما ، و با سپاه پیروزمندت تأییدش کن ، و با نیروی خود نیرومندش

**يَقْوِّتِكَ ، وَأَرْدِفُهُ بِمَلَائِكَتِكَ ، وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ ، وَعَادِ**

فرما ، و فرشتگانت را با او همراه ساز؛ و دوستش را دوست دار ، و دشمنش را

**مَنْ عَادَاهُ ، وَالسَّيْئَةُ دِرْعَكَ الْحَصِيْبَةَ ، وَحِفْهٖ**

دشمن بدار؛ و زره محکم و محافظ خود را بر او ببوشان؛ و

**بِالْمَلَائِكَةِ حَفَاً . اَللّٰهُمَّ وَبَلِّغْهُ اَفْضَلَ مَا بَسَلَّغْتَ**

فرشتگان را اگر داکرد او درآور . بار خدایا ؛ او را به برترین مرتبه‌ای برسان که هر یک از

**الْقَائِمِيْنَ يَقْسُطُكَ مِنْ اَتْبَاعِ النَّبِيِّيْنَ . اَللّٰهُمَّ اشْعَبْ بِهٖ**

برایکنندگان قسط و عدل از پیروان پیامبران را بدان مرتبه رسانیدی. خدایوندا ؛ اختلاف‌ها را به واسطهٔ وجود

**الصِّدْقِ ، وَاَرْتُقِ بِهٖ الْفَتْقَ ، وَاَمِتْ بِهٖ الْجَوْرَ ، وَاَظْهِرْ**

مقدسش برطرف گردان ، و تفرقه‌ها و پراکنگی‌ها را به واسطهٔ او از میان بردار ، و ظلم و ستم را به وسیلهٔ او بسمیران ، و

**بِهٖ الْعَدْلَ ، وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْاَرْضَ ، وَاَيِّدْهُ**

عدل را به وسیلهٔ او آشکار ساز ، و زمین را با باقی‌ماندن طولانی‌اش زینت و کمال بخش؛ و او را به

**بِالنَّصْرِ ، وَاَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ ، وَقَوِّ نَاصِرِيْهٖ ، وَاخْذُلْ**

یاری خودت تأیید کن ، و با رعبافکندن بر دل دشمنانش پیروزش گردان ، و یارانش را نیرومند ساز ، و خوارکنندگان

**خَاذِلِيْهِ ، وَاَدْمِدِمْ عَلٰی مَنْ نَصَبَ لَهُ ، وَاَدْمُرْ مَنْ عَشَّهٖ .**

اورا خوار و ذلیل گردان ، و آن‌که رو در رویش به جنگ ایستد به هلاکت برسان ، و آن‌که با او می‌کرو خدعه‌کند

**وَأَقْتُلْ بِهٖ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ ، وَعُمَّدَهُ وَدَعَائِمَهُ ، وَأَقْصِمْ**

نابودش ساز ، و با دست توانایش ستمگران و کافران و سردهسته‌ها و ارکان آنان را به خاک هلاکت انداز ، و

**بِهٖ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ ، وَّمُهِمَّةَ السُّنَّةِ ،**

پشت سران گمراهی، بدعت‌گذاران و نابود کنندگان سنت الهی

**وَمُقَوِّیَةَ الْبَاطِلِ ، وَذَلِّلْ بِهٖ الْجَبَّارِيْنَ ، وَأَبْرِ بِسِهٖ**

و تقویت‌کنندگان باطل را به واسطهٔ او بشکن . با وجود شریفش، زورگویان متکبر را ذلیل کن،

**الْكَافِرِيْنَ وَجَمِیْعَ الْمُلْحِدِيْنَ ، فِي مَشَارِقِ الْاَرْضِ**

و همهٔ کافران و ملحدان را - در شرق

**وَمَغَارِبِهَا ، وَبَرَّهَا وَبَحْرَهَا ، وَسَهْلُهَا وَجَبَلِهَا ، حَتَّى**

و غرب، دریا و خشکی، کوه و دشت - ریشه‌کن فرما؛ تا

**لَا تَدَعَّ مِنْهُمْ دِيَّاراً ، وَلَا تُتْبِعِيْ لَهُمْ اَثَاراً . اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ**

کسی از آنان بر جای نمانی، و اثری از آنان باقی نگذاری. بار خدایا؛

**مِنْهُمْ بِلَادَكَ ، وَاَشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ ، وَاَعِزِّ بِسِهٖ**

سرزمینت را از وجود آنها پاک‌گردان ، و قلب بندگانت را با نابودی آنها شفا ده؛ و به واسطهٔ آن وجود مقدس،

الْمُؤْمِنِينَ، وَأَخِي بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ، وَدَارِسَ

اهل ایمان را عزیز گردان، و سنت‌های رسولان، و آنچه از

حِكْمَةِ النَّبِيِّينَ، وَجَدَّدَ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ،

حکمت‌های پیامبران مندرس گشته به وسیله او زنده کن، و آنچه از دین تو که از بین رفته

وَبُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ، وَعَلَى

و از احکامت که دگرگون شده به وسیله او بازسازی کن؛ تا دین حقیقی خود را به وسیله او

يَدِيهِ غَضًّا مَحْضًا صَاحِبًا، لَا عِوَجَ فِيهِ، وَلَا يَدْعَاةَ

و به دست تویی او، به گونه‌ای تازه و بی‌لایش و صریح اعاده کنی و بازگردانی؛ که هیچ کجی در آن نباشد و هیچ بدعتی

مَعَهُ، وَحَتَّى تُنْبِرَ بِعَدْلِهِ ظَلَمَ الْجَوْرَ، وَتُطْفِئَ بِهِ

با آن آمیخته نباشد. و تاریکی‌های ظلم و بیاداد با عدل او روشن گردد، و آتش کفر به وسیله او خاموش شود.

نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَتُوضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَمَسْجُوهَ

و در نتیجه، پیچیدگی‌های حق آشکار گردد، و اساس عدل و قسط - که مجهول مانده است -

الْعَدْلِ. فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ،

معلوم و روشن شود. زیرا آن حضرت، بندهٔ توست که برای خودت خالصش گردانیدی،

وَاصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ،

و از میان بندگانت او را برگزیدی، و بر آن‌ها اختیار کردی،

وَأَتَمَمْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ،

و او را برای سپردن غیب خودت، امین یافتی؛ و از گناهان، نگهداشتی.

وَبَرَأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَسَلَّمْتَهُ

و از هر عیبی پیراسته‌اش کردی، و از هر پلیدی آراسته‌اش گردانیدی، و از هر

مِنَ الدَّنَسِ. اَللّٰهُمَّ فَاِنَّا نَشْهَدُ لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَيَوْمَ

ناپاکی رهایش ساختی. خدایا؛ ما در روز قیامت و آن حادثهٔ بزرگ محشر، گواهی می‌دهیم

حُلُولِ الطَّامَةِ، اَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا وَلَا اَتَى حُوبًا، وَلَمْ

که او هرگز گناهی نکرده، و جرمی انجامی نداده، و

يَزْتَكِبَ مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ

معصیتی مرتکب نشده، و طاعتی را از تو ضایع نساخته، و حرمتی را از تو هتک

لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ

نکرده، و فریضه‌ای از تو را دگرگون ننموده، و قانونی از دین تو تغییر نداده است.

شَرِيعَةً، وَاِنَّهُ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الطَّاهِرُ التَّقِيُّ النَّقِيُّ

و او هدایت‌گر انسان‌ها، و هدایت‌یافتهٔ پاک سیرت بانقوای پاکیزه

الرَّضِيِّ الزَّكِيِّ. اَللّٰهُمَّ اَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَاَهْلِهِ، وَوَلَدِهِ

پسندیده آراسته است. خدایا؛ برای او نسبت به خودش، اهلیش، فرزندانش،

وَدُرِّيَّتِهِ ، وَأُمَّتِيهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِيهِ ، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ ،

أَمَّت و همهٔ زیر دستانتش. چیزی عطا کن که چشمش را به آن روشن نمایی

وَتَسُرُّ بِهِ نَفْسُهُ ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمُمْلَكَاتِ كُلِّهَا ،

و روانش را به آن شاد گردانی؛ و حکومت سراسر کشورهای

قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا ، وَعَزِيْزَهَا وَذَلِيْلَهَا ، حَتَّى يَجْرِي

نزدیک و دور؛ سرفراز و خوار را به او عطا فرما؛

حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ ، وَيَغْلِبُ بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ .

تا حکمش بر حکم هر حکمرانی جاری گردد، و حق او بر هر باطلی غالب گردد.

اللَّهُمَّ اسْأَلُكَ بِنَا عَلِيٍّ يَدِيهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى ، وَالْمَحْجَةَ

خدایا؛ ما را به دست او، بر طریقت هدایت، و بر راه روشن

الْعُظْمَى ، وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى ، الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا

عظیم و راه میانه و اعتدال سالک گردان؛ راهی که هر افراطگر پیشی‌گیرنده،

الْغَالِي ، وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي ، وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ ،

و هر کوه‌نظر عقب‌مانده، باید بدان بازگردد. و ما را بر طاعتش قوی گردان،

وَتَبَّتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ ، وَآمَنُنَّ عَلَيْهَا بِمُتَابَعَتِهِ ،

و بر پیرویش ثابت‌قدم بدار؛ و با نعمت پیرویش بر ما منت بگذار،

وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ ، الصَّابِرِينَ مَعَهُ ،

و ما را در سپاه او قرار ده که اجراکنندهٔ فرمان اویند، و در راهش صابر و شکیبا هستند.

الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ ، حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ

و از خیرخواهی او فقط رضا و خشنودی تو را طالب‌اند؛ تا در روز رستاخیز

الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَمَقْوِيَةِ سُلْطَانِهِ. اللَّهُمَّ

ما را در میان یاران و مددکاران و تقویت‌کنندگان حکومت بابرکتش محشور فرمایی . خدایا؛

وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ

این را از ما، خالص و به دور از هر شک و شبهه و ریا و سمعه قرار بده؛

وَسَمْعَةٍ ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا

آن گونه که با این کار به غیر تو اعتماد نکنیم؛ و از این کار جز تو را نطلبیم؛

وَجْهَكَ ، وَحَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ ، وَتَجْعَلْنَا فِي الْجَنَّةِ

و تا این که به لطفت ما را به محل و مقام او وارد نمایی؛ و در بهشت با او و در

مَعَهُ ، وَأَعِدَّنَا مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفُتْرَةِ ،

جوار او جای دهی؛ و ما را از خستگی و تنبلی و سستی در طاعت، در پناه خویش قرار دهی؛

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ ، وَتُعَزُّ بِسِهِ نَصْرَ

و ما را از کسانی قرار دهی که دینت را به سبب او یاری می‌دهی و یاری ولایت را تقویت می‌گردانی.



وَلِيكَ ، وَلَا تَسْتَبِدِلْ بِنَا غَيْرَنَا ، فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِبِنَا

و کسی را غیر از ما جایگزین ما مفرما، زیرا که این جایگزینی

غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ ، وَهُوَ عَلَيْنَا عَسِيرٌ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ

برای تویی سهل و آسان است؛ ولی برای ما بسیار گران و سنگین می‌باشد. خدایا؛ رحمت فرست

عَلَىٰ وِلَاةِ عَهْدِهِ ، وَالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ ، وَبَلِّغْهُمْ

بر فرمانداران او؛ و پیشوایان از فرزندان او؛ و آنان را به

أَمْوَالَهُمْ ، وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ ، وَأَعِزِّ نَصْرَهُمْ ، وَتَسَمِّ

آرزوهایشان برسان، و بر عمرهایشان بیفزای، و نصرت باعزت به آنها عنایت فرما،

لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِكَ لَهُمْ ، وَتَبَيَّتْ

و آنچه از امر دین خود را مربوط به آنان فرمودی به حد کمال و اتمام برسان؛ و

دَعَائِمَهُمْ ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا ، وَعَلَىٰ دِينِكَ

اساس حکومت آنها را ثبات و پایداری عنایت کن؛ و ما را، برای آنان یار و برای دینت

أَنْصَارًا ، فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ ، وَأَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ ،

یاور قرار بده؛ زیرا آنان معدن‌های کلمات تو، و پایه‌های توحید تو،

وَدَعَائِمُ دِينِكَ ، وَوِلَاةُ أَمْرِكَ ، وَخَالِصَتُكَ مِنْ

استوانه‌های دین تو، و سرپرستان امر از طرف تو، و خالصان از

عِبَادِكَ ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَأَوْلِيَاؤُكَ وَسَلَاتِلُ

بندگان تو، و برگزیده از خلق تو، و دوستان تو، و فرزندان

أَوْلِيَاؤِكَ ، وَصَفْوَةُ أَوْلَادِ رُسُلِكَ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ

اولیای تو و برگزیده از فرزندان پیامبران تو هستند، و درود بر آنها

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . ۱

و رحمت و برکات الهی بر آنان نثار باد.



### دعای معرفت

#### در زمان غیبت

سید بزرگوار، جناب علی بن طاووس رحمته الله علیه در کتاب «جمال

الأسبوع» می‌فرماید: این دعای شریف به دو طریق از «محمّد بن

همام» روایت شده و او گفته است که: شیخ ابو عمرو رحمته الله علیه این

دعایا را به او املا نموده و دستور به خواندن آن داده است:

۱. جمال الأسبوع: ۳۰۷، و در مصباح المتعجد: ۴۰۹، المصباح: ۷۲۶، و البلد

الأمین: ۱۲۲ با تفاوتی اندک. نیز، سید بن طاووس رحمته الله علیه با کمی کاستی و فزونی

همین را در کتاب «مصباح الزائر»: ۴۵۷، نقل کرده است.

اَللّٰهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ ، فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ

بارخدايا، خودت را به من بشناسان؛ زيرا اگر خودت را به من نشناساني

اَعْرِفُكَ ، وَلَمْ اَعْرِفْ رَسُوْلَكَ . اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي

تو و پيامبرت را نمی‌شناسم. خدايا؛ پيامبرت را به من معرّفی فرما؛

رَسُوْلِكَ ، فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُوْلَكَ لَمْ اَعْرِفْ

زيرا اگر پيامبرت را به من نشناساني، حجت تو را نخواهم شناخت.

حُبَّتِكَ . اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي حُبَّتِكَ ، فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي

خداوندا؛ حجتت را به من بشناسان؛ زيرا اگر حجتت را به من نشناساني،

حُبَّتِكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي . اَللّٰهُمَّ لَا تَمِمْتَنِي مِمْتَةً

نسبته به دينم گمراه می‌گردد. خدايا؛ مرا به مرگ جاهليت نديران

جَاهِلِيَّةً ، وَلَا تَزِعْ قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي . اَللّٰهُمَّ فَكَمَا

و پس از آن که هدايتم نمودی قلبم را دچار انحراف و ترديد مساز. ای خدا؛ همان گونه

هَدَيْتَنِي لِوِلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ وِلَاةٍ

که مرا به ولايت و دوستي آن کس که طاعتش را بر من واجب نمودی ـ يعنی؛ سرپرستان

اَمْرِكَ بَعْدَ رَسُوْلِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، حَسْتِي

امرت پس از رسول گراميت که درود تو بر او و آل او باد ـ رهنمون شدی، تا

وَالْيَتُّ وِلَاةَ اَمْرِكَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي

صاحبان حقيقي خلافت و واليان امرت يعنى: امير مؤمنان علي بن ابی

طَالِبِ ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا

طالب، حسن، حسين، علی، محمد، جعفر،

وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحِجَّةَ

موسی، علی، محمد، علی، حسن و حجت

الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ . اَللّٰهُمَّ

قائم مهدي ـ که درودهای تو بر همه آنان باد ـ را دوست بدارم. ای خدا؛

تَبَيَّنِي عَلَى دِينِكَ ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ ، وَكَيْسِنِ

مرا بر دين خودت ثابت بدار ، و مرا بر طاعت خویش بکار گیر ، و قلبم را برای صاحب

قَلْبِي لِوَلِيِّ اَمْرِكَ ، وَعَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ ،

امرت مطيع و نرم کن، و مرا در عرصه‌های امتحان‌هایی که از بندگانت به عمل می‌آوری عافيت ببخش،

وَ تَبَيَّنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ اَمْرِكَ ، الَّذِي سَتَرْتَهُ عَنْ

و در فرمان‌برداري از صاحب فرمانت استوارم ساز؛ همان کسی که از

خَلْقِكَ ، فَبَاذِنِكَ غَابَ عَنْ بَرِّيَّتِكَ ، وَ اَمْرِكَ يَنْتَظِرُ ،

بندگانت پنهانش گرداندى ؛ پس با اجازه تو از میان خلق پنهان شد، و منتظر فرمان توست؛

وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ مُعَلِّمٍ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرِ

در حالی که تو آگاهی - بدون اینکه کسی تو را آگاه کند - به زمانی که در آن، کار ولیت را اصلاح

وَلَيْكَ ، فِي الْأُذُنِ لَهُ يَظْهَارُ أَمْرُهُ وَكَشَفَ سِرَّهُ ،

فرمایی، و آن وقت به او اجازه فرمایی که امرش را آشکار نماید و از اسرارش برده بردارد.

وَصَبْرُنِي عَلَى ذَلِكَ ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا

و مرا بدان شکیبیا فرما تا شتاب در چیزی را نخواهم که تو تأخیرش را

أَخَّرْتَ ، وَلَا تَأْخِرَ مَا عَجَلْتَ ، وَلَا أَكْشِفَ عَمَّا

می‌خواهی، و تأخیر چیزی را مطالبه نکنم که تو تعجیلش را اراده نموده‌ای، و برده برندارم از آنچه

سَتَرْتَ ، وَلَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَ ، وَلَا أَنَازِعَكَ فِي

تو پنهانش کرده‌ای، و چیزی را کاوش نکنم که تو پوشیده‌اش فرموده‌ای، و نسبت به

تَدْبِيرِكَ ، وَلَا أَقُولُ لِمَ وَكَيْفَ وَمَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ

تدبیر تو (در کار عالم) با تو نزاع و مجادله نکنم، و در برابر ارادهٔ تو چون و چرا نکنم، و نگویم که چه

لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ ، وَأَفْوَضُ

شده و چرا صاحب الأمر ظهور نمی‌کند - با این‌که زمین پر از ظلم و ستم گشته است؟! - (بلکه)

أُمُورِي كُلِّهَا إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِيَنِي وَلِيِّ

همهٔ کارها و امور عالم را به محضر مقدّس تو وا می‌گذارم. یا، خدایا ! از تو می‌خواهم که جمال

أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ ، مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ

صاحب امرت را آشکارا به من بنمایانی در حالی که امرش در عالم، نافذ است؛ با علم و آگاهیم به این که

وَالْقُدْرَةَ ، وَالْبُرْهَانَ وَالْحُجَّةَ ، وَالْمَشِيئَةَ وَالْحَوْلَ

سلطنت، قدرت، برهان، دلیل رسا، مشیت نافذه، نیرو

وَالْقُوَّةَ ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَيَجْمِعِ الْمُؤْمِنِينَ ، حَتَّى

و توانایی واقعی از آن نوست. پس این لطف را به من و به همهٔ مؤمنان بفرما تا

تَنْظُرَ إِلَيَّ وَإِلَى وَلِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ظَاهِرِ الْمَقَالَةِ،

به ولیت - که درود تو بر او و آل او باد - آشکارا بنگریم، در حالی که با گفتار آشکار

وَاضِحِ الدَّلَالَةِ ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ ، شَافِيًا مِنْ

و دلالت روشنش، از گمراهی به راه هدایت رهنمون شویم، و از

الْجَهَالَةِ ، وَأَبْرِزْ يَا رَبِّ مُشَاهَدَتَهُ ، وَثَبِّتْ قَوَاعِدَهُ،

جهالت نجات پیداکنیم. پروردگارا ! مشاهدهٔ او را آشکار فرما، و پایه‌های حکومتش را محکم گردان،

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْتِهِ ، وَأَقْمِنَا بِخِدْمَتِهِ ،

و ما را از کسانی قرار ده که با دیدن جمالش، چشمش روشن گردد، و ما را به خدمت او بپا دار،

وَتَوَقَّفْنَا عَلَى مِلَّتِهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ. اللَّهُمَّ أَعِدْهُ

و بر ملت و آیین او بمیران، و روز قیامت نیز در گروه او محشور فرما. خدایا ! پناه بده او

مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ ، وَذَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ

را از شرّ هر چه خلق کردی و پدید آوردی، آفریدی و ایجاد کردی،

وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ ، وَعَنْ

و صورت و شکل بخشیدی؛ و حفظ فرما او را از مقابلش، پشت سرش،

يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ ، يَحْفَظِكَ

سمت راست و چپش، و از بالای سرش و زیر پایش؛ به نگهداری و حفظی

الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ

که وقتی کسی را به آن گونه حفظ کنی ضایع و تباه نمی‌شود، و با حفظ وجود او پیامبرت

وَوَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ . اللَّهُمَّ وَمُدَّ فِي

و وصیّ پیامبرت ـ که درود بر ایشان باد ـ را حفظ کن ـ خداوندا؛ عمرش را طولانی کن،

عُمْرِهِ ، وَزِدْ فِي أَجَلِهِ ، وَأَعِنَهُ عَلَىٰ مَا وَلَّيْتَهُ

و بر مدت زندگانش بیفزأ، و در ولایت و حکومتی که بدو عنایت کردی و واگذار نمودی

وَاسْتَرْعَيْتَهُ ، وَزِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ ، فَإِنَّهُ الْهَادِي

و نگهدار ساختی کمکش فرما، و در کرامتت نسبت به او بیفزأ؛ زیرا او هدایت‌کنندهٔ بشر

الْمُهْدِيُّ ، وَالْقَائِمُ الْمُهْتَدِيُّ ، الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الزَّكِيُّ

و هدایت یافته و قیام‌کننده برای هدایت خلق است؛ گوهر پاک، یاققوا، پاک سرشت، پاک سیرت،

النَّبِيِّ الرَّضِيِّ الْمَرْضِيِّ الصَّابِرِ الشَّكُورِ الْمُجْتَهِدِ .

صاحب مقام رضا و خشنودی، و شکیبا در بلا و مصایب، شکرگزار، مجاهد و تلاشگر است.

اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ ،

خداایا؛ به واسطهٔ دراز شدن زمان غیبتش

وَانْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا ، وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ ،

و قطع شدن خبرش از ما، یقین ما را زایل مگردان؛ و از یاد ما نبر یادش را و انتظارش را،

وَالْإِيمَانَ بِهِ ، وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ ، وَالدُّعَاءَ لَهُ

و ایمان به او را، و یقین استوار بر ظهورش را، و دعا کردن برای (وجود نازنینش)،

وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ ، حَتَّى لَا يَقْتَنَطْنَا طُولُ غَيْبَتِهِ مِنْ

و درود فرستادن (بر آن حضرت) را؛ تا طولانی شدن زمان غیبتش

[ ظُهُورِهِ وَ] قِيَامِهِ ، وَيَكُونَ يَقِينُنَا فِي ذَلِكَ كَيَقِينُنَا

ما را از ظهور و قیام بر حقیش ناامید نسازد؛ و یقین و باور ما به قیام او و ظهور او همانند

فِي قِيَامِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَمَا جَاءَ

یقین ما به قیام پیامبر خدا ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ و

بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ ، وَقَوِّ قُلُوبُنَا عَلَى الْإِيمَانِ

وحی و کتاب نازل شده بر او، محکم و استوار باشد، و قلب‌های ما را بر ایمان به او تقویت

بِهِ ، حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلِيٍّ يَدَيْهِ مِسْهَاجَ السُّهُدَى

کن تا به دست مبارکش راه هدایت

وَالْمَحَجَّةَ الْعَظْمَى ، وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى ، وَقَوْنَا

و شاهراه روشن و مسیر اعتدال را ببیماییم. و ما را بر

عَلَى طَاعَتِهِ ، وَتَبَتْنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ ، وَاجْعَلْنَا فِي

اطاعت و فرمان‌برداری از او نیرو بخش، و بر پیرویش ثابت بندار، و ما را در

حِزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ ،

گروه او و یاران و یاورانش و کسانی که به کار او خشنودند؛ قرار بده.

وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا ، وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا ، حَتَّى

و این ایمان و عقیده را در زندگی و مرگ ما از ما بگیر. تا در حالی ما

تَتَوَفَّانَا وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ لَا شَاكِّينَ وَلَا نَاكِثِينَ ، وَلَا

را بمیرانی که نه دچار شک و تردید شده، و نه پیمان شکسته باشیم، و نه

مُرْتَابِينَ وَلَا مُكَذِّبِينَ . اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ ، وَأَيِّدْهُ

در مورد آن دودل بوده و نه آن را تکذیب کنیم. خداوندا؛ در فرجش تعجیل فرما، و

بِالنَّصْرِ ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ ، وَدَمِّدْ

با یاریت تأییدش کن، و یارانش را یاری کن، و آنان را که ترک یاری او می‌کنند ذلیل و خوار بنما، و

عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ ، وَأَظْهَرَ بِهِ الْحَقَّ ،

هرآن‌که رو در رویش به جنگ بایستد و او را تکذیب کند نابودش کن، و حق را به واسطهٔ او آشکار نما،

وَأَمَّتْ بِهِ الْجَوْرَ ، وَاسْتَنْقَذَ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ

و ستم را به وسیلهٔ او بمیران، و بندگان مؤمنت را به واسطهٔ او از خواری و

الذُّلِّ ، وَأَنْعَشَ بِهِ الْبِلَادَ ، وَاقْتُلْ بِهِ جَبَايِرَةَ الْكُفْرَةِ ،

ذلت برهان، و عالم را به وجودش آباد گردان، و سرکشان کافر را توسط او هلاک کن،

وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ ، وَذَلِّلْ [بِهِ] الْجَبَّارِينَ

و سران گمراهی را به وسیلهٔ او درهم شکن، و طغیان‌پیشگان

وَالْكَافِرِينَ ، وَأَبْرِ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَالنَّاكِثِينَ ، وَجَمِيعَ

و کافران را (توسط او) ذلیل فرما. و همهٔ منافقان و عهدشکنان، و تمام

الْمُخَالِفِينَ وَالْمُلْحِدِينَ ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ

مخالفان و ملحدان بی‌دین را - در شرق

وَمَغَارِبِهَا ، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا ، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا ، حَتَّى

و غرب عالم، در دریا و خشکی، در گوها و دشت‌ها به وسیلهٔ او هلاک فرما؛ تا

لَا تَدَعَّ مِنْهُمْ دِيَّاراً ، وَلَا تَبْقِيَ لَهُمْ آثَاراً ، وَطَهِّرْ

کسی از آنان وانگداری، و اثری از آن‌ها باقی نگذاری. و سرزمین‌هایت را

**مِنْهُمْ بِالْأَدَكِ** ، **وَاشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ . وَجَدُّ**

از لوث وجود آنان پاک گردان، و سینهٔ بندگانت را با هلاکت دشمنان، شفا عنایت فرما. و

**بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ** ، **وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ**

آنچه از دینت محو شده است به وسیلهٔ او بازسازی کن؛ و هر آنچه از احکامت دگرگون یافته،

**حُكْمِكَ** ، **وَعُيِّرَ مِنْ سُنَّتِكَ** ، **حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ**

و از سنّت تو تغییر داده شده است اصلاح کن؛ تا دین تو به دست

**وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صَاحِبًا لَا عِوَجَ فِيهِ** ، **وَلَا**

میلرکش به صورت تازه و نو و صحیح اعاده گردد به گونه‌ای که هیچ کزی در آن نباشد و هیچ

**بِدْعَةٍ مَعَهُ** ، **حَتَّى تُطْفِئَ بَعْدَلِهِ نِيرانَ الْكَافِرِينَ** ،

بدعتی به همراه آن نباشد تا با عدل و داد او آتش فتنه‌های کافران را خاموش نمائی؛

**فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخَلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ** ، **وَأَرَاهُ تَضَيَّتُهُ**

زیرا او بندهٔ مخلص توست که برای خودت خالصش گردانیدی، و

**لِنُصْرَةِ دِينِكَ** ، **وَاصْطَفَيْتَهُ بِعَلْمِكَ** ، **وَعَصَمْتَهُ مِنْ**

برای یاری دینت او را پسندیدی، و با علم بی‌نهایت او را برگزیدی، و از گناهان او را باز داشتی

**الذُّنُوبِ** ، **وَبَرَأْتَهُ مِنْ السُّعْيُوبِ** ، **وَأَطَّلَعْتَهُ عَلَى**

و نگهداری کردی، و از عیب‌ها پیراسته‌اش کردی، و بر پنهانی‌ها مطلعش ساختی،

**الْغُيُوبِ** ، **وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ** ، **وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ** ،

و بر او نعمت ارزانی داشتی، و از هر گونه پلیدی پاکش گردانیدی.

**وَتَقَيَّتَهُ مِنَ الدَّنَسِ . اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ**

و از هر نوع آلودگی پاکیزه‌اش ساختی. بار خدایا؛ بر او و پدرانش

**الْأَيِّمَةِ الطَّاهِرِينَ** ، **وَعَلَى شِبَعَتِهِ السُّمَّنَجِيِّينَ** ،

- آن پیشوایان پاک - و بر پیروان نیک‌زادش رحمت فرست؛

**وَبَلِّغُهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُونَ** ، **وَاجْعَلْ ذَلِكَ**

و آن‌ها را به آرزوهای‌شان به برتر از آنچه امید دارند برسان، و این دعا را

**مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسَمْعَةٍ** ، **حَتَّى**

- خالصانه و به دور از شکّ و شبهه و ریا و سمعه - قرار بده؛ تا

**لَا نُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ** ، **وَلَا نَطْلُبُ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ . اَللّهُمَّ إِنَّا**

از آن، غیر تو را اراده نکنیم و جز تو را طالب نگردیم. خداوندا؛ ما

**نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِئْنَا** ، **وَعَيْبَةَ وَرِئْنَا** ، **وَشِدَّةَ الزَّمَانِ**

به تو شکایت می‌بریم از فقدان پیامبرمان؛ و از غیبت ولی‌مان، و سختی دوران

**عَلَيْنَا** ، **وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا** ، **وَتَظَاهِرِ الْأَعْدَاءِ [عَلَيْنَا]** .

بر ما، و وقوع فتنه‌های گوناگون نسبت به ما، و تظاهر و پشتیبانی دشمنان از یکدیگر علیه ما،

وَكثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا. اَللّٰهُمَّ فَفَرِّجْ ذٰلِكَ بِمَفْتَحِ

و زیادی دشمن ما و کمی جمعیت خودمان . خدایا؛ با فتح و گشایشی از جانب خویش ما را

مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَنَصِّرْ مِنْكَ تُعِزُّهُ، وَإِمَامَ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ،

از این اندوه‌ها به سرعت رهایی بخش، و یاری باعزت و ظهور پیشوای عادل را نصیب‌مان فرما؛

إِلٰهَ الْحَقِّ [آمِنَ] رَبَّ الْعَالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْأَلُكَ اَنْ

ای خدای به حق، و پروردگار جهانیان؛ این دعا را اجابت کن . خدایا؛ از درگاهت می‌خواهیم

تَاذِنَ لَوْلِيَّتِكَ فِي اِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ، وَقَسَلِ

که به ولایت اجازه دهی تا عدلت را در میان خلقت آشکار نماید، و

اَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ، حَتّٰى لَا تَدْعَ لِالْجَوْرِ يَا رَبَّ

دشمنانت را در سرزمین‌هایت هلاک‌گرداند؛ تا هیچ پایگاه و رکنی برای ستم‌بانی نگذاری ای پروردگار

دِعَامَةً اِلَّا قَصَمْتَهَا، وَلَا بَقِيَّةً اِلَّا اَفْتِنَيْتَهَا، وَلَا قُوَّةً اِلَّا

من؛ و همهٔ پایگاه‌های آنان را درهم شکنی، و بقایای آنان را نابود گردانی، و نیروهای‌شان را

اَوْهَنْتَهَا، وَلَا رُكْنًا اِلَّا هَدَمْتَهُ، وَلَا حَدًّا اِلَّا فَلَلْتَهُ، وَلَا

سست نمایی، و پایه‌های آن‌ها را ویران سازی، و تیزی و سختی آن‌ها را کند و بی‌اثر گردانی، و

سِلَاحًا اِلَّا اَكَلْتَهُ، وَلَا رَايَةً اِلَّا نَكَسْتَهَا، وَلَا شُجَاعًا

سلاح‌شان را از کار بیندازی، و پرچم آن‌ها را سرتگون سازی، و شجاعان آن‌ها را

اِلَّا قَتَلْتَهُ، وَلَا جَيْشًا اِلَّا خَدَلْتَهُ، وَاَزْمِهِمْ يَا رَبَّ

نابود کنی، و سپاهشان را شکست‌خورده و خوار سازی. پروردگارا؛

يَحْجِرِكَ الدَّامِغَ، وَاَضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ،

سنگ نابود کننده‌ات را به سوی ایشان رها کن، و شمشیر بزت را بر ایشان فرود آور،

وَبِأَسِيكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ، وَعَذِّبْ

و آنها را دچار عذابی کن که هر گروه مجرم از آن رهایی ندارند. و

اَعْدَاءَكَ، وَاَعْدَاءَ دِينِكَ وَاَعْدَاءَ رَسُوْلِكَ صَلَوَاتُكَ

و دشمنانت و دشمنان دین و پیامبرت - درود تو

عَلَيْهِ وَاٰلِهِ، بِيَدِ وَلِيَّتِكَ، وَاَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ .

بر او و آل او باد - را به دست ولایت و بندگان مؤمنت، معذب فرما.

اَللّٰهُمَّ اَكْفِ وَلِيَّتِكَ وَحُجَّتَكَ فِي اَرْضِكَ هُوْلَ عَدُوِّهِ،

خداوندا؛ ولیق و حجت خویش را بر زمین از ترس دشمنانش

وَكَيْدَ مَنْ كَادَهُ، وَاْمَكْرَ بَمَنْ مَكَرَ بِهِ، وَاَجْعَلْ دَائِرَةَ

و از مکر حيله‌گران کفایت فرما، و با آن کسی که با او مکر کند مکر کن، و حلقهٔ

السُّوْءِ عَلٰى مَنْ اَرَادَ بِهِ سُوْءًا، وَاَقْطَعْ عَنْهُ مَا دَتَّهُمْ،

بدی را برای بدخواهانش قرار بده، و اصل و اسباب آن‌ها را از وجود مقدسش قطع کن،

**وَأَرْعَبَ لَهُ قُلُوبَهُمْ، وَزَلْزَلَ لَهُ] أَقْدَامَهُمْ، وَخُدَّهِمْ**

و ترس و هبیتش را در دل‌های ایشان ایجاد کردان؛ و قدم‌هانشان را سست و لرزان فرار ده، و به قهر

**جَهْرَةً وَبَعْتَهُ، وَشَدَّدَ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، وَأَخْرِهِمْ فِي**

ناگهانیت بطور آشکار گرفتارشان کرده و عذابت را بر آن‌ها شدید نما، و در بین بندگانت خوار و

**عِبَادِكَ، وَالْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ، وَأَسْكَنْهُمْ أَسْفَلَ**

دلیل‌شان فرما، و در میان شهرها آن‌ها را مورد لعن قرار بده، و در پست‌ترین نقطهٔ

**نَارِكَ، وَأَاحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ، وَأَصْلِهِمْ نَاراً،**

جهنّم سکونت‌شان بده، و اطراف آن‌ها را با سخت‌ترین عذابت احاطه کن و به آتش دوزخ بیفکن،

**وَاحْشُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَاراً، وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ،**

و قبرهای مردگان آن‌ها را پر از آتش گردان، و حرارت و سوزندگی آتش را به آن‌ها بچشان؛

**فَأَنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ، وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ، وَأَضَلُّوا**

زیرا آن‌ها نماز را تباه کردند، از شهوت‌ها پیروی کردند، و بندگانت را گمراه ساختند.

**عِبَادَكَ . اللَّهُمَّ وَأَخِي بُولِيِّكَ الْقُرْآنَ، وَأَرِنَا نُورَهُ**

 خدایا ! با وجود ولّیت (صاحب الامر<sup>علیه السلام</sup>) قرآن را زنده کن، و نور جمال او را به طور دائم و همیشگی

**سَرْمَداً، لَا ظِلْمَةَ فِيهِ، وَأَخِي ]بِهِ[ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ،**

به ما بنمایان؛ به گونه‌ای که هرگز تاریکی گرد آن نور را نکیرد. و به واسطهٔ او قلب‌های مرده را حیات

**وَاشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَعِرَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ**

بخش، و سینه‌های سوخته را شفا بده، و هواهای گوناگون و نظرات

**الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ، وَأَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمَعْطَلَةَ،**

مختلف را با رأی او بر محور حقّ جمع بگردان. و حدود الهی تعطیل شده

**وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا**

و احکام ترک شده را به وسیلهٔ او برپا بدار؛ تا حقیّ نماند مگر این که ظاهر گردد، و

**عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ وَمُقَوِّبَةَ**

عدلی نماند مگر این‌که درخشنده شود، یار پروردگراه ما را از یاران او و تقویت‌کنندگان

**سُلْطَانِهِ وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ،**

حکومتش و فرمان‌بران دستورش و از آنانی که به کار آن حضرت خشنود هستند، و در برابر

**وَالْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ، وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ**

احکام و فرامین او تسلیمند، و نیازی به تقیّه کردن از آن‌ها در میان بندگانت ندارد قرار ده.

**مِنْ خَلْقِكَ، أَنْتَ يَا رَبَّ الَّذِي تَكْشِفُ الضَّرَّ،**

ای پروردگار؛ تو هستی که هر اندوه و بلایی را برطرف می‌کنی، و هر

**وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ، وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ**

مضطرّ بیچاره‌ای را که تو را بخواند، اجابت می‌فرمایی، و از سختی و اندوه بزرگ نجاتش می‌دهی؛



الْعَظِيمِ، فَكَشِفِ الضَّرَّ عَنِّي وَلِيَّكَ، وَاجْعَلْهُ خَلِيفَتَكَ

پس ناراحتی را از وجود ولایت برطرف کن و او را جانشینت

فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ . اللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ

در زمینت قرار ده؛ همان گونه که این امر را تضمین فرموده‌ای. خداوندا؛ مرا از

خُصْمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ

مخالفان آل محمد - که سلام و درود بر آن‌ها باد - قرار مده، و مرا در زمره

أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ

دشمنان آل محمد - که سلام و درود بر آنها باد - مقرر نکن؛ و مرا از آنانی قرار مده که

أَهْلِ الْحَقِّ وَالْعَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ،

نسبت به آل محمد - که سلام و درود بر آن‌ها باد - کینه و خشم دارند؛

فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ

چرا که من از این امر به تو پناه می‌برم پس پناهم ده، و از تو امان می‌طلبم

فَأَجِرْنِي . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

پس امانم بده. خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست،

وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمِنْ

و مرا در دنیا و آخرت به واسطه ایشان از رستگاران و مقربان درگاهت

الْمُقَرَّبِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .۱

قرار ده. ای پروردگار جهانیان؛ این دعاها را اجابت فرما.



### دعای دیگر در زمان غیبت

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله در «مهج الدعوات» می‌فرماید:

به سند خود روایت می‌کنم از محمد بن احمد جعفی حدیثی را

که او با سند خویش روایت نموده است و در آن، از غیبت حضرت

مهدی ارواحنا فدا، یاد کرده است.

گفتم: شیعه باید در آن زمان چه کند؟ فرمود:

بر شما باد دعا کردن و انتظار فرج؛ زیرا به زودی برای شما نشانه‌ای

آشکار خواهد شد و هرگاه نشانه بر شما آشکار گشت خدای را

سپاس گوید، و بدان تمسک جوید.

گفتم: چه دعایی بخوانیم؟

فرمود: می‌گویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَفْتَنِي نَفْسِكَ، وَعَرَفْتَنِي رَسُولِكَ،

خدایا؛ تو خود را به من شناساندی و فرستاده‌ات را به من معرفی کردی،

۱. جمال الأسبوع: ۳۱۵، و در مصباح المتهجد: ۴۱۱، و مصباح الزائر: ۴۲۵ با اندکی تفاوت.

وَعَرَّفْتَنِي مَلَائِكَتَكَ وَعَرَّفْتَنِي نَبِيِّكَ ، وَعَرَّفْتَنِي

و فرشتگان را شناساندی و پیامبرت را معرفی کردی و سرپرستان

و لایه امریک . اَللّٰهُمَّ لَا آخِذًا اِلَّا مَا اَعْطَيْتَ ، وَلَا وَاقِيَّ

امرت را به من شناساندی . خدایا؛ گیرنده (عطایی) نیست مگر آنچه را تو عطا کنی، و

اِلَّا مَا وَقَيْتَ . اَللّٰهُمَّ لَا تُعَيِّنِي عَنْ مَنَازِلِ اَوْلِيَائِكَ ،

بازدارنده‌ای نیست جز از آنچه تو باز داری . خداوندا؛ مرا از مرتبه و جایگاه اولیای پنهان مدار،

وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي . اَللّٰهُمَّ اهْدِنِي لِرِوَايَةِ

و قلبم را پس از هدایت دچار انحراف مگردان . خدایا؛ مرا به ولایت کسی راهنمایی کن

مَنْ افْتَرَضَتْ طَاعَتَهُ . ۱

که طاعتش را بر من واجب گردانیدی .



### دعای دیگری نیز در زمان غیبت

شیخ کلینی رحمته الله از زراره ، و او از امام صادق علیه السلام روایتی را نقل

می‌کند که مضمون آن چنین است :

چاره‌ای برای او نیست مگر این که غایب شود .

من گفتم : چرا چنین است ؟

حضرت فرمودند : می‌ترسد . و با دست مبارکش به شکمش اشاره

فرمود . و او جوان امام منتظر می‌باشد که انتظارش را باید کشید ، و او

کسی است که مردم در ولاتش شک می‌کنند ، پس عده‌ای از آنان

می‌گویند که ایشان هنوز متولد نشده است و عده‌ای دیگر می‌گویند

که پدر ایشان از دنیا رفته و جانشینی نداشته است و گروه دیگری

می‌گویند که ایشان دو سال قبل از فوت پدرشان به دنیا آمده است .

زراره گفت : به حضرت گفتم : اگر آن زمان را درک کردم ، به چه

چیزی مرا امر می‌کنید ؟ فرمود :

خدا را به این دعا بخوان :

اَللّٰهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ ، فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ

بار خدایا؛ خودت را به من بشناسان ، پس اگر تو خودت را به من نشانسانی ، من هرگز تو را

اَعْرِفُكَ . اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي نَبِيِّكَ ، فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي

نمی‌توانم بشناسم ، بار خدایا؛ پیامبرت را به من بشناسان ، پس اگر تو پیامبرت را به من نشانسانی ،

نَبِيِّكَ لَمْ اَعْرِفْهُ [ قَطُّ ] . اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ، فَاِنَّكَ

من هرگز نمی‌توانم او را بشناسم ، بار خدایا ؛ حجّت خودت را به من بشناسان ، پس اگر

إِنَّ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي ١.

تو او را به من شناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم.



### دعای غریق در زمان غیبت

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «مهج الدعوات» از عبدالله بن سنان نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمودند:

به زودی شبهه‌ای شما را فرا می‌گیرد، پس شما بدون راهنما و امامی هدایت کننده باقی خواهید ماند و نجات پیدا نمی‌کند، مگر کسی که به وسیله «دعای غریق» خدا را بخواند.

عبدالله بن سنان گفت: دعای غریق چگونه است؟

حضرت فرمودند: می‌خوانی:

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمٌ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ تَسْبِئُ

ای خدا، ای مهربان، ای بخشنده، ای دگرگون‌کننده قلب‌ها، قلب مرا بر دین خود

قَلْبِي عَلَي دِينِكَ .

(و لزوم پیروی از آن) ثابت بدار.

پس گفتیم: يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، تَبَّتْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ .

ای دگرگون‌کننده قلب‌ها و دیده‌ها، قلب مرا در پیروی از دین خود استوار کن.

پس حضرت فرمودند:

همانا خداوند بلند مرتبه، «دگرگون کننده قلب‌ها و دیده‌ها

می‌باشد»، ولی تو آن طور که من می‌خوانم، بخوان، یعنی به این

صورت: يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ تَبَّتْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ .

سید رحمه الله می‌فرماید: شاید مراد از فرمایش حضرت در مورد

«الابصار» این باشد که دگرگونی قلب‌ها و دیده‌ها مربوط به قیامت

است؛ به خاطر این‌که ترس و وحشت در آن روز بسیار شدید

می‌باشد ولی ترس در زمان غیبت، از دگرگون شدن دل‌ها است نه

دیده‌ها.<sup>۱</sup>



### دعای نجات از فتنه‌های آخر الزمان

در کتاب «سلاح المؤمنین» این دعا برای رهایی و نجات از

فتنه‌های آخر الزمان نقل شده است:

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ ،

خدايا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را نزدیک فرما،

( يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ هفت مرتبه تکرار شود). اَللّٰهُمَّ عَمَّ

ای مهربان‌ترین مهربانان خدايا؛

اَعْدَاءِ آلِ نَبِيِّكَ وَظَالِمِيهِمْ وَاَعْدَاءِ شَيْعَتِهِمْ ، وَاَعْدَاءِ

بدی و بدبختی را بر سر دشمنان و ستمگران بر آل پیامبر و دشمنان

مَوَالِيهِمْ بِالشَّرِّ عَمًّا ، وَطَمَّهْمُ بِالشَّرِّ طَمًّا ، وَاَطْرُقَهُمْ

شیعیان و موالیان آنان فرود آور، و بر آنان فراگیر کن، و آنان را در یک شب درهم بکوب

بِلَيْلَةٍ لَا أُخْتُ لَهَا ، وَسَاعَةَ لَا مَنجَى مِنْهَا ، وَاَنْتَقِمَ

که نظیری نداشته باشد، و در یک ساعت آنان را درهم بکوب که محلّ نجاتی برای آنان نباشد

مِنْهُمْ اَنْتِقَامًا عَاجِلًا ، وَاَحْرِقْ قُلُوبَهُمْ بِنَارِ غَضَبِكَ .

و از آنان به زودی انتقام بگیر و قلب‌های‌شان را با آتش غضب خودت بسوزان.

اَللّٰهُمَّ شَتَّتْ شَمَلَهُمْ ، وَفَرَّقْ جَمْعَهُمْ ، وَقَلِّبْ تَدْبِيْرَهُمْ

خدايا؛ اجتمع آنان را بپراکنده و جمع ایشان را متفرق ساز، و جله‌اندیشی‌ها و نقشه‌های آن‌ها را دگرگون کن،

دعای نجات از فتنه‌های آخر الزمان

وَتَكْسَسْ اَعْلَامَهُمْ ، وَخَرِّبْ بُنْيَانَهُمْ ، وَقَرِّبْ اَجَالَهْمُ ،

و برچم‌های‌شان را واژگون فرما و ریشه و بنیان آنها را بر کن، و زمان مرگ آنان را نزدیک فرما،

وَأَلْقِ بِأَسْهَمِ بَيْنَهُمْ ، وَاَجْعَلْنَا مِنْ بَيْنِهِمْ سَالِمِيْنَ ،

و سختی‌های‌شان را بین خودشان ببنداز، و ما را در بین آنان سالم و محفوظ بدار،

وَخَذْهُمُ اخْذَ عَزِيْزٍ مُّقْتَدِرٍ . اَللّٰهُمَّ اَلْقِ الْاَوْجَاعَ

و آنان را گرفتار کن گرفتار شخص قدرتمند باقتدار. بار خدايا؛ دردها

وَالاَسْقَامَ فِيْ اَبْدَانِهِمْ ، وَضَيِّقْ مَسَالِكَهُمْ ، وَاَسْلُبْهُمْ

و بیماری‌ها را بر بدن‌های آنان مسأط فرما و راه‌های آنان را تنگ نما و کشور‌های تحت سلطهٔ آن‌ها را

مَمَالِكَهُمْ ، وَحَيِّرْهُمْ فِيْ سُبُلِهِمْ ، وَاَقْطَعْ عَنْهُمْ الْمَدَدَ ،

از دست ایشان خراج کن، و آنان را در راه‌ها و نقشه‌هایشان متحیر و سرگردان کن و کم‌کمرسانی را از ایشان قطع

وَانْقُصْ مِنْهُمْ الْعَدَدَ . اَللّٰهُمَّ وَاَحْفَظْ مَوَالِي آلِ بَيْتِ

کن، و تعداد آنان را کم کن. بار خدايا؛ دوستان اهل بیت

نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ شُرُوْرِهِمْ ، وَسَلِّمْهُمْ مِنْ

رسولت - که بر آنان درود باد - را از شرّ آنان محفوظ بدار، و آن‌ها را از

مَكْرِهِمْ ، وَخَدَعِهِمْ وَضُرِّهِمْ ، وَاَنْصُرْهُمْ عَلَيْهِمْ

مکر و خدعه و نیرنگ و زیان آنان سالم نگه دار، و آن‌ها را با کمک خود بر آنان

بِنَصْرِكَ، وَاجْمَعْ كَلِمَتَهُمْ، وَأَلْفَ جَمْعَهُمْ، وَدَبِّرْ

بیروز فرما، و بین ایشان وحدت و یکپارچگی برقرار فرما، و جمع ایشان را گردآوری کن، و

أَمْرَهُمْ، وَعَرِّفُهُمْ مَا يَجْهَلُونَ، وَعَلِّمُهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ

امور ایشان را تدبیر فرما، و آنها را با آنچه آشنایی ندارند، آشنا فرما؛ و آنچه را نمی‌دانند به آن‌ها بیاموز؛

وَبَصِّرْهُمْ مَا لَا يُبْصِرُونَ، وَأَعْلِ كَلِمَتَهُمْ، وَاجْعَلْهَا

و با آنچه که نسبت به آن بصیرت و آگاهی ندارند، آگاه فرما؛ و حکم و اراده ایشان را والا و آن

الْعُلْيَا، وَاجْعَلْ كَلِمَةَ الْأَعْدَاءِ السُّفْلَى. ۱

را برتر قرار بده، و حکم و اراده دشمنان را پایین‌تر قرار بده.



#### دعای فرج (إلهی عظم البلاء)

مرحوم کفعمی در کتاب «البلد الامین» دعایی را برای حضرت

امام زمان ارواحنا فداء نقل می‌فرماید که آن حضرت آن دعا را به مردی

که زندانی بود یاد می‌دهند و بعد از خواندن، او از زندان آزاد می‌شود:

إِلَهِي عَظَمَ الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ، وَأُنْكَشَفَ الْغَطَاءُ،

ای خدایا! بلا و مصیبت بزرگ شد و پنهانی برطرف گشت (آنچه پنهان بود آشکار شد) و برده (از کار ما) برداشته

وَأَنْتَقَطَعَ الرَّجَاءُ، وَضَاقَتِ الْأَرْضُ، وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ،

شد و امید قطع شد و زمین (بر ما) تنگ آمد و آسمان (رحمتش را از ما) دریغ کرد

وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ، وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكِي، وَعَلَيْكَ الْمُعْوَلُ

و تنها تویی که از تو یاری خواسته می‌شود و شکایت نزد تو آورده می‌شود و

فِي الشَّدَةِ وَالرَّخَاءِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

در سختی و سستی بر تو اعتماد می‌شود. خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست،

مُحَمَّدٍ، أَوْلَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ،

همان صاحبان امری که اطاعت آن‌ها را بر ما واجب کردی

وَعَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرْجًا عَاجِلًا

و به این وسیله مقام و منزلت آنان را برای ما شناسانده، پس به حق آنان برای ما گشایش فوری

قَرِيبًا كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ،

و نزدیکی چون چشم بر هم زدن یا نزدیک‌تر از آن مرحمت فرما، ای محمد؛ ای علی؛

يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، إِكْفِيَانِي فَإِنِّي كَافِيَانِ، وَأَنْصُرَانِي

ای علی؛ ای محمد؛ مرا کفایت کنید که همانا شما کفایت‌کنندگان من هستید و مرا یاری کنید

فَإِنِّي كَمَا نَاصِرَانِ، يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ،

که همانا شما یاری‌کنندگان من هستید، ای مولای ما، ای صاحب الزمان؛

الْعَوْتُ الْعَوْتُ الْعَوْتُ ، أَدْرِكُنِي أَدْرِكُنِي أَدْرِكُنِي ،

به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس، مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب،

السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ ، الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ ،

هم اکنون، هم اکنون، هم اکنون، به شتاب، به شتاب، به شتاب،

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ .۱

ای مهربان‌ترین مهربانان، به حق حضرت محمد و آل پاکش.



### دعا در ساعت مخصوص

به آن حضرت ارواحنا فداه

در کتاب «مفتاح الفلاح» این دعا برای ساعت مخصوص امام زمان

ارواحنا فداه در هر روز نقل شده است:

اللَّهُمَّ يَا خَالِقَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ، وَالْمِهَادِ الْمَوْضُوعِ ،

بارها؛ ای به وجود آورنده آسمان برافراشته، و زمین گسترده؛

وَرَازِقَ الْعَاصِي وَالْمُطِيعِ ، الَّذِي لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ

ای روزی بخش گناهکار و فرمان‌بر؛ ای کسی که هیچ سرپرستی ندارد، و کسی جز

۱. البلد الأمين: ۶۰۷، مزار شهید: ۲۳۱، المصباح: ۲۲۵، منهاج العارفين: ۴۸۳.

دعا در ساعت مخصوص به آن حضرت

وَلِيِّ وَلَا شَفِيعٌ . أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي إِذَا سُمِّيَتْ

او قادر به شفاعت نیست؛ از تو درخواست می‌کنم، به واسطه نام‌هایت که اگر

عَلَى طَوَارِقِ الْعُسْرِ عَادَتْ يُسْرًا ، وَإِذَا وُضِعَتْ

بر راه‌های صعب و دشوار خوانده شود، آسان می‌گردند؛ و اگر

عَلَى الْجِبَالِ كَانَتْ هَبَاءً مَنثورًا ، وَإِذَا رُفِعَتْ إِلَى

بر کوه‌ها نهاده شود، از هم پاشیده و پراکنده می‌شوند؛ و اگر به سوی آسمان بالا برده

السَّمَاءِ تَفْتَحَتْ لَهَا السَّمَاوَاتُ ، وَإِذَا هُبِطَتْ إِلَى

شود، تمامی بسته‌ها فرا رویش گشوده شوند؛ و اگر به

ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ اتَّسَعَتْ لَهَا الْمَضَائِقُ ، وَإِذَا دُعِيَتْ

تاریکی‌های زمین فرو فرستاده شود، تمامی تنگی‌ها فرا رویش گسترده شوند؛ و اگر

بِهَا الْمَوْتَى انْتَشَرَتْ مِنَ اللَّحُودِ ، وَإِذَا نُودِيَتْ بِهَا

بر مردگان خوانده شود، از قبرها به درآیند؛ و اگر بر نیست و

الْمَعْدُومَاتُ خَرَجَتْ إِلَى الْوُجُودِ ، وَإِذَا ذُكِرَتْ عَلَى

نابودشدگان دمیده شود، به عرصه وجود درآیند؛ و اگر بر دل‌ها یادآوری شود،

الْقُلُوبِ وَجِلَتْ خُشُوعًا ، وَإِذَا قُرِعَتْ الْأَسْمَاعُ

از روی خشوع به لرزه درآیند؛ و اگر بر گوش‌ها خوانده شوند، اشک شوق از

فَاضَتْ الْعُيُونُ دُمُوعًا . أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ

دیدگان سرازیر خواهد شد. از تو درخواست می‌کنم به واسطهٔ حضرت محمدﷺ رسول و

الْمُوَيَّدِ بِالْمُعْجَزَاتِ ، الْمَبْعُوثِ بِمُحْكَمِ الْآيَاتِ ،

فرستاده‌ات که با معجزه‌هایت او را تأیید نمودی، و او را با نشانه‌های محکم و استوار برانگیختی،

وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، الَّذِي اخْتَرْتَهُ

و از تو درخواست می‌کنم به واسطهٔ امیر مؤمنان علی بن ابی طالب؛ که

لِسُمُوْا خِصَاتِهِ وَوَصِيَّتِهِ ، وَاصْطَفَيْتَهُ لِمُضَافَاتِهِ

برای برادری و جانشینی آن حضرت اختیار کردی، و او را برای دوستی خالص

وَمُضَاهَرَّتِهِ ، وَبِصَاحِبِ الزَّمَانِ الْمَهْدِيِّ ، الَّذِي

و دامادی پیامبرت، برگزیدی، و نیز به واسطهٔ حضرت مهدی - صاحب زمان و روزگار - از تو

تَجْمَعُ عَلِي طَاعَتِهِ الْآرَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ ، وَتُوَلِّفُ بِهِ بَيْنَ

درخواست می‌کنم همان عزیزی که دیدگاه‌های پراکنده را بر فرمان‌برداری از او گرد می‌آوری؛ و به

الْأَهْوَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ ، وَتَسْتَخْلِصُ بِهِ حُقُوقَ أَوْلِيَائِكَ ،

واسطهٔ او خواسته‌های مختلف را به هم پیوند می‌دهی؛ و حق دوستانت را به واسطهٔ او بازمی‌سانی و

وَتَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ شَرِّ أَعْدَائِكَ ، وَتَمَلِّأُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا

برمی‌گردانی؛ و از بدترین دشمنانت، به واسطهٔ آن بزرگوار انتقام می‌گیری؛ و به وسيلهٔ او، زمین را

دعا در ساعت مخصوص به آن حضرت

وَإِحْسَانًا ، وَتُوسِّعُ عَلَي الْعِبَادِ بِظُهُورِهِ فَضْلًا

بر از عدل و داد و نیکی می‌کنی؛ و با ظهور او، فضل و احسانت را بر بندگانت توسعه می‌دهی و فراوان

وَأَمْتِنَانًا ، وَتُعِيدُ الْحَقَّ إِلَى مَكَانِهِ عَزِيزًا حَمِيدًا ،

می‌گردانی؛ و حق و راستی را به جایگاه او در حالی که عزیز و نیرومند و ستوده باشد باز می‌گردانی؛

وَتُرْجِعُ الدِّينَ عَلَي يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا ، أَنْ تُصَلِّيَ

و دین و آیین راستین خود را به دست با کفایت او تر و تازه می‌گردانی . (از تو می‌خواهم)

عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ ،

که بر محمد و آل محمد درود بفرستی، واقعتاً آن است که من ایشان را شفیع خود ساخته‌ام

وَقَدَّمْتُهُمْ أُمَامِي وَبَسِينَ يَدَي حَوَائِجِي ، وَأَنْ

و آنان را پیشاپیش خود و پیشاپیش حوائجم به درگاه تو آورده‌ام، تا خواسته‌هایم را برآورده سازی، و

تُوَزِعَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ ، فِي التَّوْفِيقِ لِمَعْرِفَتِهِ ،

(از تو می‌خواهم) سپاسگاری نعمت خودت را نصیبم کنی؛ در اینکه مرا به شناخت آن حضرت توفیق داده

وَالْهِدَايَةِ إِلَى طَاعَتِهِ ، وَتَزِيدَنِي قُوَّةً فِي التَّمَسُّكِ

و به فرمان‌بری از او رهنمون گشته‌ای، و نیرویم را برای جنگ زدن

بِعِصْمَتِهِ وَالْإِقْتِدَاءِ بِسُنَّتِهِ ، وَالْكَوْنِ فِي زُمْرَتِهِ ،

به نگهبانی ویژهٔ او و پیروی از روش‌های او، و بودن جزو همراهان و یارانش فرونی بخشی.

إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱.  
 راستی که تو شنوای دعا هستی، به خاطر مهربانیت، ای مهربان‌ترین مهربانان.



دعای حضرت صاحب الأمر عجل الله عجل الله تعالی فرجه

سید بزرگوار، علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» این دعا را از جمله دعاهاى امام زمان ارواحنا فداء نقل کرده است:

إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَجَاكَ، وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي السَّبْرِ  
 خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق هر کسی که با تو نجوا کرده است، و به حق هر کسی که در

وَالْبَحْرِ، تَفَضَّلْ عَلَيَّ قُرَّاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ  
 خشکی و دریا تو را خوانده است؛ که نسبت به مردان و زنان فقیر مؤمن لطف کنی و

بِالْغِنَاءِ وَالشَّرْوَةِ، وَعَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ  
 توان‌گری و دارایی را روزی‌شان گردانی؛ به مردان و زنان مریض مؤمن،

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصَّحَّةِ، وَعَلَى أَحْيَاءِ  
 شفا و سلامتی ارزانی بداری؛ و به مردان و زنان مؤمن که در قید

۱. مفتاح الفلاح: ۴۹۸، المصباح: ۱۹۴ (با اندکی تفاوت).

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَمِ، وَعَلَى  
 حیات هستند نیکی و بزرگواریت را مرحمت کنی؛

أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ،  
 و به مردگان مؤمن - اعم از زن و مرد - آمرزش و رحمت (گسترده‌ات) را ببخشی؛

وَعَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى  
 و غریبان مؤمن را - اعم از زن و مرد - در کمال

أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ. ۱.  
 سلامتی و بهره‌مندی، به وطن‌هاشان بازگردانی؛ به واسطه حضرت محمد و آل او.



دعای سهم اللیل، از امام زمان ارواحنا فداء

این دعا از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه روایت شده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزَائِكَ تَعَزُّوهُ عِزَّتِكَ،  
 خدایا! همانا از تو درخواست می‌کنم به واسطه عزتمندی راستین و عزت‌بخشت؛

بِطَوْلِ حَوْلِ شَدِيدِ قُوَّتِكَ، بِقُدْرَةِ مِقْدَارِ اقْتِدَارِ  
 به واسطه توانایی نیروی بزرگ قدرتت؛ به واسطه توان اندازه‌های توانایی قدرتت؛

۱. مهج الدعوات: ۳۵۲.



۳۵۰

منتخب صحیفهٔ مهدیه

**قُدْرَتِكَ** ، **بِتَأْكِيْدِ تَحْمِيْدِ تَمْجِيْدِ عَظَمَتِكَ** ، **بِسْمُوِّ**

به واسطهٔ بزرگیت که بسی جای سپاس و شکوهمندی حقیقی دارد؛ به واسطهٔ رفعت

**تُمُوِّ عُلُوِّ رَفْعَتِكَ** ، **بِسَدِيْمُوْمِ قَسِيْمِ دَوَامِ مُدَّتِكَ** ،

و والایت که بسی والا و بلندمرتبه است؛ به واسطهٔ دائمی‌بودنت که مَدَنت بسی پایدار و استوار است؛

**بِرِضْوَانِ غَفْرَانِ اَمَانِ رَحْمَتِكَ** ، **بِرَفِيْعِ بَدِيْعِ مَنِيْعِ**

به واسطهٔ خشنودی آموزش که اَمِنِت رحمتت را به همراه می‌آورد؛ به واسطهٔ پادشاهی نوآور و استوارت که بسیار

**سَلْطَنَتِكَ** ، **بِسُعَاةِ صَلَاةِ بِسَاطِ رَحْمَتِكَ** ، **بِحَقَائِقِ**

والامرتبه است و با همه متفاوت و از همه بهتر است؛ به واسطهٔ گسترهٔ رحمت تو به کوشندگان نماز؛ به واسطهٔ

**الْحَقِّ مِّنْ حَقِّ حَقِّكَ** ، **بِمَكْنُونِ السِّرِّ مِّنْ سِرِّ سِرِّكَ** ،

حقیقت حق تو که داری حقایقی راستین است؛ به واسطهٔ آن بخش از راز و رمز ویزات که آن را نیز در برده‌ر از

**بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِّنْ عِزِّ عِزِّكَ** ، **بِحَنِيْنِ اَنْبِيْنِ تَسْكِيْنِ**

نهاده‌ای؛ به واسطهٔ آن بخش از عزّت و اقتدارت که پایه‌های عزّت توست؛ به واسطهٔ تاله‌های پنهانی و شکوه‌های

**الْمُرِيْدِيْنَ** ، **بِحِرَقَاتِ خَضَعَاتِ زَفَرَاتِ الْخَائِفِيْنَ** ،

ارادتمندان؛ به واسطهٔ آه‌های آتشین و فروتنانهٔ کسانی که از تو می‌ترسند؛

**بِاَمَالِ اَعْمَالِ اَقْوَالِ الْمُجْتَهِدِيْنَ** ، **بِتَخَشُّعِ تَخَضُّعِ**

به واسطهٔ آرزوها ،کارها ،گفتار کوشش‌کنندگان؛ به واسطهٔ خشوع و خضوع شکیبایان که در

دعای سهم اللیل…

**تَقَطُّعِ مَرَازَاتِ الصَّابِرِيْنَ** ، **بِتَعَبُّدِ تَهَجُّدِ تَمْجِدِ تَجَلُّدِ**

هنگام تلخی‌ها از خود نشان می‌دهند؛ به واسطهٔ عبادت‌ها، شیزنده‌اری‌ها و ثنا و ستایش‌گویی‌ها و نشاط

**الْعَايِدِيْنَ** . **اَللّٰهُمَّ ذَهَلَتِ الْعُقُوْلُ** ، **وَاَنْحَسَرَتِ**

کسانی که به عبادت و پرستش تو مشغول‌اند؛ خدای من؛ عقل‌ها و خردها از کار افتادند، و چشم‌ها ناتوان

**الْاَبْصَارُ** ، **وَضَاعَتِ الْاَفْهَامُ** ، **وَحَارَتِ الْاَوْهَامُ** ،

شدند، و فهم و درک‌ها تپاه شده و به نابودی گرایید، و خیال‌ها و اندیشه‌های ژرف‌نگر سرگردان

**وَقَصُرَتِ الْخَوَاطِرُ** ، **وَبَعَدَتِ الظُّنُوْنُ عَنْ اِدْرَاكِ كُنْهِ**

شدند، و خاطر‌ها نتوانستند ادامهٔ راه را بروند، و گمان‌ها در دوردست‌ها ناکام ماندند؛ ولی هیچ یک

**كَيْفِيَّةِ مَا ظَهَرَ مِنْ بَوَادِي عَجَائِبِ اَصْنَافِ بَدَائِعِ**

نتوانستند به طور کامل این را دریابند که شگفتی‌های آغازین و نوآوری‌های گوناگون

**قُدْرَتِكَ** ، **دُوْنَ الْبُلُوْعِ اِلَى مَعْرِفَةِ تَلَا لُوْ لَمَعَانِ بُرُوْقِ**

قدرت چگونه است؟ و نتوانستند به این شناخت دست یابند که چگونه آسمان تو به نورافشایی و درخشندگی

**سَمَائِكَ** . **اَللّٰهُمَّ مُحَرِّكَ الْحَرَكَاتِ** ، **وَمُبْدِيَّ نِسْهَائِيَّةِ**

برق خود می‌پردازد. بار اله‌ا، ای جنبانندهٔ جنبنده‌ها، ای آغازگر پایان

**الْغَايَاتِ** ، **وَمُخْرِجِ يَنْبِيْعِ تَفْرِيعِ قُضْبَانِ النَّبَاتِ** ، **يَا**

مقصودها، ای کسی که چشمه‌ها ساقه‌های گیاهان را بیرون می‌آورد؛ ای

مَنْ شَقَّ صَمَّ جَلَامِيدِ الصُّخُورِ الرَّاسِيَاتِ، وَأَنْبَعَ مِنْهَا

کسی که سنگ‌های سخت و به زمین چسبیده را شکافت و از آن‌ها

ماءٍ مَعِيناً حَيَاةً لِّلْمَخْلُوقَاتِ، فَأَخْيِي مِنْهَا الْحَيَوَانَ

آبی گوارا که باعث زندگانی آفریدگان است بیرون آورد و از آن آب نیز حیوان‌ها

وَالنَّبَاتِ، وَعَلِمَ مَا اخْتَلَجَ فِي سِرِّ أَفْكَارِهِمْ مِنْ نَطْقِ

و گیاهان را زندگی بخشید؛ و آن چه را در اندیشه‌های پنهان‌شان - همانند برق - می‌گذرد آگاهی

إِشَارَاتِ حَقِيقَاتِ لُغَاتِ النَّمْلِ السَّارِحَاتِ . يَا مَنْ

دارد، چنان که از گفتاری که مورچگان با اشاره‌های رمزی (به عنوان لغت و زبان) دارند آگاه است؛ ای کسی

سَبَّحَتْ وَهَلَّلَتْ وَقَدَّسَتْ وَكَبَّرَتْ وَسَجَدَتْ لِجَلَالِ

که فرشتگان هفت آسمان برای شکوه زیبایی گفتارهای بزرگ‌مرتبه عزت

جَمَالِ أَقْوَالِ عَظِيمِ عَزَّةِ جِبْرُوتِ مَلَكُوتِ سُلْطَنِيهِ

جبروت پادشاهی استوارش، زبان به تسبیح و تهلیل و تقدیس

مَلَائِكَةِ السَّبْعِ السَّمَاوَاتِ، يَا مَنْ دَارَتْ فَأَضَاءَتْ

و تکبیر گشوده‌اند و به سجده افتاده‌اند؛ ای کسی که

وَأَنَارَتْ لِدَوَامِ دَيْمُومِيهِ النَّجُومِ الزَّاهِرَاتِ،

ستارگان پرتوافشان، در برابر دایمی بودن راستین او به چرخش درآمده‌اند و به نورافشایی

دعای دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

وَأَحْصَى عَدَدَ الْأَحْيَاءِ وَالْأَمْوَاتِ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

پرداخته‌اند؛ ای کسی که تعداد زندگان و مردگان را می‌داند و به شماره درآورده است؛ بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ خَيْرِ الْبَرِيَّاتِ، وَأَفْعَلُ بِي كَذَا وَكَذَا .

و آل محمد - که بهترین مردم هستند - درود بی‌بایانت را نثار فرما؛ و این کار را برای من انجام بده.

و به جای «کذا و کذا» حاجات خود را مسألت می‌کنی. ۱



دعای دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

این دعای شریف نیز از وجود مبارک حضرت صاحب الزمان

ارواحا فداء روایت شده است:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ، وَصِدْقَ

یا‌الله! توفیق فرمان‌برداری از خودت را روزیمان گردان؛ و(نیز، توفیق) دوری از گناه و نافرمانی، نیت

النِّيَّةِ، وَعِرْفَانَ الْحَرَمَةِ، وَأَكْرَمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ،

درست و راستین، شناخت حریم ممنوعه خود را نصیب ما بفرما، و ما را با هدایت و پایداری گرامی بدار.

وَسَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ، وَأَمَلًا قُلُوبَنَا

و زبان‌های ما را با سخنان درست و حکیمانه، استوار گردان.. و دل‌های ما را

بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ، وَطَهَّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ،

از علم و معرفت پر کن؛ و شکم‌های ما را از حرام و شبهه‌ناک پاک گردان؛

وَكَفِّفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرْفَةِ وَأَعْضُضْ أَبْصَارَنَا

و دستان ما را از ستم و دزدی باز بدار؛ و چشمان‌مان را

عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ، وَاسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ

از خیانت و تبه‌کاری فرو ببند؛ و دروازهٔ گوش‌های ما را بر شنیدن مطالب بیهوده

وَالْغَيْبَةِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عِلْمَانِنَا بِالزُّهْدِ وَالتَّصِيحَةِ،

و غیبت ببند. و به عالمان ما زهد و خیرخواهی مرحمت کن؛

وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّعْبَةِ، وَعَلَى الْمُسْتَمِعِينَ

و به‌دانش‌پژوهان تلاش، کوشش و اشتیاق کرم کن؛ و شنوندگان را

بِالِاتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ، وَعَلَى مَرَضَى الْمُسْلِمِينَ

موفق به پیروی و پندپذیری بگردان، و به بیماران مسلمان

بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ،

شفا و راحتی از بیماری عنایت فرما؛ و مسلمانانی را که از دنیا رفته‌اند با آغوش رأفت و مهربانی خاض

وَعَلَى مَشَايخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، وَعَلَى

خودت بنیذیر؛ و پیران ما را دارای وقار و متانت و آرامش کن؛

دعای دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

الشُّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَعَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ

جوانان‌مان را موفق به توبه و بازگشت به درگاهت ساز؛ و به زنان حیا

وَالْعِفَّةِ، وَعَلَى الْأَعْيَانِ بِالتَّوَّاضِعِ وَالسَّعَةِ، وَعَلَى

و پاکدامنی مرحمت فرما؛ و ثروت‌مندان ما را متواضع و دست ودل باز گردان؛ و

الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ، وَعَلَى الْعُزْرَةِ بِالنَّصْرِ

فقیران ما را موفق کن تا شکیبایی و قناعت را پیشه کنند؛ و جنگجویان ما را به پیروزی

وَالْعَلْبَةِ، وَعَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْخَلَاصِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى

و چیرگی برسان؛ و اسیران ما را به رهایی و راحتی از دست دشمن نایل کن؛ و

الْأَمْزَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّقَقَةِ، وَعَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِنْصَافِ

فرمان‌فرمایان ما را دادگر و دل‌سوز گردان؛ و رعیت را نیز دارای انصاف

وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَبِسَارِكِ لِلسُّجَّاجِ وَالرُّؤَارِ فِي

و خوش‌رفتاری گردان؛ و زاد و توشهٔ حاجیان و زائران را بابرکت گردان،

الرُّادِ وَالتَّنْقَةِ، وَأَقْضِ مَا أُوجِبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ

و موفق‌شان کن تا حج و عمره‌ای را که بر آنان واجب نموده‌ای به درستی به انجام برسانند

وَالْعُمْرَةِ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱.

همهٔ این‌ها را به خاطر لطف و احسان و مهربانیت بر ما ارزانی دار، ای مهربان‌ترین مهربانان.

<sup>[1]</sup> البلد الأمين: ۴۸۰، المصباح: ۳۷۴



### دعای «یا نور النور»

#### از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

این دعای شریف را مرحوم کفعمی در کتاب «المصباح» از مولایمان امام زمان ارواحنا فداء نقل شده است:

**يَا نُورَ النُّورِ ، يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي**

ای روشنیبخش روشنی‌ها؛ ای تدبیرکننده کارها؛ ای کسی که تمام مردگان درون

**الْقُبُورِ ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاجْعَلْ لِي**

قبرها را برمی‌انگیزی؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست، و گشایشی برای من.

**وَلِشِبَعَتِي مِنَ الضَّبَقِ فَرَجًا ، وَمِنْ أَلْهَمٍ مَخْرَجًا ،**

و پیروان من فراهم کن تا از این تنگنا رها شوم، و از اندوه‌ها به درآیم؛

**وَأَوْسِعْ لَنَا الْمَنْهَجَ ، وَأَطْلِقْ لَنَا مِنْ عِنْدِكَ مَا يُفْرَجُ ،**

و مسیر و راه ما را وسیع گردان، و از نزد خودت به گونه‌ای برای ما رهایی مقرر کن که گشایشی در تمام امورمان

**وَأَفْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمُ .<sup>۱</sup>**

حاصل شود؛ و آن گونه که تو سزاوارش هستی - ای بزرگوار؛ - با ما رفتار کن.

۱. المصباح: ۴۰۷، جتات الخلود: ۴۱، ضیاء الصالحین: ۵۲۳.

در روایت است که:

هر کس این دعا را همیشه بخواند، با امام عصر صلوات الله علیه محشور خواهد شد.<sup>۱</sup>



### دعای دیگر برای رفع مشکلات

#### از امام زمان ارواحنا فداء

این دعای شریف برای رفع مشکلات، در کتاب «قصص الأنبياء» از مولایمان امام زمان ارواحنا فداء نقل شده است:

**يَا مَنْ إِذَا تَضَايَقَتِ الْأُمُورُ فَتَحَ لَنَا بَابًا لَمْ تَذْهَبْ إِلَيْهِ**

ای کسی که وقتی کارها بر ما تنگ آید دری را به روی ما می‌گشاید که به خیال و اندیشه هیچ کس

**الْأَوْهَامُ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَافْتَحْ لِي**

نرسیده باشد؛ بنابراین، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و دری فراروی

**الْمُتَضَايِقَةَ بَابًا لَمْ يَذْهَبْ إِلَيْهِ وَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .<sup>۲</sup>**

کارهای گره‌خورده و بسته‌شده‌ام بگشایی که هیچ ذهنی بدان نرسیده باشد، ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱. منتخب الأثر: ۵۲۱.

۲. قصص الأنبياء: ۳۶۳.

در کتاب «التحفة الرضویة» آورده است:

علامه پرهیزگار جناب سید حسن فرزند سید علی آقا شیرازی، این دعا را برایم روایت کرد و گفت که: از امام زمان عجل الله تعالی فرجه روایت شده است.

این کلام را بعضی از بزرگان مورد اعتماد از ایشان نقل کرده‌اند.

وی گفت: برای برطرف شدن مشکلات و نیز دست‌یابی به خواسته‌ها و آرزوها، پس از نمازهای پنجگانه -و نیز در دیگر حالات- باید خوانده شود، و آن دعا این است:

**يَا مَنْ إِذَا تَضَايَقَتِ الْأُمُورُ فَتَحَ لَهَا بَاباً لَمْ تَذْهَبِ إِلَيْهِ**

ای کسی که وقتی کارها بر ما تنگ آید دری را به روی آن می‌گشاید که به خیال و اندیشه هیچ کس

الْأَوْهَامُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ لِي أُمُورِي

ترسیده باشد؛ بنابراین، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و دری فراوی

الْمُتَضَايِقَةَ بَاباً لَمْ يَذْهَبِ إِلَيْهِ وَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . ۱

کارهای گره‌خورده و بسته شده‌ام بگشایی که هیچ ذهنی بدان نرسیده باشد، ای مهربان‌ترین مهربانان.



### دعای مهمه دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای برآورده شدن حاجت‌ها

سید علی خان در کتاب شریف «الکلم الطیب» می‌گوید:

این دعای ارزشمندی است از امام زمان صلوات الله علیه برای کسی که چیزی از او ضایع گشته یا حاجتی دارد؛ لذا شخصی که خواسته یا مشکل مهمتی دارد باید این دعا را بسیار بخواند:

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

به نام خداوند بخشنده مهربان

**أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُبْدِيُ الْخَلْقِ وَمُعِيدُهُمْ**

تو آن خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ آغازگر و بازگرداننده آفریدگان هستی.

**وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ،**

و تویی آن خدایی که جز تو معبودی نیست، تدبیرکننده کارها هستی،

**وَبَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا**

و هر که را در قبرهاست برمی‌انگیزی؛ تو همان خدای یکتایی هستی که جز تو معبودی نیست؛

**أَنْتَ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ، وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا**

تنگ‌گیرنده و گستراننده هستی؛ و تو آن خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛

أَنْتَ ، وَارِثُ الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا . أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

و وارث زمین و ساکنان آن هستی. از تو درخواست می‌کنم به واسطه نامت که هرگاه

الَّذِي إِذَا دُعِبْتَ بِهِ أَجِبْتَ ، وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ ،

بدان خوانده شدی پاسخ دادی، و هرگاه بدان وسیله از تو درخواست شده عطا کردی؛

وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي

و به حق محمد و اهل بیت او از تو درخواست می‌کنم؛ و به واسطه حقی که

أَوْجَبْتَهُ عَلَيَّ نَفْسِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

برای ایشان بر خود واجب ساختهای از تو درخواست می‌کنم تا بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي ، السَّاعَةَ السَّاعَةَ ،

محمد درود بفرستی و حاجتم را برآورده سازی؛ همین ساعت، همین ساعت

يَا سَيِّدَاهُ ، يَا مَوْلَاهُ ، يَا غِيَاثَاهُ ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ

ای آقای من؛ ای مولای من؛ ای فریادرس من؛ از تو می‌خواهم به واسطه تمامی نام‌هایی

سَمَّيْتَهُ بِهِ نَفْسَكَ ، وَاسْتَأْثَرْتُ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ

که خویشتن را بدان نامیده‌ای، و آن را در دانش پنهانیت نزد خود نگه داشته‌ای؛

عِنْدَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ

که بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و در

تُعَجِّلَ خَلَاصَنَا مِنْ هَذِهِ الشَّدَّةِ ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ

رهایی ما از این گرفتاری و سختی، شتاب کنی. ای دگرگون‌کننده دل‌ها

وَالْأَبْصَارِ ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ

و چشم‌ها؛ ای شنوای دعا؛ به راستی که تو بر هر چیزی

قَدِيرٌ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . ۱

توانا هستی؛ به واسطه رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.



دعای امام عصر عجل الله تعالی فرجه

برای شفاء از بیماری‌ها

محدث نوری علیه السلام می‌فرماید: «شیخ بزرگوار جناب کفعمی علیه السلام در

کتاب «البلد الامین» از حضرت مهدی صلوات الله علیه روایت می‌کند:

کسی که این دعا را با تربت امام حسین علیه السلام در ظرف نو بنویسد، و

آن را بشوید و بنوشد، از بیماریش رهایی می‌یابد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، بِسْمِ اللَّهِ دَوَاءً ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

به نام خداوند بخشنده مهربان، گفتن «بسم الله» دواست؛ و «الحمد لله»

شِفَاءٌ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كِفَاءً، هُوَ الشَّافِي شِفَاءً، وَهُوَ

شفاست؛ و «لا اله الا الله» موجب کفایت است؛ و «هو الشافي» شفا است و «هو

الکافي» کفایت است؛ تو را به پروردگار مردم سوگند می‌دهم که بدی را دور گردانی و شفایی بدهی

الکافی» کفایت است؛ تو را به پروردگار مردم سوگند می‌دهم که بدی را دور گردانی و شفایی بدهی

لَا يُعَادِرُهُ سَقَمٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ النَّجَبَاءِ . ۱

که هیچ بیماری در پی آن نباشد. و درود پیوسته خداوند بر محمد و آل نجیبش نثار باد.



### دعای دیگری از امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای رهایی از سختی‌ها و مشکلات

در کتاب «الکلم الطیب» آورده است که: دستخطی از یکی از دوستان بزرگوار و صالح و مورد اعتماد و ثابت قدم خود - که جزو سادات نیز هست - مشاهده کردم که چنین نوشته بود:

در ماه رجب سال یکهزار و نود و سه، برادر دینی و دوست بسیار دوست داشتنی، دانشمند اهل عمل، دارای مراحل کمال انسانی، و صفات الهی، امیر اسماعیل بن حسین بیک بن علی بن سلیمان

جابری انصاری برایم گفت: از شیخ نیکوکار و پرهیزگار و اهل احتیاط در رفتار، جناب حاج شیخ علی مکی شنیدم که فرمود:

من به شدت دچار گرفتاری و مشکلات شدم و دشمنانم نیز پیوسته حقوق مرا پایمال می‌کردند، تا جایی که ترسیدم جانم را نیز از کف بدهم و کشته شوم. در همین اوضاع داعی را دیدم که داخل جیبم بود - در حالی که کسی آن را به من نداده بود -.

از این جریان در شگفت شدم و پیوسته حیران بودم تا آن که در عالم خواب شخصی را در قیافه صالحان و زاهدان دیدم که به من گفت: آن دعا را، ما به تو دادیم؛ آن را بخوان که از گرفتاری و مشکلات رهایی یابی، و برایم روشن نشد که گوینده آن کیست؟ و این جریان بر شگفتی و حیرتم افزود؛ تا آن که امام عصر ارواحنا فداه را در خواب دیدم که به من فرمود:

دعایی را که به تو عطا کردم بخوان، و به هر کسی که می‌خواهی بیاموز.

من بارها آن دعا را تجربه کردم و هر بار گشایشی سریع در کارم مشاهده کردم تا آن که آن را برای مدتی گم کردم و پیوسته تأسف می‌خوردم و از رفتار بد خویش استغفار می‌کردم؛ تا این که شخصی نزد من آمد و گفت: این دعا در فلان جایز تو افتاده است.

البته من به خاطر نداشتم که آنجا رفته باشم، ولی به هر حال آن

را پیدا کردم و برداشتم و سجدهٔ شکر الهی به جای آوردم.

و دعا این است:

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

**رَبِّ أَسْأَلُكَ مَدَدًا رُوحَانِيًّا تَقْوَى بِهِ قَوَايِ الْكَلْبِيَّةُ**

بار پروردگارا! مدد و کمک روحانی از تو درخواست می‌کنم که نیروهای کلبی

**وَالْجُرِّيَّةُ ، حَتَّى أَقْهَرَ بِمَبَادِي نَفْسِي كُلَّ نَفْسٍ**

و نیز جزئی مرا با آن تقویت و نیرومندگردانی؛ تا این که بتوانم با امکانات خویشتن هر کسی هر چه

**فَاهِرَةٌ، فَتَنْبِضُ لِي إِشَارَةً دَقَائِقِهَا ، انْقِبَاضًا تَسْقُطُ**

توانمند باشد شکست بدهم؛ به گونه‌ای که دقیق‌ترین و حساس‌ترین حرکتهای او در اختیارم

**بِهِ قُوِيهَا ، حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْكَوْنِ ذُو رُوحٍ إِلَّا وَنَارُ**

قرار گیرد و بدین سان نیروهای او از کار بیفتند. تا جایی که هیچ موجود دارای روحی در هستی

**قَهْرِي قَدْ أَحْرَقَتْ ظُهُورَهُ . يَا شَدِيدُ ، يَا شَدِيدُ ، يَا**

نیابند، جز آن که آتش قهر من نمود او را بسوزاند. ای سخت‌گیر؛ ای سخت‌گیر؛ ای

**ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ ، يَا قَاهِرُ يَا قَهَّارُ ، أَسْأَلُكَ بِمَا**

صاحب سخت‌گیری شدیده ای دارای سلطه؛ ای دارای غلبه و چیرگی فراوان؛ به واسطهٔ آن‌نام‌های

دعای دیگری از امام زمان عجل الله تعالی فرجه ...

**أَوْدَعْتَهُ عِزُّ رَائِلٍ مِنْ أَسْمَائِكَ الْقَهْرِيَّةِ ، فَأَنْفَعَلْتَ لَهُ**

قهری که به عزرائیل سپرده‌ای و تمام جان‌ها خواه ناخواه تحت تأثیر قهر و غلبهٔ او هستند، از تو درخواست

**النَّفْسُ بِالْقَهْرِ ، أَنْ تُودِعَنِي هَذَا السَّرِّ فِي هَذِهِ**

می‌کنم تا در همین ساعت از زندگانیم آن راز (که به عزرائیل سپرده‌ای) را به من نیز عنایت فرمایی؛

**السَّاعَةِ ، حَتَّى الْيَنِّ بِهِ كُلَّ صَعْبٍ ، وَأُدَلِّلَ بِهِ كُلَّ**

تا در نتیجه هر سخت دشواری را نرم کنم، و هر نیرومندی را خوار و در اختیار قرار دهم؛

**مَنْبِيعٍ ، بِقُوَّتِكَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ .**

به کمک نیرویت، ای دارای نیروی استوار.

این دعا هنگام سحر - در صورت امکان - سه مرتبه ، و هنگام صبح

سه مرتبه ، و در شب نیز سه مرتبه خوانده شود.

البته اگر مشکلات خوانندهٔ این دعا بسیار سخت و غیر قابل

تحمل است پس از قرائت دعا ، سی مرتبه این دعا را نیز بخواند:

**يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، أَسْأَلُكَ**

ای بخشنده؛ ای مهربان حقیقی؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛ از تو

**اللُّطْفَ بِمَا جَرَّتْ بِهِ الْمَقَادِيرُ .<sup>۱</sup>**

لطف را نسبت به آنچه جاری گشته به آن مقدرات تقاضا دارم.

<sup>[1]</sup> الکلم الطیب: ۱۰، جنه الماوی: ۲۲۵، دار السلام: ۲۸۸/۱





### حرز امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات»، و کفعمی رحمه الله در «البلد الامین» حرز مولایمان امام زمان ارواحنا فداء را چنین نقل کرده‌اند:

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

به نام خداوند بخشنده مهربان

**يَا مَالِكَ الرَّقَابِ ، وَهَازِمَ الْأَحْزَابِ ، يَا مُفْتِحَ**

ای صاحب اختیار همگان؛ ای شکست دهنده حزب‌های متحد شده؛ ای گشاینده

**الْأَبْوَابِ ، يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ ، سَبِّبْ لَنَا سَبَبًا**

درها؛ ای سبب‌ساز حقیقی تمام سببها؛ سببی برای ما بساز که

**لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَبًا ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ**

توان دست‌یابی و جستجویش را نداریم؛ به حق کلمه شهادتین؛ لا اله الا الله، محمد رسول

**اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ .<sup>۱</sup>**

الله؛ که صلوات و درودهای الهی پیوسته بر او و تمام آل او نثار باد.

۱. مهج الدعوات: ۶۴، المصباح: ۴۰۷.



### دعای شیعه

#### در هنگام خروج حضرت قائم ارواحنا فداء

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

اگر می‌خواهی از غرق شدن و آتش‌سوزی و سرقت در امان باشی،

در هنگام صبح بگو:

**بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ ، لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللَّهُ ، بِسْمِ**

به نام خدا هر چه خدا بخواند، همان خواهد شد؛ جز خدا کسی نمی‌تواند بدی‌ها را برطرف و دور کند. به نام

**اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ ، لَا يَسُوقُ الْخَيْرَ إِلَّا اللَّهُ ، بِسْمِ اللَّهِ مَا**

خدا؛ هر چه خدا بخواند، همان خواهد شد؛ جز خدا کسی نمی‌تواند خیر و خوبی را بکشد. به نام خدا؛ هر چه

**شَاءَ اللَّهُ ، مَا يَكُونُ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ**

خدا بخواند، همان می‌شود؛ هر نعمتی که وجود داشته باشد از خداست. به نام خدا؛ هر چه خدا بخواند

**اللَّهُ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، بِسْمِ اللَّهِ**

همان خواهد شد؛ هر نیرو و جنبشی، تنها به واسطه خدای بلندمرتبه بزرگوار خواهد بود. به نام خدا؛

**مَا شَاءَ اللَّهُ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ .**

هر چه خدا بخواند، همان خواهد شد؛ و خدا بر محمد و آل بسیار پاکش درود بفرستد.

هر کس این دعا را در بامداد هر روز، سه مرتبه بخواند، از غرق شدن و آتش‌سوزی و سرقت در امان خواهد بود تا آن گاه که شب فرا رسد؛ و اگر آن را شامگاهان سه بار بخواند، تا صبح از این بلاها در امان است.

خضر و الیاس علیهما السلام هر ساله یکدیگر را در مراسم حج ملاقات می‌کنند، و هنگام خداحافظی با خواندن این دعا از یکدیگر جدا می‌شوند.

این، شعار شیعیان من است، و در زمان قیام حضرت قائم ارواحنا فداء نیز دوستان و دشمنانم با این عبارات از یکدیگر شناخته و جدا می‌شوند.<sup>۱</sup>



### صلوات بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَأَبِيهَا ...)

یکی از صلوات‌های مجزّب و مؤثّر در گرفتن حاجت، صلوات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است به این گونه که پانصد و سی مرتبه

۱. مکالم المکارم: ۱۹۳/۱.

بگوید:

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَأَبِيهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا**

خداوندا! درود فرست بر فاطمه و پدر بزرگوارش و همسر گرامیش و فرزندان عزیزش

**[وَالسِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا] بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ .**

(و به آن رازی که در وجود او به ودیعه نهادی) به تعداد آنچه دانش تو بر آن احاطه دارد.

این ختم در کتب قدیمه دعا ذکر نشده و از زمان شیخ اعظم انصاری رحمته الله در میان زبان‌ها افتاده و معروف شده است.

ما به خاطر دو جهت این صلوات را نقل نمودیم:

۱ = اگرچه این صلوات در کتب قدیمه وجود ندارد و از مرحوم شیخ انصاری شنیده شده ولی به خاطر ارتباطی که آن بزرگوار با حضرت بقیة الله ارواحنا فداء داشته است به احتمال قوی این دعا از حضرت صاحب الامر ارواحنا فداء صادر شده است.

۲ = مقصود از «السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا» حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه می‌باشد.<sup>۱</sup>

۱. رجوع کنید به: «الصحيفة المباركة المهدية».



## فضیلت سوره‌های «مسبّحات»

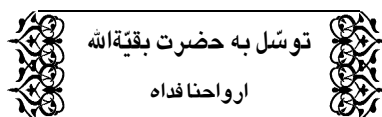
جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که:

هر که سوره‌های مسبّحه را پیش از خواب بخواند، پیش از مرگ، حضرت مهدی (صلوات الله علیه) را درک خواهد کرد، و اگر بمیرد نیز در همسایگی پیامبر خواهد بود.<sup>۱</sup>

مؤلف گوید: درباره «آیه الکرسی» و آیه شریفه «نور» و آیه «رَبِّ أَدْخِلْنِي» و آیات دیگر ختوماتی ذکر شده است که مناسب با این موضوع است، ولی از نقل آنها صرف نظر نمودیم. باید توجه داشته باشیم که عالی‌ترین راه برای تشرّف به محضر مقدّس حضرت بقیّه الله الأعظم ارواحنا فداه جلب توجه و رضایت کامل آن بزرگوار می‌باشد.

۱. نواب الأعمال: ۱۱۸.

## بخش هفتم



توسّل به حضرت بقیّه الله

ارواحنا فداه



## دعای توسّل

معروف به دعای توسّل خواجه نصیر علیه السلام

این دعا را سیّد بزرگوار، علی بن طاووس علیه السلام در «مهج الدعوات» نقل نموده است:<sup>۱</sup>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ

خداوندا؛ درود و سلام و افزونی و برکتت را بر پیامبر فرو فرست آن پیامبر آمی،

۱. بنا بر نقلی این دعا را امام زمان ارواحنا فداه به خواجه نصیرالدین طوسی علیه السلام در عالم رؤیا تعلیم نمودند. جریان آن را در «صحیفه مهدیه ص ۴۱۶» نقل نموده‌ایم.

العَرَبِيُّ الْهَاشِمِيُّ الْقُرَشِيُّ الْمَكِّيُّ الْمَدَنِيُّ الْأَبْطَحِيُّ

از مردم عرب از فرزندان هاشم، از قبیلهٔ قریش، از مکه و مدینه، پیامبر لطحنی

التَّهَامِيُّ، السَّيِّدُ الْبِهِيُّ، السَّرَّاجُ الْمُضِيءُ، الْكَوْكَبُ

و تهامی آن سید خوش‌سیما و چراغ درخشان و ستاره

الدُّرِيِّ، صَاحِبِ الْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، الْمَدْفُونِ

تابان، صاحب متانت و آرامش، مدفون

بِالْمَدِينَةِ، الْعَبْدِ الْمُؤَيَّدِ، وَالرَّسُولِ الْمُسَدَّدِ،

در شهر مدینه، بندهٔ تأییدشده (از خدا) و فرستادهٔ محکم و استوار شده،

الْمُصْطَفَى الْأَمَّجِدِ، الْمَحْمُودِ الْأَحْمَدِ، حَبِيبِ إِلَهٍ

آن برگزیدهٔ دارای شکوه و عظمت و پسندیدهٔ ستوده، مورد محبت خدای

الْعَالَمِينَ، وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَشَفِيعِ

جهانیان و آقای رسولان و پایان‌بخش پیامبران و شفاعت‌کنندهٔ

الْمُدْنِيِّينَ، وَرَحْمَةِ لِّلْعَالَمِينَ، أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ

کنه‌کاران و رحمت برای عالمیان، ابوالقاسم محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

درود خدا بر او و آل او باد. درود و سلام بی‌کران بر تو ای

أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ، يَا شَفِيعَ

با القاسم؛ ای رسول خدا؛ ای پیشوای رحمت؛ ای شفیع

الْأُمَّةِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا

آمت؛ و ای حجت خداوند بر تمام بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمَكَ

واسطهٔ تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جستیم و تو را در

بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا

دنیا و آخرت پیشاپیش حاجت‌های‌مان مقدم می‌داریم. ای آبرومند

عِنْدَ اللَّهِ، اِسْتَفْعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ

نزد خدا؛ برای ما، نزد خداوند شفاعت فرما. خداوندا؛ سلام و صلوات

وَبَارِكْ عَلَيَّ السَّيِّدِ الْمُطَهَّرِ، وَالْإِمَامِ الْمُظَفَّرِ،

و برکات فراوان را بر سید پاک‌سرشت و امام پیروز

وَالشُّجَاعِ الْغَضَنَفَرِ، أَبِي شُبَيْرِ وَشَبْرَ، قَاسِمِ طُوبَى

و شجاع دلیر، پدر شبیر و شبیر، قاسم قسمت‌کنندهٔ بهشت

وَسَقَرٍ، الْأَنْزَعِ الْبَطِينِ، الْأَشْجَعِ الْمَتِينِ، الْأَشْرَفِ

و دوزخ، بریده شده از شرک و سرشار از دانش، شجاع‌پیشهٔ بامتانت، شرافتمند،

الْمَكِينِ ، الْعَالِمِ الْمُبِينِ ، النَّاصِرِ الْمُعِينِ ، وَلِيِّ

صاحب جاه و منزلت، عالم آشکار و یار و مددکار (بیچارگان)، ولی و سرپرست

الدِّينِ ، الْوَالِيِ الْوَلِيِّ ، أَلْسَيِّدِ الرَّضِيِّ ، الْأَمَامِ

دین، حاکم و زمامدار دوست داشته‌شده و سید پسندیده؛ امام

الْوَصِيِّ ، الْحَاكِمِ بِالنَّصِّ الْجَلِيِّ ، الْمَخْلِصِ الصَّيِّيِّ ،

جانشین و پیشوای منصوب به نص آشکار، مخلص پاکیزه،

الْمَدْفُونِ بِالْغَرِيِّ ، لَيْثِ بَنِي غَالِبِ ، مَظْهَرِ الْعَجَائِبِ ،

دفن‌شده در سرزمین نجف، شیرى از تبار فرزندان همیشه غالب، مظهر و محل ظهور و بروز شگفتی‌ها

وَمُظْهَرِ الْغَرَائِبِ ، وَمُفَرَّقِ الْكُتَائِبِ ، وَالشَّهَابِ

و آشکارکننده شگفتی‌ها و غرایب، پراکنده کننده غارت‌گران، و شهاب

الثَّقَابِ ، وَالْهَزْبِ السَّالِبِ ، نَقْطَةِ دَائِرَةِ الْمَطَالِبِ ،

فروزان، شیر بیشه‌ای که از کافران همه چیز را می‌گیرد، نقطه برگرد دایره همه مقصدها،

أَسَدِ اللَّهِ الْغَالِبِ ، غَالِبِ كُلِّ غَالِبٍ ، وَمَطْلُوبِ كُلِّ

شیر همیشه پیروز خدا، چیره شونده بر هر چیره‌ای، و مطلوب هر

طَالِبٍ ، صَاحِبِ الْمَفَاخِرِ وَالْمَنَاقِبِ ، إِمَامِ الْمَشَارِقِ

جوینده، صاحب افتخارات و مناقب، امام و پیشوای مشرق

وَالْمَغَارِبِ ، مَوْلَانَا وَمَوْلَى الْكَوْنَيْنِ ، الْأَمَامِ أَبِي

و مغارب، مولا و آقای ما و مولای هر دو جهان، پیشوا پدر

الْحَسَنَيْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

حسنین، امیر مؤمنان، حضرت علی بن ابی طالب نازل فرما.

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا

درود خدا بر او باد. درود و سلام بر تو ای ابالحسن؛

الْحَسَنِ ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ،

ای امیر مومنان؛ ای علی بن ابی طالب؛

يَا أَخَ الرَّسُولِ ، يَا زَوْجَ الْبُتُولِ ، يَا أَبَا السَّبْطَيْنِ ، يَا

ای برادر رسول خدا و همسر زهراى بتول و پدر دو سبط رسول خدا؛ ای

حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، يَا سَيِّدَنَا يَا مَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا

حجت خدا بر بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

به درگاه الهی روى آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته‌ایم و تو را پیشاپیش

يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، يَا وَجْهًا عِنْدَ

حاجت‌های‌مان مقدم می‌داریم در دنیا و آخرت. ای ایرومند نزد

اللّٰهُ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ

خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت فرما. بار خدایا؛ سلام و درود و برکتت را

عَلَى السَّيِّدَةِ الْجَلِيلَةِ الْجَمِيلَةِ، الْمَعْصُومَةِ

بر ستیّدۀ بزرگوار نیکوسیرت نازل فرما؛ آن بانوی معصوم از گناه و خطا و

الْمُظْلُومَةِ، الْكَرِيمَةِ النَّبِيلَةِ، الْمَكْرُوبَةِ الْعَلِيلَةِ،

مورد ستم قرار گرفته، شریف و بزرگوار، غم و اندوه دیده که سختی‌ها و مصائب دنیا وجود

ذَاتِ الْأَحْزَانِ الطَّوْبِلَةِ فِي الْمُدَّةِ الْقَلِيلَةِ، الرَّضِيَّةِ

مقدسش را آزار داد و در اندک زمانی، طولانی‌ترین غصه‌ها و مصیبت‌ها را تحمل نمود، بانوی

الْحَلِيمَةِ، الْعَقِيقَةِ السَّلِيمَةِ، الْمَجْهُولَةِ قَدْرًا،

پسندیدهٔ بردبار و پاکدامن، صاحب قلب سلیم که قدر و مقامش ناشناخته

وَالْمَخْفِيَّةِ قَبْرًا، الْمَدْفُونَةِ سِرًّا، وَالْمَعْصُوبَةِ جَهْرًا،

و قبرش پنهان مانده و پنهانی مدفون گردید ولی آشکارا حقش غصب گردید،

سَيِّدَةِ النِّسَاءِ، الْأَنْسِيَّةِ الْحَوْزَاءِ، أُمِّ الْأَيْمَةِ النَّقْبَاءِ

سرور زنان و حوریه‌ای در قالب انسان، مادر امامان بزرگوار

النُّجَبَاءِ، بِنْتِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ،

و نیک نژادان، دختر بهترین پیامبران، پاک و پاکیزه،

الْبَتُولِ الْعُذْرَاءِ، فَاطِمَةَ التَّقِيَّةِ الرَّهْرَاءِ عَلَيْهَا

آن که از تعلّقات دنیوی بریده و به سوی معبودش روی آورد و چون مرورید ناسفته تالّو می‌نموده فاطمهٔ پرهیزگار

السَّلَامُ. الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ يَا

و ستارهٔ درخشان آسمان پیامبرکه درود و سلام بر او باد. صلوات و سلام بر تو و بر ذریّهٔ تو؛ ای

فَاطِمَةَ الرَّهْرَاءِ، يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، أَيَّتُهَا

فاطمهٔ زهرا؛ ای دخت گرامی حضرت محمدﷺ رسول خدا؛ ای

الْبَتُولُ، يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ، يَا بَضْعَةَ النَّبِيِّ، يَا أُمَّ

بتول؛ و ای نور چشم پیامبر؛ ای پارهٔ تن رسول خدا؛ و ای مادر

السَّبْطَيْنِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَتَنَا

دو سبط رسول خدا، ای حجّت خدا بر بندگانش؛ ای ستیّدۀ

وَمَوْلَاتِنَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ

و مولای ما؛ ما به واسطهٔ تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسّل

اللّٰهُ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

جسته‌ایم و تو را پیشاپیش حاجت‌های‌مان مقدّم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

و آخرت. ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْمُجْتَبَى،

خداوندا! بر سرور برگزیده، سلام صلوات و برکات خویش را نازل فرما؛ پیشوایی که امید

وَالْأَمَامِ الْمُزْتَجَى، سِبْطِ الْمُصْطَفَى، وَابْنِ

(کرم و رحمت) از درگاهش می‌رود، سبط پیامبر مصطفی و فرزند

الْمُرْتَضَى، عِلْمِ الْهُدَى، الْعَالِمِ الرَّفِيعِ، ذِي

علی مرتضی، پرچم هدایت و عالم بلندمرتبه و آن که دارای

الْحَسَبِ السَّمِيعِ، وَالْفَضْلِ الْجَمِيعِ، وَالشَّرَفِ

خسبی گرامی و ارجمند و جامع فضیلت‌ها و صاحب شرافت

الرَّفِيعِ، الشَّفِيعِ ابْنِ الشَّفِيعِ، الْمَقْتُولِ بِالسَّمِ النَّفِيعِ،

رفیع است، شفاعت‌کننده‌ای از زادگان شفاعت‌کننده، کشته شده با زهر کشنده،

الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ الْبَقِيعِ، الْعَالِمِ بِالْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ،

و مدفون در سرزمین بقیع، عالم و دانشمند نسبت به واجبات و مستحبات دین،

صَاحِبِ الْجُودِ وَالْمِنَنِ، كَاشِفِ الضَّرِّ وَالْبَلْوَى

صاحب بخشش و احسان، برطرف‌کننده بیچارگی‌ها و سختی‌ها

وَالْمِحَنِ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ، الَّذِي عَجَزَ عَنْ

و محنت‌ها، از آشکار و نهان، آن که

عَدَّ مَدَائِحِهِ لِسَانُ اللُّسَنِ، الْأَمَامِ بِالْحَقِّ الْمُؤْتَمَنِ،

زبان مادحان از شمارش خوبی‌هایش عاجز و ناتوان باشد، امام بر حق راستین،

أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ).

حضرت ابا محمد امام حسن (که درودها و سلام‌های خدا بر او باد).

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، يَا حَسَنَ بْنَ

درود و سلام بر تو ای ابا محمد؛ ای حسن بن

عَلِيِّ، أَيُّهَا الْمُجْتَبَى، يَا بَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بَيْنَ

علی؛ ای امام برگزیده؛ ای زاده رسول خدا؛ ای زاده

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ

امیر مؤمنان و فاطمه زهرا؛ ای حجت خداوند

عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، يَا سَيِّدَنَا

بر آفریدگانش، ای سرور جوانان اهل بهشت؛ ای آقا

وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيْ

و مولای ما، ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل

اللَّهُ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

جستهایم و تو را پیشاپیش حاجت‌های‌مان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةَ، يَا وَجِبَهَا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

و آخرت. ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خداوند شفاعت نما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الرَّاهِدِ،

خداوندا! سلام و صلوات و برکات خویش را بر آن سرور زهدپیشه

وَالْإِمَامِ الْعَاوِدِ، الرَّازِحِ السَّاجِدِ، وَلِيِّ الْمَلِكِ

و امام عبادت‌کننده فرو فرست او که همواره در رکوع و سجود بود، سرپرست از طرف خداوند

الْمَاجِدِ، وَقَتِيلِ الْكُافِرِ الْجَاحِدِ، زَيْنِ الْمَنَابِرِ

پادشاه صاحب‌اختیار باشکوه و عظمت و کشته‌شده توسط کافر عنادپیشه، زینت منبرها

وَالْمَسَاجِدِ، صَاحِبِ الْمِحْنَةِ وَالْكَرْبِ وَالْبَلَاءِ،

و مساجد، صاحب سختی و اندوه و بلا،

الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ كَرْبَلَاءَ، سِبْطِ رَسُولِ الثَّقَلَيْنِ،

دفن‌شده در سرزمین کربلا، سبط پیامبر جنّ و انس،

وَنُورِ الْعَيْنَيْنِ، مَوْلَانَا وَمَوْلَى الْكَوْنَيْنِ، الْإِمَامِ

و نور چشمان، مولای ما و مولای دو جهان، امام

بِالْحَقِّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ

بر حق حضرت ابا عبدالله الحسین - درودها و رحمت‌های خدای

عَلَيْهِ). الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، يَا

بر او باد - درود و سلام به محضر مقدس تو ای ابا عبدالله؛ ای

حُسَيْنَ بْنِ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بَنَ

حسین بن علی؛ ای شهید راه خدا و ای زاده پیامبر او؛ ای فرزند

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، يَا سَيِّدَ شَبَابِ

امیر مؤمنان و فاطمه زهرا. ای سرور جوانان

أَهْلِ الْجَنَّةِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا

اهل بهشت؛ و ای حجت خدا بر آفریدگانش؛ ای آقا

وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَيَّ

و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل

اللَّهُ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

جستهایم و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِبَهَا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

و آخرت. ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى أَبِي الْأَيِّمَةِ،

بار خدایا؛ درود و سلامت را بر پدر امامان



وَسِرَاجِ الْأُمَّةِ ، وَكَاشِفِ الْعُغْمَةِ ، وَمُحْيِي السُّنْتَةِ ،

وَجِرَاحِ أُمَّتِ اسْلَامٍ وَبِرْطَفِ كُنْدَةِ عَمِّ وَانْدَوِهِ وَاحْيَا كُنْدَةَ سُنَّتِ فَرُو فَرَسْتِ .

وَسَيِّئِ الْهَمَةِ ، وَرَفِيعِ الرُّتْبَةِ ، وَأَنْبَسِ الْكُرْبَةِ ،

أَنْ بَزْرُگَمَرْدِ بَلَدِ هَمْتِ وَ عَظِيمِ الشَّانِ كِه هَمَوَارِه بَا انْدَوِه فَرَاوَانِ هَمْدَمِ بُوَدِ

وَصَاحِبِ النَّدْبَةِ ، الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ طَيْبَةِ ، الْمَمْبَرَةِ

وَ نُوْحِه وَ نَالِه دَاشْتِ ، دَرِ زَمِينِ بِا كِيْزَه مَدِينِه مَدْفُونِ گِشْتِ وَ اَوْ

مِنْ كُلِّ شَيْئٍ ، وَأَفْضَلِ الْمُجَاهِدِينَ ، وَأَكْمَلِ

اَزِ هَرِ عَيْبِ وَ زَشْتِي بِه دُورِ بُوَدِ ، بَرْتَرِينِ مَجَاهِدَانِ وَ كَامَلْتَرِينِ

الشَّاكِرِينَ وَالْحَامِدِينَ ، شَمْسِ نَهَارِ الْمُسْتَغْفِرِينَ ،

شَكْرگَزَارَانِ وَ سَنَائِشگَرَانِ بُوَدِ ، خُورَشِيدِ تَابِنْدَه رُوزِهَائِ تُوْبِه كِنْدِگَانِ

وَقَمَرِ لَيْلَةِ الْمُتَهَجِّدِينَ ، الْأَمَامِ بِالْحَقِّ زَيْنِ

وَ مَاهِ فَرُوزَنْدَه شَبِهَائِ مَتَهَجِّدَانِ . بِبِشَوَائِ بِرِ حَقِّ وَ زِينَتِ

الْعَابِدِينَ ، أَبِي مُحَمَّدٍ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (صَلَوَاتُ

عِبَادَتِ كِنْدِگَانِ حَضَرْتِ اَبَا مُحَمَّدِ عَلِيِّ بْنِ حَسِينِ - دَرُودِهَا

اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمَا) . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

وَ سَلَامِهَائِ خُدَائِ بِرِ اَوْ بَادِ .- دَرُودِ وَ سَلَامِ بِبِي كِرَانِ خُدَاوَنْدِ بِر تُو بَادِ اِي

أَبَا مُحَمَّدٍ ، يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ، يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ ،

اَبَا مُحَمَّدِ اِي عَلِيِّ بْنِ حَسِينِ ؛ اِي زِينَتِ عِبَادَتِ كِنْدِگَانِ

أَيُّهَا السَّجَادُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ،

اِي بَسِيَارِ سَجْدَه كِنْدَه دَرِ دَرگِه خُدَاوَنْدِه اِي زَادَه بِبَا مِيرِ خُدَا ؛ اِي فَرِزَنْدِ اَمِيرِ مُؤْمِنَانِ ؛

يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا

اِي حُجَّتِ خُدَا بِرِ بِنْدِگَانِش ؛ اِي آقَا وَ مَوْلَائِ مَاهِ مَا بِه وَاسِطَه تُو بِه دَرگَاهِ الهِي رُوي

وَاسْتَشَفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

أُورْدِه وَ شَفَاعَتِ طَلْبِيدِه وَ تَوَسَّلِ جِسْتِهَائِمِ وَ تُو رَا بِبِشَائِيشِ

يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ

حَاجَتِهَائِ مَانِ مَقْدَمِ مِي دَارِيمِ دَرِ دُنْيَا وَ آخِرَتِ . اِي اَبْرُومَنْدِ نَزْدِ

اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . اَللّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ

خُدَا ، بِرَائِ مَانِ نَزْدِ خُدَاوَنْدِ شَفَاعَتِ نَمَا . خُدَاوَنْدَا ؛ سَلَامِ وَ رَحْمَتِ وَ بَرَكَاتِ رَا

عَلَى قَمَرِ الْأَقْمَارِ ، وَنُورِ الْأَنْوَارِ ، وَقَائِدِ الْأَخْبَارِ ،

بِرِ مَاهِ مَاهِرُويَانِ وَ رُوشَنِي بِخِشِ رُوشَنَائِي هَا وَ بِبِشِرُو نِيكُوكَارَانِ

وَسَيِّدِ الْأَبْرَارِ ، وَالطُّهْرِ الطَّاهِرِ ، وَالْبَدْرِ الْبَاهِرِ ،

وَ آقَائِ خُوبَانِ فَرُوزَسْتِ ، اَنْ بِا كِيْزِه سِرْشَتِ وَ مَاهِ شَبِ چِهَارْدِه فَرُوزَانِ

وَالنَّجْمِ الزَّاهِرِ، وَالْبَحْرِ الزَّاحِرِ، وَالدَّرِّ الْفَاحِرِ،

و ستاره درخشان، دریای بی‌کران (علم و دانش)، و دژ فاخر و گرانبها

الْمُلْتَقَبِ بِالْبَاقِرِ، أَلْسَيْدِ الْوَجِيهِ، الْأَمَامِ التَّسْبِيهِ،

و ملقب به باقر، آقای ابرومند و پیشوای شریف و آگاه،

الْمَدْفُونِ عِنْدَ جَدِّهِ وَأَبِيهِ، الْحَبْرِ الْمَلِيٍّ عِنْدَ الْعَدُوِّ

مدفون در نزد جدّ و پدرش، آن دانشمند سرشار از علم و دانش نزد دوست و دشمن،

وَالْوَلِيِّ، الْأَمَامِ بِالْحَقِّ الْأَزَلِيِّ، أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ

امام بر حق همیشگی حضرت ابا جعفر محمد بن

عَلِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

علی که بر هر دوی آن‌ها درود خدا باد. درود و رحمت خدا بر توای

أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بِنَ رَسُولِ

ابا جعفر! ای محمد بن علی؛ ای شکافنده علوم؛ و ای زاده رسول

الله، يَا بِنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا

خدا؛ و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ و ای

سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ

آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل

إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

جستایم و تو را پیشاپیش حاجت‌های‌مان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

و آخرت، ای ابرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الصَّادِقِ

خداونداه درود و رحمت فرست بر آقای راستگوی

الصَّادِقِ، الْعَالِمِ الْوَثِيقِ، الْحَلِيمِ الشَّفِيقِ، الْهَادِي

تصدیق کننده و دانشمند مورد اطمینان، بردبار دلسوز و هدایت‌کننده

إِلَى الطَّرِيقِ، أَلْسَاقِي شِبَعَتَهُ مِنَ الرَّحِيقِ، وَمُسْبَلِّغِ

به راه حق، او که شیعانش را از شراب طهور سیراب می‌سازد و

أَعْدَائِهِ إِلَى الْحَرِيقِ، ضَاحِبِ الشَّرَفِ الرَّفِيعِ،

دشمنانش را به آتش جهنم سرازیر می‌نماید. صاحب شرافتی بلند

وَالْحَسَبِ الْمَنِيعِ، وَالْفَضْلِ الْجَمِيعِ، الشَّفِيعِ ابْنِ

و حسی برجسته و فضل و دانش جامع، آن که خود و پدرش هر دو

الشَّفِيعِ، الْمَدْفُونِ بِالْبَقِيعِ، الْمُهَذَّبِ الْمُؤَيَّدِ، الْأَمَامِ

شفاعت‌کننده‌اند، او که در بقیع مدفون است، آن تهذیب‌شده تأییدگشته، پیشوای

الْمُجَدِّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ (صَلَوَاتُ اللَّهِ

عظیم الشان، حضرت ابا عبدالله جعفر بن محمد - درودها و سلام خدا

وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ). الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ

بِرِ او باد - . درود و سلام بر تو ای ابا عبدالله؛

اللَّهِ، يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، أَيُّهَا الصَّادِقُ يَا بْنَ رَسُولِ

ای جعفر بن محمد؛ ای صادق راستگو و ای زاده پیامبر؛

اللَّهِ، يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا

و ای فرزند امیر مؤمنان؛ و حجت خدا بر بندگانش؛ ای

سَيِّدُنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ

آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل

إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

جستهایم و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

و آخرت، ای آبرومند در درگاه خدا، برای ما نزد خداوند شفاعت فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْكَرِيمِ،

بار خدایا؛ درود و رحمت و برکت خویش را بر سید بخشنده

وَالْأَمَامِ الْحَلِيمِ، وَسَمِيِّ الْكَلِيمِ، الصَّابِرِ الْكَبِيمِ،

و پیشوای بردبار، همنام موسی کلیم، شکیبایی که خشمش را فرو می‌برد.

فَائِدِ الْجَيْشِ، الْمَدْفُونِ بِمَقَابِرِ قُرَيْشِ، ضَاحِبِ

فرمانده گروه شیعه فرو فرست، او که در مقبره‌های قریش مدفون گشت، دارای

الشَّرَفِ الْأَنْوَرِ، وَالْمَجْدِ الْأَظْهَرِ، وَالْجَبِينِ الْأَطْهَرِ

شرف نورانی و شکوه و عظمت آشکار و جبین و پیشانی پاکیزه

[الْأَزْهَرِ خ]، الْأَمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي إِبْرَاهِيمِ مُوسَى بْنِ

(درخشان)، پیشوای بر حق حضرت ابا ابراهیم موسی بن

جَعْفَرَ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ). الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

جعفر - درودها و سلام خدا بر او باد - . درود و رحمت خدا

عَلَيْكَ يَا أَبَا إِبْرَاهِيمِ، يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ، أَيُّهَا

بر تو ای ابا ابراهیم؛ ای موسی بن جعفر؛ ای

الْكَاطِمِ، وَأَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ،

امام کاظم؛ ای بنده شایسته خدا؛ ای زاده رسول خدا؛

يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا

و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای

سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ

آقا و مولای ما؛ ما به واسطهٔ تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل

إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

جستهایم و تو را پیشاپیش حاجت‌های‌مان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

و آخرت، ای آبرومند در درگاه خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت نما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْمَعْصُومِ،

بار خدایا؛ درود و رحمت و برکت خود را فرو فرست بر آن سرور معصوم

وَالْإِمَامِ الْمَظْلُومِ، وَالشَّهِيدِ الْمَسْمُومِ، وَالْغَرِيبِ

و امام ستم‌دیده و شهید مسموم و غریب

الْمَغْمُومِ، وَالْقَتِيلِ الْمَخْرُومِ، عَالِمِ عِلْمِ الْمَكْتُومِ،

غم‌دیده، کشته‌شده‌ای که محروم (از حق خود) گشت، او که به علم غیب و نهان آگاه بود،

بَدْرِ النُّجُومِ، شَمْسِ الشُّمُوسِ، وَأَنْبَسِ النَّفُوسِ،

ماه ستارگان و خورشید خورشیدها و همدم جان‌ها،

الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ طُوسِ، الرَّضِيِّ الْمُرْتَضَى،

دفن‌شده در سرزمین طوس، آن که همگان از او خوشنود و راضی بودند،

الْمُرْتَجَى الْمُجْتَبَى، الْأَمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ

برگزیده‌ای که همگان به لطفش چشم امید دوخته بودند، پیشوای بر حق حضرت ابالحسن علی

ابنِ مُوسَى الرِّضَا (صَلَّوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ).

ابن موسی الرضا (که درودها و سلام خدا بر او باد).

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ، يَا عَلِيَّ بْنَ

سلام و رحمت خدای بر تو ای ابالحسن؛ ای علی بن

مُوسَى الرِّضَا، يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

موسی الرضا؛ ای زاده پیامبر خدا و ای فرزند امیر مؤمنان؛

يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا

ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطهٔ تو به درگاه الهی روی آورده

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

و شفاعت طلبیده و توسل جست‌هایم و تو را پیشاپیش

يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِهًا عِنْدَ

حاجت‌های‌مان مقدم می‌داریم در دنیا و آخرت، ای آبرومند نزد

اللَّهُ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ

خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت فرما. بار خدایا؛ درود و سلام

وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْعَادِلِ الْعَالِمِ ، الْعَامِلِ الْكَامِلِ ،

و برکاتت را بر سرور دادگر دانشمند فرو فرست، آن عامل به کمال رسیده

الْفَاضِلِ الْبَازِلِ ، الْأَجْوَدِ الْجَوَادِ ، الْعَارِفِ بِأَسْرَارِ

و دارای فضل و بخشنده، بخشنده‌ترین بخشش‌کننده، عارف به اسرار

الْمُبْدِءِ وَالْمَعَادِ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ، مَنَاصِ السُّمَّحِبِينَ

مبدأ و معاد (آغاز و فرجام عالم) و او که برای قوم، هادی و راهنما بود و پناهگاه دوستدارانش

يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ ، الْمَذْكُورِ فِي الْهِدَايَةِ وَالْأَرْشَادِ ،

در روز محشر، و آن که در راه راهنمایی و ارشاد امت، راهبر است

الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ بَغْدَادَ ، أَلْسَيِّدِ الْعَرَبِيِّ ، وَالْإِمَامِ

و در بغداد مدفون گشت. آن سید عرب نژاد و پیشوای

الْأَحْمَدِيِّ ، وَالنُّورِ الْمُحَمَّدِيِّ ، الْمَلْقَبِ بِالتَّقِيِّ ،

احمدی‌نسب، و نور محمدی که به «تقی» (باتقوا و پرهیزکار) ملقب شد،

الْإِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ

امام بر حق حضرت ابا جعفر محمد بن علی - بر او

السَّلَامُ . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ ، يَا

سلام باد.. درود و سلام بر تو ای ابا جعفر؛ ای

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا النَّبِيُّ الْجَوَادُ ، يَا بِنَّ رَسُولِ

محمد بن علی؛ ای تقوایسته بخشنده؛ ای زاده رسول

اللَّهِ ، يَا بِنَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، يَا

خدا و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای

سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ

آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل

إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

جسته‌ایم و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

و آخرت، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خداوند شفاعت فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَرِدْ وَبَارِكْ عَلَى الْأِمَامِينَ

خداوندا؛ درود و رحمت و برکات خود را بر دو امام

الْهُمَامِينَ ، أَلْسَيِّدَيْنِ السَّنَدَيْنِ ، الْفَاضِلَيْنِ

بزرگوار نازل فرما. بر دو آقا و پشتیبان امت، بر دو فاضل

الْكَامِلَيْنِ ، الْبَازِلَيْنِ الْعَادِلَيْنِ ، الْعَالَمِينَ الْعَامِلِينَ ،

کامل و بخشنده عادل، دو دانشمند عمل‌کننده،

الْأَوْرَعَيْنِ الْأَطْهَرَيْنِ، الثَّوْرَيْنِ النَّسِيرَيْنِ،

و دو پرهیزکارتر پاک‌تر، دو نور درخشنده

وَالشَّمْسَيْنِ الْقَمَرَيْنِ، الْكَوْكَبَيْنِ الْأَسْعَدَيْنِ،

و دو خورشید تابنده و دو ماه (هدایت) و دو ستاره سعادت‌بخش،

وَارِثِي الْمَشْعَرَيْنِ، وَأَهْلِي الْحَرَمَيْنِ، كَهْفِي النَّقِيِّ،

دو وارث مشعر و مبنی و دو اهل مکه و مدینه و دو استوانه نقوا

عَوْنِي الْوَرَى، بَدْرِي الدُّجَى، طَوْدِي النَّهْيِ،

و دو فریادرس مردم و دو ماه درخشنده تاریکی‌ها و دو کوه عقل و خرد،

عَلَمِي الْهُدَى، الْمَدْفُونَيْنِ بِسَرِّ مَنْ رَأَى، كَاشِفِي

و دو بیرق هدایت، آن بزرگوارانی که در سَرِّ من رأی (سامرا) دفن گشتند، آنانی که

الْبَلْوَى وَالْمِحْنَ، صَاحِبِي الْجُودِ وَالْمِنَنِ، الْأَمَامَيْنِ

بلا و محنت‌ها را برطرف می‌کنند و بر امت، جود و احسان دارند. دو امام

بِالْحَقِّ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ وَأَبِي

بر حق ابوالحسن علی بن محمد نقی (پاکیزه) و ابا

مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمَا).

محمد حسن (دروها و سلام خدا بر هر دوی آنان باد).

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا يَا أَبَا الْحَسَنِ وَيَا أَبَا

درد و سلام بر شما ای ابا الحسن؛ و ای ابا

مُحَمَّدٍ، وَيَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَيَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ،

محمد؛ ای علی بن محمد؛ و ای حسن بن علی؛

أَيُّهَا النَّبِيُّ الْهَادِي وَأَيُّهَا الرَّكِي الْعَسْكَرِيُّ، يَا بَنِي

ای امام پاک خاصل هدایتگر؛ و ای امام رکی عسکری؛ (پاکیزه‌سرشت همیشه محصور)

رَسُولِ اللَّهِ، يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّتِي اللَّهُ

ای زادگان رسول خدا و ای فرزندان امیر مؤمنان؛ ای حجت‌های خداوند

عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، يَا سَيِّدَيْنَا وَمَوْلَيْنَا إِنَّا

بر بندگانش؛ و ای دو سرور و مولای ما؛

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكُمْ إِلَى اللَّهِ،

ما به واسطه شما به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته‌ایم

وَقَدَّمْنَا كَمَا بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

و شما را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم، در دنیا و در آخرت،

يَا وَجِيهَيْنِ عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعَا لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اَللَّهُمَّ صَلِّ

ای آبرومندان نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت کنید. خدای من؛

وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَيَّ صَاحِبِ الدَّعْوَةِ النَّبَوِيَّةِ،

سلام و صلوات و برکات خویش را فرو فرست بر صاحب دعوت نبوی

وَالصَّوْلَةَ الْحَيْدَرِيَّةَ، وَالْعِصْمَةَ الْفَاطِمِيَّةَ، وَالْحِلْمَ

و دلبری حیدری و عصمت فاطمی و بردباری

الْحَسَنِيَّةَ، وَالشُّجَاعَةَ الْحُسَيْنِيَّةَ، وَالْعِبَادَةَ

حسنی و شجاعت حسینی و عبادت و بندگی

السَّجَّادِيَّةَ، وَالْمَآثِرَ الْبَاقِرِيَّةَ، وَالْآثَارَ الْجَعْفَرِيَّةَ،

سجادی و آثار بجای مانده باقری، و آثار جعفری

وَالْعُلُومَ الْكَاطِمِيَّةَ، وَالْحُجَجَ الرَّضَوِيَّةَ، وَالْجُودَ

و دانش‌های کاظمی و حجّت‌های رضوی و بخشنندگی

التَّقْوِيَّةَ، وَالتَّقَاوَةَ النَّقْوِيَّةَ، وَالْهَيْبَةَ الْعَسْكَرِيَّةَ،

تقوی و پاکیزگی نقوی و هیبت عسکری

وَالْغَيْبَةَ الْإِلَهِيَّةَ، الْقَائِمَ بِالْحَقِّ، وَالِدَّاعِيَ إِلَيَّ

و غیبت الهی، آن قیام‌کننده بر حق و فراخواننده به

الصِّدْقِ الْمَطْلُوقِ، كَلِمَةِ اللَّهِ وَأَمَانِ اللَّهِ وَحُجَّةِ اللَّهِ،

راستی مطلق، کلمه خدا و امان خدا و حجّت خدا،

الْغَالِبِ بِأَمْرِ اللَّهِ، وَالذَّابِّ عَن حَرَمِ اللَّهِ، إِمَامِ السِّرِّ

ظفرمند با امر خدا و حمایت‌کننده از حرم خدا، پیشوای اشک

وَالْعَلَنِ، دَافِعِ الْكَرْبِ وَالْمِحَنِ، صَاحِبِ الْجُودِ

و نهان، دورکننده اندوه و محنت، دارای بخشنندگی

وَالْمِنَنِ، الْأَمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ

و احسان، پیشوای بر حق حضرت ابا القاسم محمد بن

الْحَسَنِ، صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ، وَخَلِيفَةَ

حسن، صاحب عصر و زمان، و جانشین

الرَّحْمَانِ، وَإِمَامِ الْإِنْسِ وَالْجَانِّ (صَلَوَاتُ اللَّهِ

خدای رحمان و پیشوای انسان‌ها و پریان، درودها

وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ). الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ

و سلام خدا بر او (اد). درود و رحمت بر تو ای وصی

الْحَسَنِ، وَالْخَلْفَ الصَّالِحِ، يَا إِمَامَ زَمَانِنَا، الْقَائِمَ

امام حسن؛ ای جانشین شایسته و ای امام زمان ما، قیام‌کننده

الْمُنْتَظَرَ الْمَهْدِيِّ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَسَوَّجَّهْنَا

هدایت شده‌ای که مورد انتظار همگان است. ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به

وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ

درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته‌ایم و

يَدَيَّ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ ،

در دنیا و آخرت تو را پیشاپیش حاجت‌های‌مان مقدّم می‌داریم. ای ابرومند نزد خدا؛

إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . حاجت‌ها را از خداوند بخواهید

برای ما نزد خدا شفاعت فرما.

و سپس دست‌ها را بلند نموده بگویند: **يَا سَادَتِي وَمَوَالِيَّ ،**

ای عزیزانی که سرور و ملالار من هستید؛

إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ ، أَنْتُمْ أَنْيَّتِي وَعُدَّتِي لِيَوْمٍ فَقْرِي

من به شما رو آوردم که شما پیشوایان من هستید و شما سرمایهٔ من در روز فقر

وَفَاقَتِي وَحَاجَتِي إِلَى اللَّهِ ، وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ ،

و بیچارگی، و نیازم نزد خداوند هستید و به وسیلهٔ شما به خداوند توسّل جسته

وَبِحُبِّكُمْ وَيَقْرِبُكُمْ أَرْجُو النَّجَاةَ مِنَ اللَّهِ ، فَكُونُوا

و با دوستی و تقرب به شما نجات را از درگاه خدا امید دارم. پس

عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى رَجَائِي ، يَا سَادَاتِي يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ

نزد خدای بلندمرتبه امید من باشید. ای سروران من؛ ای دوستان خدا؛

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ . اللَّهُمَّ إِنَّ هَوْلَاءِ أَسْمَتُنَا

درود خدا بر همگی شما باد. بار خدایا، همانا اینان، امامان

وَسَادَتُنَا وَقَادَتُنَا وَكُبْرَانُنَا وَشُقَعَاءُنَا ، بِهِمْ أَتَوَلَّى

و سروران و فرماندهان و بزرگان و شفعیان ما هستند، به ایشان ارادت و دوستی دارم

وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّءُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . اللَّهُمَّ وَالِ

و از دشمنان‌شان بی‌زاری می‌جویم در دنیا و آخرت. خداوندا؛

مَنْ وَالِأَهِمُّ ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمْ ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ ،

آنکه آنان را دوست بدارد دوست بدار و آنکه دشمن بدارد دشمن بدار، کسی را که به آنها یاری رساند، یاری

وَأَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ ، وَالْعَنْ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُمْ ،

کن و کسی که ترک یاری ایشان نمود خوار و ذلیل فرما، و از رحمت خویش دور بدار هر آن که به آنان ستم

وَعَجَلْ فَرَجَهُمْ ، وَأَهْلِكْ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ

نماید، و در فرج آنان تعجیل فرما، و دشمن ایشان را نابود فرما، چه از جنّ باشد و چه از انسان،

مِنَ الْأَوْلِيَيْنَ وَالْآخِرِينَ ، آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ .

چه از دوران‌های سابق باشد و چه از دوران‌های بعد از آن. ای پروردگار عالمیان؛ این دعا را اجابت فرما.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا فِي الدُّنْيَا زِيَارَتَهُمْ ، وَفِي الْآخِرَةِ

خداوندا؛ در دنیا زیارت آنان و در آخرت شفاعت‌شان را نصیب ما بفرما،



سَفَاعَتَهُمْ ، وَاحْشُرْنَا مَعَهُمْ وَفِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ

و ما را با آنان محصور کن، و در گروه آنان و در زیر

لِوَاثِهِمْ ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي

پرچم آنان قرارمان ده. و بین ما و آنان، لحظه‌ای (چشم بهم‌زدنی) جدایی می‌فکن

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .<sup>۱</sup>

نه در دنیا و نه در آخرت، به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان.



### دعای توسل به حضرت بقیة الله

عجل الله تعالی فرجه

در کتاب «قیس المصباح» دعای مختصری (برای توسل به

مولایمان صاحب الزمان ارواحنا فداه) نقل شده که عبارت است از:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ صَاحِبِ

خداوندا؛ از تو درخواست می‌کنم به حق ولی و حجّت، صاحب

الزَّمانِ إِلَّا أَعَنْتَنِي بِهِ عَلَى جَمِيعِ أُمُورِي، وَكَفَيْتَنِي

زمان، این که به واسطه آن حضرت، مرا در همه کارهایم یاری رسانی و به وسیله او

۱. مهج الدعوات: ۴۲۵.

بِهِ مَوْوَنَةً كُلِّ مُؤَدِّ وَطَاعٍ وَبَاغٍ ، وَأَعَنْتَنِي بِهِ ، فَقَدْ

مرا از شرّ هر طغیانگر و ستمگر و آزاررسانی در امان بداری و کمکم کنی. به راستی که

بَلَغَ مَجْهُودِي ، وَكَفَيْتَنِي كُلَّ عَدُوٍّ وَهَمٍّ [وَعَمٍّ]

ناتوان گشته و جلم به لب رسیده، و از هر دشمن و (غم و اندوهی) و مشکلات

وَدَيْنٍ ، وَوُلْدِي وَجَمِيعِ أَهْلِي وَإِخْوَانِي ، وَمَنْ

و فرضی، کفایت کنی مرا و فرزندانم و همه اهل و برادرانم را، و هر کس

يُعْنِينِي أَمْرُهُ وَخَاصَّتِي ، آمِسِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .<sup>۱</sup>

کار او به من مربوط می‌شود و نیز خاصان مرا، این دعا را بپذیر ای پروردگار جهانیان.

در کتاب «جنات الخلود» می‌فرماید:

فتح و پیروزی بر دشمنان در جنگ‌ها و غیر آن، و نیز ادای

قرض‌ها، بستگی به توسل به حضرت مهدی ارواحنا فداه به این طریق

دارد.<sup>۲</sup> سپس این دعا را نقل نموده است.

۱. نجم الثاقب: ۷۳۱.

۲. جنات الخلود: ۴۰.



توسل به حضرت بقیة الله عجل الله عجل الله تعالی فرجه  
در مشکلات (یا فارس الحجاز)

روایت شده است که:

هر مؤمنی که امری از امور دنیوی یا آخروی بر او دشوار گردد، به صحرا رود و این دعا را هفتاد مرتبه بخواند، یاری حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه به او می‌رسد:

یا فارسَ الحِجَازِ اَدْرِکْنِی ، یا اَبَا صَالِحِ السَّمْعَدِیِّ  
ای اسب سوار حجاز؛ مرا دریاب، ای ابی‌صالح المهدی؛  
اَدْرِکْنِی ، یا اَبَا الْقَاسِمِ اَدْرِکْنِی اَدْرِکْنِی وَلَا تَدَعْنِی ،  
مرا دریاب، ای ابی‌القاسم؛ مرا دریاب، مرا دریاب، و مرا رها نکن

فَاتِّی عَاجِزٌ ذَلِیلٌ ۱

که همانا من درمانده‌ای ناتوان و خوار هستم.



توسل دیگر به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه  
(یا صاحب الزمان)

روایت شده است که:

هر که را شدت و مصیبتی برسد هفتاد بار بگوید:

یا اَللهُ یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ یا فاطِمَةُ یا صَاحِبَ الزَّمانِ ،  
ای خدا، ای محمد، ای علی، ای فاطمه، ای صاحب الزمان.

اَدْرِکْنِی وَلَا تُهْلِكْنِی . ۱

مرا دریاب و هلاکم نکن.



توسل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه

در کتاب «التحفة الرضویة» آمده است: بعد از نوافله مغرب صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام بفرست، سپس هفتاد مرتبه بگو:

يَا اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا فَاطِمَةُ يَا حَسَنُ يَا حُسَيْنُ،

ای خدا، ای محمد، ای علی، ای فاطمه، ای حسن، ای حسین؛

يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، أَذْرِكُنِي يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ .

ای صاحب الزمان؛ مرا دریاب ای صاحب الزمان؛

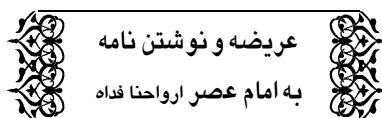
سپس صد مرتبه دیگر صلوات بفرست و آن گاه حاجت خود را طلب کن.

صاحب کتاب «التحفة الرضویة» در ادامه می نویسد:

سید علامه، حضرت والد فرموده است: این دعا برای برطرف شدن مشکلات و سختی های مهم تجربه شده است.<sup>۱</sup>

۱. التحفة الرضویة: ۱۵۰.

### بخش هشتم



نوشتن نامه حاجت به محضر سرور ارجمندمان حضرت مهدی ارواحنا فداه، یکی از توسل ها و استغاثه های مؤثر است و اثر عجیبی در برآوردن حاجت ها دارد؛ زیرا، مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه - چنان که در روایات نیز بیان شده است - نسبت به دوستانش بسیار محبت دارد و مهربان است. این جانب، بارها به محضر مقدس آن حضرت نامه نوشته و نتیجه های عجیبی دیده ام.



### کیفیت نوشتن نامه

به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه

عباراتی را که در پی می آید در کاغذی نوشته و آن را بر روی قبر یکی از امامان علیهم السلام می افکنی.

یا آن را بسته و مهر کن و در میان گل پاکی که ساخته ای قرار ده؛

۴۰۴ منتخب صحیفهٔ مهدیه

سپس آن را در جوی آب یا چاهی عمیق یا برکهٔ آبی بینداز که نامه به محضر مقدّس امام عصر ارواحنا فداء خواهد رسید و آن حضرت، خودش عهده‌دار برآوردن خواسته‌ات می‌گردد.

کیفیت نوشتن نامه بدین صورت است:

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**  
به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

**كَتَبْتُ يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ مُسْتَعِظًا ،**

ای مولای من .که درود خدا پر تو باد .به پیشگاه مقدّست می‌نویسم در حالی‌که تو را به فریاد می‌طلبم

**وَشَكَوْتُ مَا نَزَلَ بِي مُسْتَجِيرًا بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ، ثُمَّ**  
و به تو از مشکلی که برلم پیش آمده شکوه و شکایت می‌نمایم در حالی که به خداوند و تو پناه آورده‌ام.

**بِكَ مِنْ أَمْرِ قَدْ دَهَمَنِي ، وَأَشْغَلَ قَلْبِي ، وَأَطَالَ**  
از مصیبتی که تحملش برای من مشکل است و قلبم را به خود واداشته است، و اندیشه‌ام در

**فِكْرِي ، وَسَلَبَنِي بَعْضَ لُبِّي ، وَغَيَّرَ خَطْبَرَ نِعْمَةِ اللَّهِ**  
موردش به درازا کشیده است، و مقداری از عقل و خرد مرا زایل گردانده، و نعمت ارزشمندی را که خدا به من داده است

**عِنْدِي ، أَسْلَمَنِي عِنْدَ تَخَيُّلِ وُرُودِهِ الْخَلِيلُ ، وَتَبَرَّأَ**

دگرگون ساخته است هنگام گمان ورود این مشکل، دوست صمیمی من، مرا با گذاشت، و خوشاوند صمیمی من نیز

کیفیت نوشتن نامه ...

۴۰۵

**مَنِّي عِنْدَ تَرَائِي إِقْبَالِهِ إِلَيَّ الْحَمِيمُ ، وَعَجَزَتْ عَنِّ**

دقتی متوجه شد این مشکل در راه است از من بیزاری جست .چاره‌جویی‌های من در مقابله با این گرفتاری راه به جایی

**دِفَاعِهِ حِيلَتِي ، وَخَانَنِي فِي تَحْمُلِهِ صَبْرِي وَقُوَّتِي .**

نبرده است، و بردباری و نیروی من قادر به تحمل آن نیست و به وظیفهٔ خود عمل نکرده است. بدین‌سان،

**فَلَجَأْتُ فِيهِ إِلَيْكَ ، وَتَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْأَلَةِ لِلَّهِ جَلَّ**

چاره‌ای ندیدم جز آنکه به سرعت به استان مقدّست پناه آورم، و برای درخواست از خداوند .که ستایش شکوهمند، از آن

**تَنَآؤُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ فِي دِفَاعِهِ عَنِّي ، عَلِمًا بِمَكَانِكَ**

اوست . به خداوند و همچنین به حضرت توکل کردم تا این گرفتاری را از من دور کنبد. این گفتارهای من، از لروی

**مِنَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَلِيَّ التَّدْبِيرِ وَمَالِكِ الْأُمُورِ ،**

بی‌دقتی نیست بلکه) علم دارم به جایگاه با عظمت تو نزد خداوندی که پروردگار جهانیان است، صاحب تدبیر و مالک

**وَأَتَقَأْ بِكَ فِي الْمُسَارَعَةِ فِي الشَّفَاعَةِ إِلَيْهِ جَلَّ تَنَآؤُهُ**

همهٔ امور است در این حالات روحانی به تو اطمینان دارم و امیدوارم که برای شفاعت نزد خداوند . که ستایش او

**فِي أَمْرِي ، مُتَبَيِّنًا لِإِجَابَتِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِيَّاكَ**

شکوهمند باد . در مورد انجام کارهای مربوطه به من شتاب می‌کنی؟ و از سویی نیز یقین و اعتقاد دارم که خداوند، که

**بِإِعْطَائِي سُؤْلِي . وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ جَدِيرٌ بِسَتْحَقِيقِ**

مرتبه‌اش والا و مبارک است .درخواست تو را با برآورده‌کردن درخواست من اجابت می‌فرماید ای سرور و سالار من!

**ظَنَّنِي وَتَصَدِّقْ أَمَلِي فَبِكَ فِي أَمْرِ كَذَا وَكَذَا** (در این

خدوت نیز آن قدر بزرگوار و سزاوار هستی که مطمئن هستم گمانم را محقق می‌سازی و آرزویم را به واقعیت پیوند

قسمت حاجت نوشته شود)، **فِيمَا لَا طَاقَةَ لِي بِحَمَلِهِ** ،

می‌دهی؛ در مورد این کارها ـ که برایم سخت شده است و دیگر طاقت تحمّل آنها را ندارم، و شکیبم در این موارد تمام

**وَلَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ** ، **وَإِنْ كُنْتُ مُسْتَجِئاً لَهُ وَلَا ضَعْفِهِ**

شده است؛ البته به خوبی می‌دانم که همهٔ این مشکلات، حتی من است و سزاوار چند برایش نیز هستم؛ چرا که کارهای

**بِقَبِيحِ أَفْعَالِي وَتَفْرِيطِي فِي السَّوْأِحْبَاتِ الَّتِي لِلَّهِ**

زشت من، و کوتاهی و کندی در انجام واجباتی که برای خداوند ـ شکوهمند بزرگ ـ است نتیجه‌ای جز این مشکلات

**عَزَّوَجَلَّ** ، **فَأَعِثْنِي يَا مَوْلَايَ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْكَ عِنْدَ**

در بر نخواهد داشت. ای سرور و آقای من! که درود خداوند نثارت باد! یا این همه، در این دل‌سوختگی و اندوه به

**اللَّهْفِ** ، **وَقَدِّمِ الْمَسْأَلَةَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي أَمْرِي** ، **قَبِلْ**

فریادم برس ، و در پیشگاه الهی درخواست انجام کارهای من و برطرف‌شدن مشکلم را تقدیم کن، و زودتر این کار را انجام

**حُلُولِ التَّلَفِ** ، **وَسَمَاتِةِ الأَعْدَاءِ** ، **فَبِكَ بُسِطَتِ النِّعْمَةُ**

بده؛ پیش از آنکه تلفاتی به بار آید، و دشمنان به مسخرگی و شماتت من بپردازند؛ زیرا، تنها به خاطر توست که این

**عَلَيَّ** ، **وَاسْأَلِ اللهُ جَلَّ جَلالُهُ لِي نَصْراً عَزِيزاً** ، **وَفَتَحاً**

همه نعمت بر من گسترده شده است، نیز، از خداوند ـ شکوهمند ـ درخواست کن که یاری بزرگ و ارزشمند، و فتح

**قَرِيباً** ، **فِيهِ بُلُوغُ الأَمالِ** ، **وَخَيْرُ المَبادِي** ، **وَخَوَاتِبِهِمُ**

و پیروزی نزدیک و سریع خود را نصیب من فرماید؛ به گونه‌ای که به آرزوهایم برسم و آغاز و پایان

**الأَعْمالِ** ، **وَالأَمْنُ مِنَ المَخاوِفِ كُلِّها فِي كُلِّ حالٍ** ،

کارها نیز به نیکی باشد؛ و در هر حال از تمام ترسناک‌ها در امان باشم. اعتقادم بر این است که

**إِنَّهُ جَلَّ ثَناءُهُ لِمَا يَشاءُ فَعْمالٍ** ، **وَهُوَ حَسِبي وَنِعَمَ**

خداوند ـ که ستایشش شکوهمند باد ـ هر چه بخواهد به طور کامل انجام می‌دهد؛ و کفایتگر من و

**الوَکیلُ فِي المَبَدَءِ وَالْمالِ** .

وکیل نیگوی من نیز در دنیا و آخرت ، تنها خداست .

پس از آماده شدن نامه، به طرف جوی آب یا برکه (یا چاه) می‌روی و یکی از چهار نایب خاص حضرت بقیة الله ارواحنا فداه یعنی : جناب عثمان بن سعید، پسرش محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی، و علی بن محمد سمری <sup>رضی اللہ عنہم</sup> (که راه‌های دستیابی و واسطهٔ ما به آن حضرت هستند) را انتخاب می‌کنی و با این عبارات او را صدا زده و می‌گویی :

**يا فُلانَ بْنَ فُلانٍ** ، **سَلامٌ عَلَيْكَ** ، **أشْهَدُ أَنَّ وَفاتَكَ فِي**

ای (فلان فرزند فلان)؛ سلام و درود بر تو. گواهی می‌دهم که درگذشت تو در

**سَببِ اللهِ** ، **وَأَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ اللهِ مَرزُوقٌ** ، **وَقَدْ خَاطَبْتُكَ**

راه خدا بوده، و اینک تو نزد خداوند زنده هستی و روزی خاص او را دریافت می‌کنی. و بدین‌سان،

فِي حَيَاتِكَ الَّتِي لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، وَهَذِهِ رُقْعَتِي

من در حیاتی که نزد خدا داری تو را مخاطب قرار می‌دهم، و این نامه و عریضه و درخواست

وَحَاجَّتِي إِلَى مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَسَلِّمْهَا إِلَيْهِ،

حاجت من به سرورمان حضرت مهدی علیه السلام است، پس آن را به حضرتش تسلیم کن.

فَأَنْتَ الثَّقَةُ الْأَمِينُ.

به راستی که تو مورد اطمینان و امانت‌دار هستی.

آن گاه نامه را در جوی آب یا درون چاه یا برکه بینداز که به خواست خداوند، خواسته‌ات برآورده خواهد شد.<sup>۱</sup>

ناگفته نماند: علامه مجلسی رحمته الله پس از این عبارت افزوده است: در این حالات روحانی، در اندیشه‌ات این گونه باشد که نامه را به دست آن حضرت تسلیم کرده‌ای؛ زیرا، نامه به دست مبارکش می‌رسد و به خواست خدا، حاجت و خواسته برآورده می‌شود.<sup>۲</sup>

محدث نوری رحمته الله فرموده است: از این روایت شریف استفاده می‌شود که این چهار بزرگوار، که در زمان غیبت صغری و اولیة امام

۱. المصباح: ۵۳۱، البلد الامین: ۲۲۷، منهاج العارفين: ۴۴۸.

۲. بحار الأنوار: ۳۰/۹۴.

زمان ارواحنا فداه به عنوان واسطه بین امام و شیعیانش بودند و خواسته‌ها و نامه‌ها را عرضه می‌داشتند و پاسخ‌ها و نامه‌های آن امام عزیز را نیز به صاحبانش می‌رساندند؛ در زمان غیبت طولانی و کبرای امام زمان ارواحنا فداه نیز در رکاب گرامی و ارزشمند آن حضرت هستند و این مقام (واسطه بودن) را هنوز در اختیار دارند. و نیز از این روایت شریف برمی‌آید که سفره احسان، بخشش، بزرگواری، کرم، لطف و نعمت امام زمان ارواحنا فداه در سراسر کره زمین برای هر پریشان ناتوان، و نیز برای هر گمگشته سرگردان و هر حیرت‌زده نا آگاه و گناهکار حیران گسترده و در دسترس است.

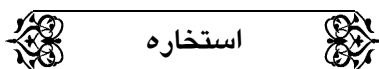
این درگاه الهی برای همه باز و گشوده است و این هدایت و دستگیری فراگیر برای همه وجود دارد. البته، به شرط صداقت، اضطراب، نیاز، تصمیم و اراده، صفای درون، اخلاص و بی‌غل و غش بودن فراهم است.

وقتی که شخص نا آگاه و نادان از او درخواست و التماس کند که به علم و دانش او دست یابد، و خود را گمگشته و سرگردان ببیند، مسلم است که آن بزرگوار او را به سرمنزل و راه اصلی می‌رساند، و اگر بیمار باشد، لباس سلامتی را بر تنش می‌پوشاند. چنان که از

داستان‌هایی که پیشتر نقل کردیم برمی‌آید. نتیجه‌ای که در این جا مقصود است آن است که امام بزرگوار، حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه در بین بندگان حضور دارد و به شیعیان و نیز سایر افرادی که تحت حکومت او هستند نظاره می‌کند، و قدرت و توان برطرف کردن بلاها را دارد، و از رازها و امور پنهانی آگاه است.<sup>۱</sup>

۱. نجم الناقب: ۷۹۰.

## بخش نهم



## استخاره

۷۴

## استخاره اول

در برخی از کتاب‌های کهن دیدم که این استخاره را نیز به امام عصر ارواحنا فداه نسبت داده است:

ابتدا سوره حمد را تا ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ قرائت کرده، و پس از آن سه مرتبه صلوات فرستاده و پس از آن نیز سه مرتبه بگو: «يَا مَنْ يَعْلَمُ إِهْدِنِي لِمَنْ لَا يَعْلَمُ»؛ «ای کسی که می‌داند؛ کسی را که نمی‌داند هدایت و راهنمایی کن».

سپس، قبضه‌ای از تسبیح را با دست گرفته و دانه‌های آن را شمرده؛ اگر عدد فرد بود یعنی خوب است و آن را انجام بده، و اگر زوج بود آن را انجام مده.

اگر می‌خواهی بدانی کار مورد نظرت که برای آن استخاره می‌کنی

بسیار بسیار خوب است یا خیر؛ پس از این استخاره، استخاره‌ای دیگر به نیت ترک کار مورد نظرت بگیر.

در نتیجه اگر اصل کار خوب بود و در استخاره دوم که برای ترک انجام آن بود زوج آمد که بد است؛ بنابراین، کار مورد نظر در نهایت خیر و نیکی خواهد بود. و اگر در ترک آن فرد آمد که خوب است معلوم می‌شود که انجام دادن یا انجام ندادن کار مورد نظر فرقی ندارند.

از سویی، اگر استخاره برای اصل کار بد بود و استخاره برای ترک کار خوب بود نیز، باید آن کار را ترک کرده و به طور جدی از انجام آن صرف‌نظر کنی؛ ولی اگر فعل و ترک، هر دو بد بود از انجام آن کار نهي شده ولی نه مثل استخاره قبل.



### استخاره دوم

فقیه بزرگوار، صاحب کتاب «جواهر الکلام» در آن کتاب می‌فرماید:

استخاره دیگری هست که برخی از علمای زمان ما از آن استفاده

می‌کنند، و گویا به امام عصر ارواحنا فداء نسبت داده می‌شود؛ و کیفیت آن چنین است:

پس از این که آیه و دعا خواند، قبضه‌ای از تسبیح را می‌گیرد و هشت دانه هشت دانه می‌شمرد؛ اگر یک دانه باقی بماند، یعنی کمی خوب است.

اگر دو تا بماند، یعنی در انجام آن کار یک نهي وجود دارد. اگر سه دانه تسبیح باقی بماند، یعنی صاحب استخاره خودش صاحب اختیار است، چرا که انجام آن کار و انجام ندادن آن مساوی است یعنی میانه است.

اگر چهار دانه تسبیح باقی بماند به معنای وجود دو نهي و بدی در آن کار است.

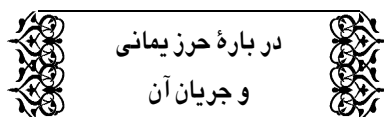
اگر پنج تا باقی بماند نزد بعضی به معنای این است که در آن کار سختی وجود دارد و برخی نیز به وجود سرزنش در آن کار معتقدند. اگر شش دانه باقی بماند به معنای نیکی و خیر کامل در آن کار است به گونه‌ای که باید در انجامش شتاب کرد.

اگر هفت دانه از تسبیح باقی بماند همانند آن است که پنج دانه باقی مانده باشد که در آن دو رأی یا دو روایت وجود دارد.



و اگر هشت دانه باقی بماند کار مورد نظر در نهایت بدی است و چهار نهی در آن وجود دارد.<sup>۱</sup>

## بخش دهم



از باب دهم کتاب «صحیفه مهدیه»، حرز یمانی را انتخاب نمودیم و آن دعایی است که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده و هنگامی که امیر اسحاق استرآبادی آن را می خوانده است، امام زمان عجل الله تعالی فرجه اشتباهات وی را تصحیح فرمودند.

## جریان حرز یمانی

در «دار السلام» ج ۲ ص ۱۲ نقل فرموده است: سید عابد و زهدپیشه ارجمند امیر اسحاق استرآبادی فرمود:  
در راه مکه بودم که گم شدم و از قافله عقب ماندم و کارم به جایی رسید که از زندگی ام ناامید شدم و همانند کسی که در حال مرگ است شدم و شروع به گفتن شهادتین کردم.  
ناگهان مشاهده کردم مولای ما و مولای جهان یعنی جانشین خداوند بر تمام مردم روی زمین، بالای سرم است.

۱. الباقیات الصالحات حاشیه کتاب مفاتیح الجنان: ۴۱۱.

آن حضرت فرمودند: ای اسحاق؛ برخیز. برخاستم و ایستادم، در حالی که تشنه بودم، مرا سیراب فرمود و در پشت سرش بر مرکب سوار کرد. پس شروع به خواندن این حرز نمودم و آن حضرت که درود خداوند بر ایشان باد اشتباهات آن را اصلاح می نمود تا دعا به پایان رسید؛ در این هنگام مشاهده کردم که در «ابطح» هستم؛ از مرکب پیاده شدم و آن بزرگوار غایب شدند....



### حرز یمانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنَا

بارالها؛ تو پادشاه راستینی هستی که جز تو معبودی نیست؛ و من

عَبْدُكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي، وَلَا يَغْفِرُ

بنده تو هستم؛ بر خود ستم کردم، و به گناهم اعتراف دارم؛ در حالی که (می دانم) جز تو

الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفُؤْ لِي يَا عَفُورُ يَا شَكُورُ .

کسی گناهان را نمی بخشد، پس بخشش و آمرزشت را شامل من گردان، ای آمرزنده؛ ای پاداش دهنده؛

اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ، وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ، عَلَيَّ مَا

بارالها؛ من تو را ستایش می کنم، و می دانم که تو شایسته ستایش هستی. ستایش بر

خَصَصْتَنِي بِهِ مِنْ مَوَاهِبِ الرَّغَائِبِ، وَمَا وَصَلَ إِلَيَّ

بخشش های خوش آیندی که به من اختصاص دادی، و فضل و احسان فراوانی که

مِنْ فَضْلِكَ السَّايِعِ، وَمَا أَوْلَيْتَنِي بِهِ مِنْ إِحْسَانِكَ

به من رسانیدی، و نیکی و احسان که بر من ارزانی داشتی،

إِلَيَّ، وَيَوَّأْتَنِي بِهِ مِنْ مَطْمَئَةِ الْعَدْلِ، وَأَنْسَلْتَنِي مِنْ

و آنچه از جایگاه عدل برای من جای دادی، و از

مَنْكَ الْوَأَصِلَ إِلَيَّ، وَمِنْ الدَّفَاعِ عَنِّي، وَالتَّوْفِيقِ

لطف و احسان پیاپی ات به من رسانیدی، و از من دفاع کردی، و توفیق دادی،

لِي، وَالْإِجَابَةِ لِدُعَائِي حِينَ أَنْاجِكَ دَاعِيًا .

و دعایم را مستجاب می کنی هنگامی که در حال دعا با تو مناجات می کنم؛

وَأَدْعُوكَ مُضَامًا، وَأَسْأَلُكَ فَأَجِدُكَ فِي الْمَوَاطِنِ

و هنگامی که تو را می خوانم در حالی که ستمدیده ام، و درخواست می کنم و می بینم که در همه جا

كُلُّهَا لِي جَابِرًا، وَفِي الْأُمُورِ نَاطِرًا، وَلِذُنُوبِي

نسبت به من مهربان و نیکوکاری، و در تمام کارها نظاره گر من هستی، و گناهانم را می بخشی،

غَاغِرَاً ، وَلِعَوْرَاتِي سَاتِرَاً ، لَمْ أَعْدَمْ خَيْرَكَ طَرْفَةً

و عیب‌هایم را می‌پوشانی؛ از ابتدای ورود به دنیا (که منزلگاه اختیار است) حتی به قدر یک چشم

عَيْنٍ مُنْذُ أَنْزَلْتَنِي دَارَ الْإِخْتِيَارِ ۱ ، لِنَتَّظِرُ مَا أَقْدَمُ لِدَارِ

بر هم‌زدن نیز سراغ ندارم که خیر و خوبی‌ات به من نرسیده باشد. چنین کردی تا ببینی برای خانهٔ

الْقَرَارِ ، فَأَنَا عَتِيقُكَ مِنْ جَمِيعِ الْأَفَاتِ وَالْمَصَائِبِ ،

همیشگی‌ام (آخرت) چه چیزی می‌فرستم (ای خدا!) بدین سان، من ازادشدهٔ تو از تمام آسیب‌ها

فِي اللُّوَازِبِ وَالْعُغُومِ الَّتِي سَاوَرْتَنِي فِيهَا الِهُمُومُ ،

و مصیبت‌ها، در سختی‌ها و اندوه‌هایی هستم که ناراحتی‌ها را بر من حمله‌ور ساخته؛

بِمَعَارِضِ أَصْنَافِ الْبَلَاءِ ، وَمَصْرُوفِ جُهْدِ الْقَضَاءِ ،

به پیش‌آمدن بلاهای گوناگون، و رخ دادن سختی‌های قضا.

لَا أَذْكَرُ مِنْكَ إِلَّا الْجَمِيلَ ، وَلَا أَرَى مِنْكَ غَيْرَ

از تو جز خوبی و زیبایی به یاد ندارم، و جز مهربانی و فضل. از تو نمی‌بینم.

التَّفْضِيلِ . خَيْرُكَ لِي شَامِلٌ ، وَفَضْلُكَ عَلَيَّ مُتَوَاتِرٌ ،

خیر و نیکی تو مرا فراگرفته است، و فضل و فزون‌بخشی تو پی در پی به من می‌رسد،

وَنِعْمَتِكَ عِنْدِي مُتَّصِلَةٌ ، وَسَوَابِقُ لَمْ تُحَقِّقْ حِذَارِي ،

و نعمتت به طور متصل به من می‌رسد، و سابقه‌هایی که محقق‌نساختی برحذر شدنم (ناآمیدیم) را،

۱. دَارَ الْإِخْتِيَارِ ؛ «منزلگاه آزمايش» ، بحار الأنوار: ۲۴۲/۹۵.

بَلْ صَدَّقْتَ رَجَائِي ، وَصَاحِبْتَ أَشْفَارِي ، وَأَكْرَمْتَ

بلکه آمیدم را به راستی رسانده‌ای، و در سفرها همراهم بودی، و در وطن نیز با کرامت

أَخْضَارِي ، وَشَفَيْتَ أَمْرَاضِي وَأَوْهَانِي ، وَعَاقَبْتَ

و بزرگواری با من رفتار کردی، و بیماری‌ها و سستی‌هایم را شفا بخشیدی، و

مُنْقَلِبِي وَمَتَوَائِي ، وَلَمْ تُشْمِتْ بِي أَعْدَائِي ، وَرَمَيْتَ

پناهگاه و آرامگاهم را عاقبت بخشیدی، و دشمنان مرا اجازهٔ شمت‌کردن نسبت به من ندادی، و هر که مرا

مَنْ رَمَانِي ، وَكَفَيْتَنِي مَوْوَنَةً مِنْ عَادَانِي . فَحَمْدِي

هدف گرفت او را هدف گرفتی، و سختی و رنج دشمنانم را از من کفایت نمودی. بنابراین، ستایشم

لَكَ وَاصِلٌ ، وَتَنَائِي عَلَيْكَ دَائِمٌ ، مِنَ الدَّهْرِ إِلَى

به تو پیوسته و ثناگویی‌ام بر تو همیشگی است، از هر زمانی تا

الدَّهْرِ ، بِأَلْوَانِ التَّسْبِيحِ ، خَالِصًا لِدُكْرِكَ ، وَمَرَضِيًّا

زمان دیگر، با تسبیح‌گویی‌های گوناگون، و فقط به خاطر یاد تو و جلب خشنودی

لَكَ بِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ ۱ ، وَإِمْحَاضِ التَّمْجِيدِ بِطُولِ

تو به توحید ناب و ستایشگری خالص، با طولانی‌شدن

۱. این کلمه به تعبیرات مختلف وارد شده: بِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ ، بِنِصَائِعِ التَّوْحِيدِ ، بِنِصَائِعِ

التَّوْحِيدِ ، ولی نسخه‌ای که در متن ذکر کرده‌ایم صحیح‌تر است .

التَّعْدِيدِ ، وَمَزِيَّةِ أَهْلِ الْمَرْيَدِ ، لَمْ تُعَنْ فِي قُدْرَتِكَ ،

شمارش و فزونی اهل افزایش خواهم بود، کسی در تواناییت یاریت نکرده است.

وَلَمْ تُشَارِكْ فِي الْهَيْبَتِكَ ، وَلَمْ تُعَلِّمْ لَكَ مَا يَبْتَغِيهِ فَتَكُونَ

و در خدایت نیز شریک نشده، و چگونگی و ماهیتی برای تو ندانسته‌اند

لِلْأَشْيَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ مُجَانِسًا ، وَلَمْ تُعَايِنِ إِذْ حَبَسْتَ

تا هم‌جنس اشیای مختلف باشی، و هنگامی که به هر چیزی غریزهٔ

الْأَشْيَاءِ عَلَى الْغَرَائِزِ ، وَلَا خَرَقْتَ الْأَوْهَامَ حُجُبَ

خاضی عطا می‌کردی دیده نشده‌ای، و اوهام و خیال‌ها نتوانسته‌اند پرده‌های عالم

الْغُيُوبِ ، فَتَعْتَقِدُ فِيكَ مَحْدُودًا فِي عَظَمَتِكَ ، فَلَا

پنهان را بدرنند تا اعتقاد به محدودیتی در مورد عظمت تو پیدا کنند. بنابراین،

يَبْلُغُكَ بَعْدُ الْهَمَمِ ، وَلَا يَسْأَلُكَ غَمُوصُ الْفِكْرِ ،

همت‌های والاتوان رسیدن به تو را ندارند، و اندیشه‌های ژرف‌نگر نمی‌توانند به تو دست یازند،

وَلَا يَنْتَهِي إِلَيْكَ نَظْرُ نَاطِرٍ فِي مَسْجِدِ جَسْرٍ وَتِكَ ،

و نگرش کسانی که بر شکوه جبروت تو چشم دوخته‌اند به تو منتهی نمی‌شود،

إِذْ تَفَعَّتْ عَنِ صِفَةِ الْمَخْلُوقِينَ صِفَاتُ قُدْرَتِكَ ،

ویژگی‌های قدرتت برتر از توصیف آفریدگان است،

وَعَلَا عَنِ ذَلِكَ كِبْرِيَاءُ عَظَمَتِكَ ، لَا يَنْقُصُ مَا أَرَدْتَ

و بزرگی کبریاییت برتر از آن‌هاست چیزی را که اراده کرده‌ای تا افزون باشد کم نمی‌شود

أَنْ يَزِدَادَ ، وَلَا يَزِدَادُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَنْقُصَ ، لَا أَحَدًا

و چیزی که خواسته‌ای کم باشد افزون نمی‌گردد. هیچ کس،

حَضَرَكَ حِينَ بَرَأْتَ النَّفُوسَ ، كَلَّتِ الْأَوْهَامُ عَنِ

در هنگام آفرینش جان‌ها نزد تو حضور نداشته است، اندیشه و خیال از تفسیر

تَفْسِيرِ صِفَتِكَ ، وَأَنْحَسَرَتِ الْعُقُولُ عَنِ كُنْهِ

و بیان وصف تو درمانده‌اند، و عقل‌ها در دست‌یابی به کنه و عمق حقیقت

عَظَمَتِكَ ، وَكَيْفَ تُوصَفُ وَأَنْتَ الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ ،

بزرگی تو درمانده‌اند؛ چگونه قابل وصف هستی، درحالی‌که بسیار قدرتمند و در نهایت پاکی هستی؟

الَّذِي لَمْ تَزَلْ أَرْلِيًّا دَائِمًا فِي الْغُيُوبِ وَحَدِّكَ لَيْسَ

که همیشه و به طور دایم، به تنهایی در پنهانی‌ها هستی و کسی

فِيهَا غَيْرُكَ وَلَمْ يَكُنْ لَهَا سِوَاكَ ، حَارَ فِي مَلَكُوتِكَ

جز تو نمی‌تواند چنین باشد. ژرف‌ترین راههای اندیشه در ملکوت تو

عَمِيقَاتُ مَذَاهِبِ التَّكْبِيرِ ، فَتَوَاضَعَتِ الْمَلُوكُ

سرگردان شده است؛ و بدین سان، پادشاهان برای عظمت تو

**لِهَيْبَتِكَ، وَعَنْتِ الْوُجُوهُ بِذُلِّ الْأَسْتِكَانَةِ لَكَ، وَانْقَادَ**

به فروتنی افتاده‌اند، و آبرومندان با ذلت و بیچارگی صورت بر خاک نهاده‌اند و هر چیزی منقاد

**كُلُّ شَيْءٍ عِ لِعِظَمَتِكَ، وَاسْتَسَلَمَ كُلُّ شَيْءٍ عِ لِقُدْرَتِكَ،**

و سرافکندهٔ عظمت توست، و هر چیزی در برابر توان و قدرت تو سر تسلیم و بندگی فرود آورده است،

**وَخَضَعَتْ لَكَ الرَّقَابُ، وَكَلَّ دُونَ ذَلِكَ تَحْظِيرُ**

و گردن‌ها در برابرت فروتن و کج شده است، و لغات را یلاری رسیدن به آن نیست،

**اللُّغَاتِ، وَضَلَّ هُنَالِكَ التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ**

و تدبیر عقلا در چگونگی صفات تو دچار سرگردانی شده است.

**الْصِّفَاتِ، فَمَنْ تَفَكَّرَ فِي ذَلِكَ رَجَعَ طَرْفُهُ إِلَيْهِ**

بدین‌سان، هر کس در آن تفکر کند چشمش در حالی که خسته و درمانده گشته به سوی او

**حَسْبِرًا، وَعَقْلُهُ مَبْهُورًا، وَتَفَكَّرُهُ مَتَحِيرًا. اَللّٰهُمَّ**

پر می‌گردد، و عقلش مبهوت و اندیشه‌اش سرگردان می‌شود. بار لها!

**فَلَكَ الْحَمْدُ مَتَوَاتِرًا مَتَوَالِيًا مُتَّسِقًا مُسْتَوْتِقًا، يَدُومُ**

تو را ستایش می‌کنم به طور بی در پی و پیوسته و محکم و متصل؛ به گونه‌ای که دائمی باشد

**وَلَا يَبِيدُ غَيْرَ مَفْقُودٍ فِي الْمَلَكُوتِ، وَلَا مَطْمُوسٍ**

و از بین نرود و در ملکوت نیز گم نشود، و در مکان‌های مخصوص آن محو و نابود

**فِي الْمَعَالِمِ، وَلَا مُنْتَقِصٍ فِي الْعِرْفَانِ، وَلَكَ الْحَمْدُ**

نشود، و از نظر شناخت نیز کمبودی نداشته باشد. و ستایش مخصوص توست

**مَا لَا تُحْصِي مَكَارِمُهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ، وَالصُّبْحِ إِذَا**

آن چنان‌که خوبی‌های آن قابل شمارش نیست در آن هنگام که شب پایان می‌رسد

**أَسْفَرَ، وَفِي الْبِرَارِي وَالْبِحَارِ، وَالْعُدُوءِ وَالْأَصَالِ،**

و صبحگاهان طلوع می‌کند و در خشکی‌ها و دریاها و صبح و شام

**وَالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، وَفِي الظَّهَائِرِ وَالْأَسْحَارِ. اَللّٰهُمَّ**

و شبانگاهان و بامدادان و در نیمه‌های روز و سحرگاهان. بار لها!

**بِتَوْفِيقِكَ قَدْ أَحْضَرَ تِنِّي الرَّعْبَةَ، وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي**

با توفیقت مرا به اشتیاق آوردی، و در حفظ و

**وَلَا يَةِ الْعِصْمَةِ لَمْ أُبْرَحْ فِي سُبُوغِ نِعْمَاتِكَ، وَتَتَابِعِ**

سرپرستی خودت قرار دادی به گونه‌ای که همیشه در نعمت‌های بی‌شمارت به سر برده‌ام و

**أَلَايِكَ مَحْفُوظًا لَكَ فِي الْمُنْعَةِ وَالِدِّفَاعِ مَحُوطًا بِكَ**

خوبی‌های پیوسته‌ات به من رسیده است، و در قلعهٔ حفظ و حراست تو محفوظ بوده و

**فِي مَثْوَايَ وَمُنْقَلَبِي، وَلَمْ تُكَلِّفْنِي فَوْقَ طَاقَتِي، إِذْ**

در حال آرام‌گرفتنم و حرکتم در احاطهٔ تو بودم، بیش از توانم نیز برای من وظیفهٔ مقرر نفرموده‌ای؛ زیرا،

لَمْ تَرْضَ مِنِّي إِلَّا طَاعَتِي ، وَكَأَيْسَ شُكْرِي وَإِنْ

تنها فرمان‌برداری از خودت را سبب خشودیت از من قرار دادی. با این که سپاسگزاری من ـ هر

أَبْلَعْتُ فِي الْمَقَالِ وَبَالَغْتُ فِي الْفِعَالِ بِسَالِحِ آدَاءِ

چند در گفتن بکوشم و با تمام توانم کار کنم ـ نمی‌تواند

حَقِّكَ ، وَلَا مُكَافِئًا لِفَضْلِكَ ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا

حق تو را ادا کند، و پاداش فضل و احسان تو باشد؛ زیرا، تو خدایی هستی که

إِلَهٌ إِلَّا أَنْتَ ، لَمْ تَعِيبْ وَلَا تَسْغِيبُ عَنكَ غَائِبَةٌ ،

جز تو معبودی نیست؛ هیچ‌گاه چیزی که غایب است برای تو غایب نبوده و نخواهد بود،

وَلَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ ، وَلَمْ تَضِلَّ لَكَ فِي ظُلْمِ

و هیچ چیز پنهانی برای تو پنهان نیست؛ و هیچ گم‌شده‌ای در

الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةٌ ، إِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا أَنْ تَقُولَ

تاریکی‌های پنهانی، برای تو گم‌شده نیست. فرمان تو این‌گونه است که هرگاه به چیزی بفرمایی:

لَهُ كُنْ فَيَكُونُ . اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمِدْتَ بِهِ

باش؛ می‌شود. بار الها؛ ستایش مخصوص توست به همان شکلی که تو خودت را ستوده‌ای،

نَفْسِكَ ، وَحَمْدِكَ بِهِ الْحَامِدُونَ ، وَمَجْدَكَ بِهِ

و ستایشگران به ستایشت پرداخته‌اند، و ثناگویان تو را

الْمُجْدُونَ ، وَكَبَّرَكَ بِهِ الْمُكَبِّرُونَ ، وَعَظَمَكَ بِهِ

بزرگ شمرده‌اند، و تکبیر‌گویان به بیان بزرگی تو پرداخته‌اند، و

الْمُعْظِمُونَ ، حَتَّى يَكُونَ لَكَ مِنِّي وَحْدِي بِكُلِّ

تعظیم‌کنندگان در پیشگاه تو به تعظیم پرداخته‌اند؛ به طوری که از من به تنهایی به اندازهٔ

طَرْفَةِ عَيْنٍ ، وَأَقَلِّ مِنْ ذَلِكَ مِثْلُ حَمْدِ الْحَامِدِينَ ،

چشم به هم زدن و حتی کمتر از چشم بر هم زدن، قدر ستایش ستایشگران،

وَتَوْحِيدِ أَصْنَافِ الْمُخْلِصِينَ ، وَتَقْدِيسِ أَجْنَاسِ

و یگانه دانستن تمام مخلصان نسبت به تو، و منزّه دانستن تمام

الْعَارِفِينَ ، وَتَنَاءِ جَمِيعِ الْمُهَلِّلِينَ ، وَمِثْلُ مَا أَنْتَ بِهِ

عارفان نسبت به ساحت تو، و ثنا‌گویی تمام تهلیل‌گویان ، و همانند آن چه تو از تمام

عَارِفٌ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوَانِ ، وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ

مخلوقات زندهات سراغ داری؛ باشد. و از طرفی مشتاقی تو

فِي رَغْبَةٍ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ ، فَمَا أَيْسَرَ مَا

هستم که ستایش‌هایی را که بر زبلم آوردی برایت به جای آوردم. بدین سان، چه قدر آسان است

كَلَّمْتَنِي بِهِ مِنْ حَقِّكَ ، وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَيَّ

وظیفه‌ای که برای ادای حقت برایم معین فرمودی، و چه قدر وعدهٔ پاداش تو نسبت به من در

**شُكْرُكَ، اِبْتِدَأْتُنِي بِالنِّعَمِ فَضْلاً وَطَوْلاً، وَأَمَرْتَنِي**

مقابل ستایشم. عظیم است. با فضل و احسان خود شروع به نعمت‌بخشی به من کردی. و از آنچه

**بِالشُّكْرِ حَقّاً وَعَدْلاً، وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَضْعَافاً**

که حقّ تو بود و عدالت اقتضا می‌کرد به من فرمودی که سیاسگرای از نعمت‌هایت را به جای آورم، و وعده فرمودی

**وَمَزِيداً، وَأَعْطَيْتَنِي مِنْ رِزْقِكَ اِعْتِبَاراً وَفَضْلاً،**

که چند برابر سیاسگزاری من به من پاداش خواهی داد؛ و از رزق و روزیت به من اعتبار و ارزش و فزونی عطا

**وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ يَسِيراً صَغِيراً، وَأَعْيَيْتَنِي مِنْ جُهْدٍ**

کردی و در مقابل، مقدار کوچک و کمی از آن را از من خواستی؛ و از سختی و رنج

**الْبَلَاءِ وَلَمْ تُسَلِّمْنِي لِلسُّوءِ مِنْ بَلَاءِكَ مَعَ مَا أَوْلَيْتَنِي**

گرفتاری‌ها عاقبتم بخشیدی، و مرا به بلاهای بدت وانگذاشتی؛ به خاطر عاقبتی که با آن مرا

**مِنَ الْعَاقِبَةِ، وَسَوَّعْتَ مِنْ كَرَامَتِ النَّحْلِ، وَضَاعَفْتَ**

سرپرستی نمودی، و از عطایای کرمیانهات بخشیدی، و

**لِي الْفَضْلَ مَعَ مَا أَوْدَعْتَنِي مِنَ الْمَحَجَّةِ الشَّرِيفَةِ،**

فضل و احسان را بر من دوجندان نمودی با آنچه از طریقهٔ شرافتمندانه در وجودم ودیعه نهادی،

**وَيَسَّرْتَ لِي مِنَ الدَّرَجَةِ الْعَالِيَةِ الرَّفِيعَةِ،**

و درجهٔ والا و بلندمرتبه‌ای را برابم فراهم فرمودی؛

**وَاصْطَفَيْتَنِي بِأَعْظَمِ النَّسَبِينَ دَعْوَةً، وَأَفْضَلِهِمْ**

و برگزیدی مرا در دوران پیامبری که از جهت فراخوانی، بزرگترین انبیا و از جهت

**شَفَاعَةِ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اَللّٰهُمَّ قَاغِرُ**

شفاعت، برترین آنها است؛ یعنی حضرت محمد که درود خدا بر او و آل او باد. بار خدایا؛ بیامرز

**لِي مَا لَا يَسَعُهُ اِلَّا مَغْفِرَتُكَ، وَلَا يَمَحُّهُ اِلَّا عَفْوُكَ،**

برای من آن چه را که جز آمرزش تو فراگیر آن نباشد، و جز عفو و بخشش تو آن را نابود نکند،

**وَلَا يُكْفِّرُهُ اِلَّا فَضْلُكَ، وَهَبْ لِي فِي يَوْمِي يَقِيناً**

و جز فضل تو آن را نپوشاند. و امروز به من یقینی عطا کن که

**تُهَوِّنُ عَلَيَّ بِهٖ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَأَحْزَانَهَا بِشَوْقٍ**

با آن تمام مصیبت‌ها و اندوه‌های دنیا را به واسطه اشتیاق به سوی خودت

**اِلَيْكَ، وَرَغَبَةٍ فِيمَا عِنْدَكَ، وَاکْتَسَبْ لِي عِنْدَكَ**

و میل و علاقه به نعمت‌هایی که نزد تو است آسان گردانی؛ و برابم نزد خودت

**الْمَغْفِرَةَ، وَبَلِّغْنِي الْكِرَامَةَ، وَارْزُقْنِي شُكْرَ مَا**

بخشش و مغفرت را بنویس، و مرا به کرامت برسان، و سیاسگزاری از

**أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللهُ الْوَاحِدُ الرَّفِيعُ**

نعمت‌های ارزانی شده‌ات را نصیبم کن؛ زیرا تو خدای یکتا، والا

الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، الَّذِي لَيْسَ لِأَمْرِكَ

أَعَاذٌ. نُو أُوْر. شنوا و دانا هستی؛ خدایی که دستورت قابل

مَدْفَعٌ، وَلَا عَن قَضَائِكَ مُمْتَنِعٌ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَبِّي

رَد شدن نیست؛ و یازدازنده‌ای از حکم و قضای تو وجود ندارد. گواهی می‌دهم که پروردگار من

وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ، فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمٌ

و پروردگار هر چیزی تو هستی؛ آسمان‌ها و زمین را آفریدی؛ آگاه از

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ

پنهانی و آشکاری؛ بلندمرتبه و بزرگ هستی. خدایا؛ به راستی از تو

الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ، وَالْعَزِيْمَةَ عَلَى الرَّشْدِ، وَالشُّكْرَ

ثبات و پایداری در امر دین و ولایت، ارادهٔ قوی بر کامل شدن و سیاست‌گری

عَلَى نِعْمَتِكَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ، وَبِعِي

نعمت‌هایت را درخواست می‌کنم. به تو پناه می‌آورم از جور و ستم هر ستمگر، و از تجاوز و ستم

كُلِّ بَاغٍ، وَحَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ، بِكَ أَصُولُ عَلَيَّ

هر ستم‌پیشه و حسادت هر حسود. با کمک تو بر دشمنانم هجوم می‌آورم و

الْأَعْدَاءِ، وَبِكَ أَرْجُو وَايَةَ الْأَحْيَاءِ مَعَ مَا لَا أَسْتَطِيعُ

چیره می‌شوم، و سرپرستی دوستان را نیز از تو امید دارم، با این که نمی‌توانم

إِحْصَاءَهُ، وَلَا تَعْدِيْدَهُ مِنْ عَوَائِدِ فَضْلِكَ، وَطَّرَفِ

فضل و عایدات تو، و نصیب‌های خوش‌آیند.

رِزْقِكَ، وَأَلْوَانِ مَا أَوْلَيْتَ مِنْ إِزْفَادِكَ، فَاتَّكَ أَنْتَ

و بخشش‌نمودن رنگارنگ تو را به شماره درآورم. راستی که تو

اللهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ رِفْدُكَ،

خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ بخششت نسبت به همهٔ مخلوقات آشکار است،

الْبَاسِطُ بِالْجُودِ يَدُكَ، وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ،

و دست مبارکت به جود و بخشش گسترده است؛ و در دستورت کسی به ضدّیت با تو نمی‌تواند برخیزد (تا

وَلَا تُتَنَازَعُ فِي أَمْرِكَ، تَمْلِكُ مِنَ الْأَنَامِ مَا تَشَاءُ،

انجام نشود)؛ در فرمانت کسی را یارای نزاع و جدال با تو نیست؛ از مردم آنچه بخواهی می‌گیری،

وَلَا يَمْلِكُونَ إِلَّا مَا تُرِيدُ. ﴿١٠٠﴾ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ

ولی آنان، جز آن چه را تو اراده کرده باشی در اختیار نخواهند داشت. بگو: پروردگارا! ای

تُوْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ،

صاحب فرمان‌روایی و حکومت؛ به هر که بخواهی فرمان‌روایی را می‌دهی، و از هر که بخواهی

وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ

می‌گیری، و هر که را بخواهی عزّت می‌بخشی و هر که را بخواهی به ذلّت و خواری می‌کنانی؛ خیر و



عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ \* تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ

خوبی، تنها در دست توست؛ راستی که تو بر هر کاری توانایی. شب را در روز وارد می‌کنی، و

النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ

روز را وارد شب می‌گردانی؛ و زنده را از مرده بیرون می‌آوری،

الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿۱۰۱﴾

و مرده را از زنده خارج می‌کنی؛ و هر که را بخواهی بدون حساب، روزی می‌بخشی؛.

أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُنْفِذُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ

تو نعمت‌بخش فروزنی‌دهنده، آفریننده و به وجود آورنده، توانا، چیره،

الْمُقَدِّسُ فِي نُورِ الْقُدْسِ ، تَرَدَّدَتْ بِالْمَجْدِ وَالْعِزِّ ،

و تقدیس‌شده در روشنی قدس هستی؛ ردای عزّت و بزرگواری را بر تن کرده‌ای،

وَتَعْظَمَتْ بِالْكَبرِيَاءِ ، وَتَعَشَّيْتَ بِالنُّورِ وَالْبَهَاءِ ،

و با کبریایی عظمت داری، و با روشنی و شکوه و جلال خود را پوشانده‌ای،

وَتَجَلَّلْتَ بِالْمَهَابَةِ وَالسَّنَاءِ ، لَكَ الْمَنْ الْقَدِيمُ ،

و با هیبت و عظمت خود را بزرگ نموده‌ای، مَنّت دیرینه،

وَالسُّلْطَانُ الشَّامِخُ ، وَالْجُودُ الْوَاسِعُ ، وَالْقُدْرَةُ

پادشاهی بلندمرتبه، و بخشش فراگیر و توان و قدرت و اقتدار

۱۰. سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۲۶ و ۲۷.

الْمُتَدِرَةُ ، جَعَلْتَنِي مِنْ أَفْضَلِ بَنِي آدَمَ ، وَجَعَلْتَنِي

واقعی از آن توست. مرا از برترین فرزندان آدم قرار دادی.

سَمِيعاً بَصِيراً ، صَاحِباً سَوِيّاً مُعَافاً ، لَمْ تَشْغَلْنِي

مرا شنوا و بینا و صحیح و درست اندام و سالم قرار دادی. مرا گرفتار

بِنِقْصَانٍ فِي يَدَي ، وَلَمْ تَمْنَعْ كِرَامَتِكَ إِيَّايَ ،

کم و کاستی در اندامم نکردی، و کرامت و بزرگواری تو، نسبت به من و بهترین

وَحُسْنُ صَبِيْعِكَ عِنْدِي ، وَفَضْلُ إِعْطَايِكَ عَلَيَّ ، أَنْ

رفتار تو با من و فزون‌ترین بخشش‌هایت به من، مانع نشد که

وَسَعَتْ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا ، وَفَضَّلْتَنِي عَلَىٰ كَثِيرٍ مِنْ

در دنیا مرا توانگر گردانی و مرا بر بسیاری از

أَهْلِهَا ، فَجَعَلْتَ لِي سَمْعاً يَسْمَعُ آيَاتِكَ ، وَفُوَاداً

اهل دنیا برتری دهی، پس گوش به من دادی تا آیات تو را بشنوم، و قلبی عطا کردی تا

يَعْرِفُ عَظَمَتِكَ ، وَأَنَا بِفَضْلِكَ حَامِدٌ ، وَبِجُهْدِ يَتَبِنِي

بتوانم به کمک آن عظمتت را بشناسم؛ و من به ستایش فضل تو می‌پردازم؛ و در نهایت یقین و باور،

لَكَ شَاكِرٌ ، وَبِحَقِّكَ شَاهِدٌ . فَإِنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ ،

به سپاسگزاری‌ات مشغول و گواه حقیقتت تو هستم. راستی که تو زندهٔ پیش از هر زنده،

وَحَيِّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ ، وَحَيٌّ لَمْ تَرِثِ الْحَيَاةَ مِنْ حَيٍّ ،

و زنده پس از هر زنده‌ای هستی، و زنده‌ای هستی که زنده بودن را از زنده‌ای دیگر به ارث نبرده‌ای؛

وَلَمْ تَقْطَعْ خَيْرِكَ عَنِّي طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي كُلِّ وَقْتٍ ،

و خیر و خوبی‌هایت را برای یک چشم بر هم زدن در هیچ لحظه‌ای از من قطع نکرده‌ای؛

وَلَمْ تُنْزِلْ بِي عُقُوبَاتِ النَّعَمِ ، وَلَمْ تُغَيِّرْ عَلَيَّ دَقَائِقَ

و کیفر انتقامت را بر من فرو نفرستادی ؛ و حراست‌ها و نگهبانی‌های دقیقّت را از من دگرگون

الْعِصَمِ، فَلَوْلَمْ أَذْكَرْ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَّا عَفْوَكَ، وَإِجَابَةَ

نموده‌ای. اگر از احسانت جز عفو بخشش تو و پاسخ مثبت تو را نسبت به دعای من

دُعَائِي حِينَ رَفَعْتُ رَأْسِي بِتَحْمِيدِكَ وَتَسْمُجِيدِكَ ،

- در هنگام بلند کردن سرم برای ستایش و بزرگداشت تو - یاد نکنم؛

وَفِي قِسْمَةِ الْأَرْزَاقِ حِينَ قَدَّرْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ

و اگر جز تقسیم روزی در هنگام تقدیر برایم نبود، لازم می‌دانستم تا ستایش

مَا حَفَظَهُ عِلْمُكَ ، وَعَدَدَ مَا أَحَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ ،

به اندازه و تعداد آن چه دانش تو در حفظ دارد، و به اندازه آن چه در حیطةٔ قدرت توست،

وَعَدَدَ مَا وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ . اَللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ إِحْسَانَكَ فِيمَا

و به عدد آن چه در دامنهٔ رحمت تو قرار دارد؛ نثار تو کنم . بار الها ؛ احسان و نیکی‌ات را در

بِقِيٍّ ، كَمَا أَحْسَنْتَ فِيمَا مَضَىٰ ، فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

باقی‌ماندهٔ عمرم بر من کامل گردان چنان‌که در گذشته نیز چنین کردی؛ چراکه من به واسطهٔ

بِسْتَوْحِيدِكَ وَتَمْجِيدِكَ ، وَتَحْمِيدِكَ وَتَهْلِيلِكَ ،

بگانه دانستن تو و ثنا گفتن تو، و ستایش و «لا اله الا الله» گفتن،

و تَكْبِيرِكَ وَتَعْظِيمِكَ، وَبِنُورِكَ وَرَأْفَتِكَ، وَرَحْمَتِكَ

و تکبیر و بزرگداشت تو؛ و به واسطهٔ نور و مهربانی، و رحمت

وَعُلُوِّكَ، وَجَمَالِكَ وَجَلَالِكَ ، وَبِهَائِكَ وَسُلْطَانِكَ ،

و والایی، و زیبایی و بزرگی و شکوه، و پادشاهی،

وَقُدْرَتِكَ وَبِمَحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ ، أَلَّا تَحْرِمَنِي

و قدرتت به تو متوسل می‌شوم و به واسطهٔ محمد و آل پاک او از تو می‌خواهم که

رِفْدَكَ وَقَوَائِدَكَ ، فَإِنَّهُ لَا يَعْتَرِبُكَ لِكثْرَةِ مَا يَتَدَقَّقُ

مرا از عطا و بخشش و سودبخشی‌هایت محروم مساز؛ چون، تو را به خاطر بخشش فراوانت بازدارندگی

بِهِ عَوَائِقُ الْبُخْلِ ، وَلَا يَنْقُصُ جُودَكَ تَقْصِيرٌ فِي شُكْرِ

بخل فرا نمی‌گیرد، و کوتاهی در سپاسگزاری نعمت تو، باعث کم و کاستی در جود و سخاوت تو

نِعْمَتِكَ، وَلَا تُفْنِي خَزَائِنَ مَوَاهِبِكَ النَّعَمُ ، وَلَا تَخَافُ

نمی‌شود، و نعمت بخشیدن‌ها باعث از بین‌رفتن گنجینه‌های بخشش تو نمی‌گردد؛

**صَيِّمِ اِمْلَاقٍ فَتَكْذِبِي وَلَا يَلْحَقُكَ خَوْفٌ عَدَمٍ فَيَنْقُصَ**

تو را ترس ننگدستی فرا نمی‌گیرد تا دست از بخشش برداری، و ترس ناداری نیز به تو راه نمی‌یابد

**فَيُضُّ فَضْلِكَ . اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا حَاشِعًا ، وَيَقِينًا**

که باعث کاستی در ریزش فضلت گردد. بار خدایا؛ به من قلبی باشعور و فروتن، و یقین و باوری

**صَادِقًا ، وَلِسَانًا ذَاكِرًا ، وَلَا تُؤَمِّمِّي مَكْرَكَ ،**

راستین و زبانی گویا به ذکر،ت، ارزانی دار؛ مرا ایمن از مکر خود مگردان،

**وَلَا تُكْشِفْ عَنِّي سِتْرَكَ ، وَلَا تُسْنِسِنِي ذِكْرَكَ ،**

و پرده‌پوشی‌ات را از من برنگیر؛ و یادت را از یاد من مبر؛

**وَلَا تُبَاعِدْنِي مِنْ جَوَارِكَ ، وَلَا تَقْطَعْ عَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ ،**

و از جوار رحمتت دورم مکن؛ و از رحمتت جدایم مساز؛

**وَلَا تُؤَيِّسْنِي مِنْ رَوْحِكَ ، وَكُنْ لِي أَنْبَسًا مِنْ كُلِّ**

و از یاری و مهربانی خویش ناامیدم مگردان؛ و همواره در تمام وحشت‌ها، همدم من باش؛

**وَحْشَةٍ ، وَاعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ ، وَنَجِّنِي مِنْ كُلِّ**

و مرا از هر هلاکتی حفظ کن؛ و از هر بلا و گرفتاری نجاتم بخش؛

**بَلَاءٍ ، فَإِنَّكَ لَا تُخَلِّفُ الْمِيعَادَ . اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي**

زیرا، واقعیت آن است که تو خلاف وعده‌ات عمل نمی‌کنی، بار اله!؛ مرا سرفراز کن

**وَلَا تَضَعْنِي ، وَزِدْنِي وَلَا تَسْقُضْنِي ، وَارْحَمْنِي**

و سرافکنده مگردان؛ برایم افزون کن و کم مگردان؛ و به من رحم کن

**وَلَا تُعَذِّبْنِي ، وَأَنْصُرْنِي وَلَا تَخْذُلْنِي ، وَأَثِرْنِي**

و عذابم مکن؛ و یاریم کن و خوارم مگردان؛ و مرا ترجیح بده

**وَلَا تُؤَثِّرْ عَلَيَّ ، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**

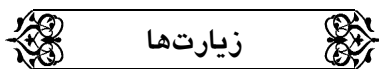
و دیگران را بر من ترجیح مده؛ و بر محمد و آل

**الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ ، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا . ۱**

پاک و پاکیزه‌اش درود بفرست و بسیار بسیار سلام خود را نثارشان کن.

۱. بحار الأنوار: ۲۴۰/۹۵، و مهج الدعوات (با تفاوت اندک).

## بخش یازدهم



### استحباب زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در هر زمان و مکان

علامه مجلسی رحمته الله علیه می‌فرماید: زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء همیشه و در همه جا مستحب است؛ و در سرداب مقدس (سامرا)، و نزد قبرهای اجداد پاکش صلوات الله عليهم اجمعین، از فضیلت و ارزش بیشتری برخوردار است.

و در زمان‌های شریف به خصوص شب میلادش یعنی نیمه شعبان (بنابر صحیح‌ترین روایات)، و شب قدر (که فرشتگان و روح در آن شب نزد آن حضرت می‌آیند) مناسبت بیشتری دارد.<sup>۱</sup>  
به این دو نکته توجه کنید:

۱- هنگام تشرف به اماکن مقدسه و حرم‌های مطهر اهل بیت علیهم السلام بهترین موقعیت از لحاظ مکان و حال زائر برای دعا

---

۱. بحار الأنوار: ۱۱۹/۱۰۲.

نمودن برای تعجیل ظهور امام زمان ارواحنا فداء وجود دارد؛ بنابراین، زائرین محترم باید به این وظیفه اساسی خود در همه اماکن مقدسه توجه داشته باشند.

۲- چون انسان از هر کجاکه بخواهد می‌تواند امام زمان ارواحنا فداء را زیارت کند، سزاوار است پس از خواندن زیارت در حرم‌های مطهر، به امام عصر ارواحنا فداء توجه نموده و با خواندن زیارت آن حضرت نیز قلب خود را صفا بخشیده و وظیفه خود را انجام دهد.

#### زیارت حضرات معصومین علیهم‌السلام

و هدیه ثواب آن به پیشگاه حضرت بقیة الله ارواحنا فداء

می‌توان ثواب هر زیارتی را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا به یکی از امامان علیهم‌السلام هدیه کرد.

شیخ طوسی رحمته‌الله با سند خود از داود صرمی روایت می‌کند که گفت: به امام بزرگوار امام هادی علیه‌السلام عرض کردم: من پدرت را زیارت کردم، و - ثواب - آن را برای شما قرار دادم.

حضرت فرمود:

با این کار، خداوند برای تو پاداش و ثواب بزرگ قرار داد، و ما تشکر می‌کنیم. <sup>۱</sup>

۱. مفتاح الجنات: ۵۳۱/۱.

بنابراین اکنون که شیعیان در دوران غیبت امام زمان ارواحنا فداء، در هجران آن بزرگوار به سر می‌برند و در عصر حضور و ظهور حضرتش نیستند و نمی‌توانند همیشه در مکان‌های مقدسی که مربوط به آن بزرگوار است مانند سرداب مقدس، مسجد کوفه، مسجد سهله و مسجد جمکران و... شرفیاب شوند؛ می‌توانند این کمبود و خسارت را با اهداء ثواب زیارت اماکن مقدسه دیگر به آن حضرت جبران کنند. و همچنین با خواندن زیارت‌های آن بزرگوار در حرم و زیارتگاهی که هستند به تقرب خود نزد خداوند مهربان بیفزایند و عنایات آن حضرت را به سوی خود جلب نمایند.

تاکنون افراد بسیاری از دوستان خاندان وحی در سرداب مقدس و همچنین اماکن مقدسه دیگر مورد عنایت امام زمان ارواحنا فداء قرار گرفته‌اند که در کتاب‌های متعدد ذکر شده است.

اکنون بعضی از زیارت‌های آن حضرت را نقل می‌کنم:



#### زیارت آل یس

شیخ بزرگوار جناب طبرسی رحمته‌الله در کتاب «الإحتجاج» می‌گوید: از ناحیه مقدسه حضرت مهدی ارواحنا فداء - پس از پاسخ به سؤالات جناب محمد حمیری - صادر گردید:

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ ، حِكْمَةٌ

نه در مورد امر او اندیشه می‌کنید، و نه از اولیای الهی می‌پذیرید؛ حکمتی است

بِالْعَةِ فَمَا تُغْنِي التُّدْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ، السَّلَامُ

کامل و رسا، ولی بیم دادن‌ها، برای کسانی که ایمان نیاورده‌اند، فایده‌ای ندارد؛ سلام

### عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ .

بر ما و بر بندگان شایسته خداوند.

هر گاه خواستید به واسطهٔ ما، به خداوند تعالی و نیز به سوی ما توجه

کرده و روی آورید؛ همان‌گونه که خدای تعالی فرموده است، بگویید:

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يُسُ﴾<sup>۱</sup> ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ

«سلام بر آل یاسین»، سلام بر تو ای دعوت کنندهٔ مردم به سوی خدا

وَرَبَّانِي آيَاتِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ

و پرورندهٔ آیات او؛ سلام بر تو ای باب رحمت خداوند و حاکم و مدبّر

دینِ او؛ سلام بر تو ای جانشین خداوند و یاری کنندهٔ حق او؛

۱. سورهٔ صافات، آیهٔ ۱۳۰.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَكِيلَ إِزَادَتِهِ ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای حجت خدا و دلیل و راهنمای ارادهٔ او؛ سلام

عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای تلاوت کنندهٔ کتاب خداوند و بازگو کنندهٔ مقصود آن؛ سلام بر تو

فِي أَنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

در تمام لحظه‌های شب و در همه بخش‌های روزت؛ سلام بر تو ای

بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي

باقی مانده (حجت‌های) خدا در زمینش؛ سلام بر تو ای عهد و پیمان خداوند که

أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي

آن را (از مردم) گرفت و آن را مورد تأکید قرار داد؛ سلام بر تو ای وعدهٔ الهی که

ضَمِنَهُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ ، وَالْعِلْمُ

خدا آن را ضمانت کرده؛ سلام بر تو ای پرچم برافراشته؛ و دانش

الْمَنْصُوبُ ، وَالْعُوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ ، وَعَدَا غَيْرِ

ریزان و فراگیر، و فریادرس، و رحمت گسترده بر اساس وعده‌ای که

مَكْدُوبٍ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

دروغ نیست. سلام بر تو آن وقتی که بپایمی‌خیزی، سلام بر تو

**حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ**

هنگامی که می‌نشین، سلام بر تو آن هنگامی که فرانت (قرآن) می‌کنی، و آن را بیان می‌نمایی، سلام

**عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقْنُتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ**

بر تو هنگامی که نماز می‌گزاری و قنوت می‌نمایی، سلام بر تو آن هنگامی

**تَرْكِعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَهَلَّلُ وَتُكَبِّرُ،**

که رکوع و سجود می‌کنی؛ سلام بر تو در وقتی که خدا را به یکتایی و بزرگی می‌ستایی،

**السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَعْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ**

سلام بر تو آن هنگامی که حمد و ستایش و طلب بخشش می‌کنی، سلام بر تو

**حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا**

آن هنگامی که صبح می‌کنی و شام می‌نمایی؛ سلام بر تو در شب آن هنگام که

**يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمَامُ**

همه جا را تاریکی فراگیرد، و در روز آن هنگام که روشنی‌اش جلوه‌گر شود، سلام بر تو ای امام

**الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ السَّامُولُ،**

مورد اعتماد و اطمینان؛ سلام بر تو ای جلودار و آرزوشده؛

**السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ. أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ**

سلام بر تو به سلام‌های گوناگون و فراگیر. ای مولایم؛ تو را گواه می‌گیرم

**أَنْتَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدُّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ**

که من شهادت می‌دهم معبودی جز خداوند نیست یگانه‌ای که شریکی ندارد؛ و این که

**مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ،**

محمد بنده و فرستادهٔ او است؛ جز او و اهلس هیچ محبوبی وجود ندارد.

**وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ،**

و تو را گواه می‌گیرم ای مولای من که علیؑ امیر و فرمانروای مؤمنان، حجت خداوند

**وَالْحَسَنَ حُجَّتَهُ، وَالْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ**

است؛ و امام حسن حجت اوست، و امام حسین حجت اوست، و امام سجاد

**الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَجَعْفَرَ بْنَ**

حجت اوست، و امام باقر حجت اوست، و امام صادق

**مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ**

حجت اوست، و امام کاظم حجت اوست، و امام رضا

**مُوسَى حُجَّتَهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ**

حجت اوست، و امام جواد حجت اوست، و امام هادی

**مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَشْهَدُ**

حجت اوست، و امام حسن عسکری حجت اوست، و گواهی می‌دهم که

**أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ . أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ ، وَأَنْ رَجَعْنَاكَ**

تو حجت خداوند هستی. شما آغاز و پایان هستیده؛ و رجعت و بازگشت همهٔ شما به دنیا حقیقتی است

**حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ**

که هیچ شک و تردیدی در آن راه ندارد، در آن روزی که ایمان کسی که از پیش ایمان نیاورده

**أَمِنَتْ مِنْ قَبْلِ أَنْ أُكْسِبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا ، وَأَنَّ**

یا در ایمانش خیر و بهرهای به دست نیاورده است، برایش سودی ندارد. (و اعتقاد این است که) به راستی

**الْمَوْتَ حَقٌّ ، وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ**

مرگ حقّ است، و (دو فرشتهٔ قبر) نکیر و منکر حق هستند، و گواهی می‌دهم که پراکنده‌شدن از قبرها

**النَّشْرَ حَقٌّ ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ ،**

حقّ است و برانگیخته‌شدن موجودات (در روز قیامت) حقّ است، و به راستی که صراط (و راه بهشت) حقّ

**وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ ، وَالْمِيزَانَ حَقٌّ ، وَالْحَشْرَ حَقٌّ ،**

است، و مرصاد (و جایگاه مراقبت) حقّ است، و میزان (و سنجش اعمال) حقّ است، و گردآمن حَقّ است،

**وَالْحِسَابَ حَقٌّ ، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ ، وَالْوَعْدَ**

و حساب (روز جزا) حقّ است و بهشت و جهنّم حقّ است، و وعده و بیم نسبت به بهشت

**وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ . يَا مَوْلَايَ شَقِيَّ مَنْ خَالَفَكُمُ ،**

و جهنّم حقّ است. مولای عزیزم؛ هر کس با شما مخالفت کند بدبخت است،

**وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ ، فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدُتُكَ**

و هر کس از شما فرمانبری نماید خوشبخت است؛ پس، تو گواه باش بر آنچه تو را گواه گرفتم؛

**عَلَيْهِ ، وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ ، بَرِيٌّ مِنْ عَدُوِّكَ ، فَالْحَقُّ مَا**

این‌ها در حالی است که من اراتمند تو هستم. از دشمنن بیزارم؛ پس اعتقاد دارم که حقّ و درستی همان چیزی

**رَضِيْتُمُوهُ ، وَالْبَاطِلُ مَا سَخَطْتُمُوهُ ، وَالْمَعْرُوفُ مَا**

است که شما از آن راضی باشید، و باطل و نادرستی چیزی است که شما نسبت به آن ناخشنود باشید؛ و کار خیر آن

**أَمَرْتُمْ بِهِ ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ ، فَنَفْسِي مُؤَمِّتَةٌ**

کاری است که شما دستور بدان داده‌اید، و کار زشت همان است که شما از آن باز داشته‌اید. پس روانِ و جان من

**بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ**

ایمان به خدای یگانهٔ بی‌شریک دارد، و به فرستاده‌اش حضرت محمدﷺ، و به امیر مؤمنان حضرت علیؑ

**وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلِيَّكُمْ وَآخِرِكُمْ ، وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ**

و به شما (اهل بیت)، ای مولای من؛ به اولین تا آخرین شما اعتقاد و ایمان دارم. و یاریم آماده است برای شما،

**لَكُمْ ، وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ .**

و دوستی خلص و اظهار محبّت خالص من تنها برای شماست؛ برآورده کن ای پروردگار؛ برآورده کن ای پروردگار.

دعای پس از زیارت: **اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ**

بارالها؛ از تو می‌خواهم و درخواست می‌کنم که بر



**مُحَمَّدٌ نَبِيٌّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةُ نُورِكَ** ، وَأَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي

محمد پیامبر رحمتت، و کلمهٔ تامّ نورت درود بفرستی. و قلبم را از

**نُورَ الْيَقِينِ** ، وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ ، وَفِكْرِي نُورَ

نور یقین و باور بر گردانی، و سینه‌ام را از روشنی ایمان، و اندیشه‌ام را از نور و روشنی

**النِّيَّاتِ** ، وَعَزَمِي نُورَ الْعِلْمِ ، وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ ،

نیت‌ها، و تصمیم و ارادهٔ مرا از نور دانش، و نیرویم را از نور و روشنی کردار،

**وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ** ، وَدَيْنِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ

و زبانم را از نور راستگویی، و دینم را از روشنی بینش‌هایی که از

**عِنْدِكَ** ، وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ ، وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ،

جانب خودت است، و چشمم را از نور هدایت، و گوش مرا از نور و روشنی حکمت،

**وَمُودَتِي نُورَ الْمُؤَالَاتِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ** ،

و موذت و دوستی خالص مرا از نور موالات و دوستی نسبت به حضرت محمد و آل او ـ که درود بر

**حَتَّى أَلْفَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ** ، فَتُعْشِّبْنِي

ایشان باد ـ پُر کنی؛ تا در نتیجه، با حالتی تو را ملاقات کنم که به عهد و پیمان تو وفا کرده

**رَحْمَتِكَ** ، يَا وَلِيَّيَ يَا حَمِيدٌ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

باشم، و در پایان نیز رحمت تو مرا فراگیره؛ ای سرپرست؛ ای ستوده. بارالها! بر محمد درود فرست؛

**حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ** ، وَخَلِيقَتِكَ فِي بِلَادِكَ، وَالِدَّاعِي

همان کسی که حجت تو در زمینت، و جانشینت در سرزمین‌هایت، و فراخوان

**إِلَيَّ سَبِيلِكَ** ، وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ، وَالثَّائِرِ بِأَمْرِكَ ، وَوَلِيِّ

به راهت، و بپادارندهٔ قسط و عدلت، و برانگیخته به دستورت است؛ سرپرست

**الْمُؤْمِنِينَ** ، وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ ، وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ ،

مؤمنان، و نابود کنندهٔ کافران، و روشنی‌بخش تاریکی،

**وَمُنْبِرِ الْحَقِّ** ، وَالتَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ ، وَكَلِمَتِكَ

و نورانی‌کنندهٔ حقیقت، و گویا به حکمت و راستی، و کلمهٔ

**التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ** ، الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ ، وَالْوَلِيِّ

تامّ و کامل تو در زمینت. چشم به راه و هراسان، و سرپرست

**النَّاصِحِ** ، سَفِينَةِ النَّجَاةِ ، وَعَلِمِ الْهُدَى ، وَنُورِ أَبْصَارِ

خبرخواه، کشتی نجات، و نشانهٔ هدایت، و روشنی دیدگان

**الْوَرَى** ، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَازْتَدَى ، وَمُجَلِّي الْعَمَى،

مردم، و بهترین کسی که پیراهن و عبا بر تن گرفت، برطرف کنندهٔ کوری و نابینایی،

**الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا** ، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا

(بالآخره) کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ چنان‌که از ستم و جور پر شده است،

وَجَوْرًا ، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

راستی که تو بر هر چیزی توانایی داری. بار خدایا، بر

وَلِيَّكَ وَابْنِ اَوْلِيَاَتِكَ ، الَّذِيْنَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ ،

وَلِيْنِ خُودَتِ وَ فرزند اولیای درود فرست؛ همان اولیایی که فرمانبری از ایشان را واجب و

وَأَوْجِبْتَ حَقَّهُمْ ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ ، وَطَهَّرْتَ تَهُمْ

مسلم گردانیدی، و حق‌شان را لازم شمردی، و رجس و پلیدی را از وجود ایشان دور ساخته و

تَطَهَّرُوا . اَللّٰهُمَّ اَنْصِرْهُ ، وَاَنْصِرْ بِهٖ لِدِيْنِكَ ، وَاَنْصِرْ

آنان را پاک و پاکیزه نمودی. بار الها؛ او را یاری کن، و به کمک او دینت

بِهٖ اَوْلِيَاَتِكَ وَاَوْلِيَاَتُهُ ، وَشِبَعَتَهُ وَاَنْصَارَهُ ، وَاَجْعَلْنَا

و دوستانت و دوستانش و پیروانش و یارانش را نیز یاری کن، و ما را نیز

مِنْهُمْ . اَللّٰهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ ، وَمِنْ شَرِّ

از این افراد قرار بده. بار الها؛ او را از شرِّ هر جفاکار سرکش، و از شرِّ

جَمِيْعِ خُلُقِكَ ، وَاَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ ،

تمام آفریدگانت پناه داده و نگه دار؛ و او را از پیش روی مبارکش، از پشت سر،

وَعَنْ يَمِيْنِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ ، وَاخْرِسْهُ وَاَمْنَعُهُ مِنْ اَنْ

از طرف راست و چپ حفظ کن؛ و او را از این که هر

يُوصَلُ اِلَيْهِ بِسُوءٍ ، وَاَحْفَظْ فِيْهِ رَسُوْلَكَ وَاَلْ

ناخوش آیند و بدی به ساحت قدس او برسد نگه‌اش دار، و با این حفظ، رسولت و آل

رَسُوْلِكَ ، وَاَظْهِرْ بِهٖ الْعَدْلَ ، وَاَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ ، وَاَنْصُرْ

رسولت را حفاظت کن ، و عدل و داد را به واسطهٔ او آشکار گردان، و با یاریت تأییدش کن، و

نَاصِرِ بِهٖ ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيْهِ ، وَاَقْصِمْ فَاصِمِيْهِ ، وَاَقْصِمْ

یارانش را یاری کن، و کسانی را که او را وامی‌گذارند واگذار، و کسانی را که قصد شکست او را دارند

بِهٖ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ ، وَاَقْتُلْ بِهٖ الْكُفَّارَ وَاَلْمُنَافِقِيْنَ

شکست بده ، و تمام قدرت کافران زورگو را به واسطهٔ او درهم شکن ، و تمام کافران و منافقان

وَجَمِيْعِ الْمُلْحِدِيْنَ ، حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْاَرْضِ

و همهٔ ملحدان را در هر جایی که باشند؛ در مشرق زمین

وَمَغَارِ بِهَا ، بَرِّهَا وَبَحْرِهَا ، وَاَمْلَأْ بِهٖ الْاَرْضَ عَدْلًا ،

و مغرب آن، خشکی آن و دریای آن؛ به قتل برسان؛ و به واسطهٔ او زمین را پر از عدل و داد فرما،

وَاَظْهِرْ بِهٖ دِيْنَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ ، وَاَجْعَلْنِيْ

و دین پیامبرت را -که درود خدا بر او و آل او باد- به خوبی ظاهر و آشکار گردان ، و مرا نیز

اللّٰهُمَّ مِنْ اَنْصَارِهِ وَاَعْوَانِهِ ، وَاَنْتَبَاعِهِ وَشِبَعَتِهِ ،

- بار الها؛ - از یاران و مددکاران و پیروان و شیعیان او قرار بده؛

وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ،

و در مورد آل محمد - سلام بر آنان باد - آن چه را ایشان آرزو دارند به من بنمایان.

وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ، يَا ذَا

و در مورد دشمنانشان نیز آنچه می‌ترسند و از آن حذر دارند به من بنمایان؛ ای معبود حقیقی؛ بپذیر و قبول کن.

الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱.

ای صاحب شکوه و بزرگواری؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.



### زیارت ندبه

علامه مجلسی رحمته الله می‌فرماید: ابو علی حسن بن اشناس گفت: ابوالفضل محمد بن عبدالله شیبانی خبر داد که ابو جعفر جناب محمد بن عبدالله بن جعفر جمیری برایش روایت کرد - و اجازه داده است به او که آنچه را او روایت کرده است روایت کند - که نامه‌ای از ناحیه مقدسه - که خداوند نگهبانش باد - برایش ارسال شد، و در آن نامه پس از پاسخ به سؤالاتی چند که داشته است، درباره نماز و توجه به این شرح وارد شده است: ۲

۱. الإحتجاج: ۲/۲۱۶، بحار الأنوار: ۲/۹۴، معادن الحکمة: ۲۹۱/۲.

۲. علامه مجلسی رحمته الله دستور نماز را در اینجا نقل فرموده ولی ما آن را در بخش نمازها بیان کرده‌ایم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

لَا لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْتَلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ

نه در مورد امر خدا اندیشه می‌کنید، و نه از اولیای الهی می‌پذیرید؛ حکمتی

بِالْغَةِ فَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ،

کامل و رساست، ولی نشانه‌ها و بیم‌دادن‌ها، برای کسانی که ایمان نیاورده‌اند، فایده‌ای ندارد؛

وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

سلام بر ما و بر بندگان شایسته خداوند.

پس هر گاه قصد توجه به خداوند و ما، به واسطه ما را داشتید،

همان گونه که خدای تعالی فرموده است، بگوئید:

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ﴾، ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ، وَاللَّهُ

«سلام بر آل یاسین» این، همان فضل آشکار است؛ و خداوند

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، لِمَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ،

صاحب فضل و قزون بخشی بزرگ است (البته) برای کسی که او را به راه مستقیم خود هدایت

قَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ يَا آلَ يَاسِينَ خِلَافَتَهُ، وَعِلْمَ مَجَارِي

می‌کند. ای آل یاسین؛ خداوند، جانشینی‌اش را به شما داد، و دانش مجراهای امر خودش را

**أَمْرِهِ، فِيمَا قَضَاهُ وَدَبَّرَهُ وَرَتَّبَهُ وَأَرَادَهُ فِي مَلَكُوتِهِ ،**

به شما عطا کرد. در مورد چیزهایی که قضا، تدبیر، ترتیب، و اراده‌اش در ملکوتش بدانها تعلق گرفته

**فَكَشَفَ لَكُمْ الْغِطَاءَ ، وَأَنْتُمْ حَزَنْتُمْهُ وَشَهِدَاؤُهُ ،**

بود. بدین سان، پرده از همه چیز برای شما برداشت. و شما خازنان و شاهدان

**وَعُلَمَاؤُهُ وَأُمَنَّاؤُهُ، سَاسَةَ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانُ الْبِلَادِ ،**

و عالمان و امینان الهی می‌باشید؛ اداره‌کنندهٔ امور بندگان خدا و ارکان و اساس

**وَقُضَاةُ الْأَحْكَامِ، وَأَبْوَابُ الْإِيمَانِ، وَسَالَةَ النَّبِيِّنَ ،**

سرزمین و قاضیان احکام، و درهای ایمان، و نسل و زادهٔ پیامبران،

**وَصَفْوَةُ الْمُرْسَلِينَ ، وَعِترَةُ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .**

و منتخب و برگزیدهٔ رسولان ، و خاندان بهترین برگزیده از جانب پروردگار جهانیان هستید.

**وَمِنْ تَقْدِيرِهِ مَنَائِحَ الْعَطَاءِ بِكُمْ إِنْفَادُهُ مَحْتَوْماً**

و از تقدیر الهی است که نافذ شدن بخشش‌های هدیه (به خلائق) به وسیلهٔ شما حتمی شده و به

**مَقْرُوناً ، فَمَا شَيْءٌ مِنْهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ السَّبَبُ ، وَإِلَيْهِ**

آنان می‌رسد ، هیچ چیزی نیست مگر آن‌که سببش شما، و راه به سوی او شما هستید؛

**السَّبِيلُ ، خِيَارُهُ لَوْلِيِكُمْ نِعْمَةٌ ، وَأَنْتِقَامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ**

چیزی که برای دوستتان برگزیند نعمت است، و انتقام او از دشمن‌تان

**سَخَطُهُ ، فَلَا نَجَاةَ وَلَا مَفْرَعٍ إِلَّا أَنْتُمْ ، وَلَا مَدَهَبَ**

خشم است. پس جز شما هیچ راه نجات و پناهگاهی نیست، و هیچ راه و چاره‌ای جز این وجود

**عَنْكُمْ ، يَا أَعْيُنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ ، وَحَمَلَةَ مَعْرِفَتِهِ ،**

ندارد؛ ای دیدگان بینیِ خداوند؛ و ای حاملان و دربردارندگان معرفت او؛

**وَمَسَاكِينَ تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ . وَأَنْتَ يَا**

ای منزلگاه یگانه‌پرستی او در زمین و آسمان؛ و تو نیز ای

**حُجَّةَ اللَّهِ وَبَيِّنَتَهُ كَمَالُ نِعْمَتِهِ ، وَوَارِثُ أَنْبِيَائِهِ**

حجتِ خداوند، و باقی‌ماندهٔ حجت‌های او؛ حدّ نهایی و کمال نعمت او؛ و وارث پیامبران

**وَحُلَفَائِهِ مَا بَلَغْنَا مِنْ دَهْرِنَا ، وَصَاحِبِ الرَّجْعَةِ**

و جانشینان او تا این زمان هستی، تو صاحب رجعت و بازگشت

**لِوَعْدِ رَبِّنَا الَّتِي فِيهَا دَوْلَةُ الْحَقِّ وَفَرَجُنَا وَنَصْرُ اللَّهِ**

برای وعدهٔ پروردگار ما می‌باشی که در آن، دولت حق و راحتی و گشایش در کار ما و یاری خداوند

**لَنَا وَعِزُّنَا . أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ ،**

به ما و عزّت ما است. سلام بر تو، ای پرچم برافراشته،

**وَالْعَلَمُ الْمَضْيُوبُ ، وَالْعَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ ،**

و دانیش ریزان و فراگیر، و دادرس و رحمت گسترده،

وَعَدَاً غَيْرَ مَكْذُوبٍ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَاحِبَ

بر اساس وعده‌ای که دروغ نیست؛ سلام بر تو ای صاحب

اَلْمُرَاٰی وَالْمَسْمَعِ ، الَّذِی بَعِیْنَ اللهُ مَوَاتِیْقَهُ ، وَیَبِیْدُ

دیدگاه و شنیدگاه، که عهد و پیمان‌هایش در محضر خداوند، و تمهیداتش به دست

اللهِ عُهُودُهُ ، وَیَقْدِرَةُ اللهُ سُلْطَانَهُ . اَنْتَ اَلْحَلِیْمُ الَّذِی

خدا، و پادشاهی‌اش با قدرت و توان خداوند است. تو، همان بردباری هستی که

لَا تُسْعِجِلُهُ الْعَصَبِیَّةُ ۱ ، وَالْكَرِیْمُ الَّذِی لَا تُسْبِخِلُهُ

تعصب باعث شتابزدگی‌اش نمی‌شود؛ و بزرگوار و صاحب کرامتی هستی که غضب و خشم موجب بخل

اَلْحَفِیْظَةُ ، وَالْعَالِمُ الَّذِی لَا تُجْهَلُهُ اَلْحَمِیَّةُ ،

او نمی‌شود؛ و دانشمندی هستی که غیرت باعث نادانی‌اش نمی‌گردد؛

مُجَاهِدَتُكَ فِیِ اللهُ ذَاتُ مَشِیَّةِ اللهُ ، وَمُقَارَعَتُكَ فِیِ

جهاد تو در راه خداوند همان خواست خداوندی است؛ و کوبندگی تو در

اللهِ ذَاتُ اِنْتِقَامِ اللهُ ، وَصَبْرُكَ فِیِ اللهُ ذُو اُنْسَاةِ اللهُ ،

راه خدا همان انتقام الهی است؛ و صبر و بردباری تو در راه خدا همان صبر خداوندی و مهلت

وَشُكْرُكَ لِهِنَّ ذُو مَزِیْدِ اللهُ وَرَحْمَتِهِ . اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا

اوست؛ و سپاسگزاری تو از خدا همان فزون‌بخشی و رحمت الهی است. سلام بر تو ای

<sup>[1]</sup> . الغضبة خ . المعصية خ

مَحْفُوظًا بِاللّٰهِ ، اَللّٰهُ نُورٌ اَمَامِهِ وَوَرَائِهِ ، وَيَسْمِیْنِهِ

کسی که به وسیلهٔ خداوند حفاظت و نگهداری شده است؛ خداوند، روشنی‌بخش پیش‌روی و پشت‌سرش و راست

وَسِمَالِهِ ، وَقَوْقِهِ وَتَحْتِهِ ، يَا مَحْرُوزًا فِی قُدْرَةِ اللهِ ،

و چپش و بالای سر و زیر پایش است؛ ای کسی که جایگاه استواری در سایهٔ قدرت خدا دارد؛

اَللّٰهُ نُورٌ سَمِعِهِ وَبَصَرِهِ ، وَيَا وَعْدَ اللهِ الَّذِی ضَمِنَهُ ،

خداوند، روشنی گوش و چشم اوست. ای وعدهٔ تضمین شدهٔ الهی؛

وَيَا مِیثَاقَ اللهِ الَّذِی اَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا

وای پیمان و میثاق خداوند که آن را (از مردم) پیمان گرفت و آن را مورد تأکید قرار داد؛ سلام بر تو ای

دَاعِيَ اللهُ وَرَبَّنَا فِی آیَاتِهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَابَ اللهِ

فراخوان به خدا و ای پرورندهٔ آیات الهی؛ سلام بر تو ای درگاه خداوندی

وَدِیَانَ دِیْنِهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِیْفَةَ اللهِ وَنَاصِرَ

و ای حاکم و مدبّر دین او؛ سلام بر تو ای جانشین خداوند و یاری‌گر

حَقِّهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ وَدَلِیْلَ اِرَادَتِهِ ،

حقّ او؛ سلام بر تو ای حجّت خدا و دلیل و راهنمای اراده و خواست او؛

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا تَالِیَ كِتَابِ اللهِ وَتَرْجُمَانَهُ ، اَلسَّلَامُ

سلام بر تو ای تلاوت‌کنندهٔ کتاب خدا و بیانگر مقصود آن؛ سلام

عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ ، اَلسَّلَامُ

بر تو در لحظه‌های شب و بخش‌های روزت. سلام

عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ حَسِبَنَّ

بر تو ای باقی‌ماندهٔ حجت‌های خداوند در زمین او؛ سلام بر تو هنگامی که

تقوم، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ حَسِبَنَّ تَقَعْدُ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ حَسِبَنَّ

بیامی‌خیزی؛ سلام بر تو هنگامی که می‌نشینی؛ سلام بر تو هنگامی که

تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ حَسِبَنَّ تُصَلِّي وَتَقْنُتُ ،

می‌خوانی و بیان می‌کنی؛ سلام بر تو هنگامی که نماز می‌گزی و قنوت می‌خوانی؛

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ حَسِبَنَّ تَرْكِعُ وَتَسْجُدُ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو هنگامی که رکوع و سجده می‌کنی، سلام بر تو

حَسِبَنَّ تَعُوذُ وَتُسَبِّحُ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ حَسِبَنَّ تُهَلِّلُ

هنگامی که تعویذ و تسبیح می‌گویی؛ سلام بر تو هنگامی که خدا را به یکتایی

وَتُكَبِّرُ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ حَسِبَنَّ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ ،

و بزرگی می‌ستایی؛ سلام بر تو هنگامی که حمد و استغفار می‌کنی؛

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ حَسِبَنَّ تُمَجِّدُ وَتَمْدَحُ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو هنگامی که مدح و ثنای الهی را بجا می‌آوری؛ سلام بر تو

حَسِبَنَّ تُمَسِّي وَتُصْبِحُ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا

هنگامی که صبح می‌کنی و شب می‌نمایی؛ سلام بر تو در شب هنگامی که تاریکی

يَعْشَى ، وَ[فِي] النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ، وَالْآخِرَةَ

همه جا را می‌پوشاند، و در روز که روشنی‌اش همه جا را فرا گرفته و جلوه‌گر می‌شود، و در آخرت

وَالْأُولَى . اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَّجَ اللَّهِ وَرُعَاتِنَا ،

و دنیا. سلام بر شما ای حجت‌های خداوند و سرپرستان ما،

وَهْدَاتِنَا وَدُعَاتِنَا ، وَقَادَتِنَا وَأَسْمَتِنَا ، وَسَادَتِنَا

و هدایت‌گزان و فراخوانان و رهبران و امامان و سروران و آقایان

وَمَوَالِينَا ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَنْتُمْ نُورُنَا ، وَأَنْتُمْ جَاهُنَا

و سرپرستان ما. سلام بر شما؛ شما نور و روشنی ما هستید؛ شما مواجه ما در

أَوْقَاتِ صَلَاتِنَا (صَلَوَاتِنَا) ، وَعِصْمَتِنَا بِكُمْ لِدُعَائِنَا

هنگام نمازهای ما هستید. و بازدارندهٔ ما از خطا در هنگام دعا،

وَصَلَاتِنَا ، وَصِيَامِنَا وَاسْتِغْفَارِنَا ، وَسَائِرِ أَعْمَالِنَا ،

نماز، روزه، استغفار و دیگر کارهای ما، شما هستید.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمَامُ الْمَأْمُونُ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای پیشوای مورد اعتماد و اطمینان؛ سلام بر تو

أَيُّهَا الْأَمَامُ الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ

ای پیشوای مقدم و آرزو شده؛ سلام بر تو به سلام‌های گوناگون و فراگیر.

السَّلَامِ. أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا

مولای من؛ تو را گواه می‌گیرم بر این که من شهادت می‌دهم جز خداوند معبودی نیست،

اللَّهِ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا

یگانه، یگانه و یکناست؛ بی‌شریک است؛ و این که حضرت محمدﷺ

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا حَسِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ، وَأَنَّ

بنده و فرستادهٔ اوست؛ جز او و اهلس هیچ محبویی وجود ندارد؛ و این

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْحَسَنَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ

 که امیر مؤمنان علی علیه السلام حجت الهی است؛ و امام حسن حجت اوست، و

الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ

امام حسین حجت اوست، و امام سجاد حجت اوست، و

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ،

امام محمد باقر حجت اوست، و امام صادق حجت اوست،

وَأَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى

و امام کاظم حجت اوست، و امام رضا حجت اوست،

حُجَّتَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ

و امام جواد حجت اوست، و امام هادی حجت اوست،

مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَنْتَ

و امام حسن عسکری حجت اوست و نیز تو حجت الهی هستی،

حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْأَنْبِيَاءَ دُعَاةٌ وَهَدَاةٌ رُسُلِكُمْ. أَنْتُمْ

و پیامبران فراخوانان و راهنمایان به سوی نیکی شما بودند. شما

الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَخَاتِمَتُهُ، وَأَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لَا شَكَّ

آغاز و پایان و ختم‌کننده‌اش هستید؛ به راستی، رجعت و بازگشت شما یک امر ثابتی است که

فِيهَا يَوْمٌ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ

در آن شکی نیست در روزی که اگر کسی ایمان از پیش نداشته یا از ایمان خود بهره و خیری بدست

أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ،

نیآورده باشد هیچ سودی برایش ندارد که در آن روز ایمان بیآورد. . گواهی می‌دهم که . مرگ حق

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُنْكَرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ، وَأَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ

است، و گواهی می‌دهم (دو فرشتهٔ قبر) نکیر و منکر حق است، و پخش‌شدن موجودات حق است،

وَالْبُعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ،

و برانگیخته‌شدن موجودات حق است، و صراط (پلی که بر روی دوزخ کشیده شده) حق است، و مرصاد (و جایگاه

۴۶۰

منتخب صحیفهٔ مهدیه

وَأَنَّ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ

مراقبت) حق است، و ترازوی سنجش اعمال حق است، و حسابرسی اعمال حق است، و بهشت و جهنم حق

حَقٌّ، وَالْجَزَاءَ بِهِمَا لِلْوَعْدِ وَالْوَعْدِ حَقٌّ. وَأَنْتُمْ

است، و پاداش دادن به وسیلهٔ بهشت و جهنم بر اساس وعده و تهدید حق است. و به راستی شما سزاوار

لِلشَّفَاعَةِ حَقٌّ، لَا تَرُدُّونَ وَلَا تَسْبِقُونَ بِمَشِيئَةِ اللَّهِ،

راستین برای شفاعت هستید، و بازگردانده نمی‌شوید، نسبت به خواست خداوند پیشی نمی‌گیرید،

وَيَأْمُرِهِ تَعْمَلُونَ، وَلِلَّهِ الرَّحْمَةُ وَالْكَلِمَةُ الْعُلْيَا،

و تنها به دستور او رفتار می‌کنید، و رحمت و کلمهٔ والا تنها به خدا اختصاص دارد،

وَيَبْدِهِ الْحُسْنَى، وَحُجَّةُ اللَّهِ النَّعْمَى (الْعَظْمَى)، خَلَقَ

و هر خیر و خوبی تنها در دست اوست، و حجّت خدا از همه مبارک‌تر (بزرگ‌تر)است؛

الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لِعِبَادَتِهِ، أَرَادَ مِنْ عِبَادِهِ عِبَادَتَهُ

جَنِّيَانِ وَ آدمیان را برای پرستش خود آفرید؛ از بندگانش پرستش را خواست

فَشَقِيٌّ وَسَعِيدٌ، قَدْ شَقِيَّ مَنْ خَالَفَكُمْ، وَسَعِدَ مَنْ

پس برخی سعادت‌مند و برخی بدبخت شدند؛ بدبخت کسی است که با شما مخالفت کند و سعادت‌مند کسی است

أَطَاعَكُمْ. وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ فَاشْهَدْ بِمَا أَشْهَدُكَ

که از شما فرمان ببرد، و تو ای مولای من؛ به آنچه تو را گواه گرفتم گواه باش،

زیارت ندبه

۴۶۱

عَلَيْهِ، تَخَزُنُهُ وَتَحْفَظُهُ لِي عِنْدَكَ، أَمُوتُ عَلَيْهِ،

و آن را نزدت برای من ذخیره و نگه‌داری کن. تا بر آن اعتقاد بمیرم، و با همین اعتقاد نیز

وَأَنْشُرُ عَلَيْهِ، وَأَقِفُ بِهِ وَلِيّاً لَكَ، بَرِيئاً مِنْ عَدُوِّكَ،

برانگیخته شوم، و در پیشگاه الهی بیایستم در حالی که ولایت شما را دارم و از دشمن تو بیزار باشم، و نسبت به کسی که

مَاقِئاً لِمَنْ أَبْغَضَكُمْ، وَادّاً لِمَنْ أَحَبَّكُمْ، فَالْحَقُّ مَا

با شما دشمنی کند دشمنی سرسختانه داشته باشم، و نسبت به کسی‌که دوست شماست دوستی ویژه‌ای برقرار کنم پس

رَضِيئُكُمْ، وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ، وَالْمَعْرُوفُ مَا

حق، همان چیزی است که شما از آن خشنود باشید، و باطل و نادرستی، همان چیزی است که شما از آن ناخشنود باشید؛

أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، وَالْقَضَاءُ الْمُبْتِئُ

و خوبی و نیکی همان چیزی است که بدان دستور فرمایید، و بدی و زشتی، همان چیزی است که شما از آن باز دارید،

مَا اسْتَأْثَرْتُ بِهِ مَشِيئَتِكُمْ، وَالْمَمْحُومُ مَا لَا اسْتَأْثَرْتُ

و قضای حتمی و محکم الهی همان است که خواست شما بدان تعلق پذیرد، و آنچه از بین رونده است همان

بِهِ سُنْتِكُمْ. فَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، مُحَمَّدٌ

چیزهایی است که سنت شما بر آن تعلق نگرفته باشد. پس، معبودی جز خداوند نیست که شریک ندارد؛

عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ، الْحَسَنُ

محمّد، بنده و فرستاده‌اش است؛ حضرت علی فرمان‌روای مؤمنان حجّت اوست، امام حسن



حُجَّتُهُ، الْحُسَيْنُ حُجَّتُهُ، عَلِيُّ حُجَّتُهُ، مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ،

حجّت اوست، امام حسین حجّت اوست، امام سجاد حجّت اوست، امام باقر حجّت اوست،

جَعْفَرٌ حُجَّتُهُ، مُوسَى حُجَّتُهُ، عَلِيُّ حُجَّتُهُ، مُحَمَّدٌ

امام صادق حجّت اوست، امام کاظم حجّت اوست، امام رضا حجّت اوست، امام جواد

حُجَّتُهُ، عَلِيُّ حُجَّتُهُ، الْحَسَنُ حُجَّتُهُ، أَنْتَ حُجَّتُهُ،

حجّت اوست، امام هادی حجّت اوست، امام عسکری حجّت اوست و تو، حجّت او هستی؛

أَنْتُمْ حُجَجُهُ وَرِأْهِبُهُ. أَنَا يَا مَوْلَايَ مُسْتَبْشِرٌ

شما، همگی حجّت‌های خداوند هستید و دلیلهای آشکار اومی‌باشید، مولای من؛ من، خشنود و بشارت‌یافته

بِالْبَيْعَةِ الَّتِي أَحَدَ اللَّهُ عَلَيَّ شَرْطَهُ فِتْنَالاً فِي سَبِيلِهِ

از بیعتی هستم که خداوند بر من مقّرّر فرمود تا در راه او به جنگ بپردازم

اشْتَرَىٰ بِهِ أَنْفُسَ الْمُؤْمِنِينَ، فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ

و در آن نبرد خداوند جان مؤمنان را از ایشان می‌خرد؛ بدین سان، روان من به خداوند

وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَيَرْسُولِهِ وَيَأْمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

یگانه بی‌شریک ایمان دارد، و به رسول خدا، و امیر مؤمنان،

وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ، أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ

و نیز به شما ای مولای عزیزم؛ از اوّل تا آخرتان ایمان دارد، و یاریم آماده برای شمامست،

مُعَدَّةٌ، وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ، وَبَرَائَتِي مِنْ أَعْدَائِكُمْ

و ابزار محبّت خالصانه‌ام برای شمامست؛ و بیزاریم از دشمنان شما که اهل ستیز و

أَهْلِ الْحِرْدَةِ وَالْجِدَالِ ثَابِتَةٌ، لِثَارِكُمْ أَنَا وَلِيِّي وَحَيْدٌ،

دعوانبد، دایم و همیشگی است؛ من، به تنها‌یی دوستی هستم که طالب انتقام خون شمایم (بدون این‌که به دیگران کزای

وَاللَّهُ إِلَهُ الْحَقِّ يَجْعَلُنِي كَذَلِكَ، آمِينَ آمِينَ. مَنْ لِي

داشته باشم)، و خداوندی را مبعود راستین می‌دانم و می‌خواهم که مرا چنان‌که می‌گویم فرار دهد ای خدا؛ پاسخ بده

إِلَّا أَنْتَ فِيمَا دَنْتُ، وَاعْتَصَمْتُ بِكَ فِيهِ، تَحْرُسُنِي

ببپذیر. چه کسی جز تو برای من هست در آنچه اعتقاد دارم و در آن به تو تمسّک جست‌هام؛ در این

فِيمَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ، يَا وَقَايَةَ اللَّهِ وَسِتْرَهُ وَبَرَكَتَهُ،

امور، که با آن‌ها خود را به تو نزدیک کردم مرا نگهدیانی و حفظ می‌کنی، ای نگه‌دارنده و

أَغْنِنِي [أَذِنْنِي، أَعْنِي] أَذْرِكُنِي، صَلِّنِي بِكَ

پوشش و برکت الهی؛ بفریادم برس، مرا نزدیک کن، کمک کن، مرا درباب، مرا به خودت ببیوند ده

وَلَا تَقْطَعْنِي. اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ بِهِمْ تَوَسَّلِي وَتَقَرُّبِي .

و جدا مکن. بار الها؛ توشل و تقرب من به تو، تنها به وسیله آنان (محمد و آل محمدﷺ) است؛

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ، وَ صَلِّنِي بِهِمْ

بار الها؛ بر محمد و آل او درود بفرست؛ و مرا به ایشان ببیوند ده

**وَلَا تُقْطِعْنِي . اَللّٰهُمَّ بِحُجَّتِكَ وَاَعِصْمِنِي ، وَسَلَامِكَ**

و جدا مکن. بار الهای، به وسیلهٔ حجتت مرا حفظ کن. و

**عَلَى آلِ يَس ، مَوْلَايِ أَنْتَ الْجَاهُ عِنْدَ اللَّهِ رَبِّكَ**

بر آل یاسین سلام بفرست. مولای من؛ تو آبرو دار نزد خدا که پروردگار من

**وَرَبِّي ، [إِنَّهُ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ] .**

و نوبست می‌باشی؛ راستی، او ستوده و شکوهمند است.

دعای پس از زیارت: **اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي**

بار الهای در واقع من به واسطهٔ اسمت از تو درخواست می‌کنم همان اسمی

**خَلَقْتَهُ مِنْ كُلِّكَ ذَلِكَ فَاسْتَقِرَّ فِيكَ، فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ اِلَى**

که آن را از تمامیت خود آفریدی و تنها در وجود تو قرار گرفته است و هرگز به سوی

**شَيْءٍ اَبَدًا ، اَيَا كَيْنُوْنَ اَيَا مَكْنُوْنَ ، اَيَا مُتَعَالٍ ، اَيَا**

چیز دیگری از ذات تو بیرون نمی‌رود. ای وجود حقیقی؛ ای پنهان؛ ای والا مرتبه؛ ای

**مُنْقَدِّسٌ ، اَيَا مُتَرَحِّمٌ ، اَيَا مُتَرَتِّفٌ، اَيَا مُنْحَنِّنٌ . اَسْأَلُكَ**

متقدس و پاکیزه ای رحم‌کننده؛ ای رأفت‌مآب؛ ای مهربان عزیز؛ از تو درخواست می‌کنم

**كَمَا خَلَقْتَهُ عَضًا اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ ،**

همان گونه که آن نام را با شکوفایی آفریدی، بر محمد - پیامبر رحمت،

**وَكَلِمَةِ نُورِكَ ، وَوَالِدِ هُدَاةٍ رَحْمَتِكَ ، وَاَمَلًا قَلْبِي نُورَ**

و کلمهٔ نورت، و پدر راهنمایان به رحمتت - درود فرستی؛ و قلبم را از روشنی

**الْيَقِيْنِ ، وَصَدْرِي نُورَ الْاِيْمَانِ ، وَفِكْرِي نُورَ**

یقین پر کنی. و سینهام را از نور ایمان، و اندیشه‌ام را از نور

**الثَّبَاتِ ، وَعَزْمِي نُورَ التَّوْفِيْقِ ، وَذُكَايِي نُورَ الْعِلْمِ ،**

پایداری، و تصمیمم را از نور موفقیت، و هوشمندی‌ام را از نور و روشنی دانش،

**وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ ، وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ ، وَدِئِنِي**

و نیرویم را از روشنی عمل، و زبانم را از نور راستگویی، و دینم را

**نُورَ الْبُصَايِرِ مِنْ عِنْدِكَ ، وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ ،**

از روشنی آگاهی‌بخش‌های خودت، و دیده‌ام را از روشنی هدایت.

**وَسَمْعِي نُورَ وَعْيِ الْحِكْمَةِ ، وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَاةِ**

و گوشم را از روشنی حفظ کردن حکمت، و دوستی خالصم را از نور دوستی

**لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَيَقِيْنِي قُوَّةَ السَّبْرَاءَةِ**

محمد و آل او - که درود بر ایشان باد - و یقینم را از نیروی بی‌زاری

**مِنْ اَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَاَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ ، حَتَّى اَلْفَاكِ**

از دشمنان محمد و دشمنان آل محمد پر گردانی؛ تا در نتیجه تو را

وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ ، فَلْتَسْعِنِي رَحْمَتَكَ ،

یا وفای به عهد و پیمانت دیدار کنم، و باعث فراگیری رحمتت نسبت به من گردد.

يَا وَلِيَّيْ يَا حَمِيدُ ، بِمَرَاكَ وَمَسْمَعِكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ

ای سرپرست؛ ای ستوده؛ ای حجت خدا؛ دعای من در محلّ دیدن و شنیدن تو است؛

دُعَائِي ، فَوْفَنِي مُنْجِرَاتِ اجَابَتِي ، اَعْتَصِمْ بِكَ ،

پس وعده‌های اجابتت را به من وفا کن و کامل گردان؛ به تو تکیه می‌کنم.

مَعَكَ مَعَكَ مَعَكَ سَمِعِي وَرِضَايَ يَا كَرِيمُ ۱

گوش من و خشنودی من با توست، با توست، با توست، ای بزرگوار.



### زیارت امام زمان ارواحنا فداء

#### در روز جمعه

سید جلیل القدر ، علیّ بن طاووس رحمته الله این زیارت را در روز

جمعه برای مولایمان امام زمان ارواحنا فداء نقل کرده است :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای حجت خدا در زمینش؛ سلام بر تو

۱. المزار الكبير : ۵۶۷ ، بحار الأنوار : ۲۶/۹۴ ، مصباح الرائر : ۴۳۰ (با تفاوتی اندک).

يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي

ای چشم خدا در میان آفریدگانش؛ سلام بر تو ای نور خدا، که

يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ ، وَيُفْرَجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ ،

هدایت جوینان با آن هدایت می‌یابند، و به وسیله آن بر مؤمنان گشایش و راحتی داده می‌شود؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَدَّبُ الْخَائِفُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای پاک شده بی‌آلایش و ترسان؛ سلام بر تو

أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ ،

ای سرپرست خیرخواه؛ سلام بر تو ای کشتی نجات؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى

سلام بر تو ای چشمه حیات و زندگانی؛ سلام بر تو؛ درود پیوسته

اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ ،

خدا بر تو و بر آل پاکیزه و پاک تست؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ

سلام بر تو، خداوند هر چه زودتر به تو ارزانی دارد آن‌چه را به تو وعده داده که یاریت کند

وَيُظْهِرُ الْأَمْرَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ ، أَنَا مَوْلَاكَ ،

و حکومت تو را آشکار گرداند . سلام بر تو ای مولای من؛ من ارادتمند تو هستم؛

عَارِفٌ بِأَوْلَاكَ وَأُخْرَاكَ ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ

با آغاز و پایانت آشنایم؛ به واسطهٔ تو و آل تو به

وِآلِ بَيْتِكَ ، وَأَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ وَظُهُورَ الْحَقِّ عَلَى

سوی خدا نزدیک می‌شوم، و منتظر ظهور تو و آشکار شدن حق

يَدَيْكَ ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

و حقیقت به دست تو هستم؛ از خدا درخواست می‌کنم که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ يَجْعَلَنِي مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ لَكَ ، وَالتَّابِعِينَ

محمد درود بفرستد، و مرا از منتظران تو قرار دهد، و جزو پیروان

وَالنَّاصِرِينَ لَكَ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ

و یاران تو بر ضد دشمنانت قرار دهد، و مرا در زمرهٔ کسانی که در پیش‌روی تو

يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَائِكَ . يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ

و جزو دوستان تو طالب شهادت می‌باشند قرار دهد. ای مولای من؛ ای صاحب

الزَّمانِ ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ ، هَذَا

الزمان؛ درود خداوند بر تو و بر آل تو نثار باد. امروز،

يَوْمَ الْجُمُعَةِ ، وَهُوَ يَوْمُكَ الْمَتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ ،

جمعه است؛ همان روزی که انتظار می‌رود ظهورت در چنین روزی به وقوع بپیوندد،

وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ ، وَقَتْلُ الْكَافِرِينَ

و به دست تو مؤمنان از گرفتاری نجات یابند؛ و شمشیر با کفایت تو کافران را بکشد.

بِسَيِّفِكَ ، وَأَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ صَيِّفُكَ وَجَارُكَ ، وَأَنْتَ

و من ای مولای من؛ در این روز میهمان و پناهندهٔ تو هستم؛ و تو ای

يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ ، وَمَأْمُورٌ

مولا و سرورم؛ بزرگوار و از فرزندان بزرگواران هستی، و دستور الهی به تو آن است که

بِالضِّيَافَةِ وَالْإِجَارَةِ ، فَأَضْفِنِي وَأَجِرْنِي ، صَلَوَاتُ

مهمان را ببذیری و پناه‌دادن را انجام دهی؛ پس، مرا مهمان نما و پناه بده. درود

اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ .

دایم خداوند بر تو و اهل بیت پاکت باد.

سَیِّدِ بزرگوار جناب رضی‌الدین علی بن طاووس حسنی‏‏ عليه السلام می‌فرماید:

من پس از این زیارت، با اشاره و کنایه به حضرتش عرض می‌کنم :

نَزَيْلُكَ حَيْثُ مَا اتَّجَهْتُ رِكَابِي      وَصَيِّفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ

هر جا مرکبم روی نماید بر خوان احسان تو فرود آیم، و در هر

شهری که باشم مهمان تو هستم.

<sup>[1]</sup> جمال الأسبوع: ۴۱



زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء  
که در مشکلات و سختی‌ها خوانده می‌شود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ الْحُجَّةَ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای محمد بن حسن، ای حجت (خدا)؛ سلام

عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ

بر تو ای صاحب امر؛ سلام بر تو ای صاحب

التَّدْبِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ،

تدبیر و چاره‌اندیشی؛ سلام بر تو ای مولای ما؛ ای صاحب زمان؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمَامُ الْمُنتَظَرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای امام مورد انتظار؛ سلام بر تو

أَيُّهَا الْقَائِمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْخَلْفُ الصَّالِحُ

ای قیام کننده؛ سلام بر تو ای جانشین شایسته

لِأَيِّمَةِ الْمُعْصُومِينَ الْمُطَهَّرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

امامان معصوم و پاک؛ سلام بر تو ای

إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ

پیشوای مسلمانان؛ سلام بر تو ای ولی خدا؛ سلام

عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

بر تو ای جانشین راستین رسول خدا که درود خدا بر او و آل او باد؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَلْدَةَ كَيْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

سلام بر تو ای جگرگوشه پیامبر خدا که درود خدا بر او

وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

و آل او باد؛ سلام بر تو ای حجت خدا؛ سلام بر تو ای

بَضْعَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

پاره تن رسول خدا که درود خدا بر او و آل او باد؛ سلام بر تو

يَا جَادَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَوْثَ الْمُسْتَعِيثِينَ،

ای راهی که به خدا می‌رسد؛ سلام بر تو ای فریادرس فریاد کنندگان؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَوْثَ الْمَلْهُوفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای فریادرس دلسوختگان؛ سلام بر تو ای

عَوْنَ الْمَظْلُومِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُطْبَ الْعَالَمِ ،

یاور ستمدیدگان؛ سلام بر تو ای محور جهان هستی؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمَسِيحِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای امام و پیشوای حضرت (عیسی) مسیح؛ سلام بر تو ای

عَدِيْلَ الْخَيْرِ ، أَذْرِكُنِي ، أَذْرِكُنِي ، أَذْرِكُنِي ، أَعِنِّي

همسنگ خوبی‌ها؛ مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب؛ کمکم کن

وَلَا تَعْنُ عَلَيَّ ، وَأَنْصُرْنِي وَلَا تَنْصُرْ عَلَيَّ ، كُنْ مَعِي

و بر علیه من کمک مکن؛ یاریم رسان و مخالفانم را یاری مکن؛ همراهم باش

وَلَا تُفَارِقْنِي ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ شَاكِرًا وَمُصَلِّيًا وَهُوَ

و از من جدا مشو. بر خدا توکل کردم در حالی که او را سپاسگزار می‌کنم و نماز می‌خوانم؛

حَسْبِي وَيَعْمَ الْوَكِيلُ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

او مرا بس است و وکیل خوبی است؛ و درود پیوسته خداوند بر آقای ما حضرت محمد

وَأَلِيهِ . ۱

و آل او، نثار باد.



### زیارت ناحیه مقدسه

علامه مجلسی رحمته الله در «بحار الأنوار» می‌گوید: شیخ مفید رحمته الله

روایت کرده است: هرگاه خواستی امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا

زیارت کنی، نزد آن حضرت بایست، و بگو:

السَّلَامُ عَلَيَّ أَدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ

سلام بر آدم، برگزیده خداوند از بین آفریدگانش؛ سلام بر

شَيْثٍ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ إِدْرِيسَ الْقَائِمِ

حضرت شیث ولی خدا و انتخاب‌شده او. سلام بر جناب ادريس پربادارنده

لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ نُوحَ الْمُجَابِ فِي دَعْوَتِهِ ،

حجت الهی؛ سلام بر نوح پاسخ داده شده در دعایش؛

السَّلَامُ عَلَيَّ هُودَ الْمَمْدُودِ مِنَ اللَّهِ بِمَعُونَتِهِ ، السَّلَامُ

سلام بر هود که از طرف خداوند کمک‌های بسیار به او شد؛ سلام

عَلَيَّ ضَالِحَ الَّذِي تَوَجَّهَ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ

بر صالح که خداوند به او تاج کرامت و بزرگواری بخشید؛ سلام بر

إِبْرَاهِيمَ الَّذِي حَبَّاهُ اللَّهُ بِخُلَّتِيهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ

ابراهیم که خداوند مقام خلت و دوستی ویژهٔ خود را به او بخشید؛ سلام بر

إِسْمَاعِيلَ الَّذِي فَدَاهُ اللَّهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ مِنْ جَنَّتِيهِ ،

اسماعیل که خداوند قربانی بزرگی از بهشت را فدای او قرار داد (و او را آزاد نمود)؛

السَّلَامُ عَلَيَّ إِسْحَاقَ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ النُّسْبَةَ فِي

سلام بر اسحاق که خداوند پیامبری و نبوت را در

ذُرِّيَّتِيهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ يَعْقُوبَ الَّذِي رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ

نسل او قرار داد؛ سلام بر یعقوب که خداوند با رحمتش نور

بَصَرَهُ بِرَحْمَتِيهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ يُوسُفَ الَّذِي نَجَّاهُ اللَّهُ

چشمانش را به وی بازگرداند؛ سلام بر یوسف که خداوند

مِنْ الْجَبِّ بِعَظَمَتِيهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُوسَى الَّذِي فَلَقَ

به عظمتش او را از چاه نجات بخشید؛ سلام بر موسی که

اللَّهُ الْبَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِيهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ هَارُونَ الَّذِي

خداوند دریا را با نیروی خودش برای او شکافت؛ سلام بر هارون که

حَصَّهُ اللَّهُ بِنُبُوَّتِيهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ شُعَيْبٍ الَّذِي نَصَرَهُ

خداوند او را به پیامبری خود مخصوص گردانید؛ سلام بر شعیب که

اللَّهُ عَلَيَّ أُمَّتِيهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ دَاوُدَ الَّذِي تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ

خدا او را بر آمتش پیروز کرد؛ سلام بر داود که خدا توبهٔ او را از

مِنْ خَطِيئَتِيهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ سُلَيْمَانَ الَّذِي دَلَّتْ لَهُ

خطا و اشتباهش پذیرفت؛ سلام بر سلیمان که جتیان به واسطهٔ

الْجِنِّ بِعِزَّتِيهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَيُّوبَ الَّذِي شَفَّاهُ اللَّهُ مِنْ

عزتش، در مقابلش فروتن شدند؛ سلام بر ایوب که خدا از بیماری

عَلَّتِيهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ يُونُسَ الَّذِي أَنْجَرَ اللَّهُ لَهُ

و گرفتاری بهبودش بخشید؛ سلام بر یونس که خداوند وعده‌اش را برای او

مَضْمُونَ عِدَّتِيهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ عَزْرِيْرَ الَّذِي أَحْيَاهُ اللَّهُ

وفا کرد؛ سلام بر عزیز که خداوند او را

بَعْدَ مَمِيَّتِيهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ زَكَرِيَّا الصَّابِرِ فِي مِخْنَتِيهِ ،

پس از مردن دوباره زنده کرد؛ سلام بر زکریا که در محنت و اندوهش شکیبایی ورزید؛

السَّلَامُ عَلَيَّ يَحْيَى الَّذِي أَرْزَقَهُ اللَّهُ بِشَهَادَتِيهِ ،

سلام بر یحیی که خدا با مقام شهادتش او را منزلت داد؛

السَّلَامُ عَلَيَّ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ وَكَلِمَتِيهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ

سلام بر عیسی که روح خدا و کلمهٔ الهی بود؛ سلام بر

مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ وَصِفْوَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَمِيرِ

حضرت محمد که محبوب و برگزیدهٔ پروردگار است؛ سلام بر امیر

الْمُؤْمِنِينَ عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الْمَخْضُوصِ بِأَخْوَتِهِ ،

مؤمنان حضرت علی فرزند ابو طالب که برادری پیامبر ویژهٔ او شد؛

السَّلَامُ عَلَيَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ اِئْتَبَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ أَبِي

سلام بر حضرت فاطمهٔ زهرا، دختر رسول خدا؛ سلام بر حضرت ابو

مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيِّ أَبِيهِ وَخَلِيفَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ

محمد امام حسن که وصی پدر و جانشین او بود؛ سلام بر

الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ

امام حسین که نفسش بزرگواری نمود با ریختن خون او (در راه خدا)؛ سلام بر

مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ

کسی که خدا را در پنهان و آشکارا فرمانبرداری کرده؛ سلام بر کسی که

جَعَلَ اللَّهُ الشِّفَاءَ فِي تَرْبِيَتِهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ الْإِجَابَةُ

خداوند شفا را در خاک قبرش قرار داد؛ سلام بر کسی که اجابت و پاسخگویی خداوند به دعاها

تَحَتَ قَبْرِهِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ الْأَيُّمَةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ ،

در زیر گنبد شریفش حتمی است؛ سلام بر کسی که امان و پیشوایان اسلام از نسل او هستند.

السَّلَامُ عَلَيَّ ابْنِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ ابْنِ

سلام بر فرزند آخرین پیامبران؛ سلام بر فرزند

سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ،

سرور جانشینان؛ سلام بر فرزند حضرت فاطمهٔ زهرا؛

السَّلَامُ عَلَيَّ ابْنِ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى ، السَّلَامُ عَلَيَّ ابْنِ

سلام بر فرزند خدیجهٔ کبری؛ سلام بر فرزند

سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى ، السَّلَامُ عَلَيَّ ابْنِ جَنَّةِ السَّمَاوَى ،

سدرهٔ المنتهی (بالترین مکان در بهشت)؛ سلام بر فرزند بهشتی که جایگاه آسایش است؛

السَّلَامُ عَلَيَّ ابْنِ زَمْرَمَ وَالصَّفَا ، السَّلَامُ عَلَيَّ

سلام بر فرزند زمزم و صفا؛ سلام بر

الْمُرْمَلِ بِالِدِّمَاءِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْمَهْتُوكِ الْخَبَاءِ ،

کسی که در خونش غلتید، سلام بر کسی که خیمه‌گاهش هتک حرمت شد،

السَّلَامُ عَلَيَّ خَامِسِ أَصْحَابِ أَهْلِ الْكِسَاءِ ، السَّلَامُ

سلام بر پنجمین نفر از اصحاب کساء؛ سلام

عَلَيَّ غَرِيبِ الْغُرَبَاءِ ، السَّلَامُ عَلَيَّ شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ ،

بر غریب غریبان؛ سلام بر شهید شهیدان؛



السَّلَامُ عَلَى قَتِيلِ الْأَدْعِيَاءِ ، السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ

سلام بر کشته شده به دست حرام‌زادگان؛ سلام بر ساکن

کربلاء ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتَهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ ،

کربلا؛ سلام بر کسی که فرشتگان آسمان بر او گریستند؛

السَّلَامُ عَلَى مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْأَزْكَيَاءُ ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر کسی که فرزندانش پاک‌ترین و ناب‌ترین انسان‌ها بودند؛ سلام بر

يَعْسُوبِ الدِّينِ ، السَّلَامُ عَلَى مَنْزِلِ الْبِرَاهِمِينَ ،

پادشاه و پیشوای دین؛ سلام بر منزلگاه‌های دلایل روشن الهی؛

السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ السَّادَاتِ ، السَّلَامُ عَلَى الْجَبُوبِ

سلام بر امامان والا و شرافتمند؛ سلام بر گریبان‌های

الْمُضَرَّجَاتِ ، السَّلَامُ عَلَى الشَّفَاهِ الذَّابِلَاتِ ، السَّلَامُ

خون‌لوده؛ سلام بر لب‌های خشکیده؛ سلام

عَلَى النُّفُوسِ الْمُصْطَلَمَاتِ ، السَّلَامُ عَلَى الْأَزْوَاحِ

بر جان‌های بلا دیده؛ سلام بر روح‌های

الْمُخْتَلَسَاتِ ، السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَادِ الْعَارِيَاتِ ،

از بدن‌ها شده؛ سلام بر پیکرهای عریان شده؛

السَّلَامُ عَلَى الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر جسم‌های رنگ پریده؛ سلام بر

الدِّمَاءِ الشَّائِلَاتِ ، السَّلَامُ عَلَى الْأَعْضَاءِ

خون‌های جاری شده؛ سلام بر عضوهای

الْمُقَطَّعَاتِ ، السَّلَامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمُمَشَلَاتِ ،

قطعه قطعه شده؛ سلام بر سرهای به نیزه رفته؛

السَّلَامُ عَلَى النَّسْوَةِ الْبَارِزَاتِ ، السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ

سلام بر زنتی که نمودار گشته (از خیمه بیرون آمده)؛ سلام بر حجت

رَبِّ الْعَالَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ

پروردگار جهانیان؛ سلام بر تو (ای حسین) و بر پدران

الطَّاهِرِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبْنَائِكَ

پاکت؛ سلام بر تو و بر فرزندان

الْمُسْتَشْهِدِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ

شهادت‌طلبت؛ سلام بر تو و بر نسل

النَّاصِرِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ

یاری‌کننده‌ت؛ سلام بر تو و بر فرشتگان

الْمُضَاجِعِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْقَتِيلِ الْمَطْلُومِ، السَّلَامُ

کنار آرامگاهت؛ سلام بر کشته ستمدیده؛ سلام

عَلَى أَحِبِّهِ الْمَسْمُومِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ الْكَبِيرِ،

بر برادر مسمومش (امام حسن)؛ سلام بر علی بزرگ (علی اکبر)؛

السَّلَامُ عَلَى الرَّضِيعِ الصَّغِيرِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَبْدَانِ

سلام بر آن شیرخوار کوچک؛ سلام بر بدن‌هایی که (جامه‌های آنان)

السَّلْبِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَى الْعِزَّةِ الْقَرِيبَةِ (الْقَرِيبَةِ)، السَّلَامُ

به تاراج رفته؛ سلام بر خاندان نزدیک به پیامبر؛ سلام بر

عَلَى الْمَجْدَلِينَ فِي الْقَلَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النَّازِحِينَ

روی زمین افتادگان در بیابان‌ها؛ سلام بر دور شدگان از

عَنِ الْأَوْطَانِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَدْفُونِينَ بِلَا أَكْفَانِ،

سرزمین خویش؛ سلام بر خاک سپرده‌شدگان بی‌کفن؛

السَّلَامُ عَلَى الرُّؤُوسِ الْمَفْرَقَةِ عَنِ الْأَبْدَانِ، السَّلَامُ

سلام بر سرهای جدا شده از بدن‌ها؛ سلام

عَلَى الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَطْلُومِ بِلَا

بر کسی که مصابیش را به حساب خدا گذارد و شکیبیا بود؛ سلام بر ستمدیده

نَاصِرٍ، السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ التُّرْبَةِ الرَّاكِبَةِ، السَّلَامُ

بی‌یاور؛ سلام بر کسی که در خاک پاک سکونت گزید؛ سلام

عَلَى صَاحِبِ الْقُبَّةِ السَّامِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ طَهَّرَهُ

بر صاحب گنبدی بلندمرتبه؛ سلام بر کسی که خدای بزرگ، او را پاک نمود؛

الْجَلِيلِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ افْتَخَرَ بِهِ جِبْرِئِيلُ، السَّلَامُ

سلام بر کسی که جبرئیل به او افتخار می‌کرد؛ سلام

عَلَى مَنْ نَاغَاهُ فِي الْمَهْدِ مِيكَائِيلُ، السَّلَامُ عَلَى

بر کسی که در گهواره میکائیل برایش لالائی می‌گفت؛ سلام بر

مَنْ نُكَيْتَتْ ذِمَّتُهُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ هَتِكَتْ حُرْمَتُهُ،

آن که پیمانش را شکستند؛ سلام بر کسی که حرمتش را هتک نمودند؛

السَّلَامُ عَلَى مَنْ أُرِيقُ بِالظُّلْمِ دَمُهُ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر کسی که خونش را به ناحق و با ستمکاری ریختند، سلام بر

الْمُعْسَلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُجَرَّعِ

کسی که با خون جراحاتش شستشو داده شد، سلام بر کسی که از

بِكَاسَاتِ الرَّمَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُضَامِ الْمُسْتَبَاحِ،

کاسه‌های نیزه‌ها جرعه نوشید، سلام بر کسی که بر وی ستم کرده و ریختن خونش را حلال شمردند؛

**اَلسَّلَامُ عَلَی الْمُنْحَوِرِ فِی الْوَرَى** ، **اَلسَّلَامُ عَلَی مَنْ**

سلام بر او که جلو روی همهٔ مردم سرش را از تن جدا کردند. وکسی چیزی نگفت.؛ سلام بر آن آقای

**دَفَنَهُ أَهْلُ الْقُرَى** ، **اَلسَّلَامُ عَلَی الْمَقْطُوعِ الْوَتَیْنِ** ،

بزرگزاده‌ای که روستاشیمان (بنی‌اسد) دفنش کردند؛ سلام بر آن که رگ گردن مبارکش بریده شد؛

**اَلسَّلَامُ عَلَی الْمُحَامِیِ بِلَا مُعِیْنٍ** ، **اَلسَّلَامُ عَلَی**

سلام بر آن حمایت‌گر بی‌یاور؛ سلام بر

**الشَّیْبِ الْخَضِیْبِ** ، **اَلسَّلَامُ عَلَی الْخَدِّ التَّرِیْبِ** ،

محاسن با خون خضاب شده؛ سلام بر آن گونه و رخسار خاک آلوده؛

**اَلسَّلَامُ عَلَی اَلْبَدَنِ السَّلِیْبِ** ، **اَلسَّلَامُ عَلَی الثَّغْرِ**

سلام بر آن بدنی که لباس‌هایش به تاراج رفته؛ سلام بر آن دندان

**اَلْمَقْرُوعِ بِالْقَضِیْبِ** ، **اَلسَّلَامُ عَلَی الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ** ،

مبارکی که با چوب (خیزران) کوبیده شد؛ سلام بر آن سری که بر بالای نیزه رفت؛

**اَلسَّلَامُ عَلَی الْأَجْسَامِ الْعَارِیَةِ فِی السَّفَلَاتِ** ،

سلام بر بدن‌هایی که بدون پوشش در بیابان‌ها افتاده بودند؛

**تَنْهَشُهَا الذُّئَابُ الْعَادِیَاتُ** ، **وَتَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ**

گرگ‌های متجاوز آن‌ها را دریدند و درندگان وحشی پیرامون‌شان

**اَلضَّارِیَاتُ** ، **اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا مَوْلَایَ وَعَلَى**

رفت و آمد می‌کردند؛ سلام بر تو ای مولای من؛ و بر

**اَلْمَلَائِكَةِ الْمُرْفُوفِیْنَ حَوْلَ قَبَّتِكَ** ، **اَلْحَاقِیْنَ بِتُرْبَتِكَ** ،

فرشتگانی که گرداگردگنبد شریف‌ت بال گشوده‌اند؛ خاک پاک قبرت را در بر گرفته‌اند؛

**اَلطَّائِفِیْنَ بِعَرْصَتِكَ** ، **اَلْوَارِدِیْنَ لِزِیَارَتِكَ** ، **اَلسَّلَامُ**

به طواف حرمت مشغول‌اند، و برای زیارت وارد می‌شوند؛ سلام

**عَلَیْكَ فَإِنِّی قَصَدْتُ إِلَیْكَ** ، **وَرَجَوْتُ اَلْفَوْزَ كَدَیْكَ** ،

بر تو؛ من به قصد زیارت تو آمده‌ام و امیدوارم نزد تو رستگار شوم.

**اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ سَلَامَ اَلْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ** ، **اَلْمُخْلِصِ**

سلام بر تو؛ سلام کسی که عارف و آشنا به حرمت تو، و اخلاص دارنده

**فِی وَلاِیَتِكَ** ، **اَلْمُتَّقِرِّبِ اِلَیَّ اللّهِ بِمَحَبَّتِكَ** ، **اَلْبَرِّیِّ مِنْ**

در ولایت تو، تقرب جوینده به سوی خدا با محبت تو، و بی‌زاری جوینده از

**أَعْدَائِكَ** ، **سَلَامَ مَنْ قَلْبُهُ بِمُصَابِكِ مَقْرُوحٌ** ، **وَدَمْعُهُ**

دشمنانت می‌باشد؛ سلام کسی که دلش از مصیبت تو جریحه‌دار، و اشکش

**عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ** ، **سَلَامَ اَلْمَفْجُوعِ اَلْحَزَنِ اَلْوَالِیِّ**

با یاد تو ریزان است؛ سلام دردمندی اندوهگین و سرگشته‌ای

**الْمُسْتَكِينِ**، سَلامَ مَنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطُّفُوفِ لَوْفَاكَ

بیچاره؛ سلام کسی که اگر در آن صحرای کربلا همراهت بود به طور حتم تو را

بِسَنَفِهِ حَدَّ السُّيُوفِ ، وَبَدَلَ حُشاشَتَهُ دُونَكَ

با جان خود در برابر تیزی شمشیرها نگهداری می‌کرد و نیمه‌جانی را که در پیکرش باقی مانده برای تو در

لِلْحُتُوفِ ، وَجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْكَ ، وَنَصَرَكَ عَلَي مَنْ

معرض مرگ قرار می‌داد؛ و در پیشگاه تو به نبرد می‌پرداخت، و در مقابل

بَغَى عَلَيْكَ ، وَقَدَاكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ ،

ستمکاران بر تو، یاریت می‌کرد؛ و روح و جسم و دارایی و فرزندان خود را فدایت می‌ساخت،

وَرُوحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً ، وَأَهْلُهُ لِأَهْلِكَ وِفَاءً . فَلَيْتَنِ

و روحش را فدای روح شریف‌ت می‌کرد و خانواده‌اش را به حفظ و نگهداری خانواده‌ات می‌گماشت.

أَخَّرَ تَنِييَ الدُّهُورُ ، وَعَاقَنِي عَن نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ ،

پس اگر روزگار مرا از زمان تو دور داشته، و مقدرات مرا از یاریت باز داشت،

وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا ، وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ

و نبودم که با جنگجویانی که به جنگ تو آمدند بجنگم، و با

الْعَدَاوَةَ مُنَاصِبًا ، فَلَا تُدْبِرَنَّكَ صَبَاحًا وَمَسَاءً ،

دشمنانت بستنیزم؛ لیکن، هر صبح و شام بر تو ناله و زاری و شیون می‌کنم،

**وَلَا بُكَيْنَ لَكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا ، حَسْرَةً عَلَيْنِكَ ،**

و به جای اشک، برایت خون می‌گیرم؛ از حسرتی که بر تو می‌خورم،

وَتَأْسَفًا عَلَي مَا دَهَاكَ ، وَتَلَهْفًا حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةٍ

و تأسفی که بر رنج تو دارم و در سوز و گداز می‌ملم تا زمانی که

الْمُصَابِ ، وَغُصَّةِ الْإِكْتِيَابِ . أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ

از این مصیبت و غصه و اندوه بمیرم. گواهی می‌دهم که تو نماز را برپا داشتی،

الصَّلَاةَ ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ ،

و زکات را پرداختی، و به معروف و نیکی فرمان دادی،

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْعُدْوَانِ ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَمَا

و از بدی‌ها و ستمکاری‌ها باز داشتی، و از خدا فرمان بردی و نافرمانی نکردی.

عَصِيَّتَهُ ، وَتَمَسَّكَتْ بِهِ وَبِحَبْلِهِ فَأَرْضِيَّتَهُ وَحَشِيَّتَهُ ،

و به خدا و ریسمان او جنگ زدی تا آن‌که او را از خود راضی و خشنود کردی در حالی‌که از او ترس

وَرَاقِبْتَهُ وَاسْتَجَبْتَهُ ، وَسَنَنْتَ السُّنَنَ ، وَأَطْفَأْتَ

داشتی؛ و مراقب و مواظب او بودی و او را پاسخ دادی، و به سنت‌ها و مستحبات عمل کردی،

الْفِتْنَ ، وَدَعَوْتَ إِلَى الرَّشَادِ ، وَأَوْضَحْتَ سُبُلَ

و فتنه‌ها را خاموش نمودی، و به رشد و تکامل فراخواندی، و راه‌های

**السَّدَادِ ، وَجَاهَدَتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ . وَكُنْتَ لِلَّهِ**

استوار را اشکار ساختی، و آن گونه که حقّ جهاد و تلاش بود انجام دادی. و تو فرمان‌برداری نیک

**طَائِعاً ، وَلِجَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَائِباً ،**

برای خداوند بودی، و از جدّت حضرت محمّد ـ که درود خدا بر او و آل او باد ـ پیروی می‌کردی،

**وَلِقَوْلِ أَبِيكَ سَامِعاً ، وَإِلَى وَصِيَّةِ أَخِيكَ مُسَارِعاً ،**

و به گفتار پدرت گوش فرامی‌دادی، و برای انجام وصیّت برادرت شناب می‌نمودی،

**وَلِعِمَادِ الدِّينِ زَافِعاً ، وَلِلطُّغْيَانِ قَامِعاً ، وَلِلطُّغَاةِ**

و ستون‌های دین را بالا بردی، و سرکشی را در هم کوبیدی، و طغیان‌گران را

**مُقَارِعاً ، وَلِلْأُمَّةِ نَاصِحاً ، وَفِي عَسَمَاتِ السَّمَوَاتِ**

نابود کردی، و برای آمت اسلام خیرخواهی می‌کردی، و در گرداب مرگ

**سَابِحاً ، وَلِلْفُسَّاقِ مُكَافِحاً ، وَبِحُجَجِ اللَّهِ قَائِماً ،**

شناور بودی، و فاسقان را به مبارزه می‌طلبیدی، و حجّت‌های الهی را بر پا داشتی

**وَلِلْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ رَاحِماً ، وَلِلْحَقِّ نَاصِراً ،**

و برای اسلام و مسلمانان مهربان و رحم‌کننده، و یار حق بودی،

**وَعِنْدَ الْبِلَاءِ صَابِراً ، وَلِلدِّينِ كَالِئْتِماً ، وَعَنْ حَوَازِتِهِ**

و در بلاها و گرفتاری‌ها شکیبایا، و برای دین نگهبان، و از حوزه و حریم دینی

**مُرَامِياً . تَحَوُّطُ الْهُدَى وَتَنْصُرُهُ ، وَتَبَسُّطُ الْعَدْلِ**

دفاع‌کننده بودی. نگهبان هدایت و یاری‌کننده آن و گستراندهٔ عدل

**وَتَنْشُرُهُ ، وَتَنْصُرُ الدِّينَ وَتُظْهِرُهُ ، وَتَكْفُ الْعَابِثَ**

و نشر دهندهٔ آن، و یاری‌کنندهٔ دین و اشکارکنندهٔ آن هستی، و بازیچه شمارندهٔ دین را از کارش

**وَتَزْجِرُهُ ، وَتَأْخُذُ لِلدِّينِ مِنَ الشَّرِيفِ ، وَتُسَاوِي**

باز داشته و او را منع نمودی؛ و حقّ زبردستان را از ثروتمندان و اشراف می‌گرفتی،

**فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيِّ وَالضَّعِيفِ . كُنْتَ رَبِيعَ**

و بین قوی و ضعیف به مساوات حکم می‌کردی. تو بهار

**الْإِيْتَامِ ، وَعِصْمَةَ الْأَنَامِ ، وَعِزَّ الْإِسْلَامِ ، وَمَسْعِدِنَ**

یتیمان و پناهگاه مردم، و عزّت و سربلندی اسلام و معدن

**الْأَحْكَامِ ، وَحَلِيفَ الْإِنْعَامِ ، سَالِكاً طَرَائِقَ جَدِّكَ**

احکام و هم‌بیمان بخشش و احسان بودی. پویندهٔ راه جدّ

**وَأَبِيكَ ، مُشْبِهاً فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ ، وَفِي الدَّمِّ ،**

و پدرت بودی، و همانند برادرت در وصیّت پدرت بودی. وفاکنندهٔ به عهدها و پیمان‌ها،

**رَضِيَ الشَّيْمِ ، ظَاهِرَ الْكَرَمِ ، مُتَهَجِّداً فِي الظُّلْمِ ،**

دارای خصلت‌ها و خوبی‌های نیکو، آشکارکنندهٔ بزرگواری‌ها، کوشش‌کنندهٔ در عبادت به هنگام تاریکی

قَوِيْمَ الطَّرَائِقِ ، كَرِيْمَ الْخَلَائِقِ ، عَظِيْمَ السَّوَابِقِ ،

(شب زنده‌دار)، دارندهٔ روش‌های استوار، و اخلاق بزرگ منشی و بخشندگی، با پیشینه‌ای بزرگ و درخشان.

شَرِيْفَ النَّسَبِ ، مُنِيْفَ الْحَسَبِ ، رَفِيْعَ الرَّتَبِ ، كَثِيْرَ

نژادی شریف، حَسَنی برتر، درجاتی عالی و رفیع،

الْمَنَاقِبِ ، مَحْمُوْدَ الصَّرَائِبِ ، جَزِيْلَ السَّمَوَاهِبِ .

افتخاراتی فراوان، سرشت‌های ستوده، موهبت‌ها و بخشش‌های بسیار بود.

حَلِيْمٌ رَشِيْدٌ مُنِيْبٌ ، جَوَادٌ عَلِيْمٌ شَدِيْدٌ ، اِمَامٌ شَهِِيْدٌ ،

بردبار،کمال‌یافته، انايه‌کننده به سوی خدا، بخشنده، دانا، قدرت‌مند، پیشوا، شهید،

أَوَاهٌ مُنِيْبٌ ، حَبِيْبٌ مَهِيْبٌ . كُنْتُ لِلرَّسُوْلِ صَلَّى اللهُ

شیون‌کننده و انايه‌کننده، دوست‌دارنده، باهبيت هستی .تو برای حضرت پیامبر-که درود خدا

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَكَلَدًا ، وَلِلْقُرْآنِ سَنَدًا ، وَلِلْأُمَّةِ عَضُدًا ،

بر او و آل او باد- فرزند، و برای قرآن پشتیبان، و برای امت بازویی توانا و یاور بودی،

وَفِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا ، حَافِظًا لِّلْعَهْدِ وَالْمِيثَاقِ ،

و در فرمانبرداری از دستورات الهی کوشا، نگهبان و نگه‌دارندهٔ پیمان و تعهد عالم ذر،

نَاكِبًا عَنِ سَبِيْلِ الْفُسَاقِ ، [ وَ ]بَادِلًا لِلْمَجْهُودِ ، طَوِيْلَ

کناره‌گیر از راه مردمان فاسق و تبه‌کار، و یکار برندهٔ تمام سعی و کوشش خود بودی . دارای

الرُّكُوْعِ وَالسُّجُوْدِ ، زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهْدَ الرَّاحِلِ

رکوع و سجود طولانی بودی. و نسبت به دنیا بی‌اعتنا و بی‌رغبت بودی، همچون کسی که می‌خواهد

عَنْهَا ، نَاطِرًا إِلَيْهَا بِعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا ، آمَالِكَ

آن را رهاکند و از آن کوچ کند و همواره به آن به دیدهٔ وحشت‌زدگان می‌نگریستی . از آرزوهای

عَنْهَا مَكْفُوْفَةٌ ، وَهَمَّتَكَ عَنِ زِيْتَتِهَا مَصْرُوْفَةٌ ،

دنیویّت دل‌کنده، و همت تو از زینت‌های آن روگردان شده،

وَالْحَاطِظُكَ عَنِ بَهْجَتِهَا مَطْرُوْفَةٌ ، وَرَغِيْبَتُكَ فِي

و نگاهت از سرور و شادمانی آن پوشیده شده، و شوق و اشتیاق تو

الْآخِرَةِ مَعْرُوْفَةٌ ، حَتَّى إِذَا الْجَوْرُ مَدَّ بَاعَهُ ، وَأَسْفَرَ

به آخرت معروف بود؛ تا آن که ستم، دست ستمگرش را دراز کرد و

الظُّلْمُ قِنَاعَهُ ، وَدَعَا الْعِْيَّ أَتْبَاعَهُ ، وَأَنْتَ فِي حَرَمِ

ظلم، نقاب از چهره افکند، وگمراهی پیروان خویش را فرا خواند؛ و در حالی‌که تو در حرم

جَدِّكَ قَاطِنٌ ، وَلِلظَّالِمِيْنَ مُبَايِنٌ ، جَلِيْسُ الْبَيْتِ

جدّت ساکن و از ستمگران دوری گزیده بودی، مونس

وَالْمُخْرَابِ ، مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ ، تُنَكِّرُ

محراب و خانه گشته و از شهوت‌ها و لذت‌ها دوری گزیده، و

الْمُنْكَرَ بِقَبْلِكَ وَلِسَانِكَ، عَلَيَّ حَسْبِ طَاعَتِكَ

در حدّ طاقت و امكانت با قلب و زبانت زشتی را زشت شمردی.

وَأَمْكَانِكَ، ثُمَّ اقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكَارِ، وَلَزِمَكَ أَنْ

سیس اقتضا کرد علم و آگاهی، تو را بر انکار؛ و بر تو لازم شد با

تُجَاهِدَ الْفُجَّارَ، فَسِرْتَ فِي أَوْلَادِكَ وَأَهْلَيْكَ،

فاجران و بدکاران جهاد کنی؛ پس با فرزندان و خاندان

وَشِبَعَتِكَ وَمَوَالِيكَ، وَصَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَالسَّبِيَّةِ،

و بیرون و دوستانت به راه افتادی، و حقّ و حقیقت را با برهان‌های الهی آشکار ساختی،

وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ،

و مردم را با حکمت و پند نیکو به سوی خدا فراخواندی.

وَأَمَرْتَ بِإِقَامَةِ الْحُدُودِ، وَالطَّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ، وَنَهَيْتَ

و امر به برپایی حدود الهی و اطاعت پروردگار، و نهی

عَنِ الْخَبَائِثِ وَالطُّغْيَانِ، وَوَأَجْهَوْكَ بِالظُّلْمِ

از پلیدی‌ها و سرکشی‌ها نمودی، و آنان با ستم و عدوان با تو مقابله

وَالْعُدْوَانِ. فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِيعَاضِ لَهُمْ، وَتَأْكِيدِ

نمودند. پس از آن که آن‌ها را پند داده و از کار خود بازداشتی، و

الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ، فَنَكَثُوا ذِمَامَكَ وَبَيَعَتَكَ، وَأَسْخَطُوا

اتمام حجت نمودی، با آنان جهاد کردی؛ پس آنان پیمان و بیعت تو را شکستند، و

رَبِّكَ وَجَدَّكَ، وَبَدَدُواكَ بِالْحَرْبِ، فَثَبَّتَ لِطَطْنِ

پروردگار تو و جدّت را خشمگین کردند، و با تو شروع به جنگ نمودند؛ پس تو در برابر ضربات

وَالضَّرْبِ، وَطَحَنَتْ جُنُودَ الْفُجَّارِ، وَاقْتَحَمَتْ

(شمشیرها و نیزه‌ها) استوار ماندی، و لشکریان بدکاره را درهم کوبیدی،

فَسَطَلَ الْغُبَارِ، مُجَالِدًا بِذِي الْفِقَارِ، كَأَنَّكَ عَلَيَّ

و در گرد و غبار برخاسته در میدان جهاد با ذوالفقار آنگونه وارد شدی که که گویا تو همان علی

الْمُخْتَارُ. فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابَتَ الْجَاشِ، غَيْرَ خَائِفٍ وَلَا

برگزیدهٔ خدا هستی. پس، هنگامی که تو را ثابتقدم و دلیر دیدند، در حالی که هیچ‌گونه ترس

خَاشِ، نَصَبُوا لَكَ غَمَائِلَ مَكْرِهِمْ، وَقَاتَلُوكَ

و هراسی در تو نبود برای تو دام‌های مکرشان را نصب کردند، و با

بِكَيْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ، وَأَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ، فَمَتَعُوكَ

مکر و شرّشان به جنگ با تو پرداختند؛ و آن شخص ملعون به لشکریانش دستور داد، پس

السَّمَاءِ وَوَرُودَهُ، وَنَاجَزُوكَ الْقِتَالَ، وَعَاجَلُوكَ

تو را از آب و وارد شدن به آن باز داشتند، و به مبارزه با تو پرداخته و در این امر

النَّزَالِ ، وَرَشَقُوكَ بِالسَّهَامِ وَالنَّبَالِ ، وَبَسَطُوا إِلَيْكَ

شتافتند، و تیرها و سنگ‌ها را به تو پرتاب کردند، و

أَكْفَتَ الْأَصْطِلَامَ ، وَلَمْ يَزَعُوا لَكَ دِمَاماً ، وَلَا رَأَقَبُوا

دست‌های ویرانگر خود را به سوی تو گشودند و حق تو را مراعات نکردند، و

فِيكَ آثاماً ، فِي قَتْلِهِمْ أَوْلِيَاءَكَ ، وَنَهَبِهِمْ رِحالَكَ ،

درکشتن عزیزان تو و غارت زاد و توشهٔ تو هیچ تریسی از جزای گناه خویش به خود راه ندادند؛

وَأَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي الْهَبَوَاتِ ، وَمُحْتَمِلٌ لِلْأَذْيَاتِ ، قَدْ

و تو در میان گرد و غبار میدان به پیش می‌تاختی، و آزار و اذیت‌ها را تحمل می‌کردی،

عَجِبْتُ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ . فَأَحْدَقُوا

که به راستی فرشتگان آسمان از صبر تو درشگفت آمدند. پس آنان (دشمنان)

بِكَ مِنْ كُلِّ الْجَهَاتِ ، وَأَتْخَنُوكَ بِالْجِرَاحِ ، وَحَالُوا

از هر سو اطراف تو را گرفتند؛ و زخم‌های عمیقی بر تو وارد کردند و میان تو و بین

بَيْنَكَ وَبَيْنَ الرِّوَاحِ ، وَلَمْ يَسْبِقْ لَكَ نَاصِرٌ ، وَأَنْتَ

راحتی و نجات فاصله انداختند (یعنی نگذاشتند کار به شبانگاه برسد)، و تو را هیچ یابوری باقی نمانده بود،

مُحْتَسِبٌ صَابِرٌ ، تَدْبُثُ عَنْ نِسْوَتِكَ وَأَوْلَادِكَ ، حَتَّى

و تو کار را به حساب خدا واگذار کرده و صبر نمودی، و از زنان و اولادت دفاع می‌کردی، تا

نَكَسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ ، فَهَوَيْتَ إِلَيَّ الْأَرْضِ جَرِيحاً ،

آن که تو را از اسب سرنگون ساختند، و با بدنی مجروح بر زمین افتادی؛

تَطَّوُّكَ الْخَيُْولُ بِحَوَافِرِهَا ، وَتَعْلُوكَ الطُّغَاةُ بِبَوَاتِرِهَا .

اسب‌ها با سم‌هایشان تو را لگدکوب کردند و طغیان‌گران تو را با شمشیرهایشان ضربه می‌زدند.

قَدْ رَشَحَ لِلْمَوْتِ جَبِينُكَ ، وَاخْتَلَفْتَ بِالْإِنْقِباضِ

عرق مرگ بر پیشانیبت نشست، و راست و چپ بدن مبارکت را با جمع کردن

وَالْإِنْسِاطِ شِمَالُكَ وَيَمِينُكَ ، تُدِيرُ طَرْفًا خَفِيًّا إِلَى

و گشودن جایجا می‌کردی، و با گوشهٔ چشم به خپام و حرمت نگاه می‌کردی،

رَحْلِكَ وَبَيْنِكَ ، وَقَدْ شَعَلَتْ بِنَفْسِكَ عَنْ وُلْدِكَ

و مصیبتی که بر تو وارد می‌شد تو را از فرزندان

وَأَهْلِكَ ، وَأَسْرَعَ فَرَسُكَ شَارِداً ، إِلَيَّ خِيَامِكَ

و اهل بیئت به خود مشغول ساخته بود، و اسب تو شیون‌کنان

فَاصِداً ، مُحْمِجماً بَاكِياً ، فَلَمَّا رَأَى النِّسَاءَ جَوَادَكَ

و گریه‌کنان با سرعت به سوی حرمت آمد، هنگامی که زنان اسبت را

مَخْرِباً ، وَنَظَرَنَ سَرَجَكَ عَلَيْهِ مَلُویاً ، بَسْرَزَنَ مِنْ

شرمسار دیدند و به زین واژگونش نظر افکندند، از



**الْخُدُورِ**، **نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ** **عَلَى الْخُدُودِ** ، **لِلْأَطْمَاتِ**

خیمه‌ها بیرون آمدند، موهایشان را بر چهره‌هایشان پریشان کرده، بر

**الْوُجُوهِ سَافِرَاتِ** ، **وَبِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتِ** ، **وَيَعِدَ الْعِزَّ**

چهره‌های بدون نقابشان سبلی می‌زدند، و با صدای بلند ناله می‌زدند و تو را می‌خواندند، و آنان بعد

**مُدَلَّلَاتِ** ، **وَالِیْ مَصْرَعِكَ مُسَادِرَاتِ** . **وَالشَّمْرُ**

از عزّت ذلیل شده بودند، و به سوی قتلگاه تو شتافتند، در حالی که شمر (لعنه الله علیه)

**جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ** ، **وَمَوْلِعٌ سَيْفَهُ عَلَى نَحْرِكَ** ،

بر روی سینه‌ات نشسته بود و شمشیرش را بر گودی زیر گلوی تو فرو برده

**قَابِضٌ عَلَى سَبِيئِكَ بِيَدِهِ** ، **ذَابِحٌ لَكَ بِسْمَهْنَدِهِ** ، **قَدْ**

و محاسنت را به دست گرفته بود، سرت را با شمشیر نیز خود می‌برد؛

**سَكَنْتَ حَواشِيكَ** ، **وَخَفَيْتَ أَنْفَاسَكَ** ، **وَرُفِعَ عَلى**

در آن حالت حواشت از حرکت ایستاد، و نفس‌هایت پنهان شد،

**الْقَنَاةَ رَأْسِكَ** ، **وَسَبِيَّ أَهْلِكَ كَالْعَبِيدِ** ، **وَصَفَدُوا فِي**

و سرت بر بالای نیزه بلند شد، و اهل بیت تو مانند بندگان و بردگان اسیر شدند، و در

**الْحَدِيدِ** ، **فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيَّاتِ** ، **تَلْفَحُ وَجُوهَهُمْ حَرْقُ**

غل و زنجیر به بند کشیده شدند. در فراز جهاز شتران، چهره‌های‌شان را گرمای

**الْهَاجِرَاتِ** ، **يُسَاقُونَ فِي الْبَرَاري وَالسَّفَلَوَاتِ** ،

شدید می‌سوزاند، و در بیابان‌ها و دشت‌ها پیش برده می‌شدند؛

**أَيْدِيَهُمْ مَعْلُوكَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ** ، **يُطَافُ بِهِمْ فِي**

دست‌های‌شان به گردن‌های‌شان آویخته و بسته بود، و آن‌ها را دور

**الْأَسْواقِ** . **فَالْوَيْلُ لِلْعَصَاةِ الْفَسَاقِ** ، **لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ**

بازارها می‌چرخاندند. پس، وای بر آن گناهکاران فاسق که به راستی با کشتن تو

**الْإِسْلَامَ** ، **وَعَطَلُوا الصَّلَاةَ وَالصِّيَامَ** ، **وَنَقَضُوا السَّنَنَ**

اسلام را کشتند، و نماز و روزه را رها کردند، و سنت‌ها

**وَالْأَحْكَامَ** ، **وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ** ، **وَحَرَفُوا آيَاتِ**

و احکام را شکستند، و ستون‌های دین و ایمان را منهدم کردند، و آیات الهی

**الْقُرْآنِ** ، **وَهَمَلَجُوا فِي الْبَغْيِ وَالْعُدْوَانِ** . **لَقَدْ أَصْبَحَ**

قرآن را تحریف نمودند، و در دشمنی و ظلم و ستم پیش ناختند. آن گاه که تو را شهید کردند به

**رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْتُورًا** ، **وَعَادَ كِتَابُ**

راستی رسول خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - خون‌خواه تو شد، و بار دیگر کتاب

**اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَهْجُورًا** ، **وَعُودِرَ الْحَقِّ إِذْ فَسَّهَتَ**

خدا متروک و دور افتاده شد؛ و حق، مورد خیانت قرار گرفت؛ چون تو

**مَمْهُورًا، وَقَمِدَ بِقَمَدِكَ التَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ، وَالتَّحْرِيمُ**

شکست خوردی؛ و با نبود تو، بانک «الله اکبر» و «لا إله إلا الله» و حرام

**وَالتَّحْلِيلُ، وَالتَّنْزِيلُ وَالتَّأْوِيلُ، وَظَهَرَ بِعَدَاكَ**

و حلال خدا و تنزیل و تاویل قرآن، ناپدید شد؛ و بعد از تو،

**التَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ، وَالأَلْحَادُ وَالتَّعْطِيلُ، وَالأَهْوَاءُ**

تغییر و دگرگونی (در احکام الهی) و کفر و بی‌دینی، و کنار گذاشتن سنت‌ها و هواهای

**وَالأَضَالِيلُ، وَالفِتْنُ وَالأَبَاطِيلُ. فَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ**

نفسانی، و گمراهی‌ها و فتنه‌ها و باطل‌ها پدیدار گشت . پس، خیر دهندهٔ شهادت تو نزد

**قَبْرِ جَدِّكَ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَتَعَاكَ إِلَيْهِ**

قبر جدّ تو رسول خدا - درود خدا بر او و آل او باد - ایستاد، و

**بِالِدَمْعِ الْهَطُولِ، فَأَيُّلًا يَا رَسُولَ اللهِ قَتَلَ سِبْطُكَ**

با اشک ریزان خیر شهادت تو را به پیامبر داد؛ در حالی‌که می‌گفت: ای رسول خدا! نوه

**وَقَتَاكَ، وَاسْتَبِيحَ أَهْلُكَ وَحِمَاكَ، وَسَبِيَّتَ بِعَدَاكَ**

و جوان تو کشته شد، و حرمت اهل بیت تو شکسته و مباح شمرده شد؛ و فرزندان

**ذَرَارِيكَ، وَوَقَّعَ الْمَخْذُورُ بِعِثْرَتِكَ وَذَوِيكَ .**

و ذریهٔ تو را بعد تو اسیر کردند، و خانواده و اطرافیان‌ت در گرفتاری افتادند.

**فَانزَعَجَ الرَّسُولُ، وَبَكَى قَلْبُهُ الْمَهُولُ، وَعَزَّاهُ بِكَ**

پس، پیامبر آشفته گردید، و قلب وحشت‌زده‌اش گریست؛ و به خاطر تو

**الْمَلَائِكَةُ وَالأَنْبِيَاءُ، وَفُجِعَتْ بِكَ أُمَّكَ الرَّهْرَاءُ،**

فرشتگان و پیامبران بر او تسلیت گفتند؛ و به خاطر تو مادرت زهرا <sup>علیها السلام</sup> سوگوار و مصیبت‌زده شد؛

**وَاحْتَلَفَتْ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، تُعْزِي أَبَاكَ**

و لشکریان فرشتگان مقرب الهی برای تسلیت گفتن به پدرت

**أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَأُقِيمَتْ لَكَ الْمَسَاتِمُ فِي أَعْلَا**

امیر مؤمنان آمد و شد کردند، و در اعلیٰ علّیین برای تو ماتم برپا شد،

**عَلِّيَّيْنَ، وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعَيْنُ، وَبَكَتِ السَّمَاءُ**

و به خاطر تو حورالعین سیلی بر صورت خود زدند، و آسمان

**وَسُكَّانُهَا، وَالجِنَانُ وَخُرَّانُهَا، وَالهَضَابُ وَأَقْطَارُهَا،**

و ساکنان آن، و بهشت و خزانه‌داران آن، و کوه‌ها و دامنه‌های‌شان،

**وَالبِحَارُ وَحَيْثَانُهَا، وَالجِنَانُ وَوَلْدَانُهَا، وَالسَّبِيْتُ**

و دریا و ماهیان‌ش، و بهشت و پسران آن، و خانهٔ خدا،

**وَالمَقَامُ، وَالمَشْعَرُ الحَرَامُ، وَالسَّجُّ وَالْأَحْرَامُ ١.**

و مقام، و مشعرالحرام و خُرج خانهٔ خدا و اطراف آن، همه گریه کردند.

١. أَحْرَام - جمع حرم -: به اطراف خانهٔ خدا گفته می‌شود.

اللَّهُمَّ فَبِحُرْمَةِ هَذَا الْمَكَانِ الْمُبْنِيَّ، صَلِّ عَلَيَّ

خدایا، پس، به خاطر حرمت و احترام این مکان شریف، بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَحْسُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ،

محمد و آل محمد درود فرست؛ و مرا در زمره آنان محسور فرما،

وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

و مرا به شفاعت آنان داخل بهشت نما. خدایا، به تو توسل پیدا می‌کنم؛

يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، وَيَا أَحْكَمَ

ای سریع‌ترین حسابگران؛ و ای کریم‌ترین کریمان؛ و ای بااقتدارترین

الْحَاكِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، رَسُولِكَ إِلَيَّ

حاکمان؛ و به محمد خاتم پیامبران، فرستاده تو بر

الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ، وَيَا خَسِيهٍ وَأَبْنِ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ

همه جهانیان؛ و به برادر و پسرعمویش که از شرک و بت‌پرستی جدا شده و درونش

الْبَيْطِينَ، الْعَالِمِ الْمَكِينِ، عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

نباشته از دانش بود، آن عالم و دانشمند والامقام یعنی حضرت علی امیر مؤمنان؛

وَيَفَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَبِالْحَسَنِ الزَّكِيِّ

و به فاطمه سرور زنان جهانیان، و به حسن، که پاکیزه

عِصْمَةَ الْمُتَّقِينَ، وَيَأْبَى عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ أَكْرَمِ

و پناه پرهیزکاران است؛ و به ابی عبدالله الحسین، گرامی‌ترین

الْمُسْتَشْهَدِينَ، وَيَأْوِلِدِهِ الْمُقْتُولِينَ، وَيَعْتَرِ تَه

شهادت‌جویان و به فرزندان شهیدش و به خاندان

الْمَظْلُومِينَ، وَيَعْلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ،

مظلومش؛ و به علی بن الحسین زینت عبادت کنندگان؛

وَيُمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَبْلَةَ الْأَوَّابِينَ، وَجَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ

و به محمد بن علی، قبله‌گاه توبه‌کنندگان؛ و به جعفر بن محمد،

أَصْدَقِ الصَّادِقِينَ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرَ مُظْهِرِ

راست‌گوترین راستگویان؛ و به موسی بن جعفر، آشکار کننده

الْبِرَاهِينِ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى نَاصِرِ الدِّينِ، وَمُحَمَّدِ

حجت‌ها؛ و به علی بن موسی یاری‌کننده دین؛ و به محمد

بْنَ عَلِيٍّ قُدْوَةَ الْمُهْتَدِينَ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ أَزْهَدِ

بن علی، آسوه هدایت‌کنندگان؛ و به علی بن محمد، زاهدترین

الزَّاهِدِينَ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَارِثِ الْمُسْتَخْلَفِينَ،

زاهدان؛ و به حسن بن علی وارث جانشیان،

وَالْحُجَّةَ عَلَيَّ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

و حجت بر همه خلق خدا، اینکه درود فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الصَّادِقِينَ الْأَبْرِيَّةَ، آلِ طَه

محمد و آل محمد آن راستگویان نیکوکاران، آل طه

وَيْسَ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي السَّقِيَّاتِ مِنَ الْأَمِينِينَ

و یس؛ و اینکه مرا در قیامت از جمله امان یافتگان

الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبْشِرِينَ. اللَّهُمَّ

و آسودگان و رستگاران و شادمانان و بشارت‌یافتگان قرار دهی. خدایا؛

اَكْتُبْنِي فِي الْمُسْلِمِينَ، وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ،

مرا از جمله مسلمانان قرار ده، و مرا به صالحان بپیوند،

وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ، وَأَنْصُرْنِي

و برای من در میان آیندگان سخن راست قرار ده. و مرا

عَلَى الْبَاغِينَ، وَاكْفِنِي كَيْدَ الْخَاسِدِينَ، وَاصْرِفْ

بر ستمگران پیروز فرما، و مرا از مکر حسودها کفایت کن، و

عَنِّي مَكْرَ الْمَاكِرِينَ، وَأَقْبِضْ عَنِّي أَيْدِي الظَّالِمِينَ،

از من حيلة مکاران را بازگردان، و دست ستمکاران را از من کوتاه کن،

وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ، فِي أَعْلَى

و مرا با سروران فرخنده در اعلا

عَلِيِّينَ، مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ، مِنَ النَّسَبِيِّينَ

علیین؛ با آنان که بر آنها نعمت ارزانی داشتی - از پیامبران

وَالصَّادِقِينَ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا

و راستگویان و شهدا و صالحان - جمع نما؛ به رحمت ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُقَسِّمُ عَلَيْكَ بِسَنِّيكَ

مهربان‌ترین مهربانان. خدایا؛ تو را سوگند می‌دهم به حق پیامبرت

الْمَعْصُومِ، وَبِحُكْمِكَ الْمَخْتُومِ، وَنَهْيِكَ الْمَكْتُومِ،

که معصوم از گناه است و به آن حکم حتمیت، و نهی پوشیده‌ات؛

وَبِهَذَا الْقَبْرِ الْمَلْمُومِ، الْمَوْسَدِ فِي كَنَفِهِ، الْأَمَامِ

و به این قبر شریف که به زیارت آن آمد و شد می‌شد، و امام

الْمَعْصُومِ الْمَقْتُولِ الْمَظْلُومِ، أَنْ تُكْشِفَ مَا بِي مِنْ

معصومی که در سایه آن آرمیده است، که مظلومانه کشته شده؛ این که آنچه از

الْغُمُومِ، وَتَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ الْقَدَرِ السَّخْتِومِ،

غم دارم برطرف سازی، و از من شر قضا و قدر حتمی را بازگردانی،

وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ . اَللّٰهُمَّ جَلِّلِنِي

و از آتش گرم و سوزان جهنم مرا پناه دهی. خدایا، مرا

بِنِعْمَتِكَ ، وَرَضِّنِي بِقِسْمِكَ ، وَتَعَمَّدَنِي بِجُودِكَ

به نعمت خودت بزرگی بخش، و مرا به قسمتت راضی نما، و مرا غرق جود

و كَرَمِكَ ، وَبَاعِدْنِي مِنْ مَكْرِكَ وَنِقْمَتِكَ . اَللّٰهُمَّ

و کرم خود فرما، و مرا از مکر و مجازات خود دور نما. خدایا؛

اعصمني مِنَ الزَّلَلِ ، وَسَدِّدْنِي فِي الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ ،

مرا از لغزش‌ها محفوظ بدار، و مرا در قول و عمل استوار گردان،

وَأَفْسَحْ لِي فِي مَدَّةِ الْأَجَلِ ، وَأَغْنِنِي مِنَ الْأَوْجَاعِ

و وسعت و فراخی در دوران عمرم برایم قرار بده، و از دردها و مریضی‌ها مرا عافیت

وَالْعِلَلِ ، وَبَلِّغْنِي بِمَوَالِيِّ وَبِفَضْلِكَ أَفْضَلَ الْأَمَلِ .

بخش ، و به حق اولیایم، و به بخشش و کرمت، مرا به بهترین آرزوهایم برسان.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاَقْبِلْ تَوْبَتِي ،

خدایا؛ بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و توبهٔ مرا قبول فرما؛

وَارْحَمْ عَبْرَتِي ، وَاَقْلِنِي عَثْرَتِي ، وَنَفْسَ كُرْبَتِي ،

و بر گریهام رحم نما، و از لغزشم درگذر، و اندوهم را برطرف کن،

وَأَعْفُ لِي خَطِيئَتِي ، وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي . اَللّٰهُمَّ

و گناهان مرا ببخش، و نسل مرا از صالحان قرار ده. خدایا؛

لَا تَدَعْ لِي فِي هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ ، وَالْمَحَلِّ

برای من وამگذار در این حرم شریف و بلرگاه

الْمُكْرَمِ ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ ، وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ ، وَلَا غَمًّا

باکرامت هیچ گناهی را مگر آن که آن را ببخشی، و هیچ عیبی را مگر آنکه بپوشانی، و هیچ غمی را

إِلَّا كَشَفْتَهُ ، وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ ، وَلَا جَاهًا إِلَّا

مگر آن که برطرف کنی، و هیچ رزق و روزی را مگر آن‌که گسترده گردانی، و هیچ منزلت و مقفی را مگر آن‌که آن‌را

عَمَّرْتَهُ ، وَلَا فَسَادًا إِلَّا أَصْلَحْتَهُ ، وَلَا أَمَلًا إِلَّا بَلَّغْتَهُ ،

ابد کنی،و هیچ فسادی را مگر آنکه آن را اصلاح فرمایی،و هیچ آرزویی را مگر آنکه مرا به آن برسانی،و هیچ دعایی

وَلَا دُعَاءً إِلَّا أَجَبْتَهُ ، وَلَا مَضِيقًا إِلَّا فَرَّجْتَهُ ، وَلَا شِمْلًا

را مگر آنکه آن را اجابت فرمایی، و هیچ تنگی و فشلی را مگر آن را گشایش دهی، و هیچ تنگ و پراکندگی را مگر

إِلَّا جَمَعْتَهُ ، وَلَا أَمْرًا إِلَّا أَتَمَمْتَهُ ، وَلَا مَالًا إِلَّا كَثَّرْتَهُ ،

آن را به اجتماع مبدّل گردانی، و هیچ کاری را مگر آن که آن را تمام کنی، و به پایان رسانی؛ و هیچ مالی را مگر آن

وَلَا خُلُقًا إِلَّا حَسَّنْتَهُ ، وَلَا انْفِاقًا إِلَّا أَخْلَفْتَهُ ، وَلَا حَالًا

که آن را زیادهش کنی ، و هیچ اخلاقی را مگر آن که آن را نیکو فرمایی، و هیچ انفاقی را مگر آن که جایگزین برایش

إِلَّا عَمَّرْتَهُ ، وَلَا حَسُوداً إِلَّا قَمَعْتَهُ ، وَلَا عَدُوّاً إِلَّا

قرار دهی و هیچ دگرگونی حلی را مگر آن‌که آن را خوب و آباد نمایی؛ و هیچ حسودی را مگر آن‌که آن را ریشه کن

أُرْدَيْتَهُ ، وَلَا شَرّاً إِلَّا كَفَيْتَهُ ، وَلَا مَرَضاً إِلَّا شَفَيْتَهُ ،

نمایی، و هیچ دشمنی را مگر آنکه آن را از میان ببری، و هیچ شرّ و بدی را مگر آنکه کفایت کنی، و هیچ مرضی را

وَلَا بَعِيداً إِلَّا أَدْنَيْتَهُ ، وَلَا شَعْثاً إِلَّا لَمَمْتَهُ ، وَلَا سُؤْلاً

مگر آنکه آن را شفا دهی، و هیچ دوری را مگر آن‌که آن را نزدیک فرمایی، و هیچ پراکندهی را مگر آن‌که آن را

إِلَّا أَعْطَيْتَهُ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعَاجِلَةِ ، وَتَوَابِ

سامان دهی، و هیچ درخواستی را مگر آن‌که آن را عطا نمایی. خدایا! از تو می‌خواهم خیر و خوبی حاضر و تواب

الْأَجَلَةِ . اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنِ الْحَرَامِ ، وَبِفَضْلِكَ

و پاداشی آینده را. خدایا؛ مرا به واسطهٔ حلالات از حرام بی‌نیاز فرما، و با فضل و کرمات

عَنْ جَمِيعِ الْأَنْامِ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْماً نَافِعاً ،

از تمام مردم بی‌نیاز ساز. خدایا؛ از تو می‌خواهم علمی که سودمند باشد،

وَقَلْباً خَاشِعاً وَيَقِيناً شَافِئاً ، وَعَمَلاً زَكِيّاً ، وَصَبْراً

و قلبی‌که خاشع باشد، و یقینی‌را که قاطع باشد، و عملی‌که پاک باشد، و صبری‌را که

جَمِيلاً ، وَأَجْراً جَزِيلاً . اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ

زیبا باشد، و اجری‌را که زیاد باشد. خدایا؛ شکر و سپاس نعمتت را که

عَلَيَّ ، وَزِدْ فِي إِحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيَّ ، وَاجْعَلْ قَوْلِي

بر گردن من است روزیم فرما، و احسان و کرم‌ت را بر من زیاد نما، و سخنم را

فِي النَّاسِ مَسْمُوعاً ، وَعَمَلِي عِنْدَكَ مَرْفُوعاً ،

در میان مردم پذیرفته‌شده قرار ده، و عملم را در نزد خودت بالا ببر و بپذیر،

وَأَثْرِي فِي الْخَيْرَاتِ مَتْبُوعاً ، وَعَدْوِي مَقْمُوعاً .

و اثر مرا در خیرات مورد پیروی دیگران قرار بده، و دشمنم را ریشه کن نما.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَخْيَارِ ، فِي

خدایا؛ دورد فرست بر محمد و آل محمد، که نیکوکاران (در میان بندگان) هستند، در

أَنْاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ ، وَاكْفِنِي سَرَّ الْأَشْرَارِ ،

تمامی لخظات شب و روز؛ و از من دور نما سرّ اشخاص شرور و بدکاران را،

وَطَهِّرْني مِنَ الذُّنُوبِ وَالْأَوْزَارِ ، وَأَجِرْني مِنَ

و مرا از گناهان و بار گران آن پاک فرما، و از آتش جهنّم پناهم ده.

النَّارِ ، وَأَحِلِّني دَارَ الْقَرَارِ ، وَاعْفِرْ لي وَلِجَمِيعِ

و در خانهٔ بهشت وارد کن، و مرا و تمامی

إِخْوَانِي فِيكَ وَأَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ،

برادران و خواهران مؤمنی‌که در راه تو آن‌ها را یافته‌ام

**بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ**. سپس رو به قبله کن و دو رکعت به رحمت پیامز، ای مهربان‌ترین مهربانان.

نماز به جای آور؛ در رکعت اوّل بعد از حمد، سورهٔ «انبیاء»، و در رکعت دوّم بعد از حمد، سورهٔ «حشر» را بخوان، و در قنوت بگو:

**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ**، هیچ معبودی جز خدای بردبار و کریم نیست؛ هیچ معبودی جز خدای بلندمرتبه و بزرگ نیست، هیچ معبودی نیست جز خدایی که پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه

**وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، خِلَافاً** و زمین‌های هفت‌گانه و آنچه در آنها و میان آن‌هاست؛ برخلاف **لِلْأَعْدَائِيهِ، وَتَكْذِيباً لِمَنْ عَدَلَ بِهِ، وَإِقْرَاراً** دشمنانش، و تکذیب کسانی که از روی برتافته‌اند، و اقرار **لِرَبُّوبِيَّتِيهِ، وَخُضُوعاً لِعِزَّتِيهِ، الْأَوَّلُ بَعْدَ أَوَّلٍ**، به ربوبیت او، و خضوع در برابر عزّت او. او اوّل و ابتدایی است که آغاز ندارد،

**وَالْآخِرُ إِلَىٰ غَيْرِ آخِرٍ، الظَّاهِرُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ** و آخری است که هیچ انتهایی ندارد، و او، غلبه دارد بر هر چیز

**بِقُدْرَتِهِ، الْبَاطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَلُطْفِهِ**، به سبب قدرتش، و با دانش و دقتش از درون هر چیز آگاه است.

**لَا تَقِفُ الْعُقُولُ عَلَيْهِ كُنْهَ عَظَمَتِيهِ، وَلَا تُدْرِكُ الْأَوْهَامُ** عقل‌ها بر کُنه بزرگی و عظمت او راه ندارند، و اوهام

**حَقِيقَةُ مَا هَيْبَتِيهِ، وَلَا تَتَّصِرُ الْأَنْفُسُ مَعَانِي كَيْفِيَّتِيهِ**، حقیقت ذات او را درک نمی‌کنند، و جان‌ها کیفیت و چگونگی او را نمی‌توانند تصوّر کنند،

**مُطَّلِعاً عَلَى الضَّمَائِرِ، عَارِفاً بِالسَّرَائِرِ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ** بر امور نهانی آگاه و بر پنهانی‌ها آشنا است؛ خیانت

**الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ** چشم‌ها و آنچه در سینه‌ها پنهان است می‌داند. خدایا؛ تو را گواه می‌گیرم

**عَلَىٰ تَصَدِّيقِي رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ**، بر تصدیقم نسبت به پیامبرت - که درود خدا بر او و آل او باد -

**وَإِيمَانِي بِهِ، وَعِلْمِي بِمَنْزَلَتِيهِ، وَإِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ** و ایمانم به او؛ و آگاهیم نسبت به مقام و منزلتش؛ و شهادت می‌دهم که همانا او

**النَّبِيُّ الَّذِي نَطَقْتَ الْحِكْمَةَ بِفَضْلِهِ، وَبَشَّرْتَ** پیامبری است که حکمت به فضل و دانش او گویا گشت، و

**الْأَنْبِيَاءُ بِهِ ، وَدَعَتْ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمَا جَاءَ بِهِ ، وَحَثَّتْ**

پیامبران به آمدن او بشارت دادند، و دعوت به اقرار به آن چه آورده است، کردند و تشویق

**عَلَى تَصَدِّقِهِ بِقَوْلِهِ تَعَالَى ﴿ الَّذِي يَجِدُو نَهُ مَكْتُوبًا**

به تصدیقش نمودند؛ همان گونه که خداوند فرمود: «کسی است که نامش را

**عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ**

در تورات و انجیل نوشته‌شده می‌یابند، او آن‌ها را به کارهای نیکو امر می‌کند

**وَيَنْهَيْهِمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ**

و از کارهای زشت باز می‌دارد و پاک‌ها را برای آن‌ها حلال می‌کند، و

**عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ**

آلودگی‌ها و پلیدی‌ها را برای آن‌ها حرام می‌نماید؛ و برمی‌دارد از دوش ایشان سنگینی و بار

**الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ﴿ ۱ ۰ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ**

گران و غل و زنجیری را که بر گردن دارند، . پس، درود فرست بر محمد رسول و فرستاده‌ات

**إِلَى الثَّقَلَيْنِ ، وَسَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ الْمُصْطَفَيْنِ ، وَعَلَى**

به سوی جنّ و انس و سیّد و سرور انبیای برگزیده‌ات؛ و درود فرست بر

**أَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ اللَّذِينَ لَمْ يُشْرِكَا بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ**

برادرش و پسرعمویش، آن دو که حتی برای یک لحظه و یک چشم به هم زدن برای تو شرک

۱۰ .سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۵۷ .

**أَبْدَأُ ، وَعَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ،**

نورزیدند؛ و بر فاطمهٔ زهرا، سیّده و سرور زن‌های جهانیان؛

**وَعَلَى سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ،**

و بر دو سرور جوانان اهل بهشت، حسن و حسین،

**صَلَاةَ خَالِدَةَ الدَّوَامِ ، عَدَدَ قَطْرِ الرَّهَامِ ، وَزِنَةَ**

درودی که جاودانی و دایمی باشد؛ به تعداد قطره‌های باران، و به سنگینی

**الْجِبَالِ وَالْأَكَامِ مَا أَوْرَقَ السَّلَامُ ، وَاخْتَلَفَ الضِّيَاءِ**

کوه‌ها و تپه‌ها تا وقتی که سلام برگ (و نتیجه) می‌دهد؛ و تا وقتی که نور

**وَالظَّلَامِ ، وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ ، الْأَيْمَةَ الْمُهْتَدِينَ ،**

و ظلمت (شب و روز) در رفت و آمدند؛ و سلام بر آل پاک او، امامان هدایت شده

**الَّذِينَ دِينَ عَنِ الدِّينِ ، عَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرَ وَمُوسَى**

- آن مدافعان دین - یعنی علی و محمد و جعفر و موسی

**وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةَ الْقَوَامِ**

و علی و محمد و علی و حسن و حجّت؛ که بپادارندگان

**بِالْقِسْطِ وَسُلَالَةِ السَّبْطِ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ**

عدالت و قسطاند، و از نسل سبط پیامبرند. خدایا؛ از تو می‌خواهم به حق



هَذَا الْإِمَامَ، فَرَجًا قَرِيبًا، وَصَبْرًا جَمِيلًا، وَنَصْرًا

این امام، گشایش نزدیک و صبر جمیل و یاری

عزیزاً، وَغِنَى عَنِ الْخَلْقِ، وَتَسْبَاتًا فِي الْهُدَى،

باعزت، و بی‌نیازی از خلق، و پایداری در هدایت،

والتَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، وَرِزْقًا وَسِعًا حَلَالًا،

و توفیق بر آنچه آن را دوست داری و می‌پسندی؛ و رزق و روزی گسترده، حلال،

طَيِّبًا مَرِيئًا، دَارًا سَائِعًا، فَاضِلًا مُفْضَلًا، صَبَابًا صَبِيًّا،

پاک و گوارا، قطع‌نشدنی، خوش‌گوار، فراوان، زیاد شده، و پیوسته ریزان

مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا تَكْدٍ وَلَا مِنَّةٍ مِنْ أَحَدٍ، وَعَافِيَةً مِنْ

بدون زحمت و سختی، و بی‌هیچ منتی از کسی، و مصون از

كُلِّ بَلَاءٍ وَسُقْمٍ وَمَرَضٍ، وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ

هر بلا و بیماری و مریضی، و شکرگزاری بر سلامت و عافیت

والتَّعْنَاءِ، وَإِذَا جَاءَ الْمَوْتُ فَاقْبِضْنَا عَلَى أَحْسَنِ مَا

و نعمت را به من عنایت کنی. و هنگامی که مرگ فرا رسید جان ما را در بهترین حال،

يَكُونُ لَكَ طَاعَةٌ، عَلَى مَا أَمَرْنَا مُحَافِظِينَ، حَتَّى

از نظر اطاعت و فرمانبرداری بگیرد؛ در حالتی که رعایت‌کننده و اجراکننده فرامین تو باشیم؛ تا

تُودِينَا إِلَى جَنَّتِ النَّعِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

این که ما را به بهشت پر نعمت برسانی؛ به رحمتت، ای مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

مهربانان. خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست،

وَأَوْحِشْنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَأَنْسِنِي بِالْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ

و مرا از دنیا وحشت‌زده و با آخرت مأنوس گردان؛

لَا يُؤْحِشُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا خَوْفُكَ، وَلَا يُؤْنِسُ بِالْآخِرَةِ

چرا که به هراس از دنیا نمی‌اندازد مگر هراس از تو؛ و با آخرت مأنوس نمی‌سازد

إِلَّا رَجَاؤُكَ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحُجَّةُ لَا عَلَيْكَ، وَإِلَيْكَ

مگر امید به تو. خدایا؛ حجت به نفع توست، نه بر ضرر تو؛ و

الْمُشْتَكَى لَا مِنْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِنِّي

شکوه‌ها به سوی توست، نه شکوه از تو باشد؛ پس، درود فرست بر محمد و آل او؛ و مرا

عَلَى نَفْسِي الظَّالِمَةِ العَاصِيَةِ، وَشَهَوَاتِي العَالِيَةِ،

بر نفس ستمگر و سرکشه، و بر شهوت چیره‌شونده‌ام یاری نما؛

وَاحْتِمِ لِي بِالْعَافِيَةِ. اللَّهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفَارِي إِلَيْكَ وَأَنَا

و با عافیت‌کارم را به پایان برسان. خدایا؛ همانا طلب آمرزشم از تو، در حالی که بر

**مُصِرٌّ عَلٰی مَا نَهَيْتَ قَلَّةً حَيَاةٍ ، وَتَرْكِيَّ الْاِسْتِعْمَارَ**

آن چه از من نهی فرمودی بافشاری می‌کنم، از کمی حیا و شرم من است؛ و ترک کردن من استغفار

**مَعَ عِلْمِي بِسَعَةِ حِلْمِكَ تَضْيِيعُ لِحَقِّ الرَّجَاءِ . اَللّٰهُمَّ**

را، با علم من به گسترش بردباری تو، از بین‌برندهٔ حق امیدواری است. بار الها!

**اِنْ ذُنُوْبِي تُؤَيِّسُنِي اَنْ اَرْجُوْكَ ، وَاِنْ عِلْمِي بِسَعَةِ**

همانا گناهانم مرا از امیدوار بودن به تو ناامید ساخته، و علم من بر زیادی

**رَحْمَتِكَ يَمْنَعُنِي اَنْ اَخْشَاكَ ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ**

رحمتت مرا از هراس از تو بازمی‌دارد؛ پس درود فرست بر محمد و آل

**مُحَمَّدٍ ، وَصَدِّقْ رَجَائِي لَكَ ، وَكُذِّبْ خَوْفِي مِنْكَ ،**

محمد، و امید مرا بر خودت صادق و به جا و به مورد قرار بده، و ترسم را بی‌مورد و بی‌جا فرما.

**وَ كُنْ لِي عِنْدَ اَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ ، يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِيْنَ .**

و برای من آن گونه که به تو خوش‌گمان هستم باش؛ ای کریم‌ترین کریم‌ها.

**اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاَيِّدْنِي**

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا

**بِالْعِصْمَةِ ، وَاَنْطِقْ لِسَانِي بِالْحِكْمَةِ ، وَاَجْعَلْنِي مِمَّنْ**

با بازداشتن از گناه تأیید کن، و زبانم را به حکمت گویا نما، و مرا از کسانی قرار ده

**يُنْدِمُ عَلٰی مَا ضَيَّعَهُ فِيْ اَمْسِهِ ، وَّلَا يَعْزُبُ حَظَّهُ فِي**

که بر گذشتهٔ ضایع‌شدهٔ خود پشیمان‌اند، و نسبت به بهرهٔ امروزشان مغیور نگشته‌اند؛

**يَوْمِهِ ، وَّلَا يَهِمُّ لِرِزْقِ عَدِهِ . اَللّٰهُمَّ اِنَّ الْعَنِيَّ مِّنْ**

و اهمتami به روزی فردا ندارند. بار الها؛ دارا کسی است که

**اِسْتَعْنٰ بِكَ وَاَفْتَقَرَ اِلَيْكَ ، وَاَلْفَقِيْرَ مِّنْ اِسْتَعْنٰ**

به واسطهٔ تو بی‌نیازی بچوید و خود را نیازمند تو بدانده؛ و نیازمند و فقیر، کسی است که به جای تو از

**بِخَلْقِكَ عَنَّا ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ ،**

خلق و آفریدگانت بی‌نیازی بچوید؛ پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست،

**وَأَعْنِنِي عَن خَلْقِكَ بِكَ ، وَاَجْعَلْنِي مِمَّنْ لَا يَبْسُطُ كَفًّا**

و مرا به وسیلهٔ خودت از آفریدگانت بی‌نیاز گردان، و مرا از کسانی قرار ده که دستش را جز به سوی تو دراز

**اِلَّا اِلَيْكَ . اَللّٰهُمَّ اِنَّ الشَّقِيَّ مَن قَنَطَ وَاَمَامَهُ التَّوْبَةُ ،**

نکند. بار خدایا؛ به راستی، بدبخت و بد عاقبت کسی است که ناامید باشد از درگاه تو در حالی که پیش رویش

**وَوَرَاءَهُ الرَّحْمَةُ ، وَاِنْ كُنْتَ ضَعِيْفَ الْعَمَلِ فَاِنِّي فِي**

توبه و پشت سرش رحمت باشد، و گرچه من دارای ضعف و سستی در عمل به دستورات هستم؛ لیکن

**رَحْمَتِكَ قَوِيٌّ الْاَمَلِ ، فَهَبْ لِي ضَعْفَ عَمَلِي لِقُوَّةِ**

نسبت به رحمت تو آرزو و امیدم قوی است؛ پس ضعف رفتارم را به خاطر قوت

أَمَلِي . اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ مَا فِي عِبَادِكَ مَنْ هُوَ

آرزو و امیدم بر من ببخشای. خدایا، اگر در بین بندگانت

أَقْسَى قَلْبًا مِنِّي، وَأَعْظَمُ مِنِّي ذَنْبًا، فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا

سنگدل‌تر از من و گناهکارتر از من سراغ نداشته باشی؛ من هم به خوبی می‌دانم که

مَوْلَىٰ أَعْظَمُ مِنْكَ طَوْلًا، وَأَوْسَعُ رَحْمَةً وَعَفْوًا،

مولا و سروری بخشنده‌تر، و دارای رحمت و عفو و بخشش فراگیرتر از تو وجود ندارد؛

فَيَأْمَنُ هُوَ أَوْ حَدِّ فِي رَحْمَتِهِ، إِغْفِرْ لِمَنْ لَيْسَ بِأَوْحَدٍ

پس، ای کسی که در رحمتش بی‌نظیر است، بیامرز؛ کسی را که در گناهش تنها و یگانه‌تاز نیست.

فِي خَطِيئَتِهِ . اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَمَرْتَنَا فَعَصَيْنَا، وَنَهَيْتَ فَمَا

بار الها! تو به ما دستور دادی ولی نافرمانی کردیم؛ و ما را بازداشتی ولی اجتناب

انتهینا، وَذَكَرْتَ فَتَنَّا سَيِّئًا، وَبَصَّرْتَ فَتَعَامَيْنَا،

تکریم؛ و یادآوری کردی، و ما خود را به فراموشی زدیم؛ و ما را بینا کردی، ولی ما خود را به کوری زدیم؛

وَحَدَّرْتَ فَتَعَدَّيْنَا، وَمَا كَانَ ذَلِكَ جَزَاءَ إِحْسَانِكَ

و ما را بر حذر داشتی، و ما تجاوز کردیم؛ و به خوبی می‌دانم که این کارها پاداش احسان و نیکی تو

إِنِّيْنَا، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا أَعَلْنَا وَأَخْفَيْنَا، وَأَخْبِرُ بِمَا

نسبت به ما نمی‌باشد؛ و تو بهتر از ما، از کرده‌های پنهان و آشکارمان آگاهی؛ و آن چه را انجام

تَأْتِي وَمَا أَتَيْنَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا

خواهیم داد و در گذشته انجام داده‌ایم، بهتر می‌دانی؛ پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست

تُواخِذْنَا بِمَا أَخْطَأْنَا وَنَسَبْنَا، وَهَبْ لَنَا حُقُوقَكَ

و ما را مواخذه مکن به جهت گناهان و اشتباهات و فراموش‌کاری‌های‌مان و هر حقی که بر گردن ما

لَدَيْنَا، وَأَتِمِّ إِحْسَانَكَ إِلَيْنَا، وَأَسْئِلُ رَحْمَتَكَ عَلَيْنَا .

داری ببخش؛ و احسان و نیکی‌هایت را بر ما کامل و تمام گردان؛ و رحمتت را بر ما سرازیر کن.

اَللّٰهُمَّ اِنَّا تَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ بِهَذَا الصّٰدِقِ الْاِمَامِ،

بار الها! ما، به واسطهٔ این امام صدّیق و راستگوی راستین، به تو توسّل می‌جوئیم

وَنَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ لَهُ، وَلِجَدِّهِ رَسُوْلِكَ،

و از تو درخواست می‌کنیم به خاطر حقی که مخصوص او قرار دادی و مخصوص جدّش رسول خودت

وَلَا بُوَيِّهِ عَلَيَّ وَفَاطِمَةَ اَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، اِذْ رَارَ

و مخصوص پدرش علی و مادرش فاطمه، اَن اهل بیت رحمت قرار دادی؛

الرِّزْقِ الَّذِي بِهِ قِوَامُ حَيَاتِنَا، وَصَلٰحِ اَحْوَالِ عِيَالِنَا،

رزق و روزی ما را که پابرجایی زندگی‌مان و اصلاح امور خانواده‌مان به آن بستگی دارد، افزون

فَأَنْتَ الْكَرِيْمُ الَّذِي تُعْطِي مِنْ سَعَةٍ، وَتَسْمَعُ مِنْ

گردان؛ زیرا تو کریم و بزرگواری هستی که با توانگری می‌بخشی، و از روی

قُدْرَةٍ، وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ مِنَ الرِّزْقِ مَا يَكُونُ صَلَاحًا

قدرت باز می‌داری؛ و ما از رزق و روزی، مقداری می‌خواهیم که موجب صلاح

لِلدُّنْيَا، وَبِلَاغًا لِلْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

دنیا و وسیله سعادت آخرت ما شود. بار خدایا؛ بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لَنَا وَلِوَالِدَيْنَا، وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

محمد درود فرست و ما و پدر و مادر ما، و تمام زنان

وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ

و مردان مؤمن و مسلمان را که زنده

مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَأَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

و یا مرده‌اند بیامرزد؛ و در دنیا و آخرت، به ما خیر

الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

و نیکی عطا فرما، و از جهنم نگاه دار.

وقتی قنوت تمام شد، رکوع و سجده نموده و می‌نشیند و تشهّد

و سلام نماز را انجام می‌دهد و پس از آنکه تسبیح حضرت زهرا علیها السلام

را گفتی، دو طرف صورتت را خاک آلود نموده و چهل بار بگو:

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»

خدا منزه است، ستایش ویژه اوست، و جز او معبودی نیست، و او بزرگ است.

سپس از خدای تعالی بخواه که تو را از ارتکاب گناه باز دارد، و از

عذاب خود نجات دهد و ببخشد، و توفیق انجام کارهای نیک که

موجب تقرب به خدا می‌شود و باعث جلب رضایت او می‌گردد و

پذیرش آن‌ها را عطا کند. آنگاه نزد سر مطهر بایست و دو رکعت نماز

مانند نمازی که پیش از این گفتیم به جای آور و پس از نماز، خود را

به روی قبر مطهر بینداز و آن را بیوس و بگو:

زَادَ اللَّهُ فِي شَرِّكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

خداوند شرافت شما را بیفزاید، و سلام و رحمت و برکات خداوند نیز به طور دائم نثار شما باد.

آن‌گاه برای خودت، پدرت، مادرت، و هر کسی که می‌خواهی دعا کن.<sup>۱</sup>

علامه مجلسی رحمته الله می‌فرماید: نویسنده کتاب «المزار الكبير»

می‌گوید: زیارت دیگری برای امام حسین علیه السلام در روز عاشورا هست

که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحا فداء به یکی از نواب خویش صادر

شده: نزد قبر آن حضرت می‌ایستی و می‌گویی: السَّلَامُ عَلَيَّ أَدَمَ

صِفْوَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ، و زیارت را مانند آنچه نقل شد ادامه می‌دهد.

بدین سان روشن می‌شود که این زیارت به راستی از حضرت

مهدی ارواحا فداء روایت شده است. البته احتمال دارد که این

زیارت به روز عاشورا اختصاص نداشته باشد؛ چنان که سید

۱. بحار الأنوار: ۱/۳۱۷.

مرتضی اعلى الله مقامه نیز همین اعتقاد را داشته است.<sup>۱</sup>

آیه الله سید احمد مستنبط علیه السلام نیز می نویسد: روایت زیارت ناحیه مقدسه دلالتی ندارد که خواندن آن، به روز عاشورا اختصاص داشته باشد.<sup>۲</sup>



### زیارت رجبیه

که در حریمهای مطهر اهل بیت علیهم السلام در ماه رجب خوانده می شود

جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی رضی الله عنه (سومین نایب خاص امام عصر ارواحنا فداه) می فرماید:

اگر کسی این زیارت را در یکی از حرمها و زیارتگاههای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بخواند، حتماً با برآورده شدن حاجتش از آنجا باز خواهد گشت و دعای او در مورد دین و دنیا به اجابت خواهد رسید. اگر قصد این زیارت را داشتی، بر درگاه حرم مطهر امام علیه السلام بایست و بگو:

**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدْنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ،**

ستایش ویژه خداوندی است که ما را در این ماه رجب به زیارتگاه و محل حضور اولیاء خود حاضر گردانید،

۱. بحار الأنوار: ۱/۳۲۸. ۲. الزیارة والبیارة: ۴۸۸/۲.

**وَأَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ، وَصَلَّى اللَّهُ**

و حقوقی چند که از حق ایشان بر ما لازم بود، واجب نمود؛ و درود پیوسته خداوند

**عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُتَّجِبِ، وَعَلَى أُوصِيَاءِهِ الْحُجْبِ.**

بر محمد برگزیده، و بر اوصیای او که پرده دار حریم الهی هستند نثار باد.

**اللَّهُمَّ فَكَمَا أَشْهَدُ تَنَا مَشْهَدَهُمْ، فَأَنْجِرْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ،**

بار الها! همان گونه که ما را به حضور ایشان حاضر گردانیدی، پس وعده ایشان را نیز برای ما وفا کن،

**وَأُورِدْنَا مَوْرِدَهُمْ غَيْرَ مُحَلِّبِينَ عَسَنَ وَرْدِ فِي دَارِ**

و ما را به محل ورودشان برسان که پس از آن، از ورود به جایگاه

**الْمُقَامَةِ وَالْخُلْدِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ إِنِّي قَصَدْتُكُمْ،**

بهشت ابدی و جاودانی نیز محروم نشویم. سلام بر شما؛ من به قصد دیدار شما آمده‌ام؛

**وَاعْتَمَدْتُكُمْ يَمَسْأَلَتِي وَحَاجَتِي، وَهِيَ فَكَأَنَّكَ رَقِيبِي**

و در مورد درخواست و نیازم که رهایی من

**مِنَ النَّارِ، وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ فِي دَارِ الْقَرَارِ، مَعَ شِبَعَتِكُمْ**

از جهنم، و ماندگاری من در بهشت در نزد شما، همراه با شیعیان

**الْأَبْرَارِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عَقْبِي**

نیکیوار شمسست، به شما اعتماد نمودم. سلام بر شما به خاطر آن که شکیبایی ورزیدید و صبر نمودید؛ پس چه

۵۲۰

منتخب صحیفهٔ مهدیه

**الدَّارِ . أَنَا سَائِلُكُمْ وَأَمْلِكُكُمْ فِيمَا إِلَيْكُمْ التَّوْبِضُ ،**

*خوب است عاقبت این خانه (در آخرت). من خواستار و آرزومند شما در مورد آنچه به شما*

**وَعَلَيْكُمْ التَّعْوِضُ ، فَبِكُمْ يُجْبَرُ الْمَهْبِضُ ، وَيُشْفَى**

*وآگذار شده هستیم؛ آنچه عوض کردن آن به عهدهٔ شماست؛ زیرا تنها به وسیلهٔ شما شکسته جبران*

**الْمَرِيضُ ، وَمَا تَزْدَادُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَغِيضُ ، إِنِّي**

*می‌شود، و بیمار بهبود می‌یابد، و به وسیلهٔ شما کمی و فزونی در ارحام انجام می‌پذیرد.*

**بِإِسْرَاطٍ مُّؤْمِنٌ ، وَلِقَوْلِكُمْ مُسْلِمٌ ، وَعَلَى اللَّهِ بِكُمْ مَقْسِمٌ**

*من به طور واقعی به سز شما ایمان دارم، و تسلیم گفتارتان هستیم، و خدا را به شما*

**فِي رَجْعِي بِحَوَائِجِي ، وَقَضَائِهَا وَإِمْضَائِهَا ، وَإِنْجَاحِهَا**

*سوگند می‌دهم که تنها با پاسخ مثبت به خواسته‌هایم مرا برگرداند و آن‌ها را برآورده و امضا شده*

**وَإِبْرَاحِهَا ، وَيَشْؤُونِي لَدَيْكُمْ وَصَلَاحِهَا . وَالسَّلَامُ**

*و حتمی و انجام‌شده نماید و همهٔ کارهایم نزد شما را اصلاح فرماید. و سلام*

**عَلَيْكُمْ سَلَامٌ مُّودِعٌ ، وَلَكُمْ حَوَائِجُهُ مُودِعٌ ، يَسْأَلُ**

*بر شما، سلام کسی که دارد خداحافظی می‌کند و خواسته‌هایش را نزد شما سپرده، تا برآورده شود.*

**اللَّهُ إِلَيْكُمْ الْمَرْجِعَ ، وَسَعِيهِ إِلَيْكُمْ غَيْرُ مُتَقَطِعٍ ، وَأَنْ**

*از خدا می‌خواهد که دوباره نزد شما بیاید، و رفت و آمد او به این مکان مبارک و نزد شما پیوسته باشد،*

زیارت رجبیه ...

۵۲۱

**يَرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ ، إِلَيَّ جَسَنَابُ**

*و مرا برگرداند از حضورتان به بهترین بازگشت به سوی آستانه‌ای*

**مُمرِعٍ ، وَحَفْضِ [عَيْشٍ] مُوسِعٍ ، وَدَعَةِ وَمَهْلٍ إِلَيَّ**

*خزَم و سرسبز و با آسایش و پروسعت، با راحتی و آسانی تا*

**حِينَ الْأَجْلِ ، وَخَيْرِ مَصْبِرٍ وَمَحَلٍّ فِي النِّعَمِ الْأَزْلِ ،**

*هنگام مرگ، و بهترین سرانجام و جایگاه در بهشت همیشگی،*

**وَالْعَيْشِ الْمُتَتَبِّلِ ، وَدَوَامِ الْأَكْلِ ، وَشُرْبِ الرَّحِيقِ**

*و زندگی خوشی نو و پسندیده، و خوراک همیشگی و آشامیدنی ناب و خالص*

**وَالسَّلْسَلِ ، وَعَلٍّ وَنَهْلٍ ، لَا سَامَ مِنْهُ وَلَا مَلَكَ ، وَرَحْمَةً**

*و گوزاری دایم و با خوردنی دوباره و سیراب‌گشتن بدون این که هیچ خستگی و ملال و دلنگی در آن‌ها*

**اللَّهُ وَبَرَكَاتِهِ وَتَحِيَّاتِهِ عَلَيْكُمْ ، حَتَّى الْعَوْدِ إِلَيَّ**

*باشد و رحمت و برکات، و تحیت‌ها و احترامات خداوندی تا بازگشت به*

**حَضْرَتِكُمْ ، وَالْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ ، وَالْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ ،**

*حضور شما و کامیابی در رجعت شما و محشور شدن در زمرهٔ شما، بر شما نثار باد.*

**وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ ،**

*و سلام و رحمت و برکات الهی بر شما باد؛*

وَصَلِّوْا لَهُ وَتَحِيَّاتُهُ ، وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ .<sup>۱</sup>

و در درجه اول احترامات ویژه خداوندی نیز تان باد، و او برای ما بس است و چه پشتیبانی شایسته و نیکوست.  
 وَتَحِيَّاتُهُ ، وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ .<sup>۱</sup>



### زیارت حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه

#### در سرداب مقدس

این زیارت، به زیارت ندبه معروف است که از ناحیه مقدسه صادر شده و به دست مبارک ابو جعفر محمد بن عبدالله حمیری رضی الله عنه رسیده است.<sup>۲</sup> و امر فرموده‌اند که این زیارت در سرداب مقدس خوانده شود.<sup>۳</sup>



### زیارت دوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه

زیارت دیگری که مولای ما حضرت بقیة الله ارواحنا فداه در این مکان مقدس با آن زیارت می‌شود؛ چنین است: دو رکعت نماز

۱. مصباح المتعبد: ۸۲۱، مصباح الزائر: ۴۹۳، المزار الكبير: ۲۰۳، إقبال الأعمال: ۱۲۴.

۲. این زیارت در ص ۴۵۰ این کتاب آمده است.

۳. مصباح الزائر: ۴۳۰.

خواننده و پس از آن می‌گویی: سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ...<sup>۱</sup>



### زیارت سوّم حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه

در کتاب «مصباح الزائر» زیارت دیگری نیز نقل شده است:

السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ، وَالْعَامِلِ الَّذِي لَا يَبِيدُ<sup>۳</sup>،

سلام بر حقیقت تازه، و عمل‌کننده‌ای که هرگز قدیمی نمی‌شود،

السَّلَامُ عَلَى مُحْيِي الْمُؤْمِنِينَ، وَمُبِيرِ الْكَافِرِينَ،

سلام بر زنده‌کننده مؤمنان، و هلاک‌کننده کافران؛

السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَمِ، وَجَامِعِ الْكَلِمِ، السَّلَامُ

سلام بر هدایت‌گر امت‌ها، و گردآورنده کلمات، سلام

عَلَى خَلْفِ السَّلْفِ، وَصَاحِبِ الشَّرَفِ، السَّلَامُ عَلَى

بر جانشین گذشتگان، و صاحب شرافت الهی؛ سلام بر

۱. این زیارت نیز در ص ۸۶ کتاب آمده است.

۲. مصباح الزائر: ۴۳۵.

۳. در مزار شهید رضی الله عنه چنین آمده است: وَالْعَامِلِ الَّذِي عَلِمُهُ لَا يَبِيدُ؛ «و دانشمندی که

دانشش کهنه نمی‌شود».

حُجَّةَ الْمُعْبُودِ، وَكَلِمَةَ الْمُحْمُودِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُعِزُّ

حجت پروردگار و کلمه پسندیده و ستوده شده؛ سلام بر عزت‌بخش

الْأَوْلِيَاءِ، وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيَّ وَارِثُ

دوستان و خوار کننده دشمنان؛ سلام بر وارث

الْأَنْبِيَاءِ، وَخَاتَمِ الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْقَائِمِ

پیامبران، و آخرین جانشینان؛ سلام بر قیام کننده

الْمُنْتَظَرِ، وَالْعَدْلِ الْمُسْتَهَرِّ، السَّلَامُ عَلَيَّ السَّيْفِ

مورد انتظار، و عدالت شهرت‌یافته؛ سلام بر شمشیر

الشَّاهِرِ، وَالْقَمَرِ الزَّاهِرِ، السَّلَامُ عَلَيَّ شَمْسِ الظُّلَمِ،

نمایان، و ماه تابان؛ سلام بر خورشید تاریکی‌ها

وَيَذِرُ التُّنَامِ، السَّلَامُ عَلَيَّ رَبِيعِ الْأَنْسَامِ، وَفِطْرَةَ

و ماه کامل و تمام؛ سلام بر بهار انسان‌ها، و طبیعت

الْأَيَّامِ، السَّلَامُ عَلَيَّ صَاحِبِ الصَّمْصَامِ، [وَ] فَلَاقِ

روزها؛ سلام بر صاحب شمشیر بزآن، و شکافنده

الْهَامِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الدِّينِ الْمَأْتُورِ، وَالْكِتَابِ

سرها؛ سلام بر دین بجای مانده، و کتاب

الْمُسْطُورِ، السَّلَامُ عَلَيَّ بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ، وَحُجَّتِهِ

نگاشته شده؛ سلام بر باقی‌مانده حجت‌های خدا در سرزمین‌هایش، و حجت خداوند

عَلَيَّ عِبَادِهِ، الْمُنْتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَكَدَيْهِ

بر بندگانش؛ کسی که میراث پیامبران به او رسیده، و نشانه‌ها

مَوْجُودُ آثَارِ الْأَصْفِيَاءِ، الْمُوْتَمَنِّ عَلَيَّ السَّرِّ،

و آثار برگزیدگان نزد اوست، امین سز الهی است،

وَالْوَلِيِّ لِلْأَمَمِ، الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ

و سرپرست آمت‌هاست؛ همان مهدی که خداوند عزیز و بلندمرتبه به

الْأُمَّمِ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ، وَيَلْمَ بِهِ الشَّعْتَ، وَيَمَلَأُ

آمت‌ها وعده داده است که به سبب او وحدت کلمه ایجاد می‌کند، و پراکندگی را بهم می‌آورد.

بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، وَيُمْكِنُ لَهُ، وَيُنَجِّزُ بِهِ

و زمین را بر از عدل و داد می‌گرداند، و او را توانایی و قدرت می‌بخشد و وعده‌هایی را که

وَعَدَ الْمُؤْمِنِينَ. أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ وَالْأَيْمَةَ مِنْ

به مؤمنان داده محقق می‌گرداند. ای مولای من؛ گواهی می‌دهم که تو و امامان دیگر از

آبَائِكَ أَيْمَتِي وَمَوَالِيِّي فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ

پدرانم، پیشوایان من و سرپرستان حقیقی من در زندگی دنیا و روز اقامه



**الْأَشْهَادُ ، أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ تَبَارَكَ**

شهود (قیامت) هستید. از تو در خواست می‌کنم ای مولای من؛ تا از خداوند

**وَتَعَالَى فِي صَلَاحِ شَأْنِي ، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي ،**  
بلندمرتبه بخواهی که کارم را اصلاح کند و حاجت‌هایم را برآورد،

**وَعُفْرَانِ دُنُوبِي ، وَالْأَخْذِ بِيَدِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ**  
و گناهانم را ببخشد، و دستم را در مورد دینم و دنیا

**وَأَخْرَتِي ، لِي وَإِلْخَوَانِي وَإِخْوَتِي الْمُؤْمِنِينَ**  
و آخرتم بگیرد؛ برای من و تمام برادران و خواهران

**وَالْمُؤْمِنَاتِ كَافَّةً ، إِنَّكَ عَفُورٌ رَحِيمٌ .۱**

مؤمنم، این کارها را انجام دهد. همانا تو بخشنده‌ای مهربان هستی.

سپس دوازده رکعت نماز زیارت به جای آورده و بعد از هر دو رکعت

تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را می‌خوانی و پس از آن می‌گویی:

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ ، وَخَلِيفَتِكَ فِي**  
بلر الهاء درود فرست بر حجتت در روی زمینت، و جانشینت در

**بِلَادِكَ ، اَلدَّاعِي اِلَى سَبِيلِكَ ، وَالْقَائِمِ الصَّادِعِ**  
سرزمین‌هایت، فراخوان مردم به طرف راهت، قیام‌کننده‌ای که آشکار کننده (دین تو)

۱ . مصباح الزائر : ۴۴۱، مزار شهید : ۲۳۰ .

زیارت سوّم حضرت بقیّة الله عجل الله تعالی فرجه

**بِالْحِكْمَةِ ، وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَالصِّدْقِ ، وَكَلِمَتِكَ**

با حکمت و موعظه نیکو و راستگویی است. او که کلمه،

**وَعَيْنَيْكَ وَعَيْنِكَ فِي أَرْضِكَ ، الْمُتَرَقِّبِ الْخَائِفِ ،**  
محلّ راز، و چشم تو در زمینت است و چشم به راهی ترسان است،

**الْوَلِيِّ النَّاصِحِ ، سَفِينَةِ النَّجَاةِ ، وَعَلِمِ الْهُدَى ، وَنُورِ**  
و سرپرستی خیرخواه، کشتی نجات، و نشانهٔ هدایت، و نور

**أَبْصَارِ الْوَرَى ، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى ، وَالْوَثْرِ**  
چشمان مردم، و بهترین کسی که لباس و عبا پوشیده، و خون‌خواه کسی که

**الْمُوتُورِ ، وَمُفْرَجِ الْكَرْبِ ، وَمُزِيلِ الْهَمِّ ، وَكَاشِفِ**

انتقامش گرفته نشده، و از بین برندهٔ غم، و زدایندهٔ اندوه، و برطرف کنندهٔ

**الْبَلْوَى . صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَسَمَّةِ**

پلاست؛ صلوات خدا بر او و پدرانش که امامانی

**الْهَادِينَ ، وَالْقَادَةَ الْمَيَامِينَ ، مَا طَلَعَتْ كَوَاكِبُ**

هدایت‌گر و فرمانروایانی فرخنده هستند، باد؛ تا آن زمان که ستارگان

**الْأَشْحَارِ ، وَأُورَقَتِ الْأَشْجَارُ ، وَأَيُّنَعَتِ الْأَشْمَارُ ،**

سحری طلوع می‌کنند، و درختان برگ می‌دهند، و میوه‌ها می‌رسند و قابل چیده‌شدن می‌گردند،

۵۲۸

منتخب صحیفهٔ مهدیه

وَاحْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالتَّهَارُ ، وَعَرَدَتِ الْأَطْيَارُ . اَللّهُمَّ

و شب و روز یکی پس از دیگری در رفت و آمدند، و پرندگان نغمه‌سرای و آوازخوانی می‌کنند. بارالها!

انْفَعْنَا بِحَبِّهِ ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَتَحْتَ لِوَائِهِ ، اِلهَ

ما را به دوستی او بهره‌مندگردان ، و ما را در زمرهٔ او و زیر پرچمش محشور کن؛ ای خدای

الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .۱

حقّ و ای پروردگار جهانیان؛ اجابت کن.

ذکر صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه

و پس از زیارت می‌گویی: **اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ**

بارِ اِلهَا؛ بر محمّد و اهل

**بَيْتِهِ ، وَصَلِّ عَلٰی وَلِيِّ الْحَسَنِ وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ ،**

بیتش درود بفرست؛ و بر ولیّ و وصیّ و وارث امام حسن عسکری درود بفرست؛

**الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ ، وَالْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ ، وَالْمُنْتَظَرِ**

که برپادارندهٔ امر و فرمان تو است، و در بین مردم پنهان شده است، و منتظر

**لِادْنِكَ . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ ، وَقَرِّبْ بَعْدَهُ ، وَأَنْجِزْ**

اجازهٔ توست. بارالها؛ بر او صلوات و درود بفرست، و دوریش را نزدیک کن، و وعده‌اش

۱. مصباح الزائر: ۴۴۲.

ذکر صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه

۵۲۹

وَعَدَهُ ، وَأَوْفِ عَهْدَهُ ، وَاکْشِفْ عَنْ بَاسِهِ حِجَابَ

را محقق گردان ، و بر عهد و پیمانش وفا کن. و بردهٔ غیبت را از (چهرهٔ) نراحت او

الْغُيْبَةِ ، وَأَظْهِرْ بِظُهُورِهِ صَحَائِفَ الْمِحْنَةِ ، وَقَدِّمْ

برگیر ، و با ظهور آن حضرت دفترهای امتحان و آزمایش را بیدار کن، و پیشاپیش او

**أَمَامَهُ الرَّعْبَ ، وَثَبَّتْ بِهِ الْقَلْبَ ، وَأَقِمْ بِهِ الْحَرْبَ ،**

رعب و وحشت را بفرست، و دل مؤمنان را ثابت و محکم گردان و جنگ را به وسیلهٔ او برپا کن،

**وَأَيِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ، وَسَلِّطْهُ عَلٰی**

و او را با سپاه فرشتگان که نشان دارند تأییدش گردان. و او را به

**أَعْدَاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ ، وَالْهَمَّهُ أَنْ لَا يَدَعَ مِنْهُمْ رُكْنًا**

تمام دشمنان دینت مسلط کن. و به او الهام کن که هیچ رکنی از آنان را باقی نگذارد

**إِلَّا هَدَاهُ ، وَلَا هَامَا إِلَّا قَدَاهُ ، وَلَا كَيْدًا إِلَّا رَدَاهُ ، وَلَا**

مگر این که منهدم کند، و هیچ سری را مگر این که آن را دونیم کند، و هیچ نیرنگی را مگر این که باطل سازد و به

**فَاسِقًا إِلَّا حَدَاهُ ، وَلَا فِرْعَوْنَ إِلَّا أَهْلَكَهُ ، وَلَا سِتْرًا**

خودشان برگرداند و هیچ فاسقی را مگر این که ادب کند، و هیچ فرعونی را مگر این که هلاک گرداند، و هیچ

**إِلَّا هَتَّكَهُ ، وَلَا عِلْمًا إِلَّا نَكَّسَهُ ، وَلَا سُلْطَانًا إِلَّا**

برده‌ای را مگر این که بدره، و هیچ پرجمی را مگر این که سرنگون کند، و هیچ پادشاهی را مگر این که او را مورد

كَبَسَهُ، وَلَا رُمْحًا إِلَّا قَصَفَهُ، وَلَا مُطْرِدًا إِلَّا خَرَقَهُ،

و هجوم و حمله ناگهانی خویش فرار دهد، و هیچ نیزه‌ای را مگر این که بشکند و هیچ خنجر را مگر این که بشکند،

وَلَا جُنْدًا إِلَّا فَرَقَهُ، وَلَا مَنِيرًا إِلَّا أَحْرَقَهُ، وَلَا سَيْفًا

و هیچ لشکری را مگر این که پراکنده سازد، و هیچ منبری را مگر این که بسوزاند، و هیچ شمشیری را

إِلَّا كَسَرَهُ، وَلَا صَنَمًا إِلَّا رَضَّهُ، وَلَا دَمًا إِلَّا أَرَاقَهُ،

مگر این که بشکند، و هیچ بنی را مگر این که درهم بکوبد و خرد کند، و هیچ خونی را مگر این که بریزد،

وَلَا جَوْرًا إِلَّا أَبَادَهُ، وَلَا حِصْنَآ إِلَّا هَدَمَهُ، وَلَا بَابًا

و هیچ ستومی را مگر این که از بین ببرد، و هیچ دژی را مگر این که فرو بریزد، و هیچ دری را

إِلَّا رَدَمَهُ، وَلَا قَصْرًا إِلَّا أَخْرَبَهُ، وَلَا مَسْكَنًا إِلَّا

مگر این که ببندد، و هیچ کاخی را مگر این که ویران سازد، و هیچ منزلگاهی را مگر این که

فَتَشَهُ، وَلَا سَهْلًا إِلَّا وَطِئَهُ، وَلَا جَبَلًا إِلَّا صَعَدَهُ، وَلَا

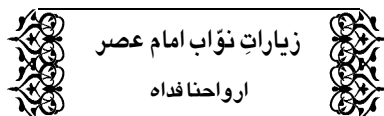
واریسی کند، و هیچ بیابانی را مگر این که زیر پا بگذارد، و هیچ کوهی را مگر این که بالا رود،

كَنْزًا إِلَّا أَخْرَجَهُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱

و هیچ گنجی را مگر این که بیرون آورد؛ به واسطه رحمتت، ای مهربان‌ترین مهربانان.

۱. مصباح الزائر: ۴۴۲. زیاراتی را که نقل نمودیم خواندن آنها در سرداب مقدس تأکید شده است و ظاهراً اختصاص به آن مکان شریف ندارد ولی در بعضی از زیارات دیگر تصریح شده است که خواندن آنها اختصاص به سرداب مقدس دارد.

### بخش دوازدهم



و بعضی از دعاهایی که اصحاب  
آن حضرت، نقل نموده‌اند



### زیارت نواب امام زمان ارواحنا فداه

شیخ طوسی رحمته الله در کتاب «تهذیب الأحکام» و سید بن طاووس رحمته الله در کتاب «مصباح الزائر» آورده‌اند:

مستحب است زیارت کردن نمایان خاص و بزرگوار حضرت مهدی ارواحنا فداه به زیارتی که به جناب حسین بن روح رحمته الله منسوب است.

بدین صورت که کنار قبر مطهر جناب عثمان بن سعید رحمته الله ایستاده و بگوییم:

اَلسَّلَامُ عَلَی رَسُوْلِ اللهِ، اَلسَّلَامُ عَلَی اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ

سلام بر رسول خدا؛ سلام بر امیر و فرمانروای مؤمنان.

عَلِیِّ بْنِ اَبِی طَالِبٍ، اَلسَّلَامُ عَلَی خَدِیجَةَ الْكُبْرٰی ،

حضرت علیّ بن ابی طالب؛ سلام بر حضرت خدیجه، بزرگترین زن؛

اَلسَّلَامُ عَلَی فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ، اَلسَّلَامُ عَلَی الْحَسَنِ

سلام بر حضرت فاطمهٔ زهرا؛ سلام بر امام حسن

اِبْنِ عَلِیٍّ ، اَلسَّلَامُ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ ، اَلسَّلَامُ

فرزند حضرت علی؛ سلام بر امام حسین، فرزند حضرت علی؛ سلام

عَلِی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ ، اَلسَّلَامُ عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ

بر علیّ بن الحسین (امام سجّاد)، سلام بر محمد بن

عَلِیٍّ ، اَلسَّلَامُ عَلَی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، اَلسَّلَامُ عَلَی

علی (امام باقر)، سلام بر جعفر بن محمد (امام صادق)، سلام بر

مُوسٰی بْنِ جَعْفَرٍ ، اَلسَّلَامُ عَلَی عَلِیِّ بْنِ مُوسٰی ،

موسی بن جعفر (امام کاظم)، سلام بر علیّ بن موسی (امام رضا)،

اَلسَّلَامُ عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ ، اَلسَّلَامُ عَلَی عَلِیِّ بْنِ

سلام بر محمد بن علی (امام جواد)، سلام بر علیّ بن

مُحَمَّدٍ ، اَلسَّلَامُ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ ، اَلسَّلَامُ عَلَی

محمد (امام هادی)، سلام بر حسن بن علی (امام عسکری)؛ سلام بر

مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِیِّ صَاحِبِ الزَّمَانِ، اَلسَّلَامُ

محمد بن الحسن، حضرت مهدی صاحب عصر و زمان (عجلتعالیه)، سلام

عَلَیْكَ يَا عُثْمَانَ بْنَ سَعِيدٍ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ بَابُ الْمَوْلٰی ،

بر تو ای عثمان بن سعید؛ گواهی می‌دهم که تو باب و راه رسیدن به مولایمان هستی؛

أَدِّیْتَ عَنْهُ وَأَدِّیْتَ إِلَیْهِ ، مَا خَالَفْتَهُ وَلَا خَالَفْتَ عَلَیْهِ ،

پیغام‌ها را از او به دیگران، و از دیگران به او رسانیدی؛ نه با او مخالفت کردی و نه کسی را علیه او برانگیختی

قُئِمْتَ خَاصًّا ، وَأَنْصَرَفْتَ سَابِقًا ، جِئْتِكَ عَارِفًا بِالْحَقِّ

بیاخاستی در حالی که اولین نایب‌خاستی بودی و از دنیارفتی در حالی که بر همه (از نظر عقیده) سبقت گرفتی در

الَّذِی أَنْتَ عَلَیْهِ ، وَأَنَّكَ مَا حُضِنْتَ فِي التَّادِیْسَةِ

حالی خدمتت شرفیاب شده‌ام که حتّی راکه تو بر آن هستی می‌شناسم، و می‌دانم که در انای رسالت و انجام

وَالسُّفَارَةِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ مِنْ بَابٍ مَا أَوْسَعَكَ ،

وظیفهٔ سفیربودنت هیچ خیانتی انجام نداده‌ای. سلام بر تو ای در رحمتی که بسیار گسترش داشتی؛

وَمِنْ سَفِیْرِ مَا أَمَّنَكَ ، وَمِنْ ثِقَةٍ مَا أَمَكَّنَكَ ، أَشْهَدُ أَنَّ

وای سفیری که بسپار امانتدار و مورد اعتماد بودی؛ وای مورد اطمینانی که قدرتت بسپار بالا بود. گواهی می‌دهم

اللَّهُ اخْتَصَّكَ بِنُورِهِ حَتَّى عَايَنْتَ الشَّخْصَ ، فَأَدَّيْتَهُ

که خداوند تو را به نورش اختصاص داد تا آن که شخص مبارک حضرتش را با چشم دیدی ، و بدین سان پیغام‌ها را

عَنْهُ وَأَدَّيْتَهُ إِلَيْهِ .

از او به دیگران و از دیگران به او رسانیدی .

سپس بر پیامبر و امامان علیهم‌السلام تا امام زمان ارواحنا فداء دوباره سلام می‌دهی و می‌گویی :

جَنَّتِكَ مُخْلِصاً بِتَوْحِيدِ اللَّهِ وَمُوَالَاةِ أَوْلِيَائِهِ ، وَالْبِرَاءَةِ

با یگانه‌دانستن خالصانه خداوند و دوستی و موالات خالصانه اولیای الهی، و بی‌زاری از

مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَمِنَ الَّذِينَ خَالَفُوكَ ، يَا حُجَّةَ الْمَوْلَى ،

دشمنانشان و بی‌زاری از کسانی که با تو مخالفت کردند، خدمت شرفیاب شدم ای دلیل و حجت مولا امام زمان

وَبِكَ اللَّهُمَّ تَوَجَّهِي ، وَبِهِمُ إِلَيْكَ تَوَسَّلِي .

بر ما، بارالها! تنها به تو روی آورده و توجه دارم، و تنها به واسطه این بزرگواران به سوی تو توسل می‌جویم.

پس از آن هر دعایی که می‌خواهی بخوان و حاجت و خواسته‌ات را از خدای تعالی بخواه . آنگاه دیگر نایبان بزرگوار را نیز همین گونه زیارت کن ، و تنها به جای اسم «عثمان بن سعید» ، نام همان نایبی را که زیارت می‌کنی بگو .<sup>۱</sup>

۱ . مفتاح الجنات : ۴۶۲/۱ به نقل از مصباح الزائر : ۵۱۴ .



### دعای سمات

به نقل از نایب دوّم جناب محمّد بن عثمان رضی‌الله‌عنه

محمّد بن علی می‌گوید : در مجلس جناب محمّد بن عثمان بن سعید رضی‌الله‌عنه حضور داشتیم ، ایشان بعد از کلماتی که ذکر کردند فرمودند : ابو عمرو محمّد بن سعید به من خبر داد ، و او از محمّد بن اسلم و او از محمّد بن سنان و ایشان از مفضل بن عمر جعفری ، و آن بزرگوار از امام صادق علیه‌السلام روایت کرد .

البته در این روایت چنین آمده است که مستحّب است این دعا در ساعت پایانی روز جمعه خوانده شود .

شیخ طوسی رضی‌الله‌عنه نیز در هنگام بازگو کردن این دعا فرموده است : دعای سمات ، از جناب رضی‌الله‌عنه عمری (محمّد بن عثمان رضی‌الله‌عنه) روایت شده است ، و مستحّب است در ساعت پایانی روز جمعه خوانده شود .

اکنون متن دعا را طبق روایت کفعمی رضی‌الله‌عنه می‌آوریم :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْعَظَمِ ، الْأَعَزِّ

بارالها! به واسطه آن نام بزرگ و بزرگ‌تر از تو درخواست می‌کنم؛ همان نامی که

۵۳۶

منتخب صحیفهٔ مهدیه

**الْأَجَلُ الْأَكْرَمُ** ، الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَيِ مَغَالِقِ

عَزَّتْ مِنْدَتَرِ وَ شَكُوهُمِنْدَتَرِ وَ گرامی است؛ همان اسمی که هر گاه بر قفل‌های

**أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ** ، وَ إِذَا دُعِيَ

درهای آسمان به آن اسم خوانده شوی اثر می‌کند و با رحمت تو درهای آسمان باز می‌شود؛ همان نامی

**بِهِ عَلَيِ مَضَائِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِسَلْفَرَجِ بِالرَّحْمَةِ**

که اگر بر گرفتگی‌های درهای زمین برای گشایش به آن اسم خوانده شوی ، اثر می‌کند و

**انْفَرَجَتْ** ، وَ إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَيِ الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيْسَرَ ،

گشایش ایجاد می‌شود؛ و اگر برای آسان شدن سختی‌ها بدان خوانده شوی، راحتی و آسانی دست

**وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَيِ الْأَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ** ، وَإِذَا

می‌دهد؛ و اگر برای برانگیخته‌شدن مردگان، یا آن خوانده شوی، مردگان برانگیخته می‌شوند؛ و اگر

**دُعِيَ بِهِ عَلَيِ كَشْفِ الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ انْكَشَفَتْ** ،

برای برطرف شدن سختی و بلا و رنج به آن اسم خوانده شوی، برطرف شود.

**وَبِجَلَالِ نُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَكْرَمَ الْوُجُوهِ** ، وَأَعَزُّ

و خدایا؛ تو را به واسطهٔ نور چهرهٔ بزرگوارانه‌ات که باکرامت‌ترین رخسارها، و عزت‌مندترین

**الْوُجُوهِ** ، الَّذِي عَنَّتْ لَهُ الْوُجُوهُ ، وَخَضَعَتْ لَهُ

آنهاست می‌خوانم؛ همان روی مبارکی که همهٔ روها و همهٔ آبروداران در برابرش خوار و فروتنند

دعای سمات ...

۵۳۷

**الرِّقَابُ** ، وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ ، وَوَجِلَتْ لَهُ

و گردن‌ها در مقابلش خم شده‌اند، و همهٔ صداها در برابر او به لرزه افتاده‌اند، و

**الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِكَ** ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي بِهَا تُمْسِكُ

دل‌ها از ترس تو در هراسند، و به واسطهٔ قدرتت و نیرو و توانت از تو درخواست می‌کنم؛ نیرویی که

**السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَيِ الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِكَ وَتُمْسِكُ**

با آن آسمان را از افتادن بر روی زمین نگه داشته‌ای - و این تنها با اذن تو خواهد شد -

**السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْ تَزُولَا** ، وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ

و آسمان‌ها و زمین را از نابودی نگه داشتی، و به واسطهٔ مشیت و خواست تو از تو درخواست می‌کنم؛ همان

**لَهَا الْعَالَمُونَ** ، وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمَاوَاتِ

مشیتی که جهانیان در مقابلش پای‌بند هستند؛ و نیز تو را می‌خوانم به واسطهٔ کلمات که آسمان‌ها

**وَالْأَرْضِ** ، وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ ،

و زمین را به وسیلهٔ آن آفریدی؛ و به حکمتی که با آن چیزهای شگفت‌انگیز را ساختی،

**وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلًا** ، وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ

و تاریکی را آفریدی و آن را شب قرار دادی، و شب را مایهٔ

**سَكَنًا** ، وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهَارًا ، وَجَعَلْتَ

آرامش قرار دادی؛ و با آن روشنی را آفریده، و آن را روز قرار دادی، و

**التَّهَارَ نُشُوراً مُبْصِراً ، وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ**

و روز را هنگام جنب و جوش به همراه بینایی قرار دادی؛ و با آن خورشید را به وجود آورده

**الشَّمْسَ ضِيَاءً ، وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ**

و آن را روشنی‌بخش ساختی؛ و با آن ماه را آفریدی و آن را روشنی شب قرار دادی؛

**نُوراً ، وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُوماً**

و با آن ستارگان را خلق کردی و آن‌ها را اختران تابان و

**وَبُرُوجاً ، وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُوماً لِلسَّيَّاطِينِ ،**

برج‌های آسمان و چراغ‌ها، و زینت‌بخش، و برای راندن شیطان‌ها قرار دادی.

**وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ ، وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ**

و برای آن مشرق‌ها و مغرب‌ها، و محل‌های طلوع و

**وَمَجَارِيَ ، وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكَاً وَمَسَابِيحَ ، وَقَدَّرْتَهَا**

محل‌های جریان قرار دادی، و برای آن محور و مدار حرکت و محل گردش و شناوری قرار دادی. و

**فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا ، وَصَوَّرْتَهَا**

در آسمان برای آنها جایگاه مقزّر فرمودی و اندازه‌اش را نیکو قرار دادی، و صورت بخشیدی،

**فَأَحْسَنْتَ تَصَوُّرَهَا ، وَأَخْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً ،**

و نیکو صورت‌نگاری کردی؛ و با نام‌هایت به شماره درآوردی،

**وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيراً فَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا ،**

و با حکمتت تدبیر نمودی پس به خوبی تدبیر فرمودی.

**وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَسُلْطَانِ النَّهَارِ**

و تحت سلطهٔ شب و روز

**وَالسَّاعَاتِ ، وَعَدَدِ السِّنِينَ وَالْجِنَابِ ، وَجَعَلْتَ**

و ساعت‌ها و شمارهٔ سال‌ها و حساب آن‌ها را مسخّر نمودی؛

**رُؤْيَتَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرَأًى وَاحِداً . وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ**

و دیدن آن‌ها را برای تمام مردم، یکسان کردی. بار الها؛ از تو

**بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ**

به واسطهٔ شکوهت درخواست می‌کنم؛ همان‌که بدان وسیله با بنده و فرستاده‌ات حضرت موسی پسر

**عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ ، فَوْقَ إِحْسَاسِ**

عمران - سلام بر او باد - سخن گفتی در میان قدسیان، بالاتر از آن چه

**الْكَرُّوبِيِّينَ ، فَوْقَ غَمَائِمِ النَّوْرِ ، فَوْقَ ثَابُوتِ**

کروبیات قادر به درک آن باشند؛ بالاتر از ابرهای نور و روشنی، بالاتر از صندوق

**الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ ، وَفِي طُورِ سَيْنَاءَ ، وَفِي**

کواهی در ستون آتش؛ و در طور و صحرای سینا، و در

۵۴۰

منتخب صحیفهٔ مهدیه

**جَبَلِ حُورِیَّتَ فِی الْوَادِ الْمُقَدَّسِ ، فِی السَّبْعَةِ**

جبل حوریت، در سرزمین مقدس، و در بقعه‌ای

**الْمُبَارَكَةِ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ ،**

مبارک در جانب راست کوه طور، از درخت مخصوص؛

**وَفِي أَرْضِ مِصْرَ يَتَسَعُ آيَاتِ بَيِّنَاتٍ ، وَيَوْمَ فَرَقْتَهُ**

و در سرزمین مصر، با نُه آیه و نشانهٔ آشکار. و (همچنین) در روزی که

**لَبِنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ ، وَفِي الْمُنْبِجَاتِ الَّتِي**

دریا را برای بنی‌اسرائیل شکافتی؛ و نیز در چشمه‌های جوشان

**صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ فِي بَحْرِ سُوفٍ ، وَعَقَدْتَ مَاءَ**

که با آن شگفتی‌ها را به وجود آوردی در دریای سوف، و آب

**الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْعُمَرِ كَالْحِجَارَةِ ، وَجَاوَزْتَ بَنِي**

دریا را در زرقای اقیانوس همچون سنگ منجمد کردی؛ و بنی

**إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ ، وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَىٰ عَلَيْهِمْ بِمَا**

اسرائیل را از دریا گذراندی، و نعمت نیکویت را بر آنان تمام و کامل کردی

**صَبَرُوا ، وَأَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي**

به دلیل این که شکیبایی ورزیدند. و شرق و غرب جهان را که

دعای سمات ...

۵۴۱

**بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ، وَأَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ**

موجب برکت برای جهانیان قرار داده بودی به ایشان به ارث رساندی، و فرعون و سپاهش را

**وَمَرَاكِبَهُ فِي الْيَمِّ ، وَيَا سَمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ**

با مرکب‌های سواری‌شان در دریا غرق کردی . (خدایا!) و با آن اسم بزرگ، بزرگ‌تر، بزرگ‌تر

**الْأَعْظَمِ ، الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمِ ، وَيَسْمُجِدُكَ الَّذِي**

بزرگ‌تر از هر چیز، که عزت‌مندتر، شکوه‌مندتر، گرامی‌تر از هر چیز است، از تو درخواست می‌کنم؛ و نیز به

**تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَىٰ كُلِّمِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ**

واسطهٔ شکوه و بزرگواریت که با آن برای موسی هم‌گفتارت . که سلام بر او باد . در طور (صحرائی)

**سَيْنَاءَ ، وَلِإِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلُ فِي**

سینا تجلی کردی؛ و برای ابراهیم که دوست ویژه‌ات بود - سلام بر او باد - از پیش‌تر، در

**مَسْجِدِ الْخَيْفِ ، وَلَا سِحَاقَ صَفِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي**

مسجد خیف تجلی فرمودی؛ و برای برگزیده‌ات اسحاق - سلام بر او باد - در

**بَيْتِ شَيْعٍ ، وَلِيعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ**

جاه شیعی جگوه نمودی؛ و برای پیامبرت حضرت یعقوب - سلام بر او باد - در خانهٔ

**إِبْرَاهِيمَ ، وَأَوْفَيْتَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِثَاقِكَ ،**

ایل منجلی گشتی؛ و وفا نمودی بپمانت را برای ابراهیم - سلام بر او باد -



وَلَا سِحَاقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِحَلْفِكَ ، وَلِيَعْقُوبَ

و سوگندت را برای اسحاق - سلام بر او باد - و

بَشَاهِدَاتِكَ ، وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ ، وَلِلدَّاعِينَ

گواهی خود را برای یعقوب، و وعدهات را برای مؤمنان، و اجابت خود را برای دعاکنندگان

بِأَسْمَائِكَ فَأَجِبْتَ، وَيَمْجِدُكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ

با نام‌هایت؛ و نیز به واسطه شکوهت که برای موسی پسر

عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى قُبَّةِ الرُّمَّانِ وَيَا يَاتِكَ الَّتِي

عمران - سلام بر او باد - بر روی گنبد رمان (عبادتگاهش) ظهور کرد؛ و به واسطه آیات و نشانه‌هایت

وَقَعْتَ عَلَى أَرْضِ مِصْرَ بِسَمْعِدِ الْعِزَّةِ وَالْعَلْبَةِ ،

که در سرزمین مصر با شکوه تمام و عزت‌مندی و برتری و جبرگی واقع شد؛

بِآيَاتِ عَزِيْزَةٍ ، وَيَسْلُطَانِ الْقُوَّةِ ، وَيَعِزَّةِ السُّدْرَةِ ،

با آیاتی عزت‌مند، و قدرت و سلطه‌ای توان‌مند، و عزتی توانا،

وَيَسْأَنِ الْكَلِمَةِ التَّامَّةِ ، وَيَكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا

و مقام کلمه کامل، و به واسطه کلمات که

عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، وَأَهْلِ الدُّنْيَا

بر آسمانیان و زمینیان و اهل دنیا و آخرت تفضل فرمودی،

وَالْآخِرَةِ ، وَيَرْحَمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَيَّ جَمِيعَ

و به واسطه رحمتی که بر تمام

خَلْقِكَ ، وَبِاشْتِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا عَلَيَّ

مخلوقات متت نهادی، و به واسطه تواناییات که با آن تمام

الْعَالَمِينَ ، وَيُنُورِكَ الَّذِي قَدْ خَرَّ مِنْ فَرْعِهِ طُورُ

جهانیان را برپا داشته‌ای، و به واسطه نوری که صحرای

سَيْنَاءَ ، وَيَعْلَمُكَ وَجَلَالِكَ وَكِبَرِيَّاتِكَ وَعِزَّتِكَ

سینا از ترسش فرو ریخت، و به واسطه دانش و جلال و کبریایی و عزت‌مندی

وَجَبْرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلَّهَا الْأَرْضُ ، وَأَنْخَفَضْتَ

و تسلطت که زمین نتوانش را نداشت، و

لَهَا السَّمَاوَاتُ، وَأَنْزَجَرَلَهَا الْعُمُقُ الْأَكْبَرُ، وَرَكَدَتْ

آسمان‌ها برای آن فروتنی کرد، و ژرفای بزرگ رانده شد، و

لَهَا الْبِحَارُ وَالْأَنْهَارُ، وَخَضَعَتْ لَهَا الْجِبَالُ ،

دریاها و رودها را کد ماندند، و کوه‌ها رام گردیدند،

وَسَكَتَتْ لَهَا الْأَرْضُ بِمَنَّا كَيْبَهَا ، وَاسْتَسَلَمَتْ لَهَا

و زمین با کرانه‌هایش آرام گرفت، و

الْخَلَائِقُ كُلُّهَا، وَخَفَقَتْ لَهَا الرِّيحُ فِي جَرِيَانِهَا،

تمام آفریدگان تسلیم آن شدند، و جریان وزش بادها بهم ریخت،

وَخَمَدَتْ لَهَا التَّبْرَانُ فِي أَوْطَانِهَا، وَيَسُلْطَانِكَ

و آتش‌ها در جایگاه‌هایشان خاموش گشتند؛ و نیز به واسطهٔ سلطه و پادشاهیت

الَّذِي عَرَفْتَ لَكَ بِهِ الْعَلْبَةَ دَهْرَ الدُّهُورِ، وَحُمِدْتَ بِهِ

که غلبه و چیرگیّت بر تمام روزگاران با آن شناخته می‌شود، و به وسیلهٔ آن

فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ، وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةَ الصِّدْقِ

در آسمان‌ها و زمین‌ها ستایش شدی؛ و نیز تو را به واسطهٔ کلمات همان کلمهٔ راستی

الَّتِي سَبَقَتْ لِأَبِينَا آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذُرِّيَّتِهِ

که برای پدرمان آدم - که سلام بر او باد - و نسلش با رحمتت پیشی گرفت،

بِالرَّحْمَةِ . وَأَسْأَلُكَ بِكَلِمَتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ ،

و به واسطهٔ کلمات که بر هر چیز پیروز شد و سلطه یافت؛

وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكَاً

و به واسطهٔ نور رخسارت که با آن برکوه تجلی فرمودی و آن را از هم پاشیدی

وَخَرَّ مُوسَى صَعِقاً، وَيَمَجِّدُكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَى طُورِ

و موسی از این جریان بر زمین افتاد و بیهوش شد؛ و نیز به واسطهٔ شکوهت که بر

سَيْنَاءَ فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ

صحرای سینا ظاهر شد و با آن بر بنده و فرستاده‌ات موسی پسر

عِمْرَانَ، وَيَطْلَعُكَ فِي سَاعِبِرٍ، وَظُهُورِكَ فِي جَبَلِ

عمران سخن گفتی؛ و به واسطهٔ پرتوافکنیت در ساعیر، و ظهور نورت در کوه

فَارَانَ بِرَبَّوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ، وَجُنُودِ الْمَلَائِكَةِ

فاران با نفس‌های مقدّسان و سپاهیان

الصُّافِّينَ، وَخَشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُسَبِّحِينَ،

صفاکشیدهٔ فرشتگان، و فروتنی فرشتگان تسبیح‌گوی؛

وَبَرَكَاتِكَ الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ

و نیز به واسطهٔ برکاتت که برای ابراهیم دوست و یزوات

عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

- که سلام بر او باد- در امتّ حضرت محمد - درود خدا بر او و آل او باد - برکت دادی؛

وَبَارَكْتَ لِإِسْحَاقَ صَفِيِّكَ فِي أُمَّةٍ عَيْسَى عَلَيْهِمَا

و برای اسحاق - که برگزیده‌ات بود- در امتّ عیسی - که درود بر هر دو باد - برکت دادی؛

السَّلَامُ، وَبَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ إِسْرَائِيلَ فِي أُمَّةٍ

و برای یعقوب یکتاپرستت در امتّ

مُوسَىٰ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ

موسی - سلام بر هر دو باد - برکت دادی؛ و برای دوست خودت محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عِثْرَتِهِ وَدُرِّيَّتِهِ عَلَيْهِمْ

- که درود بر او و آل او باد - در میان عثرت و نسل او - درود بر آنان باد -

السَّلَامُ وَأُمَّتِهِ . اللَّهُمَّ وَكَمَا غَبْنَا عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ

و ائت او برکت دادی؛ از تو درخواست می‌کنم . بار الها؛ همان گونه‌که ما آن حضرت را ندیدیم

تَشْهَدُهُ ، وَأَمَّا بِهٖ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقًا وَعَدْلًا ، أَنْ تُصَلِّيَ

و در آن زمان حضور نداشتیم، و با این وجود، به او به راستی و درستی ایمان آوردیم؛ از تو

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُبَارِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ

درخواست می‌کنم بر محمد و آل محمد درود پیوسته نثار کنی، و برکت

وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَتَرَحَّمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ،

و رحمت خود را بر محمد و آل محمد بفرستی

كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ

برتر از آنچه برای ابراهیم و آل ابراهیم درود و برکت و رحمت نثار کردی؛

وَآلِ إِبْرَاهِيمَ ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ، فَعَالٌ لِّمَا تُسْرِعُ ،

راستی، تو ستودهٔ شکوهمند هستی؛ هر چه بخواهی بدون کم و کاست انجام می‌دهی؛

وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . ۱

و - تو بر هر چیز توانایی.

پس از دعا نیز می‌خوانی: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ ، وَبِحَقِّ

بار الها؛ به حق این دعا، و به حق

هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَلَا يَعْلَمُ بَاطِنَهَا

این اسم‌هایی که تفسیر و معنای باطنش را کسی جز تو نمی‌داند،

غَيْرِكَ ، [ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَ] أَفْعَلْ بِي

[بر محمد و آل محمد درود فرست و] آن چنان که

مَا أَنْتَ أَهْلُهُ ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ ، [ وَانْتَقِمْ لِي

شایستهٔ توست با من رفتار کن نه آن چنان که من سزولارش هستم؛ [و از کسی که نسبت به من

مِنْ ظَالِمِي ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَهَلَاكَ

ستم‌کار است انتقام مرا بگیر، و در راحتی و فرج آل محمد و نابودی

أَعْدَائِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ ] ، وَاعْفِرْ لِي مِنْ ذُنُوبِي

دشمنان آنان از آدمیان و جنیان شتاب کن؛] و گناهان

۱. البلد الأمين: ۱۳۴، جمال الأسبوع: ۳۲۱، المصباح: ۵۵۹، مصباح المشهّد: ۴۱۶،

الصحیفة الصادقة: ۹۳۰.

مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ ، وَوَسَّعَ عَلَيَّ مِنْ حَلَالٍ

گذشته و آیندهام را بیاورز، و از هر چه حلال

رِزْقِكَ ، وَاكْفِنِي مَوْتَةَ إِنْسَانٍ سَوْءٍ [ وَجَارٍ سَوْءٍ

و سهمیهٔ حلالت برای من وسعت بده، و از شر آدم بد، [و همسایه

و قَرِيبٍ سَوْءٍ] وَسَلْطَانَ سَوْءٍ، إِنَّكَ عَلَيَّ [كُلِّ شَيْءٍ]

و همنشین بد] و سلطان بد، مرا کفایت کن؛ راستی تو بر [هر چیز]

قَدِيرٌ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . ۱

توان داری، و ستایش مخصوص (تو) پروردگار جهانیان است.

آن گاه بگو: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فُقْرَاءِ

بار الها؛ به حق این دعای شریف، نسبت به

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ وَالشَّرْوَةِ ، وَعَلَى

مرد و زن مؤمن، فقیر و نیازمند تفضل کن و آنان را بی‌نیاز و ثروت‌مند گردان؛

مَرَضَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصَّحَّةِ ،

و زن و مرد مؤمن مریض را شفا و سلامتی بخش،

وَعَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ

و هر زن و مرد زندهٔ مؤمن را مورد لطف

وَالْكَرَامَةِ ، وَعَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و بزرگواریت قرار ده، و مردگان‌شان را مورد

بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ ، وَعَلَى مُسَافِرِي الْمُؤْمِنِينَ

آمزش و رحمت خویش قرار ده، و مسافران‌شان را

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ ،

سالم و پریبهره به سرزمین خودشان بازگردان؛

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، وَصَلَّى اللهُ عَلَيَّ

این همه را با رحمت خویش انجام ده، ای مهربان‌ترین مهربانان؛ و درود پیوستهٔ خداوند

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعِصْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ ،

بر سرور ما حضرت محمد خاتم پیامبران، و بر عترت پاکش

وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا . ۱

و بسیار بسیار سلام بر آنان باد.

در کتاب «جمال الصالحین» این دعا را پس از آن ذکر کرده است:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِحَرْمَةِ هَذَا الدُّعَاءِ ، وَبِمَا فَاتَ مِنْهُ

بار الها؛ من به خاطر احترام این دعا و

مِنَ الْأَسْمَاءِ ، وَيَمَا يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ مِنْ التَّفْسِيرِ

اسم‌های محترمی که در آن ذکر نشده است و به تفسیر

والتدبیر الذی لا یحیط به الا أنت ، ان تصلی علی

و تدبیری که دربردارد و جز تو کسی نسبت به آن احاطه و اطلاع کامل ندارد از تو می‌خواهم که

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَهُمْ فِي عَافِيَةٍ ،

بر محمد و آل محمد درودی پیوسته بفرستی، و در فرج و کشایش کارشان با عافیت، شتاب کنی؛

و تُهْلِكَ أَعْدَائَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَأَنْ تَرْزُقَنَا

و دشمنانشان را در دنیا و آخرت به هلاکت و نابودی دچار کنی؛ و به واسطه ایشان

بِهِمْ خَيْرَ مَا نَرْجُو ، وَخَيْرَ مَا لَا نَرْجُو ، وَتَصْرِفَ بِهِمْ

آن خیر و خوبی‌هایی را که امید داریم ، و آنچه را که امید نداریم روزی ماگردان ، و از ما

عَنَّا شَرَّ مَا نَحْذَرُ ، وَشَرَّ مَا لَا نَحْذَرُ ، إِنَّكَ عَلِيُّ كُلِّ

شَرِّ و بدی آنچه را که از آن ترسانیم و شَرِّ و بدی آنچه را که از آن حذر و اجتناب نمی‌کنیم برگردان ، و تو بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ .<sup>۱</sup>

چیز توانایی؛ و تو باکرامت‌ترین بزرگواری.

۱ . مکمال المکارم؛ ۳۳/۲.



دعای حضرت خضر علیه السلام

معروف به دعای کمیل<sup>۱</sup>

قرائت این دعا در شب نیمه شعبان و نیز شب‌های جمعه استحباب دارد.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ،

بار الها؛ من از تو درخواست می‌کنم به واسطه رحمت که همه چیز را فراگرفته است؛

وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي فَهَزْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ ، وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ

و نیز به واسطه نیرویت که با آن بر هر چیزی چیرگی یافتی، و همه چیز در برابر آن خاضع

شَيْءٍ ، وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ ، وَبِجَبْرِ وَتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ

و فروتن و همه چیز در برابر آن ذلیل و خوار شد، و به واسطه جبروت و سلطهات که با آن

۱ . دعای کمیل از حضرت خضر می‌باشد که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را به جناب

کمیل تعلیم فرموده‌اند؛ به این جهت به «دعای کمیل» معروف شده است.

لازم به ذکر است که دعا‌های حضرت خضر و حضرت الیاس علیه السلام - که آن دو بزرگوار از

همراهان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء هستند - و سائر یاران آن حضرت مانند حضرت

عیسی بن مریم علیه السلام زیاد است ، ما به جهت اختصار به ذکر این دعا اکتفا کردیم .

**بِهَا كُلُّ شَيْءٍ ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ ،**

بر همه چیز غالب شدی، و به واسطهٔ عزّت‌که هیچ چیزی در برابرش ایستادگی نمی‌کند، و به

**وَيَعْظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ ، وَبِسُلْطَانِكَ الَّتِي**

واسطهٔ بزرگی و عظمتت‌که همه چیز را پر کرده است؛ و به واسطهٔ سلطنت و چیرگی و توانائی‌ات

**عَلَا كُلِّ شَيْءٍ ، وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ ،**

که بر هر چیز برتری یافته است، و به واسطهٔ ذات پاکت‌که پس از فانی شدن همه چیز باقی

**وَيَأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَبِعِلْمِكَ**

می‌ماند، و به نام‌هایت‌که اساس و پایهٔ هر چیز را پر کرده است، و به دانشت

**الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ**

که همه چیز را احاطه کرده است، و به نور رخسارت‌که هر چیزی به سبب آن روشن شد؛

**لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَيَا**

(از تو درخواست می‌کنم؛ ای نور؛ ای منزّه از هر عیب و نقص؛ ای پیش از هر ابتدا؛ ای

**آخِرَ الْآخِرِينَ . اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ**

پس از هر پایان. بارالها؛ بیامرز بر من گناهایی را که پرده‌های حیا و

**الْعِصْمَ . اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ النَّقْمَ .**

عصمت را می‌درد. خدایا؛ بیامرز بر من گناهایی را که عذاب‌ها را فرود می‌آورد.

**اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَيِّرُ النَّعْمَ . اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ**

خدایا؛ بیامرز بر من گناهایی را که نعمت‌ها را دگرگون می‌سازد. خدایا؛ بیامرز

**لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ . اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي**

بر من گناهایی را که دعا را محبوس می‌کند. خدایا؛ بیامرز بر من

**الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ . اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ**

گناهایی را که بلا را نازل می‌کند. خدایا؛ بیامرز بر من تمام گناهایی را که

**أَذْنِبْتُهُ ، وَكُلَّ حَظِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا . اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ**

انجام داده‌ام، و همه اشتباهاتی را که مرتکب شده‌ام. بار الها؛ من

**إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ ، وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ ، وَأَسْأَلُكَ**

با یادت به سوی تو تقرب می‌جویم، و خودت را نزد تو شفیع و واسطه می‌کنم، و

**بِجُودِكَ أَنْ تُدْخِلَنِي مِنْ قُرْبِكَ ، وَأَنْ تُوزِعَنِي**

به خاطر جود و بخششت از تو می‌خواهم که مرا به مقام قرب خود نزدیک گردانی، و

**شُكْرَكَ ، وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ . اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ**

شکرت را نصیبم نمایی، و یادت را به من الهام کنی. بار الها؛

**سُؤَالَ خَاضِعٍ مُسْتَدَلِّلٍ خَاشِعٍ أَنْ تُسَامِحَنِي**

من خاضعانه و ذلیلانه و آرزوی فروتنی، از تو می‌خواهم که با من مدارا کنی،

**وَتَرَحَّمَنِي وَتَجَعَّلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِياً قَانِعاً ، وَفِي**

و بر من رحم کنی، و مرا خشنود و راضی و قانع نسبت به تقسیم نصیبت قرار دهی و در

**جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعاً . اَللّٰهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ**

همهٔ حالات مرا فروتن سازی . بار الها؛ من از تو در خواست می‌کنم همانند در خواست کسی که

**اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ ، وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ ،**

فقر و بی‌نوابی او سخت شده است، و در سختی‌ها درخواستش را به درگاه تو آورده است،

**وَعَظَّمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ . اَللّٰهُمَّ عَظَّمَ سُلْطَانَكَ ،**

و به آنچه نزد تو است بسیار مشتاق گشته است . خدایا؛ سلطه و چیرگی تو بزرگ،

**وَعَلَا مَكَانَكَ ، وَخَفِيَ مَكْرُوكٌ ، وَظَهَرَ أَمْرُكَ ، وَغَلَبَ**

و جایگاهت والا، و مکر تو پنهان، و دستورت آشکار، و قهر و

**فَهْرُكَ ، وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ ، وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ**

خشمت چیره، و توانت و قدرتت در جریان است، و به هیچ وجه نمی‌توان از

**حُكُومَتِكَ . اَللّٰهُمَّ لَا أَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِراً ، وَلَا**

حکومتت فرار کرد. بار الها؛ من برای بخشش گناهانم کسی را سراغ ندارم، و

**لِقَبَائِحِي سَاتِراً ، وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ**

برای پوشاندن زشتی‌هایم کسی را نیافتم؛ و برای تبدیل کارهای زشت و ناهنجارم

دعای حضرت خضرعلیه السلام (... دعای کمیل) ۵۵۵

**بِالْحَسَنِ مُبَدِّلاً غَيْرِكَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ**

به خوبی و نیکی، کسی را نیافتم جز تو . معبودی جز تو نیست، منزّه و ستوده‌ای، و تنها

**وَيَحْمَدُكَ ، ظَلَمْتُ نَفْسِي ، وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي ،**

به ستایش تو می‌پردازم؛ بر خود ستم کردم؛ و با نادانی و جهل خود بر تو جرأت یافتم؛

**وَسَكَنتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي ، وَمَنْكَ عَلَيَّ . اَللّٰهُمَّ**

و به خاطر یاد دیرینه‌ات و احسان و لطفی که بر من داری، آرامش داشتم و خیالم راحت بود. بارالها!

**مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ ، وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنْ**

مولای من؛ چه زشتی‌های بسیاری که از من پوشاندی،

**الْبَلَاءِ أَقَلَّتُهُ ، وَكَمْ مِنْ عِنَارٍ وَقَيْتَهُ ، وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ**

و بلاهای سنگینی که از من پاز گرداندی، و چه لغزش‌های بسیاری که از آن نگاهم داشتی، و چه ناپسندی‌هایی که

**دَفَعْتَهُ ، وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلاً لَهُ نَشْرَتَهُ .**

از من دور ساختی، و چه ثنا و مدح زیبا که لایقش نبودم ولی در بین مردم بخش کردی.

**اَللّٰهُمَّ عَظَّمَ بَلَائِي ، وَأَفْرَطَ بِي سُوءَ حَالِي ،**

بار الها؛ بلای من بزرگ است، و بدحالیم از حدّ گذشته است،

**وَقَصَّرْتُ بِي أَعْمَالِي ، وَقَعَدْتُ بِي أَغْصَالِي ،**

و اعمالم مرا مقصر ساخته، و غل و زنجیرهایم مرا زمین‌گیر کرده است،

وَحَبَسْنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدُ أَمَلِي ، وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا

و آرزوهای دور و درازم باعث جلوگیری از سودمندیم شده است، و دنیا مرا با ظاهر

بُغُرُورِهَا ، وَنَفْسِي بِجَنَابَيْتِهَا ، وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي ،

فریبدهانش فریفته است، و نفسم با جنابت‌هایش و امروز فردا کردم مرا فریب داده است. ای آقای

فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءٌ

من؛ به خاطر عزتمندیت از تو می‌خواهم که کردار زشتم

عَمَلِي وَفِعَالِي ، وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ

و رفتار نادرستم مانع تو از اجابت دعایم نشود، و به کارهای زشت

مِنْ سِرِّي ، وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتُهُ فِي

پنهانی من که تو بر آن آگاهی داری مرا رسوا نسازی؛ و بدرفتاری و بدکرداریم در

خَلَوَاتِي مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي ، وَدَوَامِ تَفْرِيطِي

تنهایی‌ها، و کوتاهی و نارسائی پیوسته‌ام در عمل،

وَجَهَالَتِي ، وَكَثْرَةَ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي . وَكُنِ اللَّهُمَّ

و نادانی و شهوئهای نفسانی زیاد، و غفلت و بی‌توجهیم باعث شتاب در عقوبت و کیفر تو نشود. بارالها!

بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْفًا ، وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ

به خاطر اقتدرت بر من، در همهٔ حالات با من مهربانی‌کن، و در تمام امورم مرا مورد

دعای حضرت خضرعلیه السلام (… دعای کمیل)

الْأُمُورِ عَطُوفًا ، إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ ، أَسْأَلُكَ

عظوفت و خوش‌رفتاریت قرار ده .خدای من و پروردگارم؛ من چه کسی جز تو دارم که از او درخواست

كَشَفَ ضُرِّي ، وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي . إِلَهِي وَمَوْلَايَ

کنم که بیچارگی و گرفتاری مرا برطرف کند و در امورم تگاهی مهربانانه نماید؟! خدای من؛ و مولای من؛

أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا أَتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي ، وَلَسَمَ

حکمم و دستوری به من دادی ولی از هوای نفسم پیروی کردم، و

أَحْتَرَسُ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي ، فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى

از فریبکاری دشمنم (شیطان) در امان نماندم؛ در نتیجه، با خواهش‌هایش مرا فریفت،

وَأَسْعَدُهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى

و قضا و قدر نیز به او کمک کرد، و باعث شد

عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ ، وَخَالَفْتُ بَعْضَ

نسبت به بعضی از حدودت تجاوز کنم، و با برخی از

أَوْامِرِكَ . فَلَكَ الْحَمْدُ (الْحَمْدُ) عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ ،

دستوراتت مخالفت نمایم . پس برای توست در تمام این‌ها حجت بر من؛

وَلَا حُجَّةَ لِي فِيهَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ ، وَالزَّمَنِي

و هیچ حجتی به نفع من نیست در آنچه بر من از قضا و فرمان تو جاری گشته؛ و



**حُكْمُكَ وَبَلَاؤُكَ ، وَقَدْ أَتَيْتَكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي**

حکم و آزمایش مرا ملزم ساخته و رها نمی‌کند. اینک خدای من؛ پس از این همه تقصیر و کوتاهی،

**وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي ، مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا**

و اسراف بر خویش، نزدت آمده‌ام با حالت عذرخواهی، پشیمانی، دل‌شکسته،

**مُسْتَقْبِلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُفْرًا مُدْعِنًا مُعْتَرِفًا ، لَا أَجِدُ**

خواهان گذشت و آمرزش تو، توبه و بازگشت‌کننده، اعتراف‌کننده، و اقرارکننده؛ هیچ

**مَفْرًا مِمَّا كَانَ مِنِّي ، وَلَا مَفْرَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي**

راه فراری از آنچه از من صادر گشته ندارم، و پناهگاهی نیز برای روی‌آوری پیدا نکرده‌ام؛

**عَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي ، وَإِدْخَالِكَ إِلَيَّ فِي سَعَةِ**

جز این که تو پوزشم را ببذیری و مرا در رحمت فراگیریت وارد کنی.

**رَحْمَتِكَ . اَللّٰهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي ، وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي ،**

بار الها؛ عذرم و پوزشم را ببذیر، و بر گرفتاری سختم رحم کن،

**وَفُكِّنِي مِنْ شِدِّ وَثَاقِي ، يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي ،**

و از بند محکم و سختم رهابیم بخش؛ ای پروردگار من؛ به ناتوانی بدنم رحم کن،

**وَرِقَّةَ جِلْدِي ، وَدِقَّةَ عَظْمِي ، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي**

و به پوست نازک، و استخوان نحیف من رحم کن؛ ای کسی که آفرینش،

**وَذِكْرِي وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَعْذِرْتِي ، هَبْنِي لِابْتِدَاءِ**

و یاد و پرورش و نیکی و غذا دادن به من را خودت آغاز فرمودی . به خاطر کرامت آغازین

**كَرَمِكَ وَسَالِفِ بِرِّكَ بِي . يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي ،**

و اولیئات، و نیکی‌های دیرینه‌ات به من؛ مرا ببخش . ای خدای من؛ آقای من؛ پروردگار من؛

**أَتْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ ، وَبَعْدَ مَا أَنْطَوِي**

ای ببینم تو را که می‌خواهی پس از یگانه پرستی‌ام، مرا با آتش دوزخت عذاب کنی؟ و

**عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ ، وَلَسْهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ**

پس از این‌که قلبم آمیخته از شناخت نسبت به تو شده است؟ و پس از این‌که زبانم به

**ذِكْرِكَ ، وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ ، وَبَعْدَ صِدْقِ**

ذکرت گویا شده است؟ و درون من با دوستی تو گره خورده؟ و پس از

**اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعًا لِرُبُوبِيَّتِكَ ، هَيْهَاتَ ، أَنْتَ**

اعتراف صادقانه و دعای خاضعانه‌ام در پیشگاه ربوبیت تو؟ نه، هرگز تو،

**أَكْرَمُ مَنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبِّيَّتُهُ ، أَوْ تُبْعَدَ مَنْ أَدْنَيْتُهُ ، أَوْ**

بزرگواتر از آن هستی که پرورده‌ات را ضایع و تباه‌گردانی، یا کسی را که نزدیک کرده‌ای دور کنی، یا

**تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتُهُ ، أَوْ تُسَلِّمَ إِلَيَّ الْبَلَاءَ مِنْ كَفَيْتُهُ**

کسی را که پناه داده‌ای آواره کنی، یا کسی را که مورد کفایت و رحمتت قرار داده‌ای

وَرَحْمَتُهُ ، وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَاللَّهِ وَمَوْلَايَ

به دست بلاها بسیاری. و ای کاش می‌دانستم، ای آقای من؛ معبود من؛ و مولای من؛

أَتَسَلِّطُ النَّارَ عَلَيَّ وَجُوهٍ خَرَّتْ لِعِظَمَتِكَ سَاجِدَةً ،

آیا تو بر چهره‌هایی که در پیشگاه عظمتت خاکساری کرده و به سجده افتاده است؟

وَعَلَى أَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً ، وَيَشْكُرُكَ

و بر زبان‌هایی که صادقانه به توحید و یگانگی‌ات گویاگشته است، و برای ستایش تو

مَادِحَةً ، وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً ،

را شکرگزاری کرده است، و بر دل‌هایی که به طور حقیقی به خدایی تو اعتراف کرده‌اند؛

وَعَلَى ضَمَائِرٍ حَوَّتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ

و بر درون‌هایی که از بس نسبت به تو آگاهی یافته‌اند،

خَاشِعَةً ، وَعَلَى جَوَارِحٍ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدِكَ

فروتن گشته‌اند؛ و بر اعضا و جوارحی که از روی فرمانبرداری به سوی محل‌های عبادت و بندگی تو

طَائِعَةً ، وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُدْعِنَةً ، مَا هَكَذَا

تلاش کرده‌اند؛ و با اعتراف به گناهان خود به سمت آمرزش تو قدم برداشته‌اند؛ آتش را مسلط می‌کنی؟!

الظَّنُّ بِكَ ، وَلَا أُخْبِرُنَا بِفَضْلِكَ عَنكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبَّ ،

چنین گمانی نسبت به تو راه ندارد و دربارهٔ فضل و بزرگواری تو، این گونه برای ما بازگو نکرده‌اند؛ ای بزرگوار!

دعای حضرت خضرعليه السلام (... دعای کمیل)

وَأَنْتَ تَعَلَّمُ ضَعْفِي عَنِ قَلِيلٍ مِّنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا

ای پروردگار من؛ این‌ها در حالی است که تو می‌دانی، در مقابل تحمل بلاهای کم دنیایی

وَعُقُوبَاتِهَا ، وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَيَّ

و مجازات آن‌ها تاب و توان ندارم؛ و در برابر ناخوشی‌های دنیا که بر

أَهْلِيهَا ، عَلَيَّ أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَّكْثُهُ ،

اهل دنیاست نیز توان تحمل ندارم؛ با این‌که این بلا و مصیبتی است که مدت کمی می‌ماند،

يَسِيرٌ بِقَاتُهُ ، قَصِيرٌ مُدَّتُهُ ، فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ

و پایداری آن اندک و زمانش کوتاه است. پس، با این اوصاف، من چگونه بلای

الْآخِرَةِ ، وَجَلِيلٍ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا ، وَهُوَ بَلَاءٌ

آخرت، و ناخوشی‌های طاقت‌فرسایش را تحمل کنم؟ در حالی‌که آن بلایی است که

تَطُولُ مُدَّتُهُ ، وَيَدُومُ مَقَامُهُ ، وَلَا يَخَفُّ عَنِ أَهْلِهِ ،

مدّت آن طولانی، و ماندگاریش دایمی است، و نسبت به اهل آن نیز تخفیف‌پذیر نیست؛

لَأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنِ غَضَبِكَ وَانْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ ،

چرا که این (بلا) از غضب و انتقام و خشم تو سرچشمه گرفته است.

وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ ، يَا سَيِّدِي ،

و این، چیزی است که آسمان‌ها و زمین را یارای مقاومت در برابر آن نیست؛ ای آقای من؛

**فَكَيْفَ لِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ**

پس من چگونه این‌ها را تحمل کنم، با وجود این که بنده‌ای ضعیف، خوار، کوچک،

**الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ . يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي**

نیازمند و بیچاره هستم؟! ای معبود من؛ و پروردگار من؛ و آقای من؛

**وَمَوْلَايَ، لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو ، وَلِمَا مِنْهَا أَضِحُّ**

و مولای من؛ برای کدام یک از این امور به تو شکایت کنم؟ و برای کدام یک از آن‌ها ضحّه و ناله و

**وَأَبْكِي ، لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ ، أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ**

گریه سر دهم؟ (آیا) برای دردناکی و سختی عذاب؟ یا برای طولانی شدن و

**وَمُدَّتِهِ ، فَلَيْنَ صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ ،**

مدّت زیاد مصیبت و بلا؟ (خدایا!) اگر برای عذاب، مرا در کنار دشمنانت قرار دهی،

**وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ ، وَفَرَّقْتَ بَيْنِي**

و میان من و گرفتاران بلایت را جمع کنی، و بین من

**وَبَيْنَ أَجْبَائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي**

و دوستان و اولیای جدایی بیفکنی؛ گیرم که ای خدای من و ای آقا

**وَمَوْلَايَ وَرَبِّي ، صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ**

و مولا و پرودگار من؛ بر عذابت صبر و شکیبایی بورزم؛ ولی چگونه

**عَلَى فِرَاقِكَ ، وَهَبْنِي صَبَرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ**

بر جدایی و فراقَت شکیبا باشم؟! گیرم که بر گرمی و سوزندگی آتشت صبر کنم؛ ولی چگونه

**أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ ، أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي**

نسبت به محرومیت از تماشای کرامت و بزرگواریت، صبر کنم؟ یا چگونه، با وجود

**النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوِكَ . فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ**

امیدی که به عفو و بخشش تو دارم، در آتش دوزخ مسکن گزینم؟ ای آقا و مولای من؛

**أَقْسِمُ صَادِقًا لَنْ تَرَ كُنْتِي نَاطِقًا ، لِأَضِجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ**

سوگند صادقانه می‌خورم، که اگر به من اجازهٔ سخن‌گفتن بدهی، به طور حتم در بین

**أَهْلِهَا ضَجِجَ الْأَمِلِينَ ، وَلَا صُرْحَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخُ**

دوزخیان فریاد آرزومندان درخواهم داد و دردمندانه ضحّه و نالهٔ

**الْمُسْتَضْرَحِينَ ، وَلَا بَكِينَ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ ،**

فریادرس جویان سر خواهم داد، و همانند عزیز از دست‌دادگان گریه‌های فراق خواهم کرد،

**وَلَا نَادِيَتَكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ ، يَا غَايَةَ**

و تو را ندا خواهم داد که: کجایی ای سرپرست مؤمنان؛ ای نهایت

**أَمَالِ الْعَارِفِينَ ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ ، يَا حَسِيبَ**

آرزوی عارفان و خدانشناسان؛ ای فریادرس دادخواهان؛ ای محبوب

۵۶۴

منتخب صحیفهٔ مهدیه

**قُلُوبِ الصَّادِقِينَ** ، **وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ . أَفْتَرَاكَ**

دل‌های راستگویان؛ و ای معبود جهانیان؛ آیا پس بینم تو را

**سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي** **وَيَحْمَدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ**

ای کسی که منزه‌ی ای خدای من و من به حمد تو مشغولم ـ که صدای بندهٔ مسلمانان را می‌شنوی

**مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ** ، **وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا**

که در جهنم به خاطر مخالفت و نافرمانیش زندانی شده است؛ و به خاطر معصیت و گناهش مرهٔ

**بِمَعْصِيَّتِهِ** ، **وَحُسْبَى بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ** **وَجَسْرَتِهِ**

عذاب جهنم را چشیده است و بین طبقه‌های مختلف جهنم به خاطر جرم و گناهش زندانی شده

**وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ** **ضَجِيجٌ مُؤَمِّلٌ لِرَحْمَتِكَ** ، **وَيُنَادِيكَ**

است؛ او با ضجه و ناله، به امید و آرزوی رحمتت فریاد برمی‌آورد، و

**بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ** ، **وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ** . **يَا**

یا زبان و طرز گفتار یگانه‌پرستانان تو را ندا می‌دهد و توسل به ربوبیت و پروردگاری تو پیدا می‌کند.

**مَوْلَايَ** ، **فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ** **وَهُوَ يَسْرُجُوا**

ای مولای من؛ چگونه این بندهات در عذاب باقی بماند با وجود این که

**سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ** ، **أَمْ كَيْفَ تُوَلِّمُهُ النَّارَ** **وَهُوَ يَأْمُلُ**

به حلم و بردباری دیرینهات امیدوار است؟ یا چگونه آتش او را به درد آورد؛ یا این که او به

دعای حضرت خضرعلیه السلام (... دعای کمیل)

۵۶۵

**فَضْلِكَ** **وَرَحْمَتِكَ** ، **أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَيْبِهَا** **وَأَنْتَ**

فضل و مهربانیت، آرزومند است؟ یا چگونه زبانه‌های آتش، او را بسوزاند در حالی که

**تَسْمَعُ صَوْتَهُ** **وَتَرَى مَكَانَهُ** ، **أَمْ كَيْفَ يَسْتَمِلُ عَلَيْهِ**

صدایش را می‌شنوی و جایگاهش را می‌نگری؟! یا چگونه شعله‌ها و

**رَفِيرُهَا** **وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ** ، **أَمْ كَيْفَ يَسْتَقَلُّ بِسِنِّ**

شراوه‌های آتش او را در برگیرد در حالی که ناتوانی او را می‌دانی؟ یا چگونه با وجود

**أَطْبَاقِهَا** **وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ** ، **أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ رَبَانِيَّتِهَا**

راستگونی‌اش ـ که تو نیز از آن آگاهی ـ بین طبقه‌های جهنم بالا و پایین رود؟ یا چگونه او را به سوی

**وَهُوَ يُنَادِيكَ** **يَا رَبِّهِ** ، **أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ** **فِي عَثِقِهِ**

دوزخ می‌رانند در حالی که او ندا می‌دهد و می‌گوید: ای پروردگار من؛ یا چگونه او به فضل تو امیدوار

**مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا** ، **هَيْهَاتَ** ، **مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ** ، **وَلَا**

باشد تا رهایش کنی، ولی تو او را در آتش وامی‌گذاری؟! نه هرگز؛ این بعید است و چنین گمان و اندیشه‌ای

**الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ** ، **وَلَا مُشْبِهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ**

در مورد تو نیست؟ و این گونه در مورد فضل تو معروف نیست؛ و این، شبیه رفتار بزرگوارانه

**الْمُوحِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ** **وَإِحْسَانِكَ** ، **فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا**

و نیکویی و احسان تو، نسبت به یکتاپرستان نیست. پس یقین دارم و باورم بر این است که اگر

مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاحِدِيكَ ، وَقَضَيْتَ بِهِ

حَکَم و دستور تو در مورد عذاب کردن منکرانت و

مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا

جاودانه‌ماندن دشمنان خود در آتش؛ صادر نشده‌بوده؛ به طور حتم (در روز قیامت)، تمام آتش را سرد

وَسَلَامًا ، وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرَأً وَلَا مَقَامًا ، لِكِنِّكَ

و سلامت می‌کردی، و هیچ‌کس در آن استقرار نمی‌یافت و جا نمی‌گرفت. لیکن، تو

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَفْسَمْتَ أَنْ تَمَلَّأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ

-که نام‌های شریف‌ت پاک و مقدّس است - سوگند یاد‌کردی که جهنّم را پر از تمام کافران

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ، وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا

جنّی و انسی کنی، و معاندان و دشمنان سرسختت را برای همیشه در آتش نگاه

الْمُعَانِدِينَ ، وَأَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدئًا ،

داری. و تو - که مدح و ثنایت شکوهمند باد - در آغاز فرمودی،

وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا ، أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ

و در ادامه نیز بزرگووارانه با نعمت‌بخشیدنت فرصت دادی که؛ آیا کسی که ایمان آورده یا کسی

كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ . إِلَهِي وَسَيِّدِي ، فَسَأَلُكَ

که اهل فسق و بدی باشد؛ مساویند؟! مساوی نیستند. خدای من؛ آقای من؛ از تو می‌خواهم

دعای حضرت خضرعلیه السلام (... دعای کمیل) ۵۶۷

بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا ، وَبِالْقُضِيَّةِ الَّتِي حَسَمْتَهَا

به واسطهٔ قدرتت که آن را تقدیر فرمودی، و دستوری که حتمی و لازم نمودی.

وَحَكَمْتَهَا ، وَعَلَيْتَ مَنْ عَلَيْهِ أُجْرُيَتَهَا ، أَنْ تَهَبَ لِي

و بر هر که اجرا کردی نیز پیروز شدی؛ برای من ببخشی

فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلِّ جُرْمٍ أَجْرَمْتَهُ ،

در این شب و این ساعت، هر جرمی که از من سر زده است،

وَكُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ ، وَكُلِّ قَبِيحٍ أَسْرَزْتُهُ ، وَكُلِّ جَهْلٍ

و هر گناهی مرتکب شده‌ام، و هر زشتی که آن را پنهان داشته‌ام، و هر نادانی

عَمِلْتَهُ ، كَتَمْتَهُ أَوْ أَعْلَنْتَهُ ، أَخْفَيْتَهُ أَوْ أَظْهَرْتَهُ ، وَكُلِّ

که انجام داده‌ام، آن را کتمان نمودم یا علنی ساختم، پنهان کردم یا آشکار نمودم؛ و هر

سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ ، الَّذِينَ

کار بدی را که به نویسندگان بزرگوارت دستور ثبت آن‌ها را داده‌ای؛ همان نویسندگان بزرگواری که

وَكَتَبْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي ، وَجَعَلْتَهُمْ شُهَدَاءَ

موظّف به حفظ و ثبت اعمال من کرده‌ای و آنان را به همراه اعضا و جوارح خودم به عنوان شاهد و گواه رفتار

عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي ، وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ

من قرار داده‌ای؟ و از طرفی خودت نیز پیشاپیش آنها مواظب و مراقب رفتارم بوده‌ای و هر چه از

وَرَائِهِمْ ، وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ ، وَبِرَحْمَتِكَ

آنان مخفی شده است را نیز خودت گواه بوده‌ای؛ البته، کارهای مخفی را خودت به واسطهٔ رحمت

أَخْفَيْتَهُ ، وَيَفْضَلِكَ سَتَرْتَهُ ، وَأَنْ تُوقِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ

پنهان نمودی و به فضل خودت پوشیدی. و از تو می‌خواهم فراوان کنی حظّ و نصیبم را از هر

خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ ، أَوْ إِحْسَانَ فَضْلَتَهُ ، أَوْ بَرًّا تَسْتُرْتَهُ ، أَوْ

خیر و خوبی که فرو می‌فرستی، یا هر احسان و نیکی که لطف می‌کنی؛ یا هر خوبی که بین بندگانت پخش نمودی،

رِزْقٍ بَسَطْتَهُ ، أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ ، أَوْ خَطَايَا تَسْتُرُهُ . يَا

یا روزی و نصیبی که گسترده ساختهای، یا هر گناهی که بخشیده‌ای، یا هر اشتباهی که آن را پنهان داشته‌ای.

رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ ، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ

پروردگارا؛ پروردگارا؛ پروردگارا؛ ای خدای من؛ و آقای من؛ و مولای من؛

وَمَالِكِ رِقِّي ، يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَّتِي ، يَا عَلِيمًا بِضُرِّي

و مالک هستی من؛ ای کسی که اختیار و زمام من در دست اوست؛ ای کسی که بیچارگی

وَمَسْكَنتِي ، يَا خَيْرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي . يَا رَبِّ يَا رَبِّ

و درماندگی‌ام را می‌دانی؛ ای کسی که از نیازمندی و بی‌نوابی من آگاهی؛ ای پروردگارا؛ ای پروردگارا؛

يَا رَبِّ ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ ، وَأَعْظَمَ صِفَاتِكَ

ای پروردگار؛ از تو می‌خواهم به حقّ خودت و پاکیت، و بزرگ‌ترین صفات

وَأَسْمَائِكَ ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

و نام‌هایت؛ که تمام لحظه‌های شب و روزم را

بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً ، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً ، وَأَعْمَالِي

با یادت آباد کنی؛ و پیوسته در خدمت خودت قرار دهی؛ و کارهایم را

عِنْدَكَ مَقْبُولَةً ، حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْزَادِي كُلُّهَا

نزد خودت پذیرفته‌شده قرار دهی؛ تا آن که تمام کارها و وردهایم

وَرَدًا وَاحِدًا ، وَخَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا . يَا سَيِّدِي

یک ورد (و یک جهت) باشد، و حال من در خدمت تو پاینده باشد. ای آقای من؛

يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي ، يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي ، يَا

ای کسی که تکیه‌گاه و مورد اعتمادم، تنها تو هستی؛ ای کسی که بد حالی‌هایم را تنها به تو شکایت می‌کنم؛

رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ ، قُوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي ،

پروردگارا؛ پروردگارا؛ پروردگارا؛ اعضا و جوارحم را برای خدمتگزاریت نیرومند کن،

وَأَشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي ، وَهَبْ لِي الْجِدْفِي

و دلم را بر قصد و آهنگ به سوی خودت محکم گردان، و نصیبم کن که به طور جدّی از تو

حَشِيَّتِكَ ، وَالِدَّوَامَ فِي الْأَتْصَالِ بِخِدْمَتِكَ ، حَتَّى

در هراس باشم، و همیشه و به طور دایم به خدمت تو بپردازم؛ تا

**أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ، وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي**

در نتیجه در میدان‌های پیشی‌گیرندگان به سوی تو روانه‌گردم، و در زمرهٔ کسانی که

**الْبَارِزِينَ، وَأَشْتاقَ إِلَيَّ قُرْبِكَ فِي الْمُسْتَأَقِينَ،**

نمودار گشته‌اند به سرعت به سوی تو بیایم، و در زمرهٔ مشتاقانت با شوق فراوان به مقام قرب تو راه پیدا

**وَأَدْنُو مِنْكَ دُنُوَ الْمُخْلِصِينَ، وَأَخَافُكَ مَخَافَةً**

کنم، و همچون نزدیک بودن اهل اخلاص به تو نزدیک‌گردم، و همانند ترسی که

**الْمُوقِنِينَ، وَأَجْتَمِعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ. اللَّهُمَّ**

اهل یقین از تو دارند بتروسم؛ و در جوار رحمتت با مؤمنان گرد آیم. یا اله!

**وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ، وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ،**

هرکس قصد بدی در مورد من دارد، خودت در موردش قصد بد کن؛ و هرکس برایم مکر و حيله‌ای فراهم

**وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ، وَأَقْرَبَهُمْ**

کند، تو نیز با او مکر کن؛ و مرا از بهترین بنده‌های بهر‌مند در نزد خودت، و از کسانی‌که نزدیک‌ترین

**مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ**

جایگاه معنوی را نسبت به تو دارند، و بهترین درجه را به ایشان اختصاص داده‌ای. فرارده؛ زیرا، این‌ها

**ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ، وَجُدْ لِي بِجُودِكَ، وَاعْظِفْ عَلَيَّ**

جز با فضل و فزون‌بخشی تو به دست نمی‌آید؛ و با سخاوت‌مندیت بر من ببخشای، و

دعای حضرت خضرعليه السلام (... دعای کمیل)

**بِمَجْدِكَ، وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ لِسَانِي**

با بزرگواری و شکوهت بر من عطوفت و مهربانی کن، و با رحمتت مرا حفظ کن؛ و زبانم

**بِذِكْرِكَ لَهْجاً، وَقَلْبِي بِحَبِّكَ مُسْتَيْماً، وَمَنْ عَالِيَّ**

را به ذکر و یاد خود گویند، و قلمم را از دوستیت بی‌قرار ساز، و

**بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ، وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي، وَاعْفُرْ زَلَّتِي،**

با اجابت نیکو به درخواست من بر من منت گذار، و از لغزش من درگذر و لغزشم را نادیده بگیر؛

**فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ، وَأَمَرْتَهُمْ**

زیرا، تو به بندگانت دستور دادی تو را بپرستند، و بر آنان امر کرده‌ای تا تو را

**بِدُعَائِكَ، وَصَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ. فَسَإِلُكَ يَا رَبِّ**

بخوانند، و در مقابل نیز ضمانت کرده‌ای که اجابتشان کنی. پس پروردگارا!

**نَصَبْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي،**

به سوی تو روی آوردم، و دستم را تنها به طرف تو دراز کردم؛

**فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي، وَبَلِّغْنِي مُنَايَ،**

پس، تو را به عزّتت سوگند؛ دعایم را مستجاب فرما، و مرا به آرزویم برسان،

**وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي، وَاکْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ**

و امیدم را از فضلت قطع مکن، و از شرّ دشمنانم چه جنتی

وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي . يَا سَرِيعَ الرَّضَا ، اغْفِرْ لِمَنْ

و چه آدمی، مرا در امان دار و کفایت کن . ای کسی که زود راضی می‌شوی؛ بیامرز کسی را که

لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ ، فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ ، يَا مَنْ

جز دعا کاری از دستش نمی‌آید؛ زیرا، تو کاری را که بخواهی به طور کامل انجام می‌دهی . ای کسی

اسْمُهُ دَوَاءٌ ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ ، وَطَاعَتُهُ غِنَى ، إِرْحَمْ مَنْ

که نامش، دواست؛ و یادش، شفاست؛ و فرمان‌برداریش، مایه بی‌نیازی است؛ رحم کن به کسی

رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ ، وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ ، يَا سَابِغَ النَّعْمِ ،

که سرمایه‌اش امید است، و تنها اسلحه‌اش گریه است . ای فروزینده نعمت‌ها؛

يَا دَافِعَ النَّعْمِ ، يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ ، يَا

ای برطرف‌کننده سختی‌ها و مجازات‌ها؛ ای روشنی وحشت‌زدگان در تاریکی‌ها؛ ای

عَالِمًا لَا يُعَلِّمُ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَفَعَلَ

عالمی که تعلیم داده نشده‌ای؛ بر محمد و آل محمد درود پیوسته بفرست، و آن

بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأَيِّمَةِ

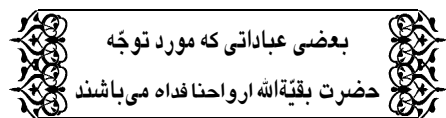
چنان که شایسته و بایسته‌توست یا من رفتار کن . و درود پیوسته خداوند بر فرستاده‌اش و امامان

الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ ، وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا . ۱

پربرکت از آل او؛ و سلام بسیارش بر آنان باد .

۱ . مصباح‌المتهجذ: ۸۴۴، مفتاح‌الجنان: ۱۲۶ .

### خاتمه کتاب یا ملحقات



بعضی عباداتی که مورد توجه

حضرت بقیة الله ارواحنا فداه می‌باشند

در این قسمت، زیارت عاشورا و دعای علقمه را بیان می‌کنیم:

#### زیارت عاشورا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

سلام بر تو ای ابا عبدالله؛ سلام بر تو ای پسر

رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ

رسول خدا؛ سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان، و پسر

سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ

سرور اوصیا؛ سلام بر تو، ای پسر حضرت فاطمه، سرور

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَارَ اللَّهِ وَابْنَ تَارِهِ ،

زنان جهانیان؛ سلام بر تو، ای خون خدا، و پسر خون خدا،



وَالْوَيْتَرِ الْمُؤْتُوْرَ ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْاَزْوَاحِ الَّتِي

و خونی که به ناحق ریخته شده و تاکنون انتقامش گرفته نشده؛ سلام بر تو و بر روان‌های پاک‌ی

حَلَّتْ بِفِنَائِكَ ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللهِ اَبَدًا مَا

که در آستان تو آرمیدند؛ من، بر تمامی شما، سلام الهی را - تا زنده‌ام و

بَقِيْتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ . يَا اَبَاعَبْدِاللهِ لَقَدْ عَظُمَتْ

تا شب و روز باقی است - نثار می‌کنم. ای ابا عبدالله؛ به راستی که سوگ تو

الرَّزِيَّةُ ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى

بسیار بزرگ بود، و مصیبت تو بر ما و بر

جَمِيعِ اَهْلِ الْاِسْلَامِ ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي

تمام مسلمانان بسیار گران و سنگین و بزرگ است؛ و مصیبت تو در

السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ اَهْلِ السَّمَاوَاتِ ، فَلَعَنَ اللهُ

آسمان‌ها بر تمام اهل آسمان‌ها بزرگ و گران آمد. پس خدا لعنت کند

اُمَّةً اَسَّسَتْ اَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ اَهْلَ

مردمی را که پایهٔ ستم و جور بر شما اهل بیت را بنا نهادند؛

الْبَيْتِ ، وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ ،

و خدا لعنت کند مردمی را که شما را از جایگاهتان دور کردند؛

وَأَزَالَتُكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللهُ فِيهَا، وَعَنَ

و از مرتبه‌ها و درجاتی که خداوند، شما را در آن مرتبه‌ها قرار داده بود، رانند؛ و خداوند لعنت کند

اللهُ اُمَّةً قَتَلْتَكُمْ ، وَلَعَنَ اللهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِاَلتَّمَكِينِ

مردمی را که شما را کشتند؛ و خدا لعنت کند کسانی را که زمینهٔ جنگ را برای دشمنان با قافر

مِنَ قِتَالِكُمْ ، بَرَأْتُ إِلَى اللهِ وَ اِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنَ

ساختن آنان به جنگ با شما فراهم کردند؛ من به سوی خدا و شما از آنان، و از

اَشْيَاعِهِمْ وَاَثْبَاعِهِمْ وَاَوْلِيَائِهِمْ . يَا اَبَاعَبْدِاللهِ ، اِنِّي

پیروان آنها، و دنباله‌روان آنها، و دوستان و موالیان آنها بیوزاری می‌جویم. ای ابا عبدالله؛ من، نسبت به

سَلِمَ لِمَنْ سَأَلْتَكُمْ ، وَحَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ اِلَى يَوْمِ

کسانی که با شما سازش دارند، سازش دارم؛ و با کسانی که به جنگ شما برخیزند، سر جنگ دارم تا روز

الْقِيَامَةِ ، وَلَعَنَ اللهُ آلَ زِيَادٍ وَّآلَ مَرْوَانَ ، وَلَعَنَ اللهُ

قیامت. و خدا لعنت کند آل زیاد، و آل مروان را، و خدا لعنت کند

بَنِي اُمَيَّةَ قَاطِبَةً ، وَلَعَنَ اللهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ ، وَلَعَنَ اللهُ

تمام افراد خاندان بنی امیه را، و خدا لعنت کند پسر مرجانه را، و خدا لعنت کند

عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ ، وَلَعَنَ اللهُ شِمْراً ، وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً

عمر بن سعد را، و خدا لعنت کند شمر را، و خدا لعنت کند مردمی را که

أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَسَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ ، يَا بَيْي أَنْتَ

اسبها را زین کردند و لجام زدند، و نقاب زدند برای جنگیدن با تو. پدر

وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ ، فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ

و مادرم فدایت؛ به راستی که مصیبت تو بر من بسیار گران آمده است؛ پس از خداوند،

مَقَامَكَ ، وَأُكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يُرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكَ مَعَ

که مقام و منزلت تو را ارجمند ساخت، و مرا نیز به واسطهٔ تو گرامی داشت؛ در خواست می‌کنم

إِمَامٍ مَّنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

که خون‌خواهی تو را به همراه امام پیروزمندی از اهل بیت محمد ـ که درود خدا بر او

وَأَلِيهِ . اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ

و آل او باد ـ نصیبم سازد. خدایا؛ مرا نزد خودت به واسطهٔ امام حسین ـ که

السَّلَامِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ ، إِنِّي

سلام بر او باد ـ در دنیا و آخرت، ابرومند قرار بده. ای ابا عبدالله؛ من

أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

به درگاه خدا و رسولش و امیر مؤمنان؛

وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَالسَّيِّدِ بِمُؤَالَاتِكَ ،

و فاطمهٔ زهرا، و امام حسن و تو، خود را نزدیک می‌سازم با دوستی و موالات تو،

وَيَا لِبَرَاءَةِ مِمَّنْ قُتِلَتْكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ ،

و نیز با بیزاری‌جستن از نبردکنندگان و برپاکنندگان آتش جنگ علیه تو؛

وَيَا لِبَرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ ،

و نیز با بیزاری از هر کسی پایهٔ ستم و جور به شما را بنا نهاد.

وَأَبْرءُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ

و به خدا و رسولش بیزاری خود را را اعلام می‌دارم از کسی که پایهٔ این کارها را بنا نهاد،

ذَلِكَ ، وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ ، وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجْرَهُ

و بنیان خویش را بر آن بنا نهاد، و ستم و جور خود را

عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ . بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَالْإِيكُمُ

بر شما و شیعیان شما روا داشت. به خدا و نیز به شما بیزاری خود را

مِنْهُمْ ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ

از آنان اعلام می‌کنم . و به سوی خدا و نیز به سوی شما تقرب می‌جویم، با دوستی شما

وَمُؤَالَاتِهِ وَلِيَّكُمْ ، وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالتَّاصِبِينَ

و دوستی دوستان شما، و نیز با بیزاری‌جستن از دشمنان شما و کسانی که آتش جنگ را علیه شما

لَكُمْ الْحَرْبَ ، وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَشْبَاعِهِمْ ،

برپا کردند، و نیز با اعلام بیزاری از بیروان‌شان و دنباله‌روان آن‌ها.

۵۷۸

منتخب صحیفهٔ مهدیه

إِنِّي سَلِمٌ لِّمَنْ سَأَلَمَكُمُ، وَحَزْبٌ لِّمَنْ حَارَبَكُمُ،

من یا کسانی که با شما سازش دارند، سازش دارم، و سر جنگ دارم با هر که با شما سر جنگ دارد.

وَوَلِيٌّ لِّمَنْ وَالَاكُمُ، وَعَدُوٌّ لِّمَنْ عَادَاكُمُ، فَأَسْأَلُ اللَّهَ

و دوست هستم نسبت به کسی که با شما دوستی کند، و دشمن هستم نسبت به کسی که با شما دشمنی کند؛

الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَاءِكُمْ،

بدین‌سان، از خداوند - که با شناخت شما و اولیای شما بر من ارج نهاده،

وَرَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ

و بیزاربودن از دشمنان‌تان را نصیبم ساخته است - درخواست می‌کنم تا

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ

در دنیا و آخرت، مرا با شما قرار دهد؛ و قدم راستی و درستی نزد شما را

صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ

در دنیا و آخرت برایم ثابت و استوار گرداند، و نیز درخواست می‌کنم مرا به جایگاه

الْمَحْمُودِ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِي مَعَ

پسندیده‌ای که شما نزد خدا دارید برساند؛ و خون‌خواهی را همراه

إِمَامٍ مَّهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ

آمام هدایتگری از شما که آشکار و گویندهٔ به حق است، نصیبم سازد، و از خدا درخواست می‌کنم

زیارت عاشورا

۵۷۹

بِحَقِّكُمْ، وَبِالشَّأْنِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ، أَنْ يُعْطِيَنِي

به خاطر حق شما و به منزلتی که در پیشگاه او دارید، به واسطهٔ

بِمُضَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطِي مُضَابًا بِمُضِيبَتِهِ

مصیبتی که به جهت شما به من رسیده، پرازش‌ترین ثوابی را که به مصیبت‌زدگان می‌دهد، عطایم

مُضِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي

کند؛ مصیبتی که چه بسیار بزرگ بود، و سوگی که در اسلام و در

جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي

تمام آسمان‌ها و زمین، گران تمام شده است. بار الها؛ در

مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَسْأَلُهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ

این جایگاهی که هستم، مرا از کسانی قرار ده که درودها و رحمت

وَمَغْفِرَةٌ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ

و آموزش تو، به ایشان می‌رسد. بار الها؛ طرز زندگی

مُحَمَّدٍ، وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ

و مرگ مرا همانند زندگی و مرگ محمد و آل محمد قرار بده. بار الها؛

إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَّيَّةَ، وَابْنُ آكَلَةِ الْأَكْبَادِ

امروز، روزی است که بنی‌امیه و پسر زن (هنده) جگر خواره آن را مبارک شمردند؛

**اللَّعِينُ بْنُ اللَّعِينِ عَلِيُّ لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى**

همان فرزند ملعون پسر فرد لعنت شده بر زبان تو و بر زبان پیامبرت که درود

**اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ**

خدا بر او و آل او باد؛ در هر جا که وقوف کرد و جای گرفت

**نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . اللَّهُمَّ السَّعْنَ أَبَاسُغِيَانَ**

پیامبر تو - درود خدا بر او و آل او باد - . بار الها؛ ابوسغیان،

**وَمُعَاوِيَةَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ ، عَلَيْهِمُ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدًا**

معاویه و یزید را لعنت کن؛ از سوی تو لعنت تا ابد و همیشه

**الْأَيْدِيْنَ ، وَهَذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ**

بر آن‌ها باد. و امروز روزی است که آل زیاد و آل مروان خوشحال شدند که

**يَقْتُلُهُمُ الْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ . اللَّهُمَّ فَضَاعِفُ**

توانسته‌اند حسین -که درودهای خدا بر او باد- را به قتل برسانند. خدایا، به این خاطر،

**عَلَيْهِمُ اللَّعْنُ مِنْكَ وَالْعَذَابُ الْأَلِيمُ . اللَّهُمَّ إِنِّي**

لعنت و عذاب دردناکت را بر ایشان چند برابر کن. بار الها؛ به راستی که من

**أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ ، وَفِي مَوْقِفِي هَذَا وَأَيَّامِ**

در این روز (عاشورا)، و در این جایگاه، و در تمام روزهای

**حَيَاتِي بِالْبِرَاثَةِ مِنْهُمْ ، وَاللَّعْنَةَ عَلَيْهِمْ ، وَبِالْمُؤَالَاتِ**

زندگانیم، با بیزاری جستن از این دشمنان، و لعنت فرستادن بر ایشان؛ و با دوستی و موالات

**لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ .**

پیامبرت و آل پیامبرت - که بر او و ایشان درود باد -؛ به تو تقرب می‌جویم و به درگاهت نزدیک می‌شوم.

سپس صد مرتبه بگویید: **اللَّهُمَّ الْعَنِ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ**

بار الها؛ اولین کسی را که در حق

**مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَآخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ . اللَّهُمَّ**

محمد و آل محمد ستم روا داشت، و آخرین فردی که در این ستم از او پیروی کرد، لعنت کن؛ خدایا؛

**الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ ، وَشَايَعَتْ**

جماعتی را که به نبرد با حسین <sup>علیه السلام</sup> پرداخت، و گروهی که در کشتن آن حضرت از آنان

**وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ . اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعًا .**

پیروی، بیعت و دنباله‌روی کردند، لعنت کن. خدایا؛ همهٔ آنها را لعنت کن.

سپس صد مرتبه بگویید: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ،**

سلام بر تو ای ابا عبدالله؛

**وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ ، عَلَيْكَ مِثِّي**

و بر جان‌ها و روان‌هایی که در آستانت آرمیدند، سلام همیشگی

**سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ ، وَلَا**

خداوند از من بر تو باد تا هنگامی که من هستم و شب و روز باقی است.

**جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ ، السَّلَامُ عَلَيَّ**

خدا این زیارت را آخرین زیارتم از شما قرار ندهد؛ سلام بر

**الْحُسَيْنِ وَعَلَيَّ عَيِّي بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ**

حسین و بر علیّ بن الحسین و بر فرزندان

**الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ .**

حسین، و بر یاران حسین.

آن گاه بگوئید: **أَللّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ**

بار الها؛ اوّلین ظالم و ستمکار را به لعنت من گرفتار کن؛

**مِنِّي ، وَابْدَأْ بِهِ أَوْلًا ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّالِثَ وَالرَّابِعَ .**

و این لعنت را ابتدا بر اوّلی، سپس دوّمی و سوّمی و چهارمی بفرست.

**أَللّهُمَّ الْعَنَ يَزِيدَ خَامِسًا ، وَالْعَنَ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنَ زِيَادٍ**

خدایا؛ یزید را به عنوان پنجمین نفرشان لعنت کن، و عبیدالله فرزند زیاد،

**وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْرًا وَآلَ أَبِي**

و پسر مرجانه، و عمر پسر سعد، و شمر، و آل

**سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ .**

ابوسفیان، و آل مروان را تا روز قیامت، لعنت کن.

و در سجده بگوئید: **أَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ**

بار الها؛ ستایش برای توست، آن ستایشی که شکرگزاران بر

**عَلَى مُصَابِهِمْ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزِيَّتِي . أَللّهُمَّ**

مصیبت‌های‌شان نسبت به تو دارند، ستایش برای خداست در این مصیبت بزرگ من . بارالها!

**ارزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ ، وَتَسَبَّ لِي**

شفاعت امام حسینﷺ را هنگام ورود به صحنهٔ قیامت نصیبم کن، و

**قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ ،**

گام صادقانه را برای من با حسین و یارانش، در نزد خودت استوار کن؛

**الَّذِينَ بَدَلُوا مُهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . ۱**

همان‌هایی که جان‌شان را به پای حسین - که بر او درود باد - ریختند.

- ↑ البلد الأمين: ۳۸۲، مفاتیح الجنان: ۹۰۳.

علامهٔ امینی رضوان الله علیه می‌فرماید: علامه صولی شریف شیروانی در کتاب «الصدف: ۱۹۹/۲» از مشایخ و اساتید بزرگوارش یکی پس از دیگری تا از امام هادی عليه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: هر کس زیارت عاشورا را بخواند و بعد از آن یک مرتبه بگوید: **أَللّهُمَّ الْعَنَ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ...** تا به آخر ، و بعد از آن بگوید:

۵۸۴ منتخب صحیفهٔ مهدیه

پس از زیارت دو رکعت نماز بخوانید ، و بعد از آن دعای علقمه را قرائت کنید .

**دعای بعد از زیارت عاشورا(دعای علقمه)<sup>۱</sup>**

**يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ ، يَا**

ای خدا، ای خدا؛ ای خدا؛ ای که دعای بیچارگان را مستجاب می‌کنی؛ ای

**كٰشِفِ كَرْبِ الْمَكْرُوْبِيْنَ ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيْثِيْنَ ، يَا**

که اندوه اندوهگینان را برطرف می‌سازی؛ ای که به داد دادخواهان می‌رسی؛ ای

**صَرِيْحَ الْمُسْتَصْرِخِيْنَ ، وَيَا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ مِنْ**

که فریاد کمک‌خواهان را پاسخ می‌دهی؛ و ای که از

**حَبْلِ الْوَرِيْدِ ، وَيَا مَنْ يَحْوُلُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهٖ ، وَيَا**

رگ گردنم به من نزدیک‌تری؛ و ای که بین شخص و قلبش حایل می‌شوی؛ و ای
→ **اَللّٰهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيْعًا تَشَعُّا وَتَشَعِيْنَ مَرَّةً،** و بعداز آن بگوید: **اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَبَاعَبْدِاللّٰهِ، وَعَلَى الْاَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِقِنَائِكَ** تا به آخر. سپس بگوید: **اَلسَّلَامُ عَلَی الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيٍّ بِنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ** تشعاً وِتَشَعِيْنَ مَرَّةً، مانند کسی است که صد مرتبه لعن و سلام را از اول تا آخر به طور کامل خوانده است. (آدب الزائر: ۶۰)

۱. در جریان مرحوم سیّد رشتی نقل شده که وقتی به او فرمودند: زیارت عاشورا بخوان، زیارت عاشورا و دعای علقمه را از حفظ خواند در حالی که قبلاً هیچ یک از آن دو در حافظه‌اش نبود و این نکته‌ای است لطیف که خواندن دعای علقمه نیز مورد توجه است .

دعای علقمه

۵۸۵

**مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَىٰ وَبِالْأَفْقِ الْمُبِينِ، وَيَا مَنْ هُوَ**

که در بالاترین دیدگاه قرار داری، و در افق روشن هستی؛ و ای کسی که

**الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوَىٰ ، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ**

او بخشنده و مهربان است و بر عرش سلطه دارد، ای کسی که

**خَائِبَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُوْرُ ، وَيَا مَنْ لَا يَخْفَىٰ**

خیانت چشم‌ها، و آنچه را که سینه‌ها پنهان می‌کند، می‌دانی؛ و ای کسی که هیچ پنهانی از او

**عَلَيْهِ خَافِيَةٌ . يَا مَنْ لَا تَشْتَبِيهِ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ ، وَيَا**

پنهان نیست؛ ای کسی که صداها را با یکدیگر اشتباه نمی‌کند؛ و ای

**مَنْ لَا تَعْلَطُهُ الْحَاجَاتُ ، وَيَا مَنْ لَا يُسْبِرُمُهُ الْحَاحُ**

کسی که خواسته‌ها او را به اشتباه نمی‌اندازد؛ و ای کسی که اصرار

**الْمَلْحَبِيْنَ ، يَا مُدْرِكُ كُلِّ قُوْتٍ ، وَيَا جَامِعَ كُلِّ شَمَلٍ ،**

اصرارکنندگان، او را به رنج نمی‌اندازد؛ ای درباندهٔ از دست رفته‌ها، و ای گردآورندهٔ پراکنده‌گی‌ها؛

**وَيَا بَارِيَّ النَّفْسِ بَعْدَ الْمَوْتِ ، يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ**

و ای که پس از مرگ، روان‌ها را دوباره به وجود می‌آوری؛ ای کسی که هر روزی

**فِي شَأْنٍ، يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ ، يَا مُنَفِّسَ الْكُرْبَاتِ ،**

در شأنی هستی؛ ای برآورندهٔ حاجت‌ها و خواسته‌ها، ای برطرف‌کنندهٔ گرفتاری‌ها و بلاها؛

يَا مُعْطِي السُّؤْلَاتِ ، يَا وَلِيَّ الرَّغْبَاتِ ، يَا كَافِي

ای عطا کنندهٔ خواسته‌ها، ای عهده‌دار خواهش‌ها؛ ای بسنده در

المُهِمَّاتِ ، يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ

امور مهمّ؛ ای کسی که از هر چیزی کفایت‌کننده هستی، ولی هیچ

شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

چیز در آسمان‌ها و زمین از او کفایت نمی‌کند؛ از تو می‌خواهم به حقّ محمد

خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ، وَعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَيَحَقُّ فَاطِمَةَ

- که آخرین پیامبران است . . و علی که امیر مؤمنان است، و به حقّ فاطمه

بِنْتِ نَبِيِّكَ ، وَيَحَقُّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ، فَإِنِّي بِهِمْ

- دختر پیامبرت . . و به حقّ حسن و حسین، که من همانا

أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا ، وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ ، وَبِهِمْ

در این جایگاهی که هستم تنها به واسطهٔ آن‌ها به تو روی آورم، و به واسطهٔ ایشان توسّل و

أَتَشَفَّعُ إِلَيْكَ ، وَيَحَقُّهُمْ أَسْأَلُكَ وَأُقْسِمُ وَأُعْزِمُ

شفاعت به درگاهت می‌جویم؛ به حقّ ایشان از تو درخواست می‌کنم و سوگندت می‌دهم؛

عَلَيْكَ ، وَبِالسُّأَنِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ ، وَبِالْقَدْرِ الَّذِي

و به جایگاهی که آنان نزد تو دارند، و به ارزشی که

لَهُمْ عِنْدَكَ ، وَيَا الَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ،

نزد تو دارند، و به واسطهٔ آن چیزی که آنان را بر جهانیان برتری بخشیدی.

وَيَا سَمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَيِهِ حَصَصْتَهُمْ دُونَ

و به واسطهٔ نامت که نزدشان قرار دادی و آن نام را تنها و تنها به ایشان اختصاص دادی و به هیچ

الْعَالَمِينَ ، وَيِهِ أَبْنَتُهُمْ ، وَأَبْنَتَ فَضْلُهُمْ مِنْ فَضْلِ

یک از جهانیان ندادی؛ و به واسطهٔ آن نام، ایشان را جدا کردی و فضل‌شان را نیز از فضل و ارزش

الْعَالَمِينَ حَتَّىٰ فَاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِينَ جَمِيعاً .

دیگران جدا نمودی و در نهایت فضیلت آنان بر فضیلت و ارزش تمام جهانیان برتری یافت؛

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ

(به واسطهٔ همهٔ این‌ها) از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود پیوسته نثار کنی؛

تُكْشِفَ عَنِّي عَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي ، وَتُكْفِينِي الْمُهِمَّ

و غم و اندوه و گرفتاری مرا برطرف کنی؛ و در امور مهمّ مرا

مِنْ أُمُورِي ، وَتَقْضِيَ عَنِّي دِينِي ، وَتُجِبِرَنِي مِنْ

کفایت کنی؛ و بدهکاریم را از طرف من بپرداز، و از

الْفَقْرِ ، وَتُجِبِرَنِي مِنَ الْفَاقَةِ ، وَتُعِينَنِي عَنِ الْمَسْأَلَةِ

فقر و ناداری، و از تنگدستی رهائیم بخشی، و مرا از درخواست کردن

إِلَى الْمَخْلُوقِينَ ، وَتَكْفَيْتِي هَمَّ مَنْ أَخَافَ هَمَّهُ ،

از مخلوقات بی‌نیاز کنی، و کفایتم کنی از همّ و غمّ هر که از همّ و غمّ او می‌ترسم؛

وَعُسْرَ مَنْ أَخَافَ عُسْرَهُ ، وَحُزُونََ مَنْ أَخَافَ

و از سختی هر که از سختی او می‌ترسم، و اندوه هر که از اندوه او می‌ترسم،

حُزُونََتَهُ ، وَشَرَّ مَنْ أَخَافَ شَرَّهُ ، وَمَكْرَ مَنْ أَخَافَ

و از شرّ هر که از شرّ او می‌ترسم؛ و از نیرنگ هر که از نیرنگ او می‌ترسم،

مَكْرَهُ ، وَبَغْيِي مَنْ أَخَافَ بَغْيِي ، وَجَوْرَ مَنْ أَخَافَ

و از ستم هر که از ستم او می‌ترسم، و از جور هر که از جور او می‌ترسم،

جَوْرَهُ ، وَسُلْطَانَ مَنْ أَخَافَ سُلْطَانَهُ ، وَكَيْدَ مَنْ

و از سلطنت و چیرگی هر که از چیرگی او می‌ترسم، و از دام‌گستری هر که از

أَخَافَ كَيْدَهُ ، وَمَقْدَرَةَ مَنْ أَخَافَ مَقْدَرَتَهُ عَلَيَّ ،

کید او می‌ترسم، و از قدرت‌مندی هر که از توانمندی او بر خودم می‌ترسم،

وَتَرَدَّدَ عَنِّي كَيْدَ الْكَيْدَةِ ، وَمَكْرَ الْمَكْرَةِ . اللَّهُمَّ مَنْ

و توطئه و مکر و حيلهٔ مکاران و حيله‌گران را نیز از من دور کن . بار الها ! هر کس

أَرَادَنِي فَأَرِدْهُ ، وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ ، وَأَصْرَفَ عَنِّي

ارادهٔ بد برآیم دارد، تو در مورد او اراده فرما، و هر که دام و توطئه‌ای برآیم دارد، همان را

كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَأْسَهُ وَأَمَانِيَهُ ، وَأَمْنَعُهُ عَنِّي كَيْفَ

به خودش برگردان، و حيله و نیرنگ و بدی و دام‌هایش را از من برگردان؛ و هر گونه

شِئْتِ وَأَنْتَى شِئْتِ . اللَّهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تَجْبِرُهُ ،

می‌خواهی و هر زمان می‌خواهی او را از من باز دار . بار الها ! او را مشغول کن به فقری جبران‌ناشدنی،

وَيَبْلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ ، وَيِفَاقَةٍ لَا تَسُدُّهَا ، وَيَسْتَقِمُّ

و یلابی آشکار و پنهان‌نشدنی، و به تنگدستی و نیازی که چاره ندارد، و بیماری که

لَا تُعَافِيهِ ، وَذُلٍّ لَا تُعِزُّهُ ، وَيَمْسِكَنِي لَا تَجْبِرُهَا . اللَّهُمَّ

عافیت و بهبودی ندارد، و خواری که عزّتی برایش نیست، و بدبختی جبران‌ناپذیر . خدایا !

اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصَبَ عَيْنِيهِ ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِي

ذَلَّتْ و خواری را همواره نصب‌العین او و در مقابل چشمش قرار بده، و فقر و نیازمندی

مَنْزِلِهِ ، وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ فِي بَدَنِهِ حَتَّى تَشْغَلَهُ عَنِّي

را وارد منزلش کن، و بدنش را گرفتار بیماری و درد کن؛ تا از یاد من بیرون رود

بِشُغْلِ شَاغِلٍ لَا فِرَاحَ لَهُ ، وَأَنْسِيهِ ذِكْرِي كَمَا أَنْسَيْتَهُ

با مشغله‌هایی که رهایی از آن وجود نداشته باشد؛ و یادم را از یادش ببر، همان‌گونه که

ذَكَرَكَ ، وَحَدُّ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَلِسَانِهِ وَيَدِهِ

یادت را از یادش برده‌ای؛ و چشم و گوش و زبان و دست و



وَرَجْلِهِ وَقَلْبِهِ وَجَمِيعِ جَوَارِحِهِ ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ فِي

یا و قلب و تمام اعضایش را مانع شو تا به من آسیبی نرساند، و تمام آن اعضایش را نیز

جَمِيعِ ذَلِكَ السُّقْمِ ، وَلَا تَشْفِهِ حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ لَهُ

بیمار کن و شفایش مده، تا پیوسته مشغول بیماریش باشد

شُغْلًا شَاغِلًا بِهِ عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي ، وَ أَكْفِنِي يَا كَافِي

و به فکر آزار و از من و یاد من غافل گردد. و مرا کفایت کن؛ ای

مَا لَا يَكْفِينِي سِوَاكَ ، فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا كَافِي سِوَاكَ ،

آنچه را که غیر تو کفایت نمی‌کند؛ تو کفایت‌گری هستی که جز تو کفایت‌گر و بسنده‌ای وجود ندارد؛

وَمُفَرِّجٌ لَا مُفَرِّجَ سِوَاكَ ، وَمُعِيبٌ لَا مُعِيبَ سِوَاكَ ،

و گشایشگری هستی که جز تو گشایشگری نیست؛ و فریادرسی هستی که جز تو فریادرسی نیست

وَجَارٌ لَا جَارَ سِوَاكَ ، خَابَ مَنْ كَانَ جَارُهُ سِوَاكَ ،

و پناهنده‌ای هستی که جز تو پناهنده‌ای نیست ، به مطلوب نرسید هر کس به غیر تو پناه برد،

وَمُعِيبُهُ سِوَاكَ ، وَمَفْرَعُهُ إِلَى سِوَاكَ ، وَمَهْرِيَّهُ إِلَى

و فریادرسش غیر تو باشد، و پناهگاهش غیر تو باشد، و گریزگاهش به غیر تو باشد،

سِوَاكَ ، وَمَلْجَأُهُ إِلَى غَيْرِكَ ، وَمَنْجَاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ

و تکیه‌گاهش به غیر تو باشد و محل نجاتش جز تو باشد،

غَيْرِكَ ، فَأَنْتَ ثِقْتِي وَرَجَائِي وَمَفْرَعِي وَمَهْرَبِي

پس تویی مورد اطمینان، امید، پناهگاه، گریزگاه،

وَمَلْجَإِي وَمَنْجَايَ ، فَبِكَ اسْتَفْتِحُ ، وَبِكَ اسْتَنْجِعُ ،

تکیه‌گاه، و محل نجات من؛ بدین جهت است که تنها از تو درخواست پیروزی و کامیابی می‌کنم،

وَبِسْمِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ ، وَأَتَوَسَّلُ

و تنها به واسطهٔ محمد و آل محمد به سوی تو روی می‌آورم و توسل می‌جویم

وَأَتَشَفَّعُ . فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ ، فَلَكَ الْحَمْدُ ،

و شفاعت می‌طلبم. خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ از تو درخواست می‌کنم. سپاس

وَلَكَ الشُّكْرُ ، وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكَى ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ ،

و ستایش، سزاوار تو است به درگاه تو شکوه و شکایت آورم و تو مددکار هستی؛

فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پس، از تو درخواست می‌کنم، ای خدا؛ ای خدا؛ ای خدا؛ به حق محمد و آل محمد

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَكْشِفَ

بر محمد و آل محمد درودی پیوسته نثار کنی و از تو می‌خواهم در

عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي فِي مَقَامِي هَذَا كَمَا

همین جا که هستم برطرف سازی غم و هم و گرفتاری‌ام را همان‌گونه که از پیامبر عزیزت، گرفتاری،

كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَعَمَّهُ وَكَرْبَهُ، وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ

اندوه، مصیبت، بلا، و ترس از دشمنش را برطرف کردی و برایش بسنده بودی.

عَدُوِّهِ، فَاکْشِفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ، وَفَرِّجْ عَنِّي

از من برطرف کن اندوهم را همان گونه که از ساحت مقّس او برطرف کردی، و برایم گشایشی عنایت فرما همان

کَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ، وَاکْفِنِي كَمَا كَفَيْتَهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي

گونه که برای آن حضرت گشایش مرحمت کردی، و کفایت کن مرا همان گونه که او را کفایت نمودی. از من بگردان

هَوْلَ مَا أَخَافُ هَوْلَهُ، وَمَوْوَتَهُ مَا أَخَافُ مَوْوَتَهُ،

ترس آنچه را که از آن بیمناکم، و زحمت آنچه را که از زحمت آن ترسناکم،

وَهُمْ مَا أَخَافُ هَمَّهُ بِلا مَوْوَتِهِ عَلَي نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ،

و اندوه آنچه را که از اندوهش هراسناکم بدون زحمتی که از آن ناحیه بر من وارد شود.

وَاصْرِفْنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي، وَكَفَايَةِ مَا أَهْمَنِي هَمُّهُ

و مرا حاجت‌روا بگردان؛ و امور مهمّ

مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ. يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا

دنیا و آخرتم را کفایت کن و مرا بگردان. ای امیر مؤمنان؛ و ای

عَبْدَ اللَّهِ عَلَيْكُمَا مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَيَقِي

ایا عبدالله؛ سلام الهی را پیوسته، تا من هستم

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ

و تا شب و روز هست نثار شما دو بزرگوار می‌نمایم؛ خدا این زیارت را آخرین دیدار و

زِيَارَتِكُمَا، وَلَا فَرَّقَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنِكُمَا. اَللّهُمَّ

زیارتم از شما عزیزان قرار ندهد؛ و خدا میان من و شما جدایی نیاندازد. بار الها؛

أَحْيِنِي حَيَوَةَ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ، وَأَمْسِنِي مَمَاتِهِمْ،

مرا زنده بدار آن گونه که حضرت محمد و فرزندانش را زندگی بخشیدی و مانند مردن ایشان بمیران؛

وَتَوَقَّئِي عَلَى مِلَّتِهِمْ، وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ،

و بر ملت و دین آنان قیض‌روحم کن؛ و در زمرهٔ‌شان محشور کن؛

وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا

و به قدر حتی یک چشم برهم‌زدن بین من و ایشان در دنیا

وَالْآخِرَةِ. يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَتَيْتُكُمَا

و آخرت جدایی میفکن. ای امیر مؤمنان و ای ابا عبدالله الحسین؛ من،

زَائِرًا وَمُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمَا، وَمَتَوَجِّهًا إِلَيْهِ

به عنوان یک زائر شما، و توسّل‌جوینده به خدا به واسطهٔ شما دو نفر، و روی‌آورنده به سوی خدا

بِكُمَا، وَمُسْتَشْفِعًا بِكُمَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي حَاجَتِي

به واسطهٔ شما دو نفر، و شفاعت‌طلب به سوی خدا به واسطهٔ شما دو نفر، در مورد این خواسته‌ام؛

هَذِهِ، فَاشْفَعَا لِي، فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ.

خدمت‌تان شرفیاب شده‌ام. پس، برایم نزد خدا شفاعت کنید؛ زیرا شما دارای مقامی ستوده‌شده،

وَالْجَاهَ الْوَجِيبَ، وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيلَةَ، إِنِّي

آبرویی شایسته، و جایگاهی والا، و وسیله و واسطه نزد خدا هستید؛ من

أَنْقَلِبُ عَنْكُمْ مُنْتَظِرًا لِتَنْجِزِ الْحَاجَةِ وَقَضَائِهَا

از خدمت‌تان مرخص می‌شوم ولی انتظار می‌کشم که خواسته‌ام را حتمی، برآورده

وَنَجَاحِهَا مِنْ اللَّهِ بِشَفَاعَتِكُمَا لِي إِلَى اللَّهِ فِي ذَلِكَ،

و کامیاب، با شفاعت شما نزد خدا دریافت کنم.

فَلَا أَخِيبُ وَلَا يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا خَائِبًا خَاسِرًا بَلْ

خدا کند، من سرخورده و ناکام نشوم، و بازگشتم با سرخوردگی و زیان همراه نباشد؛ بلکه

يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا رَاجِحًا رَاجِحًا مُفْلِحًا مُنْجِحًا

بازگشتی کام‌یابانه، امیدبخش، رستگار و پیروزمندانه از

مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي، وَتَشَفُّعَا لِي إِلَى

برآورده‌شدن تمام حاجت‌هایم باشد؛ و - از شما دو نفر می‌خواهم - برایم نزد خدا شفاعت ویژه‌ای انجام

اللَّهِ. إِنْقَلَبْتُ عَلَى مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

دهید. با اعتقاد و تمسک به این‌که تنها خواست خداوند انجام می‌شود، و نیز هیچ نیرو و جنبشی جز از

بِاللَّهِ، مُمَوِّضًا أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، مُلْجَأً ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ،

ناحیهٔ خداوند وجود ندارد، رهسپار می‌شوم؛ البته، امورم را به خدای واگذار می‌کنم، و تکیه بر لطف او

مُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ، وَأَقُولُ حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى، سَمِعَ اللَّهُ

می‌دهم، و توکل بر او می‌کنم و می‌گویم: خدا برایم بس و کافی است؛ خدا، دعای

لِمَنْ دَعَى، لَيْسَ لِي وَرَاءَ اللَّهِ وَوَرَائِكُمْ يَا سَادَتِي

همهٔ دعاکنندگان را می‌شنود؛ برای من جز خدا و شما - ای بزرگان من -

مُتَّهِي، مَا شَاءَ رَبِّي كَانَ، وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، وَلَا

درگاهی نیست؛ هر چه پروردگارم بخواهد همان می‌شود، و هر چه نخواهد به هیچ وجه انجام نمی‌شود؛ و

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، أَسْتَوِدِعُكُمْ اللَّهُ، وَلَا جَعَلَهُ

هیچ نیرو و جنبشی جز از ناحیهٔ خداوند، نیست؛ با شما دو عزیزم خداحافظی می‌کنم؛

اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمْ. أَنْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا

خدا تکند این آخرین دیدارمان باشد. ای

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَ، وَأَنْتَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا

امیر مؤمنان، آقای من، مولای من؛ و نیز، تو ای ابا عبدالله، ای

سَيِّدِي، وَسَلَامِي عَلَيْكُمَا مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّسِيلُ

آقای من؛ در حالی از خدمت‌تان رهسپار وطن می‌شوم که سلام من بر شما همانند اتصال شب

وَالنَّهَارُ، وَاصِلٌ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ، غَيْرٌ مَّحْجُوبٍ عَنْكُمْ

و روز، پیوسته و متصل خواهد بود، و به شما دو بزرگوار خواهد رسید، و امیدوارم که از رسیدن به

سلامی ان شاء الله، و آسائله بَحَقِّكُمْ أَنْ يَشَاءَ ذَلِكَ

شما باز نماند و پنهان نشود (ان شاء الله)، و نیز، به واسطه حق شما از خدا می خواهم که این را

وَيَفْعَلَ، فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ. انْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمْ

بخواهد و انجام دهد؛ زیرا خداوند ستوده شده و شکوهمند است. آقایان و سروران من؛ در حالی از

ثَابِتاً حَامِداً لِلَّهِ، شَاكِراً رَاجِعاً لِلْإِجَابَةِ، غَيْرَ آيِسٍ

خدمتتان رهسپار و مرخص می شوم که توبه کننده، ستایشگر، سپاسگزار و امیدوار به اجابت

وَلَا قَانِطٍ، آتِيباً عَائِداً رَاجِعاً إِلَيَّ زِيَارَتِكُمْ، غَيْرَ

خداوند هستم، و مأیوس و ناامید نیستم؛ در حالی که خدمتتان خواهم آمد و دوباره زیارتتان

رَاجِعٍ عَنْكُمْ، وَلَا مِنْ زِيَارَتِكُمْ، بَلْ رَاجِعٌ عَائِداً

خواهم کرد، و از شما رو نخواهم گرداند، و نسبت به زیارت شما نیز بی میل نخواهم شد؛ بلکه، اگر خدا

إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. يَا سَادَتِي

بخواهد دوباره بازگشت خواهم کرد؛ البته می دانم که هیچ نیرو و جنبشی، جز از ناحیه خداوند نیست، ای سروران

رَغِبْتُ إِلَيْكُمْ وَإِلَى زِيَارَتِكُمْ بَعْدَ أَنْ زَهَدَ فَيْكُمْ

من؛ به شما و زیارتتان مشتاق هستم و روی آورم، با آن که

وَفِي زِيَارَتِكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا، فَلَا حَبِيبِي اللَّهُ مَا رَجَوْتُ

دنیاپرستان از شما و زیارتتان رو گردانده اند؛ خداوند نسبت به آنچه امید دارم مرا محروم نگرداند.

وَمَا أَمَلْتُ فِي زِيَارَتِكُمْ، إِنَّهُ قَرِيبٌ مُّجِيبٌ. ۱.

و آنچه را در زیارت شما آرزو دارم ناکام نسازد؛ در واقع، خداوند نزدیک و پاسخ دهنده است.

**کتاب «صحیفه مهديه»****در چاپ‌های متعدّد و به زبان‌های گوناگون:**

این کتاب در صدها هزار نسخه به زبان‌های عربی، فارسی، اردو و ... منتشر شده و مورد استقبال زیاد واقع گردیده، و مدرک کتاب‌های فراوانی قرار گرفته است.

**عربی:**

- ۱- «الصحيفة المباركة المهديّة»: این کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۷۷ هـ در ۷۶۰ صفحه منتشر شد و به سرعت نسخه‌های آن نایاب گردید و سپس ۴۰۰ صفحه بر مطالب آن افزوده شده است.
- ۲- «الصحيفة المهديّة أو المختار من الصحيفة المباركة المهديّة»: این کتاب برگزیده جالبی از کتاب فوق است.
- ۳- «الصحيفة المهديّة المنتخبة»: این کتاب منتخب دیگری از کتاب فوق است که در ۳۲۸ صفحه به قطع جیبی در ده‌ها هزار نسخه منتشر شده است.
- ۴- «الصحيفة المهديّة المنتخبة»: همان کتاب قبلی است که در ۴۰۰ صفحه به قطع نیم‌جیبی منتشر شده است.

**فارسی:**

- ۱- «صحیفه مهديه»: این کتاب ترجمه کتاب «الصحيفة المهديّة» است که در ۵۶۰ صفحه وزیری منتشر شده و تاکنون بارها به چاپ رسیده است.
- ۲- «منتخب صحیفه مهديه»: این کتاب منتخب کتاب «صحیفه مهديه» است که در ۳۳۶ صفحه به قطع جیبی چندین بار چاپ شده است.
- ۳- «منتخب صحیفه مهديه»: همان کتاب قبلی است که در ۴۱۶ صفحه به قطع نیم‌جیبی در ده‌ها هزار نسخه چاپ و پخش شده است.
- ۴- «صحیفه مهديه»: با ترجمه تمامی دعاها و زیارات که در ۷۵۲ صفحه به قطع وزیری در ده‌ها هزار نسخه چاپ و منتشر شده است.
- ۵- «منتخب صحیفه مهديه»: این کتاب، منتخب کتاب قبلی است و در ۵۵۲ صفحه به قطع جیبی منتشر شده است.
- ۶- «منتخب صحیفه مهديه»: همان کتاب قبلی است که در ۶۰۰ صفحه به قطع نیم‌جیبی منتشر شده است.

**اردو:**

- ۱- «صحیفهٔ مهدیه»: این کتاب ترجمهٔ «صحیفهٔ مهدیه» است که به اردو ترجمه شده و در هندوستان توسط انتشارات «عباس بک ایجنسی لکنهو ۳» منتشر شده است.
- ۲- «صحیفهٔ مهدیهٔ منتخب»: این کتاب ترجمهٔ «منتخب صحیفهٔ مهدیه» است که به اردو ترجمه و منتشر شده است.
- ۳- «صحیفهٔ مهدیه»: این کتاب، ترجمهٔ دیگری از کتاب «صحیفهٔ مهدیه» می‌باشد که توسط یکی از دانشمندان پاکستان به اردو ترجمه شده است.

#### انگلیسی و...

- ۱- «منتخب صحیفهٔ مهدیه»: به زبان انگلیسی، گجراتی، سندی و تبتی نیز ترجمه شده است و ان شاء الله به زودی در اختیار عموم قرار می‌گیرد.

تلفن مرکز پخش قم: ۲۶۱۳۸۲۱-۷۷۳۳۴۵۷